

مرکز بررسی اسناد تاریخی



شابک X-۳۱-۵۶۴۵-۹۶۴-X-31-5645-964-ISBN

قیمت: ۲۲۰۰ تومان



مطبوعات عصر پهلوی

مجله تهران مصور

۱	۹۱۰
۲۹	۱۱

استاد تاریخی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۴۹۵۶۱

مطبوعات عصر پهلوی

به روایت اسناد ساواک

کتاب اول

مجله تهران مصور

مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

تهران، اردیبهشت ماه ۱۳۷۹

مطبوعات عصر پهلوی
به روایت اسناد ساواک

کتاب اول

مجله تهران مصور

چاپ اول

اردیبهشت ۱۳۷۹

شمارگان

۵۰۰۰ نسخه

مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

همه حقوق محفوظ است

شابک:

۹۶۴-۵۶۴۵-۳۱-X

ISBN - 964 - 5645 - 31 - X

قیمت ۲۲۰۰۰ ریال

● فهرست مطالب

فهرست مطالب

مقدمه	یک
مطبوعات ایران از تولد تا انقلاب اسلامی	دو
ویژگی مطبوعات فارسی پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲	هشت
وظیفه اصلی مطبوعات	هشت
مشکلات مطبوعات پس از مرداد ۱۳۳۲	نه
اقدامات نظارتی و کنترلی رژیم پهلوی بر جراید و مطبوعات ایران	ده
دوره رضاخان	ده
دوره محمدرضا پهلوی	یازده
توقیف سراسری مطبوعات و لایحه اصلاح قانون مطبوعات	دوازده
مطبوعات ایران از نخست‌وزیری دکتر مصدق تا پایان حکومت پهلوی	دوازده
وابستگی کامل مطبوعات به دولت	سیزده
روشهای تفتیش و نظارت	پانزده
تهران مصور در یک نگاه	هفده
تهران مصور در آئینه اسناد ساواک	نوزده
اقدامات کنترلی و نظارتی ساواک بر نشریه تهران مصور	نوزده
تهران مصور ابزاری برای اخاذی	سی و شش
تهران مصور و کمکهای ساواک	چهل
اقدامات حکومت و ساواک در محدودسازی تهران مصور به دلیل ابتذال	چهل و دو
تهران مصور در سرایش سقوط	چهل و هفت
تهران مصور در پایان خط	چهل و نه
عبداله والا	پنجاه و پنج
احوال شخصی	پنجاه و شش
عبداله والا و خاندان پهلوی	پنجاه و هشت
عبداله والا در نقش فراماسونری	شصت
عبداله والا و علی امینی	شصت و سه

- مخالفت‌های والا با هویدا..... شصت و چهار
- عبداله والا و حزب مردم..... شصت و شش
- ارتباط با رژیم صهیونیستی..... شصت و هفت
- اسناد ساواک بر حسب موضوع..... شصت و نه
- اسناد ساواک بر حسب تاریخ..... ۲۴۶
- جستاری به سایر منابع..... ۳۰۵
- ※ اشخاص..... ۳۰۷
- احمد آرامش..... ۳۱۱
- حسین آزموده (سپهبد)..... ۳۱۳
- جعفر اخوان..... ۳۱۳
- عزیز اعظم زنگنه..... ۳۱۳
- حسین افشار..... ۳۱۵
- منوچهر اقبال (دکتر)..... ۳۱۶
- مصطفی الموتی..... ۳۱۹
- صدرالدین الهی..... ۳۱۹
- علی اصغر امیرانی..... ۳۲۰
- علی امینی..... ۳۲۰
- عبدالرضا انصاری..... ۳۲۱
- سلیمان انوشیروانی..... ۳۲۲
- تیمور بختیار (سپهبد)..... ۳۲۲
- فرامرز برزگر..... ۳۲۲
- سلیمان بهبودی..... ۳۲۲
- علی بهزادی..... ۳۲۳
- حسن پاکروان (سرلشگر)..... ۳۲۳
- محسن پزشکپور..... ۳۲۴
- اسماعیل پوروالی..... ۳۲۴
- جهانگیر تفضلی..... ۳۲۴
- نعمت‌اله جهانبانویی..... ۳۲۵

۳۲۵	علی قلی حسین ادهم
۳۲۵	ناصر خدایار
۳۲۵	قدرت خدایاری
۳۲۶	عطاءاله خسروانی
۳۲۶	ابراهیم خواجه نوری
۳۲۷	احمد دهقان
۳۳۰	اسماعیل راثین
۳۳۱	هلاکو رامبد
۳۳۱	محمد جواد رجاء
۳۳۱	کریم روشنیان
۳۳۲	عبداله ریاضی
۳۳۲	اردشیر زاهدی
۳۳۴	کاظم زرنگار
۳۳۴	حسن سراج حجازی
۳۳۵	فضلاله سلجوقی
۳۳۵	تراب سلطانیور
۳۳۵	بهرام شاهرخ
۳۳۶	علی اکبر صفی پور
۳۳۶	سید عبدالکریم طباطبایی
۳۳۷	یحیی عدل
۳۳۷	حسن عرب
۳۳۸	امیر هوشنگ عسگری
۳۳۸	حسین علاء
۳۳۸	اسدالله علم
۳۳۹	احمد علی آبادی
۳۳۹	سید حسین فاطمی
۳۴۱	ناصر قلی فرهادپور
۳۴۱	محمود قوام صدری

- ۳۴۱ منوچهر کریمی (سرهنگ).
- ۳۴۱ سجاد کریمیان.
- ۳۴۲ احمد کسروی.
- ۳۴۲ حمید کفایی.
- ۳۴۲ غلامرضا کیانپور.
- ۳۴۳ حسینیقلی مستعان.
- ۳۴۴ عباس مسعودی.
- ۳۴۵ فرهاد مسعودی.
- ۳۴۵ سید حسن مصطفوی نائینی.
- ۳۴۵ نصرت‌اله معینیان.
- ۳۴۶ کمال‌الدین موسوی.
- ۳۴۶ محسن موقر.
- ۳۴۶ حسین مه‌ری.
- ۳۴۶ مهدی میراشرافی.
- ۳۴۷ ایرج نبوی.
- ۳۴۸ حسین نجفی.
- ۳۴۸ سید علی نصر.
- ۳۴۹ خسرو هدایت.
- ۳۵۰ مهندس سعید هدایت.
- ۳۵۰ هادی هدایتی.
- ۳۵۱ ابراهیم همایونفر.
- ۳۵۱ اسماعیل یگانگی.
- ۳۵۳ * اماکن، انجمنها و نشریات
- ۳۵۴ انجمن بوعلی سینا.
- ۳۵۵ باشگاه خورشید تابان.
- ۳۵۵ باشگاه رازی.
- ۳۵۸ تماشاخانه تهران.
- ۳۵۹ حزب مردم.

۳۶۱	سندیکای چاپخانه‌داران
۳۶۱	فراماسونری - انجمنهای جانبی لژها
۳۶۲	فراماسونری - انواع لژها
۳۶۳	فراماسونری - چگونگی پذیرش عضویت
۳۶۵	فراماسونری - نحوه رای‌گیری
۳۶۶	فراماسونری - علائم و رموز
۳۶۶	فراماسونری - مراسم تنصیب استاد لژ
۳۶۷	فراماسونری - مراحل سیر در لژها
۳۷۰	فراماسونری - منابع مالی و نحوه تأمین آن
۳۷۱	فراماسونری - نحوه تشکیل جلسات
۳۷۱	کلوپ روتاری
۳۷۲	لژ آریا
۳۷۳	لژ اصفهان
۳۷۶	لژ اهواز
۳۷۷	لژ تهران
۳۸۰	لژ ژاندارک
۳۸۰	لژ خیام
۳۸۳	لژ کورش
۳۸۵	لژ نور
۳۸۵	نشریه آتش
۳۸۶	نشریه بامشاد
۳۸۶	نشریه ترقی
۳۸۶	نشریه خواندنیها
۳۸۶	نشریه سپید و سیاه
۳۸۶	نشریه سحر
۳۸۷	نشریه صبح امروز
۳۸۷	نشریه صدای ملیون
۳۸۸	اعلام

سخن ناشر

مطبوعات از جمله عواملی به شمار است که در هر عصر و زمانی چگونگی اوضاع و احوال اجتماعی عصر خود را بیان می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت: کاوش و بررسی آنها در تحلیل آن دوره بسیار راهگشا خواهد بود.

در عصر پهلوی‌ها که یک دوره پنجاه ساله، حکومت مستبدانه را در بر می‌گیرد، بالطبع مطبوعات همواره در یک چارچوب تعریف شده و بر اساس سیاست‌های دیکته شده به فعالیت اشتغال داشتند و اگر هم زمانی به مسائل انتقادی می‌پرداختند، تنها توجه و عنایت آنها به شاخ و برگ‌ها بود و از کنار نقطه اصلی که منشاء تمامی مشکلات و مصائب و فسادها محسوب می‌شد، با تغافل و بی‌اعتنایی و بیشتر از روی خوش خدمتی می‌گذشتند.

وابستگی سردمداران مطبوعات، در این دوران به بیگانگان از سوئی و پایگاه‌های قدرت داخلی از دیگر سو، موجب شده بود تا با تبلیغات گسترده - علاوه بر تحکیم مبانی حکومت ستمشاهی - بر جدایی مردم از اسلام و علمای اسلام تأکید ورزند و با اشاعه فحشا، فساد را در نسل جوان جامعه، فراگیر و نهادینه نمایند.

این مرکز پس از انتشار آثاری از مبارزات و فداکاریهای علمای اسلام، تحت عنوان «یاران امام به روایت اسناد ساواک» و همچنین افشای گوشه‌ای از جنایات رژیم طاغوت تحت عنوان «بزم اهریمن» و دیگر آثار منتشره، بر آن شد تا با انتشار اسناد مطبوعات عصر پهلوی، نقش این جراید فاسد را در توطئه‌ای که هماهنگ با اربابان استعماری و حکومتگران طاغوتی - در راستای تحکیم مبانی حکومت ستمشاهی و دین زدائی و... صورت می‌گرفت، بر ملا سازد و از این رهگذر، بخشی

از زوایای تاریخ این مرز و بوم را به تصویر کشیده، برای همیشه در حافظه در تاریخ به ثبت برساند. در این کتاب که به بررسی مجله تهران مصور به مدیریت عبدالله والا پرداخته، موارد زیر رعایت گردیده است.

۱- اسناد به ترتیب تاریخی چیده شده و بجز اسناد تکراری، تمامی اسناد پرونده تهران مصور آورده شده است.

۲- مواردی که نیاز به گویاسازی داشته، اعم از زندگینامه مختصر رجال و شرح برخی وقایع تاریخی، انجام و در حاشیه اسناد ارائه گردیده است. این گویا سازی در بعضی اسناد، به صورت توضیح سند با سندی دیگر صورت پذیرفته که تصویر آنها در بخش ضمیمه کتاب آورده شده است.

۳- در این مجموعه از هرگونه ویرایش اسناد خودداری شده تا حتی الامکان حال و هوای سند حفظ شود. فقط در مواردی که غلط‌های بارز بچشم می‌خورد، صحیح کلمات در داخل [] آمده است.

۴- چون همه اسناد به گونه‌ای خوانا در تصاویر آمده است، از حروف چینی سربرگ‌ها خودداری گردیده است.

۵- در آغاز و انجام بسیاری از اسناد برخی علائم و رموز وجود دارد که از تفصیل آن خودداری شد اما عمده آن رمزها عبارتند از:

نظریه شنبه: نظریه منبع نفوذی ساواک و گزارشگری است که از طریق مشاهده مستقیم یا از راه‌های دیگر ارائه شده است.

نظریه یکشنبه: نظریه رهبر عملیات است که پس از گزارش منبع، آن را تأیید یا تحلیل می‌کند.

نظریه دوشنبه: نظریه رئیس دایره عملیات است.

نظریه سه شنبه: نظریه امنیت داخلی است.

نظریه چهارشنبه: نظریه رئیس سازمان اطلاعات و امنیت است.

کدهای زیرین هم اسم رمز ساواک‌های مراکز استانها است.

۱ هـ (ساواک گیلان)، ۲ هـ (ساواک مازندران)، ۳ هـ (ساواک آذربایجان شرقی)، ۴ هـ (ساواک

آذربایجان غربی)، ۵ هـ (ساواک کرمانشاه)، ۶ هـ (ساواک خوزستان)، ۷ هـ (ساواک فارس)، ۸ هـ

(ساواک کرمان)، ۹ هـ (ساواک خراسان)، ۱۰ هـ (ساواک اصفهان)، ۱۱ هـ (ساواک سیستان و

بلوچستان)، ۱۲ هـ (ساواک کردستان)، ۱۳ هـ (ساواک همدان)، ۱۴ هـ (ساواک سمنان)، ۱۵

هـ (ساواک لرستان)، ۱۶ هـ (ساواک بوشهر)، ۱۷ هـ (ساواک هرمزگان)، ۱۸ هـ (ساواک کهگیلویه و

بویر احمد)، ۱۹هـ (ساواک چهار محال بختیاری)، ۲۰هـ (ساواک تهران)، ۲۱هـ (ساواک قم)، ۲۲هـ (ساواک اراک)، ۲۳هـ (ساواک قزوین)، ۲۴هـ (ساواک ایلام)، ۲۵هـ (ساواک زنجان)، ۲۶هـ (ساواک یزد) بوده‌اند.

همچنین مقصد خیر نیز با علائم رمز عنوان شده است که قریب به اتفاق آنها مربوط به ادارات و بخشهای تابعه اداره کل سوم (امنیت داخلی) ساواک بوده است.

مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

● پیشگفتار

پیشگفتار

از هنگامی که میرزا صالح شیرازی در سال ۱۲۱۵ هـ ش نخستین روزنامه ایرانی را با عنوان ((اخبار وقایع دارالخلافه تهران)) منتشر نمود، صفحات و اوراق مطبوعات ایرانی مملو از حوادث و مطالب تلخ و شیرین، مترقی و مرتجع، دینی و ضد دینی، ارزشی و ضد ارزشی، اخلاقی و ضد اخلاقی، انقلابی و ضدانقلابی بوده است.

هر چند مطبوعات و روزنامه‌نگاری از جلوه‌های بورژوازی، آزادیخواهی، دموکراسی و رکن چهارم نظام‌های غربی بشمار می‌رفت ولی در سرزمین ایران سرنوشت مطبوعات به گونه‌ای دیگر رقم خورده بود. مطبوعات و روزنامه‌ها به عنوان ابزار حکومت با همزاد خود یعنی اداره سانسور پا به عرصه حیات نهاد و تا سالیان دراز ویژگی وابسته و دولتی بودن را با خود به یدک می‌کشید. در ایام استبداد و خفقان دوران قاجار تا هنگام انقلاب مشروطیت کمتر جریده‌ای و مطبوعه‌ای مستقل بود و بسیاری از آنان آشکار و نهان ابزار طبقه حاکم و دربار بودند.

با انقلاب مشروطه تعدادی از نشریات مستقل و آزادیخواه پا به عرصه حیات سیاسی و اجتماعی کشور نهادند و کم و بیش تا روی کار آمدن دیکتاتوری رضاخان به ترویج و نشر عقایدی مستقل از ایدئولوژی طبقه حاکم پرداخته و تا حدودی تعلق خاطر مردمی داشتند ولی پس از آن رژیم کودتا و اختناق رضاخان صداهای استقلال و آزادیخواهی را در سینه‌ها خفه کرد و با ایجاد رعب، وحشت، قتل و غارت حتی به آن تعداد نشریات مستقل و مردمی نیز اجازه زندگی

* برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد اشخاص، نام اماکن، انجمن‌ها، نشریات و... می‌توانید به فصل جستاری به سایر منابع رجوع نمایید.

نداد.

موج جدید انتشار جراید و نشریات مستقل و مردمی در سال ۱۳۲۰ و پس از فرار رضاخان و سرنگونی حکومت او همچنین جنگ جهانی دوم آغاز شد و تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ادامه داشت. پس از تثبیت رژیم استبداد و خفقان محمدرضا پهلوی، نهال روزنامه‌ها و جراید مستقل، سازنده و اصلاح طلب خشکید و جای آن را علف‌های هرز نشریات وابسته، غیر مردمی و مبتذل پوشاند و سالها طول کشید تا شاهد نشریاتی پرمحتوا و غنی و مستقل باشیم.

پس از کودتای ۲۸ مرداد تا سال ۱۳۵۷ صحنه مطبوعات، شاهد تکتازی و اقتدار نشریاتی بود که به نفع رژیم سلطنتی می‌نوشتند و برای تحکیم و ترویج بنیادهای حکومت می‌کوشیدند. در این عرصه نشریات مستقل و مردمی مجالی برای عرض اندام نداشته و یا پس از مدتی طومار حیات آنها در هم پیچیده می‌شد.

در این مجال بر آن شده‌ایم که با به تصویر کشیدن ظهور و سقوط نشریات وابسته و غیر مردمی، به نقش و روابط آنان در حکومت پهلوی بپردازیم.

نوشتاری که در پیش رو دارید صحنه‌هایی از یک بررسی تحقیقی با بهره‌گیری از اسناد ساواک و دربار پیرامون نشریه تهران مصور است. این نشریه نمونه بارزی از ((لمپزیم مطبوعاتی)) است که علاوه بر کوشش در تحکیم بنیادهای نظام پهلوی و مقابله با جریانات و حرکت‌های مردمی از طریق نشر اخبار جعلی و خلاف واقع، از امکانات روزنامه‌نگاری در هتک حرمت افراد، سند سازی برای اخاذی و ترویج مطالب مبتذل و ضد اخلاقی برای سست کردن بنیادهای اخلاقی جامعه نیز سوءاستفاده فراوان نمود.

مطبوعات ایران از تولد تا سال ۱۳۵۷

از سال ۱۲۱۵ تا سال ۱۳۵۷ خورشیدی تعداد ۴۳۷۶ نشریه به عضویت خانواده مطبوعاتی کشور درآمدند که همه آنها از نظر سبک، فاصله و طول مدت انتشار، محل، زبان و همچنین محتوا، همسان نبوده‌اند. بسیاری از مطبوعات زاده نشده، درگذشتند. تعدادی تنها به چاپ طلایه توفیق یافتند، یا آنهایی که یک یا چند شماره به جای روزنامه دیگر ظاهر شدند، آنهایی که رگ حیاتشان با تیغ سانسور بریده شد و آنهایی که ارگان احزاب و دستجات بودند و با جمع شدن بساط حزب و گروه، چراغ‌شان خاموش شد.

از بدو تولد روزنامه ایرانی تا سال ۱۲۸۰ تعداد ۵۲ عنوان نشریه وجود داشت افزایش نشریات، تابع ((جو سیاسی کشور)) و کاست نشریات، نتیجه ((مصالح)) دولت بوده

است. همچنانکه تناسب ((افزایش)) ملایم و تدریجی آغاز روزنامه‌نگاری تا نیمه اول دهه ۱۲۸۰ ناگهان به سبب وقایع مشروطیت تغییر می‌کند و در سالهای ۸۴ - ۱۲۸۰ در مجموع ۱۷ روزنامه جدید اعلام موجودیت می‌کنند، در سال ۱۲۸۵ به تنهایی این رقم به ۹۸ عنوان می‌رسد و پس از آن هفت سال نزولی را در پیش داریم که تا سال ۱۲۹۲ تعداد نشریات در ۱۱ عنوان توقف می‌نماید. اما بار دیگر منحنی سیر صعودی پیموده و در سالهای ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۴ خود را به نیمه راه رکود دوران مشروطیت می‌رساند. در فاصله سال‌های ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۴ تعداد عناوین جدید مطبوعات به ترتیب ۸۰ و ۵۸ و ۶۷ عنوان است.

از سال ۱۳۰۵ که با سلطنت رضاخان مقارن است، دوباره تعداد مطبوعات به سرایش سقوط می‌افتند و سال به سال علاوه بر آنکه از تعداد مطبوعات در حال انتشار کاسته می‌شود، از نشریات جدید نیز خبری نیست. با خاموشی پی در پی علائم حیات نشریات در سال ۱۳۰۸، شاهدیم که تنها دو عنوان جدید مطبوعاتی اعلام موجودیت می‌کنند.

حوادث شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران توسط نیروهای انگلیس، شوروی، امریکا و سپس ایجاد فضای باز که ناشی از ضعف محمدرضا بود، بازار مطبوعات را داغ می‌کند. چنانکه در نیمه اول دهه سال ۱۳۲۰ تعداد ۷۴۳ عنوان نشریه بر فهرست مطبوعات افزوده می‌شود. تخلیه تدریجی خاک وطن از قوای دولتهای متجاوز، بازار مطبوعات را سرد نمی‌کند، زیرا وقایع مختلف داخلی که مسئله نفت، خلع ید از انگلیسیها و ملی شدن نفت در راس همه و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علاقه و توجه مردم را به سرنوشت خود و هیجانات سیاسی برمی‌انگیزد، انعکاس را در مندرجات مطبوعات و در تعداد عناوین می‌یابیم، چنانچه فقط در هفت سال ۱۳۲۶ تا سال ۱۳۳۲ تعداد ۱۷۱۸ عنوان جدید از چاپخانه بیرون می‌آید.

در ربع قرن ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ با تحکیم پایه‌ها و ستونهای رژیم خودکامه محمدرضا پهلوی، منحنی تعداد نشریات سقوط می‌کند. تعداد عناوین جدید، همدوش مطبوعات در حال انتشار کاستی می‌گیرد. هر چند انتشار نخستین روزنامه ایرانی در سال ۱۲۱۵ در میان آنهایی که تا آن روز، روزنامه ندیده بودند هیجانی بیا کرد، اما با فروکش کردن ولوله اولیه، اقبال عمومی محدود شد. چهارده سال طول کشید تا مطالب روزنامه دوم در سال ۱۲۲۹ به چاپخانه رسید و باز هفت سال دیگر گذشت تا نوبت چاپ سومین نشریه رسید.

از آن پس کم و بیش سالانه یک تا سه عنوان روزنامه جدید انتشار یافت تا در دهه هشتاد نخستین بیاخواهی همگانی مشروطیت فرا می‌رسد. اگر تا این هنگام مردم کمتر روزنامه می‌خریدند و دولت آن را برای مقامات ارشد می‌فرستاد و آبونمان را از حقوقشان کسر می‌کرد و به

همین دلیل روزنامه ((زورنامه)) لقب گرفته بود. حال مردم، مطبوعات مخالف استبداد را با میل ابتیاع می‌کردند. در صورتی که دولت به توقیف و تعطیل آنها می‌پرداخت، شبنامه‌ها را می‌خواندند و دست به دست یا سینه به سینه رد می‌کردند، چنین علاقه‌ای را مطبوعات دوره اول بنیان نهادند. در این دوره ۶۹ عنوان روزنامه به راه افتاد که بیست و سه عنوان خبری، سیزده عنوان سیاسی، نه عنوان فرهنگی، شش عنوان اجتماعی، چهار عنوان علمی-فنی، چهار عنوان ادبی-تاریخی، دو عنوان دینی، یک عنوان پزشکی و بقیه متفرقه محسوب می‌شوند. در این دوره سوا از روزنامه‌های فارسی زبان، دو عنوان ارمنی، دو عنوان آشوری، یک عنوان آذری و دو عنوان فرانسه داریم.

محدودیت‌هایی چون ابتدایی بودن وسایل چاپ سربی در این دوره سبب بوده تعدادی از عناوین با چاپ‌های ژلاتین و سنگی بیرون آیند. چنانکه چند روزنامه به روش اول و چهل عنوان با چاپ سنگی در اختیار افرادی قرار می‌گرفت که به مطبوعات دسترسی داشتند. ضمناً در این مدت تنها با نام ۵۵ مؤسس و مدیر در مطبوعات برمی‌خوریم.

در سالهای ۱۲۸۵ الی ۱۳۰۰، تعداد ۴۸۹ عنوان جدید به زیور چاپ آراسته گشت و افزایش عناوین در این پانزده سال هفت برابر هفتاد سال پیش از آن بود.

در سالهای ۱۲۸۵ الی ۱۳۰۰ جمعیت‌ها و احزاب، ارگان‌های مطبوعاتی پیا داشتند. به طوری که تعداد مطبوعاتی که ارگان احزاب و انجمن‌ها بودند به شش رسید. البته آن دسته از نشریات که غیررسمی و غیر مستقیم از احزاب جانبداری می‌کردند و به قول امروز ((سمپات)) بودند فراتر از این رقم می‌باشد.

در این دوران، زبان مطبوعات هم همانند تعداد آن، از تنوع بیشتری برخوردار شد. نه فقط زبان‌های عربی، انگلیسی و عبری برای خود جا باز کردند، بلکه تعداد مطبوعات دو زبانی نیز بیشتر شد. نمودار گروه زبان به این ترتیب جلوه می‌کند: ارمنی شانزده عنوان، آذری شش عنوان، آشوری و فرانسه هر کدام دو عنوان، عربی، عبری و انگلیسی هر کدام یک عنوان. دو زبانی‌ها نیز به این شرح است: فارسی-آذری سه عنوان. فارسی-فرانسه سه عنوان. فارسی-عربی، فارسی-عبری، فارسی-انگلیسی و فارسی-روسی هر کدام یک عنوان. متفرقه هم چهار عنوان.

اگر چه بر تعداد چاپخانه‌ها در طول این مدت اضافه شد ولی چاپ‌های ژلاتین و سنگی هنوز به میزان قابل ملاحظه‌ای متداول بود. با افزایش مطبوعات عده آنهائی هم که به سلک مؤسس و مدیر درآمدند بالا رفت و به ۵۷۶ نفر رسید.

به کلامی دیگر، بیش از ده برابر دوره پیش.

سالهای ۱۳۰۰ الی ۱۳۰۴ شاهد یک دوره بحران سیاسی، منتج به انتقال قدرت از خاندان قاجار به طایفه رضاخان بود. در این مدت سیصد و چهل و چهار عنوان تازه به مطبوعات افزوده شد که نصاب آن با ۸۰ عنوان به هر یک از دو سال ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ تعلق گرفت. اهمیت مطبوعات در سطح کشور برای دومین دفعه نمودار شد و مطبوعات به قول معروف امتحان خود را دادند. ولی قبولی در این امتحان، واکنش سریعی را پس از به سلطنت رسیدن رضاخان به همراه داشت. اختناق سیاسی گلوی مطبوعات را بیش از هر قسمت دیگر فشرده و روزنامه‌ها و مجلات معدودی را هم که اجازه انتشار داشتند به تدریج به مطالب سرگرم‌کننده، رمانهای پاورقی و مسائل ساده اجتماعی محدود ساخت. گویی حوادث سال‌های قبل از جنگ جهانی دوم اصلاً روی نمی‌داد تا در روزنامه‌های ما مورد تفسیر قرار گیرد و ایرانیان را با جریانات سیاسی روز آشنا سازد.

زیادتر شدن چاپخانه‌ها و توسعه وسایل چاپ، از تعداد روزنامه‌های چاپ ژلاتین و چاپ سنگی کاست. به طوری که در این مدت روزنامه با چاپ ژلاتین نداشتیم. چاپ سنگی، آنهم در دهه ۱۳۰۰ به چهارده عنوان تقلیل پیدا کرد و از سال ۱۳۱۰ به بعد دیگر هیچ نشریه‌ای به این دو روش به چاپ نرسید، به استثنای یکی که بسال ۱۳۱۲ در یزد به روش سنگی، چند شماره‌ای را منتشر ساخت.

وجود تشکیلاتی به نام انجمن مطبوعات در این سالها با بی‌اعتنائی اجباری مواجه بود. بهتر است گفته شود شرایط روز به ((ارباب جراید)) اجازه نمی‌داد در این موضوع فکر کنند. چند گروه معدود از مدیران نشست‌هایی داشتند که ((انجمن ادبی...)) تلقی می‌شد. آنهایی که به شعر و شاعری علاقمند بودند با هم می‌نشستند، شعری می‌خواندند و ((انجمن مطبوعات)) از این چارچوب فراتر نرفت و انجمن‌های ادبی چه بسا دیوان اشعار اعضاء را چاپ کردند و خودی نشان دادند.

سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ پرهیجان‌ترین دوره مطبوعاتی ایران قبل از انقلاب اسلامی میباشد. در این سالها تسهیلات و وسایل چاپ بیشتر، دریافت امتیاز آسان‌تر، تعداد عناوین تا حد غیر قابل تصور بیشتر، جناح‌های سیاسی متراکم‌تر، تعطیل به روش گذشته بسیار کمتر، ولی توقیف بیشتر، مسائل سیاسی روز بسیار حاد، کشور اشغال شده و جنگ جهانی دوم معضلات بی سابقه‌ای به وجود آورده بود. علاوه بر آن عده‌ای افراد فرصت طلب چنین سفره گسترده و رنگارنگ را مغتنم شمرده و با بهم انداختن افراد و گروه‌ها و از طریق بدنام ساختن این و آن جیب پر کردند.

با هجوم متفقین به ایران در سوم شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضاشاه، جوی به کلی متفاوت با گذشته بر کشور حاکم می‌شود. در این مقطع با دخالت‌های مستقیم و غیر مستقیم دولت‌های خارجی

در امور ایران، رشد روزافزون گروهها و جریانهای صنفی و سیاسی (اعم از چپ یا راست، مستقل یا وابسته و...)، نامنی و نابسامانی در شهرها و روستاها، کمبود شدید ارزاق عمومی، ملی شدن صنعت نفت و... و در نهایت سقوط حکومت دکتر مصدق و روی کار آمدن حکومت کودتا، رو به رو هستیم که بازتاب همه اینها در روزنامه‌های آن دوره نمایان است. پایان این دوره در واقع پایان فضای آزادی نسبی حاکم بر مطبوعات کشور است.

در سالهای ۱۳۳۲ - ۱۳۲۰ همراه با رشد کمی و کیفی فعالیتهای سیاسی و همگام با بحرانهای سیاسی - اقتصادی در کشور، مطبوعات نیز صحنه درگیریهای سیاسی و رقابت دولتهای خارجی، و حتی منتفدین محلی و غیر محلی بوده است. از همین روی با روزنامه‌های بسیاری سروکار داریم که نماینده مواضع افراد، احزاب، دربار و دولتهای بیگانه بوده‌اند. شغل روزنامه‌نگاری نیز می‌توانست تردبان ترقی افراد باشد. روزنامه‌نگارانی در آن دوره داریم که به مشاغل وکالت و وزارت رسیدند. که عباس مسعودی و دکتر حسین فاطمی از آن جمله‌اند و البته روزنامه‌نگارانی نیز بودند که "جان بر سر قلم" گذاشتند که می‌توان از محمد مسعود، احمد دهقان، دکتر حسین فاطمی و امیر مختار کریم پورشیرازی یاد کرد.

در این دوازده سال، حدوداً ۲۶۸۲ نشریه جدید یا به عرصه مطبوعات نهادند.

از نظر سبک نیز به جرأت نمی‌توان رقم داد چند روزنامه سیاسی، چند عنوان اجتماعی و یا چند نشریه زیر پوشش خبری، فرهنگی و امثال آن قرار می‌گیرند. زیرا با استثناء - در حالیکه یک هفته نامه سرمقاله‌ای در باب وضع روز داشت و ژست سیاسی به خود می‌گرفت، مقاله دومش را درباره کوتاهی شهرداری در آسفالت کوچه منزل آقای مدیر می‌خوانیم. مقاله سوم چرا نانوائی محله سردبیر دیر پخت می‌کند؟ بعد درباره مشخصات علمی پنسلین و بقیه مندرجات مقداری شعر و اخبار غیر عمومی و آگهی دولتی - اکثراً آگهی ثبتی است. اگر عکس و تصویری هم از صحنه‌های جنگ دارد از نوع کلیشه‌هایی است که سفارت خانه‌های دولت‌های در حال جنگ با شرح و تفصیل برای مطبوعات می‌فرستادند.

((انجمن مطبوعات)) برای نخستین بار در چارچوب یک تشکیلات صنفی - مطبوعاتی در سالهای نخستین دهه ۲۰ تشکیل گردید و از طرف دولت به رسمیت شناخته شد. در همین ایام روزنامه‌های احزاب و دستجات همسو به برپائی واحدهای مشابه پرداختند.

نشریات دولتی که بیسابقه نبود و از دوره قبل حرکتی تازه را شروع کرده و اکثراً به مدیریت تحصیل کرده‌های تازه برگشته از فرنگ اداره می‌شد، در این دوره رشد داشت، و جمعاً به ۱۲۹ عنوان در رشته‌های مختلف رسید.

موضوع جدیدی که از این دوره آغاز شد و سه دوره پیش فاقد آن بود گرفتن امتیاز روزنامه یا مجله از طرف بانوان بود. ۱۲۴ نشریه به صاحب امتیازی آنها به چاپ رسید. چنین رقمی موبد علاقه و توجه خانم‌ها به روزنامه‌نگاری نیست چراکه وقتی دولت در دهه ۲۰ اعلام کرد کارمندان دولت نمی‌توانند صاحب امتیاز باشند، صاحبان امتیاز کارمند، ورقه امتیاز را به اسم همسر یا خواهر خود کردند.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اولین گام دولت نظامی وقت، تعطیل کردن تمام مطبوعات در سراسر کشور بود. در تاریخ مطبوعات ما چنین اقدامی بی سابقه نبود و نزدیکترین عمل مشابه در نیمه دوم سال ۱۳۲۰ روی داد. در آن زمان به جای تمام روزنامه‌ها یک روزنامه دولتی توسط اداره کل انتشارات و تبلیغات وقت به راه افتاد که مردم آن را بخزند و از اوضاع و اخبار بی خبر نمانند! طی سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ بالغ بر ۷۷۲ نشریه جدید - جدا از تجدید امتیاز بعضی از سابق‌ها - ایجاد شد. این امر با دو خصیصه همراه بود یکی آن که امتیازات به تدریج و سالانه در حدی صادر شد که دولت صلاح می‌دانست. دیگر آن که بر تعداد نشریات دولتی افزوده شد تا حدی که در پایان سال ۵۶ جمع کل انتشارات دولتی و موسسات وابسته به آن ۴۶۳ عنوان از ۷۷۲ عنوان کل این دوره را تشکیل می‌داد. در دهه سی ۱۶۹ عنوان، در دهه چهل ۳۴۹ عنوان و در دهه بعد (تا آخر سال ۵۶) ۲۲۷ عنوان جدید منتشر گردید.

در حالی که روزنامه‌ها با یک استثناء ناچیز، شخصیت سیاسی خود را به تدریج از دست دادند و به لباس خبری - اجتماعی در آمدند، گرایش تدریجی مطبوعات جدید به سوی مسائل اقتصادی، علمی، پزشکی و فرهنگی قابل ملاحظه بود. به علاوه مطبوعات حرفه‌ای ایجاد شد که با توجه به تعدادشان در تاریخ مطبوعات بی نظیر می‌نمود.

((انجمن مطبوعات)) بازی در این ربع قرن رواج بسیار داشت. به سبب رقابت مدیران و ((جبهه))‌های مطبوعاتی هر چند وقت یک بار هیات مدیره از هم می‌پاشید و هیات جدید جای آن می‌نشست. گاه نام انجمن عنوان تازه به خود می‌گرفت. در اوایل کار هر نشریه عضو، ماهانه مبلغی بابت عضویت می‌داد اما به تدریج منسوخ شد و هزینه انجمن و فعالیت‌های آن به گردن کابینه وقت افتاد، دولت از این کار بدش هم نمی‌آمد. چرا که بهتر می‌توانست انجمن و در نتیجه نشریه‌ها را در دست داشته باشد. تا حدی که دولت، دو به اصطلاح ((تصفیه)) در این دوره به عمل آورد. یکی اواخر دهه ۳۰ بود که دولت ((صلاح)) دانست بیش از چهل روزنامه و هفته‌نامه را تعطیل کند و به دادگستری اجازه رسیدگی به شکایت مربوطه مدیران را ندهد و دیگری اواسط نیمه اول دهه ۱۳۵۰ بود که حدود هفتاد روزنامه، مجله و هفته‌نامه را به شیوه‌ای بی سابقه تعطیل کرد. به

این معنی که دولت ضمن تعطیل آنها خدمات مدیر و اعضاء هیات تحریری را ((بازخرید)) کرده و به نسبت به هر یک مبلغی پرداخت.

کوشش برای ایجاد یک واحد تشکیلاتی از طرف نویسندگان و خبرنگاران که از دوره قبل شروع شده بود به نتیجه مطلوب نرسید. از اواخر دهه ۱۳۳۰، بار دیگر فعالیت خود را از سر گرفت که به تشکیل ((سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات ایران)) انجامید و به عنوان یک سندیکای کارگری در وزارت کار و امور اجتماعی آن زمان به ثبت رسید. به دنبال این امر کارکنان بعضی از مطبوعات و همچنین توزیع کنندگان جراید برای خود سندیکا و اتحادیه تشکیل دادند.

ویژگی مطبوعات فارسی پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

در دومین دهه بعد از مرداد ۱۳۳۲ شمسی مطبوعات بیشتر عامه پسند شدند و بصورت یک سلسله نشریات عمومی در سطح پائین تر از متوسط درآمدند. چراکه علاوه بر درج مطالب مربوط به دولت، روزنامه‌ها و مجله‌ها به مسائلی پرداختند که در زندگی اجتماعی در درجه سوم اهمیت قرار دارد. در این جریان سقوط مجلات هفتگی از نظر محتوی بیشتر از روزنامه‌ها محسوس است. ویژگی مطبوعات در این دهه بطور کلی انتشار متن کامل سخنرانی‌های مقامات دولتی و بولتن‌ها از یک طرف، و کنکاش در زندگی خصوصی هنرمندان سینما و کاباره‌ها از طرف دیگر بوده است. قابل ملاحظه آنکه در این دوره نه آن مقامات از مطبوعات ((راضی)) بودند و نه رقاص‌ها و آوازخوانان از بدگوئی به مطبوعات ابا داشتند.

بطور کلی مطبوعات ما جوابگوی احتیاجات معنوی ایرانی درس خوانده نبودند.

وظیفه اصلی مطبوعات

مطبوعات، خبررسانی را تنها وظیفه خود پنداشته و به کنه، ریشه و فلسفه مسائل سیاسی که هیچ، اجتماعی هم نمی‌پرداختند، یا اگر توجهی هم داشتند چنان زودگذر و سطحی بود که نتیجه‌ای را از آن نمی‌شد انتظار داشت. حال آن که ارباب جراید با تاسی از دستگاه حاکمه پهلوی قصد نداشتند مطالب عمیق و اساسی را به مردم ارائه کنند و به قول یکی از جراید آن دوره ((... از توده مردم نمی‌توان انتظار داشت در برخورد با هر موضوعی آن را از ریشه مورد بررسی قرار دهند و در صدد کشف علل منطقی و فنی قضیه برآیند.))

مطبوعات که بیشتر برخاسته از طبقه مرفه و وابسته بودند تمایلی به ایفای نقش اصلی و روشنگرانه خود نداشته و از این وسیله بیشتر به عنوان تحمیق و انحراف افکار عمومی از مسایل

اصلی و اساسی بهره می‌جستند و اولویت آنها تهیه وسایل سرگرمی و تفریحی اقشار گوناگون جامعه بوده است.

به عبارت دیگر، این مطبوعات برای توده مردم ارزش و اعتبار محوری در جامعه قایل نبوده تا آنان را در جریان موضوعات و مسایل اساسی و حیاتی جامعه قرار دهند آن دسته از جراید که به وظایف اساسی مطبوعات می‌اندیشند آن چنان در محاق سانسور، کنترل و ارباب قرار می‌گرفتند که یا میدان را ترک کرده و یا به صورت غیر مستقیم وظایف اصلی مطبوعات را انجام می‌دادند که البته این روش نیز به دلیل نظارت شدید نیروهای دولتی نمی‌توانست کارآیی چندانی داشته باشد. سخن کوتاه، مطبوعات طوری رفتار کردند که گوئی از تفسیر و ابراز نظر درباره این همه مسائل، وقایع و جریانات چه در ایران و چه خارج از مرزهای آن، معذور بودند. نسبت به مسائل داخلی گاه به یک سرمقاله، تفسیر و یا گزارش، آن هم به طور جمعی اکتفا می‌شد و موضوع را بی‌گیری نمی‌کردند تا خواننده را به منظور اصلی امر آشنا سازند و حتی اگر مربوط به دولت بود آن را با ذکر ارقام و تصویر آنچه را انجام شده، با روش دلپسند ارائه دهند.

مشکلات مطبوعات پس از مرداد ماه ۱۳۳۲

- ۱- مسائل مالی و عدم تمایل بسیاری از مدیران به توسعه دستگاه نشریه از محل درآمدهای خود.
- ۲- گرانی تدریجی بهای کاغذ و وسائل چاپ
- ۳- نارسائی سیستم توزیع در سطح کشور
- ۴- انتظار کمک دائم از دولت
- ۵- تک نفره بودن صاحب امتیاز نشریه
- ۶- پائین بودن حد متوسط سطح سواد در کادر مطبوعاتی
- ۷- بحران انتقال از ((وظیفه مسلکی و ذوقی)) به ((حرفه‌ای)) شدن روزنامه‌نگاری
- ۸- ضعف قدرت خرید مردم
- ۹- قلت تعداد باسوادان
- ۱۰- گسترش قابل ملاحظه شبکه رادیو و تلویزیون
- ۱۱- بی‌اعتمادی مردم به نوشته‌های مطبوعات
- ۱۲- کنترل شدید مطبوعات توسط ارگانهای نظارتی چون ساواک
- ۱۳- نامعلوم بودن حریم مطبوعات
- ۱۴- توقیف گاه و بیگاه جراید بدلیل درج مطالبی مغایر با نظر هیئت حاکمه

اقدامات نظارتی و کنترلی رضاخان و محمدرضا پهلوی بر جراید و مطبوعات ایران

الف) دوران رضاخان

با قدرت گرفتن سردار سپه و اجرای تدریجی سیاستهای ضد دینی او مطبوعات این دوره نیز در نگارش مطالب خلاف شرع و اسلام حرکتهایی از خود نشان می دادند، از سوی دیگر فقدان ضوابط، معیارهای قانونی و گویا نبودن قانون مطبوعات کار تشخیص اینکه کدام مطلب واقعاً ضالّه و مضر به اسلام و کدام مفید یا حداقل غیر مضر به اسلام است را مشکل نموده بود لذا نمایندگان مجلس شورای ملی متممی برای قانون مطبوعات در دو ماده به تصویب رساندند که می توانست تا حدودی برای جلوگیری از نشر مطالب مغرضانه و یا دو پهلونویسی مزورانه علیه اسلام مفید واقع شود. متن دو ماده متمم قانون مطبوعات که در جلسه دهم عقرب (آبان) ۱۳۱۰ شمسی دوره چهارم مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده و اولین اصلاحیه قانون مطبوعات تلقی می گردد به شرح زیر است:

ماده اول: ... عموم مدیران جراید و یا مجلات و ارباب مطابع باید ملتزم شوند که هر وقت بخواهند در امور مربوط به دین اسلام و مذهب، اصولاً و فروعاً، انشائاً و یا نقلاً ولو هرگز چیزی طبع کنند قبلاً به ناظر شرعیات که خبرویت او توسط دو نفر مجتهد جامع الشرایط تصدیق و از طرف وزارت معارف در تهران و در هر یک از مراکز ایالات و ولایات معرفی شده باشد، مراجعه نمایند تا مذاقه نماید، پس از آنکه عدم مضر بودن آن به دین اسلام و مذهب کتباً تصدیق شد، طبع و نشر کنند.

ماده دوم: هرگاه یکی از مدیران جراید و یا مجلات و یا ارباب مطابع و یا دیگری از مفاد فوق تخلف نمود، مدعی العموم و یا مدعی خصوصی قضیه را به ناظر شرعیات قانونی یا مجتهد عادل مسلم رجوع می نماید، بعد از تصدیق کتبی مشارالیه به مضر بودن، به فوریت اوراق منتشره جمع آوری و توقیف شده، مدیر و نویسنده و طبع کننده مستنداً به تشخیص ناظر شرعیات و یا مجتهد عادل مسلم، مطابق قانون مطبوعات مجازات خواهد شد.

تصویب این دو ماده نیز اثری محسوس در اقدامات و تبلیغات ضد دینی رضاخان نداشت و وی بخصوص پس از دستیابی به پست ریاست الوزرایی در ۱۳۰۲ شمسی، به سادگی و با برگزیدن ((ناظر شرعیات)) قانونی که از روحانیان وابسته درباری بود و خنثی نمودن قدرت روحانیان حاضر در مجلس و قوه قضائیه بدون هیچ نگرانی از مفاد قانون، اندیشه های خود را به مرور و قدم به قدم علیه ارزشهای جامعه به اجرا گذاشت و در این راه از مطبوعات به خوبی بهره گرفت. این قانون بدون آنکه در صحنه عمل به آن توجه شود در ظاهر اجرامی شد تا در دی ماه ۱۳۲۱ به دنبال وقایع آذرماه همان سال یک بار دیگر قانون مطبوعات دچار اصلاح شد.

وقایع آذرماه همان سال یک بار دیگر قانون مطبوعات دچار اصلاح شد.

ب) دوران محمدرضا پهلوی

به دنبال حمله متفقین به ایران و اشغال نواحی جنوب و شمال ایران و تبعید رضاخان، مطبوعات، دوره دیگری از آزادی را تجربه کردند. آزادی فراهم شده در این دوره به گونه‌ای بود که شاید بهتر باشد به جای آزادی مطبوعات، از بی بندوباری مطبوعات سخن گفته شود. در این دوره تعداد زیادی روزنامه و نشریه که عمدتاً سخنگوی حزب و دسته خاصی بودند شروع به انتشار کردند و در این میان ظهور نشریاتی با گرایش چپ و آرمانهای کمونیستی بسیار چشمگیر بود. پس از حدود یک صد و بیست سال که نشریات و روزنامه‌ها یا دولتی و وابسته بودند یا صرفاً ادبی و در هر حال دور از وقایع و دردها و مشکلات جامعه و مردم، آزادی به دست آمده قدری غیرمنتظره می‌نمود و نویسندگان و اهل قلم را غافلگیر کرده بود.

سیل تقاضا برای چاپ نشریه آغاز شده بود، ابتدا دولت صدور مجوز انتشار را منوط به تصویب لایحه جدید مطبوعات کرد، اما رفته رفته در مقابل ازدیاد تقاضاها ناچار به صدور مجوز شد.

دولت سپس کوشید برای ندادن جواز نشر به جراید توقیف شده در دوره رضاشاه یا حتی جراید نوپا و برای اینکه بتواند مانع قانونی بر سر راه انتشار این گونه جراید ایجاد کند، در دهم مهرماه ۱۳۲۰، کمیسیونی به نام تجدیدنظر در قانون مطبوعات تشکیل دهد. ((عقیده عمومی کمیسیون این بود که چون این قانون و مقررات بعدی با مقتضیات امروز کشور وفق نمی‌دهد، در آینده می‌بایستی روش مطبوعات بر اساس و پایه‌ای باشد که با زندگی امروز و آینده موافقت داشته باشد پس بهتر است لایحه قانون جدیدی تنظیم شود...))

هیچ کدام از این تدابیر نتوانست روند توسعه کمی مطبوعات را متوقف کند. از نظر محتوا و مطالب نیز مطبوعات باز هم در لایه لای صفحات خود به اسم حمله به رضاشاه و سیاستهای وی، انتقادات شدیدی از سیاستهای حاکمان فعلی می‌کردند، این وضعیت به گونه‌ای شد که در اول آبان ماه، حکومت نظامی تهران در اعلامیه‌ای خطاب به مطبوعات چنین هشدار می‌دهد: ((به موجب ماده ۸ قانون حکومت نظامی مصوب سرطان ۱۳۲۹ قمری، مقرر است اگر روزنامه‌ها و مطبوعات بر ضد اقدامات دولت، انتشاراتی به طبع رسانند، نمرات روزنامه و اداره روزنامه توقیف خواهد شد و در صورتی که تحریک به ضدیت دولت شده باشد، متصدیان یا مدیران آنها موافق حکم محکمه نظامی مجازات خواهند شد، فرمانداری نظامی تهران، سپهبد احمدی.))

توقیف سراسری مطبوعات و لایحه اصلاح قانون مطبوعات

به دنبال بلوای نان، تظاهرات مردم و حمله آنان به مجلس و سرکوبی توسط ارتش و پلیس که در آذرماه ۱۳۲۱ صورت گرفت و در واقع نوعی شورش علیه دولت قوام صورت گرفت. به دستور نخست وزیر، کلیه جراید کشور به حال تعطیل و توقیف در آمدند. حدود دو هفته پس از واقعه ۱۷ آذر، دولت قوام با انگیزه جلوگیری از انتشار جراید توقیف شده و وادار کردن آنها به اخذ مجوز جدید و در نتیجه حذف آن دسته از مطبوعات که انتشار آنها به مصلحت نبود، لایحه‌ای را تحت عنوان ((اصلاحیه قانون مطبوعات)) به مجلس شورای ملی آورد.

ولی با این همه در فاصله سالهای ۱۳۲۰ - ۱۳۲۴ یعنی دوران اشغال، فشار حکومت برای رویارویی و برخورد با مطبوعات نسبت به دوره رضاشاه بسیار کاهش یافت و بافت مجلس نیز به گونه‌ای بود که حامی و پشتیبان مطبوعات بود. مقتدر نبودن دولت نیز عامل دیگری بود که توان مقابله جدی با مطبوعات را از وی سلب کرده بود و بااستثنای اقدام قوام السلطنه در توقیف عمومی جراید بعد از رویداد ۱۷ آذرماه ۱۳۲۱، دولت در طول این مدت هیچ وقت به طور گسترده با مطبوعات درگیر نشد، هر چند دیدگاه دولت و وجود فرمانداری نظامی و کارکرد ویژه آن از فعالیت مطلوب مطبوعات جلوگیری می‌کرد، اما مانع جدی بر سر راه آنان محسوب نمی‌شد. در واقع افراط در بستن دهانها و شکستن قلمها و سرکوب فکری دوره پهلوی اول باعث شده بود که دوره اخیر به نوعی تفریط دچار شود و مطبوعات بی بند و بارانه و نه آزادانه عمل کنند و بسیاری از اصول و قیود اخلاقی و ارزشها را زیر پا بگذارند.

مطبوعات ایران از نخست وزیری دکتر مصدق تا پایان دوره حکومت پهلوی

در دوران مصدق در مقایسه با دیگر دولتهایی که روی کار آمده بودند با توجه به جو موجود، مردم و مطبوعات از آزادیهای سیاسی و اجتماعی بیشتری برخوردار بودند. دکتر مصدق همچنین به سبب اختیارات فوق العاده‌ای که در تاریخ ۲۰ مرداد ۱۳۳۱ از مجلس هفدهم گرفته بود و مطابق آن می‌توانست هر نوع قانونی را وضع کرده و شخصاً و بدون نظر مجلس خواسته‌های خود را به صورت قانون درآورد، دومین قانون مطبوعات ایران را مستقیماً وضع و به تصویب رساند.

ولی در پی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ حکومت مصدق سقوط کرد و در نتیجه اجرای قوانین مطبوعاتی نیز به حالت تعلیق درآمد. بار دیگر فشار بر مطبوعات آغاز شد و روزنامه‌نگاران بازداشت و مورد شکنجه قرار گرفتند. چندین تن از این گروه از جمله دکتر حسین فاطمی مدیر

روزنامه باختر امروز، در سپیده دم ۱۹ آبان ۱۳۳۳ در حالی که تب شدیدی داشت و حدود ۴۰ روز از اعتصاب غذایی می‌گذشت به جوخه اعدام سپرده شد، امیر بختیار کریم‌پور شیرازی مدیر روزنامه شورش را نیز پس از تحمل شکنجه‌های شدید در سحرگاه ۲۵ اسفند ۱۳۳۳ در محوطه زندان با ریختن نفت به سر و رویش سوزاندند و بدین ترتیب فصلی تازه اما تاریک در تاریخ سیاسی اجتماعی ایران گشوده شد که مطبوعات نیز از عوارض سوء این دوران بی بهره نماندند. در این دوره حکومت نظامی برقرار بود و ماموران حکومت نظامی می‌توانستند به ادارات روزنامه حمله ببرند تا همه چیز را مصادره کنند یا به چاپخانه‌ها بروند و روزنامه‌هایی را که زیر چاپ بودند جمع‌آوری و نابود کنند.

به تدریج فرمانداری نظامی یک ((اداره مطبوعات)) ویژه تاسیس کرد که همه دبیران روزنامه‌ها را ملزم می‌کرد تا هر روز دستورالعمل بگیرند، در این دستورالعمل‌های روزانه به روزنامه‌ها گفته می‌شد که چه چاپ نکنند. چند سال بعد وقتی ((سازمان اطلاعات و امنیت کشور)) تأسیس شد، وظایف فرمانداری نظامی را در این زمینه به دست گرفت. با ورود ساواک به صحنه حکومت کشور، کسانی موفق به کسب مجوز می‌شدند که کاملاً مورد اعتماد دولت بوده و ساواک آنها را تأیید می‌کرد.

وابستگی کامل مطبوعات به دولت

وضعیت مطبوعات تا حدود سالهای ۴۱ و ۴۲ همچنان یکنواخت بود و نظارت دولت بر مطبوعات به صورت کاملاً جاافتاده و منسجم اعمال می‌شد. فقط در دوران صدارت دکتر علی امینی از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۱ بود که فضای کشور برای فعالیت مطبوعات کمی مساعد شد و مطبوعات از آزادی نسبی برخوردار شدند، اما در سال ۱۳۴۱ پس از بازگشت شاه از سفر امریکا و راضی کردن سران کاخ سفید به اجرای برنامه‌های خود، ابتدا علی امینی را از کار برکنار و اسداله علم را که از نزدیکان مورد اعتماد و وفادارش بود به نخست وزیری برگزید، دولت علم، آزادی نیم بند مطبوعات را که در خلال سالهای ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۱ وجود داشت ملغی کرد و یک بار دیگر فشار و خفقان بر کشور حاکم شد.

در سال ۱۳۴۱ دولت علم، تصویب نامه‌ای را در جلسه مورخ بیست و پنجم اسفند ماه امضا کرد که بر اساس آن امتیاز کلیه روزنامه‌ها و مجلاتی که شماره نسخه‌های آنها به ترتیب از پنج هزار و سه هزار کمتر بود لغو می‌گردید.

در اجرای این مصوبه، یورش بزرگ به مطبوعات در فروردین سال ۱۳۴۲ به بهانه کم بودن

شمار نسخه‌های چاپ شده جراید و نشریات روی داد و جهانگیر تفضلی وزیر مشاور و معاون تبلیغات دولت علم به دستور محمدرضا شاه حدود هفتاد و پنج روزنامه و مجله را توقیف کرد. شاید بتوان به جرات گفت که از این تاریخ تا آغاز اوج‌گیری انقلاب اسلامی ایران هیچ نشریه‌ای مجوز انتشار نیافت مگر اینکه کاملاً در اختیار دولت و جناحهای حاکم باشد یا اینکه مطالبش به قدری تخصصی باشد که هیچ رنگ و بوی سیاست و مسائل و مشکلات اجتماعی نداشته باشد. در عین حال علی‌رغم سرسپردگی یا بیطرفی کامل نشریات، حکومت از اعمال نظارت سازماندهی شده و منظم بر کار مطبوعات دریغ نداشت، به طوری که ویژگی بارز مطبوعات در طول سالهای ۱۳۴۲ تا اوج‌گیری انقلاب اسلامی را می‌توان ((سکوت)) دانست.

مطبوعات از این تاریخ تا سالهای اوج‌گیری انقلاب اسلامی به سوی غیر سیاسی شدن پیش رفتند و نوعی روزنامه‌نگاری صنفی و حرفه‌ای در جهت حفظ منافع حکومت ایجاد گردید. در این خصوص مسعود برزین در کتاب سیری در مطبوعات ایران چنین نوشته است:

((پس از حوادث سال ۱۳۳۲؟. تب روزنامه‌نگاری غیر حرفه‌ای پایین افتاد و به دنبال آن به تدریج و در پرتو شرایط تازه که اصولاً نوعی وحدت کلمه در حرکت سیاسی به وجود آورد، کاملاً احساس می‌شد که محیط جدید نیاز چندانی به تنوع و تعدد فراوان در ژورنالیزم غیر حرفه‌ای سیاسی ندارد.))

پانزده سال بعد مطبوعات کشور به سمت وابستگی محض سوق داده شدند و از هیچ خدمتی به دولت و حکومت پهلوی فروگذار نکردند. برزین در این مورد می‌نویسد: ((طی پنجاه سال اخیر در هیچ دهه‌ای چون سالهای ۵۳-۱۳۴۳ شمسی مطبوعات به دولت خدمت نکرده و در اشاعه نظریات و برنامه‌های آن ((انجام وظیفه نموده‌اند.))

وابستگی مطبوعات به دولت و کمکهای مادی او نیز بسیار محسوس بود و جنبه نظارت و هدایت و حمایت از سوی وزارت اطلاعات به طور کامل بر مطبوعات اعمال می‌شد. از دیگر نمونه‌های حمایت مادی و تشویق مدیران وابسته جراید ((عیدی)) قابل توجهی بود که وزارت اطلاعات و جهانگردی سالیانه به این گونه افراد پرداخت می‌کرد. وزارت اطلاعات و جهانگردی در آخرین هفته اسفند ماه هر سال فهرستی از اسامی مدیران، سردبیران، خبرنگاران و نویسندگان ارشد تهیه می‌کرد و به نخست‌وزیری می‌فرستاد که بر اساس آن به نظر مشاوران مطبوعاتی نخست‌وزیر و تصویب خود وی به کسانی که نامشان در فهرست بود به تناسب رضایت خاطری که از آنها وجود داشت و نوع و میزان خوش خدمتی هر کدام، عیدی قابل توجهی پرداخت می‌شد.

با همه این حمایتها و نیز وابستگی تام و تمام مطبوعات به دستگاه حکومتی، بازرسی مطبوعات و اعمال نظریات و سلايق مسئولان حکومتی در نحوه درج اخبار و مطالب به شدیدترین صورت ممکن ادامه داشت، و حتی آنجا که لازم می‌شد، همان مطبوعات وابسته را به تیغ تصفیه می‌سپردند. در سال ۱۳۵۲ طی یک طرح بیش از ۵۰ روزنامه و نشریه یکباره تعطیل شدند. طرح این تصفیه را حمید رهنما هنگام وزارت اطلاعات ابداع کرده بود و به دست پورشالچی معاون وزارت اطلاعات به اجرا درآمد، این تصفیه به روش ساده دستور تلفنی (مبنی بر اینکه نشریه فوراً باید تعطیل شود) صورت گرفت. لیست اسامی این نشریه‌ها را به همه چاپخانه‌ها فرستادند و دستور دادند که هیچ وقت هیچ نشریه‌ای را به نامهایی که در آن است چاپ نکنند. فشار بر مطبوعات باقیمانده نیز به حدی بود که کوچک‌ترین تخلف هیئت تحریریه، خبرنگاران، نویسندگان و مترجمان مطبوعاتی بی هیچ گذشتی مورد مؤاخذه و بازخواست قرار می‌گرفت و یا در مواردی این گونه تخلفات خبری به ساواک احاله می‌شد که ناگفته پیداست چه سرانجام ناگواری در انتظار متخلف بوده است.

عادی‌ترین نوع نظارت و اعمال فشار بر مطبوعات، دستورهای تلفنی هر روزه یا نامه‌های تحکم‌آمیز بودند. دستورات را تلفنی، شامل آنچه ((باید یا نباید)) نوشته شود همه روزه منشی مدیر کل تبلیغات و انتشارات به جراید ابلاغ می‌کرد و برای نشریات شهرستانها نیز به صورت کتبی ابلاغ می‌شد. این روال همچنان تا آخرین سالهای حکومت پهلوی ادامه داشت و فقط جرقه‌های آغازین انقلاب اسلامی بود که در سال ۵۶ فضای آزادی را برای مطبوعات فراهم کرد.

تهران مصور

در یک نگاه اجمالی

نشریه تهران مصور در چهار دوره زمانی در تهران منتشر شده است. دوره اول انتشار به صاحب امتیازی عباس نعمت در سال ۱۳۰۸ شمسی مربوط میشود. در آن هنگام مجله معمولاً در ۱۶ صفحه و با قطع وزیری بزرگ در روزهای شنبه هر هفته منتشر می‌گشت. مندرجات مجله عمدتاً مقالات اجتماعی و تاریخی، مطالب فکاهی، رمان و خبر بود که علیرغم عدم کیفیت مطلوب ظاهر نشریه از غنای نسبی مطالب برخوردار بوده است.

تهران مصور با صاحب امتیازی عباس نعمت تا سال ۱۳۲۰ به کار خود ادامه داد ولی پس از مدتی تعطیل شد.

سال ۱۳۲۰ مقارن با دوره دوم انتشار مجله تهران مصور توسط احمد دهقان می‌باشد که او به مخالفت با توده‌ایها پرداخت. نشریه تهران مصور در این دوره زمانی از نشریات حزب تهران محسوب میگشت، به نحویکه تیراژ آن به ۵۰۰۰ نسخه افزایش یافته و به جهت مخالفتش با شوروی و حزب توده از اهمیت خاصی برخوردار گردیده بود.

مجله با سیاق سابق خود یعنی اجتماعی - سیاسی تهیه و تنظیم میگشت و علاوه بر آن با اختصاص ستون یا صفحه زیر ذره‌بین، اخبار ارتش و بخصوص رکن دوم را چاپ میکرد که درج این اخبار نیز بر استقبال مردمی آن افزوده بود.

انتشار نشریه تا سال ۱۳۲۹ که احمد دهقان در محل دفتر مجله به قتل رسید، ادامه یافت و پس از آن دوره سوم انتشار نشریه آغاز می‌شود.

دوره سوم انتشار تهران مصور از سال ۱۳۳۰ با صاحب امتیازی عبدالله والا آغاز شد و تا سال

۱۳۵۳ ادامه یافت. در این دوران عبدالله والا با ایجاد تغییرات محتوایی ولی با همان سبک و شیوه گذشته مجله به درج مطالب خلاف عفت و صور قبیحه پرداخت و می‌توان تهران مصور را در این زمینه پیشگام دانست البته مقامات امنیتی و متولیان امور مطبوعاتی کشور بصورت کج‌دار و مریز با تهران مصور برخورد می‌کردند و گاه و بیگاه مجله به محاق توقیف گرفتار می‌شد. ولی عبدالله والا با ترفندهای گوناگون به انتشار مجله ادامه داده تا زمانیکه در دام سیاست‌های مطبوعاتی رژیم پهلوی در سال ۱۳۵۳ گرفتار شد و تا سال ۱۳۵۷ یعنی ایام پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بطورکلی تعطیل شد.

دوره چهارم انتشار تهران مصور مربوط به سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ می‌باشد که این دوران با صاحب امتیازی عبدالله والا و سردبیری مسعود بهنود همراه بود.

در مرکز اسناد وزارت اطلاعات عمده اسناد نشریه تهران مصور مربوط به سالهای ۱۳۳۰ الی ۱۳۵۳ میشود که متعلق به فرماندار نظامی تهران، ساواک و دربار پهلوی است و بیانگر مطالبی پیرامون مقالات نشریه، مواضع نشریه، زدویندهای صاحب امتیاز آن و روابطش با دربار، ساواک، شخصیت سیاسی و اجتماعی عبدالله والا و امور داخلی نشریه میباشد که در ذیل چند فصل آن مورد بررسی واقع گردیده است.

تهران مصور در آینه اسناد ساواک

نشریه تهران مصور در یک نگاه اجمالی و ساده به مانند کشکول قلندرانی بود که همه چیز در آن یافت می‌شد. مطالب مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، هنری، از آن جمله بشمار می‌رود... تهران مصور در حیات ۳۰ ساله خود یک هزار شماره منتشر ساخت اگر چه در دوره پایانی تهران مصور نویسندگان معروف با آن همکاری می‌کردند و بر وزن و اعتبار مجله افزوده بودند، ولی بطورکلی مطالب مجله بی مایه و مبتذل بوده است.

مطالب قسمت‌های بعد، مروری بر اقدامات ساواک و دیگر دستگاه‌های کنترلی و مانور حکومت پهلوی بوده که نحوه نگرش، تجزیه و تحلیل رفتار زمانی آنها با رعایت ترتیب مورد بررسی قرار گرفته است:

اقدامات کنترلی و نظارتی ساواک بر نشریه تهران مصور

بنابر مکاتبه فرمانداری شهر تهران با دادسرای تهران، در آن درخواست شده است مجله

جوانمردان را که شرکت تهران مصور به جای نشریه توقیف شده تهران مصور چاپ و منتشر نموده، توقیف نماید. (سند شماره ۱)

در یک گزارش دیگر فرمانده ژاندارمری کل کشور از فرماندار نظامی تهران خواسته است:

با توجه به مطالب مندرج در شماره ۵۷۹ مجله تهران مصور مبنی بر اینکه رئیس هیئت مستشاران آمریکایی مستقر در ژاندارمری با بیگانه ارتباط دارد کذب محض بوده و انتشار چنین مطالبی در روحیه افسران آمریکایی که وظایف خود را طبق مقررات و صمیمانه انجام میدهند صورت خوشی ندارد، برخورد مقتضی صورت پذیرد. (سند شماره ۲)

رئیس ستاد ارتش از فرمانداری نظامی تهران خواسته است:

با توجه به مطالب خلاف عفت و زنده شماره ۶۰۹ مجله تهران مصور پیرامون جلب مضمولین نظام وظیفه (یکی بعنوان مطالبه کارت تحصیلی و برگ معافی از آقای حکیم‌الملک و دیگری جلب عده‌ای از خانمها که زلف خود را کوتاه کرده بودند به باغشاه) برخورد مقتضی با این نشریه صورت پذیرد. (سند شماره ۳)

در اطلاعیه‌ای که در مورخ ۱۳۳۶/۱۰/۲۸ در ساواک به ثبت رسیده است تحلیل سیاسی مجله تهران مصور در مورخه ۱۳۳۶/۱۰/۷ بقلم احمد آرامش را در جهت تجلیل از سیاستهای شاه اعلام نموده و مطالعه آنرا برای مسئولین ساواک که عازم آمریکا بوده‌اند، مفید دانسته است. (سند شماره ۴)

در اواخر سال ۱۳۳۶ مجله تهران مصور طی گزارشی مشروح از بازداشت شدگانی که در انجام کودتا در تهران فعال بوده‌اند، خبر میدهد و سلسله گزارش‌ها و مقالاتی را در مجله به چاپ می‌رساند این گزارشها و مقالات بازتابهای گوناگونی به وجود می‌آورد ساواک تمام این فعل و انفعالها و مطالب را زیر نظر داشته و به اطلاع سلسله مراتب خود می‌رساند است گزارش‌های ساواک نشانگر بخشی از دخالت دستگاه ساواک در کنترل و نظارت مطبوعات و جراید، اعمال سیاست‌های مورد نظر هیئت حاکمه می‌باشد:

... "خبرنگار مزبور اظهار میدارد تیمسار باثیان فرمودند که موضوع را زیاد مهم جلوه ندهید و مخصوصا درباره این امر که خارجیان هم در اینکار دخالت کرده و در تنظیم این نقشه سهمی بوده‌اند مطلبی نوشته نشود و بهمین ترتیب هم اقدام شد.

بعلاوه توصیه‌های کتبی که از طرف سازمان امنیت برای نوشتن مقالاتی درباره این ماجرا بمجله تهران مصور رسید نکته فوق در آن اشاره شده بود که نوشته شود برخی از ایرانیان مزبور میخواستند خارجیان را در اینکار دخالت داده و از کمک آنها استفاده نمایند ولی خارجی‌ها آنها

را رد کردند. (مجموعه سند شماره ۵)

در یک گزارش مشروح ساواک که در آن به خودسریهای مجله تهران مصور اشاره شده، در نهایت چنین نتیجه می‌گیرد، مدیر و سردبیر مجله توسط عناصری در رابطه با چنین اقداماتی اغفال گشته‌اند. شرح گزارش بدین قرار است:

پیرو گزارش مربوط به کمیسیون مطبوعات به عموم جراید دستور داده شده بود.

۱- از چاپ عکس بارزانیها و بزرگ جلوه دادن آنها و همچنین وضع عراق و جمال عبدالناصر خودداری نمایند. ضمناً به سران دول بی احترامی نکنند.

۲- درباره اوضاع افغانستان بهیچ وجه مطلب زننده ننویسند.

۳- در صورت پیدا کردن خبر سیاسی جالب بدون نظر کمیسیون چیزی چاپ ننمایند ولی چون عملاً ثابت شد که تذکرات یکدفعه کافی نیست این مطالب همه هفته چند بار تکرار شده است. بخصوص درباره مجله تهران مصور بععل مشاهده مطالب خلاف مکرر زیر توجه بیشتری معمول میگردد.

الف - در صفحه سوم مجله شماره ۷۸۴ چهاردهم شهریور ماه دو خبر سیاسی بدون نظر سازمان نوشته شده بود:

۱- (با دو دعوت شورویها موافقت نشد)

((بدنبال دعوت شورویها از یک هیئت پارلمانی، دو دعوت دیگر از طرف سفارت شوروی در تهران از یک هیئت مطبوعاتی و یک هیئت هنری بعمل آمد ولی ظاهراً جز عزیمت هیئت پارلمانی هنوز با دو دعوت دیگر موافقت نشده است.))

۲- ((۳۲ پیشنهاد شورویها به ایران))

((یک مقام نزدیک به سفارت شوروی بخبرنگار تهران مصور اظهار داشت در خلال چند ماه اخیر (۳۲) پیشنهاد در زمینه امور اقتصادی و تولیدی از طرف سفارت شوروی به دولت ایران داده شده است و این پیشنهادها اکنون مورد مطالعه مقامات ایران میباشد بهترین آنها بهره‌برداری از نفت میباشد.))

بنا بر اظهار افسر عملیات، بدستور معاونت دوم نتایج سوء درج چنین اخباری بدون اطلاع ساواک، توسط اینجانب شخصا به مهندس والا تذکر داده شده است.

ب - در صفحه ۸ مجله شماره ۷۸۵ مورخه ۲۱ شهریور ماه تتری بعنوان (پس از بازگشت ملا مصطفی پیغداد افراد ایل بارزانی مسلح میشوند و در ارتش عراق واحدهای مخصوصی از کردهای بارزانی تشکیل میگردد) بانضمام رپرتاژ نامطلوب و عکس‌های نامتناسب و مغایر با سیاست روز دولت چاپ نموده بود که شخصاً در دفتر مجله رفته و به مدیر مجله مزبور اثر سوء انتشار آنرا تذکر دادم ولی چون مجلات بعضی از شهرستانها را

فرستاده بودند تصمیم گرفته شد با تغییراتی که هر دو نمونه به پیوست از عرض میگذرد معایب جملات مقاله و عکسها را بقول خود جبران نماید و در آینده نیز مطالبی که جنبه سیاسی دارند حتماً با کسب نظر کمیسیون مطبوعات درج نمایند.

ج. در صفحه ۴۶ مجله شماره ۷۸۶ مورخه ۲۸ شهریور ماه ضمن گزارش راجع به جشن استقلال افغانستان به شرح زیر، خبری درباره زبان فارسی و جایگاه آن در افغانستان منتشر کرده بود:

”زبان پشتو بجای زبان فارسی با وجود حسن نیت زیاد ایران و با وجود محبوبیت عمیقی که ایران میان مردم افغانستان دارد معدالک دستهایی در کار است که اولاً در داخل افغانستان اقداماتی علیه ایران صورت گیرد ثانیاً از میزان محبوبیت ایران نزد مردم افغانستان کاسته شود یکی از این اقدامات تغییر زبان رسمی فارسی و رسمیت دادن زبان پشتو است. خود مردم افغانستان بشدت با این فکر مخالفند ولی همان دستها مشغول اقدام هستند که تا باین فکر غلط جامه عمل ببوشانند“

د. در صفحه ۵ مجله شماره ۷۸۸ مورخه ۱۱ مهر ماه موضوع پناهنده شدن ۳ نفر افغانی که بستگی به سیاست روز کشور دارد و قبلاً هم به آنان تذکر ویژه‌ای داده شده بود چاپ نموده بودند بلافاصله پس از ملاحظه اولین شماره یکروز قبل از انتشار دستور داده شد صفحه مزبور را تعویض نمایند ولی چون برخلاف دستور بدون اعلام نظریه اینجانب مجلات بعضی از شهرستانها را فرستاده شخصاً تقبل نمود صفحه ۵ آنها را هم تلگرافی بوسیله نمایندگان مربوطه برداشته و به مرکز اعاده دهند ولی طبق تلگرافات واصله از شهرستان مشهد تلگراف مهندس والا وقتی به نمایندگی او رسید که تعدادی از مجله تهران مصور فروخته شده بود. از سایر شهرستانها هنوز اطلاعی نرسیده است.

با عرض اینکه آقایان مهندس والا مدیر و رجا سردبیر مجله پس از اینکه مورد ایراد قرار میگیرند اظهار تاسف مینمایند و خود را هم عقیده سازمان جلوه میدهند و میگویند می‌بایستی قبلاً این مطلب را بما اطلاع می‌دادید و صورت حق بجانب به خود میگیرند ولی به دلایل زیر اظهارات آنها صحیح نیست:

اولاً در افغانستان از ورود جراید و مطبوعات ایران جلوگیری شد و دولت با زحمت زیاد این مسئله را حل کرد و مکرر هم دستور داده شد که چیزی بدون مشورت مسئولین امر درباره افغانستان ننویسند موضوع پناهندگی یک امر سیاسی است معهداً متصدیان مجله تهران مصور نخواستند حتی یک مشورت تلفنی هم با مسئولین امر نمایند.

ثانیاً پیش بینی جزئیات مسائل سیاسی امکان ندارد اگر مدیر مجله تهران مصور واقعاً راست میگوید و میخواهد با سازمانهای دولتی هم‌آهنگی داشته باشند تنها با یک تلفن میتوانند این قبیل مسائل را روشن کنند و از نظر دولت آگاه شوند همانطور که سایر مجلات عمل میکنند.

ثالثاً با توجه به ایرادهای متوالی که از مجله مزبور گرفته شده احتمال داده میشود در دستگاه تهران مصور عناصری وجود دارند که سردبیر را اغفال مینمایند و مطالب سیاسی را ساده جلوه داده تعمداً به طریقی که از عرض گذشت نظر خود را عمل مینمایند پس از ایراد سازمان موضوع را سهل انگاری و اشتباه جلوه میدهند مراتب جهت استحضار تیمسار ریاست ساواک از عرض میگذرد.

یادآور می شود پس از ملاقات یکی از مسئولین عالی رتبه ساواک با عبدالله والا مقرر میشود وی مراقبت بیشتری در کنترل مطالب مجله بعمل آورده و ساواک نیز هرگونه اطلاعی از انحراف کارمندان مجله پیدا کرد به وی بدهد، تا کارمند مظنون را اخراج کند. (مجموعه سند شماره ۶) از جمله موارد همکاری مجله با ساواک میتوان به متن نامه مورخ ۱۳۳۹/۱/۲۹ که از سوی تهران مصور به بخش مطبوعات ساواک و خطاب به سرهنگ سعادت‌مند افسر کنترل کننده مطبوعات میباشد اشاره کرد. در این نامه آمده است.

"همانطور که تلفنی عرض شد مقاله مربوط به روابط ترکیه و روسیه را که در ضمن مطالب جالبی هم راجع به ایران دارد خدمتتان تقدیم میدارم تا هر قسمت آنرا که صلاح میدانید حذف و اصلاح فرمائید و قسمتی را که برای انتشار مناسب است مرحمت نمائید تا چاپ کنیم.

ضمناً مقاله کوتاهی را که مربوط به (هله هوله) است خدمتتان فرستاده تا ملاحظه فرمائید. البته این مطلب مربوط بدوران قاجاریه است. معهداً از لحاظ رعایت احتیاط و مصلحت تقدیم داشتم تا اگر اصلاحی لازم دارد بفرمائید."

در ابتدای سال ۱۳۳۹ مجله تهران مصور در شماره ۸۶۴ خود گزارشی پیرامون آفتاب پرستان قصبه زورآباد ایوانکی چاپ مینماید، یکی از اهالی ایوانکی به نام نورالدین تاج بخش از ساواک درخواست مینماید، بدلیل آنکه اولاً دیگر در قصبه زورآباد سکنه‌ای وجود ندارد و ثانیاً در ایوانکی آفتاب پرست وجود ندارد با مجله برخورد مقتضی بنماید، در این رابطه بخش مطبوعات ساواک موظف به رسیدگی میگردد و نتیجه را به مقامات اعلام نماید. (سند شماره ۸)

ساواک تهران در تاریخ ۱۳۳۹/۲/۱۵ طی بخشنامه شماره ۵۴۶/ج/۳ به کلیه مراکز ساواک در سایر نقاط کشور دستور میدهد تا از توزیع شماره ۸۷۰ مجله تهران مصور بدلیل چاپ مطالبی راجع به نفت (کنسرسیون) جلوگیری بعمل آید.

در هامش این سند که با امضای سپهبد بختیار اولین رییس ساواک تنظیم شده است، بختیار نوشته است که آقای فروغی از طرف نخست وزیر (آقای اقبال) این مقاله را خلاف مصلحت روز تشخیص داده و موضوع را تلفنی به ریاست ساواک نیز اطلاع داده است.

ولی از سوی دیگر در بررسی‌های ساواک مشخص می‌گردد نویسنده مقاله، مطالب مورد ادعای خود را با اطلاع احمد مهید مشاور عالی دربار تنظیم نموده و احمد مهید نیز با اطلاع نخست وزیر این اقدام را انجام داده است.

متعاقب آن ساواک طی نامه‌ای مطالب را به اطلاع شاه میرساند و اظهار میدارد:

"مجله تهران مصور در شماره ۸۷۰ مورخ ۱۳۳۹/۲/۱۶ در صفحات چهارم و پنجم مقاله‌ای تحت عنوان اسرار و اسناد محرمانه نفت جنوب را فاش می‌کنیم، داشت.

چون انتشار مقاله مزبور مناسب نبود از توزیع آن جلوگیری شد. طبق تحقیقاتی که بوسیله ساواک بعمل آمد معلوم شد نویسنده مقاله با مشورت و توصیه مهید آنرا تهیه و چاپ نموده است.

همچنین طی تلگراف دیگری سر تیپ علوی کیا از سوی ساواک مجدداً به اطلاع شاه میرساند که:

"مجله تهران مصور در شماره ۸۷۰ خود مقاله‌ای تحت عنوان اسرار و اسناد محرمانه نفت جنوب را فاش می‌کنیم - قرارداد ظالمانه کنسرسیوم باید تغییر یابد - کنسرسیوم نفت طلای سیاه ایران را به رایگان میبرد و حتی یکشاهی بابت بهای نفت بها نمی‌پردازد - تنها عایدات ملت ایران مالیاتی است که به نفت تعلق میگیرد به تعداد معدودی منتشر شده بود. چون انتشار مطالب مزبور مناسب نبود از توزیع این مجله جلوگیری شده است.

در سند دیگری آمده است:

سپهبد بختیار به کلیه ساواکهای خارج از مرکز اعلام میدارد که مدیر مجله تهران مصور صفحات ۴ و ۵ شماره ۸۷۰ را مجدداً چاپ و به نمایندگان در شهرستانها ارائه نموده است، لذا دستور دهید مجله پس از تعویض صفحات توزیع شود. (مجموعه سند شماره ۹)

مجله تهران مصور در شماره ۸۸۰ خود انتخابات مجلس را فرمایشی اعلام نموده و مطالبی علیه دکتر اقبال نخست وزیر وقت منتشر مینماید که بخش جراید ساواک طی گزارشی در تاریخ ۱۳۳۹/۵/۱۹ به سلسله مراتب خود اظهار میدارد:

"مجله تهران مصور به مدیریت آقای مهندس والا عضو حزب مردم و کاندیدای آن حزب از خلخال، در روزنامه‌های پایتخت و مجله خود مبادرت به حمله به دولت و حزب ملیون و شخص آقای دکتر اقبال نخست وزیر نموده است و با انتشار مطالبی در جراید یومیه عصر تهران و مجله تهران مصور چنین وانمود کرده که انتخابات این دوره به کلی فرمایشی بوده و دولت در امر انتخابات دخالت مستقیم دارد. چون ادامه این رویه در اذهان عمومی نامطلوب و درست به عکس اوامر اعلیحضرت همایون شاهنشاه و نظر دولت مبنی بر آزادی

انتخابات است، لذا چنانچه اجازه فرمایند به مدیر مجله مزبور برای جلوگیری از ادامه این رویه تذکرات لازم داده شود.

در هامش این سند عنوان شده است که سردبیر مجله (آقای رجا) به ساواک احضار گردید و مقاله را تصحیح نمود و به او ابلاغ شد مقاله تصحیح شده را درج و نسبت به تعویض مقاله اول اقدام نماید که وی نیز قبول نمود. (سند شماره ۱۰)

در تاریخ ۱۳۳۹/۶/۱۸ مجله تهران مصور خیر وساطت ژنرال عبدالکریم قاسم در بهبود روابط ایران و شوروی را درج مینماید که بدلیل اهمیت موضوع مراتب طی گزارش مورخ ۱۳۳۹/۶/۲۳ در ساواک مورد پیگیری واقع میشود. محمود رجا، سردبیر نشریه به ساواک اطلاع میدهد که خیر را آقای اسمعیل راین از یک کارمند ایرانی شاغل در سفارت عراق اخذ مینماید (مجموعه سند شماره ۱۱)

ساواک قم طی نامه‌ای به اداره کل سوم ساواک اطلاع میدهد که:

"هفته قبل که در شماره ۹۱۰-۹۱۱ مجله تهران مصور صفحه ۵۸ دو خبر تحت عنوان تهیه فیلمی از زندگانی حضرت محمد (ص) درج شده بود که در محافل روحانی و حوزه علمیه و اهالی شهرستان قم سروصدائی برافراخته و موجب عدم رضایت مردم نسبت بمقامات مرکزی و به خصوص وزارت خارجه و سفیر کبیر ایران در رم بوده است بدینوسیله دو نسخه روزنامه استوار که درباره موضوع فوق مقالائی درج نموده است بپیوست ارسال میدارد.

بازاریهای قم طوماری به امضای بیش از هزار نفر خطاب به حضرت آیت‌اله بروجردی تهیه و تقاضا نموده‌اند که از این عمل جلوگیری نمایند. در ضمن شب ۱۹ ماه رمضان در مسجد اعظم حجت‌الاسلام آقای حاج میرزا ابوالفضل زاهدی که از ائمه جماعت و مدرسین درجه یک قم میباشد ضمن وعظ موضوع را مطرح و بی‌علاقه گی دولت را نسبت بمقدسات مذهبی گوشزد نمود و....." (سند شماره ۱۲)

در مورخه ۱۳/۱۰/۳۹ بخش جراید ساواک به سلسله مراتب خود گزارش میدهد که در آخرین قسمت داستان دنباله دار زنی بنام هوس مندرج در شماره ۹۰۴ نشریه تهران مصور مطالبی تحریک آمیز درج گردیده است. از آنجائیکه در قسمت آخر این داستان عبارت زیر آمده است:

"قهرمان داستان در پاسخ به سؤال زنی به نام حوریه که این معجزه کی و چه جور رخ خواهد داد میگوید: نمیدانم چه جور. اما بهر حال این معجزه رخ خواهد داد. فقط آسمانها، خدا و مسیح و مریم خدا میدانند که این معجزه چطور اتفاق خواهد افتاد. این امری است که به آینده مربوط است ولی بهر حال این معجزه رخ خواهد داد. شاید بصورت یک انقلاب... و شاید بصورت یک کودتا.

بخش جراید از سلسله مراتب خود در زمینه نوع برخورد کسب نظر مینماید که چنین دستوری صادر میشود:

۱- بایستی روشن کنید نویسنده این مقاله کی است. خیلی بوی چپی میدهد و اگر نویسنده معلوم شود مشخص خواهد شد.

۲- با آقای مهندس والا شخصاً مذاکره کنید و عیناً این دستنویس با دقت خوانده شود ارائه دهید قطعاً خواهد گفت اصلاً بی اطلاع بوده ولی باید موضوع خیلی جدی گرفته شود.

در تحقیقات ساواک مشخص می شود که نویسنده این داستان فردی بنام صدرالدین الهی است که تحت عنوان ارغنون مطالب را ارائه مینموده و طی یادداشتی به ساواک اعلام میکند که:

"داستان مزبور که صرفاً بمنظور تجلیل از خدمات قائد عظیم الشان ایران اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر تحریر شده است و متأسفانه بعلت اتمام جلد اول آن در شماره ۹۰۴ مختصر سوء تفاهمی بوجود آمده بود. در شماره ۹۰۵ با تشریح کامل موضوع و تجلیل کافی از اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر موضوع روشن گردیده است و اگر ذلت و خطایی نیز در خلال سطور این دو شماره بچشم میخورد، علت قصور قلم بوده است ورنه خدای ناکرده، هیچ نوع سوء نیتی از سوی اینجانب در میان نبوده است. امیدوارم که در طی دنباله داستان و در فصول آینده آن به اندازه که در حد یک ایرانی وطن پرست و حق شناس است بتوانم درباره مقام والای اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر قلمفرسایی کنم. یکبار دیگر از سوء تفاهم پیش آمده اظهار تأسف می کنم و پوزش میخوام."

بخش جراید ساواک در تاریخ ۳۹/۱۰/۲۰ گزارش احضار نویسنده را به سلسله مراتب خود ارائه میدهد و یادآور میشود که در نظر است طی شماره ۹۰۵ مجله تهران مصور موارد مذکور جبران گردد. همچنین در گزارشی دیگر این بخش در تاریخ ۳۹/۱۱/۲ اعلام مینماید که نویسنده، مشی داستان را عوض نموده و از اعلیحضرت رضاشاه کبیر تجلیل فراوانی نموده است.

(مجموعه سند شماره ۱۳)

در تاریخ ۱۳۴۰/۷/۲۹ بخش جراید ساواک در گزارشی با توجه به خبر منتشره در مجله تهران مصور مورخ ۱۳۴۰/۶/۲۸ به تیغات آزادی فروش کتب کسروی پرداخته است و آنرا با توجه به فشارهای روحانیت خلاف مصالح تشخیص داده است ولی در این راستا میتوان به علاقه تهران مصور جهت اشاعه اینگونه مطالب نیز نظر داشت. در خبر آمده است که شعبه ۹ دادگاه جنحه ریاست آقای دکتر ناصر وثوقی فروش کلیه نشریات و کتب کسروی را آزاد اعلام داشته و نظر داده است که این کتب علیه اسلام نیست.

همچنین در تحقیقات ساواک آمده است: دکتر ناصر و ثوقی رییس شعبه ۹ دادگاه جنحه قبلاً در حزب توده عضویت داشته و یکی از سوسیالیستهای پروپاقرص میباشد. (سند شماره ۱۴) در تاریخ ۱۳۴۰/۷/۲۱ مجله تهران مصور در مورد مهاجرت دسته جمعی ارامنه ایران به شوروی گزارشی را منتشر مینماید که ساواک تبریز و اداره مستقل هشتم ساواک ادعا مینمایند که بخش این خبر موجب توهم ارامنه میگردد و آنها خیال میکنند که اکثر ارامنه قصد مهاجرت دارند و لذا از اداره کل سوم ساواک - بخش جراید - درخواست میکنند تا برای رفع این توهم اقدامات مقتضی صورت پذیرد.

در این خصوص قائم مقام ساواک دستور میدهد که:

"مهندس والا را احضار کرده و به او بگوئید شما که در امور مملکت و روزنامه نگاری واقف هستید چرا مطالبی که حقیقت ندارد و با آن عکسهای غیر واقعی منتشر میشود که باعث نگرانی و ناراحتی ارامنه ایران بشود"

و متعاقب آن اداره کل سوم اقدام مقتضی را بعمل میآورد و مقرر میشود که مجله جبران نماید و در نهایت در مورخه ۴۰/۸/۱۲ شرحی زیر عنوان "اکثر ارامنه ایران حاضر به مهاجرت نیستند" در مجله تهران مصور درج میشود. (مجموعه سند شماره ۱۵)

در گزارش مورخ ۱۳۴۰/۹/۱۸ بخش جراید ساواک آمده است که نشریه تهران مصور نظریه ساواک مبنی بر اینکه درج مقاله آتشفشان دانشگاه به همراه عکس و تظاهرات دانشجویان به مصلحت نمیباشد را رعایت کرده و به جای آن مطلب دیگری را درج نموده است. (سند شماره ۱۶)

مجله تهران مصور علاوه بر جریانات سیاسی داخلی، می‌کوشید در عرصه سیاست خارجی نیز دستی داشته و در صورت امکان جنجال بیافریند.

مجله تهران مصور در شماره ۹۴۵ مورخ ۱۳۴۰/۹/۲۴ خبری بشرح زیر درج مینماید:

"شکست در جبهه ناصر و درک لزوم پشتیبانی ایران در مبارزات عراق در خلیج فارس سبب شد که زمامداران عراق لزوم تجدید نظر در روابط دو کشور را مورد توجه قرار دهند و توسط عباس آرام سفیر کبیر ایران در بغداد مراتب را بمقامات سیاسی وزارت امور خارجه ایران اطلاع دهند این مسئله با استقبال محافل رسمی ایران مواجه گردید و دولت ایران مراتب علاقه متقابل را بدولت عراق اطلاع داد. در وزارت امور خارجه شنیدیم که آقای عباس آرام وظیفه داشت در بازگشت بعراق خوشنودی دولت را از این تصمیم عراق ابلاغ دارد و در ضمن هبیتی از رجال سیاسی و نظامی آن کشور را نیز بتهران دعوت کند تا مذاکرات حضوری

از نو آغاز گردد و این هیئت نیز در اول این هفته زیر عنوان (شرکت در مراسم ۲۱ آذر) بتهران آمد. مفسران سیاسی پایتخت انکار نمیکنند که دولت خواسته است باین ترتیب خیال عراق را از عدم جانبداری دولت ایران از اکراد عراقی که گفته میشود بایران گریخته‌اند راحت کند با توجه باینکه جشن ۲۱ آذر در حقیقت تا حدی نیز مربوط باکراد عراقی و بارزانیها میشود شنیده‌ایم که دولت ایران مایل است در صورتیکه عراق حاضر شود از ادعاهای خود در شطالعرب دست بردارد در شورش کردهای عراقی با دولت عراق همکاری نماید.

بخش جراید مراتب را به اطلاع معاونت دوم ساواک میرساند که او نیز دستور می‌دهد: "ضمن تذکر لازم بمسئولین مجله، از آنها بخواهید که مفسران سیاسی پایتخت را معرفی نمایند و معلوم کنند که بنای تفسیر آنها چه میباشد. توجه لازم برای رعایت مصالح کشور به آنان داده شود و بخواهید که تفسیر غلط را تصحیح کنند.

در ادامه بخش جراید با توجه دستور صادره، تذکر لازم را به مجله تهران مصور میدهد و آن مجله در این مورد اصلاحیه‌ای چاپ میکند. (سند شماره ۱۷)

ساواک با حساسیت فراوانی، مطالب سیاست خارجی مجله تهران مصور را تحت نظارت و کنترل خود قرار داده و مطالب آن به خصوص در مورد کشورهای عربی، شوروی را به اطلاع مقامات عالی‌رتبه کشور می‌رسانده است و در صورت لزوم تهران مصور را و می‌داشته که مطالب منتشره را تصحیح کند. تعدادی از مقالاتش که از نظر ساواک مهم بوده و به اطلاع سلسله مراتب ساواک رسیده، به این شرح می‌باشد:

بخش جراید ساواک پیرامون گزارش منتشره در شماره ۹۷۴ مجله تهران مصور در تاریخ ۴۱/۲/۱۴، خیر مجله، در رابطه با فعالیت‌های عبدالناصر بر روی دانشجویان ایرانی را به مقامات مافوق خود اطلاع داده است. (سند شماره ۱۸)

بخش جراید ساواک از مقامات مافوق خود درخواست نموده است تا متن داستان مندرجه در شماره ۹۷۷ نشریه تهران مصور، تحت خطرناکترین سلاح روسی (چگونگی بهره‌گیری سرویس جاسوسی شوروی از زنان برای بدام انداختن افراد نظامی و غیرنظامی کشورهای خارجی خصوصاً دشمنانش و نیز استفاده اطلاعاتی از افراد فوق در حال مستی) را برای کلیه کارمندان کپی نموده و ذهن آنها را نسبت به حیل‌های جاسوسی شوروی روشن نماید. (سند شماره ۱۹)

بخش اطلاعات خارجی ساواک طی گزارشی اطلاع میدهد که مندرجات شماره ۱۰۱۵ مجله تهران مصور که حاوی مطالب زنده‌ای علیه اهل سنت است، توسط عده‌ای از ایرانیان سنی مذهب

مقیم دبی به رویت شیوخ دبی و شارجه رسانده شده و سپس از مدیر مجله به دربار و ساواک شکایت کرده‌اند که با توجه به تذکر بخش جراید ساواک، نشریه در شماره بعد مطالب منتشره را تصحیح می‌نماید. (سند شماره ۲۰)

در زمینه همکاری مجله تهران مصور و سردبیر آن یعنی محمود رجاء با ساواک به گزارشی برخورد میکنیم که ساواک از محمود رجاء میخواهد تا نویسنده خبر "اخراج یک آلمانی مشکوک" مندرج در شماره ۱۰۲۳ مجله تهران مصور را معرفی نماید که وی درخواست ساواک را اجابت می‌کند. (سند شماره ۲۱)

مجله تهران مصور قصد داشت در شماره ۱۰۱۰ خود در تاریخ ۴۳/۵/۲ در صفحه ۷ مطلبی تحت عنوان (انعکاس پیروزی گلدواتر و ایران) منتشر کند:

پیروزی گلدواتر و کنوانسیون حزب جمهوریخواه در تهران با دقت مورد بررسی قرار گرفت. بعضی از مقامات سیاسی ضمن مصاحبه‌های کوتاهی پیرامون پیروزی گلدواتر اظهار نظر کرده‌اند. از جمله مقدم رئیس اداره چهارم سیاسی وزارت امور خارجه در این مورد گفت (درباره پیروزی گلدواتر سخن گفتن بیک شوخی بیشتر شباهت دارد زیرا با احتمال وی در انتخابات آینده شکست خواهد خورد) این اظهار نظر صریح که یکی از خبرگزاریها آنرا مخابره کرده در محافل امریکائی با تعجب تلقی شده و ابتدا آنرا نظر دولت ایران دانسته‌اند ولی پس از تحقیق معلوم گردید که این مسئله صرفاً نظر خود رئیس اداره چهارم بوده است و با وجودیکه در وزارت امور خارجه گفته شده که اظهار نظر مقدم یک موضوع کاملاً خصوصی است معذالک سخنگوی وزارت امور خارجه در این مورد سکوت مطلق نموده و خبرنگاران را برای کسب اطلاع بوزارت اطلاعات راهنمایی کرده‌اند.

کمیسیون مطبوعات خبر مذکور را مورد بررسی قرار داده و در تصمیم‌گیری نهایی انتشار آن را به مصلحت ندانسته و دستور می‌دهد:

گزارش مذکور به کلی تغییر نماید و متن تغییر یافته به اطلاع و رویت مقامات ساواک می‌رسد. لذا نسبت به تعویض آن اقدام لازم بعمل آورده است. (سند شماره ۲۲)

رفتار مجله تهران مصور در مورد انتشار مطالب به گونه‌ای بود که گاه موجب تداخل و برخورد برخی از قسمت‌های ساواک با یکدیگر می‌گردید از جمله در یک گزارش بخش جراید ساواک آمده است:

در اجرای امر قرار بود امروز صبح با جناب آقای آرام ملاقات و در مورد خبر مندرج در مجله تهران مصور شماره ۱۰۹۸ مورخ ۴۳/۶/۲۷ دایر بملاقات شاهنشاه با خروشچف در قصبه فیروزه یا رامسر مذاکره و

سپس از طریق وزارت اطلاعات تحقیق شود که آیا مخبر مجله یاد شده این خبر را از چه منبعی تحصیل و در تهران مصور منعکس نموده است. ولی مقارن ساعت ۹/۵ سرکار سرهنگ هاشمی مدیریت اداره کل هشتم تلفن نمودند که بدستور مقامات ساواک باین موضوع از طریق اداره کل هشتم رسیدگی خواهد گردید اینجانب از ملاقات با وزیر امور خارجه و طرح مطلب در کمیسیون بررسی جراید خودداری نمایم که بدین ترتیب نیز رفتار گردید. (سند شماره ۲۳)

ساواک از طریق منابع خود از دیدگاههای بخش مطبوعاتی سفارت شوروی آگاه می شود و طی گزارش مشروحی آنرا به مقامات ساواک اطلاع می دهد، در این گزارش ساواک آمده است:

سلسله مقالاتی که در روزنامه های اطلاعات و پیغام امروز و مجله تهران مصور روزنامه هفتگی اتحاد ملی درباره سفر شاهنشاه به شوروی آغاز شد مورد توجه و دقت اداره مطبوعات شوروی قرار گرفته است. در این هفته سائول چینگو مستشار سفارت شوروی که وابسته مطبوعاتی نیز میباشد به روزنامه پیغام امروز، مجله تهران مصور و روزنامه اتحاد ملی رفته و با مدیران آنها گفتگو دو جانبه نمود.

در ملاقاتی که با سائول چینگو روی داد از نوشته های فرهاد مسعودی در روزنامه اطلاعات بسیار عصبانی بود و آنرا مقالات اداره اطلاعات امریکا و نوشته های جراید و مجلات غربی که قبلاً منتشر شده دانست او میگفت در چندین مورد نوشته های فرهاد مسعودی قبلاً بنام جراید و مجلات غربی در جراید اطلاعات تهران ژورنال تهران منتشر شده که عین آنها را با عین جراید فارسی در دست داریم حتی ما اطلاع داریم که فرهاد مسعودی قادر بنوشتن یک صفحه مقاله بزبان فارسی نیست و این مقالات را یکی از نویسندگان اطلاعات از روی پرونده های آرشیو روزنامه اطلاعات و یا توضیحات شفاهی فرهاد مسعودی مینویسد.

اطلاعاتی که از مسکو بمارسیده حاکیست که فرهاد مسعودی کمتر در تشریفات رسمی شرکت میکرده بیشتر در فکر زن بازی - عیاشی و گذرانیدن اوقاتش در مغازه ها کاباره ها و رستورانها میگذشته است. کارکنان سفارت شوروی بر عکس از تفسیرهای سیاسی دکتر عبدالرسول عظیمی تمجید فراوان کرده و او را روزنامه نگار خوب باارزشی میدانند. سائول چینگو میگوید همه مقالات او را بزبان روسی ترجمه کرده و به مسکو فرستاده ایم.

درباره مهندس عبدالله والا میگفت. برای ما محقق شد که تهران مصور را او اداره نمیکند و از لحاظ روزنامه نگاری در ردیف نویسندگان درجه سوم است. نوشته های او بیشتر از روی اطلاعات منتشره در بولتنهای کتابچه های توریست ها و اوراق تبلیغاتی شوروی تهیه شده است.

درباره نوشته های مدیر اتحاد ملی اظهار نظری نکرده و معتقدند که نوشته های او یکسال طول میکشند.

(سند شماره ۲۴)

ساواک در استانهای مرزی از حساسیتی مشابه حساسیت ادارات مرکزی ساواک در مورد مطالب منتشره تهران مصور برخوردار بود، به عنوان نمونه ساواک آذربایجان غربی که در جوار مناطق کردنشین قرار داشت یک مقاله روزنامه تهران مصور را مورد نقد امنیتی و اطلاعاتی قرار داده و از ساواک مرکز می‌خواهد، برخورد لازم با مجله تهران مصور صورت گیرد، در این گزارش آمده است:

بدینوسیله چهار برگ از مجله هفتگی تهران مصور شماره ۱۱۸۵ مورخه ۴۵/۲/۳۰ بیپوست ایفاد و با توجه به تیر عنوان مقاله (تعداد کردها از هشت میلیون نفر متجاوز است و مرزهای چند کشور از آغوش مناطق مسکونی آنها گذشته و آنها را تبعه پنج کشور روسیه، ترکیه، عراق، سوریه و ایران کرده است) بنظر این سازمان درج اینگونه مقالات و اظهارنظرهای ناشیانه و بیمورد دائر بر اینکه اکراد تبعه ایران میباشند صحیح نیست زیرا اکرادی که در ایران زندگی و با مواهب این آب و خاک نشو و نما مینمایند جزئی از ملت ایران هستند.

علیهذا با اعلام مراتب فوق مقرر فرمایند بنحو مقتضی از نشر اینگونه مقالات که نویسندگان آن باوضع و احوال منطقه کردنشین آشنائی کافی ندارند جلوگیری فرمایند. ضمناً عکس کلیشه شده تحت عنوان (سرهنگ طالبانی یکی از رهبران شورش عراق) متعلق به جعفر کریمی ساکن قریه قم قلعه مهاباد میباشد که این امر نیز خود موید نظریه این سازمان است. و در خاتمه درخواست میکند که بخش جراید با مجله تهران مصور برخورد مناسب بعمل آورد.

(سند شماره ۲۵)

امریکا و سیاست خارجی آن کشور که نقش مهم و حیاتی در سیاست داخلی و خارجی حکومت پهلوی ایفا می‌کرد، همواره مد نظر مقامات امنیتی بود تا در داخل کشور خدشهای بر آن وارد نشود و تا آنجا پیش رفت که انتقادهای ساده را نیز در مورد سیاست خارجی امریکا در مطبوعات داخلی، بر نمی‌تافتند و با هرگونه انتقاد و پرسش علیه سیاست خارجی امریکا مقابله می‌کردند. نمونه بارز آن را در این گزارش ساواک مشاهده می‌کنیم.

این گزارش مربوط به ملاقات مامور ساواک با مدیر داخلی مجله تهران مصور - پرویز گرجی -

میباشد:

از پرویز گرجی مدیر داخلی تهران مصور پرسش شد چرا در مجله مذکور مدتی است مطالبی علیه سیاست امریکا چاپ و منتشر میشود و نامبرده گفت طبق اطلاع کاملی که بدست ما رسیده و مقامات عالی کشور نیز بیش و کم از آنان واقف میباشند برنامه سیاسی حکومت عبدالناصر در مصر از طرف دیپلماسی

امریکا طراحی میشود و نامبرده هرگونه برنامه‌ای که در خاورمیانه و در کشورهای عربی اجرا میکنند مورد تایید مقامات امریکائی است.

گرچی میگفت امریکائیا عقیده دارند درآمد نفت کشورهای خاورمیانه و مناطق عربی خلیج فارس باید مورد استفاده کلیه ساکنان این منطقه قرار گیرد و بجای اینکه این کشورها برای مقابله با کمونیستها از کمک مالی امریکا استفاده کنند باید از درآمد نفت کشورهای کوچک که قسمت عمده آن در بانکهای لندن با اسم سران کشورهای عربی سپرده میشود برخوردار شوند و نظر امریکائیا در زمانیکه دکتر علی امینی سفیر کبیر ایران در امریکا بود بهمین صورت از طرف امینی مورد تایید قرار گرفت که بلافاصله بایران احضار گردید و امریکا فعلاً خود را قیم کشورهای کوچک قلمداد کرده علیه رژیم این کشورها برنامه‌ای را که مایل باشند اجرا میکنند در اینصورت خطر دیپلماسی امریکا در پشت سر سیاست عبدالناصر ایران [را] تهدید میکنند و نباید اجازه داد لاقلاً امریکائیا در داخل ایران دارای نفوذی علیه مصالح ما باشند. (سند شماره ۲۶)

از آنجائیکه در سالهای پس از واقعه مهم ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تنفر عمومی جامعه نسبت به بیگانگان علی‌الخصوص امریکائیا به اوج خود رسیده بود مجله تهران مصور نیز در جهت انحراف افکار عمومی اقدام به چاپ مطالبی تحت عنوان ماساچوستی مینماید و در آن به ایرانیانی که برای تحصیل به آمریکا رفته و با روحیه‌ای غرب زده به کشور بازگشته‌اند، میتازد. متعاقب آن بخش جراید ساواک دو گزارش دیگر در تاریخهای بیست دوم و بیست سوم شهریور ۱۳۴۵ به شماره‌های ۵۸۲ - ۳۰۰ / الف و ۷۴۵ - ۳۰۰ / الف برای مقامات ساواک به شرح زیر تهیه مینماید:

در گزارش اول آمده است:

سلسله مقالاتیکه در مجله تهران مصور بنام (ماساچوستی) بصورت فکاهی راجع به دکتر گودرزی نوشته میشود این روزها در بین قاطبه روشنفکران و اکثر خانواده‌ها مورد بحث و گفتگو قرار دارد. چون جوانان امریکا رفته، اکثرأ بعد از بازگشت بایران پشت پا به آداب و رسوم ملی و خانوادگی خود زده‌اند و جز مادیات هدفی را نمیشناسند روی این اصل افکار عمومی آمادگی کامل برای قبول مطالبی که علیه آنها در جرائد نوشته میشود دارد. شخص دکتر گودرزی با دفاع چند ساله از قانون استخدام که مورد مخالفت افکار عمومی بود بیش از هر کس، افکار عمومی کارمندان و جوانان درس خوانده ایرانی و اروپائی را علیه امریکا رفته‌ها تجهیز کرد بطوریکه امروز همان تفریکه در دوره نخست وزیری مصدق مردم از انگلیس‌ها داشتند همان روحیه در مردم علیه امریکائیا بوجود آمده است. تیراژ مجله تهران مصور بعلت درج مطالب و مقالات ضد امریکائی بالا رفته و این امر نموداری از افکار عمومی مردم نسبت به دیپلماسی امریکا میباشد.

در گزارش دوم نیز اینگونه مقاله پرداخته است:

پیرو گزارش قبلی از هنگامیکه مجله تهران مصور مبادرت بدرج سلسله مقالاتی تحت عنوان ماساچوستی‌ها نموده و تحت عنوان مزبور طرز فکر و نحوه عمل جوانان تحصیلکرده امریکا را در ادارات و موسسات مختلف کشور ضمن مطالب مزبور بطرز صریح و روشن منعکس کرده است. نوشته‌های مورد اشاره مورد استقبال عامه و بخصوص طبقه روشنفکر قرار گرفته و تیراژ مجله مزبور بهمین مناسبت بالا رفته است.

از طرفی انتشار سری مطالب مزبور موجبات سرافکنندگی امریکا رفته‌ها را فراهم نموده و آنها که از امریکا فارغ‌التحصیل شده‌اند کوشش زیاد کرده‌اند که از انتشار مقالات مذکور جلوگیری نمایند ولی تابحال موفق نشده‌اند. با انتشار مقالات ماساچوستی‌ها اخیراً عده‌ای در صدد برآمده‌اند از مضمون مطالب مزبور فیلمی تهیه و بازار ارائه نمایند.

گزارشگر ساواک نظر منبع را نیز چنین شرح داده است:

برای اینکه جوانان تحصیلکرده داخل مملکت بدانند وجود آنان در طریق خدمت به کشور بمراتب مفیدتر از کسانیت که بصرف استفاده از مکتب پدری و با بهانه عدم موفقیت در کنکورهای داخلی راه امریکا را در پیش میگیرند و با دربانی هتل و ظرف شوئی و بچه‌داری موفق باخذ لیسانس میشوند تهیه فیلم از موضوع مقالات ماساچوستی‌ها اقدام بجا و مناسبی است. (مجموعه سند شماره ۲۷)

بخش جراید ساواک با بررسی مقاله‌ای تحت عنوان "در چهار راه خاورمیانه" منتشره در مجله تهران مصور به سلسله مراتب خود گزارش میدهد:

بحث سیاسی (در چهار راه خاورمیانه) در تهران مصور که بقلم احمد آرامش میباشد اخیر از جنبه بیطرفی بکلی خارج شده و طرفداری شدید از سیاست شوروی نموده و از خروشجف تجلیل بی سابقه نموده است و او را مردی باهوش و زیرک و قوی برای مقابله با سیاست آزادی کش امریکا مناسب دانسته است و در مقابل از سیاست دول غرب شدیداً انتقاد نموده و حتی نزاکت را نیز از دست داده و جنبه اهانت پیدا کرده و کلمات مفتضح و بی‌آبرو و جاسوس و نام سیاست آزادی کش روی آن گذاشته و سفارت شوروی نیز بعنوانین مختلفه از نویسنده مقالات مزبور تقویت نموده و اخیراً نیز یکی دو مجله و روزنامه نیز به مجله مزبور تاسی نموده و به همان نام (در چهار راه خاورمیانه) به قلم همان شخص (قلم یکی از رجال برجسته سیاسی) سلسله مقالاتی را منتشر میکنند که شدیداً از شوروی و مصر تجلیل و به همان نسبت به آمریکا و سیاست دول غرب توهین مینماید از جمال عبدالناصر تجلیل بی سابقه میکند و بکلی جنبه بی طرفی و حتی نزاکت را از دست داده است کم کم در اذهان عمومی این توهم پیش آمده است که این مقالات طبق دستور و یا لاقابل با تماس

دستگاه میباید ادامه این مقالات با این روش که مورد علاقه و استقبال عناصر ماجراجو نیز میباید ممکن است در آینده تحولی که شاید بصلاح نباشد تولید نماید که جلوگیری آن اشکال داشته باشد. مراتب جهت استحضار خاطر مبارک بعرض میرسد. (سند شماره ۲۸)

همچنین بخش جراید ساواک با توجه به ملاقات وابسته مطبوعاتی سفارت شوروی با رئیس اداره اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه در مورخه ۴۵/۶/۸ در رابطه با مقالات مندرج در نشریه تهران مصور بر علیه سیاستهای شوروی گزارشی را بشرح زیر جهت سلسله مراتب خود تهیه مینماید:

وابسته مطبوعاتی در تاریخ ۴۵/۶/۸ با رئیس اداره اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه ملاقات و اظهاراتش درباره مقاله تهران مصور شماره ۱۲۰۰ مورخ ۱۱ شهریور جاری و همچنین کتاب (یادداشت‌های پنکوفسکی) نموده و یادآور شده اکنون که در اثر مساعی و کوششهای دولتین ایران و شوروی مناسبات و روابط دو کشور بهبود یافته و مرتباً کوشش میشود که هر چه بیشتر روابط توسعه یابد درج و انتشار اینگونه مطالب بنفع دو کشور نخواهد بود و این مطالب ساخته و پرداخته اداره جاسوسی ایالات متحده آمریکا میباشد.

وزارت امور خارجه مراتب را به وزارت اطلاعات منعکس و وزارتخانه مذکور به وزارت امور خارجه پاسخ داده که در مورد مجله تهران مصور اقدام گردید که از درج اینگونه مطالب خودداری نماید و در مورد کتاب موصوف نیز یادآور شده که امور کتاب از وظائف وزارت فرهنگ و هنر میباشد. (سند شماره ۲۹)

ساواک در مورد انتشار یک مقاله در مورد روابط ایران و شوروی نظر خود را به این شرح بیان می‌کند و در خاتمه مانع از درج مقاله در مجله تهران مصور می‌شود، در گزارش ساواک آمده است: موسسه تهران مصور در نظر دارد مقاله (عصر طلایی روابط ایران و شوروی) نوشته آقای اسمعیل رانین را که در دو شماره اخیر تهران مصور بچاپ رسیده بود بصورت جزوه کوچکی منتشر نماید.

و در ذیل آن یادآور میشود که:

"با وجودیکه مطالب این مقاله طوری تنظیم شده که بیشتر از ایران و پیشقدم شدن شاهنشاه آریامهر در ایجاد روابط حسنه تعریف و تمجید شده است معهداً با توجه به تمایلات تبلیغاتی شورویها در مورد پنجاهمین سال انتشار این جزوه از طرف مجله تهران مصور صلاح نیست."

موسسه تهران مصور از چاپ این مقاله صرف نظر مینماید و ماموران ساواک مراتب را به مقامات خود اعلام می‌کنند. (مجموعه سند شماره ۳۰)

عبداله والا در یک سفر به پاریس به مقاله‌ای در روزنامه فرانسوی زبان "ایسی پاری" برخورد میکند که در آن از کمک‌های شاه به ثریا یاد شده است و مطالب مشروحی را در این مورد منتشر کرده است:

او بلافاصله طی نامه‌ای به ناصر خدایار سردبیر وقت مجله دستور میدهد:

مقاله‌ای که درباره ثریا چند روز قبل فرستادم بنظرم نمی‌توانیم چاپ کنیم ولی اگر با آقای علم مذاکره کنید شاید ایشان با چاپ آن مقاله موافقت نمایند زیرا چاپ این مقاله موثر و بسیار خوب است و در آن از مساعدتهای شاهنشاه آریامهر به ثریا یاد شده است و افزوده است حتی اگر موافقت کردند عکس والاحضرت ثریا روی جلد مجله چاپ شود.

سردبیر مجله تهران مصور که ملزم بود در مورد مطالب مربوط به شاه، ملکه و دربار از پیش با ساواک هماهنگ شود، موضوع را به اطلاع می‌رساند و بخش مربوطه ساواک نیز از ریاست سازمان کسب تکلیف می‌کند که رئیس ساواک پاسخ می‌دهد:

"اصولاً صحیح نیست نامی از ایشان و عکسی از ایشان (ثریا) فعلاً در جراید چاپ شود. از جهات مختلف تحریک‌کننده است."

نهایتاً از طریق وزارت اطلاعات مانع چاپ این مقاله میگردند. (مجموعه سند شماره ۳۱)

در تاریخ ۴۱/۳/۱۰ یکی از قسمتهای ساواک مطلب منتشره در شماره ۹۷۸ مجله تهران مصور تحت عنوان تغییرات در کاخ نخست وزیری را فوق‌العاده زننده و اهانت‌آمیز تشخیص داده و از سلسله مراتب درخواست برخورد مقتضی مینماید که بخش جراید ساواک آن را عادی تشخیص و دستور بایگانی شدن درخواست را صادر میکند. (سند شماره ۳۲)

تهران مصور که از رفتار و برخورد ساواک با خود کم و بیش به تنگ آمده بود و از هر فرصتی برای گریز از این وضعیت بهره می‌گرفت، کوشید تا در جلسات کمیسیون مطبوعات نظر و رای مثبت مقامات را به خود جلب کرده و از آن تسهیلات اخذ نماید. این موضوع نیز از دید مامورین ساواک دور نماند و به مقامات گزارش نمودند در این متن آمده است:

"در ساعت ۱۲۰۰ مورخه ۴۴/۱۰/۲۱ آقای رجاء معاون سابق نخست وزیر و سردبیر مجله تهران مصور در کمیسیون مطبوعات اداره کل انتشارات و رادیو حاضر و از کمیسیون درخواست نمود که در بررسی مطالب تهران مصور تا حدی ارفاق بعمل آید زیرا در نتیجه دستوری که کمیسیون مطبوعات بمنظور جدا کردن صفحات تهران مصور هفته قبل که درباره بنادر جنوب مطالبی نوشته شده مقادیر زیادی خسارت بان موسسه وارد آمده است وی افزود مجله تهران مصور که از مجلات قدیمی است و همواره در پشتیبانی از

اقدامات و سیاست دولت کوشا بوده جا دارد که اگر گاهی نکته‌ای مینویسد که از نظر دستگاه قابل اغماض است از طرف مسئولان امر چشم‌پوشی شود و شایسته است که مانند خواندنیها و توفیق که مطالب تند و انتقادی مینویسند یک چنین امتیازی هم برای مجله تهران مصور قائل شوند نامبرده قصد داشته است در اینمورد با آقای معینان مذاکره کند تا شاید از این جهت تسهیلاتی در کار این مجله ایجاد نماید.

(سند شماره ۳۳)

مجله تهران مصور، به مثابه ابزاری برای اخاذی

تهران مصور از آندسته نشریاتی بود که عبدالله والا با استفاده از امکانات آن در امر اطلاع رسانی به اموری چون کارچاق کنی، باج‌گیری و... در مواقع مختلف می‌پرداخت. در یک سند در مورخ ۳۸/۳/۲۰ به یکی از موارد اشاره و اذعان نموده است که علت مخالفت تهران مصور با قرارداد شرکت برق آلتوم آن میباشد که مسئول آن مبلغ مورد نظر عبدالله والا را تأمین نموده است.

در این سند که گزارشی از جلسات جمعیت یاران دبیرستانی ایرانشهر است، آمده است:

یکی از حضار علت حملات مجله تهران مصور را به قرارداد برق آلتوم وهاب زاده، از خلیلی (یکی دیگر از اعضای جلسه) سنوال نموده و مشارالیه پاسخ داد چون مهندس والا مدیر مجله تهران مصور مبلغ ۵۰۰ هزار تومان از وهاب زاده مطالبه کرده و او نداده به او حمله و بدگویی میکند و اضافه کرد که وهاب زاده در این جریان مبلغ ۵۰ میلیون تومان به مقامات عالی کشور داده و از حملات واهمه‌ای ندارد.

(سند شماره ۳۴)

در اوایل سال ۱۳۳۹ مجله تهران مصور در شماره ۸۶۷ خود، مطالبی را علیه فردی به نام اکتا و آجوری که از شرکا و مدیر کاباره کیت کات (کسری) است انتشار میدهد. نامبرده طی نامه‌ای در مورخ ۱۳۳۹/۱/۲۸ از این قضیه به نزد ساواک شکایت میبرد و اظهار میدارد:

"محترماً باستحضار میرساند در شماره ۸۶۷ مجله تهران مصور شرحی بسیار زننده و توهین‌آمیز و غرض‌آلود نسبت باینجانب درج گردیده بود و بنده هم همان روز انتشار به آقای دکتر والا مراجعه و علت درج چنین موضوعی را که نوشته بودند سوال نمودم آقای دکتر والا در جواب گفتند اولاً باید بگویم که من بدلیل ملاحظه دوستی آقای حسن عرب این موضوع را نوشته‌ام و ثانیاً بعلت اینکه شما با همکاری نکرده و هنرپیشه به تاتر ما نمیدهید بنده در جواب گفتم اولاً من با حسن عرب دشمنی ندارم و این خود آقای عرب است که با من مخالفت مینماید و ضمناً راجع به هنرپیشه هم از ما تعهد گرفته‌اند که فقط در این کاباره کار کنند

و ما نمیتوانسته‌ایم مانند بعضی از کاباره‌های دیگر دستورات و قوانین را نادیده بگیریم حال از آن مقام محترم استدعا مینمایم در این مورد اقدام فرموده و بعنوان کمک به یک فرد بی پناه و مظلوم که مرجع دیگری را ندارد باین موضوع بذل توجه فرمایند.

که در این رابطه بخش جراید ساواک نظریه میدهد چون مسئله شخصی است اقدامی نمی‌توان کرد مگر اینکه مقامات عالی‌ه ساواک دستور صریح صادر نمایند. (مجموعه سند شماره ۳۵)
در سند دیگری از ساواک از تخلفات آقای عبدالله والا در امر انتخابات مجلس شورای ملی در حوزه خلخال حکایت میکند. در این سند آمده است:

دوستان و آشنایان مهندس عبدالله والا نماینده خلخال اظهار میدارند جمع کسانی که در خلخال به نفع مهندس والا رای داده‌اند از یکصد نفر تجاوز نمی‌کردند که هر یک سه الی چهار بار با تغییر نام رای داده‌اند و اکثر آرای که به صندوقها ریخته شده به خط هر مز شیبانی داماد مهندس والا بوده و الا مبلغ ۵۰ هزار تومان به فضل‌الله سلجوقی مدیر روزنامه صدای ملیون و بسیج خلخال کاندیداهای شهرستان خلخال پرداخته تا کنار بروند و همین مبلغ نیز خرج متفرقه داشته و صد هزار تومان هم به فرماندار محل، دوپست هزار تومان به تیمسار علوی مقدم جهت شفاعت و وساطت وی نزد شاه پرداخته است که نظر شاه نسبت به انتخابش از خلخال مساعد نماید. (سند شماره ۳۶)

در سند دیگری که متن آنرا یکی از ماموران ویژه ساواک تنظیم و به اظهارات عبدالله والا اشاره دارد، آمده است:

سازمان اطلاعات و امنیت او و آقای گودرزی را احضار کرده و از آن دو نفر تعهد گرفته است که در مجلس با اعتبار نامه و کلا مخالفت نکنند. (سند شماره ۳۷)

یک سند ساواک با بیان یکی از مقالات مجله تهران مصور تحت عنوان معمای نفیسی، در دفاع از شهردار وقت تهران (مهندس نفیسی) عنوان می‌نماید:

این مقاله در بین کارمندان صالح شهرداری انعکاس فوق‌العاده نامطلوبی داشته و عقیده دارند دستهایی برای تبرئه نفیسی بکار افتاده است و دولت نباید اجازه دهد روزنامه و مجلات، برخلاف حقیقت مطالبی جهت منحرف ساختن افکار عمومی درج کنند و درج این مقاله در نشریه تهران مصور را ناشی از تبانی و زدوبند با اشخاصی که از طرف وزارت دادگستری بموجب دلایل روشن دستگیر شده‌اند میدانند.

(سند شماره ۳۸)

همچنین در سند دیگری از ساواک یکی دیگر از کارچاق کنی‌های عبدالله والا بیان شده است در این سند به تماس عبدالله گرجی که قبلاً نماینده مجلس بوده است با مهندس والا جهت وساطت

نزد حسنعلی منصور برای تصدی پست استانداری اشاره دارد. (سند شماره ۳۹)
 در سند مورخ ۴۴/۴/۱۲ متعلق به ساواک به اظهارات یکی از بازپرسان وزارت دادگستری
 (آقای مخبر) توجه نموده که وی مدعی است عبدالله والا بعنوان نماینده مجلس از شهردار متخلف
 وقت تهران که پرونده‌اش در وزارت دادگستری تحت بررسی است ماهیانه جهت حمایت
 مستمری دریافت مینماید. (سند شماره ۴۰)

در سند دیگر در مورخ ۴۴/۴/۱۵ ساواک به امیال مهندس عبدالله والا جهت تصدی پست
 وزارت اطلاعات در کابینه‌ای که قرار است که از سوی آقای عدل تشکیل گردد اشاره نموده است.
 این سند همچنین به تلاشهای عبدالله والا جهت تامین نظرات کانونهای قدرت و نزدیکانش توجه
 داده است. (سند شماره ۴۱)

سند شماره ۱۳۸۸ / م مربوط به استانداری خوزستان است که در پاسخ به سخنان عبدالله والا
 بهنگام بحث پیرامون لایحه بودجه سال ۱۳۴۵ در مجلس شورای ملی تنظیم شده است و ضمن
 آنکه استاندار وقت خوزستان (عبداله انصاری) از برداشتهای مالی خود از حسابهای مختلف
 دفاع نموده علت مخالفت عبدالله والا با وی را در چند مورد بیان داشته است.

استاندار خوزستان مدعی است در زمان تصدیش با قاچاقچیان برخورد فعال داشته و در این رابطه به
 ارتباط صریح قاچاقچیان با عبدالله والا پی برده و به مقامات مختلف گزارش نموده است و افشای این مطلب
 را از جمله دلایل مخالفت عبدالله والا با خود میدانند و یا علت مخالفت استانداری را با درخواست بنا حق یکی
 از سفارش شدگان از سوی عبدالله والا در زمینه واگذاری غیر مجاز ساختمان دولتی و نیز ارائه غیر منطقی
 مجوز ساخت و ساز در آبادان از دلایل دیگر ذکر میکند.

استاندار خوزستان مدعی است که عبدالله والا از یکی از پیمانکاران متخلف که سعی داشته است با تئانی
 با سایر پیمانکاران، مناقصه‌ای با قیمت بیش از نرخ معمول بدست آورد. حمایت نموده است و عدم واگذاری
 مناقصه به این فرد را موج دلخوری والا از عملکرد استانداری میدانند. (مجموعه سند شماره ۴۲)

سند مورخ ۴۵/۲/۱ مربوط به گزارش تراب سلطانیپور به ریاست ساواک در زمینه تخلفات
 تعدادی از نمایندگان مجلس میباشد. در این گزارش به دو مورد تخلف عبدالله والا اشاره گردیده
 است.

در تخلف اول عبدالله والا به اتفاق یکی دیگر از نمایندگان از سخنان یکی دیگر از نمایندگان مجلس
 پیرامون تخلف شرکت سهامی جیب سوء استفاده نموده و با مراجعه به شرکت مذکور سعی مینماید از جعفر
 اخوان صاحب شرکت اخاذی کند و در این رابطه مبلغ یک میلیون ریال وجه نقد و یک خودرو دریافت نماید.

در مورد دوم آقای عبدالله والا در نظر داشته با عده‌ای دیگر از نمایندگان و مسئولان جراید جمعیتی را جهت کارچاق کنی راه‌اندازی نمایند.

بر اساس اطلاعات مندرج در این سند آقای انوشیروانی (مدیر روزنامه سحر) به حضار جلسه آقای موقر (نماینده مجلس)، مهندس والا، دکتر الموتی (مدیر صبح امروز) و... اظهار میدارد که غرض از تشکیل این جلسه راه‌اندازی یک شرکت محرمانه برای انجام کارهای اشخاصی که با سازمانها و ادارات دولتی کار دارند میباشد. مسلماً اگر شخصی کاری در شرکت نفت داشته باشد، دکتر الموتی، چون با دکتر اقبال دوست است انجام میدهد و پولی که میگیرد بین آندو تقسیم خواهد شد و کار شخص دیگری که در دادگستری گرفتاری دارد یکی از ما که در عدلیه نفوذ دارد انجام میدهد و همینطور در سایر سازمانها.

... این شرکت با حضور بخشی از اعضای جلسه و با حضور عبدالله والا پا گرفته و به فعالیت

میپردازد. (مجموعه سند شماره ۴۳)

بر اساس مندرجات سند مورخ ۴۷/۳/۱۴ عبدالله والا به‌مراه عده‌ای از نمایندگان مجلس نظر داشته‌اند با خرید زمینهای اطراف سد لتیان بقیمت ارزان و بهره‌برداری از قانون تعیین حریم دریاچه احدائی پشت سدها و تغییر کلمه حریم که در قانون ذکر شده است با همکاری برخی از مقامات دولتی، قیمت اراضی خریداری شده را افزایش داده و با این تبنی میلیونها تومان استفاده کنند.

سند مورخ ۴۸/۱۱/۲ در برگیرنده گزارشی از ولخرجی‌ها و تخلفات مهندس والا میباشد که توسط منابع ساواک تهیه شده است که محتوی آن بشرح زیر است.

مهندس والا بعد از مصاحبه حضوری که با علیاحضرت فرح پهلوی شهبانو ایران می‌نماید از معظم‌له استدعای مبلغی کمک نقدی به مجله تهران مصور میکند و ایشان قول میدهند و او نیز تقاضای خود را در ضمن مصاحبه در مجله چاپ میکند ولی وقتی نمونه صفحه را بنظر مبارکشان میرساند علیاحضرت روی جملاتی که درباره کمک به مجله نوشته شده بود خط کشیده و اجازه انتشار آن جملات را نمی‌دهند. هرگونه کمکی که به عبدالله والا بنام مجله تهران مصور میشود بدون تردید کمک به قمارخانه‌ها و قماربازان تهران و با خرج هوسرانی‌های او میشود. برای نمونه:

الف - در دی ماه سال جاری در ضمن قمار مبلغ یکصد هزار تومان به شخصی بنام میخ چی باخته که چهار چک به او داده چون چک او بی‌محل بوده میخ چی آن را به یکی از چک وصول‌کن‌ها داده و شخص مذکور بدفتر مجله رفته و در حضور اعضاء هیئت تحریریه به والا میگوید اگر مبلغ چک را پرداخت نکنید بوسیله کلاتری شما را جلب میکنم و بالاخره والا مبلغ چهل هزار تومان پولی را که بابت خرید کاغذ، گراورساز

حقوق کارگران چاپخانه و نویسندگان بود بوی پرداخت مینماید.

ب - مهندس والا با داشتن همسر و فرزند معشوقه‌ای دارد که ماهانه ۲۵ هزار تومان مخارج او را که در امریکا اقامت دارد میبرد. این معشوقه که دختر یکی از هنرپیشه‌های تئاتر تهران بوده تا یکسال قبل در تهران زندگی میکرده است.

همچنین مهندس والا بدلیل زیر احتیاج به کمک مالی ندارد:

الف - مجله تهران مصور ماهانه در حدود ۴۵ هزار تومان آگهی دولتی و ملی دارد (۲۸ هزار تومان دولتی و ۱۸ هزار تومان ملی)

ب - فروش آبونمان مجله هر هفته ۵ هزار تومان میباشد که با این دو رقم چاپ و انتشار مجله بهیچوجه ضرر نمی‌کند و فقط برداشت‌های قمار او سبب میشود که دفتر مجله زیان نشان بدهد.

پ - علاوه بر این والا دارای درآمدهای شخصی بشرح زیر میباشد:

- (۱) درآمد از سینما اروپا (بابت دو دانگ) در هر ماه ۴۰ هزار تومان
- (۲) درآمد از سینما کسری ۱۵ هزار تومان
- (۳) درآمد از سینما بلوار (که نصف این مبلغ به برادرش دکتر فتح‌اله والا میرسد) ۷۵ هزار تومان
- (۴) درآمد از تئاتر دهقان ۳۵ هزار تومان
- (۵) همسر او ثریا شقایق بابت مخارج ماهانه از مادرش هر ماه ۴۰ هزار تومان میگیرد که نصف آنرا به مهندس والا جهت کمک خرج خانه میبرد.

۲۰ هزار تومان

۱۸۵ هزار تومان درآمد شخصی

بنابراین با توجه باین ارقام درآمد شخصی، وی بهیچوجه استحقاق کمک را ندارد و اگر بخواهند کمکی به مجله بنمایند بهتر است این کمک در اختیار کارکنان مجله که برخی از آنان بیش از بیست سال سابقه خدمت دارند گذارده شود. (سند شماره ۴۵)

دریافت کمک از ساواک

مجله تهران مصور در دوران اطاعت و حرکت در چارچوب سیاست‌های فرهنگی، تبلیغی و مطبوعاتی ساواک، از کمک‌های مادی و معنوی حکومت پهلوی برخوردار می‌شود. به علاوه ساواک کنترل و نفوذ در تمام سطح مطبوعات را در دستور کار خود قرار می‌دهد تا سیطره خویش را کامل نماید. آنگونه که اسناد و مدارک می‌گویند تعداد زیادی نفوذی و حقوق‌بگیر در همه رده‌های مطبوعات از جمله تهران مصور وجود داشته‌اند به عنوان نمونه سرهنگ کیانی مسئول

ساواک در زمینه مطبوعات تهران در مورخ ۱۳۳۸/۱/۲۴ اعلام می‌کند:

مقاله‌ای که قبلاً به عرض مبارک رسیده به وسیله آقای خادم و کریم روشنیان برای کشورهای خارجی به زبانهای مختلف تهیه و ارسال شده است. مستدعی است در صورت تصویب مقرر فرمایند پاداشی به نامبردگان پرداخت گردد. که طبق دستور رییس ساواک مبلغ پنج هزار ریال به هر یک از آنان داده می‌شود.
(سند شماره ۴۶)

در گزارشی دیگر محمود رجاء سردبیر، از کمک‌های ساواک تشکر کرده و اعلام می‌کند در نظر دارد سلسله مقالاتی را در مورد فعالیت‌های رییس ساواک وقت حسن پاکروان، در مبارزه با کمونیزم به چاپ برساند:
در این گزارش آمده است:

آقای رجاء پس از دریافت عیدی ضمن تشکر استدعا کرد که موارد زیر به عرض تیمسار ریاست ساواک برسد:

- ۱- از محبت و کمک مادی که در موقع بیماری بسیار موثر و فوق‌العاده بوده، از رییس ساواک تشکر می‌شود.
- ۲- از رییس ساواک اجازه می‌خواهد فعالیت‌های تیمسار را در سالهایی که کمونیزم در خاورمیانه نفوذ کامل داشت و کشور ایران روی آتش می‌رقصید و هر آن بیم انقلاب در تهران و یا انفجار پالایشگاه آبادان می‌رفت و در نتیجه تدابیر آن تیمسار مردم ایران از نعمت امنیت و آرامش بهره‌مند شدند و برای اینکه قدر امنیت فعلی را بدانند و آگاه باشند چگونه این امنیت نصیب کشور شده تاریخچه‌ای از فعالیت‌های تیمسار را در مبارزه با کمونیزم طی چند شماره بطور متوالی چاپ نماید. رییس ساواک ضمن موافقت می‌گوید که مقالات را حاضر کرده تا در موقع مقتضی دستور چاپ آن را بدهد.
(مجموعه سند شماره ۴۷)

مدیریت مجله تهران مصور در هماهنگی کامل با ساواک داوطلبانه، بطور مرتب اسامی کارگران و کارمندان خود را اعلام تا مطابق سیاستهای مطبوعاتی ساواک حرکت کرده باشد. به عنوان نمونه عبدالله والا طی نامه ۴۶/۳/۱۸ به سر تیپ مقدم رییس امنیت داخلی ساواک اسامی کارگران و کارمندان و نویسندگان تهران مصور و چاپخانه را اعلام می‌کند تا در مورد آنان تحقیق کافی شود و از همکاری افرادی که اشتغال آنها به مصلحت نمی‌باشد، جلوگیری شود.

(سند شماره ۴۸)

عبدالله والا در ادامه خوش رقصی‌های خود برای رژیم پهلوی ابتکار جدیدی به خرج داده و تصمیم می‌گیرد در مورد سالگرد روز ششم بهمن ویژه نامه‌ای را در تهران مصور به چاپ برساند و از این رواج رییس ساواک کسب تکلیف می‌کند، او طی مکاتبه‌ای درخواست می‌کند:

چون مجله تهران مصور در نظر دارد به مناسبت سالگرد ششم بهمن ۱۳۴۱ شماره مخصوصی را در ۸۰ صفحه در بزرگداشت آن منتشر کند که از هر جهت بی سابقه و نمودار یگانگی شاه و ملت در راه اجرای اهداف عالی شاهنشاه آریامهر باشد. از جمله این مطالب گزارش در مورد فرزندان و بازماندگان افسران اعدام شده توده‌ای است که تحت حمایت شاه زندگی کرده و اکنون مصدر خدمات دولتی و لشکری هستند.

رییس ساواک ضمن موافقت موضوع را به دربار شاهنشاهی ارجاع می‌دهد. (سند شماره ۴۹)

اقدامات حکومت و ساواک در محدود سازی تهران مصور به دلیل ابتدال

مجله تهران مصور در دوران فراز و نشیب خود، چندین بار توقیف گردید که می‌توان از مهمترین آن، توقیف چند ماهه پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ یاد کرد. توقیف تهران مصور نه بدلیل مخالفت تهران مصور با جریان کودتا بود بلکه رژیم پهلوی می‌خواست تا تثبیت حکومت، اوضاع را بطور کامل در اختیار داشته و هیچ موضوعی بر آن خدشه وارد نسازد. از این رو حتی برخی از نشریات طرفدار کودتا نیز گرفتار همین قصه شده و چند صباحی تعطیل شدند.

مجله تهران مصور که در همین چارچوب قرار می‌گرفت چند ماهی پس از تعطیلی و توقیف، با مجوز نخست وزیر کودتاجی (سپهبد زاهدی) دوباره از توقیف خارج شد. وزارت کشور طی امریه آبان ماه سال ۱۳۳۲ به فرمانداری نظامی تهران اعلام می‌کند.

روزنامه هفتگی تهران مصور که به استناد ماده ۵ حکومت نظامی توقیف شده بود بنا به دستور جناب

آقای نخست وزیر از توقیف خارج شد. (سند شماره ۵۰)

به رغم دستور نخست وزیر وقت، فرماندار نظامی تهران با مجله تهران مصور بصورت کج دار و مریز رفتار می‌کند به نحوی که همچنان از انتشار آن ممانعت به عمل می‌آورد. مطابق یک سند نخست وزیر دوباره طی مکاتبه‌ای از فرماندار نظامی تهران می‌خواهد که ((تکلیف را با تهران مصور معلوم کند)) و فرماندار نظامی در پاسخ کتبی اظهار می‌دارد:

فرمانداری همچنانکه بارها حضوراً عرض کردم دارای تشکیلاتی برای مطالعه مطبوعات نیست و هر

موقع از مقامات عالی‌بلایگی شود در اجرای آن کوشا است و حال هم بسته به نظر آنان است که روزنامه

توقیف شود یا خیر. (سند شماره ۵۱)

پس از این مکاتبه، نشریه تهران مصور کار خود را مجدداً آغاز می‌کند ولی فرمانداری نظامی تهران که با نظر نخست وزیر موافقت نداشت به انحاء مختلف در صدد ایجاد تضییقات و مانع تراشی برای مجله تهران مصور بود. هفته‌ای پس از راه اندازی مجدد مجله مامورین فرمانداری نظامی به

چاپخانه تهران مصور مراجعه کرده و به بهانه مطالعه نشریه پیش از چاپ و انتشار، کار مجله را دچار رکود کردند. همین موضوع موجب گردید که عبدالله والا مسئول مجله به ریاست شهربانی کشور شکایت برده و خواستار رفع موانع گردد در نامه مورخ ۱۳۳۲/۹/۱۸ مدیر مجله تهران مصور به رییس شهربانی کل کشور آمده است:

روز سه شنبه ۱۳۳۲/۹/۱۷ ساعت ۱/۵ بعد از ظهر کارگران چاپخانه به دفتر مراجعه و اظهار داشتند یک شخص سویل (غیر نظامی) با یک پاسبان و یک نفر نظامی به چاپخانه داخل و مشغول خواندن داستانهای هفته که زیر چاپ بود هستند. پس از مراجعه به چاپخانه مشاهده شد که آقایان هر کدام فرمی که حاوی داستان هفته بود در دست گرفته و در کنار بخاری مشغول مطالعه می‌باشند در جواب لازم بود قبل از ورود به چاپخانه به بنده مراجعه فرمائید که از طرف کارگران بجای توده‌ای‌ها مورد اهانت قرار نگیرید، ابراهیم یوسف زاده که از مامورین اداره اطلاعات می‌باشند با کمال بی ادبی اظهار داشتند ما بهر کجا که میخواهیم داخل می‌شویم و هیچکس حق جلوگیری ندارد و البته با نهایت ناراحتی خواندن داستان هفته را قطع و از چاپخانه خارج شدند. با علاقه‌ای که شخص جنابعالی نسبت به مطبوعات کشور ابراز فرموده‌اید، انتظار دارد دستور فرمایند که مداخلات بیمورد و بیموقع مامورین (برای خواندن داستان) که باعث رکود کار و سوءاستفاده عده‌ای ماجراجو و توده‌ای و خارج شدن اخبار مجله می‌گردد قطع و در این مورد رسیدگی و مواخذه فرمایید و در مواردی که دستور مخصوصی دارند به مسئولین مربوطه مراجعه تا با راهنما به قسمتهای مختلف هدایت شوند و موجب اهانت به مامورین دولت نگردند. (سند شماره ۵۲)

در یک نوبت دیگر توسط فرمانداری نظامی تهران عبدالله والا بدلیل درج سه موضوع «که چرا فوزیه از شاه طلاق گرفت»، «نامه‌ای از آلمان برای دکتر فاطمی» و «شوخوی یوزباشی» تحت بازجویی قرار می‌گیرد. عبدالله والا که روابط مستحکمی با دربار برقرار کرده بود از موضع قدرت با فرمانداری نظامی برخورد می‌کند. او در این بازجویی می‌گوید:

در مورد قسمت اول قبلاً این سلسله مقالات در یک روزنامه خارجی چاپ شده و ترجمه شده و قبلاً به نظر اشرف پهلوی رسانیده شده و او اجازه داده است آن مطلب چاپ شود. در مورد قسمت دوم نیز موضوع جنبه سیاسی ندارد و کلیه مطالب نشریه تهران مصور مطابق قوانین چاپ شده است و اگر مطلبی برخلاف مصلحت باشد آنرا چاپ نخواهد کرد.

عبدالله والا سپس اظهار می‌دارد:

اساساً این بازجویی را توهین مستقیم تلقی می‌کنم.

ولی در نهایت مجبور می‌شود تعهد دهد که مقالات مورد نظر را در اختیار فرمانداری نظامی

گذاشته و نویسندگان آنرا به نام معرفی کنند. (سند شماره ۵۳)

بالاخره غائله درگیری فرمانداری نظامی تهران و عبدالله والا به آخر خط نزدیک شده و او در اردیبهشت سال ۱۳۳۳ تعهد می‌نماید که مطیع و رام باشد. او در تعهد نامه خویش می‌نویسد:

اینجناب مهندس عبدالله والا مدیر مجله تهران مصور طبق روش دیرین که همواره رعایت مصالح عالیه مملکت و شخص شخیص اعلیحضرت همایونی بوده است، رفتار نموده و مصالح دولت و ملت را کاملاً در نظر گرفته و رفتار نماید. عبدالله والا ۱۳۳۲/۲/۱۶ (سند شماره ۵۴)

تهران مصور از جمله نشریاتی بود که در سالهای دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ در زمینه عفت عمومی جامعه، حریم‌ها را زیر پا نهاد و گوی سبقت را از دیگر جراید و نشریات مبتذل ربود و با نشر داستانهای مبتذل و مستهجن چاپ عکس‌های خلاف عفت عمومی، ترویج زنان بدکاره، تبلیغ کالاهای خلاف شرع مانند مشروبات الکلی می‌کوشید تا باورها و ذائقه‌های مردم و افکار عمومی را نسبت به ارزشهای اصیل ملی - مذهبی دگرگون سازد. در این راه گوی سبقت را از دیگر نشریات و جراید ربود و سردمدار اقدامات ضد اخلاقی شد. در مراحل تهران مصور بقدری افراط نمود که حتی حکومت و دولت را به واکنش واداشت.

گزارش‌های ذیل نمونه‌ای از رفتار مجله تهران مصور و واکنشهای دستگاه حاکمه می‌باشد:

سرلشگر بختیار فرماندار نظامی شهرستان تهران از ریاست ستاد ارتش می‌خواهد نشریه تهران مصور را بدلیل چاپ عکسهای زننده و غیر مجاز توقیف و از آن مرجع درخواست مینماید که دستور جلوگیری از چاپ و انتشار نشریه را صادر نماید. (سند شماره ۵۵)

حدود یکماه بعد با سپردن تعهد از سوی عبدالله والا نزد فرمانداری نظامی تهران توقیف مجله بر طرف می‌شود (سند شماره ۵۶)

در آذرماه سال ۱۳۳۸ وزیر وقت دربار (حسین علاء) طی نامه‌ای به وزیر کشور اعلام میدارد که در برخی از مجلات، منجمله تهران مصور مطالب مستهجن و بسیار زننده‌ای منتشر میشود که از هر حیث خلاف عفت عمومی بوده و نشر آن در خانواده بهیچ وجه صلاح نیست و از وزارت کشور انتقاد مینماید که چرا اقدام موثری از سوی وزارت کشور صورت نپذیرفته است و در ادامه یادآور میشود که بدلیل سهل‌انگاری مبادی ذریبط داستانی تحت عنوان "زنی بنام هوس" در چندین شماره مجله تهران مصور دنبال میگردد. (سند شماره ۵۷)

در این راستا وزیر کشور طی نامه‌ای از سازمان اطلاعات و امنیت کشور میخواهد که از درج داستان فوق‌الذکر در مجله تهران مصور جلوگیری بعمل آورد که متعاقب آن و درخواست مشابه‌ای

توسط وزیر دربار از ریاست ساواک در جلوگیری از درج آن داستان در نشریه تهران مصور اقدام بعمل می‌آید. (مجموعه سند شماره ۵۸)

رویه دولت‌های وقت، برخورد و مقابله با نشریات مختلف بود و همواره شدت و ضعف داشت. تا جایی که ارباب جراید را به واکنش واداشته و دولت و ساواک با استفاده از ابزارها و اهرم‌های خود این واکنش‌ها را خنثی می‌ساختند.

مامور ویژه ساواک از قول حمید هاشمی سردبیر روزنامه اتحاد ملی اظهار میدارد:

مدیران برخی از جراید از جمله تهران مصور تحت عنوان سختگیری نسبت به جراید و اهانت به روزنامه نگاران سعی داشته‌اند اعلامیه‌ای را تهیه و به امضای سایر ارباب جراید برسانند که اقدام آن‌ها بدلیل عدم استقبال ناکام میماند. (سند شماره ۵۹)

بر اساس یک گزارش دیگر، کمیسیون مطبوعات کشور که با حضور نمایندگان وزارتخانه‌های فرهنگ و کشور در محل نخست وزیری در مورخه ۱۳۳۹/۱۰/۱۰ برگزار گردیده بود اعلام میدارد:

مطالب درج شده در شماره ۹۰۴ مجله تهران مصور تحت عنوان خطرناکترین زنان جهان و یک مسابقه جالب برای خوانندگان تهران مصور و نیز چاپ عکسهایی چون عکس بامبی، بسیار زنده است

در ادامه تاکید میکند که این موارد در سایر نشریات مشاهده نگردیده است. (سند شماره ۶۰)

همچنین کمیسیون مذکور در مورخ ۱۳۳۹/۱۰/۲۲ که با حضور نمایندگان وزارتخانه‌های کشور، فرهنگ و دادگستری تشکیل گردید اعلام داشت:

آگهی مربوط به تصاویر هنرپیشگان فیلم تله مندرج در مجله شماره ۹۰۶ تهران مصور در ایجاد تحریک هیجانانگیزی در طبقات جوان حائز کمال اهمیت است و به همین جهت این کمیسیون نیز ضمن استناد به نظایر آن مکرراً درخواست نموده که برای محدود نمودن انتشار این آگهی‌های غیر متناسب با شئون اخلاقی تصمیم شایسته اتخاذ گردد.

کمیسیون در پایان اعلامیه خود اظهار نموده است که در سایر مجلات و جراید چنین تصاویر و مطالبی مشاهده نگردیده است. (سند شماره ۶۱)

کمیسیون بررسی مندرجات و مطالب جراید و مجلات (مطبوعات) مجدداً در جلسه مورخ ۱۳۴۰/۱/۸ که با حضور نمایندگان وزارتین کشور و فرهنگ تشکیل یافته بود عکس پشت جلد شماره ۹۱۶ مجله تهران مصور را که بصورت آگهی درج شده بود از جهات اخلاقی نامناسب تشخیص میدهد. (سند شماره ۶۲)

وزارت کشور در ۱۳۴۰/۱۰/۴ با استناد به نظریه کمیسیون بررسی مندرجات و مطالب جراید و مجلات، مبنی بر اینکه داستان هلوی گنبدیده مندرج در شماره ۹۵۴ مجله تهران مصور خلاف اخلاق حسنه و عفت عمومی است از ساواک درخواست مینماید که به نحوه مقتضی به عبدالله والا تذکر بدهد و در صورت عدم توجه نسبت به اقدام مقتضی در مورد نشریه تهران مصور اقدام نماید. (سند شماره ۶۳)

وزارت فرهنگ نیز در مورخه ۴۱/۱/۲۸ طی نامه شماره ۵۳۶/ن الف به مجله تهران مصور تذکر میدهد:

آن نشریه در شماره ۹۷۱ جنبه اخلاقی و عفت عمومی را رعایت ننموده است و در خاتمه یادآور میگردد که در صورت تکرار آن وزارتخانه به وظایف قانونی خود عمل مینماید. (سند شماره ۶۴)

بخش مربوطه در ساواک نیز در این مورد به سلسله مراتب خود در تاریخ‌های ۴۱/۳/۳ و ۴۱/۳/۳۱ گزارش مینماید مجله تهران مصور در شماره‌های ۹۷۷ و ۹۸۱ خود مبادرت به چاپ عکس زنده‌ای که مغایر با عفت عمومی میباشد نموده است. (مجموعه سند شماره ۶۵)

اداره کل مطبوعات وزارت کشور در مورخه ۱۳۴۱/۴/۱۴ با ارسال گزارش ساواک به دادسرای تهران از آن مرجع درخواست مینماید تا با مجله تهران مصور بدلیل درج مطالب خلاف اخلاق برخورد لازم صورت پذیرد. (سند شماره ۶۶)

یادآوری می‌شود در شماره ۹۸۱ مجله تهران مصور که در تاریخ ۱۳۴۱/۴/۱ منتشر گردید دو مطلب خلاف اخلاق و عفت عمومی تحت عنوان در شرق و غرب (در ستون کوچیک و موجیک) و رلی در داستان تندباد هوس وجود داشت.

ساواک طی نامه شماره ۳۳۵/۹۹۹۸ مورخ ۱۳۴۱/۴/۷ از وزارت کشور میخواهد که با مجله برخورد نماید. (مجموعه سند شماره ۶۷)

و در ادامه وزارت کشور در مورخ ۱۳۴۱/۵/۱۳ به اطلاع ساواک میرساند که بر طبق ضوابط، شماره مزبور جمع‌آوری گردید و از انتشار مجله تا اطلاع ثانوی جلوگیری بعمل آمد.

(مجموعه سند شماره ۶۷)

در مورخه ۴۱/۸/۱۰ مجدداً کمیسیون رسیدگی بمطالب و مندرجات جراید و مجلات، آگهی مندرج در شماره ۱۰۰۰ مجله تهران مصور را مخالف اصول اخلاق و عفت عمومی تشخیص داد و از وزارت کشور خواست تا تذکرات لازم را به آن اعلام کند. (سند شماره ۶۸)

در همین راستا بخش ذریبط در ساواک طی گزارشی برای سلسله مراتب خود در تاریخ

۴۱/۱۲/۲۹ اعلام میدارد:

مجله تهران مصور در شماره مخصوص نوروز ۴۲ خود مبادرت بدرج آگهی‌های مربوط به مشروبات الکلی نموده است و یادآور شده که یکی از تصاویر مندرج در مجله از مواردی است که در سال گذشته برای آن مجله توقیف گردیده بود. (سند شماره ۶۹)

همچنین در تاریخ ۴۲/۵/۲۴ طی اطلاعیه‌ای قباحت تصاویر مجله تهران مصور در مورخه ۴۲/۵/۱۷ که حاوی عکس زنان در کنار ساحل میباشد را اعلام و هشدار میدهد که این مطالب موجب تحریک مخالفان دولت خواهد شد. (سند شماره ۷۰)

نهایتاً در یکی از گزارشاتمی که در ساواک در تاریخ ۴۶/۱۲/۱۷ تهیه شده است اعلام میگردد مقاله خاطرات یک ولگرد در مجله شماره ۱۲۷۸ برخلاف عفت عمومی است و نظر میدهد که چاپ اینگونه مطالب در خوانندگان جوان اثر منفی داشته و باعث انحراف اخلاقی آنان میگردد. (سند شماره ۷۱)

تهران مصور در سرایش سقوط

دولت و ساواک با تغییر شیوه در برخورد با مطبوعات بی خاصیت که از سوءاستفاده آنها به تنگ آمده بودند، روش جدیدی برای در تنگنا گذاردن و حذف آنها اتخاذ کردند. سابقه اقدام ساواک به سال ۱۳۴۵ بازمی‌گردد. در یک گزارش ساواک در مورد عبدالله والا آمده است:

در سال ۱۳۲۵ هیئت وزیران برای مساعدت به تماشاخانه‌های تهران و کسری (متعلق به عبدالله والا) آنجاها را از پرداخت عوارض نمایشات شهرداری معاف کرد. بدین ترتیب عبدالله والا طی بیست سال از پرداخت حداقل مبلغ بیست میلیون ریال، بابت حقوق شهرداری تنها از تماشاخانه تهران خودداری کرد. ساواک این اقدام والا را سوءاستفاده از توانایی قلم برای دستیابی به آمال و آرزوهای خود تلقی کرده و معتقد بود که دولت وقت را دستخوش امیال و آرزوهای خود قرار داده است. ساواک در ادامه گزارش خود به سوءاستفاده‌های مالی والا در عدم پرداخت عوارض زمین در داودیه، قیصریه و خیابان ژاله اشاره می‌کند و در نهایت پیشنهاد می‌کند هر چه زودتر مصوبه هیئت دولت که او را ۲۰ سال از پرداخت عوارض معاف نمود فوراً لغو شود و همچنین نامه‌های وزارت کشور و سازمان هنرهای زیبای کشور در مورد مساعدت به عبدالله والا بلا اثر شود. (مجموعه سند شماره ۷۲)

در یک گزارش دیگر ساواک در مورد وضعیت مالیاتی عبدالله والا آمده است:

در جریان تحقیق مشخص شد عبدالله والا از پرداخت مالیات خود از موقعیت، زور، قلم و منصب خود

استفاده کرده و به نحوی از انحاء از دادن مالیات سرپیچی کرده‌اند، علی‌هذا به معاون وزارت دارایی گفته شود که طبق مقررات نسبت به دریافت مالیاتهای مقرر دولت اقدام لازم به عمل آورند.

(مجموعه سند شماره ۷۳)

متعاقب تصمیم‌گیری ساواک، از طریق معاونت صنعتی وزارت اقتصاد بازی موش و گربه را با عبدالله والا آغاز می‌کند و ضرب شست کاری خود در رام ساختن به وی نشان می‌دهند تا عبدالله والا دچار وهم نشود که به دربار و مقامات عالی‌رتبه وصل است. به کارخانه صنعتی لاستیک سازی بی اف گودریج، لاستیک سازی جنرال، گروه صنعتی ارج، روغن نباتی قو، کارخانه مینو، ویتانا توصیه می‌شود که آگهی‌های خود را از مجله تهران مصور قطع کنند. بخش مطبوعاتی ساواک پیشنهاد می‌کند که به اشخاص حقیقی، پزشکان، داروسازان و سینماها نیز توصیه شود که از دادن آگهی به تهران مصور خودداری کنند.

ساواک در مرداد ماه سال ۱۳۴۵ در خصوص اقدامات خود درباره عبدالله والا و تهران مصور گزارش ویژه‌ای برای دفتر ویژه اطلاعات و شاه تهیه می‌کند که در آن آمده است:

۱- ترتیبی داده شد تا از طریق شهرداری تهران نسبت به وصول عوارض شهرداری از نامبرده سریعاً اقدام گردد.

۲- آگهی‌های تبلیغاتی شرکت بیمه ایران و دانشگاه تهران در تهران مصور قطع شد.

۳- کلیه وزارتخانه‌ها از دادن آگهی به تهران مصور خودداری کرده‌اند.

۴- مبلغ سهمیه تهران مصور توسط شهرداری تهران (۹۰۰۰ ریال) قطع گردید.

۵- از وزارت دارایی خواسته شد نسبت به اخذ مالیاتهای معوقه مهندس والا سریعاً اقدام نماید.

۶- برای استرداد وام بانک ملی و سازمان برنامه و بودجه از طریق مدیران آن تحت فشار قرار گرفت.

(مجموعه سند شماره ۷۵ و ۷۲)

وی دارای مرام ضد کمونیستی شدید بوده و طرفدار سلطنت است و عبدالله والا با توده‌ای‌ها و مصدق مبارزه پیگیری نموده و مجله‌اش با روش اجتماعی سیاسی ادبی فکاهی و هنری منتشر می‌گردد، اخیراً به علت انتقاد از برنامه دولت تزییقاتی از نظر مالی برای وی و مجله نامبرده فراهم و اجرا گردید.

بالاخره اقدامات چندین ساله ساواک ببار می‌نشیند و پس از چند اقدام تنبیهی و توقیف گاه و بیگاه مجله بالاخره در سال ۱۳۵۳ با پرداخت مبلغ ۴ میلیون ریال به عبدالله والا، بازی موش و گربه ساواک با والا پایان می‌یابد.

(سند شماره ۷۶)

تهران مصور در پایان خط

تهران مصور در سال ۱۳۱۱ خورشیدی به همت عباس نعمت پا به عرصه دنیای مطبوعاتی ایران گذارد و پس از آن که احمد دهقان در سال ۱۳۲۹ در دفتر مجله توسط افراد نامعلوم به قتل رسید، عبدالله والا امتیاز آن را از آن خود ساخت و مدیریت آن را عهده‌دار گردید. تهران مصور در اوج فعالیت خود در ۱۵۰۰۰ نسخه چاپ می‌شد که ۳۰٪ آن در تهران به فروش می‌رسید و بقیه به شهرستانها ارسال می‌شد. در سالهای بعد به دلیل بی‌محتوایی نشریات فارسی زبان از تعداد مشتریان و تیراژ کاسته شد و به ترتیب تعدادی از آنان مجبور شدند نسبت به تعطیل نشریه مبادرت کنند و یا اینکه با اجبار وزارت اطلاعات و جهانگردی این کار را انجام دهند. عبدالله والا در آبان ماه ۱۳۵۳ در نامه‌ای به شاه برای استمرار انتشار تهران مصور کمک می‌خواهد. در این نامه آمده است:

در اواخر مرداد بنا به دستور شفاهی وزارت اطلاعات و جهانگردی انتشار مجله تهران مصور معوق ماند و چنانچه استناد آنان به تیراژ این نشریه می‌باشد معروض می‌دارد که چاپ و فروش این مجله بیشتر از حد نصاب قانونی بوده و حدود ۶۰۰۰ نسخه چاپ و توزیع می‌گردید. جسارتاً عرض می‌نماید به علت عدم انتشار مجله، مطالبات زیادی که از نمایندگان شهرستانها و سازمانهای آگهی دارد بدون وصول مانده و از بین رفته است و در مقابل بدهی این موسسه که متجاوز از ده میلیون ریال است پا برجا مانده و طلبکاران مرا در مضیقه قرار داده‌اند و اکنون موسسه دچار وقفه شده است

عبدالله والا در پایان این نامه از شاه می‌خواهد برای حفظ نام ((تهران مصور)) به عنوان یک مکتب شاهدوستی همچنان مجله منتشر شود.

در پی تقاضای والا، شاه دستور کمک صادر می‌کند. با این همه هویدا، به دلیل دشمنی با تهران مصور و عبدالله والا، تنها نسبت به پرداخت بدهی‌های موسسه مبادرت می‌کند. ساواک و وزارت اطلاعات و جهانگردی مبلغی حدود ۷/۴۰۰/۰۰۰ ریال بابت صاحب امتیاز، نویسندگان، کارکنان و کارگران به عبدالله والا می‌پردازند و در مقابل عبدالله والا تعهد به ساواک می‌سپارد که در مورد تعطیلی تهران مصور هیچگونه ادعایی نخواهد داشت. این تعهدنامه پایان کار عبدالله والا با تهران مصور بشمار می‌رود. (مجموعه سند شماره ۷۷)

پیش از این ماجرا تهران مصور در اواخر سال ۱۳۴۷ با وضعیتی مشابه روبرو شده بود. در آن هنگام والا عریضه‌ای به شاه نوشته و موفق شده بود با کمک و استعانت از وزارت اطلاعات و جهانگردی نشریه همچنان دایر مانده و از کمک‌های مستمر برای ادامه کار نشریه برخوردار شود.

(سند شماره ۷۸)

در یک گزارش ساواک در مورد تقلیل تیراژ مطبوعات آمده است:

مدیران نشریات سپید و سیاه و تهران مصور اعلام کرده‌اند طی دو سال اخیر تیراژ کلیه نشریات تا میزان ۷۵٪ تقلیل یافته و از لحاظ مالی اکثر مطبوعات در حالت ورشکستگی قرار دارند علت آن است که به این نشریات اجازه داده نمی‌شود مطالب انتقادی مورد علاقه مردم را چاپ کرده و خوانندگان را جلب کنند. مدیران نشریات مذکور می‌گفتند به هنگامی که در چاپ مطالب آزادی عمل داشتیم بسیاری از اخبار مربوط به سوءاستفاده‌های دولتی و غیر دولتی را در جرأید خود منعکس می‌کردیم و افراد ذی نفع برای اینکه رسوا نشوند مبالغی پول در اختیار می‌گذارند تا سکوت کنیم و از این درآمدها مخارج نشریات را تامین می‌کردیم ولی اکنون نه اجازه داریم این مطالب پردرآمد را چاپ کنیم و نه می‌توانیم نظرات مردم ناراضی را منعکس کنیم و این دو موضوع دست به دست هم داده و نشریات تهران را در معرض ورشکستگی قرار داده است. (سند شماره ۷۹)

اقدام دیگر عبدالله والا برای کسب درآمد و تامین هزینه‌های مجله تهران مصور، اجاره آن به سیاسیون کشور بوده که از جمله تهران مصور در ایامی کاملاً در اختیار علی امینی قرار گرفت. در یک گزارش ساواک در اردی بهشت ۱۳۴۲ آمده است:

مجله تهران مصور طبق قرارداد میان مهندس والا و آقای محمود رجا در اختیار رجا قرار گرفته است. به موجب این قرارداد رجا ماهانه ۵۰۰۰ تومان به والا داده و تمام مخارج مجله را تامین کرده و یک مبلغی هم برای استهلاک سرمایه و چاپخانه میبرد.

ساواک در توضیح خبر اظهار می‌دارد:

مجله تهران مصور در دست در اختیار دکتر امینی است ولی ظاهراً سیاست کلی مجله بدست مهندس والا می‌باشد. (سند شماره ۸۰)

با این همه تهران مصور برای نجات خود دست به تجدید سازمان زده و با سرمایه‌گذاری و بکارگیری افراد جدید و تازه نفس قصد داشت از سقوط مجله جلوگیری کند. در یک گزارش ساواک در مورخ ۴/۷/۴۷ آمده است:

عبداله والا در نتیجه کم شدن تیراژ مجله تهران مصور و چند توقیف پیاپی که در هفته‌های گذشته روی داده، تصمیم به تعطیل نمودن آن گرفته و بدین منظور جلسه‌ای مرکب از ۲۱ نفر از نویسندگان مجله مذکور در منزل وی تشکیل شد. والا پس از تشریح حوادث ماههای اخیر به اطلاع همکارانش می‌رساند که از اول مهر ماه مجله را تعطیل می‌کند. پس از مذاکرات و پیشنهادات صدرالدین الهی، قرار شد شخص والا دو میلیون

ریال سرمایه گذاری کرده و کارکنان مجله نیز مبالغی در همین حدود جمع آوری و شرکت سهامی تشکیل دهند و این شرکت اداره مجله را به عهده گیرد و بعد از سرمایه گذاری از آذرماه، تهران مصور با سازمان جدیدی به کارش ادامه دهد. (مجموعه سند شماره ۸۱)

در پی این اقدام ساواک به بررسی سوابق شرکای جدید تهران مصور پرداخته و ادامه کار آنان را بلا مانع اعلام می کند. شرکای جدید شامل ایرج نبوی، حسین سرفراز، اسماعیل یگانگی، هرمز شیبانی و حسین مهری بودند. البته طبق گزارش مخبرین ساواک قرار بوده افراد دیگری مانند فرامرز برزگر، اسماعیل رایین، پرویز گرجی، صدرالدین الهی، سید سجاد کریمیان، فتح اله والا، محمود رجاء نیز به این شرکت سهامی بپیوندند. (سند شماره ۸۲)

با فرارسیدن سال ۵۷ و ایجاد فضای جدید در صحنه سیاسی - اجتماعی ایران، مهندس عبدالله والا دوباره به صرافت افتاده و قصد تجدید انتشار مجله تهران مصور را می نماید. مجوز انتشار مجدد تهران مصور در شهریور ۱۳۵۷ صادر می شود. در نامه وزارت اطلاعات و جهانگردی به ساواک آمده است:

کمسیون مطبوعات در جلسه مورخ سه شنبه ۵۷/۶/۲۱ درخواست عبدالله والا را مبنی بر صدور امتیاز مجله تهران مصور با ترتیب انتشار هفتگی و روش سیاسی و اجتماعی برای تهران بنام مشارالیه مورد تصویب قرار داد و مراتب به نامبرده ابلاغ گردید.

ساواک نیز در پاسخ نامه وزارت اطلاعات و جهانگردی صدور امتیاز مجله تهران مصور به نام عبدالله والا را بلا مانع اعلام می کند. (مجموعه سند شماره ۸۳)

ساواک همچنین در مورد انتشار مجلات جدید از جمله تهران مصور گزارشی برای رییس ساواک تهیه کرده و سوابق آنان را به تصویر می کشد. در این گزارش آمده است:

تعدادی از نشریات غیر مفید منتشره در تهران در مرداد ماه سال ۱۳۵۳ از طرف دولت تعطیل و سابقه کار مطبوعاتی کارکنان آنها توسط دولت بازخرید و به صاحبان امتیاز تعدادی از آنها نیز مبالغی پرداخت شد. اخیراً صاحب امتیاز پنج نشریه تعطیل شده به اسامی عبدالله والا (تهران مصور)، علی بهزادی (سپید و سیاه)، نعمت اله جهانبنوئی (فردوسی)، علی اکبر صفی پور (امید ایران) و عبدالکریم طباطبایی (دنیا) اقداماتی در زمینه کسب اجازه انتشار مجدد معمول داشته و موافقت نسبی دولت را جلب نموده اند و وزارت اطلاعات و جهانگردی با ارسال نامه هایی درباره تقاضاهایشان صلاحیت آنان را از ساواک استعلام نموده است. پس از تعطیل نشریات مذکور عبدالله والا چهار میلیون، علی بهزادی پنج میلیون و نعمت اله جهانبنوئی پنج میلیون ریال به عنوان خسارت ناشی از تعطیل مجلاتشان از دولت دریافت داشته اند و برای علی اکبر صفی پور و

عبدالکریم طباطبایی نیز هر یک مبلغ یک میلیون ریال در نظر گرفته شده بود که از دریافت آن خودداری و اعلام داشتند که آنچه انجام داده‌اند خدمت به کشور بوده و در قبال تعطیل نشریات خود از دولت متوقع نیستند. عبدالله والا و علی بهزادی فاقد سابقه ضدامینیتی تایید شده می‌باشند.

(سند شماره ۸۴)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تعدادی از نشریاتی که قبلاً تعطیل شده بودند دوباره شروع بکار کردند که از جمله می‌توان به تهران مصور اشاره کرد. تا اینکه شورای انقلاب با تصویب لایحه مطبوعات در تابستان ۱۳۵۸، ضوابط فعالیت نشریات و مطبوعات را اعلام کرد و بدین ترتیب برخی از نشریات از جمله تهران مصور بدلیل وابستگی به ساواک از انتشار منع شدند. عبدالله والا همانند دوره ساواک و رژیم بهلوی قصد حداکثر استفاده را داشت لذا با نهادهای دولتی و انقلابی مکاتبه کرد تا بتواند به اهداف خود نائل شود. او به همین منظور در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ نامه‌ای به مهندس بازرگان نخست وزیر وقت ارسال داشت که در بخش‌هایی از آن آمده است:

مصوبه شورای انقلاب و اعلام لایحه مطبوعات از جانب وزارت ارشاد ملی این مشکل را بوجود می‌آورد که به موجب تبصره ماده ۲ این لایحه انتشار مجله کهنسال ((تهران مصور)) برای بار دیگر متوقف گردد، زیرا یک بار در دوره ۲۱ نماینده دوم خلخال در مجلس شورای ملی بوده‌ام و باید امروز مانند مجرمین از حقوق اجتماعی محروم شوم. عبدالله والا در این نامه مدعی می‌شود مقالات مجله تهران مصور در جهت تایید و اشاعه افکار و آرمانهای دکتر مصدق و مبارزه پیگیر با وطن‌فروشان، مخالفت با دکتر اقبال و دیگر دست‌اندرکاران وقت از جمله مقالات شدید انتقادی موجب جلب آرای مردم خلخال در انتخابات مجلس شورای ملی شد. عدم تمکین از قدرتهای روز به انحاء مختلف، مخالفت با دولت هویدا در یک دوره نمایندگی در صف اقلیت سبب اخراج من از حزب و فراکسیون پارلمانی شد. درج مقالات انتقادی موجب توقیف‌های مکرر و در نهایت تعطیل این نشریه و محرومیت از نمایندگی مردم خلخال گردید.

عبدالله والا در راستای تحریف تاریخ و سرپوش‌گذاردن بر حقایق تاریخی مبنی بر همکاری با ساواک و اسراییل چنین می‌نویسد:

آیا مطرود دستگاه ساواک و رستاخیز و ممنوع‌القلم بودن در دوران گذشته خود دلیل کافی بر مبارزات این جانب با دستگاه حاکمه آنروز بشمار نمی‌آید؟ در پی نشر سر مقاله پس از وقایع ۱۵ خرداد ۴۲ مرا به شهربانی احضار کردند و پرونده‌ای علیه من به اتهام همکاری با جمال عبدالناصر تشکیل گردید.

والا سپس امتیاز خود را طلبیده و می‌نویسد:

طرفداری از آیات عظام و رهبران مذهبی در آن دوران برای مجله تهران مصور مشکلات فراوانی ایجاد

کرد، از این بابت سهمی مطالبه نمی‌کنم.

برخلاف آنچه که عبدالله والا در مرقومه خود به نخست وزیر آورده، ساواک در اسفند ماه ۱۳۴۶ خبر و نظر دیگری را به مقامات اعلام داشته بود:

بنا به گزارش مخبر ساواک، مهندس والا مدیر مجله تهران مصور مورد لطف مقامات واقع گردیده و به منظور بی توجهی گذشته به دکتر اقبال مدیر عامل شرکت ملی نفت دستور داده شده است که از بودجه شرکت نفت مبلغ ۵ میلیون ریال کمک نقدی بلاعوض به او نمایند و عنوان ظاهری پرداخت این مبلغ بابت بهای آگهی‌های تجارتي شرکت نفت در مجله تهران مصور قلمداد شود. متنها چون در مجله تهران مصور آگهی‌هایی از شرکت ملی نفت به چاپ نرسیده، شرکت مزبور موافقت کرده که والا از سایر روزنامه‌ها و مجلات تهران آگهی‌های مربوط به شرکت نفت را بریده و جمع‌آوری و تسلیم کرده و پنج میلیون ریال دریافت نماید. (سند شماره ۸۵) در یک گزارش دیگر ساواک به تاریخ ۱۳۴۱/۲/۲۲ نیز در مورد کمک مالی شرکت نفت به تهران مصور آمده است:

طبق اطلاع تهران مصور و چند مجله دیگر از جمله سپید و سیاه، فردوسی، خواندنی‌ها، روشنفکر و اطلاعات هفتگی و خوشه از محل چاپ رپورتاژهای سازمان برنامه و شرکت نفت از بهمن ماه ۱۳۴۰ ماهیانه هر کدام مبلغی بین پنج تا ده هزار تومان دریافت می‌کنند. (مجموعه سند شماره ۸۶) و همانگونه که مشاهده می‌شود تهران مصور به محلی برای اخاذی و حق‌السکوت صاحب امتیاز آن مبدل شده بود.

عبداله والا

احوال شخصی

عبداله والا فرزند حسین ظهیرالسلطان، ملاک و پیشکار احمد شاه بود که در سال ۱۳۰۱ در قریه شال خلخال بدینا آمد.

وی فارغ التحصیل هنر سرایعالی در رشته شیمی در سال ۱۳۲۲ و لیسانسیه حقوق از دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۴ و مسلط به زبانهای فرانسه و انگلیسی بود.

نامبرده در سال ۱۳۲۱ با ثریا شقاقی دختر یکی از متمولین تهران ازدواج نمود و تنها صاحب یک فرزند بنام کامران در سال ۱۳۳۳ گردید. وی کار مطبوعاتی خود را در سال ۱۳۲۱ با عنوان مدیر مسئولی نشریه تهران مصور آغاز نمود و در ادامه با توجه به نزدیکی به دهقان توانست بعنوان رابط نشریه با ارتش در زمینه چاپ نشریه در چاپخانه ارتش و همچنین تنظیم مطالب تحت عنوان زیر ذره بین ایفای نقش بنماید.

پس از درگیر شدن احمد دهقان با رزم آرا بخاطر چاپ مقاله "من جاسوس شوروی در ایران بودم" و نهایتاً قتل احمد دهقان، عبدالله والا با کمک رزم آرا توانست دو سال به تاریخ تولدش در شناسنامه بیافزاید و از سال ۱۳۰۱ به ۱۲۹۹ تغییر دهد و با این روش صاحب امتیازی نشریه تهران مصور را که میبایست بر طبق قانون مطبوعات حداقل سی سال سن داشته باشد، بدست آورد تا بعنوان جانشین احمد دهقان امور نشریه را بدست گرفته و منویات مورد نظر!! خود را جامه عمل بپوشاند.

نامبرده در دوره‌های ۲۰ و ۲۱ مجلس شورای ملی از خلخال نمایندگی مردم را بعهده داشته و

طی بررسی بعمل آمده در اسناد ساواک ۷ مجموعه سند پیرامون سوابق و زندگینامه عبدالله والا شناسایی گردیده است.

در اسناد شماره ۲۵۷۱۸/۹ و ۲۵۷۱۸/۱۰، ساواک به ۴۲ سؤال مختلف پیرامون وی پاسخ داده است.

در این سند علاوه بر مشخصات سجلی و سوابق تحصیلی و خانوادگی به روحیات و افکار، نقاط قوت و ضعف، سوابق خدمتی، پای بندی به رژیم و فعالیت‌های سیاسی پاسخ گفته شده و علاقمندی وی به شاه خوب و نسبت به مذهب عادی ارزیابی شده است و یا اینکه علاقمندی نامبرده به مقام، شهرت، زن و پول فوق‌العاده تشخیص داده شده و از جمله نقاط ضعف وی نیز به همین مسائل اشاره گردیده است.

به استناد اطلاعات مندرج در این سند وی طرفدار سیاست غرب در رژیم مشروطه سلطنتی و در ادوار گذشته وفاداری خود را نسبت به شاه به ثبوت رسانیده است. (سند شماره ۸۷)

در سند ۲۵۷۱۸/۴۲ پیرامون عبدالله والا اظهار شده است:

وی دارای مرام ضد کمونیستی شدید میباشد و طرفدار مقام شامخ سلطنت و با توده‌ایها و مصدق مبارزه بی‌گیر نموده است. (سند شماره ۸۸)

در سند شماره ۲۵۷۱۸/۵۶ که بمنظور تعیین صلاحیت جهت شرکت در مراسم سلام تنظیم شده، عنوان گردیده است:

مهندس عبدالله والا صاحب امتیاز و مدیر مجله تهران مصور و تماشاخانه تهران و نماینده مجلس شورای ملی فاقد حسن شهرت درگذشته بوده و روش روزنامه‌نگاری وی ضد کمونیستی و حتی مقالات عدیده‌ای در این زمینه هم درج نموده است. نامبرده در اواسط سال جاری (۱۳۴۵) ضمن همکاری با بهرام شاهرخ مقالات شدیدی علیه دولت آقای هویدا منتشر نمود که در نتیجه از طرف وزارت اطلاعات تضيقاتی از نظر آگهی و رپرتاژ برای وی بعمل آمد. ضمناً بعلمت فوق‌الذکر از حزب مردم نیز اخراج گردیده است. (سند شماره ۸۹)

در سند شماره ۲۵۷۱۸/۶۰ آمده است:

خیلی حساس و زودرنج بوده و وضع مادی خوبی ندارد. برای عقیده خود ارزش و احترامی بیش از آنچه که هست قائل میباشد و با اکثریت میانه خوبی ندارد و نطق‌هایش بیشتر با اعتراض و تشنج همراه است. رویهمرفته شخص مغرضی نیست و اگر نفرتی داشته باشد بعلمت زمینه قبلی بوده که برایش فراهم شده بود.

(مجموعه سند شماره ۹۰)

اسناد شماره ۱/۳۰۵۱/۵ م و ۱/۳۰۵۱/۶ م تصاویر فرمی است که توسط عبدالله والا در اواخر سال ۱۳۴۷ جهت مرکز مدارک و وزارت اطلاعات تکمیل گردیده است. وی در این فرم ضمن بیان مشخصات سجلی و تحصیلی خود به بیان فعالیتهای مختلف پرداخته است.

(مجموعه سند شماره ۹۱)

در اسناد ساواک در سال ۱۳۵۰ مشخصات، سوابق، فعالیتها و نظرات وی در قالب فرمی تنظیم شده است. در این اسناد به مطالب زیر اشاره شده است:

... مدیر مجله تهران مصور و رئیس تئاتر نصر و رئیس سندیکای مرکزی صنعت چاپ میباشد.

... (مشاغل قبلی وی) روزنامه نگاری بوده و سابقاً رئیس فدراسیون ژیمناستیک و عضو انجمن طرفدار پیش آهنگی بوده است...

... (میزان ثروت) بیش از ۵۰ میلیون ریال - دارای زمین و ساختمان تماشاخانه نصر و صاحب سهم از زمین و ساختمان سینما اروپا - منزلی در شمیران و منزلی در تهران خیابان شاهآباد و پنجاه هزار متر مربع زمین در بندر پهلوی و صاحب چاپخانه تهران مصور - منزل مسکونی وی اجاره ایست و ماهیانه در حدود بیست و شش هزار ریال اجاره بها میپردازد...

... درآمد وی از سینما اروپا و تماشاخانه تهران و چاپخانه و مجله تهران مصور و اجاره منزل در حدود پانصد هزار ریال...

... عضو حزب مردم و جمعیتهای غیر سیاسی کلوب روتاری...

... (سرگرمیها) مطالعه و معاشرتهای دوستانه و قمار میکند و علاقمند به عیاشی و خوشگذرانی...

... (اعتیادات مضره) ندارد، سیگار میکشد، مشروب می نوشد...

... تاکنون هیچگونه قرائن و اماراتی که دال بر عدم علاقمندی به رژیم و کشور باشد از وی مشاهده و بدست

(سند شماره ۹۲)

نیامده است

بقیه اسناد مربوط به شخص وی در ساواک گزارشاتی است که برای سلسله مراتب پیرامون

شخصیت عبدالله والا جهت تصمیم گیری تنظیم شده است. (مجموعه سند شماره ۹۳)

روابط با خاندان پهلوی

عبدالله والا که حیات شخصی و مطبوعاتی خویش را در گرو وابستگی و ارتباط با حکومت پهلوی می دانست از هیچ تملق و چاپلوسی نسبت به این خانواده خودداری نمی کرد. اقدامات او در مجلس شورای ملی به هنگامی که عنوان نمایندگی را در مجلس به یدک می کشید و با در زمان

تصدی مجله تهران مصور و حتی پس از تعطیلی مجله، به مناسبت‌های گوناگون ارادت و چاکری خود را نسبت به خانواده پهلوی نشان می‌داده است. گزارش ساواک نمونه‌ای از اقدامات چاپلوسانه عبدالله والا به خانواده پهلوی بوده است. (سند شماره ۹۴)

مجله تهران مصور در یک گزارش در مورد خوش رقصی‌های خود چنین می‌نویسد:

در روز بیست و پنجم شهریور سال جاری که مصادف با پایان بیست و پنجمین سال و آغاز بیست و ششمین سال سلطنت شاهنشاه آریامهر بود، مجله تهران مصور ابتکار و ذوق خاصی به خرج داد و ۲۵ سبد گل به همراه یک آلبوم نفیس حاوی برجسته‌ترین عکس‌های ۲۵ سال سلطنت همایونی را با یک پیک مخصوص به لهستان فرستاد تا طی مراسمی به پیشگاه شاهانه تقدیم نماید. پیک مخصوص تهران مصور حامل این ۲۵ سبد گل، همکاران آقای جمشید وحیدی بود که به لهستان رفت و افتخار تقدیم این سبدهای گل را پیدا کرد. (سند شماره ۹۵)

در جایی دیگر نیز رییس دفتر مخصوص فرح به اطلاع عبدالله والا می‌رساند که فرح از ابراز احساسات صمیمانه وی خوشوقت شده است. در نامه دفتر فرح چنین آمده:

تلگرام ابراز احساسات صمیمانه که به پیشگاه علیاحضرت شهبانوی ایران مخابره و معروض داشته بودید از لحاظ مبارکشان گذشت. بدینوسیله خوشوقتی خاطر خطیر علیاحضرت معظم لها ابلاغ می‌گردد. (سند شماره ۹۶)

در یک سند دیگر ساواک به نقل از والا می‌نویسد:

در جشن مشروطیت که هیئت رئیسه و مجلس شورا و سنا به حضور ملوکانه شرفیاب شده بودیم چند نماینده طبق فرمول سابق مطالبی را در ستایش از بنیانگزاران و شهدای مشروطیت بیان کردند. شاه که از شنیدن مطالب تکراری ناراحت شده بودند گفتند چه مشروطه‌ای و چه انقلابی، ستارخان و باقرخان از ظلم و جور مامورین محل به ستوه آمده و علیه مامورین قیام کرده بودند مشروطیتی که با پلوی خوری در سفارت خارجی بدست آید بدردم مردم نمی‌خورد. مفهوم انقلاب مشروطیت باید این بود که حقوق اکثریت مردم محترم شمرده شود به همان صورت که ما بعد از ششم بهمن ۱۳۴۱ انجام دادیم. مهندس والا گفت از بیانات شاه نتیجه گرفتیم که تجلیل از انقلاب ششم بهمن باید مورد توجه همه باشد. ما متوجه شدیم که تجلیل کورکورانه از سران مشروطه کار اصولی نیست و اقداماتی که در سالهای اخیر صورت گرفته هزاران بار با ارزش‌تر از انقلاب مشروطه می‌باشد. (سند شماره ۹۷)

عبدالله والا که در سالهای نخستین دهه ۱۳۵۰ مورد غضب واقع شده بود. می‌کوشید همواره در یاد خانواده پهلوی باشد تا در فرصتی دیگر بتواند به صحنه مطبوعات بازگردد. از این رو در هر

مناسبتی پیام تلگرافی روانه دربار کرده و مراتب جان نثاری و چاکری خویش را به معرض نمایش می‌گذارد. نمونه تلگرافهای وی، به مناسبت سی و هشتمین سالگرد سلطنت در شهریور ۱۳۵۷، سالروز تولد شاه در آبان ۱۳۵۷، یکصدمین سالگرد تولد رضاخان، سالروز کودتای ۲۸ مرداد در سال ۱۳۵۶ و... و بکار بردن عناوینی چون چاکر، جان نثار برای خود و القابی چون بندگان، رهبر عالیقدر، فرمانده تاجدار و ذات اقدس شهریاری برای شاه گویای نهایت تملق و چاپلوسی این شخص است. (مجموعه سند شماره ۹۸)

عبداله والا در نقش فراماسونری

عبداله والا به مقتضای منافع خویش و موقعیت شغلی در چندین تشکل و گروه و جمعیت، سندیکا و کانونهای قدرت عضو شده است که می‌توان از باشگاه عصر، انجمن مطبوعات، سندیکای چاپخانه داران، کلوپ ایران جوان، کلوپ روتاری، حزب پان ایرانیست و جمعیت فراماسونری نام برد. والا به عنوان فراماسونر در لژهای ژاندارک، کورش، تهران آریا عضویت داشت و تا درجه استاد ارجمند نیز در لژ ژاندارک ارتقاء یافته بود. در یک گزارشی، در فهرست اسامی اساتید ارجمند و افسران دوره پنجم لژ کورش از مهندس عبداله والا به عنوان خطیب یاد شده است. (سند شماره ۹۹)

در سند دیگری از فراماسونری آمده است:

در ۱۳۴۶/۶/۲۲ خزانه دار لژ کورش وابسته به لژ اعظم اسکاتلند در نامه‌ای از والا می‌خواهد از حق عضویت سالانه هر عضو لژ باید همه ساله مبلغی طبق مقررات اساسنامه به لژ اعظم ناحیه‌ای ول. ا. اسکاتلند پرداخت گردد و تا برادران (فراماسونر) حق عضویت خود را نپردازند لژ کورش قادر نخواهد بود که مقرری سالانه مورد مطالبه لژ اعظم را به موقع تأدیه نماید. در پایان این نامه خزانه‌دار از عبداله والا خواهش کرده است طبق سند ارائه شده، بدهی‌اش را تا پایان سال ۱۳۴۶ - معادل ۷۲۰۰ ریال - به صندوق لژ کورش پرداخت نماید. متعاقب آن والا در سال ۱۳۴۷ مبلغ مورد درخواستی را می‌پردازد همچنین عبداله والا در مقاطع گوناگون از جمله آبان ماه ۱۳۴۲ مبلغ ۱۶۰۰ ریال، مهر ماه سال ۱۳۴۲ مبلغ ۶۶۰۰ ریال بابت حق ورودیه و مهر ماه ۱۳۴۲ مبلغ ۱۸۰۰ ریال بابت حق عضویت سال ۱۳۴۲ به لژ کورش و همچنین باشگاه رازی می‌پردازد. (سند شماره ۱۰۰)

والا در اردیبهشت ۱۳۴۸ به منظور انتخاب افسران لژ کورش در سال ۴۹ - ۱۳۴۸ به جلسه

فوق العاده لژ مذکور دعوت می شود. (سند شماره ۱۰۱)

در گزارش شماره ۱۵۷۴ لژ کورش مربوط به جلسه مورخ ۲۴ آبان ۱۳۴۶ که در محل انجمن رازی تشکیل گردید در ستون برنامه کارها آمده است عزت‌اله والا مدیر کل سابق آموزش و پرورش قصد عضویت در لژ دارد و برادرش عبدالله والا یکی از معرفین او برای پیوستن به فراماسونری می باشد. (سند شماره ۱۰۲)

ساواک که همواره جلسات لژهای فراماسونری را تحت نظر داشت در یک گزارش خود در مورخ ۱۳۴۸/۷/۳۰ در مورد تشکیل جلسه لژ فراماسونری ژاندارک آورده است:

بعد از ظهر ۴۸/۷/۳۰ جلسه لژ ژاندارک به ریاست سرهنگ بازنشسته رحیم آذربی (استاد لژ) و شرکت عده‌ای از اعضا از جمله عبدالله والا مدیر مجله تهران مصور، حسن سراج حجازی، عبدالله ریاضی، مصطفی الموتی، خسرو هدایت، رضا فلاح و فتح‌اله فرود به منظور پذیرش نصیر عصار معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان اوقاف و دکتر مسعود اهری در محل انجمن ابوعلی سینا تشکیل خواهد شد.

(سند شماره ۱۰۳)

در یک گزارش خیلی محرمانه ساواک، در مورخ ۵۲/۱/۹ در مورد لژ ژاندارک آمده است: لژ عادی ژاندارک در ساعت ۱۸/۳۰ مورخ ۵۲/۱/۸ با حضور اعضای آن (از جمله عبدالله والا) تشکیل شد. مطلب مورد بحث در لژ، اخذ رای درباره پذیرفتن دکتر تفضلی بود که پس از قرائت درخواست نامبرده عده‌ای از جمله عبدالله والا درباره نامبرده نظرات موافق و بسیار عالی دادند و حتی عبدالله والا دلیل اصلی موجه بودن ایشان را از اینکه مورد عنایت خاص شاهنشاه می باشند عنوان نمود ولی سلیمان انوشیروانی ایشان را مخالف دستگاه فراماسونری معرفی نمود، با استناد مقالات مخالفی که برادر ایشان در روزنامه "ایران ما" در گذشته منتشر نموده بود و حتی دو یا سه موضوع از آن مقالات را عیناً قرائت نمود و تنها او رای مخالف داد و بعد از آن، جلسه حالت خاصی بخود گرفت و استاد لژ مصطفوی نائینی برای آنکه صورت جلسه محفوظ گردد مخالفت انوشیروانی را به عنوان آزادی عقیده تلقی نمود و از انوشیروانی تجلیل کرد و گفت زمانی که اسماعیل راین کتابهایی بر ضد فراماسونری منتشر کرده بود و انوشیروانی که هنوز ماسون نشده بود در روزنامه خود مقالاتی را در له فراماسونری منتشر می ساخت و این طریقت را می ستود. در پایان، عضویت دکتر تفضلی با یک رای مخالف تصویب شد.

در ادامه گزارش ساواک آمده است:

در خارج لژ در میان مطالبی که با انوشیروانی مورد بحث قرار گرفت، چنین استنباط شد که ریشه مخالفت این بود که برادر تفضلی در گذشته امتیاز روزنامه آقای انوشیروانی را لغو نموده و او هم در اینجا

- قصده داشته انتقام برادر را بر سر برادر آورد. (سند شماره ۱۰۴)
- در یک گزارش دیگر سری ساواک در تاریخ ۵۲/۲/۶ در مورد ارتقاء مقام عبدالله والا آمده است در جلسه لژ ژاندارک شماره ۲۱ مهندس عبدالله والا به سمت استاد ارجمند سال ۵۳-۵۲ لژ به اتفاق آراء انتخاب و تصویب شد (سند شماره ۱۰۵)
- ساواک که همواره اطلاعات مربوط به جلسات فراماسونری را با طبقه بندی سری تلقی کرده در مورد جلسه فراماسونری لژ به تاریخ ۵۲/۳/۱۷ آورده است:
- جلسه عادی لژ نور با شرکت ۴۳ نفر از جمله مهندس عبدالله والا تشکیل گردید در این جلسه مراسم ورود دو نفر از جمله محمد بیگلری معاون یکی از ادارات حساس نخست وزیری به درجه یک با تشریفات انجام پذیرفت. حسن مصطفوی از اعضاء در جلسه این لژ مفصلاً درباره اهمیت طریقت فراماسونری صحبت کرد و گفت یکی از رازهای بقای هر چیز اصالت آن است که این اصالت در فراماسونری وجود دارد زیرا به مدت سه هزار سال است که این طریقت در جهان بشری دوام یافته است و در این طریقت شخصیت های بزرگ جهانی افتخار عضویت داشته و تحولات بزرگ جامعه بشریت مرهون افکار و روش های انسانی آنها است. (سند شماره ۱۰۶)
- در مجموعه اسناد و گزارشات لژهای فراماسونری در مورد عبدالله والا چندین مطلب ذکر شده که از جمله قدرت اله برومند دبیر لژ ژاندارک در یک نامه به دیگر اعضای لژ یادآوری می کند جلسه استقرار عبدالله والا استاد برگزیده لژ ژاندارک در کرسی استاد ارجمند دوم خرداد ۱۳۵۲ انجام خواهد شد و حضور دیگر برادران (ماسونی) موجب مسرت و امتنان خواهد بود. (سند شماره ۱۰۷)
- عذرا، دبیر شاپیتر کورش شماره ۷۹۸ در نامه ۱۳ خرداد ۱۳۵۵ به دیگر اعضا اطلاع می دهد از جمله برنامه کاری شاپیتر کورش مراسم اعتلای یاران از جمله مهندس عبدالله والا، مهندس رضا اویسی به درجه آرک رویال در نظر گرفته شده است. (سند شماره ۱۰۸)
- در گزارش مراسم تنصیب مورخ ۱۳۵۳/۳/۱ از عبدالله والا به عنوان استاد ارجمند پیشین یاد شده است. (سند شماره ۱۰۹)
- عبدالله والا که از فعالین فراماسونری بشمار می رفت تعداد زیادی از افراد را جذب لژ کورش و یا دیگر لژهای مربوطه نموده بود که از جمله می توان به منوچهر کریمی و امیر صمد قیاتی عزت اله تیرانداز استاندار کرمان و اسماعیل هنرمندی معاون دادگستری به طریقت ماسونی اشاره کرد. (سند شماره ۱۱۰)

لژ ژاندارک که از جمله لژهای روشنفکری بشمار می‌رفت و از حساسیت ساواک نیز برخوردار بود و به همین دلیل کنترل و نظارتی دقیق بر آن اعمال می‌داشت. ساواک در گزارش مورخ ۵۲/۷/۹ ضمن اشاره به ریاست مهندس عبدالله والا بر لژ ژاندارک نوشت:

پس از ... مراسم گذر روح‌اله جعفری نماینده مجلس شورای ملی و حسن اوحدی به درجه دوم استاد ماسونی انجام شد.

در ادامه گزارش آمده قره‌گوزلو یکی از اعضای جلسه فراماسونری گفت شاه یک زمین اعطایی را به آنها سپرده است تا ساختمانی در آن احداث شود. (سند شماره ۱۱۱)

روابط عبدالله والا با علی امینی

هنگامی که علی امینی حضور فعال خود در صحنه سیاسی داخل کشور را در گرو مطبوعات دید به عبدالله والا رو آورد. بدین ترتیب از مجله تهران مصور به عنوان یکی از مهمترین سکوهایی تبلیغاتی خود بهره گرفت و از سویی نیز از عبدالله والا خواست یک جبهه مطبوعاتی تشکیل داده و علی امینی، هزینه‌ها و مخارج آنرا بپردازد. ساواک که همواره فعالیت‌ها و اقدامات علی امینی را تحت کنترل داشت، از طریق مامور ویژه خود در اسفند ماه ۱۳۳۷ کسب خبر می‌کند:

علی امینی در صدد تشکیل یک جبهه مطبوعاتی قوی برای تبلیغ و فعالیت به نفع خود می‌باشد و به

همین جهت از عبدالله والا می‌خواهد که به اصطلاح یک جبهه مطبوعاتی مستقل تشکیل داده و مدیران

روزنامه آسیای دمکرات، آزادگان و خدنگ را نیز به همکاری می‌طلبد. (سند شماره ۱۱۲)

روابط علی امینی طی سالهای بعد نیز همچنان با این مطبوعات و نشریات ادامه می‌یابد و در این میان ((تهران مصور)) همچنان نقش ویژه خود را برای علی امینی ایفا می‌کند. به عنوان نمونه امینی با یک حرکت کاملاً تبلیغاتی پس از ملاقات با شاه مصاحبه‌ای اختصاصی با تهران مصور انجام داده و خود را به عنوان رهبر جناح سوم کشور معرفی می‌کند. در گزارش ساواک در این خصوص آمده است:

ساعت ۱۱/۵ صبح روز ۱۳۳۹/۶/۱ علی امینی در منزل خود با مخبر مجله تهران مصور مصاحبه

اختصاصی ترتیب داده و ضمن آن راجع به جریان شرفیابی و مذاکرات خود با شاه و همچنین نقشه و هدف

خویش در آینده مطالبی را در اختیار مخبر مجله گذارده و قرار است متن مصاحبه در شماره جمعه آینده

تهران مصور منعکس شود. طبق قرار اطلاع امینی راجع به تشکیل حزب سوم (لیبرال یا سوسیالیست) نیز

مطالبی را به شرف عرض ملوکانه رسانیده است. (سند شماره ۱۱۳)

مخالفت‌های والا با هویدا

به هنگام صدارت هویدا، عبدالله والا به علت قرار داشتن در فراکسیون حزب مردم بطور طبیعی در صف مخالفین هویدا قرار می‌گیرد. او علاوه بر انتقاد به عملکرد هویدا از طریق مجله تهران مصور، به عنوان نماینده مجلس نیز در مناسبت‌های گوناگون به انتقاد از عملکرد دولت می‌پرداخت. در ابتدا با این موضوع به شکلی عادی برخورد می‌شد ولی رفته رفته حساسیت‌ها افزایش یافت و ساواک بخشی از این نمایش‌های مخالف خوانی را به عنوان تهدید امنیتی قلمداد کرده و در صدد قلع و قمع کردن آن برآمد.

به عنوان نمونه در اسفند ماه سال ۱۳۴۴ به هنگام بحث مجلس در مورد بودجه سال ۱۳۴۵، عبدالله والا به همراه فراکسیون حزب مردم یعنی مستوفی، مشار، صالح اعظم و هلاکورا مبد مبادرت به تهیه گزارشی در مورد غیر واقعی بودن بودجه می‌کنند که در نظر بود از طریق پروفیسور عدل دبیر کل حزب به هنگام ملاقات با شاه و یا ارائه گزارش در مجلس، به اطلاع عموم برسد. حساسیت موضوع به قدری بالا گرفت که سیهید نصیری شخصاً ناچار به مداخله شد و در واپسین روزهای سال ۱۳۴۴، عبدالله والا را احضار کرده و در مورد این گزارش او را مورد بازجویی قرار می‌دهد. هر چند در این بازجویی نصیری به ظاهر نشان می‌دهد که راجع به محتوای گزارش نظری ندارد ولی در بخشی از این بازجویی‌ها که با عنوان مذاکره صورت گرفته بود، گفت که این گزارش مهمل است. ساواک تصور می‌کرد که دست‌اندرکاران این گزارش انتقادی به بودجه کشور را، نیروهای ضد امنیتی تشکیل می‌دهند. از این رو تکیه اصلی نصیری در این بازجویی، جمع‌آوری اطلاعات در مورد بانیان این گزارش بوده است. (سند شماره ۱۱۴)

در سال‌های بعد اختلافات هویدا و عبدالله والا بالا گرفته و به صورت موضوعی شخصی درمی‌آید و تلاش‌های دوستانه افراد برای ایجاد صلح و آشتی میان این دو هیچ نتیجه نمی‌دهد. ساواک در گزارش خود در شهریور سال ۱۳۴۵ در این باره می‌نویسد:

گرچی رییس سازمان رهبری جوانان که یکی از دوستان صمیمی مهندس والا است برای اعاده دوستی میان نخست وزیر و عبدالله والا میانجی شده و نخست وزیر به او جواب داده: تا هنگامی که شاهنشاه آریامهر از مسافرت مراجعت نفرمایند هیچ تصمیمی نمی‌توان اتخاذ کرد و تا تشریف فرمایی معظم له وقت ملاقات میسر نیست. (سند شماره ۱۱۵)

عبدالله والا که ادامه دشمنی با هویدا را به صلاح خود نمی‌دانست مرتب با گسیل داشتن میانجی قصد داشت، وضعیت خود را عادی سازد و این بار دکتر مدرسی را به عنوان میانجی روانه

کاخ نخست وزیر می‌کند تا هویدا علاوه بر پذیرش والا، واسطه کار او نیز شود. در یک گزارش دیگر، ساواک در مهر ماه سال ۱۳۴۵ آورده است:

به قرار اطلاع دکتر مدرسی با هویدا ملاقات و تقاضا کرده که آقای نخست وزیر واسطه کار مهندس والا شود و هویدا در پاسخ اظهار داشته تا آنجا که مقدور باشد کوتاهی نخواهد کرد ولی موضوع والا به مسایل خارجی مربوط است و مقامات دیگر می‌باید در این مورد اتخاذ تصمیم نمایند. در حال حاضر افراد نابابی در حزب مردم عضویت دارند که در صورت لزوم باید از حزب مذکور اخراج گردند.

(مجموعه سند شماره ۱۱۶)

مجموعاً آنگونه که از محتوای گزارش ساواک برمی‌آید، عبدالله والا تحت فشار ساواک قرار داشته و دنبال راه‌گریز بوده است ولی از سوی دیگر ساواک این موضوع را دستاویز فعالیت‌های تحقیقی خود در مورد حزب مردم قرار داده بود. در گزارش مذکور خواسته شده بود تحقیق شود: افراد ناباب عضو حزب مردم چه کسانی هستند و آیا میان هویدا و پرفسور عدل ملاقاتی صورت گرفته است.

در آخر مهندس والا موفق می‌شود که با هویدا آشتی کند، ولی همین موضوع نیز از سوی برخی از همکارانش مردود شمرده می‌شود. بهرام شاهرخ از قلمزنان تهران مصور و رییس خبرگزاری آلمان در تهران که از منابع اطلاعاتی آلمان در ایران بشمار می‌رفت، در این زمینه سلسله مقالات و گزارش‌هایی در مجله تهران مصور به رشته تحریر درآورد. این موضوع موجب تحریک حزب ایران نوین هویدا شده و چندین مرتبه نیز شاهرخ را تهدید کرده بودند. که این اتفاقات از نظر ساواک دور نیافتاد. در گزارش آبان ماه ۱۳۴۵ ساواک آمده است:

بهرام شاهرخ رییس خبرگزاری آلمان می‌گفت در شهریور ماه، من مقالات انتقادی تندی در تهران مصور علیه هویدا نوشتم تا شبی در نزدیکی منزل برای تهدید من چند تیر هوایی شلیک شد. موضوع را به نصیری (رییس وقت ساواک) گفتم و او در پاسخ گفت دستگاه ما کسی را با تیراندازی تهدید نمی‌کند اگر بخواهیم اقدام کنیم باز داشت می‌کنیم. شاید این عمل از طرف دارودسته حزب ایران نوین و عطاءاله خسروانی صورت گرفته باشد.

بهرام شاهرخ واکنش‌های مخالف با دولت را فراتر تصور کرده و می‌گوید آنها به دفتر من چاقوکش فرستادند و معلوم شد از ناحیه دولت او را تحریک کرده‌اند و من فقط موضوع را به سفارت آلمان اطلاع دادم و پس از این موضوع تاکنون چندین بار از طرف هویدا اشخاصی آمده‌اند که ما را با هم آشتی دهند و من زیر بار نرفتم ولی مهندس والا بی شخصیت رفته و دست هویدا را بوسیده است.

جدای طرفداری بهرام شاهرخ از سیاستهای آلمان، او تاثیر سیاست‌های انگلیس در ایران را بسیار فراوان می‌دانست به نحوی که در یک گزارش ساواک از او نقل شده:

با آمدن اسداله علم و نصرت‌اله معینیان و تقسیم پست‌ها در وزارت دربار به دست اشخاص ناباب، آینده وحشتناکی برای سلطنت شاهنشاه در پیش است زیرا آنچه که مسلم است علم نوکر انگلیسی هاست و بدستور آنها شاه ایران را محاصره کرده‌اند و نمی‌گذارند با مردم در تماس باشد. از این رو شاه را به صاحبقرانیه برده‌اند و دفتر مخصوص شاهنشاهی و وزارت دربار را هم در سعدآباد تمرکز داده‌اند که دسترسی مردم کمتر شود. در زمان رضا شاه نیز فاصله (شاه و مردم) را آنقدر عمیق کردند تا او را از ایران خارج نمودند و حالا هم دزدان بیت‌المال و اطرافیان فاسد و مزدور خارجی همین خیانت را به شاه و ملت ایران مرتکب می‌شوند.

شاهرخ پیش بینی می‌کند اوضاع ایران وحشتناک می‌شود و تنها چاره آن است که شاه اطرافیان دزد و خائن را از اطراف خود براند و سعی کند بیشتر با مردم واقعی و دردمند در تماس باشد.

با شناختی که شاهرخ از تیم دربار داشت، وضع نامطلوبی را برای این تشکیلات پیش بینی می‌کرد او در گزارش ساواک درباره وضعیت محرم اسرار شاه چنین می‌گوید:

معینیان مردی است بدسابقه و در جامعه سوء شهرت دارد زیرا در کلاس نهم دبیرستان او را به جرم فساد اخلاق بیرون کردند و با فشار میراشرفی در وزارت راه استخدام شد. در وزارت راه به علت سوء سابقه و انحطاط اخلاقی حتی پست معاونت دایره به او ندادند ولی اکنون او به محرم اسرار شاه ایران مبدل شده و این انتصاب بشدت در افکار عمومی تاثیر سوء داشته است و تنها چند روزنامه مزدور دولت که سوابقی مانند معینیان دارند از انتصاب او ابراز خوشوقتی کرده‌اند. (مجموعه سند شماره ۱۱۷)

اخراج عبدالله والا از حزب مردم

مشی عبدالله والا در اداره مجله تهران مصور، نظر مخالف رهبران حزب مردم را نیز برانگیخت، و همگام با روند تضییق ساواک، او را به بهانه عدم انضباط حزبی اخراج کردند هر چند در روی دیگر سکه این تصمیم‌گیری، عدم تحمل نفع پرستی عبدالله والا به وضوح مشاهده می‌شد، در گزارش مورخ ۴۵/۵/۲۶ ساواک آمده است:

کمیته مرکزی حزب مردم در تاریخ ۴۵/۵/۲۵ تشکیل جلسه داده و یحیی عدل دبیرکل حزب اظهار داشته نظر به اینکه برخی از مقالات منتشره تهران مصور با خط مشی حزب تطبیق نداشته و عبدالله والا توجهی به وظایف و مسئولیت‌های خود نداشته و انضباط حزبی را رعایت نمی‌کند، پیشنهاد می‌شود که از

حزب اخراج کرده که به اتفاق آرای اعضای کمیته مرکزی حزب مردم اخراج می‌شود.
در پی این خبر به ساواک القاء می‌شود که اخراج عبدالله والا، حزب را از هم پاشیده
است ولی ساواک در تحقیقات بعدی خود متقاعد می‌شود که اخراج عبدالله والا تغییری در
وضعیت حزب مردم ایجاد نکرده است. (مجموعه سند شماره ۱۱۸)

ارتباط با رژیم صهیونیستی

رژیم صهیونیستی در بهره‌گیری از مطبوعات برای تعدیل "جو ضد اسراییلی" افکار عمومی
ایران تلاش‌های فراوانی به عمل آورده و توانسته بود چندین تن از ارباب جراید را به خدمت
اهداف خود بگیرد. سفر مکرر برخی از روزنامه‌نگاران ایرانی به اسراییل و گزارش‌های طول و
دراز آنان در تعریف و تمجید از اسراییل و مذمت اعراب، گوشه‌ای از این تلاش‌ها و کوشش‌ها
بشمار می‌رفت. گو اینکه دستگاه بهلوی نیز از این موضوع برای پیشبرد سیاست خارجی خود که
همانا ایجاد موازنه با اعراب بوده بهره می‌گرفت، به عنوان نمونه مجله عربی اللواء در یک گزارش،
خبر دیدار شش روزنامه‌نگار ایرانی را به اسراییل درج کرده و از دولتهای عربی خواسته بود که
این اسامی را حفظ کرده و با آنان ملاقات نکنند. (سند شماره ۱۱۹)

نماینده مجله تهران مصور در این سفر اسماعیل رایین بود. در سند دیگری ساواک ضمن
گزارشی اعلام می‌کند که مدیر مجله تهران مصور، عبدالله والا با اسماعیل پوروالی و صفی پور
مدیران بامشاد و امید ایران در نظر دارند در مصاحبه مطبوعاتی شاه در مورد شناسایی دولت
اسراییل توسط ایران و شط‌العرب سؤال کنند، نظر ساواک بر این بود که هدف اصلی این سه مدیر
مطبوعاتی که مرتباً با مقامات اسراییل در تهران تماس و ارتباط دارند، اظهار نظر صریح شاه در
مورد شناسایی اسراییل بوده و موضوع شط‌العرب برای ردگم کردن می‌باشد

(سند شماره ۱۲۰)

روابط مدیر مجله تهران مصور آنچنان با رژیم صهیونیستی علنی شده و بالا می‌گیرد که این
نشریه در بالای جلد خود علامت ستاره داود (آرم رژیم صهیونیستی) را چاپ می‌کند. ساواک که
دچار دل مشغولی‌های امنیتی بود این اقدام را ضد امنیتی تلقی می‌کند. ساواک خارج از کشور در
گزارشی اعلام می‌کند که روی جلد مجله تهران مصور "ستاره شش پر" و آرم مخصوص
صهیونیسم درج شده است و این موضوع توجه محافل ضد یهود را به خود جلب کرده است و
ممکن است اقدامات تبلیغی علیه ایران به عمل آید و ضرورت دارد هر چه سریعتر این موضوع

اصلاح شود. متعاقب آن ساواک با مدیر داخلی مجله برخورد کرده و دستور می دهد این ستاره از روی جلد مجله حذف شود که تهران مصور اطاعت می کند. (مجموعه سند شماره ۱۲۱)

اسناد ساواک بر حسب موضوع

سند شماره ۱

از: وزارت کشور تاریخ: ۳۳/۵/۷
 به: دادسرای شهرستان تهران شماره: ۲۴۸/ و

طبق اطلاع واصله مجله تهران مصور که طبق مقررات توقیف گردید هفته گذشته مجله را تحت عنوان جوانمردان چاپ و منتشر نموده است چون عمل مزبور منطبق با تبصره ماده ۴۲ قانون مطبوعات است لذا خواهشمند است دستور فرمائید ضمن جلوگیری از انتشار مجله این روزنامه متخلف را طبق مقررات تحت تعقیب قانونی قرار داده و نتیجه را اعلام دارند رونوشت جهت استحضار فرمانداری نظامی تهران ایفاد میگردد

فرماندار تهران قیائی

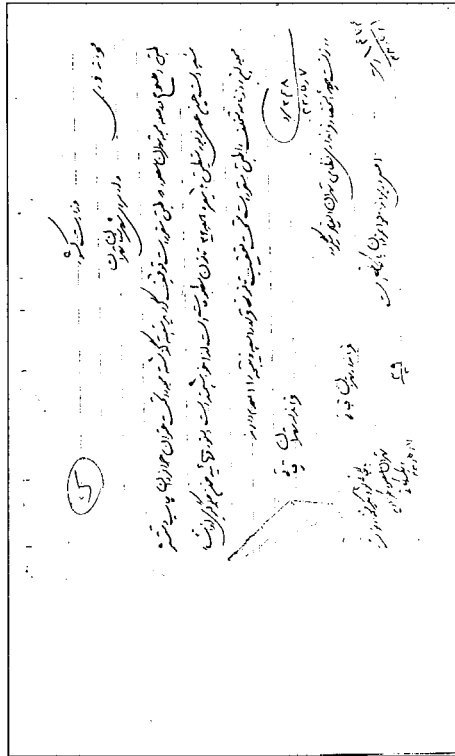
اصل در پرونده جوانمردان بایگانی است

بایگانی شود یک نسخه رونوشت تهران مصور بگذارید

۳۳/۵/۷

بایگانی شود یک نسخه رونوشت تهران مصور بگذارید

۳۳/۵/۷



سند شماره ۲

تاریخ: ۱۳۳۳/۷/۱۷

شماره: ۴۹/۵۸۸۰

از: اداره ستاد دایره رکن دوم

به: فرمانداری نظامی تهران

مجله تهران مصور در شماره ۵۷۹ مورخه ۳۳/۷/۱۶ تحت عنوان (فدائی شوروی) شرحی نگاشته دایر بر اینکه سرهنگ سیامک ضمن محاکمه اظهار داشته نظر کلنل مکلاند رئیس هیئت مستشاران ژاندارمری رابخود جلب اطلاعاتی کسب و برای بیگانگان میفرستاده - چون موضوع عاری از حقیقت بوده و موجب و سببی در بین نبوده که کلنل مکلاند اطلاعاتی در اختیار افسر مزبور

بگذارد و انتشار چنین مطالبی در مجله در روحیه افسران آمریکائی که وظائف خود را طبق مقررات و صمیمانه انجام میدهند صورت خوشی ندارد قدغن فرمائید از طریق آن فرمانداری نسبت به تکذیب مطلب مزبور که عاری از حقیقت بوده و بفرض اظهار از طرف سرهنگ سیامک مطلقاً جنبه غرض داشته اقدام مقتضی معمول نتیجه را اعلام دارند. - از نظر تکذیب خبر مزبور نیز مراتب به مجله تهران مصور نوشته شده است.

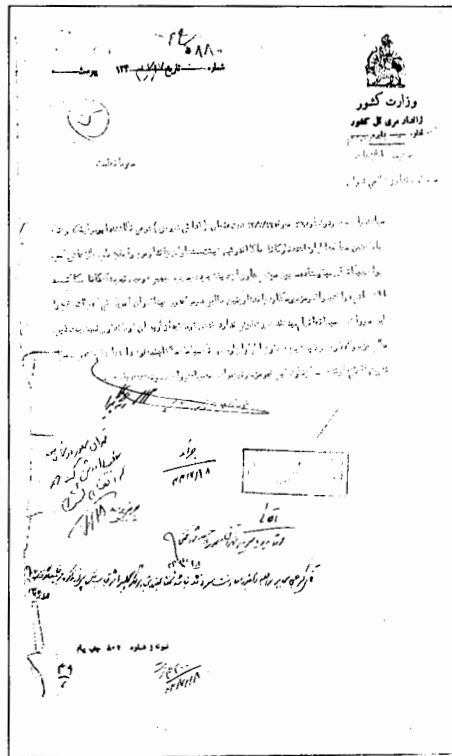
فرمانده ژاندارمری کل کشور

جراند ۳۳/۷/۱۸ تهران مصور در شماره بعد مطلب را روشن کند که سوء تفاهم نشود ۷/۱۸

به عرض برسد آقای فوراً مدیر یا سردبیر تهران مصور احضار شود تلفنی ۳۳/۷/۱۸

آقای گرجی سردبیر مراجعه و بحضور معاونت معرفی شد بنا شد بحضور تیمسار سرلشگر... شرفیاب شده پس از

مذاکره جریان را گزارش نماید ۳۳/۷/۱۸



سند شماره ۳

تاریخ: ۳۴/۲/۱۴

شماره: ۱۲۳

از: اداره رکن دوم ستاد ارتش - دایره ۱ شعبه
جراید

فرمانداری نظامی شهرستان تهران

در شماره ۶۰۹ مورخه ۳۴/۲/۸ مجله
تهران مصور شرحی تحت عنوان (جلب
مشمولین نظام وظیفه نوشته شده است).
یکی بعنوان مطالبه کارت تحصیلی و برگ
معافی از آقای حکیم الملک.
و دیگری جلب عده‌ئی از خانها که زلف خود
را کوتاه کرده بودند بباغشاه.

ولو اینکه درج این گونه مطالب جنبه مطایبه و

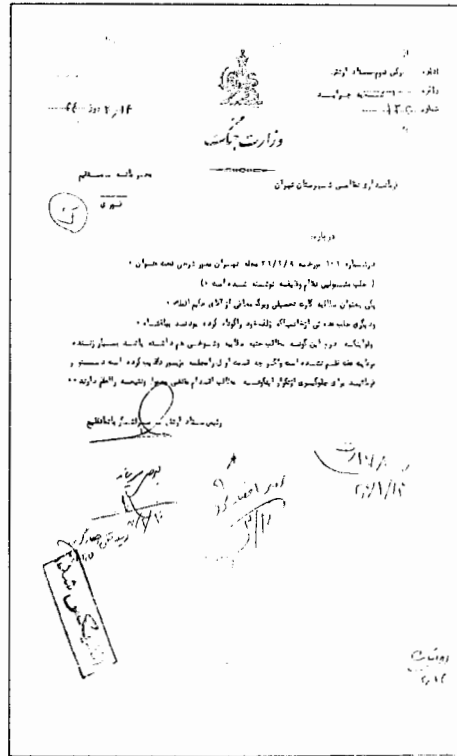
شوخی هم داشته باشد بسیار زننده و رعایت عفت قلم نشده است و اگر چه قسمت اول را مجله
مزبور تکذیب کرده است دستور فرمائید برای جلوگیری از تکرار اینگونه مطالب اقدام مقتضی
معمول و نتیجه را اعلام دارند.

رئیس ستاد ارتش - سرلشگر باتمانقلیچ

سردبیر احضار شود ۳/۴

بعرض میرساند ۳۴/۲/۱۶

بوسیله تلفن احضار گردیده است ۳۴/۲/۱۶

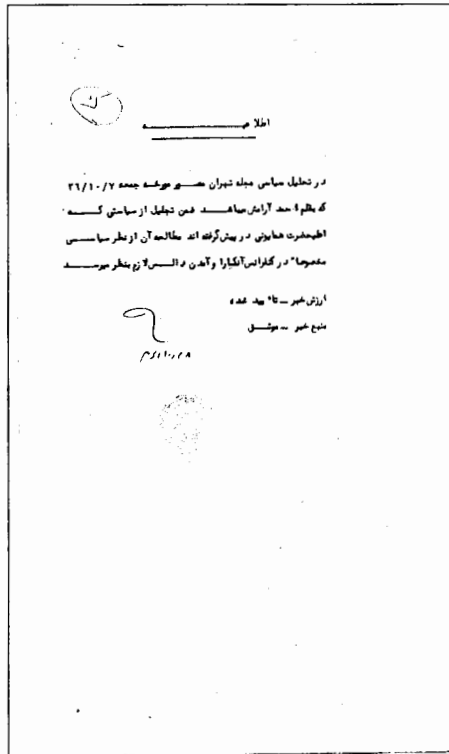


سند شماره ۴

تاریخ: ۲۸/۱۰/۳۶

اطلاعیه

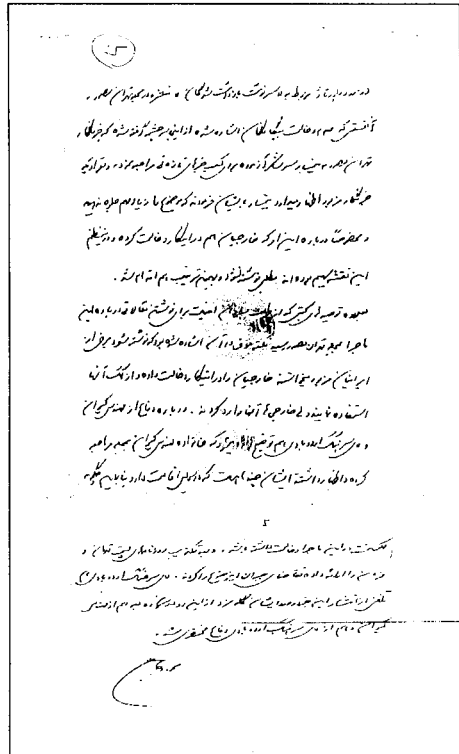
در تحلیل سیاسی مجله تهران مصور مورخه جمعه ۲۸/۱۰/۳۶ که بقلم احمد آرامش مییاشد ضمن تجلیل از سیاستی که اعلیحضرت همایونی در پیش گرفته‌اند مطالعه آن از نظر سیاسی آنکارا و آمدن دالس لازم بنظر میرسد ارزش خیر - تأیید شده منبع خیر - موثق



تاریخ: ۲۶/۱۲/۲۴

مجموعه سند شماره ۵

در مورد رپورتاژ مربوط به «سرنوشت بازداشت شدگان» منتشره در مجله تهران مصور، آنقسمتی که بعدم دخالت بیگانگان اشاره شده از اینجا سرچشمه گرفته شده که خبرنگار تهران مصور به تیمسار سرلشگر آزموده برای کسب خبرهای تازه‌ئی مراجعه نموده و بقراریکه خبرنگار مزبور اظهار میدارد تیمسار باشیان فرمودند که موضوع را زیاد مهم جلوه ندهید و مخصوصاً درباره این امر که خارجیان هم در اینکار دخالت کرده و در تنظیم این نقشه سهیم بوده‌اند مطلبی نوشته شود و بهمین ترتیب هم اقدام شد.



بعلاوه توصیه‌های کتبی که از طرف سازمان امنیت برای نوشتن مقالاتی درباره این ماجرا بمجله تهران مصور رسید نکته فوق در آن اشاره شده بود که نوشته شود برخی از ایرانیان مزبور میخواستند خارجیان را در اینکار دخالت داده و از کمک آنها استفاده نمایند ولی خارجی‌ها آنها را رد کردند. درباره دفاع از مهندس کیوان و آقای سرهنگ اردوبادی هم توضیح داده میشود که خانواده مهندس کیوان بمجله مراجعه کرده و اظهار داشته ایشان چند ماهست که در سویس اقامت دارد بنابراین چگونه ممکنست در این ماجرا دخالت داشته باشد، و بعد تکذیب روزنامه‌های پست تهران و فرمان را ارائه داده تقاضای جبران اینموضوع را کردند. آقای سرهنگ اردوبادی هم تلفنی از انتشار این خبر در مورد ایشان گله نمود از این رو در شماره بعد هم از مهندس کیوان و هم از آقای سرهنگ اردوبادی دفاع مختصری شد.

محمود رجاء

تاریخ: ۳۶/۱۲/۲۴

مجموعه سند شماره ۵

اینجانب اسداله منصور رپورتاژ صفحه ۴
مجله تهران منصور مورخ جمعه ۲۳ اسفند ۳۶ از
ستون اول و دوم و ۹ سطر ستون سوم را تا
مسئله آنقدر مهم نیست^۱ اینجانب نوشته‌ام
باستثنای پاراگراف تحت عنوان (شایعات غیر
واقع) لازم به توضیح است که در سطرهای اول
مقاله توضیح داده شده که این مطالب از طرف
مقامات رسمی تأیید نشد. و فقط شایعات است
در مورد کلمه (مقام مطلع) که در سطور اول
ستون سوم نوشته شده این مطلب صرفاً
استنباط اینجانب از مفاد اعلامیه دولت و
اطلاعیه دادستان ارتش درباره بازداشت

این سند اسداله منصور رپورتاژ از ستون سوم مجله تهران
۲۳ اسفند ۳۶ از ستون اول دوم و ۹ سطر ستون سوم را
تا مسئله آنقدر مهم نیست اینجانب نوشته‌ام
تحت عنوان (شایعات غیر واقع) لازم به توضیح است
که در سطرهای اول و دوم و ۹ سطر ستون سوم را تا
مسئله آنقدر مهم نیست اینجانب نوشته‌ام
باستثنای پاراگراف تحت عنوان (شایعات غیر واقع)
لازم به توضیح است که در سطرهای اول مقاله
توضیح داده شده که این مطالب از طرف مقامات
رسمی تأیید نشد و فقط شایعات است در مورد
کلمه (مقام مطلع) که در سطور اول ستون سوم
نوشته شده این مطلب صرفاً استنباط اینجانب
از مفاد اعلامیه دولت و اطلاعیه دادستان ارتش
درباره بازداشت است

اسداله منصور
۳۶/۱۲/۲۴

شدگان بود که با توجه به مفاد این دو اطلاعیه اینطور استنباط کردم که ممکن است مجازات خیلی
شدیدی برای بازداشت تقاضا نشود با توجه به آنکه در بالای مطلب نوشته بودم که بطور
دقیق نمیتوان اظهار نظر کرد.

منصور ۳۶/۱۲/۲۴

سند شماره ۶

از: اداره کل سوم تاریخ: ۳۷/۸/۳ شماره: ۱-۳/۲۸۶

پیرو گزارش مربوط بکمیسیون مطبوعات بعموم جراید دستور داده شده بود ۱- از چاپ عکس بارزانیها و بزرگ جلوه دادن آنها و همچنین وضع عراق و جمال عبدالناصر خودداری نمایند. ضمنا پسران دول بی احترامی نکنند. ۲- درباره اوضاع افغانستان بهیچ وجه مطلب زننده ننویسند. ۳- در صورت پیدا کردن خبر سیاسی جالب بدون نظر کمیسیون چیزی چاپ ننمایند ولی چون عملا ثابت شد که تذکرات یکدفعه کافی نیست این مطالب همه هفته چند بار تکرار شده است. بخصوص درباره مجله تهران مصور بعمل مشاهده مطالب خلاف مکرر توجه بیشتری معمول میگردد. الف- در صفحه سوهفله شماره ۷۸۴ چهارم شهریورماه و سیاسی به بن تشریح باران نوشته شده بود. (ب) بار پروت شورویها موافقت نشد ((بدینال دعوت شورویها از یک هیئت پارلمانی. در وقت برگزاری طرف سفارت شوروی در تهران از یک هیئت مطبوعاتی و یک هیئت هنری بعمل آمد ولی ظاهرا جزو عزمیت پارلمانی هنوز با دو دعوت دیگر موافقت نشده است.)) ۲-۳۲ پیشنهاد شورویها بایران

Official document from the Ministry of Information, Iran. It contains a header with the ministry name and emblem, followed by fields for recipient, sender, and subject. The main text discusses press regulations and the Ministry's stance on certain news items, including a reference to a newspaper article from September 4th. There are handwritten notes and stamps throughout the document.

نیست این مطالب همه هفته چند بار تکرار شده است. بخصوص درباره مجله تهران مصور بعمل مشاهده مطالب خلاف مکرر زیر توجه بیشتری معمول میگردد.

الف - در صفحه سوم مجله شماره ۷۸۴ چهاردهم شهریور ماه دو خبر سیاسی بدون نظر سازمان نوشته شده بود.

۱- با دو دعوت شورویها موافقت نشد ((بدینال دعوت شورویها از یک هیئت پارلمانی. دو دعوت دیگر از طرف سفارت شوروی در تهران از یک هیئت مطبوعاتی و یک هیئت هنری بعمل آمد ولی ظاهرا جزو عزمیت پارلمانی هنوز با دو دعوت دیگر موافقت نشده است.))

۲-۳۲ پیشنهاد شورویها بایران (یک مقام نزدیک سفارت شوروی بخبرنگار تهران مصور اظهار داشت در خلال چند ماه اخیرا (۳۲) پیشنهاد در زمینه امور اقتصادی و تولیدی از طرف سفارت شوروی بدولت ایران داده شده

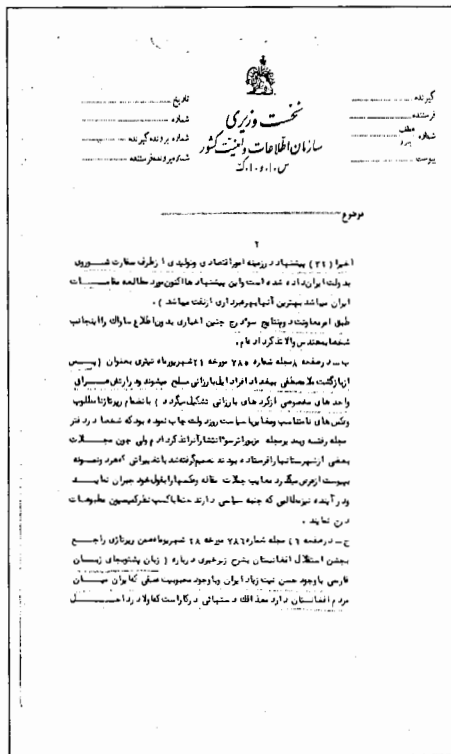
است و این پیشنهادها اکنون مورد مطالعه مقامات ایران میباید بهترین آنها بهره‌برداری از نفت میباشد).

طبق امر معاونت دوم نتایج سوء درج چنین اخباری بدون اطلاع ساواک را اینجانب شخصاً بمهندس والا تذکر داده‌ام.

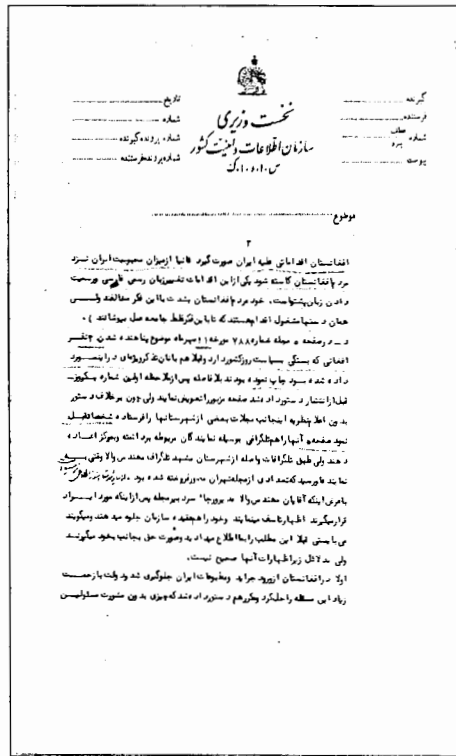
ب- در صفحه ۸ مجله شماره ۷۸۵ مورخه ۲۱ شهریور ماه تیتیری بعنوان (پس از بازگشت ملا مصطفی بیعداد افراد ایل بارزانی مسلح میشوند و در ارتش عراق واحدهای مخصوصی از کردهای بارزانی تشکیل میگردد) بانضمام رپرتاژ نامطلوب و عکس‌های نامتناسب و مغایر با سیاست روز دولت چاپ نموده بود که شخصاً در دفتر مجله رفته و بمدير مجله مزبور اثر سوء انتشار آنرا تذکر دادم ولی چون

مجلات بعضی از شهرستانها را فرستاده بودند تصمیم گرفته شد با تغییراتی که هر دو نمونه بیبوست از عرض میگردد معایب جملات مقاله و عکسها را بقول خود جبران نماید و در آینده نیز مطالبی که جنبه سیاسی دارند حتماً با کسب نظر کمیسیون مطبوعات درج نمایند.

ج- در صفحه ۴۶ مجله شماره ۷۸۶ مورخه ۲۸ شهریور ماه ضمن رپرتاژی راجع ب جشن استقلال افغانستان بشرح زیر خبری درباره (زبان پشتو بجای زبان فارسی با وجود حسن نیت زیاد ایران و با وجود محبوبیت عمیقی که ایران میان مردم افغانستان دارد معذالک دستهایی در کار است که اولاً در داخل افغانستان اقداماتی علیه ایران صورت گیرد ثانیاً از میزان محبوبیت ایران نزد مردم افغانستان کاسته شود یکی از این اقدامات تغییر زبان رسمی فارسی و رسمیت دادن زبان پشتو است. خود مردم افغانستان بشدت با این فکر مخالفند ولی همان دستها مشغول اقدام هستند که تا باین فکر غلط جامعه عمل پیوشانند).



د - در صفحه ۵ مجله شماره ۷۸۸ مورخه ۱۱ مهر ماه موضوع پناهنده شدن ۳ نفر افغانی که بستگی سیاست روز کشور دارد و قبلا هم به آنان تذکر ویژه‌ای در اینمورد داده شده بود چاپ نموده بودند بلافاصله پس از ملاحظه اولین شماره یکروز قبل از انتشار دستور داده شد صفحه مزبور را تعویض نمایند ولی چون برخلاف دستور بدون اعلام نظریه اینجانب مجلات بعضی از شهرستانها را فرستاده شخصا تقبل نمود صفحه ۵ آنها را هم تلگرافی بوسیله نمایندگان مربوطه برداشته و بمرکز اعاده دهند ولی طبق تلگرافات واصله از شهرستان مشهد تلگراف مهندس والا وقتی به نماینده او رسید که تعدادی از مجله تهران مصور فروخته شده بود. از سایر شهرستانها هنوز اطلاعی نرسیده



است

با عرض اینکه آقایان مهندس والا مدیر و رجاء سردبیر مجله پس از اینکه مورد ایراد قرار میگیرند اظهار تأسف مینمایند و خود را هم عقیده سازمان جلوه میدهند و میگویند میبایستی قبلا این مطلب را بما اطلاع میدادید و صورت حق بجانب بخود میگیرند ولی بدلائل زیر اظهارات آنها صحیح نیست.

اولا در افغانستان از ورود جراید و مطبوعات ایران جلوگیری شد و دولت با زحمت زیاد این مسئله را حل کرد و مکرر هم دستور داده شد که چیزی بدون مشورت مسئولین امر درباره افغانستان ننویسند موضوع پناهندگی یک امر سیاسی است معهذا متصدیان مجله تهران مصور نخواستند حتی یک مشورت تلفنی هم با مسئولین امر نمایند.

ثانیا پیش بینی جزئیات مسائل سیاسی امکان ندارد اگر مدیر مجله تهران مصور واقعا راست میگوید و میخواهد با سازمانهای دولتی هم آهنگی داشته باشند تنها با یک تلفن میتوانند این قبیل

مسائل را روشن کنند و از نظر دولت آگاه شوند همانطور که سایر مجلات عمل میکنند.

ثالثا با توجه بایرادهای متوالی که از مجله مزبور گرفته شده احتمال داده میشود در دستگاه تهران مصور عناصری وجود دارند که مدیر و سردبیر را اغفال مینمایند و مطالب سیاسی را ساده جلوه داده تعدا بطریقی که از عرض گذشت نظر خود را عمل مینمایند پس از ایراد سازمان موضوع را سهل انگاری و اشتباه جلوه میدهند مراتب جهت استحضار تیمسار ریاست ساواک از عرض میگردد.

سعادتمند ۷/۱۵

در ساعت ۱۱ صبح روز شنبه اینجانب و آقای مهندس والا در دفتر اینجانب در حضور تیمسار پاکروان و تیمسار علوی کیا مذاکره شد و قرار شد ایشان مراقبت


بیشتری در امر مجله بنمایند.

ساواک هم هرگونه اطلاعی از انحراف کارمندان مجله پیدا کرد به ایشان بدهد تا کارمند مظنون را اخراج نماید.

۳۷/۸/۳

بخش ۳۳۵

به سابقه مجله تهران مصور پیوست شود.

تاریخ	شماره	شماره پرونده	شماره پرونده در دستگاه
 مختص ذریعی سازمان اطلاعات و امنیت کشور ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰			
توضیح			
<p>۱- ایرادها را با همان نیت و موضوعی بنا نهاد کسی به امر سیاسی است معذرا چندین آن مجله تهران جورتهواستند من به صورت تلقی هم با مسئولین امر تا اینچنین چیزی است مسائل سیاسی امکان ندارد اگر در مجله تهران واقعا است مگر به وسیله حد با سازمانها و آنچه با همگام داشته باشد نتیجتا با این طیف میخوانند این قبیل مسائل را روشن کنند و از نظر دولت آگاه نبوده همانطور که سایر مجلات عمل میکنند.</p> <p>ثالثا با توجه با موارد های جزئی که از مجله مزبور گرفته شد تا احتمال دارد و میشود در دستگاه تهران صورتتاری وجود دارد که موباره میرا اطلاع مینماید و با اینها سیاسی را ساده جلوه کرده شده اکثری که از عرض گذشت نظر مهندس را اصلاح مینماید پس از ایراد سازمان موضوع را سهل انگاری و اشتباه جلوه میدهد مراتب جهت استحضار تیمسار ریاست ساواک از عرض میگردد.</p>			

سند شماره ۷

تاریخ: ۳۹/۱/۲۹

دوست محترم جناب آقای سرهنگ سعادت‌مند

زیدا جلاله

پس از عرض سلام همانطور که تلفنی عرض شد مقاله مربوط به روابط ترکیه و روسیه را که در ضمن مطالب جالبی هم راجع به ایران دارد خدمتتان تقدیم میدارم تا هر قسمت آنرا که صلاح میدانید حذف و اصلاح فرمائید و قسمتی را که برای انتشار مناسب است مرحمت نمائید تا چاپ کنیم
ارادتمند....

ضمناً مقاله کوتاهی را که مربوط به (هله هوله) است خدمتتان فرستادم تا ملاحظه فرمائید البته این مطلب مربوط به دوران قاجاریه است. معهداً از لحاظ رعایت احتیاط و مصلحت تقدیم داشتم تا اگر اصلاحی لازم دارد بفرمائید با تقدیم احترام

TEHRAN MOSSAVAR

weekly
monthly
children

Tehran
Tel: 2281, 2282

تهران مصور

هفتگی - ماهانه - کودکان

تهران

تلف: ۲۲۸۱ - ۲۲۸۲

شماره: ۳۹/۱/۲۹

No. _____

Date: _____

(۳)

بابت کتب و مجله‌ها تقدیم شده است

از طرف سرکار عالی

که در ضمن مطالب جالبی هم راجع به ایران دارد خدمتتان تقدیم میدارم تا هر قسمت آنرا که صلاح میدانید حذف و اصلاح فرمائید و قسمتی را که برای انتشار مناسب است مرحمت نمائید تا چاپ کنیم

ضمناً مقاله کوتاهی را که مربوط به (هله هوله) است خدمتتان فرستادم تا ملاحظه فرمائید البته این مطلب مربوط به دوران قاجاریه است. معهداً از لحاظ رعایت احتیاط و مصلحت تقدیم داشتم تا اگر اصلاحی لازم دارد بفرمائید با تقدیم احترام

و.ا.

سند شماره ۸

تاریخ: ۳۹/۲/۱۱

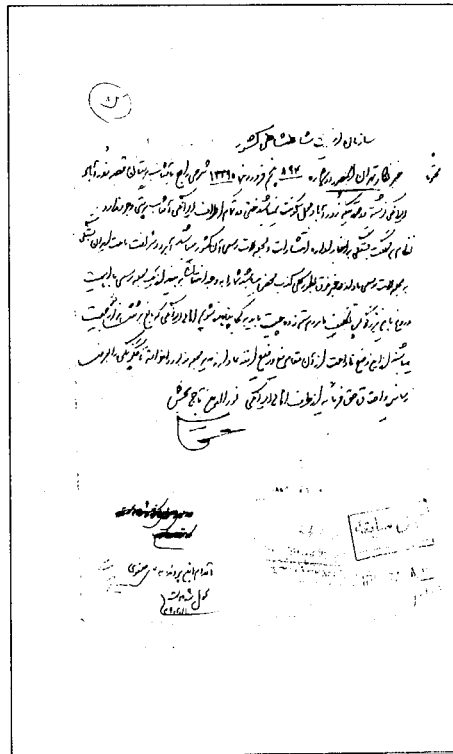
سازمان امنیت شاهنشاهی کشور

محترماً خبرنگار تهران‌المصور در شماره ۸۶۴ پنجم فروردین ماه ۱۳۳۹ شرحی راجع بآفتاب پرستان قصبه زورآباد ایوانکی نوشته در صورتیکه زورآباد محل سکونت نمیباشد حتی در تمام اطراف ایوانکی آفتاب پرستی وجود ندارد. نظام هر مملکت بستگی به اخبار اداره انتشارات و مجلات رسمی آن کشور میباشد آبرو و شرافت ما ملت ایران بستگی به مجلات رسمی ما دارد خبر فوق بطور کلی کذب محض میباشد شما را به وجدانتان به

بینید از یک مجله رسمی با اهمیت دروغ باین بزرگی پس تکلیف ما مردم ستم زده چیست باید به کجا پناهنده شویم اهالی ایوانکی که بالغ بر شش هزار نفر جمعیت میباشند از این وضع ناراحت از آن مقام منیع و رفیع استدعا دارند مدیر مجله مزبور را خواسته تا چگونگی را بعرض رسانیده و احقاق حق فرمائید.

از طرف اهالی ایوانکی نورالدین تاج بخش

اقدام این پرونده به آقای صفوی محول شده است ۳۹/۲/۱۱



مجموعه سند شماره ۹

از: ساواک - تهران تاریخ ۳۹/۲/۱۵

به: کلیه ساواکهای خارج از مرکز شماره: ۵۴۶/ج-۳

صفحه سوم و چهارم و پنجم شماره ۸۷۰
جمعه ۱۶ اردی بهشت مجله تهران مصور که
حاوی مطالبی راجع بنفت میباشد انتشار آن
مصلحت نیست دستور دهید قبل از توزیع کلیه
شماره‌های آن جمع آوری و ارسال دارند.

سپهبد بختیار

گزارش ۳۹/۲/۱۵

آقای فروغی از طرف جناب آقای نخست وزیر این مقاله
[را] خلاف مصلحت روز تشخیص دادند و اضافه
کردند که موضوع را با تیمسار ریاست ساواک تلفنی
مذاکره کرده‌اند در صورت تلگراف فوق که احتیاطاً

تنظیم شده است امضاء فرمایند. ۳۹/۲/۱۵

تکلیفات وارده

۱- تر ساواک - تهران
۲- کلیه ساواکهای خارج از مرکز
۳- تاریخ ۳۹/۲/۱۵
۴- شماره ۳۸۵۴۶
۵- برای اطلاع بنابر

مجلس سوم و چهارم شماره ۸۷۰ جمعه ۱۶ اردی بهشت مجله تهران
محرکات و مطالبی راجع بنفت میباشد انتشار آن مصلحت نیست
دستور دهید قبل از توزیع کلیه شماره‌های آن جمع آوری و ارسال
دارند. سپهبد بختیار

۳۹/۲/۱۵
۳۹/۲/۱۵

مجموعه سند شماره ۹

ریاست محترم اداره اطلاعات و امنیت کشور

در جواب استفساری که شده اطلاعاً

عرض میشود:

آنچه بنظر میرسد، درباره تهیه مقالات درباره کنسرسیونم که در مجله تهران مصور این هفته مقاله‌ای بقلم بنده چاپ شده است، غیر از خود من و آقای احمد مهبد مشاور عالی دربار شاهنشاهی شخص دیگری اطلاع نداشته و حتی خود منم هنگامیکه مقاله را بمجله دادم، سردبیر در اثر اعتمادی که بشخص بنده داشت مقاله را چاپ کرد.

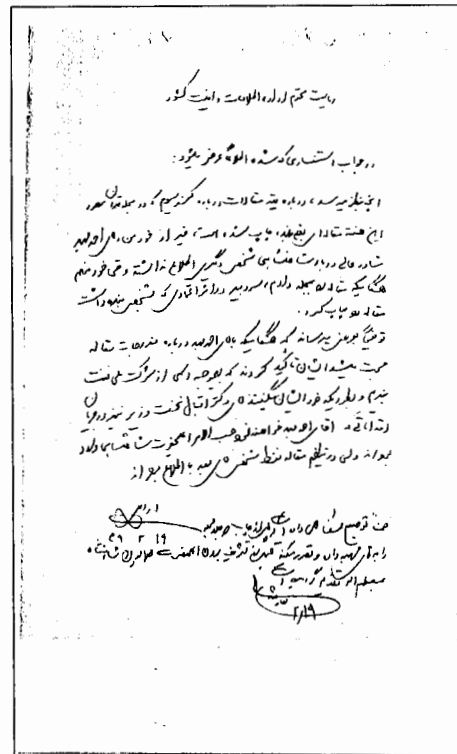
توضیحاً بعرض میرساند که هنگامیکه با آقای احمد مهبد درباره مندرجات مقاله صحبت

میشد ایشان تأکید کردند که بهیچوجه اسمی از شرکت ملی نفت نبریم و بطوریکه خود ایشان میگفتند آقای دکتر اقبال نخست وزیر نیز در جریان اقداماتی که آقای احمد مهبد خواهند نمود حسب الامر اعلیحضرت شاهنشاهی وارد بوده‌اند ولی در تنظیم مقاله فقط شخص آقای مهبد با اطلاع بوده‌اند

۳۹/۲/۱۹

ضمناً توضیح شفاهی داده است که پس از چاپ دو جلد مجله را به آقای مهبد داده و تصور میکند قبل از تشریف بردن

اعلیحضرت همایون شاهنشاه بمعظم له تقدیم گردیده است..... ۲/۱۹



مجموعه سند شماره ۹

تاریخ: ۳۹/۲/۱۹

شماره: ۱/۳/۸۲۰

تلگراف رمز

پیشگاه مبارک بندگان اعلیحضرت همایون

شاهنشاه

مفتخراً بشرفعرض همایونی میرساند:

مجله تهران مصور شماره ۸۷۰ مورخه ۱۶

اردیبهشت ۳۹ در صفحات چهارم و پنجم

مقاله‌ای تحت عنوان اسرار و اسناد محرمانه

نفت جنوب رافاش میکنیم داشت.

چون انتشار مقاله مزبور مناسب نبود از توزیع

آن جلوگیری شد طبق تحقیقاتی که بوسیله

ساواک بعمل آمد معلوم شد نویسنده مقاله با

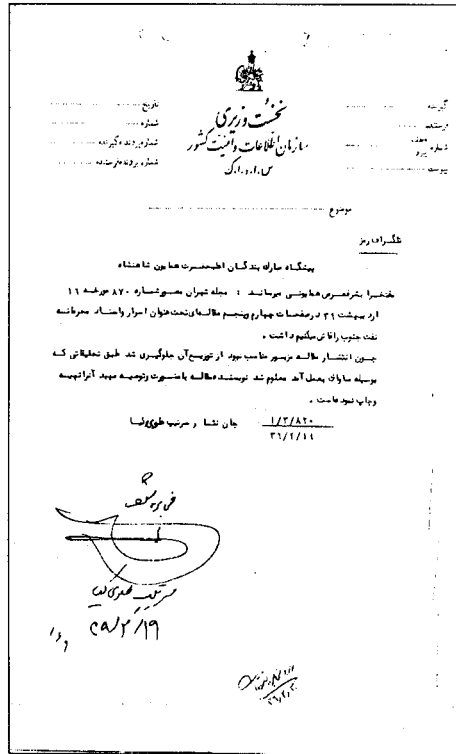
مشورت و توصیه مهبد آنرا تهیه و چاپ نموده

است.

جان نثار سرتیب علوی کیا

مخابره شود سرتیب علوی کیا ۳۹/۲/۱۹

رمز و مخابره شده است ۳۹/۲/۲۰



مجموعه سند شماره ۹

تلگراف - رمز

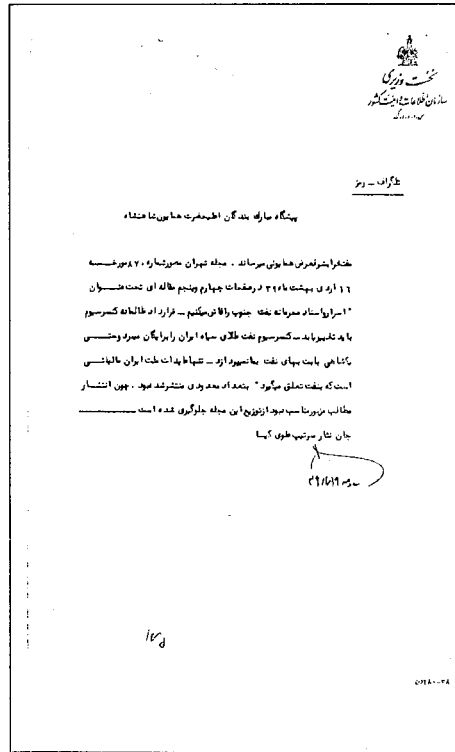
پیشگاه مبارک بندگان اعلیحضرت همایون

شاهنشاه

مفتخرا بشرفعرض همایونی میرساند.
 مجله تهران مصور شماره ۸۷۰ مورخه ۱۶
 اردی بهشت ماه ۳۹ در صفحات چهارم و پنجم
 مقاله‌ای تحت عنوان "اسرار و اسناد محرمانه
 نفت جنوب را فاش میکنیم - قرارداد ظالمانه
 کنسرسیوم باید تغییر یابد - کنسرسیوم نفت
 طلای سیاه ایران را برایگان میبرد و حتی
 یکشاهی بابت بهای نفت بما نمیپردازد - تنها
 عایدات ملت ایران مالیاتی است که بنفت تعلق
 میگیرد" بتعداد معدودی منتشر شده بود. چون
 انتشار مطالب مزبور مناسب نبود از توزیع این
 مجله جلوگیری شده است

جان نثار سرتیب علوی کیا

سعادت‌مند ۳۹/۲/۱۹



مجموعه سند شماره ۹

تاریخ: ۳۹/۲/۲۰

شماره ۳-ج/۶۳۴

از: ساواک - تهران

به: کلیه ساواکهای خارج از مرکز

پیرو ۵۴۶/ج ۳-۳۹/۲/۱۵ از طرف
مدیر مجله تهران مصور صفحات ۴ و ۵ مربوط
بشماره ۸۷۰ مورخه ۱۶ اردیبهشت ماه
مجددا چاپ شده و جهت نمایندگان مربوطه
ارسال گردیده دستور دهید پس از تعویض با
صفحات قبلی اجازه توزیع داده و صفحات
تعویض شده را معدوم نمایند

سپهبد بختیار

۱۵۹۰
۳۹/۲/۲۰

تکالیفات وارده

<p>۱- کلیه دستورالعمل</p> <p>۲- وقتیکه دستورالعمل</p> <p>۳- عدم</p> <p>۴- نسبت اقدام کنند</p> <p>۵- رای اعلام قرار</p>	<p>۱- از ساواک - تهران</p> <p>۲- کلیه ساواکها و خارج از مرکز</p> <p>۳- تاریخ: ۳۹/۲/۲۰</p> <p>۴- شماره: ۳-ج/۶۳۴</p>
--	--

شماره سند: ۵۴۶/ج ۳-۳۹/۲/۱۵

تاریخ: ۳۹/۲/۲۰

مهر: تهران

۵۴۶/ج ۳-۳۹/۲/۱۵

سند شماره ۱۰

تاریخ: ۳۹/۵/۱۹

گزارش

مجله تهران مصور بمدیریت آقای مهندس والا "عضو حزب مردم و کاندیدای آن حزب از خلخال" در روزنامه‌های پایتخت و مجله خود مبادرت به حمله به دولت و حزب ملیون و شخص آقای دکتر اقبال نخست وزیر نموده و با انتشار مطالب انتقاداتی در همه مکتب فرمایشی بوده و در پلند امر انتخاباتی در حالت مستقیم دارد. چون ادامه این رویه در اذهان عموپانقلاب و درست بعکس اجبار اعلیحضرت همین شاهنشاه و نشر در دست مانی برآوردی انتخابات است لذا چنانچه اجازه فرمایند بعد بر حمله مزبور برای جلوگیری از ادامه این حمله تذکرات لازم داده شود.

تذکرات لازم داده شود.
مجلس شورای ملی - جلسه هیئت وزیران در روز شنبه ۱۹ شهریور ۱۳۹۵ - شماره ۱۹

آقای مهندس مصور بمدیریت آقای والا
تصحیح کرد. امین محمدی
در جلسه هیئت وزیران در روز شنبه ۱۹ شهریور ۱۳۹۵

کریه
فرستاده
شماره ثبت
شماره روز
تاریخ

موضوع

گزارش

مجله تهران مصور بمدیریت آقای مهندس والا عضو حزب مردم و کاندیدای آن حزب از خلخال در روزنامه‌های پایتخت و مجله خود مبادرت به حمله به دولت و حزب ملیون و شخص آقای دکتر اقبال نخست وزیر نموده و با انتشار مطالب انتقاداتی در همه مکتب فرمایشی بوده و در پلند امر انتخاباتی در حالت مستقیم دارد. چون ادامه این رویه در اذهان عموپانقلاب و درست بعکس اجبار اعلیحضرت همین شاهنشاه و نشر در دست مانی برآوردی انتخابات است لذا چنانچه اجازه فرمایند بعد بر حمله مزبور برای جلوگیری از ادامه این حمله تذکرات لازم داده شود.

مجلس شورای ملی - جلسه هیئت وزیران در روز شنبه ۱۹ شهریور ۱۳۹۵ - شماره ۱۹

آقای مهندس مصور بمدیریت آقای والا
تصحیح کرد. امین محمدی
در جلسه هیئت وزیران در روز شنبه ۱۹ شهریور ۱۳۹۵

همایون شاهنشاه و نظر دولت مبنی بر آزادی انتخابات است لذا چنانچه اجازه فرمایند بمدیر مجله مزبور برای جلوگیری از ادامه این رویه تذکرات لازم داده شود.

رئیس بخش جرائد. شاهین

ضمناً شماره ۸۸۴ مجله مزبور عیناً از عرض میگردد آقای رجا سردبیر مجله احضار و مقاله فوق تصحیح و باو ابلاغ

گردید که مقاله تصحیح شده را درج و نسبت به تعویض مقاله اولی اقدام نماید و قبول کرد ۳۹/۵/۱۹

فرمودند روی پرونده مربوطه بایگانی شود. مهید ۳۹/۵/۲۰

مجموعه سند شماره ۱۱

تاریخ: ۳۹/۸/۵

گزارش

در مورد خبر شایعه وساطت قاسم درباره روابط ایران و شوروی که در مجله تهران مصور مورخه ۳۹/۶/۱۸ درج گردیده بود آقای اسمعیل رائین اظهار داشته است خبر را از آقای مستوفی در سفارت عراق شنیده است موضوع طی گزارش پیوست بعرض رسید مقرر فرمودند تحقیق شود مستوفی کیست مجدداً از آقای رائین در این باره سؤال گردید اظهار داشت آقای مستوفی تبعه ایران و کارمند سفارت خانه‌های پاکستان و عراق میباشد در سفارت پاکستان منشی سفیر و در سفارت عراق منشی عمومی است.

شاهین

بعرض رسید فرمودند بسابقه پیوست و بایگانی شود

۳۹/۸/۱۱

کریه
فرستنده
شماره
تاریخ
موضوع

گزارش

در مورد خبر شایعه وساطت قاسم درباره روابط ایران و شوروی که در مجله تهران مصور مورخه ۳۹/۶/۱۸ درج گردیده بود آقای اسمعیل رائین اظهار داشته است خبر را از آقای مستوفی در سفارت عراق شنیده است موضوع طی گزارش پیوست بعرض رسید مقرر فرمودند تحقیق شود مستوفی کیست مجدداً از آقای رائین در این باره سؤال گردید اظهار داشت آقای مستوفی تبعه ایران و کارمند سفارت خانه‌های پاکستان و عراق میباشد در سفارت پاکستان منشی سفیر و در سفارت عراق منشی عمومی است.

شاهین

بعرض رسید فرمودند بسابقه پیوست و بایگانی شود

۳۹/۸/۱۱

مجموعه سند شماره ۱۱

تاریخ: ۳۹/۶/۲۳

گزارش

در مورد خبر شایعه وساطت قاسم درباره روابط ایران و شوروی که در مجله تهران مصور مورخه ۳۹/۶/۱۸ درج گردیده است از آقای رجاء سردبیر مجله مزبور توضیح خواسته شد ایشان اظهار داشتند آقای اسمعیل راین از مستوفی در سفارت عراق شنیده و او مؤکداً گفته است این کار انجام شده است و قرار است ژنرال عبدالکریم قاسم وساطت نماید.

شاهین

تاکنون آقای اسمعیل راین بتهران مصور مراجعه نکرده

است

۳۹/۷/۲۰

کیرنده	تاریخ
فرستنده	شماره
شماره پرونده	شماره پرونده کرده
پیوست	شماره پرونده فرستنده

موضوع

گزارش

در مورد خبر شایعه وساطت قاسم درباره روابط ایران و شوروی که در مجله تهران مصور مورخه ۳۹/۶/۱۸ درج گردیده است از آقای رجاء سردبیر مجله مزبور توضیح خواسته شد ایشان اظهار داشتند آقای اسمعیل راین از مستوفی در سفارت عراق شنیده و او مؤکداً گفته است این کار انجام شده است و قرار است ژنرال عبدالکریم قاسم وساطت نماید.

شاهین

۳۹/۶/۲۰

۱۳۰۷۰۳۸

سند شماره ۱۲

تاریخ: ۳۹/۱۲/۲۱

شماره: ۴۶۰۷

گیرنده: مدیریت کل اداره سوم

موضوع: تهیه فیلم از زندگانی

حضرت محمد (ص)

هفته قبل که در شماره ۹۱۰ - ۹۱۱ مجله

تهرانمصور صفحه ۵۸ دو خبر تحت عنوان تهیه

فیلمی از زندگانی حضرت محمد [ص] درج

شده بود در محافل روحانی و حوزه علمیه و

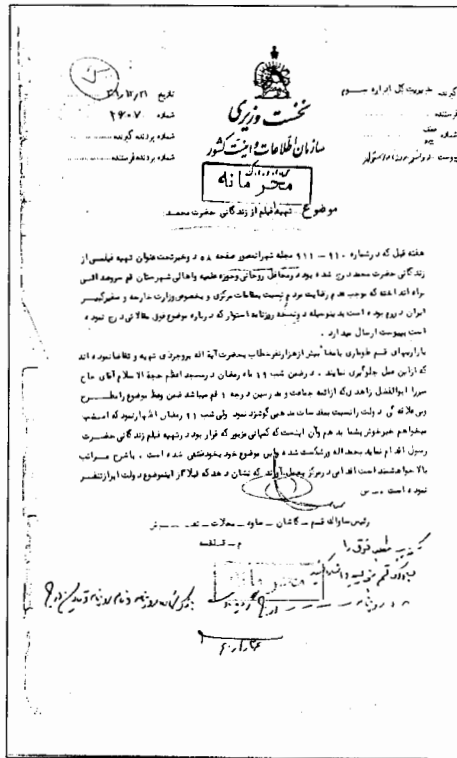
اهالی شهرستان قم سروصدائی براه انداخته که

موجب عدم رضایت مردم نسبت بمقامات

مرکزی و بخصوص وزارت خارجه و سفیر

کبیر ایران در رم بوده است بدینوسیله دو نسخه

روزنامه استوار که درباره موضوع فوق



مقالاتی درج نموده است بیبوست ارسال میدارد. بازاربهای قم طوماری بامضاء بیش از هزار نفر

خطاب بحضرت آیه الله بروجردی تهیه و تقاضا نموده اند که از این عمل جلوگیری نمایند. در ضمن

شب ۱۹ ماه رمضان در مسجد اعظم حجة الاسلام آقای حاج میرزا ابوالفضل زاهدی که از ائمه

جماعت و مدرسین درجه ۱ قم میباشد ضمن وعظ موضوع را مطرح و بی علاقه گی دولت رانسبت

بمقدسات مذهبی گوشزد نمود ولی شب ۲۱ رمضان اظهار نمود که امشب میخواهم خبر خوش

بشما بدهم و آن اینست که کمپانی مزبور که قرار بود در تهیه فیلم زندگانی حضرت رسول اقدام

نماید بحداله ورشکست شده و این موضوع خودبخود منتفی شده است. با شرح مراتب بالا

خواهشمند است اقدامی در مرکز بعمل آورند که نشان دهد که قبلاً از اینموضوع دولت ابراز تنفر

نموده است.

تکذیب مطلب فوق را بساواک قم بنویسید و اشاره کنید که در روزنامه..... درج گردیده است ۴۰/۱/۲۶

با ذکر شماره روزنامه و نام روزنامه و تاریخ درج

مجموعه سند شماره ۱۳

فرستنده: بخش ۵ ج- ۳ تاریخ: ۳۹/۱۰/۱۳

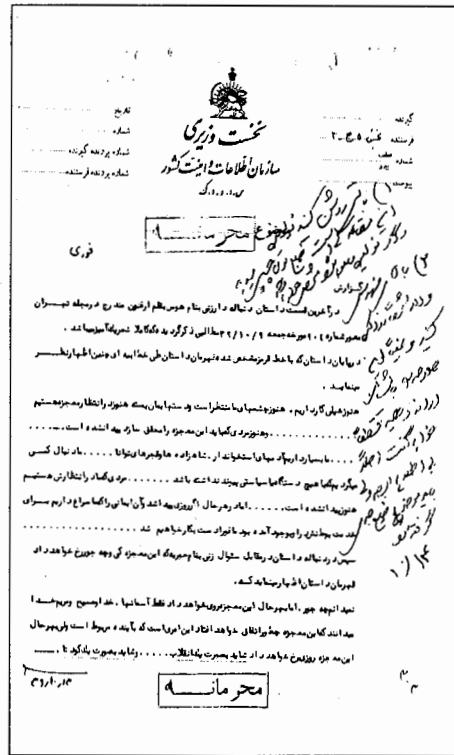
گزارش

در آخرین قسمت داستان دنباله دار زنی بنام هوس بقلم ارغنون مندرج در مجله تهران مصور شماره ۹۰۴ مورخه جمعه ۳۹/۱۰/۹ مطالبی ذکر گردیده که کاملاً تحریک آمیز میباشد.

در پایان داستان که با خط قرمز مشخص شده قهرمان داستان طی خطاییه ای چنین اظهار نظر مینماید. هنوز خیلی کار داریم. هنوز چشمهای ما منتظر است و دستهایمان بسته هنوز در انتظار معجزه هستیم..... و هنوز مردی که باید این معجزه را محقق سازد پیدا نشده است..... ما بسیار داریم آدمهای استخواندار. شاهزاده‌ها و

قجرهای توانا.... ما دنبال کسی میگردیم که با هیچ دستگاه یا سیاستی پیوند نداشته باشد..... مردی که ما در انتظارش هستیم هنوز پیدا نشده است..... اما در هر حال اگر روزی پیدا شد و آن ایمانی را که ما سراغ داریم برای خدمت بوطنش در او بوجود آمده بود ما فوراً دست بکار خواهیم شد..... سپس در دنباله داستان در مقابل سوال زنی بنام حوریه که این معجزه کی و چه جور رخ خواهد داد قهرمان داستان اظهار مینماید که. نمیدانم چه جور. اما بهر حال این معجزه روی خواهد داد فقط آسمانها. خدا و مسیح و مریم خدا میدانند که این معجزه چطور اتفاق خواهد افتاد این امری است که بآینده مربوط است ولی بهر حال این معجزه روزی رخ خواهد داد شاید. بصورت یک انقلاب... و شاید بصورت یک کودتا ۳۹/۱۰/۱۳

(۱) بایستی روشن کنید نویسنده این مقاله کی است خیلی بوی چپی میدهد و اگر نویسنده معلوم شود مشخص خواهد شد (۲) با آقای مهندس والا شخصاً مذاکره کنید و عیناً این خلاصه را بایشان ارائه دهید قطعاً خواهد گفت اصلاً بی اطلاع بوده ولی باید موضوع خیلی جدی گرفته شود ۱۰/۱۴



مجموعه سند شماره ۱۳

تاریخ: ۳۹/۱۰/۱۸

سازمان محترم اطلاعات و امنیت کشور

محترماً بعرض میرساند:

در پیرامون داستان زنی بنام هوس

سوء تفاهمی از نظر اولیای محترم آن سازمان

پیش آمده است که چون رفع آن و تنویر خاطر

مبارک لازم و ضروری بنظر میرسد لذا

توضیحات زیر را بعرض میرساند:

در داستان مزبور که صرفاً بمنظور تجلیل از

خدمات قائد عظیم الشان ایران اعلیحضرت

فقید رضا شاه کبیر تحریر شده است و متأسفانه

بعلت اتمام جلد اول آن در شماره ۹۰۴ مختصر

سوء تفاهمی بوجود آمده بود در شماره ۹۰۵ با

تشریح کامل موضوع و تجلیل کافی از اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر موضوع روشن گردیده

است و اگر زلت و خطائی نیز در خلال سطور این دو شماره بچشم میخورد علت قصور قلم بوده

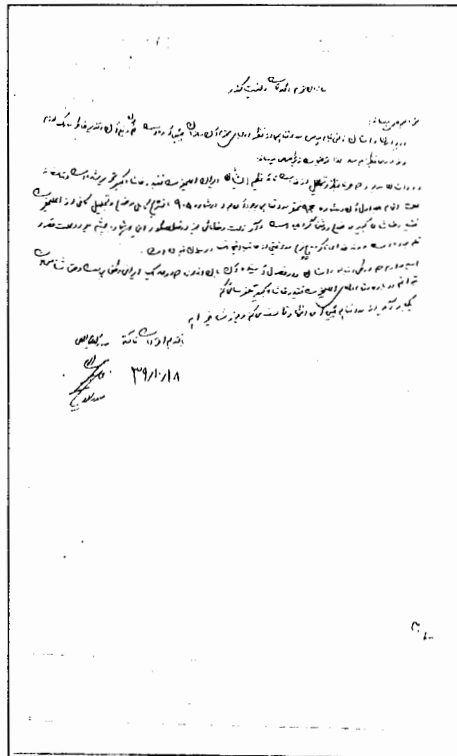
است ورنه خدای ناکرده هیچ نوع سوء نیتی از جانب اینجانب در میان نبوده است.

امیدوارم که در طی دنباله داستان و در فصول آینده آن بآن اندازه که در حدیک ایرانی وطن پرست

و حق شناس است بتوانم درباره مقام والای اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر قلمفرسائی کنم

یکبار دیگر از سوء تفاهم پیش آمده اظهار تأسف می‌کنم و پوزش می‌خواهم

با تقدیم احترامات فائقه صدرالدین الهی ۳۹/۱۰/۱۸



مجموعه سند شماره ۱۳

تاریخ: ۳۹/۱۰/۲۰

گزارش

آقای صدرالدین الهی (بنام مستعار

ارغنون) نویسنده داستان زنی بنام هوس در مجله تهران مصور احضار پس از تذکرات لازم دستور داده شد که در شماره‌های آینده از مقام اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر تجلیل فراوان نماید. نامبرده طی گزارشی توضیح داده است که داستان مزبور صرفاً بمنظور تجلیل از خدمات قائد عظیم‌الشان ایران اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر تحریر شده که متأسفانه بعثت اتمام جلد اول در شماره ۹۰۴ - منتهی سوء تفاهمی بوجود آمده که در شماره ۹۰۵ با

تشریح کامل موضوع و تجلیل کافی از اعلیحضرت فقید

اعلیحضرت فقید جریان روشن خواهد شد.

۳۹/۱۰/۲۰

بسیار خوب ۳۹/۱۰/۲۱

توضیحاً بعرض میرساند آقای مهندس والا فعلاً در

خلخال میباشد

برش شماره اخیر جمعه ۳۹/۱۰/۲۳ ضمیمه و بابگانی

شود ۳۹/۱۰/۲۱

کتابه	تاریخ
فرستنده	شماره
شماره	شماره پرونده کبره
پوست	شماره پرونده فرستنده

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
سازمان نظامی و تربیتی
شماره ۳۹/۱۰/۲۰

موضوع

گزارش

آقای صدرالدین الهی (بنام مستعار ارغنون) نویسنده داستان زنی بنام هوس در مجله تهران مصور احضار پس از تذکرات لازم دستور داده شد که در شماره‌های آینده از مقام اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر تجلیل فراوان نماید. نامبرده طی گزارشی توضیح داده است که داستان مزبور صرفاً بمنظور تجلیل از خدمات قائد عظیم‌الشان ایران اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر تحریر شده که متأسفانه بعثت اتمام جلد اول در شماره ۹۰۴ - منتهی سوء تفاهمی بوجود آمده که در شماره ۹۰۵ با تشریح کامل موضوع و تجلیل کافی از اعلیحضرت فقید

جریان روشن خواهد شد - ۳۹/۱۰/۲۰

توضیحاً بعرض میرساند آقای مهندس والا فعلاً در خلخال میباشد

برش شماره اخیر جمعه ۳۹/۱۰/۲۳ ضمیمه و بابگانی شود ۳۹/۱۰/۲۱

مجموعه سند شماره ۱۳

فرستنده: ۵/ج/۳ تاریخ: ۳۹/۱۱/۲

بعرض میرساند.

پیرو گزارش قبلی با تذکرات لازم که
بسر دبیر مجله تهران مصور و نویسنده داستان
(زنی بنام هوس) داده شد نویسنده داستان
آقای صدرالدین الهی مشی داستان را در
شماره ۲۳۰ تغییر داده و از اعلیحضرت رضا
شاه کبیر تجلیل فراوان نموده است.

برش عین داستان جهت استحضار به پیوست

تقدیم میگردد. تهیه کننده: شاهین

رئیس بخش: شاهین

۳۹/۱۱/۲ بایگانی شود ۳۹/۱۱/۳

کتابخانه	تاریخ
فرستنده	شماره
شماره پیوست	شماره پرونده گوننده
پیوست	شماره پرونده گوننده

موضوع: ...

بعرض میرساند .

پیرو گزارش قبلی با تذکرات لازم که سر دبیر مجله
تهران مصور و نویسنده داستان (زنی بنام هوس)
داده شد نویسنده داستان آقای صدرالدین الهی
مشی داستان را در شماره ۲۳۰ تغییر داده و از -
اطمحضرت رضاشاه کبیر تجلیل فراوان نموده است .
برترهین داستان جهت استحضار به پیوست تقدیم
میکرد .

تهیه کننده: شاهین
رئیس بخش: شاهین
۳۹/۱۱/۲
۳۹/۱۱/۳

۳۹۰۷۳۸
۲۱۲

سند شماره ۱۴

فرستنده: ۳۳۵ تاریخ: ۴۰/۹/۲۷

گزارش

بطوریکه مجله تهران مصور مورخه ۲۸ مهر ماه در صفحه پنجم خود نقل کرده است شعبه ۹ دادگاه جنحه مرکز بریاست آقای دکتر ناصر وثوقی کلیه نشریات و کتابهای مرحوم کسروی را برای پخش و فروش آزاد اعلام داشته و دادگاه نظر داده است که کتابهای کسروی علیه اسلام نیست.

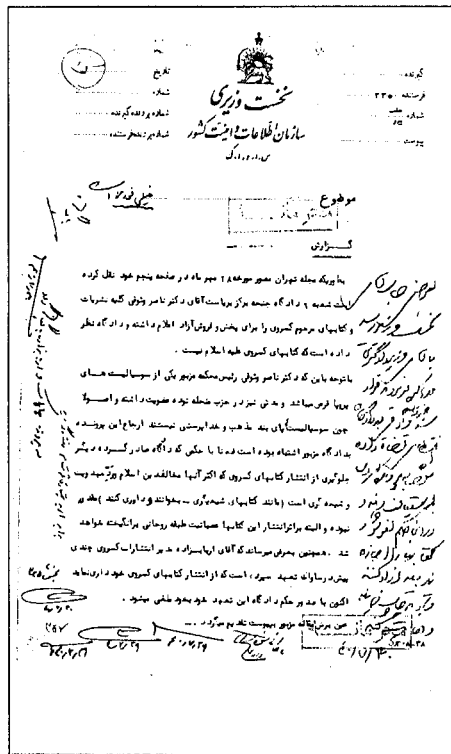
با توجه باین که دکتر ناصر وثوقی رئیس محکمه مزبور یکی از سوسیالیست‌های پروپا قرص میباشد و مدتی نیز در حزب منحلّه توده عضویت داشته و اصولاً چون سوسیالیست‌ها پای بند مذهب و خدایرستی نیستند ارجاع این

پرونده بدادگاه مزبور اشتباه بوده است ضمناً با حکمی که دادگاه صادر کرده دیگر جلوگیری از انتشار کتابهای کسروی که اکثر آنها مخالف دین اسلام و ردّ مهدویت و شیعه‌گری است (مانند کتابهای شیعیگری - بخوانند و داوری کنند) مقدور نبوده و البته بر اثر انتشار این کتابها عصبانیت طبقه روحانی برانگیخته خواهد شد. همچنین بعرض میرساند که آقای اربابزاده مدیر انتشارات کسروی چندین پیش در ساواک تعهد سپرده است که از انتشار کتابهای کسروی خودداری نماید اکنون با صدور حکم دادگاه این تعهد خودبخود ملغی میشود. عین برش مقاله مزبور پیوست تقدیم میگردد.

بعرض جناب آقای نخست وزیر رسید با آقای وزیر دادگستری مذاکره فرمودند قرار شد پرونده وثوقی به دادگاه انتظامی قضاة داده شود به پرونده کسروی استیناف دهند و در آنجا حکم لغو شود کتابها را اجازه ندهید آزاد کنند و

تجدید چاپ نمایند و فعالیت کنند ۴۰/۷/۳۰ بایگانی شود برابر امریه تیمسار قائم مقام رفتار گردید

در پرونده چاپاک و اربابزاده بایگانی گردد ۴۰/۷/۳۰ بایگانی بخش ۳۳۵ ۴۰/۷/۳۰



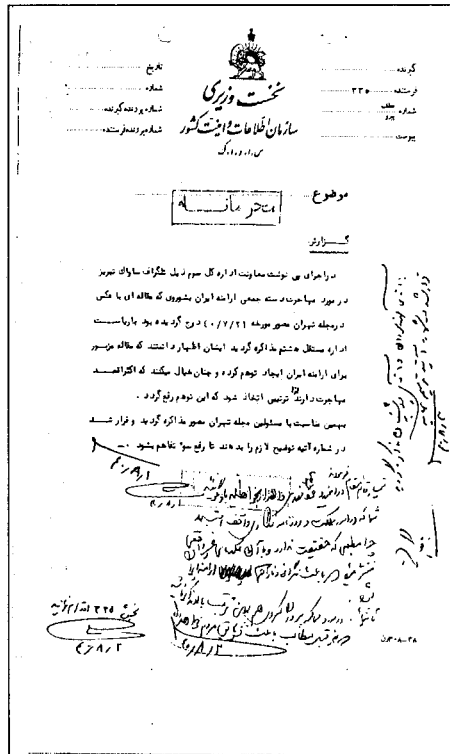
مجموعه سند شماره ۱۵

تاریخ: ۴۰/۸/۱

گزارش

در اجرای پی نوشت معاونت اداره کل سوم ذیل تلگراف ساواک تبریز در مورد مهاجرت دسته جمعی ارامنه ایران بشوروی که مقاله ای در مجله تهران هشتم مذکره گردید و چنان مهال میکند که اکثر افسد مهاجرت دارند ترخیص افتاد شود که این توهم رفع گردد. بهمن مناسبت با مسئولین مجله تهران مقرر شد و قرار شد در شماره آتیه توضیح لازم را بدهند تا رفع سوء تفاهم بشود.

بهمین مناسبت با مسئولین مجله تهران مصور



مذاکره گردید و قرار شد در شماره آتیه توضیح لازم را بدهند تا رفع سوء تفاهم بشود.

تیمسار قائم مقام فرمودند در اینمورد خود آقای مهندس والا را بنخواهید باو بگویند شما که در امور مملکت و روزنامه نگاری واقف هستید چرا مطلبی که حقیقت ندارد و با آن عکسهای غیر واقعی منتشر میشود که باعث نگرانی و نازاحتی ارامنه ایران بشود.

ثانیاً در مورد محاکمه پیروان کسروی هم بهمین ترتیب با او مذاکره نمایند که این قبیل مطالب باعث تشویق مردم

خواهد شد ۴۰/۸/۲ بخش ۳۳۵ اقدام نمایند ۴۰/۸/۲

با آقای مهندس والا و آقای روشیان مذاکره گردید قرار شد در شماره آتیه ترمیم نمایند ۴۰/۸/۳

سند شماره ۱۶

تاریخ: ۴۰/۹/۱۸

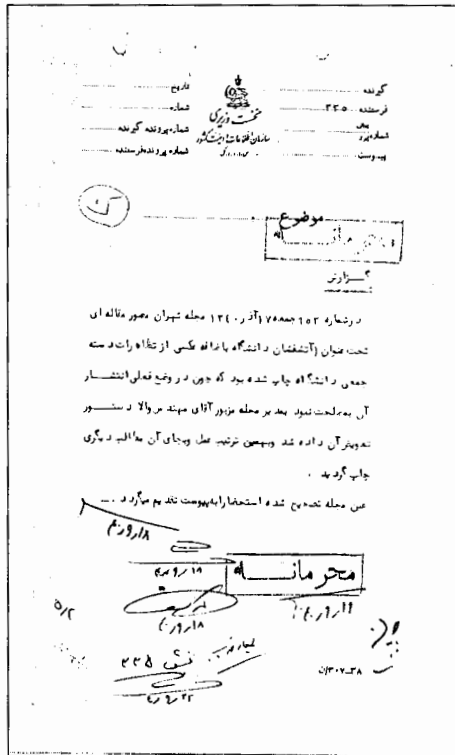
گزارش

در شماره ۹۵۳ جمعه ۱۷ آذر ۱۳۴۰ مجله تهران مصور مقاله‌ای تحت عنوان آتشفشان دانشگاه باضافه عکسی از تظاهرات دسته جمعی دانشگاه چاپ شده بود که چون در وضع فعلی انتشار آن بمصلحت نبود بمدير مجله مزبور آقای مهندس والا دستور تعویض آن داده شد و بهمین ترتیب عمل و بجای آن مطالب دیگری چاپ گردید.
عین مجله تصحیح شده استحضارا به پیوست تقدیم میگردد.

بسیار خوب ۴۰/۹/۱۸

بخش ۳۳۵

۴۰/۹/۲۲

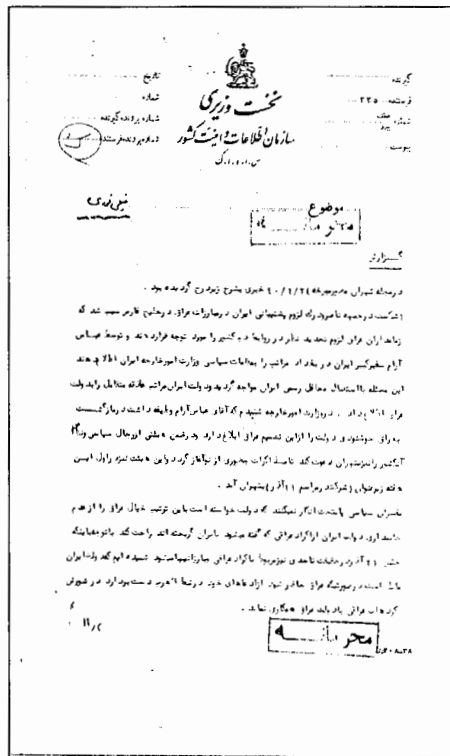


سند شماره ۱۷

تاریخ: ۴۰/۱۰/۶

گزارش

در مجله تهران مصور مورخه ۴۰/۹/۲۴ خبری بشرح زیر درج گردیده بود. (شکست در جبهه ناصر و درک لزوم پشتیبانی ایران در مبارزات عراق در خلیج فارس سبب شد که زمامداران عراق لزوم تجدید نظر در روابط دو کشور را مورد توجه قرار دهند و توسط عباس آرام سفیر کبیر ایران در بغداد مراتب را بمقامات سیاسی وزارت امور خارجه ایران اطلاع دهند این مسئله با استقبال محافل رسمی ایران مواجه گردید و دولت ایران مراتب علاقه متقابل را بدولت عراق اطلاع داد. در وزارت امور خارجه شنیدیم که آقای عباس



آرام وظیفه داشت در بازگشت بعراق خوشنودی دولت را از این تصمیم عراق ابلاغ دارد و در ضمن هیئتی از رجال سیاسی و نظامی آنکشور را نیز بتهران دعوت کند تا مذاکرات حضوری از نو آغاز گردد و این هیئت نیز در اول این هفته زیر عنوان (شرکت در مراسم ۲۱ آذر) بتهران آمد.

مفسران سیاسی پایتخت انکار نمیکنند که دولت خواسته است باین ترتیب خیال عراق را از عدم جانبداری دولت ایران از اکراد عراقی که گفته میشود بایران گریخته اند راحت کند با توجه باینکه جشن ۲۱ آذر در حقیقت تا حدی نیز مربوط باکراد عراقی و بارزانیها میشود شنیده ایم که دولت ایران مایل است در صورتیکه عراق حاضر شود از ادعاهای خود در شط العرب دست بردارد در شورش کردهای عراقی با دولت عراق همکاری نماید.

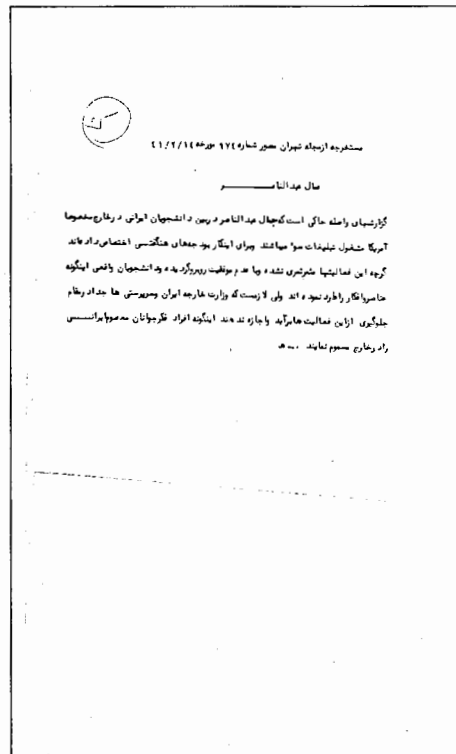
موضوع بعرض تیمسار معاونت دوم ساواک رسید پی نوشت فرمودند (فوری است - اداره کل سوم تذکر لازم بمسئولین مجله بدهید و مخصوصا بخواهید که (مفسران سیاسی پایتخت) را معرفی نمایند و معلوم شود این تفسیر آنان بر مبنای چیست؟ و توجه لازم برای رعایت مصالح کشور

سند شماره ۱۸

مستخرجه از مجله تهران مصور شماره ۹۷۴
مورخه ۴۱/۲/۱۴

عمال عبدالناصر

گزارشهای واصله حاکی است که
جمال [عمال] عبدالناصر در بین دانشجویان
ایرانی در خارج مخصوصاً آمریکا مشغول
تبلیغات سوء میباشند و برای اینکار
بودجه‌های هنگفتی اختصاص داده‌اند
گرچه این فعالیتها مثمر نمی‌نشده و با عدم
موفقیت روبرو گردیده و دانشجویان واقعی
اینگونه عناصر و افکار را طرد نموده‌اند ولی
لازمست که وزارت خارجه ایران و سرپرستی‌ها
جداً در مقام جلوگیری از این فعالیت‌های برآید
و اجازه ندهند اینگونه افراد فکر جوانان معصوم
ایرانی را در خارج مسموم نمایند.



سند شماره ۱۹

تاریخ: ۴۱/۳/۳

گزارش

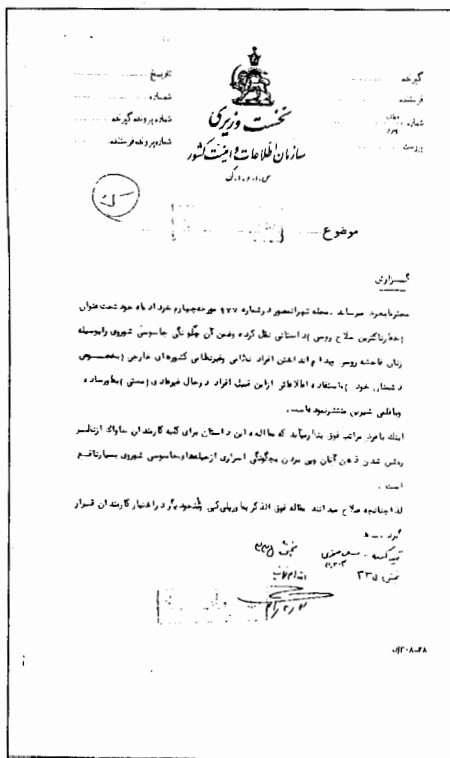
محترماً بعرض میرساند. مجله تهران مصور در شماره ۹۷۷ مورخه چهارم خرداد ماه خود تحت عنوان (خطرناکترین سلاح روسی) داستانی نقل کرده و ضمن آن چگونگی جاسوسی شوروی را بوسیله زنان فاحشه روسی و بدام انداختن افراد نظامی و غیر نظامی کشورهای خارجی (بخصوص دشمنان خود) و استفاده اطلاعاتی از این قبیل افراد در حال غیرعادی (مستی) بطور ساده و با قلمی شیرین منتشر نموده است.

اینک با عرض مراتب فوق بنظر میآید که مطالعه این داستان برای کلیه کارمندان ساواک از نظر روشن شدن ذهن آنان و پی بردن بچگونگی اسراری از حیل‌های جاسوسی شوروی بسیار نافع است. لذا چنانچه صلاح میدانند مقاله فوق‌الذکر بطور پللی‌کپی و یا بنحو دیگر در اختیار کارمندان قرار گیرد.

تهیه کننده - مسعود صفوی

بخش ۳۳۵

بخش ۳۳۵ اقدام نمایند ۴۱/۳/۳



سند شماره ۲۰

از: کشور دوبی تاریخ: ۴۲/۱/۷

شماره: ۲۳۲/۱۱۰۱۹

موضوع: مندرجات اهانت آمیز مجله

تهران مصور به اهل (تسنن)

مجله تهران مصور در شماره ۱۰۱۵/ خود

مطالب زنده‌ای بر علیه اهالی سنت و جماعت

نوشته و ایرانیان سنی مذهب دوبی که شدیداً

متعصب هستند برای اینکه روابط ایران را با

شیوخ این مناطق تیره نمایند عین مجله را به

شیوخ دوبی و شارجه نشان داده و شکایاتی از

مدیر این مجله بدربار شاهنشاهی ایران و

ریاست ساواک نموده‌اند. در بین دانش آموزان

شایع است که معلمین مصری ترجمه این مقاله

را برای رادیو صوت العرب فرستاده‌اند.

عین مقاله برش و ضمیمه ارائه گردد تا دستور دهم

۴۲/۱/۱۸

در شماره بعد (شماره عید) اول فروردین در قسمت زیر

ذره بین دو برادر در یک خانه تصحیح نمود. ۴۲/۲/۵

(شماره ب)

(شماره ا)

ک

مآذبان اطلاعات و امنیت کشور
س. ۱۰۱۰۱۹

گزارش اطلاعات خارجی

کتاب: ... شماره: ۲۳۲/۱۱۰۱۹ (س. ب.)
موضوع: ... (س. ب.)
ماده (مطلب): ...
تاریخ وصول خبر: ۱۳۲۶
تاریخ گزارش: ۱۳۲۶/۱/۷

تعداد نسخه: ۲

مجله تهران مصور در شماره ۱۰۱۵/ خود مطالب زنده‌ای بر علیه اهالی سنت و جماعت نوشته و ایرانیان سنی مذهب دوبی که شدیداً متعصب هستند برای اینکه روابط ایران را با شیوخ این مناطق تیره نمایند عین مجله را به شیوخ دوبی و شارجه نشان داده و شکایاتی از مدیر این مجله بدربار شاهنشاهی ایران و ریاست ساواک نموده‌اند. در بین دانش آموزان شایع است که معلمین مصری ترجمه این مقاله را برای رادیو صوت العرب فرستاده‌اند.

مرتبه اول فروردین ۱۳۲۶

۱۸/۱/۴۲

کریکین
اداره کل معتمد - اداره کل سوم

محرر مانده

۱۱۱۱-۲۷

سند شماره ۲۱

تاریخ: ۴۲/۱/۲۳

اخراج یک آلمانی

دو هفته قبل یک آلمانی مشکوک در رضائیه دستگیر و از ایران اخراج شد. این آلمانی ماجراجو پس از چند ماه اقامت در ایران بمناطق ممنوع مسافرت کرده و بدون کسب اجازه بقسمتهای مرزی نیز رفته بود! و چون این اعمال از نظر دولت ایران مشکوک آمد ویرا از کشور اخراج کردند.

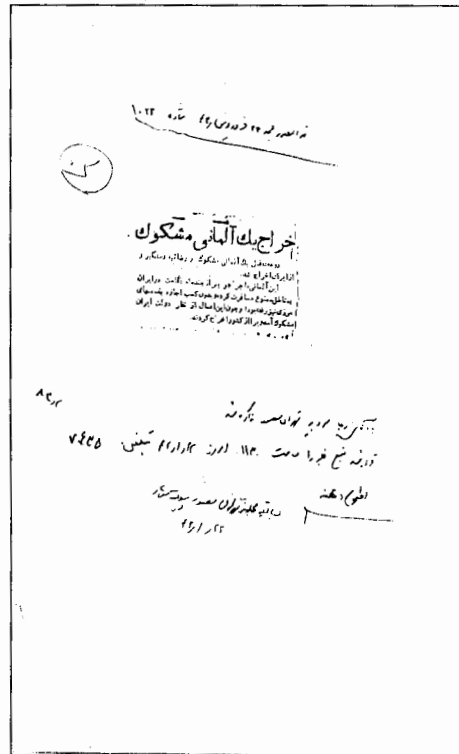
تهرانمصور جمعه ۲۳ فروردین ۴۲/ شماره ۱۰۲۳

با آقای رجا سردبیر تهران مصور مذاکره شد

قرار شد منبع خبر را ساعت ۱۱۳۰ امروز ۴۲/۱/۲۲ بتلفن

۷۰۴۳۵ اطلاع دهند

بسابقه مجله تهران مصور پیوست شود ۴۲/۱/۲۲

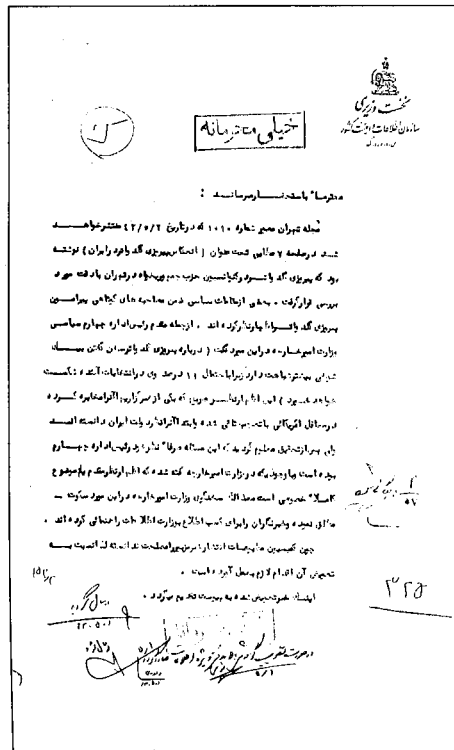


سند شماره ۲۲

تاریخ: ۴۳/۵/۱

محترماً باستحضار میرساند:

مجله تهران مصور شماره ۱۰۹۰ که در تاریخ ۴۳/۵/۲ منتشر خواهد شد در صفحه ۷ مطلبی تحت عنوان (انعکاس پیروزی گلد واتر در ایران) نوشته بود که پیروزی گلد واتر در کنوانسیون حزب جمهوریخواه در تهران با دقت مورد بررسی قرار گرفت. بعضی از مقامات سیاسی ضمن مصاحبه‌های کوتاهی پیرامون گلدواتر اظهار نظر کرده‌اند. از جمله مقدم رئیس اداره چهارم سیاسی وزارت امور خارجه در این مورد گفت (درباره پیروزی گلدواتر سخن گفتن بیک شوخی بیشتر



شبهات دارد زیرا با احتمال ۹۹ درصد وی در انتخابات آینده شکست خواهد خورد) این اظهار نظر صریح که یکی از خبرگزارها آنرا مخابره کرده در محافل امریکائی با تعجب تلقی شده و ابتدا آنرا نظر دولت ایران دانسته‌اند ولی پس از تحقیق معلوم گردید که این مسئله صرفاً نظر خود رئیس اداره چهارم بوده است و با وجودیکه در وزارت امور خارجه گفته شده که اظهار نظر مقدم یک موضوع کاملاً خصوصی است معذالک سخنگوی وزارت امور خارجه در این مورد سکوت مطلق نموده و خبرنگاران را برای کسب اطلاع بوزارت اطلاعات راهنمایی کرده‌اند. چون کمیسیون مطبوعات انتشار خبر مزبور را مصلحت ندانسته لذا نسبت به تعویض آن اقدام لازم بعمل آورده است.

اینک خبر تعویض شده به پیوست تقدیم میگردد.

ارسال گردید ۴۳/۵/۱

در صورت تصویب گزارش بالا بدفتر ویژه اطلاعات صادر گردد ۴۳/۵/۱. ارسال شود بایگانی شود ۵۷

سند شماره ۲۳

تاریخ: ۴۳/۷/۱

موضوع: گزارش

باستحضار عالی میرساند:

در اجرای امر قرار بود امروز صبح با جناب آقای آرام ملاقات و در مورد خبر مندرج در مجله تهران مصور شماره ۱۰۹۸ مورخ ۴۳/۶/۲۷ دایر بملاقات شاهنشاه خروشچف در قصبه فیروزه یا رامسر مذاکره و سپس از طریق وزارت اطلاعات تحقیق شود که آیا مخبر مجله یاد شده این خبر را از چه منبعی تحصیل و در تهران مصور منعکس نموده است.

ولی مقارن ساعت ۹/۵ سرکار سرهنگ

هاشمی مدیریت اداره کل هشتم تلفن نمودند که بدستور مقامات ساواک باین موضوع از طریق اداره کل هشتم رسیدگی خواهد گردید اینجانب از ملاقات با وزیر امور خارجه و طرح مطلب در کمیسیون بررسی جراید خودداری نمایم که بدین ترتیب نیز رفتار گردید.

دکتر مالک

۴۳/۷/۱

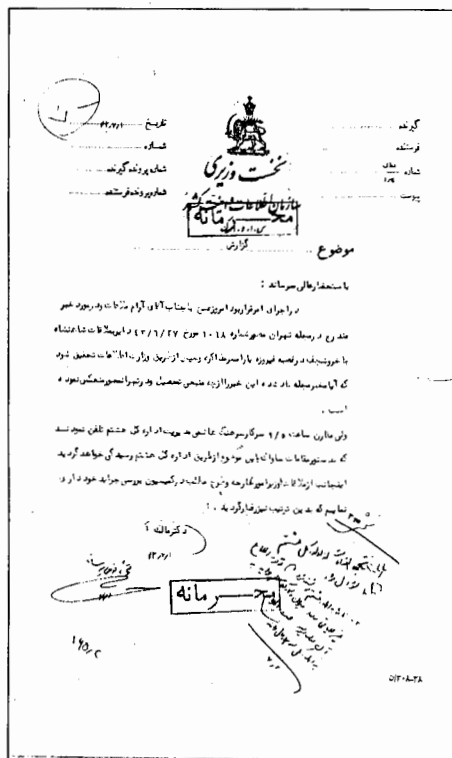
محترماً بعرض میرساند

بخش ۳۳۵

۱- نتیجه اقدامات از اداره کل هشتم سؤال شود

۲- نامه به اداره هشتم نوشته شود که هرگونه اطلاع غیر عملیاتی در مورد مدیران و کارکنان جراید به آن اداره میرسد

جهت اطلاع به اداره کل سوم ارسال دارند ۷/۲



سند شماره ۲۴

تاریخ: ۴۴/۵/۲

شماره: ۳۲۵/۲۴۱۴۹

موضوع: مطبوعات

سلسله مقالاتی که در روزنامه‌های اطلاعات و پیغام امروز و مجله تهران مصور و روزنامه هفتگی اتحاد ملی درباره سفر شاهنشاه به شوروی آغاز شد مورد توجه و دقت اداره مطبوعات شوروی قرار گرفته است.

در این هفته سائول چینگو مستشار سفارت شوروی که وابسته مطبوعاتی نیز می‌باشد به روزنامه پیغام امروز، مجله تهران مصور و روزنامه اتحاد ملی رفته و با مدیران آنها گفتگو

گزارش اطلاعات داخلی

شماره: ۴۴/۵/۲
تاریخ: ۲۲/۵/۴۴
موضوع: مطبوعات

موضوع: مطبوعات
محل: تهران
مدار: تهران
تاریخ ارسال: ۲۲/۵/۴۴
تاریخ دریافت: ۲۲/۵/۴۴

سلسله مقالاتی که در روزنامه‌های اطلاعات، پیغام امروز و مجله تهران مصور و روزنامه اتحاد ملی درباره سفر شاهنشاه به شوروی آغاز شد مورد توجه و دقت اداره مطبوعات شوروی قرار گرفته است.

در این هفته سائول چینگو مستشار سفارت شوروی که وابسته مطبوعاتی نیز می‌باشد به روزنامه پیغام امروز، مجله تهران مصور و روزنامه اتحاد ملی رفته و با مدیران آنها گفتگو

خوبی محبانه

دو جانبه نمود.

در ملاقاتی که با سائول چینگو روی داد و از نوشته‌های فرهاد مسعودی در روزنامه اطلاعات بسیار عصبانی بود و آن را مقالات اداره اطلاعات امریکا و نوشته‌های جراید و مجلات غربی که قبلاً منتشر شده دانست او میگفت در چندین مورد نوشته‌های فرهاد مسعودی قبلاً بنام جراید و مجلات غربی در جراید اطلاعات، تهران ژورنال تهران منتشر شده که عین آنها را با عین جراید فارسی در دست داریم حتی ما اطلاع داریم که فرهاد مسعودی قادر بنوشتن یک صفحه مقاله بزبان فارسی نیست و این مقالات را یکی از نویسندگان اطلاعات از روی پرونده‌های آرشیو روزنامه اطلاعات و یا توضیحات شفاهی فرهاد مسعودی مینویسد.

اطلاعاتی که از مسکو بما رسیده حاکیست که فرهاد مسعودی کمتر در تشریفات رسمی شرکت میکرده و بیشتر در فکر زن بازی - عیاشی و گذرانیدن اوقاتش در مغازه‌ها، کاباره‌ها و رستورانها میگذشته است.

کارکنان سفارت شوروی بر عکس از تفسیرهای سیاسی دکتر عبدالرسول عظیمی تمجید فراوان کرده و او را روزنامه نگار خوب و باارزشی میدانند. سائول چینگو میگوید همه مقالات او را بزبان روسی ترجمه کرده و بمسکو فرستاده‌ایم.

درباره مهندس عبدالله والا میگفت. برای ما محقق شد که تهرانمصور را او اداره نمیکند و از لحاظ روزنامه نگاری در ردیف نویسندگان درجه سوم است. نوشته‌های او بیشتر از روی اطلاعات منتشره در بولتنهای کتابچه‌های توریست‌ها و اوراق تبلیغاتی شوروی تهیه شده است. درباره نوشته‌های مدیر اتحاد ملی اظهار نظری نکرده و معتقدند که نوشته‌های او یکسال طول میکشند.

اصل در پرونده جراید مرکز $\frac{۳۹۰}{۳۹}$ بایگانی است

سند شماره ۲۵

تاریخ: ۴۵/۳/۱۰

شماره: ۴/۲۱۸۹ هـ

تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت
کشور (اداره کل سوم ۳۲۴)

بدینوسیله چهار برگ از مجله هفتگی تهران مورخه شماره ۱۱۸۵ مورخه ۴۵/۲/۳۰
تهران مصور شماره ۱۱۸۵ مورخه ۴۵/۲/۳۰
بپیوست ایفاد و با توجه به تیترا عنوان مقاله
(تعداد کردها از هشت میلیون نفر متجاوز است
و مرزهای چند کشور از آغوش مناطق
مسکونی آنها گذشته و آنها را تبعه پنج کشور
روسیه. ترکیه. عراق. سوریه و ایران کرده
است)

بنظر این سازمان درج اینگونه مقالات و اظهار
نظرهای ناشایسته و بیمورد دائر بر اینکه اکراد تبعه ایران میباشند صحیح نیست زیرا اکرادی که در
ایران زندگی و با مواهب این آب و خاک نشو و نما مینمایند جزئی از ملت ایران هستند.
علیهذا با اعلام مراتب فوق مقرر فرمایند بنحو مقتضی از نشر اینگونه مقالات که نویسندگان آن
با وضاع و احوال منطقه کردنشین آشنائی کافی ندارند جلوگیری فرمایند. ضمناً عکس کلیشه شده
تحت عنوان (سرهنگ طالبانی یکی از رهبران شورش عراق) متعلق به جعفر کریمی ساکن قریه قم
قلعه مهاباد میباشد که این امر نیز خود مؤید نظریه این سازمان است.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان آذربایجانغربی. صیادیان

در پرونده مجله هفتگی تهران مصور بایگانی شود ۴۵/۳/۱۸

آقایان بررسی کنندگان جرائد باین قبیل مسائل باید همیشه توجه فرمائید ۳/۱۷

قبلاً در این مورد گزارش عرضی تهیه شده است. اکیاتانی ۴۵/۳/۱۷

شماره: ۴/۲۱۸۹
تاریخ: ۴۵/۳/۱۰
پوست: دار
تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت (اداره کل سوم ۳۲۴)

سازمان اطلاعات و امنیت کشور
مخبر: [نام مشخص نشده]
موضوع: [نام مشخص نشده]

بدینوسیله چهار برگ از مجله هفتگی تهران مورخه شماره ۱۱۸۵ مورخه ۴۵/۲/۳۰
بپیوست ایفاد و با توجه به تیترا عنوان مقاله (تعداد کردها از هشت میلیون
نفر متجاوز است و مرزهای چند کشور از آغوش مناطق مسکونی آنها گذشته و آنها را
تبعه پنج کشور روسیه. ترکیه. عراق. سوریه و ایران کرده است)
بنظر این سازمان درج اینگونه مقالات و اظهار نظرهای ناشایسته و بیمورد و افسوس
برانگیز اکراد تبعه ایران میباشد صحیح نیست زیرا اکرادی که در ایران زندگی
و با مواهب این آب و خاک نشو و نما مینمایند جزئی از ملت ایران هستند.
علیهذا با اعلام مراتب فوق مقرر فرمایند بنحو مقتضی از نشر اینگونه مقالات که
نویسندگان آن با وضاع و احوال منطقه کردنشین آشنائی کافی ندارند جلوگیری
فرمائید. ضمناً عکس کلیشه شده تحت عنوان (سرهنگ طالبانی یکی از رهبران شورش
عراق) متعلق به جعفر کریمی ساکن قریه قم میباشد مهاباد میباشد که این امر نیز خود
مؤید نظریه این سازمان است.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان آذربایجانغربی. صیادیان

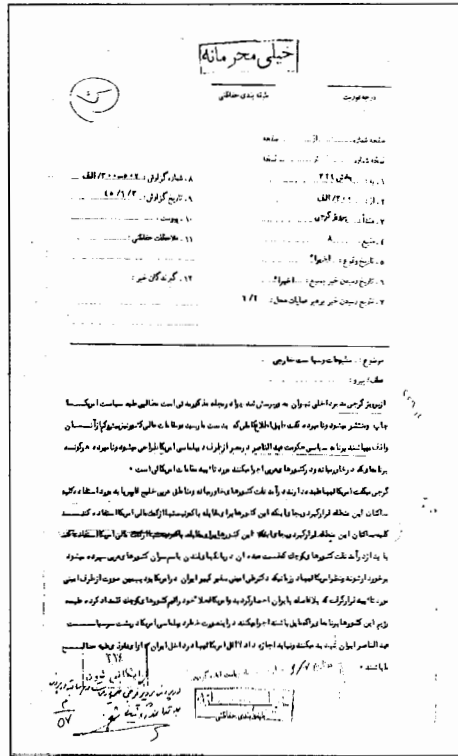
سند شماره ۲۶

به : بخش ۳۲۴ تاریخ : ۴۵/۶/۳

از : الف / شماره : ۵۰۷ - ۳۰۰ / الف

موضوع : مطبوعات و سیاست خارجی

از پرویز گرجی مدیر داخلی تهران مصور پرسش شد چرا در مجله مذکور مدتی است مطالبی علیه سیاست امریکا چاپ و منتشر میشود و نامبرده گفت طبق اطلاع کاملی که بدست ما رسیده و مقامات عالی کشور نیز بیش و کم از آنان واقف میباشند برنامه سیاسی حکومت عبدالناصر در مصر از طرف دیپلماسی امریکا طراحی میشود و نامبرده هرگونه برنامه‌ای که در خاورمیانه و در کشورهای عربی اجرا میکنند مورد تائید



مقامات امریکائی است. گرجی میگفت امریکائیا عقیده دارند درآمد نفت کشورهای خاورمیانه و مناطق عربی خلیج فارس باید مورد استفاده کلیه ساکنان این منطقه قرار گیرد و بجای اینکه این کشورها برای مقابله با کمونیستها از کمک مالی امریکا استفاده کنند باید از درآمد نفت کشورهای کوچک که قسمت عمده آن در بانکهای لندن با اسم سران کشورهای عربی سپرده میشود برخوردار شوند و نظر امریکائیا در زمانیکه دکتر علی امینی سفیر کبیر ایران در امریکا بود بهمین صورت از طرف امینی مورد تائید قرار گرفت و بلافاصله بایران احضار گردید و امریکا فعلاً خود را قیم کشورهای کوچک قلمداد کرده علیه رژیم این کشورها برنامه‌ای را که مایل باشند اجرا میکنند در اینصورت خطر دیپلماسی امریکا در پشت سر سیاست عبدالناصر ایران [را] تهدید میکنند و نباید اجازه داد لاقلاً امریکائیا در داخل ایران دارای نفوذی علیه مصالح ما باشند.

در پرونده پرویز گرجی ضمیمه در صورت عدم سابقه در پرونده مجله تهران مصور بایگانی شود. ۵۷

مجموعه سند شماره ۲۷

به: بخش ۳۲۴ تاریخ: ۴۵/۶/۲۲

از: ۳۰۰/الف شماره: ۵۸۲-۳۰۰/الف

موضوع: درج سلسله مقالاتی بنام

(ماساچوستی) در مجله تهرانمصور

پیرو: ۵۶۳-۳۰۰/الف

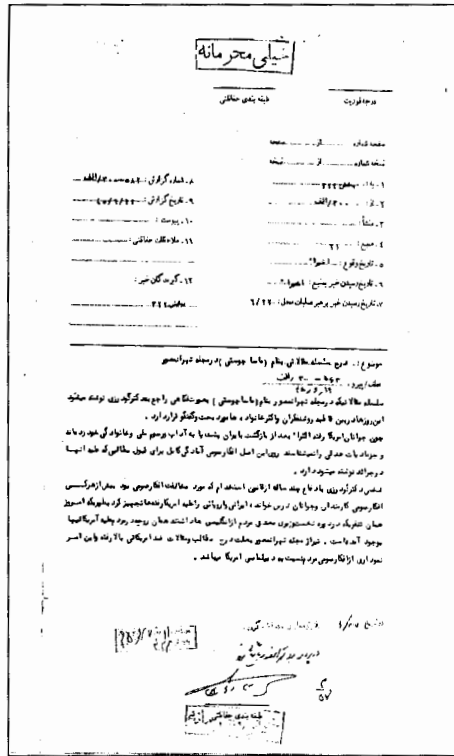
۴۵/۶/۱۹

سلسله مقالاتیکه در مجله تهرانمصور بنام (ماساچوستی) بصورت فکاهی راجع به دکتر گودرزی نوشته میشود این روزها در بین قاطبه روشنفکران و اکثر خانوادهها مورد بحث و گفتگو قرار دارد.

چون جوانان امریکا رفته اکثرأ بعد از بازگشت بایران پشت پا به آداب و رسوم ملی و خانوادگی خود زده‌اند و جز مادیات هدفی را نمی‌شناسند

روی این اصل افکار عمومی آمادگی کامل برای قبول مطالبی که علیه آنها در جرائد نوشته میشود دارد. شخص دکتر گودرزی با دفاع چند ساله از قانون استخدام که مورد مخالفت افکار عمومی بود بیش از هر کسی افکار عمومی کارمندان و جوانان درس خوانده ایرانی و اروپائی را علیه امریکا رفته‌ها تجهیز کرد بطوریکه امروز همان تنفریکه در دوره نخست وزیری مصدق مردم از انگلیسی‌ها داشتند همان روحیه در مردم علیه آمریکائیها بوجود آمده است. تیراژ مجله تهرانمصور بعلت درج مطالب و مقالات ضد آمریکائی بالا رفته و این امر نموداری از افکار عمومی مردم نسبت به دیپلماسی امریکا میباشد.

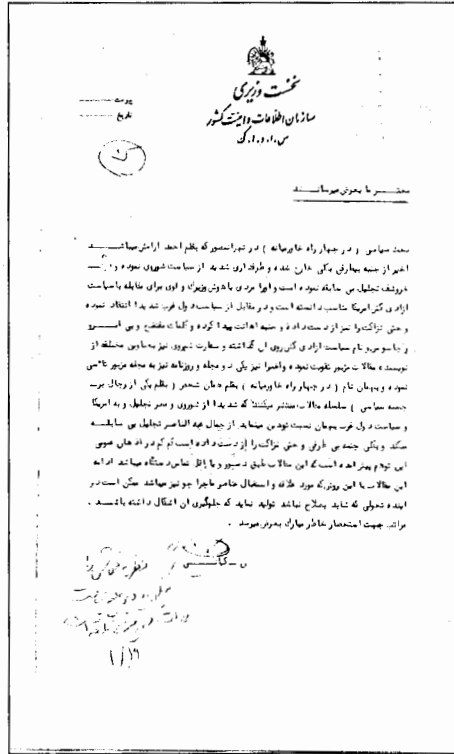
در پرونده مجله تهرانمصور بایگانی شود ۴۵/۷/۲۷



سند شماره ۲۸

محترماً بعرض میرساند

بحث سیاسی (در چهار راه خاورمیانه) در تهرانمصور که بقلم احمد آرامش میباشد اخیر از جنبه بیطرفی بکلی خارج شده و طرفداری شدید از سیاست شوروی نموده و از خروشچف تجلیل بی سابقه نموده است و او را مردی باهوش و زیرک و قوی برای مقابله با سیاست آزادی کش امریکا مناسب دانسته است و در مقابل از سیاست دول غرب شدیداً انتقاد نموده و حتی نزاکت را نیز از دست داده و جنبه اهانت پیدا کرده و کلمات مفتضح و بی آبرو و جاسوس و نام سیاست آزادی کش روی آن گذاشته و سفارت شوروی نیز بعنوان



مختلفه از نویسنده مقالات مزبور تقویت نموده و اخیراً نیز یکی دو مجله و روزنامه نیز به مجله مزبور تاسی نموده و بهمان نام (در چهار راه خاورمیانه) بقلم همان شخص (بقلم یکی از رجال برجسته سیاسی) سلسله مقالات منتشر میکنند که شدیداً از شوروی و مصر تجلیل و به امریکا و سیاست دول غرب بهمان نسبت توهین مینمایند از جمال عبدالناصر تجلیل بی سابقه میکند و بکلی جنبه بی طرفی و حتی نزاکت را از دست داده است کم کم در اذهان عمومی این توهم پیش آمده است که این مقالات طبق دستور و یا اقل تماس دستگاہ میباشد ادامه این مقالات با این روش که مورد علاقه و استقبال عناصر ماجراجو نیز میباشد ممکن است در آینده تحولی که شاید بصلاح نباشد تولید نماید که جلوگیری آن اشکال داشته باشد و مراتب جهت استحضار خاطر مبارک بعرض میرسد. ن- کیانی

نظریه خودش را میگوید و بر علیه سیاست دولت که چیزی نگفته است ۱/۱۹

سند شماره ۲۹

تاریخ: ۴۵/۶/۲۷

وابسته مطبوعاتی سفارت اتحاد جماهیر

شوروی

وابسته مزبور در تاریخ ۴۵/۶/۸ با رئیس

اداره اطلاعات و مطبوعات وزارت امور

خارجه ملاقات و اظهاراتی درباره مقاله

تهرانمصور شماره ۱۲۰۰ مورخ ۱۱ شهریور

ماه جاری و همچنین کتاب (یادداشتهای

پنکوفسکی) نموده و یادآور شده اکنون که در

اثر مساعی و کوششهای دولتین ایران و

شوروی مناسبات و روابط دو کشور بهبود

یافته و مرتباً کوشش میشود که هر چه بیشتر

روابط توسعه یابد درج و انتشار اینگونه

مطالب بنفع دو کشور نخواهد بود و این مطالب ساخته و پرداخته اداره جاسوسی ایالات متحده آمریکا میباشد.

وزارت خارجه مراتب را بوزارت اطلاعات منعکس و وزارتخانه اخیرالذکر بوزارتخارجه پاسخ

داده که در مورد مجله تهرانمصور اقدام گردید که از درج اینگونه مطالب خودداری نماید و در

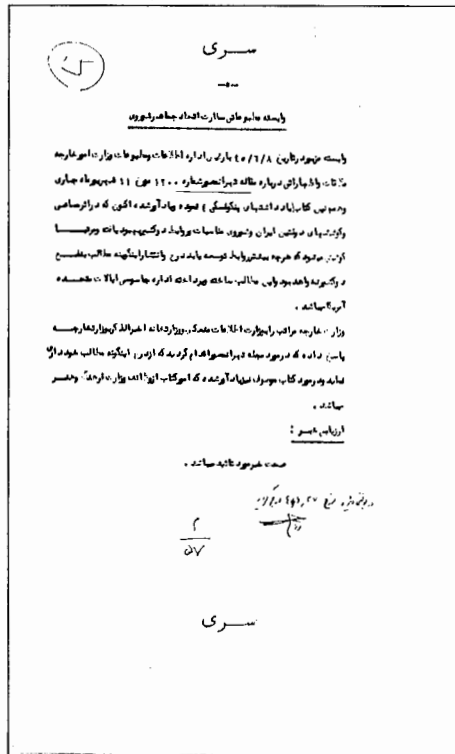
مورد کتاب موصوف نیز یادآور شده که امور کتاب از وظائف وزارت فرهنگ و هنر میباشد.

ارزیابی خبر:

صحت خبر مورد تأیید میباشد.

در بولتن ویژه مورخ ۴۵/۶/۲۷ درج گردید...

۴
۵۷



مجموعه سند شماره ۳۰

به : ۸۰۰
 تاریخ : ۴۶/۸/۱۱
 از : ۸۱۱ ب ۱
 شماره : ۳۱۴۴
 موضوع : چاپ جزوه

موسسه تهرانمصور در نظر دارد مقاله
 (عصر طلائی روابط ایران و شوروی) نوشته
 آقای اسمعیل رائین را که در دو شماره اخیر
 تهرانمصور بچاپ رسیده بود بصورت جزوه
 کوچکی منتشر نماید.

نظریه :

با وجودیکه مطالب این مقاله طوری تنظیم
 شده که بیشتر از ایران و پیشقدم شدن شاهنشاه
 آریامهر در ایجاد و روابط حسنه تعریف و

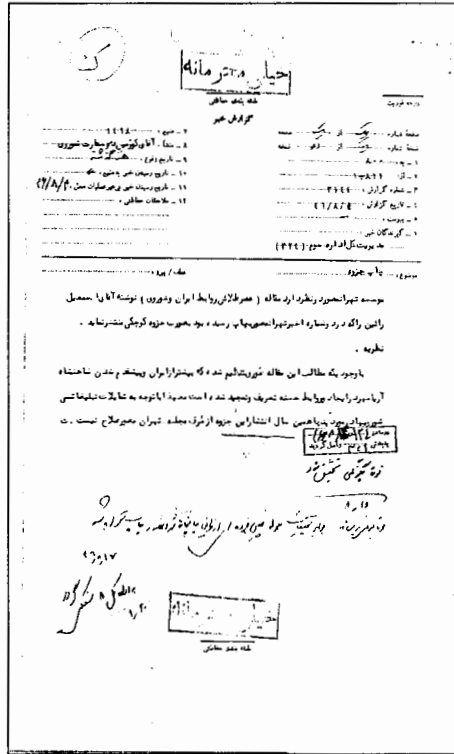
تمجید شده است معهدا با توجه به تمایلات تبلیغاتی شورویها در مورد پنجاهمین سال انتشار این
 جزوه از طرف مجله تهران مصور صلاح نیست.

فوراً چگونگی تحقیق شود ۸/۱۶

محترماً بعرض میرساند برابر تحقیقات معموله چنین جزوه‌ای از طریق چاپخانه تهرانمصور چاپ نخواهد شد

۴۶/۸/۱۷

به اداره کل ۸ منعکس گردد ۸/۲۰



مجموعه سند شماره ۳۰

از: اداره کل سوم تاریخ: ۴۶/۸/۲۲

به: مدیریت کل اداره هشتم شماره: ۳۲۴/۸۷۲۷

بازگشت بگزارش خبر شماره
 ۴۶/۸/۱۱ - ۲۰۸۱۱/۳۱۴۴ با تحقیقاتیکه
 در مورد مفاد گزارش معطوفی بعمل آمد
 جزوهای بنام "عصر طلایی روابط ایران و
 شوروی" از طرف موسسه تهران مصور منتشر
 نخواهد شد.

از طرف مدیر کل اداره سوم - مقدم ۸/۲۱

بررسی کننده دهقان ۴۶/۸/۲۱

رئیس بخش ۳۲۴ فردوس ۴۶/۸/۲۱

رئیس اداره دوم عملیات ۲۴۱۵/۶

خبر منتهی بانه

از: اداره کل سوم
 شماره: ...
 تاریخ: ...
 به: مدیریت کل اداره هشتم

بازگشت بگزارش خبر شماره ۴۶/۸/۱۱ - ۲۰۸۱۱/۳۱۴۴
 با تحقیقاتیکه در مورد مفاد گزارش معطوفی بعمل آمد جزوهای
 بنام "عصر طلایی روابط ایران و شوروی" از طرف موسسه تهران
 مصور منتشر نخواهد شد.

رئیس اداره دوم عملیات
 بررسی کننده دهقان ۴۶/۸/۲۱
 رئیس بخش ۳۲۴ فردوس ۴۶/۸/۲۱

۳۲۴/۸۷۲۷
 (۲۷۸) ۲۲

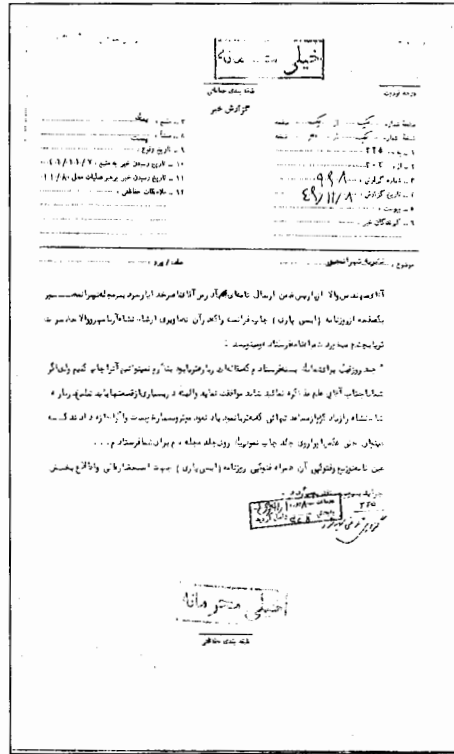
۲۴۱۵/۶

مجموعه سند شماره ۳۱

به: ۳۲۵ تاریخ: ۴۶/۱۱/۸

از: ۳۰۳ شماره: ۹۶۸

موضوع: نشریه تهرانمصور



آقای مهندس والا از پاریس ضمن ارسال نامه‌ای بآدرس آقای ناصر خدایار سردبیر مجله تهرانمصور یکصفحه از روزنامه (ایسی پاری) چاپ فرانسه را که در آن تصاویری از شاهنشاه آریامهر و الاحضرت ثریا بجشم میخورد همراه نامه فرستاده و مینویسد:

"چند روز قبل برای شما یک بسته فرستادم که مقاله‌ای درباره ثریا بود بنظرم نمیتوانیم آنرا چاپ کنیم ولی اگر شما با جناب آقای علم مذاکره نمائید شاید موافقت نماید و البته در

بسیاری از قسمتها باید تبلیغ درباره شاهنشاه را زیاد کرد و از مساعدتهائی که به ثریا نمود یاد نمود موثر و بسیار خوبست و اگر اجازه دادند که میتوان حتی عکس او را روی جلد چاپ نمود، یک روی جلد مجله هم برای شما فرستادم...
 عین نامه توزیع و فتوکپی آن همراه فتوکپی روزنامه (ایسی پاری) جهت استحضار عالی و اطلاع بخش جراید پیوست تقدیم میگردد.
 ۳۲۵ گزارش عرضی تهیه شود

مجموعه سند شماره ۳۱

از: بخش ۳۲۵ تاریخ: ۴۶/۱۱/۱۱

درباره: چاپ مقاله در مورد والا حضرت

ثریا در مجله تهران مصور

محترماً بعرض میرساند:

منظور: چاپ مقاله ارسالی از مهندس عبدالله

والا در مورد والا حضرت ثریا در مجله

تهران مصور

سابقه: مهندس عبدالله والا صاحب امتیاز

مجله تهران مصور ضمن (ارسال نامه‌ای از

پاریس جهت آقای ناصر خدایار سردبیر آن

مجله، یک صفحه از (روزنامه ایسی پاری)

چاپ فرانسه را که در آن تصاویری از

شاهنشاه آریامهر و والا حضرت ثریا بچشم

میخورد همراه نامه فرستاده و در آن مینویسد:

مقاله‌ای که درباره ثریا چند روز قبل فرستادم بنظرم نمی‌توانیم چاپ کنیم ولی اگر با آقای علم مذاکره کنید شاید ایشان با چاپ آن مقاله موافقت نمایند زیرا چاپ این مقاله مؤثر و بسیار خوب است و در آن از مساعدتهای شاهنشاه آریامهر به ثریا یاد شده است و افزوده است حتی اگر موافقت کردند عکس والا حضرت ثریا روی جلد مجله چاپ شود.

بررسی کننده زرگران

رئیس دایره احسنی

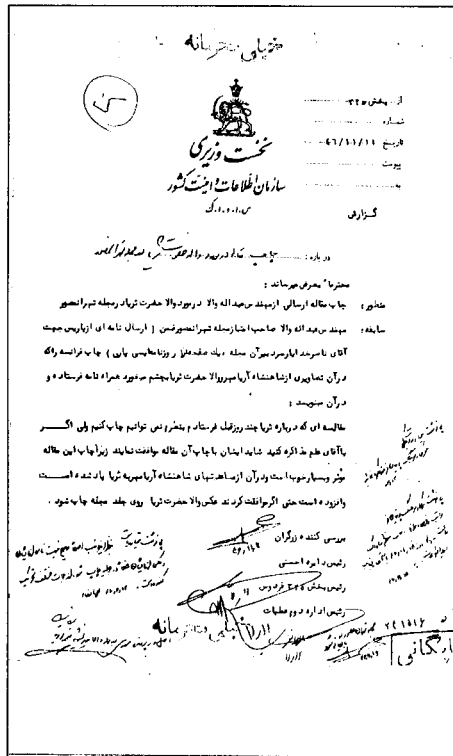
رئیس بخش ۳۲۵ فردوس

رئیس اداره دوم عملیات

پی نوشت تیمسار ریاست، بنظر اینجانب اصولاً صحیح نیست نامی از ایشان و عکسی از ایشان فعلاً در جراید چاپ

شود از جهات مختلف تحریک کننده است ۱۱/۱۲

پی نوشت تیمسار مدیریت کل، سرکار سرهنگ پرنیان فر مذاکره فرمایند ۱۱/۱۳



دائرة ۱، اصل در پرونده مهندس والا و رونوشت در پرونده مجله تهرانمصور ضمیمه شود. ضمناً مسئول بررسی توجه نماید چنین مطالبی درج نشود. ۱۱/۱۵

پی نوشت سرکار سرهنگ پرنیان فر، مراتب و فرموده تیمسار ریاست معظم ساواک ساعت ۱۰۰۰ روز ۴۶/۱۱/۱۵

باستحضار جناب آقای وزیر اطلاعات رسید پرنیانفر ۴۶/۱۱/۱۵

اصل در پرونده ^{الف}۳۳ مهندس عبدالله والا بایگانی شود ۴۶/۱۱/۱۶

در ۲۴۱۵۱۶ مجله تهران مصور بایگانی شود ۴۶/۱۱/۱۶

اصل در پرونده مهندس عبدالله والا مدیر نشریه ضمیمه گردیده است

همایونفر ۱۱/۱۲

سند شماره ۳۲

محترماً باستحضار میرساند مجله تهران مصور شماره ۹۷۸ در صفحه ۱۰ مطالبی تحت عنوان تغییرات در کاخ نخست وزیری درج نموده که فوق العاده زننده و اهانت آمیز میباشد.

آقای حسینی بررسی و نظریه اعلام دارند. ۴۱/۳/۱۰

آقای صفوی بررسی و نظریه اعلام دارند. ۴۱/۳/۱۰

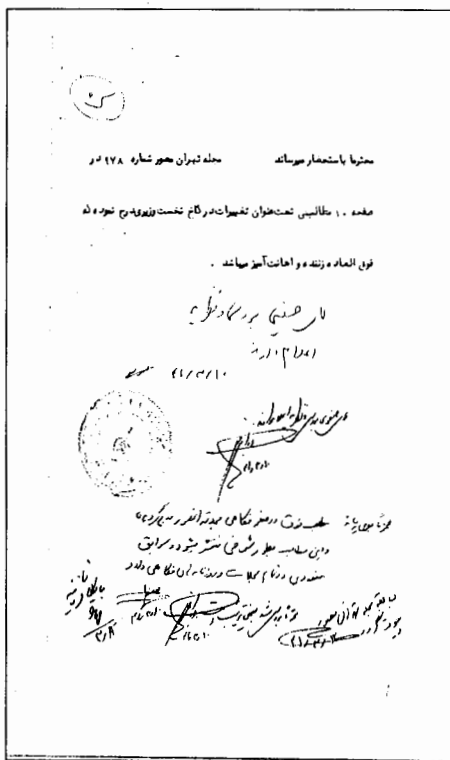
محترماً بعرض میرساند مطلب فوق در صفحه فکاهی مجله تهران مصور درج گردیده و این مطالب بطور شوخی منتشر میشود و سوابق متعددی در تمام مجلات

و روزنامه‌های فکاهی دارد صفوی ۴۱/۳/۱۰

محترماً بررسی شد بهمین ترتیب است. ۴۱/۳/۱۰

بسابقه مجله تهران مصور پیوست گردد ۴۱/۳/۱۲

بایگانی فرمابند ۳/۸



سند شماره ۳۳

گیرنده: مقامات ساواک بترتیب سلسله مراتب

فرستنده: ۳۲۵

گزارش

محترماً بااستحضار میرساند در ساعت ۱۲۰۰ مورخه ۴۲/۱۰/۲۱ آقای رجاء معاون سابق نخست وزیر و سردبیر مجله تهران مصور در کمیسیون مطبوعات اداره کل انتشارات و رادیو حاضر و از کمیسیون درخواست نمود که در بررسی مطالب تهران مصور تا حدی ارفاق بعمل آید زیرا در نتیجه دستوری که کمیسیون مطبوعات بمنظور جدا کردن صفحات تهران مصور هفته قبل که درباره بنادر جنوب مطالبی نوشته شده مقادیر زیادی خسارت بآن

تاریخ	گیرنده: مقامات ساواک بترتیب سلسله مراتب
شماره	فرستنده: ۳۲۵
شماره پرونده	شماره حلقه
شماره دفتر	پوست
سازمان اطلاعات و ارتباطات کشور	
محرمانه	
موضوع	
گزارش	
<p>محترماً بااستحضار میرساند در ساعت ۱۲۰۰ مورخه ۴۲/۱۰/۲۱ آقای رجاء معاون سابق نخست وزیر و سردبیر مجله تهران مصور و کمیسیون مطبوعات اداره کل انتشارات و رادیو حضور و درخواست نمود که در بررسی مطالب تهران مصور تا حدی ارفاق بعمل آید زیرا در نتیجه دستوری که کمیسیون مطبوعات بمنظور جدا کردن صفحات تهران مصور هفته قبل که درباره بنادر جنوب نوشته شده مقادیر زیادی خسارت بآن وارد آمد است وی افزود مجله تهران مصور که از مجلات قدیمی است و همواره در پشتیبانی اقدامات سیاست دولت کوشا بوده و دارای ۴۰۰۰ نفر است که از طرف دولت و وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرف است و در جریان امر چشم پوشی نمود و شایسته است که مانند سایر مجلات نیز ارفاق و تسهیلات در مورد مطالب تهران مصور قائل شوند تا به جهت تسهیلاتی در کار این مجله ایجاد نماید.</p>	
تهیه کننده	چشم بخش حسینی
تعمیر اداره	رئیس اداره
مدیر کل اداره	مدیر کل اداره سوم
معاون ساواک	معاون ساواک
محرمانه	
OFF-A-FA	

موسسه وارد آمده است و وی افزود مجله تهران مصور که از مجلات قدیمی است و همواره در پشتیبانی از اقدامات و سیاست دولت کوشا بوده جا دارد که اگر گاهی نکته ای مینویسد که از نظر دستگاه قابل اغماض است از طرف مسئولان امر چشم پوشی شود و شایسته است که مانند خواندنیها و توفیق که مطالب تند و انتقادی مینویسند یک چنین امتیازی هم برای مجله تهران مصور قائل شوند نامبرده قصد داشته است در اینمورد با آقای معینیان مذاکره کند تا شاید از این جهت تسهیلاتی در کار این مجله ایجاد نماید.

تهیه کننده - رئیس بخش حسینی ۱۰/۲۲ ... رئیس اداره دوم عملیات ۱۰/۲۲

مدیر کل اداره سوم - معاون ساواک ۱۰/۲۴ تهران مصور - بایگانی شود.....

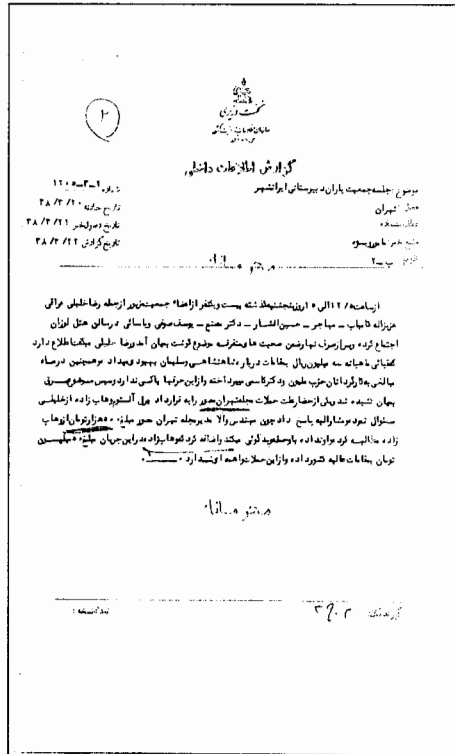
سند شماره ۳۴

تاریخ: ۳۸/۳/۲۲

شماره: ۲-۳-۱۲۰۵

موضوع: جلسه جمعیت یاران دبیرستانی

ایران شهر



از ساعت ۱۲/۵ الی ۱۵ روز پنجشنبه

گذشته بیست و یک نفر از اعضاء جمعیت مزبور

از جمله رضا خلیلی عراقی - عزیزاله کامیاب -

مهاجر - حسین افشار - دکتر مصنع - یوسف

صوفی و یاسائی در سالن هتل لوزان اجتماع

کرده و پس از صرف نهار ضمن صحبت های

متفرقه موضوع گوشت بمیان آمد و رضا

خلیلی میگفت اطلاع دارد که قبائی ماهیانه سه

میلیون ریال بمقامات دربار شاهنشاهی و

سلیمان یهودی میداده و همچنین در ماه مبالغی به کارگردانان حزب ملیون و دکتر کاسمی

میرداخته و از این حرفها باکی ندارد و سپس موضوع برق بمیان کشیده شد و یکی از حضار علت

حملات مجله تهران مصور را به قرارداد برق آلتوم و هاب زاده از خلیلی سؤال نموده و مشارالیه

پاسخ داد چون مهندس والا مدیر مجله تهران مصور مبلغ ۵۰۰ هزار تومان از هاب زاده مطالبه

کرده و او نداده باو حمله و بدگوئی میکند و اضافه کرد که هاب زاده در این جریان مبلغ ۵۰ میلیون

تومان بمقامات عالیله کشور داده و از این حملات واهمه ای ندارد.

مجموعه سند شماره ۳۵

تاریخ: ۳۹/۱/۲۸

ریاست محترم سازمان اطلاعات و امنیت
 محترما با استحضار میرساند در شماره
 ۸۶۷ مجله تهران مصور شرحی بسیار زنده و
 توهین آمیز و غرض آلود نسبت باینجناب درج
 گردیده بود و بنده هم همان روز انتشار به آقای
 دکتر والا مراجعه و علت درج چنین موضوعی
 را که نوشته بودند سوال نمودم آقای دکتر والا
 در جواب گفتند اولاً باید بگویم که من بدلیل ملاحظه
 دوستی آقای حسن عرب این موضوع را نوشته ام و ثانیاً بعلت اینکه شما با همکاران کرده و هنرپیشه ها
 تاتر نامیده حید بنده در جواب گفتم اولاً من با حسن عرب دشمنی ندارم و ثانیاً آقای دکتر والا بدست گسه
 باین مخالفت مینماید و ضمناً راجع به توهین هم از ما ننویسد گرفته اند که نظر را به کاره کارکنند و سزا
 نیز نایستد ام مانند بعضی ارگانها و هائی دیگر دستورا ننویسند و این را داده به بگویم حال آنکه تمام دستورا
 است با حسن عرب در این مورد اقدام نموده و مسئولان کتک میزنند و مینماید و مظلوم که مرجع دیگران را ندارد باین
 موضوع بذل توجه فرماید.

ریاست محترم سازمان اطلاعات و امنیت

مکتب گاه
 و ظلال کسری ساهی
 نمایان ماهرفه نیمه شبان بهار
 ظن ۱۱۰۰۰
 ۳۹/۱/۲۸

با تقدیم احترامات فائقه
 اکتا و آجوری

دکتر والا
 ۳۹/۱/۲۸

دشمنی ندارم و این خود آقای عرب است که با من مخالفت مینماید و ضمناً راجع به توهین هم از
 ما تعهد گرفته اند که فقط در این کاباره کار کنند و ما نمیتوانستیم مانند بعضی از کاباره های دیگر
 دستورات و قوانین را نادیده بگیریم حال از آن مقام محترم استدعا مینمایم در این مورد اقدام
 فرموده و بعنوان کمک بیک فرد بی پناه و مظلوم که مرجع دیگری را ندارد باین موضوع بذل توجه
 فرمایند.

با تقدیم احترامات فائقه

اکتا و آجوری

رونوشت برابر اصل است

مجموعه سند شماره ۳۵

محترماً بعرض میرساند.

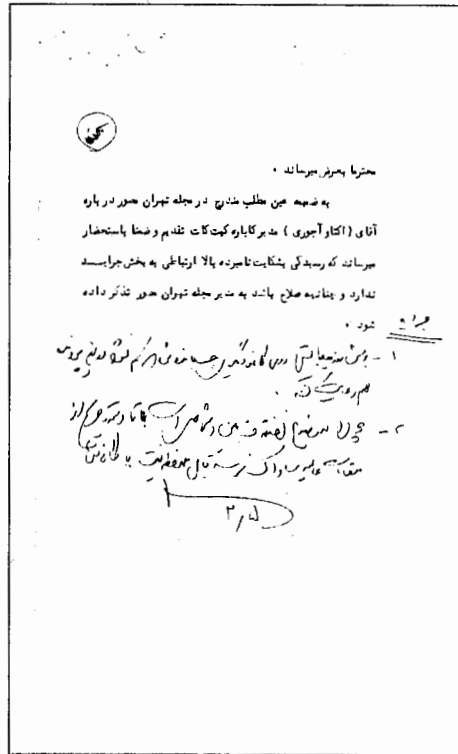
به ضمیمه عین مطلب مندرج در مجله تهران مصور درباره آقای (اکتاو آجوری) مدیر کاباره کیت کات تقدیم و ضمناً باستحضار میرساند که رسیدگی بشکایت نامبرده بالا ارتباطی به بخش جرایم ندارد و بنابراین صلاح باشد به مدیر مجله تهران مصور تذکر داده شود.

جراید ۱- برش روز میبایستی روی کاغذ دیگری چسبانده شود که گم نشود در این پرونده هم رعایت کنید.

۲- چون موضوع اختلاف بین اشخاص است تا دستور صریح از مقامات عالیه ساواک نرسد قابل ملاحظه

نیست بایگانی شود

۲/۵



مجموعه سند شماره ۳۵

یادداشت اداری
ریاست اداره سوم

بدینوسیله رونوشت نامه آقای اکتاو
آجوری یکی از شرکاء کاباره کیت کات را
جهت اطلاع و اقدام لازم به پیوست ارسال
میدارد.

دکتر فروزین ۳۹/۱/۲۸

جرايد

آقای صفوی موضوع چیست؟ ۳۹/۱/۳۰

تاریخ	کیرنده
شماره	فرستنده
شماره پرونده کیرنده	عطف
شماره پرونده فرستنده	شماره پیوست

موضوع: مختصر مائنه

یادداشت اداری
ریاست اداره سوم
بدینوسیله رونوشت نامه آقای اکتاو آجوری یکی از شرکاء
کاباره کیت کات را جهت اطلاع و اقدام لازم به پیوست ارسال
میدارد.
دکتر فروزین ۳۹/۱/۲۸

۳۹/۱/۳۰
دکتر صفوی

سند شماره ۳۶

تاریخ: ۲۷/۱۱/۳۹

شماره: ۲-۳-۵۷۴۴

موضوع: انتخابات مجلس شورایی

دوستان و آشنایان مهندس عبدالله والا
 نماینده خلخال اظهار میدارند جمع کسانی که
 در خلخال بنفع عبدالله والا رای داده‌اند از
 یکصد نفر تجاوز نمی‌کردند که هر یک سه الی
 چهار بار با تغییر نام رای داده‌اند و اکثر آرائی
 هم که بصندوقها ریخته شده بخط هر مز شیانی
 داماد مهندس والا بوده و مهندس والا مبلغ
 پنجاه هزار تومان به فضل‌اله سلجوقی مدیر
 روزنامه صدای ملیون و بسیج خلخال
 کاندیداهای خلخال پرداخته تا کنار بروند و

مبلغ پنجاه هزار تومان نیز خرج متفرقه داشته و صد هزار تومان هم بفرماندار محل و دویست هزار
 تومان نیز به تیمسار علوی مقدم و مشارالیه نزد اعلیحضرت همایون شاهنشاه که با انتخاب او از
 خلخال نظر موافق نداشته‌اند شفاعت و وساطت نموده است.

در پرونده مهندس عبدالله والا بایگانی شود. کامیاب ۳۹/۱۲/۹

گزارش اطلاعات داخلی

شماره: ۳-۳-۵۷۴۴
 تاریخ: ۲۷/۱۱/۳۹
 تاریخ وصول: ۲۹/۱۱/۳۹
 تاریخ گزارش: ۲۸/۱۱/۳۹

موضوع: انتخابات مجلس شورایی
 محل: خلخال
 تاریخ: ۲۷/۱۱/۳۹
 شماره: ۳-۳-۵۷۴۴

انتخاب

دوستان و آشنایان مهندس عبدالله والا بنده و مفضل اظهار می‌دارند جمع کسانی که
 در خلخال بنفع مهندس والا رای داده‌اند از یکصد نفر تجاوز نمی‌کردند که هر یک سه
 الی چهار بار با تغییر نام رای داده‌اند و اکثر آرائی هم که بصندوقها ریخته شده
 بخط هر مز شیانی داماد مهندس والا بوده و مهندس والا مبلغ پنجاه هزار تومان
 به فضل‌اله سلجوقی مدیر روزنامه صدای ملیون و بسیج خلخال کاندیداهای خلخال
 پرداخته تا کنار بروند و مهندس والا مبلغ پنجاه هزار تومان به فضل‌اله سلجوقی
 مدیر روزنامه صدای ملیون و بسیج خلخال کاندیداهای خلخال پرداخته تا کنار بروند و
 مبلغ پنجاه هزار تومان نیز خرج متفرقه داشته و صد هزار تومان هم بفرماندار محل و
 دویست هزار تومان نیز به تیمسار علوی مقدم و مشارالیه نزد اعلیحضرت همایون
 شاهنشاه که با انتخاب او از خلخال نظر موافق نداشته‌اند شفاعت و وساطت
 نموده است.

مدیر روزنامه صدای ملیون و بسیج خلخال
 فضل‌اله سلجوقی

سند شماره ۳۷

تاریخ: ۴۲/۸/۱۲

شماره: ۳۲۱/۳۳۳

موضوع: اظهارات مهندس والا

آقای مهندس والا نماینده مجلس شورای ملی اظهار داشته است که سازمان اطلاعات و امنیت او و آقای گودرزی را احضار کرده و از آن دو نفر تعهد گرفته است که در مجلس با اعتبار نامه و کلا مخالفت نکنند. سپس افزوده در این مجلس هیچکس جرأت اظهار عقیده و صحبت کردن هم ندارد.

در پرونده مهندس عبدالله والا بکلاسه

الف با یگانی شود
۴۲

گزارش اطلاعات داخلی

شماره: ۴۳۰/۴۲	تاریخ: ۴۲/۸/۱۲	موضوع: اظهارات مهندس والا
تاریخ: ۴۲/۸/۱۲	تاریخ: ۴۲/۸/۱۲	تاریخ: ۴۲/۸/۱۲

۱- مهندس والا نماینده مجلس شورای ملی اظهار داشته است که سازمان اطلاعات و امنیت این کشور روزها احضار کرده و از آن دو نفر تعهد گرفته است که در مجلس با اعتبار نامه و کلا مخالفت نکنند. سپس افزوده در این مجلس هیچکس جرأت اظهار عقیده و صحبت کردن هم ندارد.

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

۱۰

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶

۱۷

۱۸

۱۹

۲۰

۲۱

۲۲

۲۳

۲۴

۲۵

۲۶

۲۷

۲۸

۲۹

۳۰

۳۱

۳۲

۳۳

۳۴

۳۵

۳۶

۳۷

۳۸

۳۹

۴۰

۴۱

۴۲

۴۳

۴۴

۴۵

۴۶

۴۷

۴۸

۴۹

۵۰

۵۱

۵۲

۵۳

۵۴

۵۵

۵۶

۵۷

۵۸

۵۹

۶۰

۶۱

۶۲

۶۳

۶۴

۶۵

۶۶

۶۷

۶۸

۶۹

۷۰

۷۱

۷۲

۷۳

۷۴

۷۵

۷۶

۷۷

۷۸

۷۹

۸۰

۸۱

۸۲

۸۳

۸۴

۸۵

۸۶

۸۷

۸۸

۸۹

۹۰

۹۱

۹۲

۹۳

۹۴

۹۵

۹۶

۹۷

۹۸

۹۹

۱۰۰

سند شماره ۳۸

تاریخ: ۲۸/۱۰/۴۲

شماره: ۷۸۷/۳۲۲

موضوع: مجله تهران مصور

در شماره گذشته مجله تهران مصور تحت عنوان (معمای نفیسی) مقاله‌ای در دفاع از مهندس نفیسی شهردار سابق تهران درج شده که بین کارمندان صحیح‌العمل شهرداری و طبقات مختلف انعکاس فوق‌العاده نامطلوبی داشته و عقیده دارند دست‌هایی برای تبریئه نفیسی بکار افتاده است و دولت نباید اجازه دهد روزنامه‌ها و مجلات برخلاف حقیقت و بلکه صرفاً روی تباری و زدوبند نسبت باشخصیکه از طرف وزارت دادگستری

بموجب دلایل روشن بازداشت گردیده‌اند چنین مطالبی جهت منحرف ساختن افکار عمومی بنویسند.
بخش ۳۲۵ ۱۰/۲۹
بسابقه پیوست شود... ۳۲۲/۱۰/۳۰
ببایگانی شود... ۵۷

گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: مجله تهران مصور
محل: تهران
تاریخ: ۲۲/۷/۴۷
تاریخ وصول: ۲۲/۱۰/۴۲
تاریخ گزارش: ۲۴/۱۰/۴۲

محرمانه

در شماره گذشته مجله تهران مصور تحت عنوان (معمای نفیسی) مقاله‌ای در دفاع از مهندس نفیسی شهردار سابق تهران درج شده که بین کارمندان صحیح‌العمل شهرداری و طبقات مختلف انعکاس فوق‌العاده نامطلوبی داشته و عقیده دارند دست‌هایی برای تبریئه نفیسی بکار افتاده است و دولت نباید اجازه دهد روزنامه‌ها و مجلات برخلاف حقیقت و بلکه صرفاً روی تباری و زدوبند نسبت باشخصیکه از طرف وزارت دادگستری بنویسند...
محرمانه
۱۰/۲۹
۵۷
تعداد نسخه:
کتابخانه وزارت دادگستری ۲۵ و وزارت خارجه ۲۰

سند شماره ۳۹

تاریخ: ۴۳/۶/۱۹

شماره: ۳۲۶/۱۶۸۸

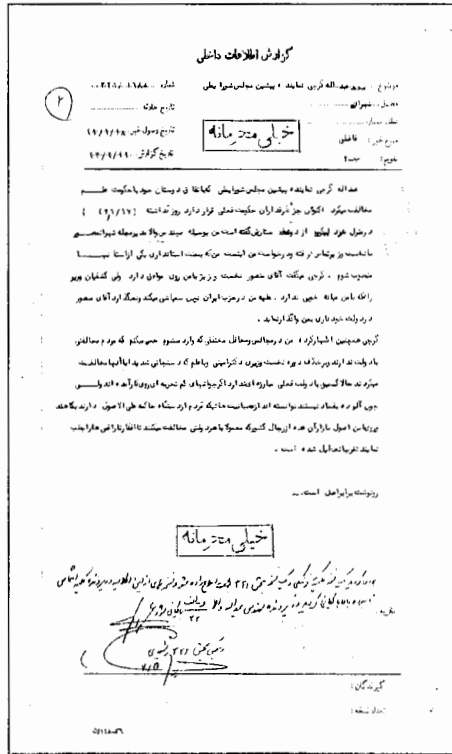
موضوع: محمد عبدالله گرجی نماینده

پیشین مجلس شورای ملی

عبدالله گرجی نماینده پیشین مجلس شورای ملی که باتفاق دوستان خود با حکومت علم مخالفت میکرد اکنون جزء طرفداران حکومت فعلی قرار دارد روز گذشته (۴۳/۶/۱۷) در منزل خود به یکی از دوستانش گفته است من بوسیله مهندس والا مدیر مجله تهرانمصور با نخست وزیر تماس گرفته و درخواست من اینست که من بسمت استانداری یکی از استانها منصوب شوم. گرجی میگفت آقای منصور نخست وزیر با من

روی موافق دارد ولی کشفیان وزیر راه که با من میانه خوبی ندارد، علیه من در حزب ایران نوین سمپاشی میکند و نمیگذارد آقای منصور در دولت خود کاری بمن واگذار نماید. گرجی همچنین اظهار کرده من در مجالس و محافل مختلفی که وارد میشوم حس میکنم که مردم مخالفتی با دولت ندارند و برخلاف دوره نخست وزیری دکتر امینی و یا علم که دستجاتی شدیداً با آنها مخالفت میکردند حالا کسی با دولت فعلی مبارزه‌ای ندارد اگر جوانهای کم تجربه‌ای روی کار آمده‌اند ولی چون آلوده فساد نیستند توانسته‌اند از عصبانیت هائیکه مردم از دستگاه حاکمه علی‌الاصول دارند بکاهند و روی این اصول بازار آن عده از رجال کشور که معمولاً با هر دولتی مخالفت میکنند تا افکار ناراضی‌ها را جلب نمایند تقریباً تعطیل شده است. رونوشت برابر اصل است.

بررسی گردید یک نسخه بکمیته فرهنگی و یک نسخه بیخش ۳۲۱ جهت اطلاع داده شد و نسخه‌های از این اطلاعیه در پرونده کلیه اشخاص نامبرده بالا بایگانی گردید در پرونده مهندس عبدالله والا ^{۳۲۲} الفید بایگانی شود... رئیس بخش ۳۲۲ رشیدی



سند شماره ۴۰

تاریخ: ۴۴/۴/۱۲

آقای مخبر بازرسی دادسرای دیوان کیفر که مشغول رسیدگی به پرونده‌های سوءاستفاده‌های شهرداری است در منزل آقای دکتر باهری اظهار میداشت من دلایل بسیاری در دست دارم که ثابت میکند کسانی که در مجلس و مطبوعات از نفیسی و موسوی طرفداری میکنند هنوز هم از موسوی مستمری ماهانه را دریافت مینمایند و از آنجمله از میان نمایندگان آقایان صفی‌پور و مهندس والا و از مطبوعات از آقای امیرانسی مدیر خواندنیها نام برد.

رونوشت برابر اصل است.

اصل در پرونده علی اکبر صفی‌پور $\frac{\text{ص-ف}}{۲۷۶}$ بایگانی

است

در پرونده مهندس عبدالله والا $\frac{\text{الف}}{۲۳}$ بایگانی شود

۲

۴۴/۴/۱۲

آقای مخبر بازرسی دادسرای دیوان کیفر که مشغول رسیدگی به پرونده‌های سوءاستفاده‌های شهرداری است در منزل آقای دکتر باهری اظهار میداشت من دلایل بسیاری در دست دارم که ثابت میکند کسانی که در مجلس و مطبوعات از نفیسی و موسوی طرفداری میکنند هنوز هم از موسوی مستمری ماهانه را دریافت مینمایند و از آنجمله از آقایان صفی‌پور و مهندس والا و از مطبوعات از آقای امیرانسی نام برد.

رونوشت برابر اصل است.

مخبر بازرسی دادسرای دیوان کیفر

در پرونده مهندس عبدالله والا

سند شماره ۴۱

تاریخ: ۴۴/۴/۲۰

شماره: ۳۲۱/۱۳۸۸۲

موضوع: اظهارات مهندس والا نماینده

مجلس شورای ملی

بقرار اطلاع مهندس والا نماینده مجلس شورای ملی و مدیر مجله تهران مصور بیکی از دوستان خود گفته است قرار است حزب مردم با ریاست وزرائی پروفیسور عدل تشکیل شود در این کابینه خود او برای وزارت اطلاعات و هلاکو رامبد بجای مهندس اصفیا مدیر عامل سازمان برنامه قرار گیرد وی اضافه نموده که عبدالله گرجی بسمت معاون نخست وزیر و آقای امیر اسداله علم نیز بوزارت دربار شاهنشاهی منصوب خواهد شد.

گزارش اطلاعات داخلی

موضوع اطلاعیه: مهندس والا نماینده مجلس شورای ملی

مجلس شورای ملی

تاریخ: ۴۴/۴/۲۰

تاریخ وصول: ۴۴/۴/۲۰

تاریخ گزارش: ۴۴/۴/۲۰

شماره: ۳۲۱/۱۳۸۸۲

تعداد نسخه: ۲

موضوع: اظهارات مهندس والا نماینده مجلس شورای ملی و مدیر مجله تهران مصور بیکی از دوستان خود گفته است قرار است حزب مردم با ریاست وزرائی پروفیسور عدل تشکیل شود در این کابینه خود او برای وزارت اطلاعات و هلاکو رامبد بجای مهندس اصفیا مدیر عامل سازمان برنامه قرار گیرد وی اضافه نموده که عبدالله گرجی بسمت معاون نخست وزیر و آقای امیر اسداله علم نیز بوزارت دربار شاهنشاهی منصوب خواهد شد.

تاریخ: ۴۴/۴/۲۰

مجلس شورای ملی

تعداد نسخه: ۲

موضوع: اظهارات مهندس والا نماینده مجلس شورای ملی و مدیر مجله تهران مصور بیکی از دوستان خود گفته است قرار است حزب مردم با ریاست وزرائی پروفیسور عدل تشکیل شود در این کابینه خود او برای وزارت اطلاعات و هلاکو رامبد بجای مهندس اصفیا مدیر عامل سازمان برنامه قرار گیرد وی اضافه نموده که عبدالله گرجی بسمت معاون نخست وزیر و آقای امیر اسداله علم نیز بوزارت دربار شاهنشاهی منصوب خواهد شد.

۲
۵۷

بایگانی شود

مجموعه سند شماره ۴۲

تاریخ: ۴۴/۱۲/۲۹

شماره: ۱۳۸۸/م

جناب آقای نخست وزیر

احتراماً به استحضار خاطر عالی می‌رساند بطوریکه در روزنامه اطلاعات منعکس بود ضمن بحث درباره بودجه سال ۱۳۴۵ در مجلس شورایی آقای مهندس والا نماینده مجلس اظهار داشتند که برای هیئت مدیره سازمان آب و برق خوزستان هفتصد و شصت هزار ریال پاداش در بودجه منظور گردیده.

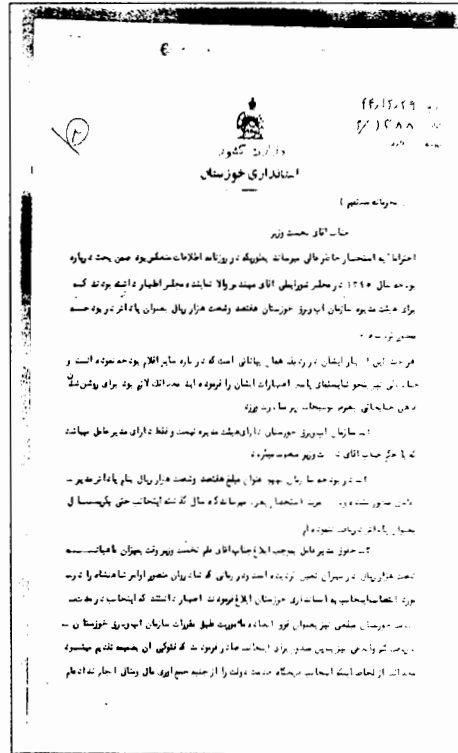
هر چند این اظهار ایشان در ردیف همان بیاناتی است که درباره سایر اقلام بودجه

نموده‌اند و جنابعالی نیز بنحو شایسته‌ای پاسخ اظهارات ایشان را فرموده‌اید معذالک لازم بود برای روشن شدن ذهن جنابعالی بعرض توضیحات زیر مبادرت ورزد

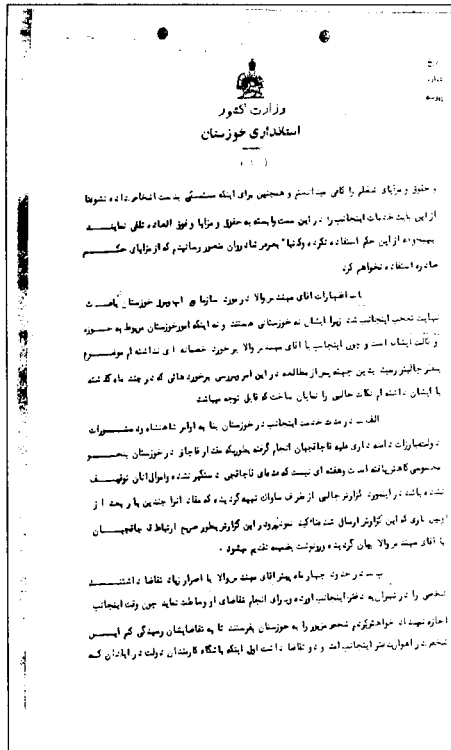
۱- سازمان آب و برق خوزستان دارای هیئت مدیره نیست و فقط دارای مدیر عامل میباشد که با حکم جناب آقای نخست وزیر منصوب میگردد

۲- در بودجه سازمان بهیچ عنوان مبلغ هفتصد و شصت هزار ریال پاداش مدیر عامل منظور نشده و برای مزید استحضار بعرض میرساند که سال گذشته اینجانب حتی یکریال بعنوان پاداش دریافت ننموده‌ام

۳- حقوق مدیر عامل بموجب ابلاغ جناب آقای علم نخست وزیر وقت بمیزان ماهیانه شصت هزار ریال در تهران تعیین گردیده است و در زمانی که شادروان منصور اوامر شاهنشاه را در مورد انتصاب اینجانب به استانداری خوزستان ابلاغ فرمودند، اظهار داشتند که اینجانب در مدت خدمت خوزستان مبلغی نیز بعنوان فوق‌العاده‌مأموریت طبق مقررات سازمان آب و برق



خوزستان دریافت کنم و ابلاغی نیز بدین منظور برای اینجانب صادر فرمودند که فتوکی آن بضمیمه تقدیم میشود معذالک از لحاظ اینکه اینجانب هیچگاه خدمت دولت را از جنبه جمع‌آوری مال و منال انجام نداده‌ام و حقوق و مزایای شغلم را کافی میدانستم و همچنین برای اینکه مستمسکی بدست اشخاص داده نشود تا از این بابت خدمات اینجانب را در این سمت وابسته به حقوق و مزایا و فوق‌العاده تلقی نمایند بهیچوجه از این حکم استفاده نکرده و کتباً بعضی شادروان منصور رسانیدم که از مزایای حکم صادره استفاده نخواهم کرد.

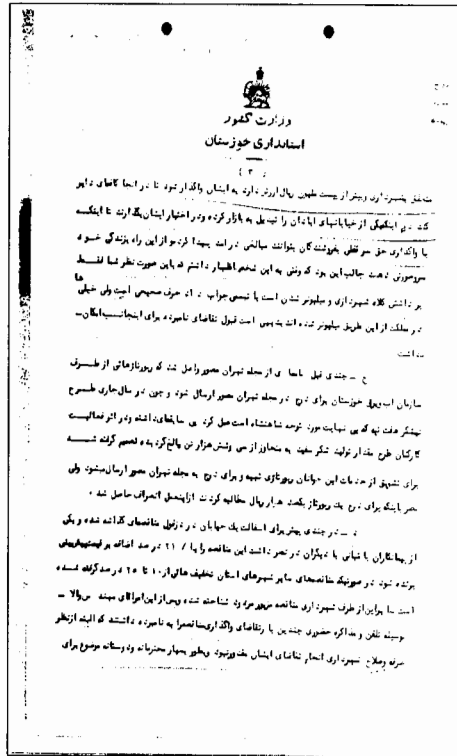


۴- اظهارات آقای مهندس والا در مورد سازمان آب و برق خوزستان باعث نهایت تعجب اینجانب شد زیرا ایشان نه خوزستانی هستند و نه اینکه امور خوزستان مربوط به حوزه وکالت ایشان است و چون اینجانب با آقای مهندس والا برخورد خصمانه‌ای نداشته‌ام موضوع بنظر جالبتر رسید بدین جهت پس از مطالعه در این امر و بررسی برخوردهائی که در چند ماه گذشته با ایشان داشته‌ام نکات جالبی را نمایان ساخت که قابل توجه میباشد

الف - در مدت خدمت اینجانب در خوزستان بنا به اوامر شاهنشاه و دستورات دولت مبارزات دامنه‌داری علیه قاجاقچیان انجام گرفته بطوریکه مقدار قاجاق در خوزستان بنحو محسوسی کاهش یافته است و هفته‌ای نیست که عده‌ای قاجاقچی دستگیر نشده و اموال آنان توقیف نشده باشد در این مورد گزارش جالبی از طرف ساواک تهیه گردیده که مفاد آنرا چندین بار بعد از اولین باری که این گزارش ارسال شده تأکید نمودند در این گزارش بطور صریح ارتباط قاجاقچیان با آقای مهندس والا بیان گردیده و رونوشت بضمیمه تقدیم میشود.

ب - در حدود چهار ماه پیش آقای مهندس والا با اصرار زیاد تقاضا داشتند شخصی را در تهران به

دفتر اینجانب آورده و برای انجام تقاضای او وساطت نماید چون وقت اینجانب اجازه نمیداد خواهش کردم شخص مزبور را به خوزستان بفرستند تا به تقاضایشان رسیدگی کنم این شخص در اهواز بدفتر اینجانب آمد و دو تقاضا داشت اول اینکه باشگاه کارمندان دولت در آبادان که متعلق به شهرداری و بیش از بیست میلیون ریال ارزش دارد به ایشان واگذار شود تا در آنجا کافه‌ای دایر کند دوم اینکه یکی از خیابانهای آبادان را تبدیل به بازار کرده و در اختیار ایشان بگذارند تا اینکه با واگذاری حق سرقلی بفرושندگان بتوانند مبالغی درآمد پیدا کرده و از این راه بزندگی خود سر و صورتی دهند جالب این بود که وقتی به این شخص اظهار داشتیم که باین صورت نظر

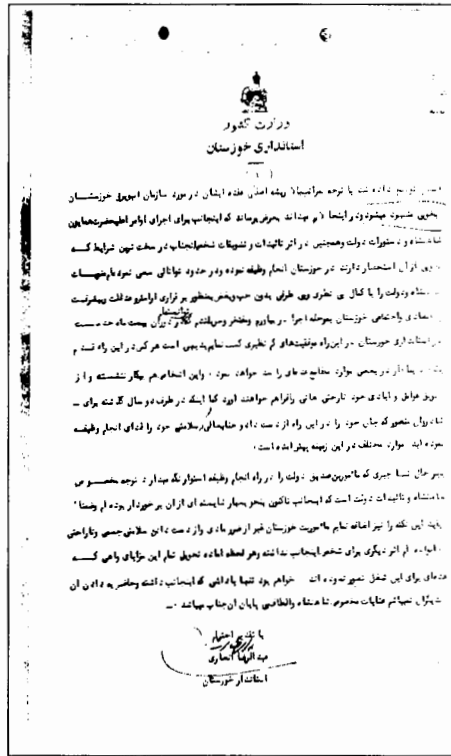


شما فقط بر داشتن کلاه شهرداری و میلیونر شدن است با تبسمی جواب داد حرف صحیحی است ولی خیلی‌ها در مملکت از این طریق میلیونر شده‌اند بدیهی است قبول تقاضای نامبرده برای اینجانب امکان نداشت.

ج - چندی قبل نامه‌ای از مجله تهران مصور واصل شد که رپورتاژهایی از طرف سازمان آب و برق خوزستان برای درج در مجله تهران مصور ارسال شود و چون در سال جاری طرح نیشکر هفت تپه که بی نهایت مورد توجه شاهنشاه است عملکرد بی سابقه‌ای داشته و در اثر فعالیت کارکنان طرح مقدار تولید شکر سفید به متجاوز از سی و شش هزار تن بالغ گردیده تصمیم گرفته شد برای تشویق از خدمات این جوانان رپورتاژی تهیه و برای درج به مجله تهران مصور ارسال شود ولی نظر باینکه برای درج یک رپورتاژ یکصد هزار ریال مطالبه کردند از اینعمل انصراف حاصل شد.

د - در چندی پیش برای آسفالت یک خیابان در دزفول مناقصه‌ای گذاشته شده و یکی از

پیمانکاران با تبانی با دیگران در نظر داشت این مناقصه را با ۲۱ درصد اضافه بر قیمت پیش‌بینی برنده شود در صورتیکه مناقصه‌های سایر شهرهای استان تخفیف‌هایی از ۱۰ تا ۲۵ درصد گرفته شده است بنابراین از طرف شهرداری مناقصه مزبور مردود شناخته شده و پس از این امر آقای مهندس والا بوسیله تلفن و مذاکره حضوری چندین بار تقاضای واگذاری مناقصه را به نامبرده داشتند که البته از نظر صرفه و صلاح شهرداری انجام تقاضای ایشان مقدور نبود و بطور بسیار محترمانه و دوستانه موضوع برای ایشان توضیح داده شد با توجه بمراتب بالا ریشه اصلی عقده ایشان در مورد سازمان آب و برق خوزستان بخوبی مشهود میشود و در اینجا لازم میدانم بعرض برساند که



اینجناب برای اجرای اوامر اعلیحضرت همایون شاهنشاه و دستورات دولت و همچنین در اثر تأییدات و تشویقات شخص آنجناب در سخت‌ترین شرایط که بخوبی از آن استحضار دارند در خوزستان انجام وظیفه نموده و در حدود توانائی سعی نموده‌ام منویات شاهنشاه و دولت را با کمال بی نظری و بی طرفی بدون حب و بغض بمنظور برقراری آرامش و عدالت و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی خوزستان در مرحله اجرا در بیاورم و مفتخر و سربلندم که توانسته‌ام در دوران بیست ماه خدمت در استانداری خوزستان در این راه موفقیت‌های کم نظیری کسب نمایم بدیهی است هر کس در این راه قدم بگذارد بناچار در بعضی موارد مطامع عده‌ای را سد خواهد نمود. و این اشخاص هم بیکار ننشسته و از طریق عوامل و ایادی خود ناراحتی‌هایی را فراهم خواهند آورد کما اینکه در ظرف دو سال گذشته برای شادروان منصور که جان خود را در این راه از دست داد و جنابعالی که سلامتی خود را فدای انجام وظیفه نموده‌اید موارد مختلف در این زمینه پیش آمده است.

بهرحال تنها چیزی که مأمورین صدیق دولت را در راه انجام وظیفه استوار نگه میدارد توجه مخصوص شاهنشاه و تأییدات دولت است که اینجانب تاکنون بنحو شایسته‌ای از آن برخوردار بوده‌ام و ضمناً باید این نکته را نیز اضافه نمایم مأموریت خوزستان غیر از ضرر مادی و از دست دادن سلامتی جسمی و ناراحتی خانواده‌ام اثر دیگری برای شخص اینجانب نداشته و هر لحظه آماده تحویل تمام این مزایای واهی که عده‌ای برای این شغل تصور نموده‌اند خواهم بود تنها پاداشی که اینجانب داشته و حاضر به دادن آن بدیگران نمیباشم عنایات مخصوص شاهنشاه و الطاف بی پایان آن جناب میباید.

با تقدیم احترام

عبدالرضا انصاری

استاندار خوزستان

مجموعه سند شماره ۴۲

تاریخ: ۴۴/۵/۱

شماره: ۱۶۱۰۲

جناب آقای عبدالرضا انصاری

استاندار خوزستان

عطف به حکم شماره ۵۹۶۷ مورخ
 ۴۳/۶/۱۹ بموجب این ابلاغ کماکان سمت
 مدیریت عامل سازمان آب و برق خوزستان
 بعهدہ جنابعالی خواهد بود و تا زمانی که در
 خوزستان هستید طبق مقررات سازمان از
 فوق العاده و مزایای ماموریت استفاده خواهید
 نمود.

نخست وزیر

۴۴/۵/۱
 شماره: ۱۶۱۰۲
 مورخ: ۴۴/۵/۱

جناب آقای عبدالرضا انصاری
 استاندار خوزستان

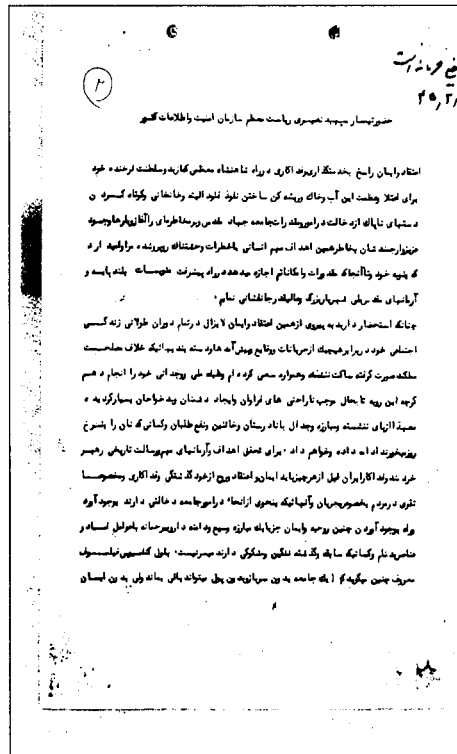
مقتضای حکم شماره ۵۹۶۷ مورخ ۴۳/۶/۱۹ بموجب این ابلاغ کماکان سمت
 مدیریت عامل سازمان آب و برق خوزستان بعهدہ جنابعالی خواهد بود و تا
 زمانی که در خوزستان هستید طبق مقررات سازمان از فوق العاده و مزایای
 ماموریت استفاده خواهید نمود.

نخست وزیر

سند شماره ۴۳

تاریخ: ۴۵/۲/۱

حضور تیمسار سپهبد نصیری ریاست معظم سازمان امنیت و اطلاعات کشور اعتقاد و ایمان راسخ بخدمتگزاری و فداکاری در راه شاهنشاه معظمی که از بدو سلطنت فرخنده خود برای اعتلا و عظمت این آب و خاک وریشه کن ساختن نفوذ فتو دالیته و خانخانی و کوتاه کردن دستهای ناپاک از دخالت در امور و مقدرات جامعه جهاد مقدس و پرمخاطره‌ای را آغاز و بارها وجود عزیز و ارجمندشان بخاطر همین اهداف مهم انسانی با خطرات وحشتناک روبرو شده مرا وامیدارد که بنوبه خود و تا آنجا که مقدرات و امکاناتم

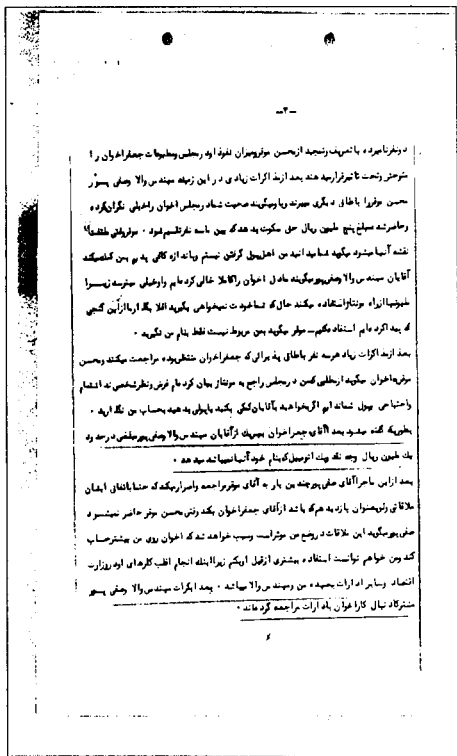


اجازه می‌دهد در راه پیشرفت منویات بلندپایه و آرمانهای مقدس ملی شهریار بزرگ و عالیقدر جانفشانی نمایم.

چنانکه استحضار دارید به پیروی از همین اعتقاد و ایمان لایزال در تمام دوران زندگی اجتماعی خود در برابر هیچیک از جریانات و وقایع و پیش آمدها و دسته بندی‌هاییکه خلاف مصلحت مملکت صورت گرفته ساکت ننشسته و همواره سعی کرده‌ام وظیفه ملی و وجدانی خود را انجام دهم گر چه این رویه تابحال موجب ناراحتی‌های فراوان و ایجاد دشمنان و بد خواهان بسیار گردیده معهذ از پای ننشسته و مبارزه و جدال با نادرستان و خائنین و نفع طلبان و کسانی که نان را بنرخ روز می‌خورند ادامه داده و خواهم داد. برای تحقق اهداف و آرمانهای مهم و رسالت تاریخی رهبر خردمند و فداکار ایران قبل از هر چیز باید ایمان و اعتقاد و روح از خودگذشتگی و فداکاری و مخصوصاً تقوی در مردم بخصوص مجریان و آنهائیکه بنحوی از انحاء در امور جامعه دخالتی دارند بوجود آورد و راه بوجود آوردن چنین روحیه و ایمان جز با یک مبارزه وسیع و دامنه‌دار و

اخاذی و فساد در همه سازمانها و دستگاههای اداری بکلی رخت بر بسته مسلما خلاف عرض کرده اند.

برای مثال عرض میرساند که در حدود چند ماه آقای محسن موقر در مجلس شورایی محشر صحبتی راجع به مخارج مونتاز شرکت سهامی جیب (متعلق به آقای جعفر اخوان) صحبت میکند روز بعد آقایان مهندس والا و صفی پور نمایندگان مجلس با اتفاق جعفر اخوان بمنزل موقر میروند دو نفر نامبرده با تعریف و تمجید از محسن موقر و میزان نفوذ او در مجلس و مطبوعات جعفر اخوان را متوحش و تحت تاثیر قرار میدهند بعد از مذاکرات زیادی در این زمینه مهندس والا و صفی پور محسن موقر را باطابق دیگری میبرند و باو میگویند صحبت

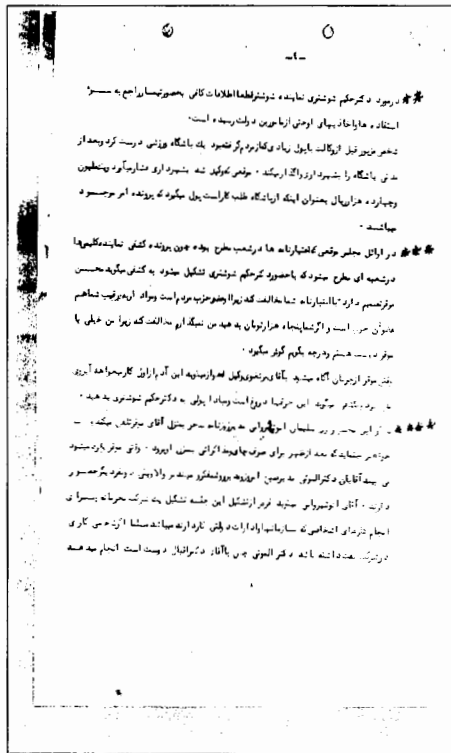


شما در مجلس اخوان را خیلی نگران کرده و حاضر شده مبلغ پنج میلیون ریال حق سکوت بدهد که بین ما سه نفر تقسیم شود. موقر وقتی ملتفت نقشه آنها میشود میگوید شما میدانید من اهل پول گرفتن نیستم و باندازه کافی پدرم بمن کمک میکند آقایان مهندس والا و صفی پور میگویند ما دل اخوان را کاملا خالی کرده ایم و او خیلی میترسد زیرا میلیونها از راه مونتاز استفاده میکنند حال که شما خودت نميخواهی بگیرد اقلا بگذار ما از این گنجی که پیدا کرده ایم استفاده کنیم. موقر میگوید بمن مربوط نیست فقط بنام من نگیری. بعد از مذاکرات زیاد هر سه نفر باطابق پذیرائی که جعفر اخوان منتظر بوده مراجعت میکنند و محسن موقر به اخوان میگوید از مطلبی که من در مجلس راجع به مونتاز بیان کرده ام غرض و نظر شخصی نداشته ام و احتیاجی بیول شما ندارم اگر بخواهید با آقایان کمکی بکنید یا پولی بدهید بحساب من نگذارید.

بطوریکه گفته میشود بعداً آقای جعفر اخوان بهر یک از آقایان مهندس والا و صفی پور مبلغی در حدود یک میلیون ریال وجه نقد و یک اتومبیل که بنام خود آنها نمیباشد میدهد.

بعد از این ماجرا آقای صفی پور چندین بار به آقای موقر مراجعه و اصرار میکند که حتماً باتفاق ایشان ملاقاتی ولو بعنوان بازدید هم که باشد از آقای جعفر اخوان بکند وقتی محسن موقر حاضر نمیشود صفی پور میگوید این ملاقات در وضع من موثر است و سبب خواهد شد که اخوان روی من بیشتر حساب کند و من خواهم توانست استفاده بیشتری از قبیل او بکنم زیرا اینک انجام اغلب کارهای او در وزارت اقتصاد و سایر ادارات بعهد من و مهندس والا میباشد. بعداً بکرات مهندس والا و صفی پور مشترکاً دنبال کار اخوان با ادارات مراجعه کرده‌اند.

*** در مورد دکتر حکیم شوشتری نماینده شوشتر قطعاً اطلاعات کافی بحضور تیمسار



راجع به سوءاستفاده‌ها و اخاذیهای او حتی از مامورین دولت رسیده است.

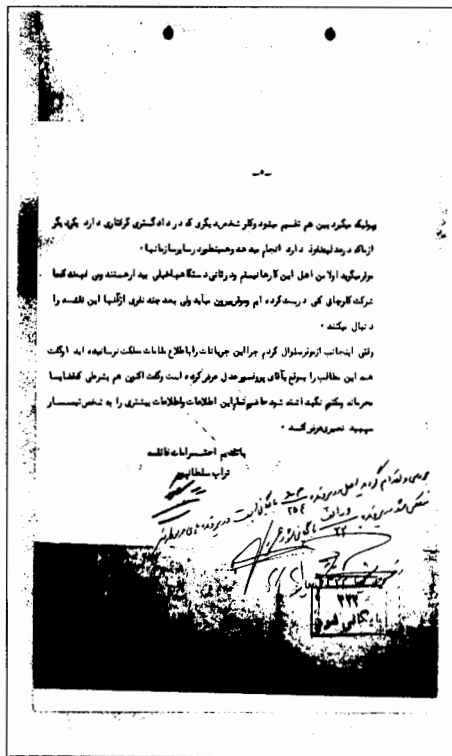
شخص مزبور قبل از وکالت با پول زیادی که از مردم گرفته بود یک باشگاه ورزشی درست کرد و بعد از مدتی باشگاه را بشهرداری واگذار میکند. موقعی که وکیل شد بشهرداری فشار می‌آورد و یک میلیون و چهارده هزار ریال بعنوان اینکه از باشگاه طلب کار است پول میگیرد که پرونده امر موجود میباشد.

*** در اوائل مجلس موقعی که اعتبارنامه‌ها در شعب مطرح بوده چون پرونده کشفی نماینده کلیمی‌ها در شعبه‌ای مطرح میشود که با حضور دکتر حکیم شوشتری تشکیل میشود به کشفی میگوید محسن موقر تصمیم دارد با اعتبارنامه شما مخالفت کند زیرا او عضو حزب مردم است و مراداریه رقیب شما هم عضو آن حزب است و اگر شما پنجاه هزار تومان بدهید من نمیگذارم مخالفت کند زیرا من خیلی با موقر دوست هستم و هر چه بگویم گوش میگیرد.

وقتی موقر از جریان آگاه میشود با آقای مرتضوی وکیل اهواز میگوید این آدم از اول کار میخواهد

آبروی ما را ببرد و بکشفی میگوید این حرفها دروغ است و مبادا پولی به دکتر حکیم شوشتری بدهید.

*** در اوایل مجلس روزی سلیمان انوشیروانی مدیر روزنامه سحر بمنزل آقای موقر تلفن می‌کند و خواهش می‌نماید که بعد از ظهر برای صرف چای و مذاکراتی بمنزل او برود وقتی موقر وارد میشود می‌بیند آقایان دکتر الموتی مدیر صبح امروز و مدیر روشنفکر و مهندس والا و یکی دو نفر دیگر حضور دارند. آقای انوشیروانی میگوید غرض از تشکیل این جلسه تشکیل یک شرکت محرمانه برای انجام کارهای اشخاصی که بسازمانها و ادارات دولتی کار دارند میباشد مسلماً اگر شخصی کاری در شرکت نفت داشته باشد دکتر الموتی



چون با آقای دکتر اقبال دوست است انجام میدهد و پولیکه میگیرد بین هم تقسیم میشود و کار شخص دیگری که در دادگستری گرفتاری دارد یکی دیگر از ما که در عدلیه نفوذ دارد انجام میدهد و همینطور در سایر سازمانها.

موقر میگوید اولاً من اهل این کارها نیستم و در ثانی دستگاهها خیلی بیدار هستند و می‌فهمند که ما شرکت کارچاق کنی درست کرده‌ایم و موقر بیرون می‌آید ولی بعد چند نفری از آنها این نقشه را دنبال میکنند. وقتی اینجانب از موقر سؤال کردم چرا این جریانات را با اطلاع مقامات مملکت نرسانیده‌اید او گفت همه این مطالب را بموقع آقای پرفسور عدل عرض کرده است و گفت اکنون هم بشرطی که قضایا محرمانه و مکتوم نگهداشته شود حاضر تمام این اطلاعات و اطلاعات بیشتری را به شخص تیمسار سپهد نصیری عرض کند. با تقدیم احترامات فائقه تراب سلطانیپور بررسی و اقدام گردید اصل در پرونده ۴۵۴-۲۲۱ بایگانی است در پرونده‌های مربوطه نیز منعکس شد در پرونده ۴۵۴-الف

بایگانی شود... ۲۲/۱ رئیس بخش ۳۲۲ کامیاب خیلی محرمانه است ۴۵/۲/۱

سند شماره ۴۴

تاریخ: ۴۶/۳/۱۴

به: ۲۰/۵ هـ

از: ۳۲۲

در مورد تصویب (قانون تعیین حریم دریاچه احدثی در پشت سدها) مدتی است آقایان خواجه نوری، مهندس والا، مهندس عبدالله ریاضی، صفی پور نمایندگان مجلس شورایملی مشغول تبانی هستند تا بتوانند با خرید اراضی اطراف سد لتیان بقیمت ارزان و تغییر کلمه (حریم) که در قانون ذکر شده است با همکاری بعضی از مقامات دولتی قیمت اراضی خریداری شده را بالا برده و از این طریق میلیونها تومان استفاده کنند. تعیین صحت و سقم موضوع مورد نیاز میباشد.

اصل در پرونده ۲۲۱۵۱۱ بایگانی است ضمناً بهره برداری نیز گردید در پرونده مهندس والا بکلاسه الف-بایگانی

شود

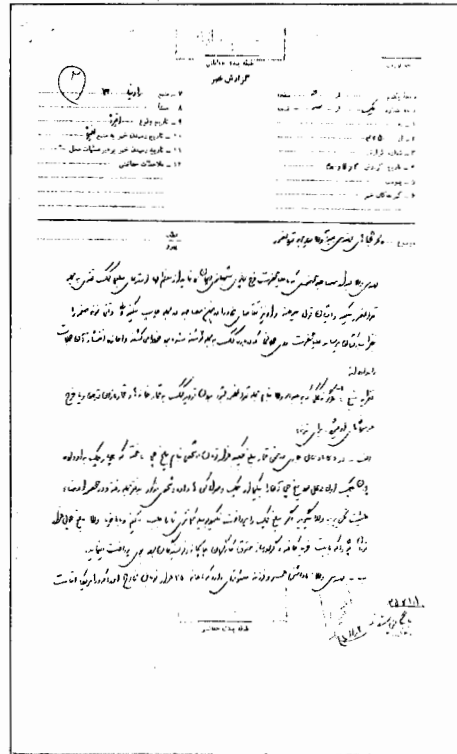
جمهوری مملکت ایران	
وزارت راه و ترابری	
اداره راه و ترابری	
شماره سند: ۴۴	تاریخ: ۱۴۰۳/۳/۴۶
موضوع: تصویب قانون تعیین حریم دریاچه احدثی در پشت سدها	محل: تهران
<p>در مورد تصویب (قانون تعیین حریم دریاچه احدثی در پشت سدها) مدتی است آقایان خواجه نوری، مهندس والا، مهندس عبدالله ریاضی، صفی پور نمایندگان مجلس شورایملی مشغول تبانی هستند تا بتوانند با خرید اراضی اطراف سد لتیان بقیمت ارزان و تغییر کلمه (حریم) که در قانون ذکر شده است با همکاری بعضی از مقامات دولتی قیمت اراضی خریداری شده را بالا برده و از این طریق میلیونها تومان استفاده کنند. تعیین صحت و سقم موضوع مورد نیاز میباشد.</p>	
<p>۱۳۰۳ در پرونده ۲۲۱۵۱۱ بایگانی است ضمناً بهره برداری نیز گردید در پرونده مهندس والا بکلاسه الف-بایگانی</p>	
<p>مهندس والا</p>	
<p>۳۲۲</p>	
<p>وزارت راه و ترابری</p>	

سند شماره ۴۵

تاریخ: ۴۸/۱۱/۲

از: ۳۲۵

موضوع: ولخرجی های مهندس عبدالله
والا مدیر مجله تهران مصور



مهندس والا بعد از مصاحبه حضوری که با علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران می نماید از معظم لها استدعای مبلغی کمک نقدی به مجله تهران مصور میکند و ایشان قول میدهند و او نیز تقاضای خود را در ضمن مصاحبه در مجله چاپ میکند ولی وقتی نمونه صفحه را بنظر مبارکشان میرساند علیاحضرت روی جملاتی که درباره کمک به مجله نوشته شده بود خط میکشند و اجازه انتشار آن جملات را نداده اند.

نظریه منبع: ۱- هرگونه کمکی که به عبدالله والا بنام مجله تهران مصور بشود بدون تردید کمک به قمارخانه ها و قماربازان تهران و یا خرج هوسرانی های او میشود برای نمونه:

الف- در دی ماه سال جاری در ضمن قمار مبلغ یکصد هزار تومان به شخصی بنام میخ چی باخته که چهار چک به او داده چون چک اول بی محل بود میخ چی آن را یکی از چک وصول کن ها داده و شخص مذکور بدفتر مجله رفته و در حضور اعضاء هیئت تحریریه به والا میگوید اگر مبلغ چک را پرداخت نکنید بوسیله کلانتری شما را جلب میکنم و بالاخره والا مبلغ چهل هزار تومان پولی را که بابت خرید کاغذ و گراورساز حقوق کارگران چاپخانه و نویسندگان بود به وی پرداخت مینماید.

ب- مهندس والا با داشتن همسر و فرزند معشوقه ای دارد که ماهانه ۲۵ هزار تومان مخارج او را که در امریکا اقامت دارد میپردازد. این معشوقه که دختری از بازرگان هنرپیشه تئاتر تهران بوده تا یکسال قبل در تهران زندگی میکرد است.

سند شماره ۴۶

تاریخ: ۳۸/۱/۲۴

گزارش

محترماً معروض میدارد. مقاله پیوست که قبلاً بعرض مبارک رسیده است بوسیله آقای خادم عکاس و کریم روشنیان نویسنده (برای کشورهای خارجی بزبانهای مختلف تهیه و ارسال شده است و دنباله این بحث هم ادامه خواهد شد) مستدعی است در صورت تصویب مقرر فرمایند پاداشی بنامبرندگان پرداخت گردد.

کیانی ۳۸/۱/۲۴

در مجله تهران مصور بایگانی شود ۳۸/۱/۲۵

فرمودند بهر یک پنجهزار ریال داده شود

پاداش بدهید

تحویل و رسید اخذ گردید

تاریخ	موضوع
محل	گزارش
شماره پرونده	محترماً معروض میدارد . مقاله پیوست که قبلاً بعرض مبارک رسیده است بوسیله آقای خادم عکاس و کریم روشنیان نویسنده (برای کشورهای خارجی بزبانهای مختلف تهیه و ارسال شده است و دنباله این بحث هم ادامه خواهد شد) مستدعی است در صورت تصویب مقرر فرمایند پاداشی بنامبرندگان پرداخت گردد .
شماره پرونده	کیانی

۳۸/۱/۲۴

در صورت تصویب مقرر فرمایند پاداشی بنامبرندگان پرداخت گردد .

۳۸/۱/۲۴

تقریباً ۱۱/۲۵

تقریباً ۱۱/۲۵

مجموعه سند شماره ۴۷

تاریخ: ۴ مرداد ۳۸

جناب سرهنگ کیانی زید اجلاله

پس از عرض سلام و اخلاص از اظهار
 لطف و محبت همیشگی حضرتعالی فوق العاده
 ممنون و سپاسگزارم و چون مسافرت بلندن
 باتفاق پزشک معالج تسریع شد از این رو
 نتوانستم حضوراً برای عرض خداحافظی
 خدمت برسم. بدینوسیله از آندوست عزیز
 خداحافظی نموده و از محبت‌هایی که بوسیله
 آقای راین فرمودید بسیار تشکر میکنم و
 همیشه مرهون الطاف تیمسار و جنابعالی
 هستم و از خداوند سلامت و سعادت
 حضرتعالی را آرزومندم

ارادتمند محمود رجاء

ضمیمه پرونده تهران مصر شود ۳۸/۶/۳۰

<p>TEHRAN MOSSAVAR</p> <p>weekly "monthly" "quarterly"</p> <p>تهران No 2741 - 2229</p> <p>No: _____ date: _____</p>	<p>تهران موصور</p> <p>مکتب - ماهنامه - کوچه لولها تهران تلف: ۲۲۲۹ - ۲۷۴۱</p> <p>شماره: _____ تاریخ: ۳ - مرداد ۳۸</p>
<p>جناب سرهنگ کیانی زید اجلاله</p> <p>۳</p> <p>پس از عرض سلام و اظهار لطف و محبت همیشگی حضرتعالی فوق العاده ممنون و سپاسگزارم و چون مسافرت بلندن باتفاق پزشک معالج تسریع شد از این رو نتوانستم حضوراً برای عرض خداحافظی خدمت برسم. بدینوسیله از آندوست عزیز خداحافظی نموده و از محبت‌هایی که بوسیله آقای راین فرمودید بسیار تشکر میکنم و همیشه مرهون الطاف تیمسار و جنابعالی هستم و از خداوند سلامت و سعادت حضرتعالی را آرزومندم</p> <p>ارادتمند محمود رجاء</p> <p>محمود رجاء ۳۸/۶/۳۰</p> <p>۴</p>	

مجموعه سند شماره ۴۷

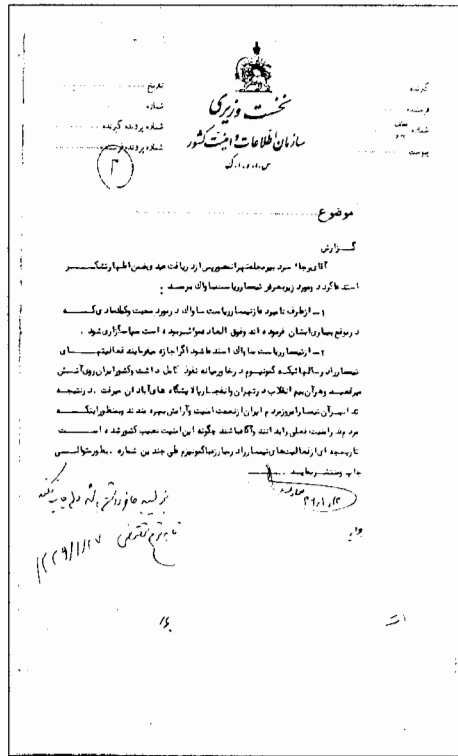
تاریخ: ۳۹/۱/۲۳

گزارش

آقای رجاء سردبیر مجله تهران مصور پس از دریافت عیدی ضمن اظهار تشکر استدعا کرد دو مورد زیر بعرض تیمسار ریاست ساواک برسد:

۱- از طرف نامبرده از تیمسار ریاست ساواک در مورد محبت و کمک مادی که در موقع بیماری ایشان فرموده‌اند و فوق‌العاده مؤثر بوده است سپاسگزاری شود.

۲- از تیمسار ریاست ساواک استدعا شود اگر اجازه میفرمایند فعالیت‌های تیمسار را در سال‌هاییکه کمونیزم در خاورمیانه نفوذ کامل



داشت و کشور ایران روی آتش میرقصید و هر آن بیم انقلاب در تهران و انفجار پالایشگاه‌های آبادان میرفت. در نتیجه تدابیر آن تیمسار امروز مردم ایران از نعمت امنیت و آرامش بهره‌مندند و بمنظور اینکه مردم قدر امنیت فعلی را بدانند و آگاه باشند چگونه این امنیت نصیب کشور شده است تاریخچه‌ای از فعالیت‌های تیمسار را در مبارزه با کمونیزم طی چندین شماره. بطور متوالی

چاپ و منتشر نماید. سعادت‌مند ۳۹/۱/۱۳

بنویسید حاضر داشته باشد ولی چاپ نکند تا به موقع مقتضی ۱۳۳۹/۱/۲۷

سند شماره ۴۸

تاریخ: ۴۶/۳/۱۸

شماره: ۲۷۰

حضور مبارک تیمسار سر تیپ مقدم مدیر کل

محترم سازمان امنیت

احتراما به پیوست اسامی کارگران و کارمندان و نویسندگان موسسه تهران مصور و چاپخانه ایفاد میگردد.

برای آنکه این موسسه بتواند با وسعت نظر بیشتری بکارهای مربوط ادامه دهد، خواهشمند است درباره سوابق آنان تحقیقات کافی فرموده و از نتیجه این موسسه را مطلع فرمایند تا از همکاری افرادی که ادامه خدمت آنان در این موسسه مصلحت نمیباشد جلوگیری بعمل آید.

موقع را برای ادای احترام مغتنم میشمارد.

مدیر مجله تهران مصور

برای کارکنان موسسه مزبور فیش تهیه گردد ۴۶/۳/۲۲

TEHRAN MOSSAVAR
 Weekly Magazine
 Tehran, Jalsh Ave.
 Tel: 33528-33248
 33792

مجله هفتگی
 تهران - خیابان ژاله
 تلفن: ۳۳۵۲۸-۳۳۲۴۸
 ۳۳۷۹۲

No: _____
 Date: _____

۳

خود بخوان، همکاران را هم بخوان! اشتیاق

احتراما به پیوست اسامی کارگران و کارمندان و نویسندگان موسسه تهران مصور و چاپخانه ایفاد میگردد.

برای آنکه این موسسه بتواند با وسعت نظر بیشتری بکارهای مربوط ادامه دهد، خواهشمند است درباره سوابق آنان تحقیقات کافی فرموده و از نتیجه این موسسه را مطلع فرمایند تا از همکاری افرادی که ادامه خدمت نمیباشد جلوگیری بعمل آید.

موقع را برای ادای احترام مغتنم میشمارد.

تیمسار سر تیپ مقدم
 مدیر کل سازمان امنیت

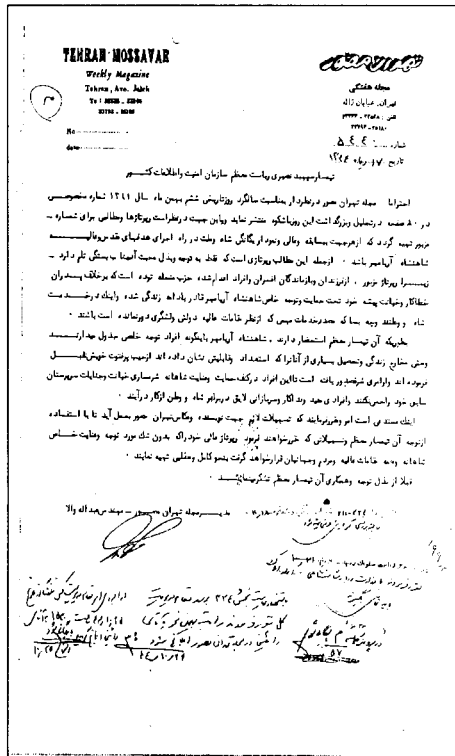
سند شماره ۴۹

تاریخ: ۱۷ دیماه ۱۳۴۴

شماره: ۵۴۴۰

تیمسار سپهبد نصیری ریاست معظم
سازمان امنیت و اطلاعات کشور

احتراما مجله تهران مصور در نظر دارد
بمناسبت سالگرد روز تاریخی ششم بهمن ماه
سال ۱۳۴۱ شماره مخصوصی در ۸۰ صفحه
در تجلیل و بزرگداشت این روز باشکوه منتشر
نماید و باین جهت در نظر است رپرتاژها و
مطالبی برای شماره مزبور تهیه گردد که از هر
جهت بیسابقه و عالی و نمودار یگانگی شاه و
ملت در راه اجرای هدفهای مقدس و عالیه
شاهنشاه آریامهر باشد. از جمله این مطالب



رپرتاژی است که فقط به توجه و بذل محبت آنجناب بستگی تام دارد زیر رپرتاژ مزبور، از فرزندان
و بازماندگان افسران و افراد اعدام شده حزب منحل توده است که برخلاف پدران خطاکار و
خیانت پیشه خود تحت حمایت و توجه خاص شاهنشاه آریامهر قادر بادامه زندگی شده و اینک
در خدمت شاه و وطنند و چه بسا که مصدر خدمات مهمی که از نظر مقامات عالیه دولتی و لشگری
دور نمانده است باشند.

بطوریکه آن تیمسار معظم استحضار دارند، شاهنشاه آریامهر باینگونه افراد توجه خاصی
مبذول میدارند و حتی مخارج زندگی و تحصیل بسیاری از آنانرا که استعداد و قابلیت نشان
داده‌اند از جیب پرفتوت خویش تقبل فرموده‌اند و اوامری شرفصدور یافته است تا این افراد در
کنف حمایت و عنایت شاهانه شرمساری خیانت و جنایات سرپرستان سابق خود را حس نکنند و
افرادی مفید و فداکار و سربازانی لایق در برابر شاه و وطن از کار درآیند.

اینک مستدعی است امر و مقرر فرمایند که تسهیلات لازم جهت نویسنده و عکاس تهران

مصور بعمل آید تا با استفاده از توجه آن تیمسار معظم و تسهیلاتی که مقرر خواهند فرمود رپر تاژ عالی خود را که بدون شک مورد توجه و عنایت خاص شاهانه و همه مقامات عالیه و مردم و جهانیان قرار خواهد گرفت بنحو کامل و مطلبی تهیه نمایند.

قبلا از بذل توجه و همکاری آن تیمسار معظم تشکر مینماید.

مدیر مجله تهران مصور - مهندس عبدالله والا

سابقه بررسی گزارش عرضی تهیه شود

مقرر فرمودند با وزارت دربار شاهنشاهی و اداره املاک باید تماس بگیرند ۱۰/۲۳

در پرونده کلاسه ۵۷ بایگانی شود ۱۰/۲۶

باستحضار ریاست بخش ۳۲۴ برسد مقام مدیریت کل مقرر فرمودند مراتب بهمین نحو آقای رانین در مجله تهران

مصور ابلاغ شود ثابتی ۴۴/۱۰/۲۴

در اجرای امر مقام مدیریت کل تلفناً در تاریخ ۴۴/۱۰/۲۵ ساعت ۱۵۳۰ به آقای رانین ابلاغ گردید بایگانی شود ۱۰/۲۵

سند شماره ۵۰

تاریخ: ۱۳۳۲/۸/۲۶

شماره: ۴۲۷۶/ت

وزارت کشور

اداره انتشارات

فرمانداری نظامی تهران

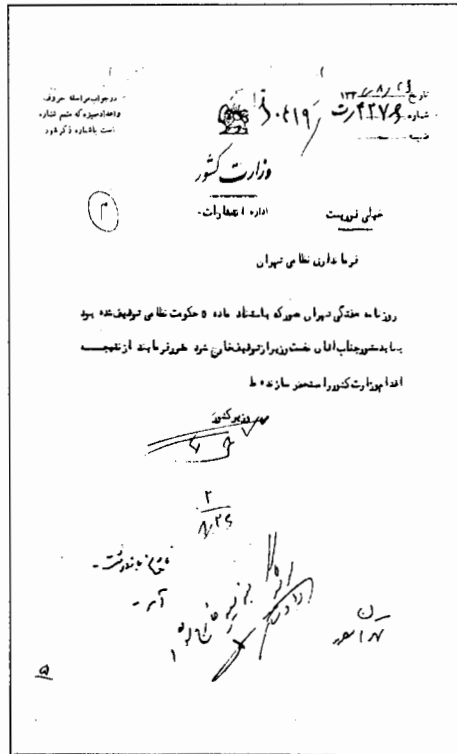
روزنامه هفتگی تهران مصور که بااستناد
ماده ۵ حکومت نظامی توقیف شده بود
بنا بدستور جناب آقای نخست‌وزیر از توقیف
خارج شود مقرر فرمایند از نتیجه اقدام وزارت
کشور را مستحضر سازند.

وزیر کشور

تهران مصور تاریخ بازداشت

آمر

بنویسید خارج شود سرلشگر دادستان



سند شماره ۵۱

تاریخ ۳۲/۹/۱۰

شماره: ۲۴۶۱/۴

فرمانداری نظامی تهران

تلگراف واصله از استانداری آذربایجان که رونوشت بیبوست ارسال می‌شود به عرض جناب آقای نخست‌وزیر رسید فرمودند: بنظر میرسد که فرمانداری با این مجله نظر ارفاق دارد و باید شما تکلیف را با تهران مصور معلوم کنید.

رئیس کل دفتر نخست‌وزیر.

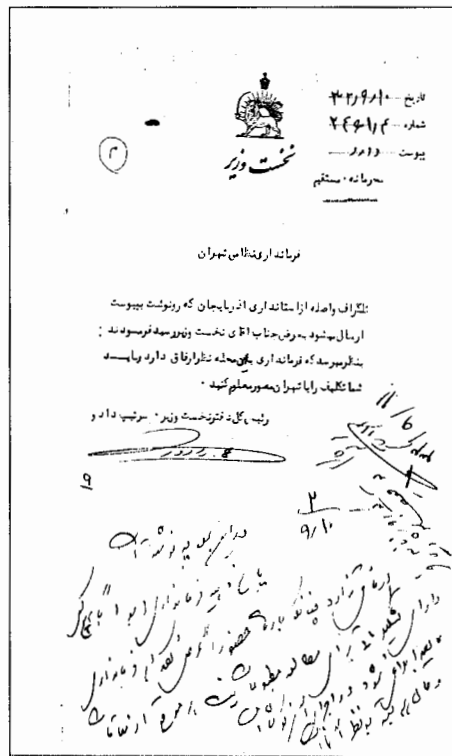
سرتیپ دادور

در این مجله چه نوشته است

پاسخ دهید فرمانداری ابدأ با هیچ کس ارفاق ندارد چنانکه بارها حضوراً عرض کرده‌ام این فرمانداری دارای تشکیلاتی برای مطالعه مطبوعات نیست هر موقع از مقامات عالیه ابلاغی شود در اجرای آن کوشا است و حال هم بسته به نظر آنها است که روزنامه توقیف شود یا

خبر ۳۲/۹/۱۱

سرلشگر دادستان

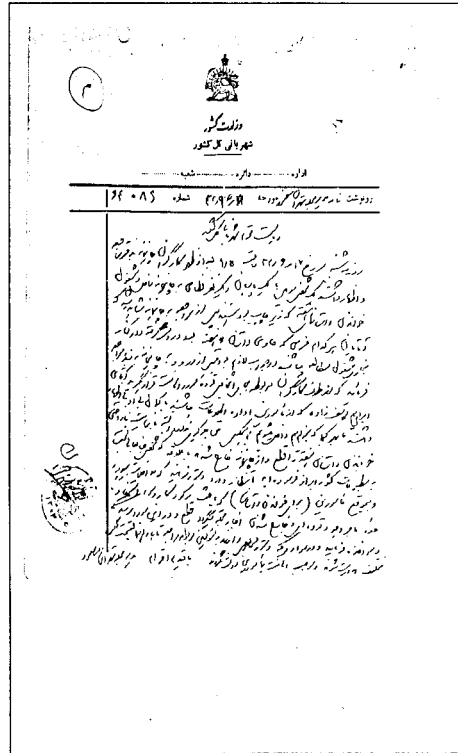


سند شماره ۵۲

تاریخ: ۳۲/۹/۲۱

شماره: ۶۴۰۸۶

ریاست محترم شهربانی کل کشور



روز سه شنبه مورخ ۳۲/۹/۱۷ ساعت ۱/۵ بعد از ظهر کارگران چاپخانه بدفتر مراجعه و اظهار داشتند یک شخص سویل با یک پاسبان و یک نفر نظامی به چاپخانه داخل و مشغول خواندن داستانهای هفته که زیر چاپ بود هستند پس از مراجعه به چاپخانه مشاهده شد که آقایان هر کدام فرمی که حاوی داستان هفته بود در دست گرفته و در کنار بخاری مشغول مطالعه میباشند در جواب [اینکه] لازم بود قبل از ورود به چاپخانه به بنده مراجعه

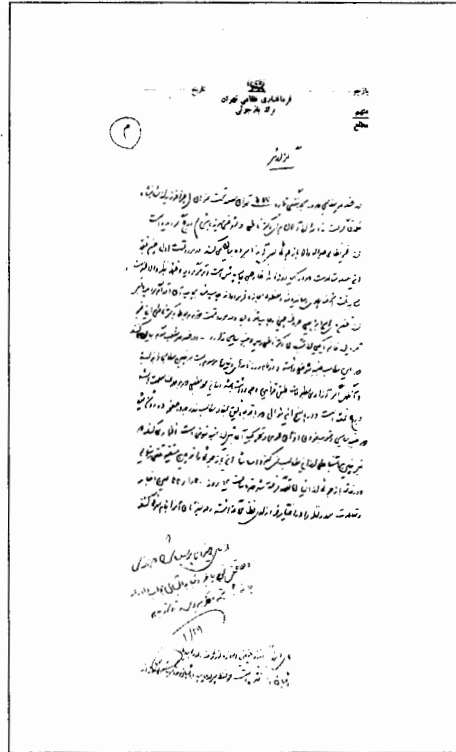
فرمائید که از طرف کارگران مربوطه بجای اشخاص توده مورد اهانت قرار نگیرید آقای ابراهیم یوسف زاده که از مأمورین اداره اطلاعات میباشند با کمال بی ادبی اظهار داشتند ما بهر کجا که بخواهیم داخل میشویم و هیچکس حق جلوگیری ندارد البته با نهایت ناراحتی خواندن داستان هفته را قطع و از چاپخانه خارج شدند با علاقه که شخص جنابعالی نسبت به مطبوعات کشور ابراز فرموده اید انتظار دارد دستور فرمایند که مداخلات بیمورد و بیموقع مأمورین (برای خواندن داستان) که باعث رکود کار و سوءاستفاده عده ماجراجو و توده‌ای و خارج شدن اخبار مجله میگردد قطع و در این مورد رسیدگی و مؤاخذه فرمائید و در مواردیکه دستور مخصوص دارند به مسئولین مربوطه مراجعه تا با راهنما بقسمت‌های مختلف هدایت شوند و موجب اهانت بمأمورین دولت نگردند

با تقدیم احترام مدیر مجله تهران مصور

سند شماره ۵۳

گزارش

در خصوص مطالبی که در مجله هفتگی شماره ۵۵۷ تهران مصور تحت عنوان (چرا فوزیه از شاهنشاه طلاق گرفت - نامه از آلمان برای دکتر فاطمی و شوخی یوزباشی) درج گردیده است از غیر نظامی عبدالله والا بازجوئی بعمل آمد نامبرده بیان می‌کند در مورد قسمت اول چون قبلاً این سلسله مقالات که در یک روزنامه خارجی چاپ شده است و ترجمه گردید و قبلاً بنظر والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی رسانیده شد و معظم له اجازه فرموده‌اند چاپ شده بچاپ آن اقدام گردید و قبل از تلفن آقای امیر ابراهیمی حروف چینی و چاپ شده بود و در مورد قسمت دوم مربوط به دکتر فاطمی این خبر گویا از خانم



یا یکی از بستگان دکتر فاطمی رسیده و جنبه سیاسی ندارد - و در خصوص مطلب سوم بیان می‌کنند که این مطالب جنبه شوخی داشته و در تمام روزنامه‌های دنیا هم مرسوم است که چنین مطالبی را بنویسند و انگهی اگر آزادی مطبوعات طبق قوانین وجود داشته باشد در این مجله مطلبی که برخلاف مصلحت باشد درج نشده است و در پاسخ این سؤال که با توجه دقیق بمفاد مطالب مندرجه در صفحه ده روشن میشود که جنبه سیاسی و مشوب نمودن اذهان عمومی و تحریک آن بیش از جنبه شوخی است اظهار می‌کند که بنده چنین استنباطی از این مطالب نمی‌کنم و اساساً این بازجوئی را توهین مستقیم تلقی مینمایم و در خاتمه بازجوئی از ایشان تعهد گرفته شد که تا ساعت ۱۲ روز ۳۰/۱/۳۰ عین اخبار و مقالات مورد نظر را در اختیار فرمانداری نظامی گذاشته و نویسندگان آنها بنام معرفی کنند

از آقای ایزدی پرسیده شود که مهندس والا تلفن نموده یا خیر و آیا به ایشان جواب داده‌اند یا نه؟ نتیجه به نظر من برسد تا دستور بدهم ۱/۲۹ آقای ایزدی گفتند چنین اجازه از طرف دربار و یا ایشان داده نشده است و فقط پس از چاپ با ایشان مذاکره شده و گفته‌اند

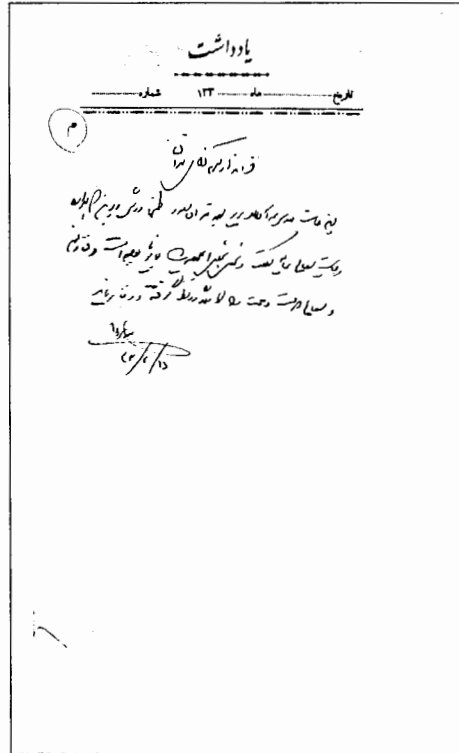
سند شماره ۵۴

تاریخ: ۳۳/۲/۱۶

فرماندار محترم نظامی تهران

این جانب مهندس والا مدیر مجله تهران مصور طبق روش دیرین که همواره رعایت مصالح عالیه مملکت و شخص شخیص اعلیحضرت همایونی بوده است رفتار نموده و مصالح دولت و ملت را کاملاً در نظر گرفته و رفتار نماید

مهندس والا ۳۳/۲/۱۶



سند شماره ۵۵

تاریخ: ۳۵/۹/۶

شماره: ۱۶۰۰/ت

تیمسار سپهبد ریاست ستاد بزرگ ارتشتاران

دریاره: توقیف مجله ماهانه تهران

مصور

مجله یادشده بالا بعلت گراور عکسهای
 زنده و غیرمجاز توقیف گردید دستور داده شد
 که از چاپ و انتشار آن جلوگیری بعمل آورند.
 فرماندار نظامی شهرستان تهران - سرلشگر

بختیار

گیرندگان

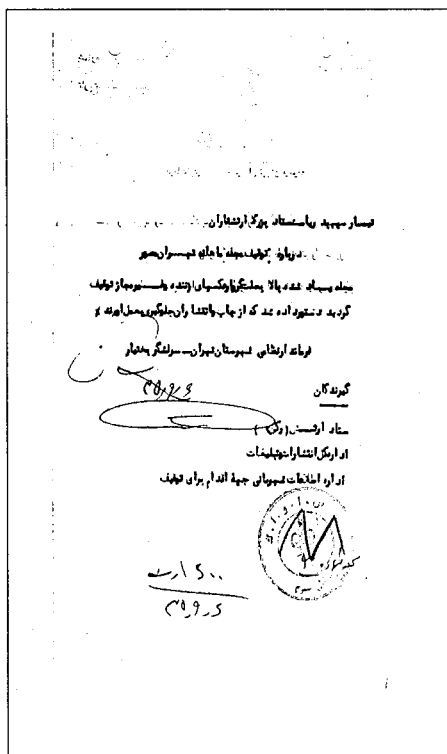
ستاد ارتش (رکن ۲)

اداره کل انتشارات و تبلیغات

اداره اطلاعات شهربانی جهت اقدام برای

توقیف

مجله شماره ۹



سند شماره ۵۶

تاریخ: ۳۵/۱۰/۹

تیمسار سپهبد ریاست ستاد بزرگ ارتشتاران
 درباره: رفع توقیف از مجله ماهانه
 تهران مصور

پیرو شماره ۱۶۰۰ / ت - ۳۵/۹/۶ چون
 مدیر مجله مزبور تعهد نموده است که منبعث از
 گراور عکسهای زنده و غیرمجاز خودداری
 نماید علیهذا دستور داده شد که از انتشار آن جلوگیری نمایند.

فرماندار نظامی شهرستان تهران سرلشگر
 بختیار

گیرندگان

ستاد ارتش (رکن ۲)

اداره کل انتشارات و تبلیغات

اداره شهربانی کل کشور جهت اقدام برای رفع

توقیف

به محرر معلی خان تحویل شد.....

۳۵/۱۰/۹

شماره: _____
 تاریخ: _____

وزارت جنگ
 فرمانداری نظامی شهرستان تهران و سرزمین

تیمسار سپهبد ریاست ستاد بزرگ ارتشتاران

دعای شماره ۰۰ رفع توقیف از مجله ماهانه تهران مصور

پیوسته شماره ۱۶۰۰ / ت - ۳۵ / ۹ / ۶ چون مدیر مجله مزبور تعهد نموده است که عکسهای زنده و غیرمجاز خودداری نماید علیهذا دستور داده شد که از انتشار آن جلوگیری نمایند.

فرمانده ارتش (رکن ۲) سرلشگر بختیار

گیرندگان
 ستاد ارتش (رکن ۲)
 اداره کل انتشارات و تبلیغات
 اداره شهربانی کل کشور جهت اقدام برای رفع توقیف

۳۵/۱۰/۹

سند شماره ۵۷

تاریخ: ۱۳۳۸/۹/۴

شماره: ۷۸۶۹

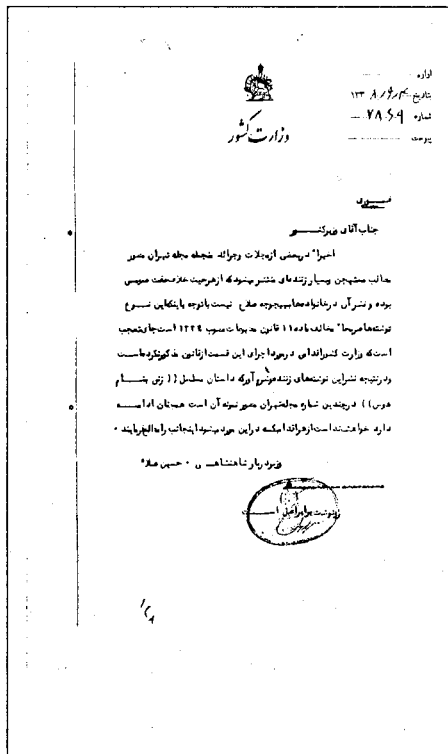
فوری

جناب آقای وزیر کشور

اخیراً در بعضی از مجلات و جرائد منجمله مجله تهران مصور مطالب مستهجن و بسیار زننده‌ای منتشر میشود که از هر حیث خلاف عفت عمومی بوده و نشر آن در خانواده‌ها بهیچوجه صلاح نیست با توجه باینکه این نوع نوشته‌ها صریحاً مخالف ماده ۱۹ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۳۱ است جای تعجب است که وزارت کشور اقدامی در مورد اجرای این قسمت از قانون مذکور نکرده است و در نتیجه نشر این نوشته‌های زننده و شرم‌آور که داستان مسلسل ((زنی بنام هوس)) در چندین شماره مجله تهران مصور نمونه آن است همچنان ادامه دارد خواهشمند است از هر اقدامیکه در این مورد میشود اینجانب را مطلع فرمایند.

وزیر دربار شاهنشاهی. حسین علاء

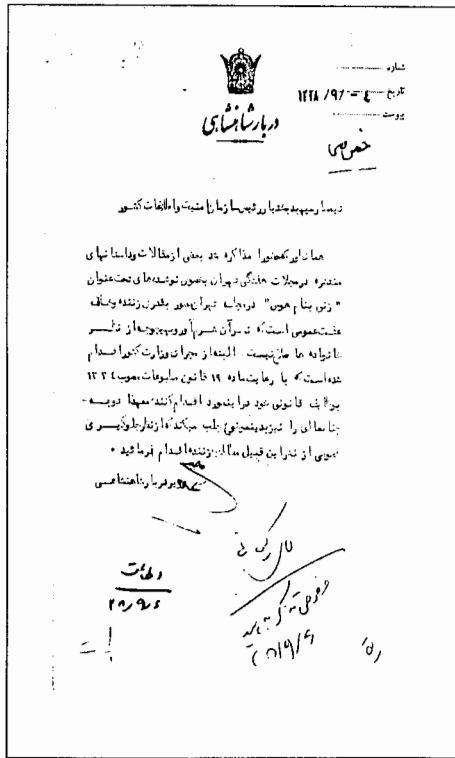
رونوشت برابر اصل است



مجموعه سند شماره ۵۸

تاریخ: ۱۳۳۸/۹/۴

تیمسار سپهبد بختیار رئیس سازمان
امنیت و اطلاعات کشور



همانطور که حضوراً مذاکره شد بعضی از مقالات و داستانهای منتشره در مجلات هفتگی تهران بخصوص نوشته‌های تحت عنوان "زنی بنام هوس" در مجله تهران مصور بقدری زننده و خلاف عفت عمومی است که نشر آن شرم‌آور و بهیچوجه از نظر خانواده‌ها صلاح نیست. البته از مجرای وزارت کشور اقدام شده است که با رعایت ماده ۱۹ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۳۴ بوظایف قانونی خود در اینمورد اقدام کنند معهذا توجه جنابعالی را نیز بدینموضوع جلب میکند که از نظر جلوگیری خصوصی از نشر این قبیل مطالب زننده اقدام فرمائید.

وزیر دربار شاهنشاهی

حسین علا

آقای کیانی

خصوصی تذکر بدهید ۳۸/۹/۶

اطاعت ۳۸/۹/۶

مجموعه سند شماره ۵۸

تاریخ: ۱۳۳۸/۹/۶

شماره: ۳۳۴۳

فوری است

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

رونوشت مرقومه شماره ۷۸۶۹ - مورخ
 ۳۸/۹/۴ وزارت دربار شاهنشاهی درباره
 نشر مقاله (زنی بنام هوس) در مجله تهران
 مصور بیوست ارسال و اشعار میدارد. چون
 انتشار مقاله مذکور مخالف با عفت عمومی و مضر
 باخلاق حسنه میباشد و بند الف ماده ۱۹ قانون
 مطبوعات هم تکلیف این قبیل نشریات را تعیین
 نموده است لذا خواهشمند است مقرر فرمائید از
 انتشار داستان مزبور جلوگیری نمایند.

وزیر کشور ...

از طرف

جلوگیری شد

۳۸/۹/۶

تاریخ: ۱۳۳۸/۹/۶
 شماره: ۳۳۴۳
 شماره ثبت: ۳۰۱۲۸۷۱۵۰۰۰۰

دو برابر مرقومه مرقوم
 اعلام میشود که سند شماره
 است با شماره ذکر شده
 ۳۰۱۲۸۷۱۵۰۰۰۰

وزارت کشور
 اداره

فوری است

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

رونوشت مرقومه شماره ۷۸۶۹ - مورخ ۳۸/۹/۴ وزارت
 دربار شاهنشاهی درباره نشر مقاله (زنی بنام هوس) در مجله
 تهران مصور بیوست ارسال و اشعار میدارد. چون انتشار مقاله
 مذکور مخالف با عفت عمومی و مضر باخلاق حسنه میباشد و بند الف
 ماده ۱۹ قانون مطبوعات هم تکلیف این قبیل نشریات را تعیین
 نموده است لذا خواهشمند است مقرر فرمائید از انتشار داستان
 مزبور جلوگیری نمایند.

وزیر کشور

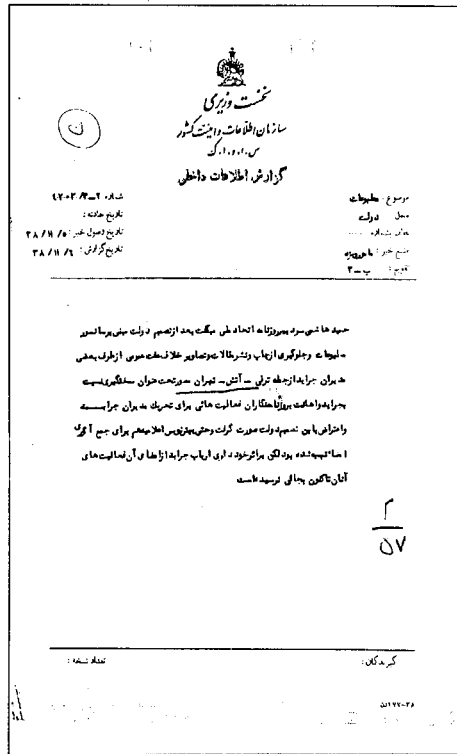
۳۸/۹/۶

مجموعه سند شماره ۵۹

تاریخ: ۳۸/۱۱/۶

شماره: ۴۷۰۳/۳-۲

حمید هاشمی سردبیر روزنامه اتحاد ملی میگفت بعد از تصمیم دولت مبنی بر سانسور مطبوعات و جلوگیری از چاپ و نشر مقالات و تصاویر خلاف عفت عمومی از طرف بعضی مدیران جراید از جمله ترقی - آتش - تهران مصور تحت عنوان سختگیری نسبت بجراید و اهانت بروزنامه نگاران فعالیت هائی برای تحریک مدیران جراید و اعتراض باین تصمیم دولت صورت گرفت و حتی پیش نویس اعلامیه هم برای جمع آوری امضاء تهیه شده بود لکن بر اثر خودداری ارباب جراید از امضای آن فعالیت های آنان تاکنون بجائی نرسیده است.

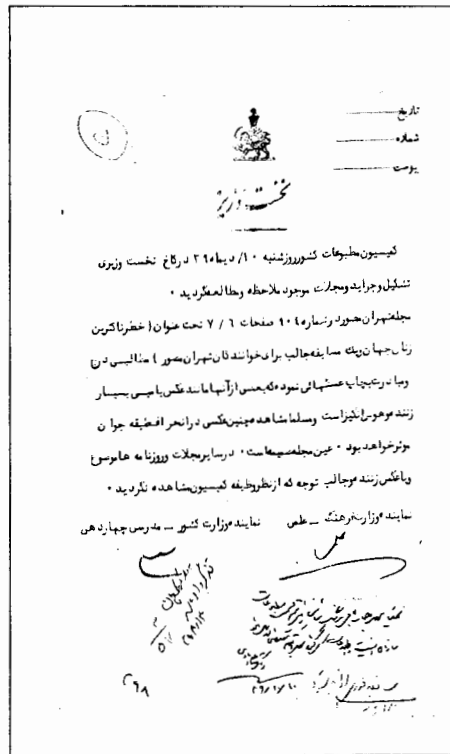


سند شماره ۶۰

تاریخ: ۳۹/۱۰/۱۰

کمیسیون مطبوعات کشور روز شنبه ۱۰ دیماه ۳۹ در کاخ نخست وزیری تشکیل و جراید و مجلات موجود ملاحظه و مطالعه گردید.

مجله تهران مصور در شماره ۹۰۴ صفحات ۶/۷ تحت عنوان (خطرناکترین زنان جهان و یک مسابقه جالب برای خوانندگان تهران مصور) مطالبی درج و مبادرت بچاپ عکسهائی نموده که بعضی از آنها مانند عکس بامبی بسیار زننده و هوس انگیز است و مسلماً مشاهده چنین عکسی در انحراف طبقه جوان موثر خواهد بود. عین مجله ضمیمه است. در سایر مجلات و



روزنامه‌ها موضوع و یا عکس زننده و جالب توجه که از نظر وظیفه کمیسیون مشاهده نگردید.

نماینده وزارت فرهنگ - علمی

نماینده وزارت کشور - مدرسی چهاردهی

به آقای کریمی... تذکر داده شد ۳۹/۹/۱۴

عیناً برای جناب آقای سرهنگ شاهین رئیس محترم قسمت مطبوعات سازمان امنیت و اطلاعات کل کشور برای اقدام مقتضی ارسال میشود دکتر

علی آبادی ۳۹/۱۰/۱۰

سابقه فوری ارائه شود ۱۰/۱۳

سند شماره ۶۱

تاریخ: ۳۹/۱۰/۲۲

در تاریخ ۲۲ دیماه ۳۹ کمیسیون بررسی مندرجات جراید و مطبوعات کشور در نخست وزیری تشکیل و مندرجات جراید و مجلات موجود مورد مطالعه قرار گرفت.

مجله تهران مصور در شماره ۹۰۶ - ۲۳/ دیماه جاری که امروز انتشار یافته در صفحه ۴۶ تصویری از هنرپیشگان فیلم (تله) چاپ و انتشار داده که ظاهراً مبتنی بر قصد انتشار آن بصورت آگهی است با وجود این نمیتوان انکار نمود که تاثیر انتشار این قبیل تصاویر در ایجاد تحریکات شهوانی و هیجانات جنسی در طبقات جوان حائز کمال اهمیت است و بهمین

جهت این کمیسیون نیز ضمن استناد بنظایر آن مکرراً درخواست نموده که برای محدود نمودن انتشار این قبیل آگهی های غیر متناسب تصمیم شایسته اتخاذ گردد (عین مجله به صورت مجلس ضمیمه گردید)

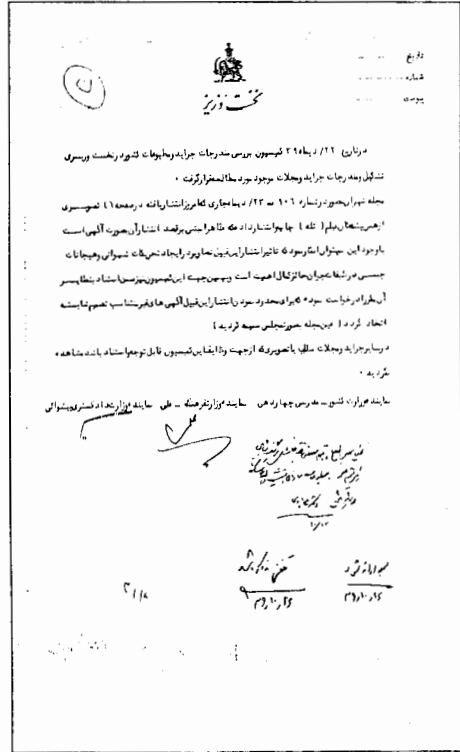
در سایر جراید و مجلات مطلب یا تصویر بیکه از جهت وظایف این کمیسیون قابل توجه و استناد باشد مشاهده نگردید.

نماینده وزارت کشور - مدرسی چهاردهی نماینده وزارت فرهنگ - علمی نماینده وزارت دادگستری - پیشوائی

عیناً برای اطلاع و اقدام مقتضی جهة جناب آقای سرهنگ شاهین رئیس محترم قسمت مطبوعات سازمان امنیت و اطلاعات کشور ... می شود. دکتر علی آبادی ۱۰/۲۲

مجله ارائه شود ۳۹/۱۰/۲۶

تلفنی مذاکره شد ۳۹/۱۰/۲۶

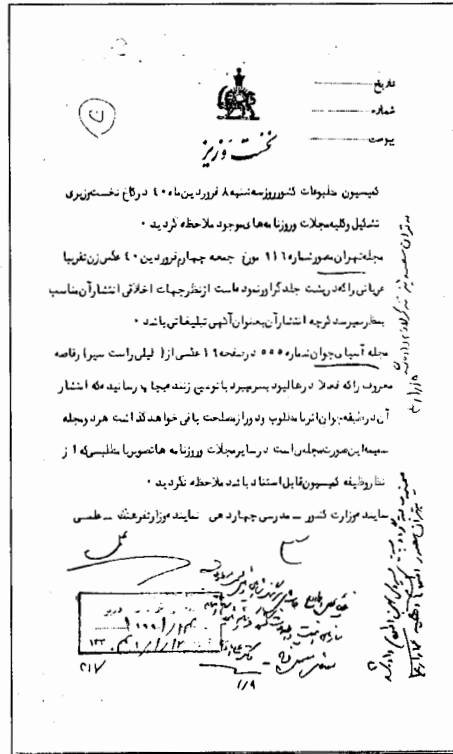


سند شماره ۶۲

تاریخ: ۴۰/۱/۹

کمیسیون مطبوعات کشور روز سه شنبه ۸ فروردین ماه ۴۰ در کاخ نخست وزیری تشکیل و کلیه مجلات و روزنامه‌های موجود ملاحظه گردید.

مجله تهران مصور شماره ۹۱۶ مورخ جمعه چهارم فروردین ۴۰ عکس زن تقریباً عربی را که در پشت جلد گراور نموده است از نظر جهات اخلاقی انتشار آن مناسب بنظر نمی‌رسد گرچه انتشار آن بعنوان آگهی تبلیغاتی باشد. مجله آسیای جوان شماره ۵۵۵ در صفحه ۱۹ عکسی از (لیلی راست سیر) رقاچه معروف را که فعلاً در هالیوود بسر میبرد با توضیح زننده



بچاپ رسانیده که انتشار آن در طبقه جوان اثر نامطلوب و دور از مصلحت باقی خواهد گذاشت هر دو مجله ضمیمه این صورت مجلس است در سایر مجلات و روزنامه‌ها تصویر یا مطلبی که از نظر وظیفه کمیسیون قابل استناد باشد ملاحظه نگردد.

نماینده وزارت کشور - مدرسه چهاردهم
نماینده وزارت فرهنگ - علمی

عیناً برای اطلاع جناب آقای سرهنگ شاهین رئیس قسمت مطبوعات سازمان امنیت و اطلاعات کشور ... اقدام مقتضی معمول فرمایند. دکتر علی‌آبادی

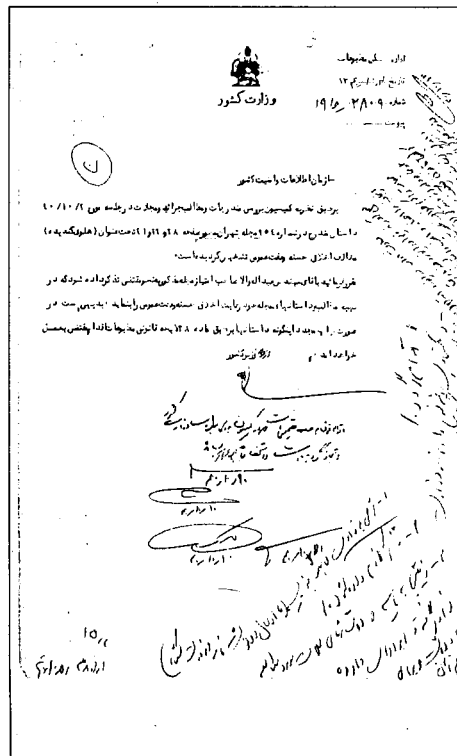
ضمیمه سابقه گردد باقای سیروس بهمن اطلاع داده شد تهران مصور اطلاع دهید ۴۰/۱/۱۴

به تهران مصور نیز تذکر لازم داده شد ۴۰/۱/۱۵

سند شماره ۶۳

تاریخ: ۱۳۴۰/۱۰/۴

شماره: ۲۸۰۹/ط ۱۹



سازمان اطلاعات و امنیت کشور*

بر طبق نظریه کمیسیون بررسی مندرجات

و مطالب جرائد و مجلات در جلسه مورخ

۴۰/۱۰/۲ داستان مندرج در شماره ۹۵۴

مجله تهران مصور صفحه ۲۸ و ۲۹ و ۴۱ تحت

عنوان (هلوی گنبدیده) مخالف اخلاق حسنه و

عفت عمومی تشخیص گردیده است.

مقرر فرمائید آقای مهندس عبدالله والا

صاحب امتیاز مجله مذکور به نحو مقتضی تذکر

داده شود که در تهیه مطالب و داستانهای مجله

خود رعایت اخلاق حسنه و عفت عمومی را

بنماید. بدیهی است در صورت چاپ مجدد اینگونه داستانها بر طبق ماده ۳۸ لایحه قانونی

مطبوعات اقدام مقتضی بعمل خواهد آمد.

از طرف وزیر کشور

اقدام فوق به حسب تصمیمی است که در کمیسیون بررسی مطبوعات وزارت کشور اتخاذ گردیده است و استحضاراً

۴۰/۱۰/۱۰

بعرض میرساند

۱- شرحی بوزارت فرهنگ بنویسید (با ارسال رونوشت نامه وزارت کشور) ۲- تذکر لازم داده شود ۳- ترتیبی بدهید که

داستانهای مجلات مورد مطالعه قرار گرفته و ایرادات وارده یادداشت و برای رفع آن اقدام گردد.

معاونت اداره در اینمورد اقدام لازم بعمل آورند زیرا در اینمورد چند بار با تیمسار... اینجناب را احضار و اغلب

داستانهای مجلات را که برخلاف عفت و اخلاق عمومی بود ارائه و تذکراتی فرمودند که طبق قانون تکلیف همه ... و

۴۰/۱۰/۱۲

باید از این مندرجات بشدت جلوگیری شود

سند شماره ۶۴

تاریخ: ۴۱/۱/۲۸

شماره: ۵۳۶ / ن الف

اداره مجله تهران مصور

با کمال تأسف مجدداً مشاهده شده است که در انتخاب عکس روی جلد شماره ۲۲۱ آن مجله جنبه اخلاق و وقت عصبی در رفتار گرفته نشده و روی جلد مزبور بطرز موهنی چاپ و منتشر گردیده است لذا تذکر می‌دهد که در صورت تکرار مشابه خود داری شود چه این اداره ناگزیر خواهد بود که در صورت تکرار مشابه عکس و مطالب مشابه بوظایف قانونی خود عمل نموده اقدام لازم جهت قطع چاپ و انتشار آنها بعمل آورد.


رئیس اداره مطبوعات و تالیف و ترجمه - اخروی
گیرنده

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

بسیاقه پیوست شود ۴۰/۲/۹

بایگانی شود ۱/۲۹

محترماً بعرض میرسد ۴۱/۲/۹



وزارت فرهنگ

اداره _____

شماره _____

تاریخ _____

جنبه _____

اداره مجله تهران مصور

با کمال تأسف مجدداً مشاهده شده است که در انتخاب عکس روی جلد شماره ۲۲۱ آن مجله جنبه اخلاق و وقت عصبی در رفتار گرفته نشده و روی جلد مزبور بطرز موهنی چاپ و منتشر گردیده است لذا تذکر می‌دهد که در صورت تکرار مشابه خود داری شود چه این اداره ناگزیر خواهد بود که در صورت تکرار مشابه عکس و مطالب مشابه بوظایف قانونی خود عمل نموده اقدام لازم جهت قطع چاپ و انتشار آنها بعمل آورد.

رئیس اداره مطبوعات و تالیف و ترجمه - اخروی

۴۱/۱/۲۸

۲۸/۱

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

۴۰/۲/۹

بایگانی شود

۱/۲۹

مجموعه سند شماره ۶۵

تاریخ: ۴۱/۳/۳

موضوع: گزارش

محترماً باستحضار میرساند این بار نیز مجله تهران مصور شماره ۹۷۷ در صفحه ۱۰ مبادرت بچاپ عکس زنده‌ای که مغایر با عفت عمومی میباشد نموده است. همچنین در صفحه ۵۵ این مجله تحت عنوان (بکوری چشم فرشته عدالت) مطالبی نوشته شده که از حرمت قابل توجه میباشد. همچنین در صفحه ۱۵ همین مجله مقاله‌ای (تحت عنوان قرص جوانی چارلی چاپلین) درج شده که بهیچوجه رعایت عفت قلم در آن نشده است.

مراتب استحضار از عرض عالی گذشت

بخش ۳۳۵ بسابقه پیوست شود ۴۱/۳/۱۲

بایگانی شود ۳/۱۳

گیرنده	تاریخ: ۴۱/۳/۳
فرستنده	شماره: ۴۱/۳/۳
شماره پرو	شماره پرونده: ۴۱/۳/۳
پیوست	شماره پرونده پیوسته: ۴۱/۳/۳
موضوع: گزارشی	
مدرتاً باستحضار میرساند این بار نیز مجله تهران مصور شماره ۹۷۷ در صفحه ۱۰ مبادرت بچاپ عکس زنده‌ای که مغایر با عفت عمومی میباشد نموده است.	
همچنین در صفحه ۵۵ این مجله تحت عنوان (بکوری چشم فرشته عدالت) مطالبی نوشته شده که از حرمت قابل توجه میباشد.	
همچنین در صفحه ۱۵ همین مجله مقاله‌ای (تحت عنوان قرص جوانی چارلی چاپلین) درج شده که بهیچوجه رعایت عفت قلم در آن نشده است.	
مراتب استحضار از عرض عالی گذشت	
۴۱/۳/۳ ۵۷۸۲ ۳/۱۳	

مجموعه سند شماره ۶۵

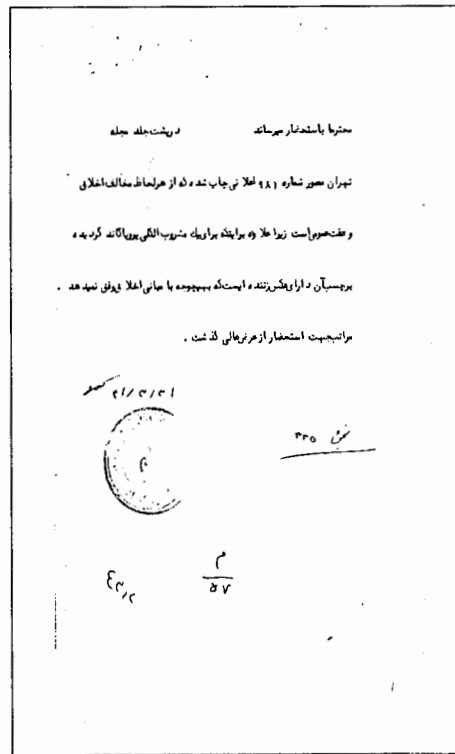
تاریخ: ۴۱/۳/۳۱

محترماً باستحضار میرساند در پشت جلد
مجله تهران مصور شماره ۹۸۱ اعلانی چاپ
شده که از هر لحاظ مخالف اخلاق و عفت
عمومی است زیرا علاوه بر اینکه برای یک
مشروب الکلی پروپاگاندا گردیده برحسب آن
دارای عکس زننده ایست که بهیچوجه با مبانی
اخلاق وفق نمیدهد.

مراتب جهت استحضار از عرض عالی گذشت.

۴۱/۳/۳۱

بخش ۳۳۵



مجموعه سند شماره ۶۷

گیرنده: وزارت کشور تاریخ: ۴۱/۴/۷
 فرستنده: ساواک شماره: ۳۳۵/۹۹۹۸

مجله تهران مصور مورخه ۴۱/۴/۱
 مطالبی بشرح زیر برخلاف اخلاق و عفت
 عمومی درج نموده است.

۱- در ستون کوچیک کوچیک زیر عنوان (در
 شرق و غرب) از رقص تازه مدرن هنری لندن
 بنام رقص قطار با چاپ کاریکاتور شرحی
 نوشته که نتیجه داستان پس از رقص رفتن
 باطاق خواب و بوجود آمدن ۵ هزار کودک
 نامشروع از مادران کمتر از پانزده سال است.

۲- داستان دیگری تحت عنوان (دلی در تندباد
 هوس) دورنمای داستانی از مستعان است که از
 لحاظ موضوع بسیار زننده بنظر میرسد.

متمنی است مقرر فرمایند تذکرات لازم در
 موارد بالا بمدیر مسئول مجله مزبور داده شود.
 از طرف رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور.

سرلشگر پاکروان ۴۱/۴/۵

تهیه کننده داوری

رئیس بخش... ۴۱/۴/۵

گیرنده: وزارت کشور	تاریخ: ۴۱/۴/۷
فرستنده: ساواک	شماره: ۳۳۵/۹۹۹۸
موضوع: مطالبی بشرح زیر برخلاف اخلاق و عفت عمومی درج نموده است.	
<p>مجله تهران مصور مورخه ۴۱/۴/۱ (مطالبی بشرح زیر برخلاف اخلاق و عفت عمومی درج نموده است.)</p> <p>۱- در ستون کوچیک کوچیک زیر عنوان (در شرق و غرب) از رقص تازه مدرن هنری لندن بنام رقص قطار با چاپ کاریکاتور شرحی نوشته که نتیجه داستان پس از رقص رفتن باطاق خواب و بوجود آمدن ۵ هزار کودک نامشروع از مادران کمتر از پانزده سال است.</p> <p>۲- داستان دیگری تحت عنوان (دلی در تندباد هوس) دورنمای داستانی از مستعان است که از لحاظ موضوع بسیار زننده بنظر میرسد.</p> <p>متمنی است مقرر فرمایند تذکرات لازم در موارد بالا بمدیر مسئول مجله مزبور داده شود. از طرف رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور.</p>	
رئیس بخش: [امضاء]	تاریخ: ۴۱/۴/۷

مجموعه سند شماره ۶۷

تاریخ: ۱۳۴۱/۵/۱۳

شماره: ۱۹/۱۴۱۴ ط

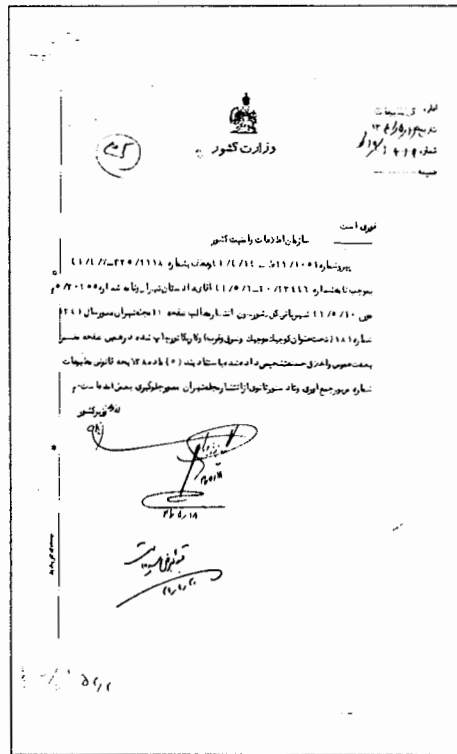
فوری است

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

پیرو شماره ۱۹/۱۰۵۱ ط - ۴۱/۴/۱۴ و
عطف بشماره ۳۳۵/۹۹۹۸ - ۴۱/۴/۷
بموجب نامه شماره ۲۰/۲۳۴۴۶ - ۴۱/۵/۶
آقای دادستان تهران و نامه شماره ۵/۳۰۲۵۵
م مورخ ۴۱/۵/۱۰ شهربانی کل کشور چون
انتشار مطالب صفحه ۱۲ مجله تهران مصور
سال ۱۳۴۱ شماره ۹۸۱ (تحت عنوان کوچیک
موجیک و شرق و غرب) و کاریکاتور چاپ
شده در همین صفحه مضر بعفت عمومی و
اخلاق حسنه تشخیص داده شده باستناد بند
(۵) ماده ۳۸ لایحه قانون مطبوعات شماره
مزبور جمع آوری و تا دستور ثانوی از انتشار
مجله تهران مصور جلوگیری بعمل آمده است.
از طرف وزیر کشور

بایگانی شود ۴۱/۵/۱۸

قبلاً بعرض رسیده است ۴۱/۵/۲۰



سند شماره ۶۸

تاریخ: ۴۱/۸/۱۴

جلسه کمیسیون رسیدگی بمطالب و مندراجات جراید و مجلات با حضور نمایندگان مربوطه در تاریخ ۴۱/۸/۱۰ در اداره کل مطبوعات وزارت کشور تشکیل پس از رسیدگی بمندراجات و مطالب روزنامه‌های روز مذکور نظر بر اینکه مطالب مندرج در صفحات ۵۴ و ۵۵ شماره ۱۰۰۰ مورخ ۴۱/۸/۱۰ تهران مصور مخالف اصول اخلاق و عفت عمومی تشخیص گردید علیهذا مقرر گردید از طریق وزارت کشور تذکرات لازم بصاحب امتیاز مجله مزبور داده شود.

۴
۵۷ بایگانی شود

تاریخ	گیرنده
شماره	زیرنامه
شماره پرونده	شماره پرونده
شماره دستور	پوست

مختصات وزارت
سازمان اطلاعات و ارتباطات کشور
تهران، وادی

(ن)

موضوع

جلسه کمیسیون رسیدگی بمطالب مندرجات جراید و مجلات با حضور نمایندگان مربوطه در تاریخ ۴۱/۸/۱۰ در اداره کل مطبوعات وزارت کشور تشکیل پس از رسیدگی بمندراجات و مطالب روزنامه‌های روز مذکور تشخیص گردید علیهذا مقرر گردید از طریق وزارت کشور تذکرات لازم بصاحب امتیاز مجله مزبور داده شود.

۵۱۴

۷۵۲



۲۳۰۵۳۶

سند شماره ۶۹

تاریخ: ۴۱/۱۲/۲۹

شماره: ۳۳۵

محترماً باستحضار میرساند مجله تهران مصور شماره مخصوص فروردین ماه در صفحات ۶۴ و ۶۸ و ۸۳ و ۸۶ و ۸۱ مبادرت بدرج آگهی‌های مربوط به مشروبات الکلی نموده و یکی از این آگهی‌ها دارای عکس زننده ایست که یکبار هم در سال گذشته بخاطر درج همین آگهی مجله توقیف گردیده بود.

گرفته	تاریخ - ۴۱/۱۲/۲۹
فرستاده	شماره
شماره	شماره پرونده گرفته
پست	شماره پرونده فرستاده
 وزارت بهداشت و آموزش عالی سازمان حفاظت بهداشت و درمان	
موضوع: ۱	
مقرر با دستور کار میسرانند مجله تهران مصور	
شماره ماهی فروردین ماه در صفحات ۶۴ و ۸۳ و ۸۶ و ۸۱	
و ۸۱ مبادرت بدرج آگهی‌های مربوط به مشروبات الکلی نموده	
و یکی از این آگهی‌ها دارای عکس زننده ایست که یکبار هم در	
سال گذشته بخاطر درج همین آگهی مجله توقیف گردیده بود.	
۴۳۵ ۱۹ آذر ۱۳۴۱	
	
۷۸۰۰	۱۳۴۱-۲۸

سند شماره ۷۰

تاریخ: ۴۲/۵/۲۴

اطلاعیه

طبق اطلاع رسیده از قزوین انتشار مجله تهران مصور مورخه ۴۲/۵/۱۷ با عکس دختران کنار ساحل ایران در موقعیتی که ملامها بر علیه دولت و آزادی زنان تحریکات دامنه‌داری میکنند صلاح نمیباشد. این قبیل تصاویر زننده صرفنظر از اینکه محیط سالم خانواده‌ها را ناراحت میکند برای مخالفان دولت مخصوصا ملامها وسیله بسیار خوبی است که دامنه تحریکات خودشانرا زیاد کنند.

بایگانی شود... ۶/۳

اطلاعیه

۴۲/۵/۱۷

طبق اطلاع رسیده از قزوین انتشار مجله تهران مصور مورخه ۴۲/۵/۱۷ با عکس دختران کنار ساحل ایران در موقعیتی که ملامها بر علیه دولت و آزادی زنان تحریکات دامنه‌داری میکنند صلاح نمیباشد. این قبیل تصاویر زننده صرفنظر از اینکه محیط سالم خانواده‌ها را ناراحت میکند برای مخالفان دولت بدسرمد ملامها وسیله بسیار خوبی است که دامنه تحریکات خودشانرا زیاد کنند.

۶/۳

سند شماره ۷۱

از: بخش ۳۲۵ تاریخ: ۴۶/۱۲/۱۷

مجله تهران مصور شماره ۱۲۷۸ مورخ ۴۶/۱۲/۱۸ در صفحه ۳۵ تحت عنوان "خاطرات یک ولگرد نوشته جهانگیر هدایت" مطالبی بر خلاف عفت عمومی درج نموده که عیناً به پیوست تقدیم میگردد.

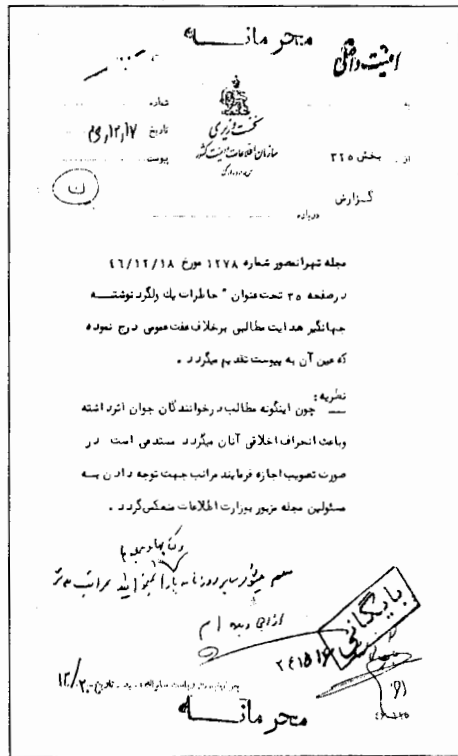
نظریه:

چون اینگونه مطالب در خوانندگان جوان اثر داشته و باعث انحراف اخلاقی آنان میگردد مستدعی است در صورت تصویب اجازه فرمایند مراتب جهت توجه دادن به مسئولین مجله مزبور بوزارت اطلاعات منعکس گردد. معلوم میشود سایر روزنامه‌ها و کتابها و مجله‌ها را

نمیخوانید

بمراتب بدتر از این دیده‌ام [نصیری]

بایگانی شود...

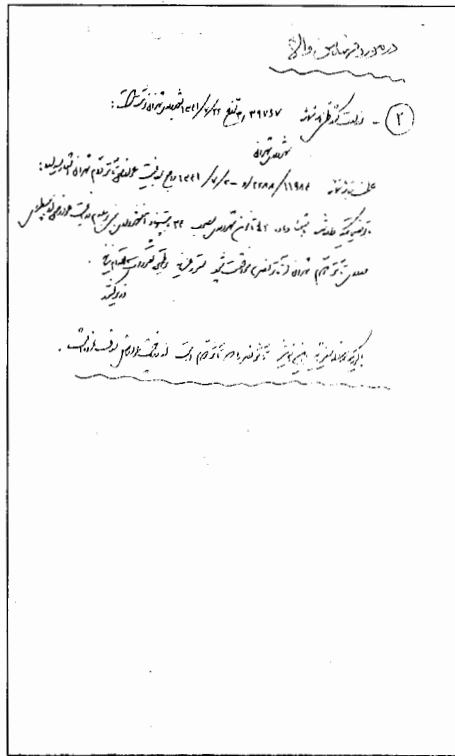


شهرداری تهران

عطف بنامه شماره ۱۱۶۸۴ / ۲۲۸۸ / و
 ۱۳۴۱/۷/۳ راجع بمعافیت عوارض تأثر دوّم
 تهران اشعار میدارد:
 با توضیحاتیکه داده شده بااستناد ماده ۴۲
 قانون شهرداری مصوب ۳۴ با پیشنهاد
 آنشهرداری مبنی بر عدم دریافت عوارض از
 بلیطهای ورودی تأثر دوّم تهران (تأثر نصر)
 موافقت میشود مقرر فرمایند بر طبق مقررات
 اقدام نمایند.

وزیر کشور

بطوریکه ملاحظه میفرمائید با این نامه نیز تأثر
 نصر را که تأثر دوّم اوست از پرداخت عوارض



معاف نموده است.

۳- هنرهای زیبای کشور طی نامه شماره ۱۵۱۷/۴۶۹-۱۰ مورخ ۴۲/۸/۱۶ به شهرداری تهران
 می نویسد:

شهرداری تهران

بدینوسیله گواهی میشود که تأثر کسری مؤسسه هنری وابسته به هنرهای زیبای کشور است.
 خواهشمند است مقرر فرمائید با توجه به نامه شماره ۱۳۱۵۵۵ - ۴۱/۵/۲۳ وزارت کشور
 مؤسسه نامبرده بالا را از پرداخت عوارض معارف دارند (یعنی تأثر سوّم او را)

از طرف رئیس هنرهای زیبای کشور

یعنی عبارت اخری تأثر سوم او هم از پرداخت مالیات معاف شد و از اینراه نیز شبانه مبالغ هنگفتی

بعجیب مهندس والا ریخته شد

مجموعه سند شماره ۷۲
در مورد مهندس عبدالله والا

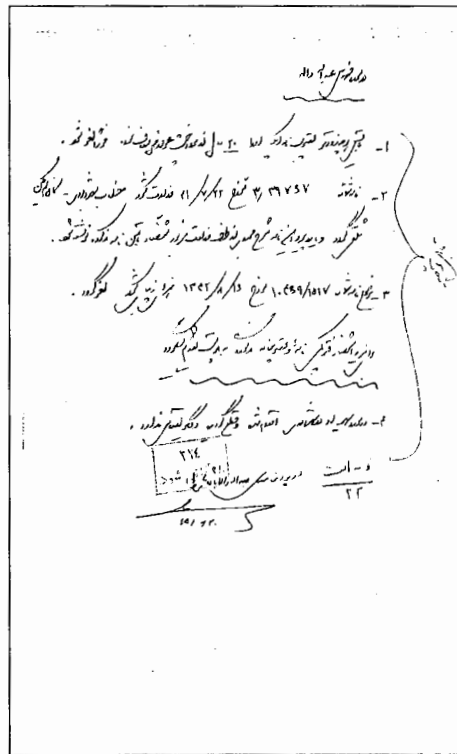
۱- بایستی هر چه زودتر تصویب نامه‌ایکه او را ۲۰ سال از پرداخت عوارض معاف نموده فوراً لغو شود.

۲- نامه شماره ۳/۳۹۷۶۷ مورخ ۴۱/۷/۲۲ وزارت کشور خطاب بشهرداری - کان لم یکن تلقی گردد و یا در پیرو این نامه شرح مجددی از طرف وزارت مزبور متضاد با متن نامه مذکوره نوشته شود.

۳- موضوع نامه شماره ۱۰۴۶۹/۱۵۱۷ مورخ ۱۳۴۲/۸/۱۶ هنرهای زیبای کشور لغو گردد. برای مزید استحضار فتوکپی نامه و تصویبنامه مذکوره به پیوست تقدیم میگردد.

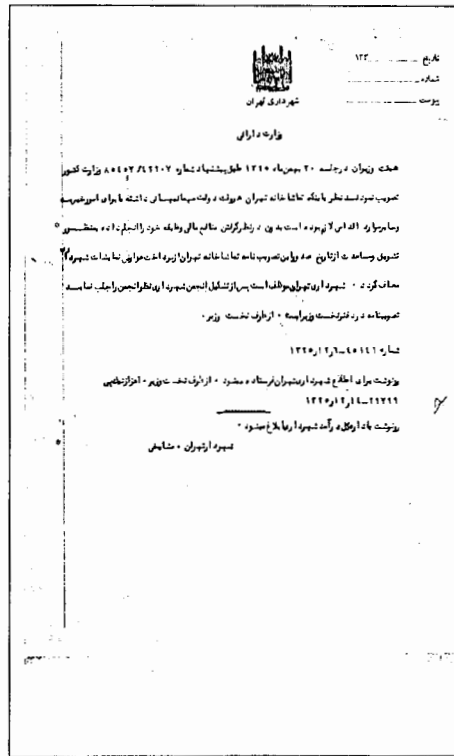
۴- در مورد سهمیه او در شهرداری اقدام شده و قطع گردیده و دیگر اقدامی ندارد.

و- الف در پرونده مهندس عبدالله والا بایگانی شود



مجموعه سند شماره ۷۲
وزارت دارائی

هیئت وزیران در جلسه ۳۰ بهمن ماه ۱۳۲۵ طبق پیشنهاد شماره ۸۵۴۵۷/۴۲۲۰۷ وزارت کشور و تماشاخانه تهران هر وقت دولت مهمانیهای داشته یا برای امور خیریه و سایر موارد اقدامی لازم بوده است بدون در نظر گرفتن منافع مالی و مساعدت از تاریخ صدور این تصویب نامه تماشاخانه تهران از پرداخت عوارض نمایشات شهرداری معاف گردد. شهرداری تهران موظف است پس از تشکیل انجمن شهرداری نظر انجمن را جلب نماید تصویب نامه



در دفتر نخست وزیر است.

از طرف نخست وزیر.

شماره ۴۵۱۴۱-۱۲/۶-۱۳۲۵

رونوشت برای اطلاع شهرداری تهران فرستاده میشود. از طرف نخست وزیر. اعزاز نیک پی

۲۹۷۹۹-۱۲/۱۴-۱۳۲۵

رونوشت با اداره کل درآمد شهرداری ابلاغ میشود.

شهردار تهران. مشایخی

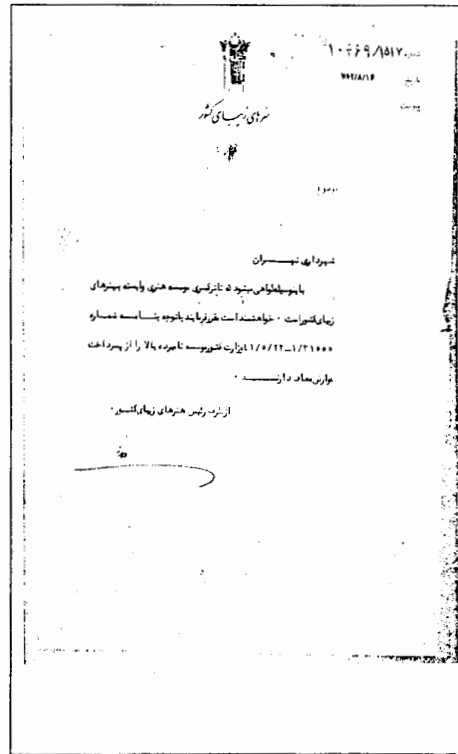
مجموعه سند شماره ۷۲

تاریخ: ۱۳۴۲/۸/۱۶

شماره: ۱۰۴۶۹/۱۵۱۷

شهرداری تهران

باینوسیله گواهی میشود که تاتر کسری
موسسه هنری وابسته بهنرهای زیبای کشور
است. خواهشمند است مقرر فرمایند با توجه
بنامه شماره ۱/۳۱۵۵۵ - ۴۱/۵/۲۳ وزارت
کشور موسسه نامبرده بالا را از پرداخت
عوارض معاف دارند.
از طرف رئیس هنرهای زیبای کشور.



مجموعه سند شماره ۷۲

تاریخ: ۴۵/۵/۲۵

شماره: ۱۵۹۲

خیلی فوری است

ریاست محترم اداره حسابداری مجلس

شورایملی

پیرو نامه شماره ۴۲۱۱ مورخ ۴۳/۵/۱۷

خواهشمند است دستور فرمائید از نتیجه

اقدامات معموله در مورد کسر بدهی آقای

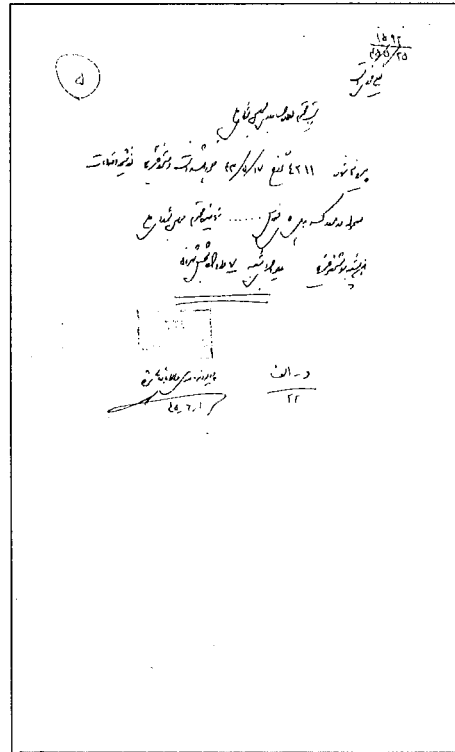
مهندس..... نماینده محترم مجلس شورای

ملی این شعبه را...فرمایند

مدیر اجرای شعبه ۷ دادگاه بخش تهران

و-الف
۲۲

در پرونده مهندس والا بایگانی شود ۴۵/۶/۱



مجموعه سند شماره ۷۲

مهندس والا مبلغ ۸۰۰۰۰۰۰ ریال به
 محمود فرهمند کاغذ فروش واقع در خیابان
 ناصر خسرو بدهکار است و از قرار معلوم چند
 طغری سفته و اخواست شده در دست او میباشد
 در پرونده مهندس والا ضمیمه شود ۴۵/۶/۸
 ۴۵/۶/۱۰

④
 رقم در مبلغ ۸۰۰۰۰۰۰ ریال
 محمود فرهمند کاغذ فروش واقع
 در خیابان ناصر خسرو بدهکار است و از
 قرار معلوم چند طغری سفته و اخواست شده
 در دست او میباشد
 پرونده مهندس والا ضمیمه شود
 ۴۵/۶/۸
 ۴۵/۶/۱۰

مجموعه سند شماره ۷۲

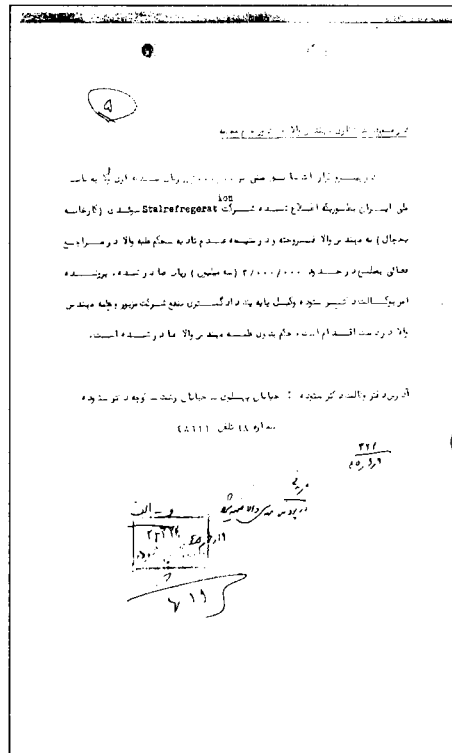
تاریخ ۴۵/۶/۹

شماره: ۳۲۴

در مورد بدهکاری مهندس والا و صدور حکم

محکمه

در پیرو گزارشات سابق مبنی بر
 ۸/۰۰۰/۰۰ ریال بدهکاری والا به بانک ملی
 ایران بطوریکه اطلاع شده شرکت
 Stalrefrigeration سوئدی (کارخانه
 یخچال) به مهندس والا فروخته و در نتیجه
 عدم تادیه حکم علیه والا در مراجع قضائی
 بمبلغ در حدود ۳/۰۰۰/۰۰۰ (سه میلیون)
 ریال صادر شده. پرونده امر بوکالت دکتر
 ستوده وکیل پایه یک دادگستری بفتح شرکت



مزبور و علیه مهندس والا در دست اقدام است و حکم بدوی علیه مهندس والا صادر شده است.

آدرس دفتر وکالت دکتر ستوده: خیابان بهلوی - خیابان رشت - کوچه دکتر ستوده شماره ۹۸

تلفن ۴۸۶۱۱

آقای مدنی

در پرونده مهندس والا ضمیمه شود ۴۵/۶/۱۹

و-الف
 ۲۲

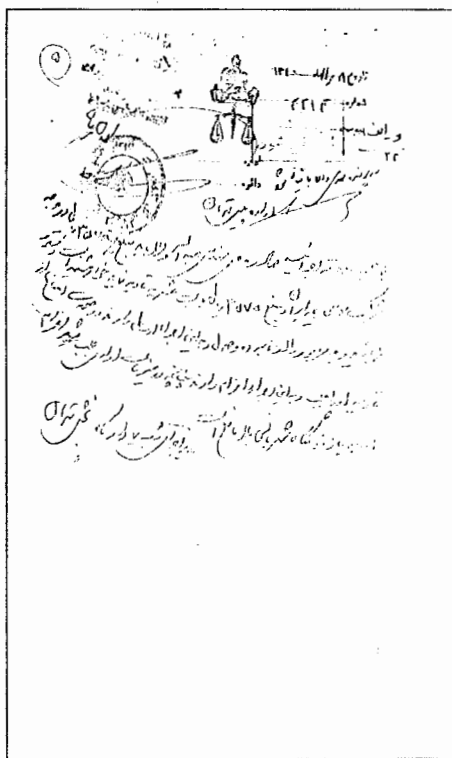
مجموعه سند شماره ۷۲

تاریخ: ۱۳۴۰/۱۱/۸

شماره: ۴۲۱۴

اداره پلیس تهران

بموجب... اجرائیه صادره آقای مهندس
عبداله والا باید مبلغ / ۳۵۷۵۰ ریال در وجه
شرکت سهامی بیمه ایران و مبلغ ۳۵۷۵ ریال
بابت شهریه تادیه نماید خواهشمند است
دستور فرمائید وجه مزبور را از نامبرده وصول
و به این اجراء ارسال دارند در صورت امتناع از
تادیه او را جلب و به این اجراء اعزام دارند
چنانچه در غیر ساعت اداری جلب شد اعزام او
به بازداشتگاه شهربانی بلامانع است
مدیر اجرای شعبه ۷ دادگاه بخش تهران



سند شماره ۷۳

از: دفتر تیمسار ریاست تاریخ: ۴۵/۶/۲۹

گزارش مالیاتی

در مورد وضع بدهی مالیاتی: مهندس عبدالله والا - دکتر عسکری - مهندس نصرت‌اله احدپور - سلیمان انوشیروانی - سیروس بهمن - مهندس رحمت‌اله مقدم - بهرام شاهرخ بدرائیه‌های مناطق ۱-۲-۳-۴-۵-۶ - شمیرانات - اداره اجرا و وصول - اداره اجراء سازمان تشخیص - اداره ارث و دوایر مربوطه - نتیجه مطالعات را بشرح زیر عرض میرساند:

۱- مهندس عبدالله والا:

الف - در دارائی منطقه ۳ دارای پرونده کلاسه ۱۶ مشاغل آزاد (موضوع تاتر نصر -

مجله تهران مصور) بوده و بابت مالیات ۴۲ و ۴۳ مبلغ ۵۲۶۴۴۰ ریال مطالبه و بموجب رای شماره ۲۴۰۶ هیئت اختلاف قرار رفع نقص صادر شده است.

۴۴/۹/۸

نتیجه

مالیات ۴۲ و ۴۳ قطعی نشده و ۴۴ و ۴۵ مطالبه نگردیده است

ب - مهندس عبدالله والا در دارائی منطقه ۴ دارای پرونده کلاسه ۶۳۲۰ مستغلات بوده (موضوع مستغلات اجاره‌ای ردیف ۹۶۶ و ۹۴۸ و ردیف ۱۲۵ بخش ۶۷ و ردیف ۸۸۷ بخش ۷۲) و بابت مالیات سال ۴۳ عملکرد ۴۲ مبلغ ۱۸۷۴۴ ریال بموجب پیش‌آگهی شماره ۳۶۵۹۱ - ۴۳/۸/۹ و مبلغ - /۰/۰ ۶۵۷۸۴۰ ریال بموجب پیش‌آگهی متمم شماره ۲۷۸۵۷ - ۴۵/۶/۱۷ مطالبه شده است.

نتیجه

مالیات عملکرد ۴۲ قطعی نشده و مالیات عملکرد ۴۳ و ۴۴ مطالبه نگردیده است.

گزارش مالیاتی

در مورد وضع بدهی مالیاتی: مهندس عبدالله والا - دکتر عسکری - مهندس نصرت‌اله احدپور - سلیمان انوشیروانی - سیروس بهمن - مهندس رحمت‌اله مقدم - بهرام شاهرخ بدرائیه‌های مناطق ۱-۲-۳-۴-۵-۶ - شمیرانات - اداره اجرا و وصول - اداره اجراء سازمان تشخیص - اداره ارث و دوایر مربوطه - نتیجه مطالعات را بشرح زیر عرض میرساند:

۱- مهندس عبدالله والا:

الف - در دارائی منطقه ۳ دارای پرونده کلاسه ۱۶ مشاغل آزاد (موضوع تاتر نصر - مجله تهران مصور) بوده و بابت مالیات ۴۲ و ۴۳ مبلغ ۵۲۶۴۴۰ ریال مطالبه و بموجب رای شماره ۲۴۰۶ هیئت اختلاف قرار رفع نقص صادر شده است.

نتیجه

مالیات ۴۲ و ۴۳ قطعی نشده و ۴۴ و ۴۵ مطالبه نگردیده است.

ب - مهندس عبدالله والا در دارائی منطقه ۴ دارای پرونده کلاسه ۶۳۲۰ مستغلات بوده (موضوع مستغلات اجاره‌ای ردیف ۹۶۶ و ۹۴۸ و ردیف ۱۲۵ بخش ۶۷ و ردیف ۸۸۷ بخش ۷۲) و بابت مالیات سال ۴۳ عملکرد ۴۲ مبلغ ۱۸۷۴۴ ریال بموجب پیش‌آگهی شماره ۳۶۵۹۱ - ۴۳/۸/۹ و مبلغ - /۰/۰ ۶۵۷۸۴۰ ریال بموجب پیش‌آگهی متمم شماره ۲۷۸۵۷ - ۴۵/۶/۱۷ مطالبه شده است.

نتیجه

مالیات عملکرد ۴۲ قطعی نشده و مالیات عملکرد ۴۳ و ۴۴ مطالبه نگردیده است.

ج - مهندس عبدالله والا در دارائی شمیرانات دارای پرونده کلاسه ۶۳۲۰ مستغلات (موضوع مستغلات اجاره‌ای ردیف ۱۱۴ بخش ۱۰ - شمیران و ردیف ۱۳۴ بخش ۱۰ - شمیران) ساخته که تاریخ صدور آن ۴۴/۸/۳ بوده و هزینه مالیات مطالبه نشده است.

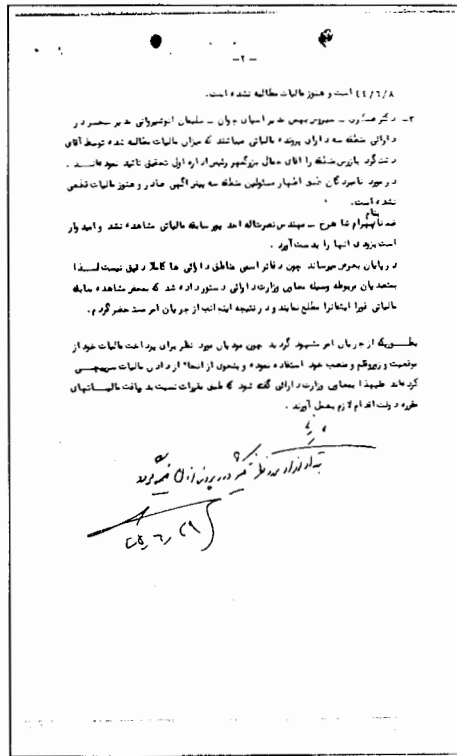
نتیجه

مالیات عملکرد ۴۲ و ۴۳ مستغلات دارای شمیران بوده (موضوع مستغلات اجاره‌ای ردیف ۸۱۱ بخش ۷ - شمیران - دوایره دارنده سابقه - / / ۲۱۱۰۰۰ ریال که تاریخ صدور

ج - مهندس عبدالله والا در دارائی شمیرانات دارای پرونده کلاسه ۴۵۶۳ مستغلات (موضوع مستغل اجاره‌ای ردیف ۱۱۴ بخش ۱۰ شمیران و ردیف ۱۳۴ بخش ۱۰ شمیران) میباشد که تاریخ ممیزی آن ۴۴/۸/۳ بوده و هنوز مالیات مطالبه نشده است.

۲- مهندس رحمت‌الله مقدم: دارای پرونده کلاسه ۵۱۷۷ مستغلات دارائی شمیران بوده (موضوع مستغل اجاره‌ای ردیف ۸۶۴ بخش ۷ شمیران - داودیه با درآمد سالیانه - /۲۱۶۰۰۰ ریال که تاریخ ممیزی ۴۴/۶/۸ است و هنوز مالیات مطالبه نشده است.

۳- دکتر عسکری - سیروس بهمن مدیر آسیای جوان - سلیمان انوشیروانی مدیر سحر در دارائی منطقه سه دارای پرونده مالیاتی میباشد که میزان



مالیات مطالبه شده توسط آقای دشتگرد بازرس منطقه را آقای جمال بزرگوار رئیس اداره اول تحقیق تأیید نموده‌اند. در مورد نامبرگان طبق اظهار مسئولین منطقه سه پیش‌آگهی صادر و هنوز مالیات قطعی نشده است. ضمناً بنام بهرام شاهرخ - مهندس نصرت‌الله احدپور سابقه مالیاتی مشاهده نشد و امیدوار است بزودی آنها را بدست آورد.

در پایان عرض میرساند چون دفاتر اسمی مناطق دارائی‌ها کاملاً دقیق نیست لذا بمتصدیان مربوطه وسیله معاون وزارت دارائی دستور داده شد که بمحض مشاهده سابقه مالیاتی فوراً ایشانرا مطلع نمایند و در نتیجه اینجانب از جریان امر مستحضر گردم. بطوریکه از جریان امر مشهود گردید چون مودیان مورد نظر برای پرداخت مالیات خود از موقعیت و زور و قلم و منصب خود استفاده نموده و بنحوی از انحاء از دادن مالیات سرپیچی کرده‌اند علیهذا بمعاون وزارت دارائی گفته شود که طبق مقررات نسبت بدریافت مالیاتهای مقرر دولت اقدام لازم بعمل آورند.

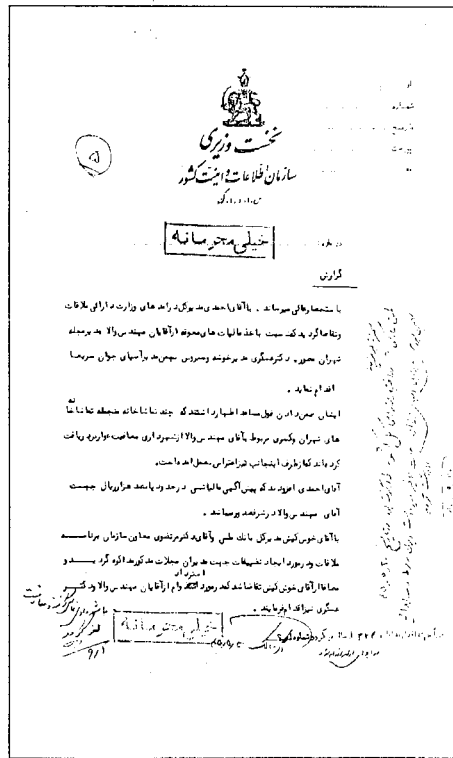
آقای مدنی بتعداد افراد مورد نظر تکثیر و در پرونده آنان ضمیمه گردد ۴۵/۶/۲۹

مجموعه سند شماره ۷۴

تاریخ: ۴۵/۵/۳۰

گزارش

باستحضار عالی میرساند. با آقای احمدی مدیر کل درآمدهای وزارت دارائی ملاقات و تقاضا گردید که نسبت باخذ مالیات های معوقه از آقایان مهندس والا مدیر مجله تهران مصور. دکتر عسگری مدیر خوشه و سیروس بهمن مدیر آسیای جوان سریعاً اقدام نماید. ایشان ضمن دادن قول مساعد اظهار داشتند که چند تماشاخانه منجمله تماشاخانه های تهران و کسری مربوط با آقای مهندس والا از شهرداری معافیت عوارض دریافت کرده اند که از طرف اینجانب نیز اعتراض بعمل آمده است.



آقای احمدی افزودند که پیش آگهی مالیاتی در حدود پانصد هزار ریال جهت آقای مهندس والا در شرف صدور میباشد.

با آقای خوش کیش مدیر کل بانک ملی و آقای دکتر مرتضوی معاون سازمان برنامه ملاقات و در مورد ایجاد تزییقات جهت مدیران مجلات مذکور مذاکره گردید و مضافاً از آقای خوش کیش تقاضا شد که در مورد استرداد وام از آقایان مهندس والا و دکتر عسگری نیز اقدام فرمایند.

عیناً جهت اقدام به اداره ۳۲۴ ارسال میگردد شماره ۶/۱

در اجرای اوامر اقدام شود. دکتر مالک ۴۵/۵/۳۰

با شهرداری تماس گرفته و معافیت لغو گردد ۶/۱

محترماً بعرض میرساند طبق مدارکی که در اختیار شهربانی کل کشور قرار گرفته بود در تاریخ ۴۵/۵/۳۰ بهمن سیروس

مدیر مجله آسیای جوان بعلت تاخیر در پرداخت دیون مربوطه و صدور اجرائیه بازداشت گردید ۴۵/۵/۳۰

مجموعه سند شماره ۷۵

تاریخ: ۴۵/۶/۵

شماره: ۹۳/۱۴۲۳۷

بولتن: ویژه

درباره: تزیینات مالی نسبت بمدیران

جراید. خوشه. آسیای جوان

تهرانمصور. سحر و بهرام شاهرخ


این بولتن شامل - برگ است

به دفتر ویژه ارسال شد

۴۵/۶/۱۰

سری

-۱-


 وزارت معارف
 تهران

شماره: ۹۳/۱۴۲۳۷ تاریخ: ۴۵/۶/۵

بولتن: ویژه

درباره: تزیینات مالی نسبت بمدیران جراید، خوشه، آسیای جوان
تهرانمصور، سحر و بهرام شاهرخ

این بولتن شامل برگات
 است
 به دفتر ویژه ارسال شد

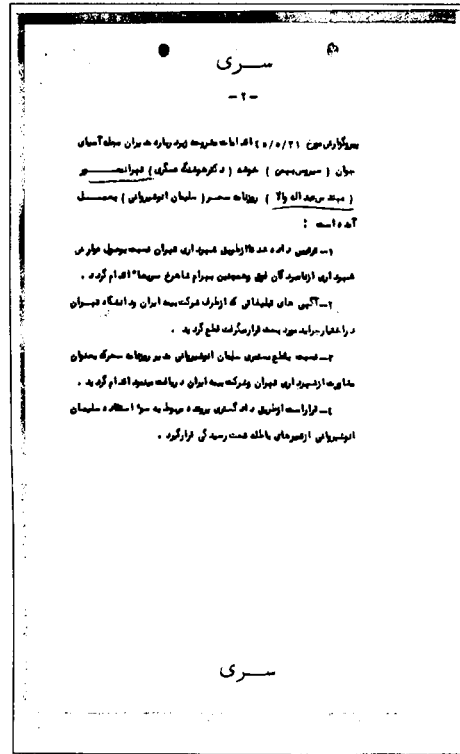
سری

مجموعه سند شماره ۷۵

پیرو گزارش مورخ ۴۵/۵/۳۱ اقدامات مشروحه زیر درباره مدیران مجله آسیای جوان (سیروس بهمن) خوشه (دکتر هوشنگ عسگری) تهران مصور (مهندس عبدالله والا) روزنامه سحر (سلیمان انوشیروانی) بعمل آمده است:

- ۱- ترتیبی داده شد تا از طریق شهرداری تهران نسبت بوصول عوارض شهرداری از نامبردگان فوق و همچنین بهرام شاهرخ سریعاً اقدام گردد.
- ۲- آگهی‌های تبلیغاتی که از طرف شرکت بیمه ایران و دانشگاه تهران در اختیار جراید مورد بحث قرار میگرفت قطع گردید.

- ۳- نسبت بقطع مستمری سلیمان انوشیروانی مدیر روزنامه سحر که بعنوان مشاورت از شهرداری تهران و شرکت بیمه ایران دریافت مینمود اقدام گردید.
- ۴- قرار است از طریق دادگستری پرونده مربوط به سوءاستفاده سلیمان انوشیروانی از نمبرهای باطله تحت رسیدگی قرار گیرد.



مجموعه سند شماره ۷۵

تاریخ: ۴۵/۶/۱

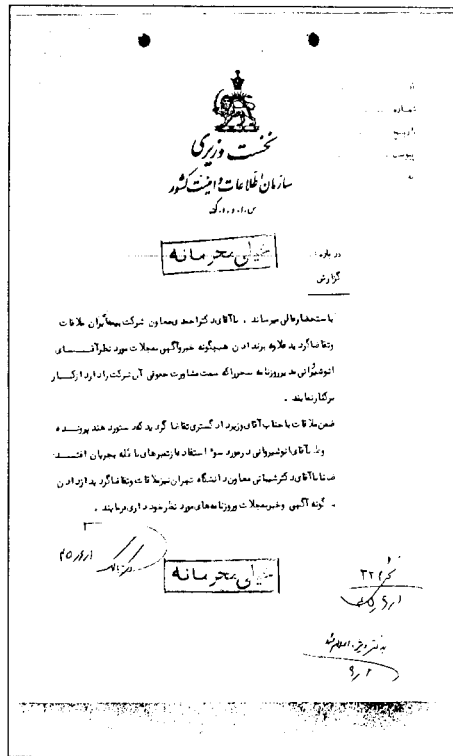
گزارش

باستحضار عالی میرساند. با آقای دکتر احمدی معاون شرکت بیمه ایران ملاقات و تقاضا گردید علاوه بر ندادن هیچگونه خبر و آگهی بمجلات مورد نظر آقای انوشیروانی مدیر روزنامه سحر را که سمت مشاورت حقوقی آن شرکت را دارد از کار برکنار نمایند. ضمن ملاقات با جناب آقای وزیر دادگستری تقاضا گردید که دستور دهند پرونده مربوط با آقای انوشیروانی در مورد سوءاستفاده از تمبرهای باطله بجریان افتد ضمنا با آقای دکتر شیبانی معاون دانشگاه تهران نیز ملاقات و تقاضا گردید از دادن هرگونه آگهی و خبر بمجلات و روزنامه‌های مورد نظر خودداری فرمایند.

بخش ۳۲۴ ۴۵/۶/۱

بدفتر ویژه اعلام شود ۶/۲

دکتر مالک ۴۵/۶/۱

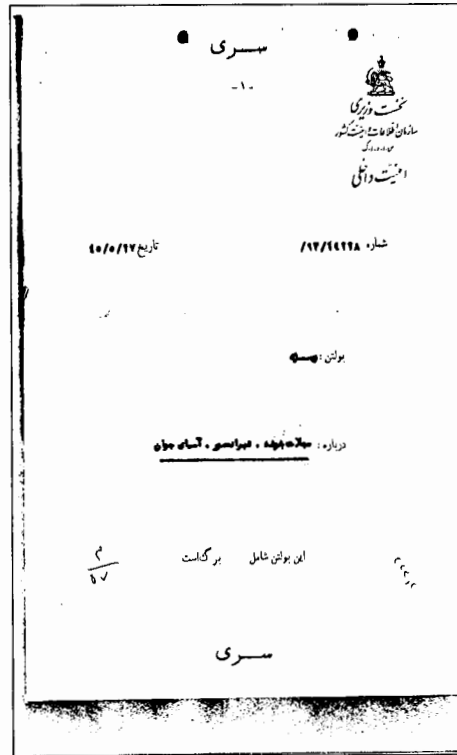


مجموعه سند شماره ۷۵

تاریخ: ۴۵/۵/۲۷

شماره: ۹۳/۲۴۲۲۸

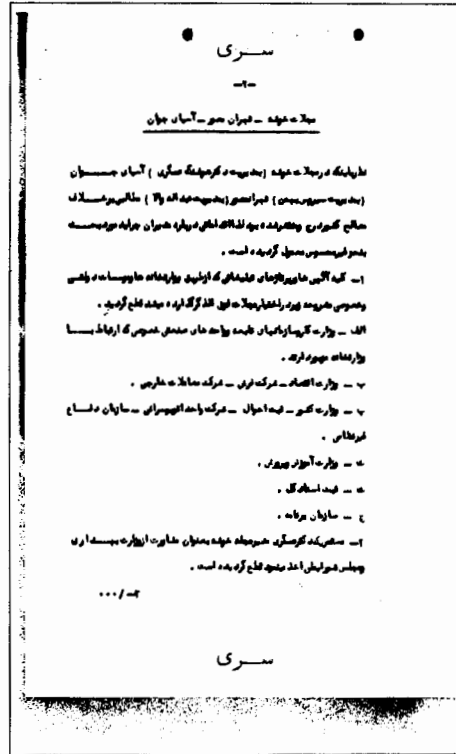
بولتن: ویژه

درباره: مجلات خوشه. تهرانمصور. آسیای
جواناین بولتن شامل برگ است $\frac{۲}{۵۷}$ 

مجموعه سند شماره ۷۵
 مجلات خوشه - تهران مصور - آسیای
جوان

نظر باینکه در مجلات خوشه (بمدیریت دکتر هوشنگ عسگری) آسیای جوان (بمدیریت سیروس بهمن) تهران مصور (بمدیریت عبدالله والا) مطالبی برخلاف مصالح کشور درج و منتشر شده بود لذا اقداماتی درباره مدیران جراید مورد بحث بنحو غیر محسوس معمول گردیده است.

۱- کلیه آگهی‌ها و رپرتاژهای تبلیغاتی که از طریق وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و خصوصی مشروحه زیر در اختیار مجلات فوق‌الذکر گذارده میشد قطع گردید.



الف - وزارت کار و سازمانهای تابعه و واحدهای صنعتی خصوصی که ارتباط با وزارتخانه مزبور دارند.

ب - وزارت اقتصاد - شرکت فرش - شرکت معاملات خارجی.

پ - وزارت کشاورزی - ثبت احوال - شرکت واحد اتوبوسرانی - سازمان دفاع غیر نظامی.

ت - وزارت آموزش و پرورش.

ث - ثبت اسناد کل.

ج - سازمان برنامه.

۲- مستمیریکه دکتر عسگری مدیر مجله خوشه بعنوان مشاورت از وزارت بهداری و مجلس شورایملی اخذ مینمود قطع گردیده است.

۳- حکم توقیف سیروس بهمن مدیر مجله آسیای جوان در قبال مبلغ ۱۲۰۰۵۳ ریال بدهی بیانک بیمه ایران که از اجراء دادگاه شهرستان صادر گردیده بود جهت اقدام در اختیار شهربانی کل کشور

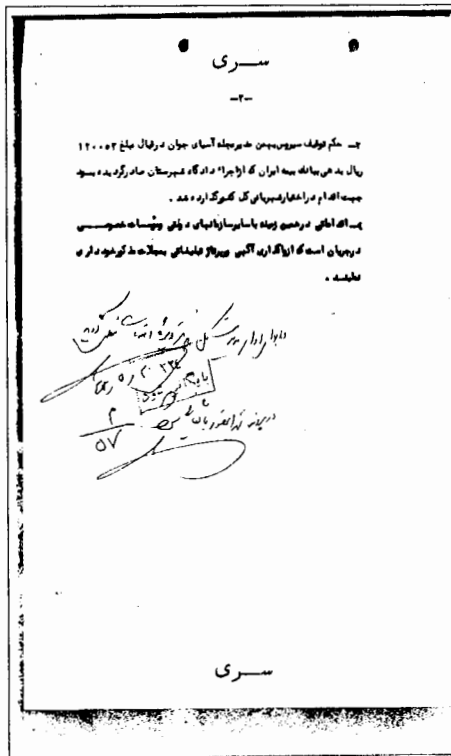
گذارده شد.

۴- اقداماتی در همین زمینه با سایر سازمانهای دولتی و مؤسسات خصوصی در جریان است که از واگذاری آگهی و رپرتاژ تبلیغاتی بمجلات مذکور خودداری نمایند.

در اجرای اوامر مدیریت کل بدفتر ویژه اطلاعات

منعکس گردید ۴۵/۵/۲۰

در پرونده تهرانمصور بایگانی شود $\frac{۲}{۵۷}$



مجموعه سند شماره ۷۵
تهران مصور

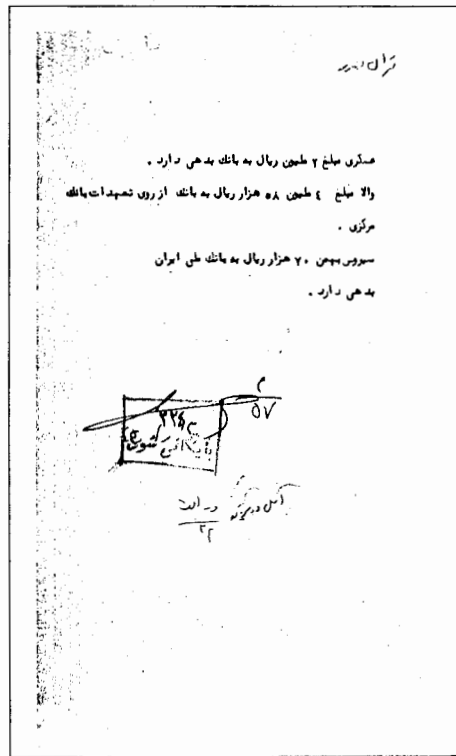
عسکری مبلغ ۲ میلیون ریال به بانک بدهی دارد.

والا مبلغ ۴ میلیون [و] ۵۸ هزار ریال به بانک از روی تعهدات بانک مرکزی.

سیروس بهمن ۷۰ هزار ریال به بانک ملی

ایران بدهی دارد. ۴۵/۶/۱۳

اصل در پرونده الف-۲۲



مجموعه سند شماره ۷۵


تاریخ: ۴۵/۶/۵

از: ۳۲۴

گزارش

باستحضار عالی میرساند. با آقای دکتر
یگانه معاون صنعتی وزارت اقتصاد ملاقات و
تقاضا گردید بنحو مقتضی بصاحبان صنایع
زیر:

- ۱- کارخانجات لاستیک سازی بی. اف. گودریج.
- ۲- کارخانجات لاستیک سازی جنرال.
- ۳- کارخانجات صنعتی ارج.
- ۴- کارخانه صنعتی آبگرم جنرال.
- ۵- کارخانجات روغن نباتی قو.
- ۶- کارخانجات بیسکویت سازی مینو.

شماره	۴۲۴
تاریخ	۵/۶/۴۵
پیوست	۲
در بروج	گزارش
 <p>سازمان اطلاعات و ارتباطات شماره ۱۰۰۰۰۰۰۰</p>	
<p>تخلیه محترمانه</p>	
<p>باستحضار عالی میرساند. با آقای دکتر یگانه معاون صنعتی وزارت اقتصاد ملاقات و تقاضا گردید بنحو مقتضی بصاحبان صنایع زیر:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱- کارخانجات لاستیک سازی بی. اف. گودریج. ۲- کارخانجات لاستیک سازی جنرال. ۳- کارخانجات صنعتی ارج. ۴- کارخانه صنعتی آبگرم جنرال. ۵- کارخانجات روغن نباتی قو. ۶- کارخانجات بیسکویت سازی مینو. ۷- کارخانجات بیسکویت سازی مینو. ۸- توافرم سازنده لامپهای پلاستیکی. <p>توصیه نمود که آقایان خود را در جلسه تهران حضور قطع نمایند.</p> <p>آقای دکتر یگانه ضمن نامی به مدیر کل صنعتی در محضرات لازم در این مورد اقدام نمایند.</p>	
<p>تخلیه محترمانه</p> <p>تخلیه فوری</p>	

۷- کارخانجات بیسکویت سازی ویتانا.

۸- توافرم سازنده لامپهای پلاستیکی.

توصیه شود که آگهی های خود را از مجله تهران مصور قطع نمایند.

آقای دکتر یگانه ضمن تماس با مدیر کل صنعتی دستورات لازم در این مورد صادر و افزودند که جهت اتخاذ تصمیم کلی بعد از ظهر امروز با جناب آقای دکتر عالیخانی نیز در این مورد مشورت و مذاکره خواهند نمود.

نظریه:

بقیه آگهی های مندرج در مجله مذکور اکثرا از طرف اشخاص مختلف منجمله اطباء و داروسازان. سینماها و موارد مشابه میباشد. در صورتیکه موافقت فرمایند از طرف مامورین ساواک با فرد فرد صاحبان و یا بنگاههای تبلیغاتی مسئول ملاقات و توصیه شود که از دادن آگهی

بمجله تهران مصور خودداری نمایند.

دکتر مالک ۴۵/۶/۵

در پرونده مجله تهران مصور بایگانی شود

ضمناً رونوشت در پرونده مهندس والا ضمیمه گردد

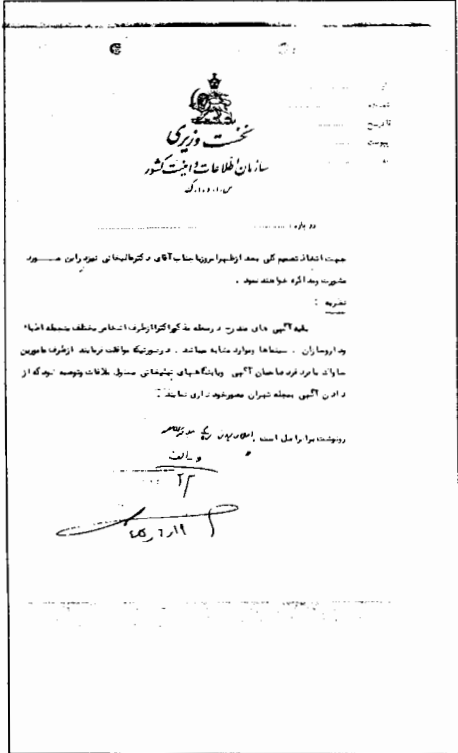
۴۵/۶/۱۱

بعرض میرسد مراتب مجدداً بعرض مدیریت کل

رسید

اقدام شود در مورد کارخانجات هم بهمین نحو عمل

نمائید ۶/۶



مجموعه سند شماره ۷۵

برگ خلاصه سابقه

مشخصات

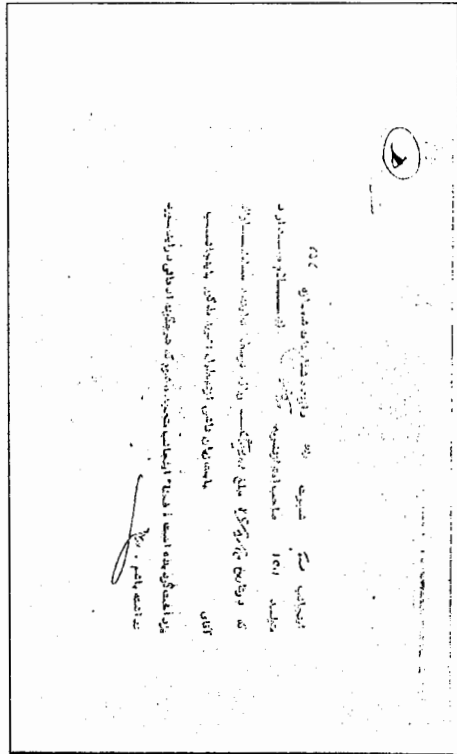
نام عبدالله شهرت والا فرزند مرحوم حسن تاریخ تولد ۱۳۱۱ شماره شناسنامه وصل مدینه ۲۵۲ بخش تهران محل تولد خندان شغل در پیشه صاحب امتیازنامه تبرکات و زینا (خانه تهران) تحصیلات مکتب مدرس و لیسانس حقوق قضائی - آگهی تهران - سلمان - متاهل دارای فرزند دارای یک پسر یک فرزند و یک دختر -
 روابط خانوادگی -
 روزنامه‌نویس -
 دارای مرام ضد کمونیستی بوده و صاحب وزارت دارایی سابق سلطنت است. چنانچه از ابتدا و صدق مبارزه پی گیری نموده و مجله و روزنامه‌های - صابون - ادب - آگاهی و هنری منتشر کرده - اخیراً بععلت انتقاد او پناه دولت قلمبه کس از آذربایجان برای وی مجله نامبرده فراهم و اجرا گردید.

روشن نامبرده:

دارای مرام ضد کمونیستی شدید میباشد و طرفدار مقام شامخ سلطنت است و با توده‌ایها و مصدق مبارزه پی گیری نموده و مجله وی با روش اجتماعی. سیاسی. ادبی. فکاهی و هنری منتشر میگردد. اخیراً بععلت انتقاد از برنامه دولت تضییقاتی از نظر مالی برای وی و مجله نامبرده فراهم و اجرا گردید.

سند شماره ۷۶

اینجانب عبدالله شهرت والا دارنده شناسنامه
 شماره ۲۵۲ متولد ۱۳۰۱ صاحب امتیاز نشریه
 تهران مصور اعلام میدارد که در تاریخ ۵۳/۸/۱۳
 مبلغ چهارمیلیون ریال توسط نماینده ساواک
 آقای بابت زیان ناشی از تعطیل نشریه مذکور
 باینجانب پرداخت گردیده است. ضمناً
 اینجانب متعهد میشوم که هیچگونه ادعائی در
 اینمورد نداشته باشم. عبدالله والا



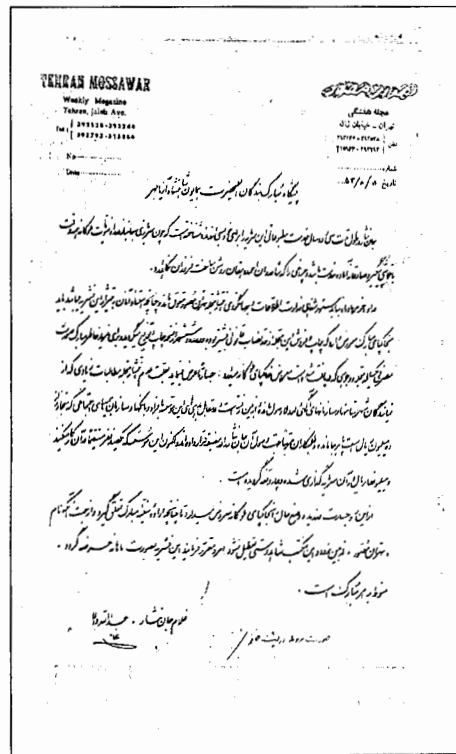
مجموعه سند شماره ۷۷

تاریخ: ۵۳/۸/۱۱

پیشگاه مبارک بندگان اعلیحضرت

همایون شاهنشاه آریامهر

جان نثار در طول مدت سی و دو سال خدمت
مطبوعاتی این سرمایه را برای خود بسی ارزنده
شناخته است که چون سربازی جانباز در راه
منویات ملوکانه همه وقت با تلاشی پیگیر و
صادقانه آماده خدمت باشد و چراغی را که
شادروان احمد دهقان روشن ساخت فروزان
نگاهدارد. در اواخر مرداد ماه بنابستور شفاهی
وزارت اطلاعات و جهانگردی انتشار مجله
تهران مصور معوق ماند و چنانچه استناد آنان به
تیراژ این نشریه میباید باید بخاکپای مبارک
معروض دارد که چاپ و فروش مجله از حد



نصاب قانونی بیشتر بوده و در حدود شش هزار نسخه چاپ و توزیع میگردد و برای مزید خاطر مبارک
صورت مصرفی یکساله مجله و جوهری که دریافت شده است معروض خاکپای ملوکانه پمیدارد.
جسارتاً عرض مینماید بعلت عدم انتشار مجله مطالبات زیادی که از نمایندگان شهرستانها و
سازمانهای آگهی دارد لاوصول مانده و از بین رفته است و در مقابل بدهی های این موسسه بافرا و
بانکها و سازمان بیمه های اجتماعی که متجاوز از ده میلیون ریال است پابرجا مانده و طلبکاران مرتباً
جهت وصول آن جان نثار را در مضیقه قرار داده اند و اکنون این مؤسسه که یکصد نفر مستقیماً در آن کار
میکنند و میلیونها ریال در آن سرمایه گذاری شده دچار وقفه گردیده است. از این رو جسارت ورزیده
وضع حال را بخاکپای ملوکانه معروض میدارد تا چنانچه اراده سینه مبارک تعلق گیرد و از جهت آنکه
نام «تهران مصور» از بین نرود و این مکتب شاهدوستی تعطیل نشود امر و مقرر فرمایند این نشریه
بصورت ماهانه عرضه گردد. منوط به امر مبارک است.

صورت مربوطه در پشت صفحه ۱- ضمیمه شماره ۲

مجموعه سند شماره ۷۷

تاریخ: ۸/۲۱

شماره: ۳۳۷-۱-۰

جناب آقای معینان

رئیس محترم دفتر مخصوص شاهنشاهی

آقای عبدالله والا عریضه به پیشگاه مبارک اعلیحضرت
اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر تقدیم
داشته. امر مطاع مبارک ملوکانه شرفصدور
یافت آنجناب رسیدگی فرمائید. سپاسگزارم.
وزیر دربار شاهنشاهی
اسداله علم

۱۰۳۶۷

۷۲۱

جناب آقای معینان
رئیس محترم دفتر مخصوص شاهنشاهی

آقای عبدالله والا عریضه به پیشگاه مبارک اعلیحضرت
همایون شاهنشاه آریامهر تقدیم داشته. امر مطاع
مبارک ملوکانه شرفصدور زیادت آنجناب رسیدگی
فرمائید. سپاسگزارم.

وزیر دربار شاهنشاهی

اسداله علم

مجموعه سند شماره ۷۷

تاریخ: ۱۳۵۳/۹/۱۰

شماره: ۴-۱-۱۰۲/م

جناب آقای امیرعباس هویدا

نخست وزیر

حسب الامر مطاع مبارک ملوکانه فتوکپی

نامه شماره ۳۳۷-۱-۲۰۰ مورخ ۵۳/۸/۲۱

جناب آقای اسداله علم وزیر دربار

شاهنشاهی بانضمام فتوکپی عریضه تقدیمی

آقای عبدالله والا برای رسیدگی به پیوست ایفاد

میگردد.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

رونوشت بانضمام رونوشت ضامنم برای ... دفتر

اطلاعات ارسال نمود

۲-۳۴۷-۲۳۰/م
۱۳۵۳/۹/۱۰

۱۰۲-۱-۱۰۲/م
۱۳۵۳/۹/۱۰

وزیر دربار شاهنشاهی

جناب آقای امیرعباس هویدا
نخست وزیر

حسب الامر مطاع مبارک ملوکانه فتوکپی نامه
شماره ۳۳۷-۱-۲۰۰ مورخ ۵۳/۸/۲۱ جناب
آقای اسداله علم وزیر دربار شاهنشاهی بانضمام
فتوکپی عریضه تقدیمی آقای عبدالله والا برای
رسیدگی به پیوست ایفاد میگردد.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

روز دوشنبه ۱۳۵۳/۸/۲۱
امیر عباس هویدا

۲-۳۴۷-۲۳۰/م

مجموعه سند شماره ۷۷

تاریخ: ۵۳/۱۰/۱

شماره: ۲۳۰/۲/۳۴۷/م

جناب آقای کیانیپور وزیر اطلاعات و

جهانگردی

رونوشت نامه شماره ۴۲۹-۱-۱۰۲/م

مورخ ۱۳۵۳/۹/۱۰ دفتر مخصوص

شاهنشاهی متضمن امریه مطاع مبارک ملوکانه

و نامه جناب آقای علم وزیر دربار شاهنشاهی

و عریضه آقای عبدالله والا مدیر مجله تهران

مصور ضمیمه آن درباره تعطیل مجله مزبور

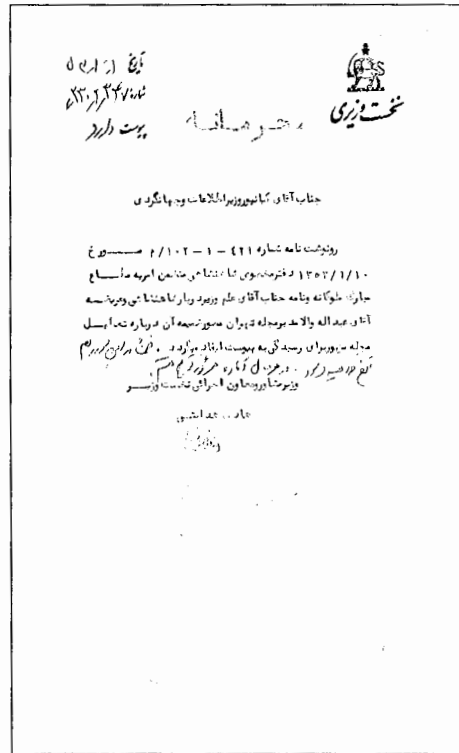
برای رسیدگی به پیوست ایفاد میگردد.

وزیر مشاور معاون اجرائی نخست‌وزیر

هادی هدایتی

ضمناً در این مورد هم تلفن خواهید فرمود. در هر حال

آماده هرگونه توضیح هستم.



مجموعه سند شماره ۷۷

تاریخ: ۵۳/۱۰/۹

شماره: ۱۳/۸۷۸۰/م/۵۲/۴۰۰۸

دوست گرامی جناب آقای هادی هدایتی

وزیر مشاور و معاون اجرائی نخست وزیر

بازگشت بمرقومه شماره ۳۴۷-۲-۳۳۰-م/۲۳۰

مورخ ۵۳/۱۰/۱ متضمن امریه مطاع مبارک

ملوکانه در خصوص رسیدگی به عریضه آقای

عبداله والا مدیر مجله تهران مصور باستحضار


میرساند:

بابت بازخرید و جبران زیان ناشی از

تعطیل تهران مصور مبلغ - ۷/۳۹۸/۳۰۰ ریال

بشرح زیر پرداخت شده است:

۱- دریافتی خود صاحب امتیاز - ۴/۰۰۰/۰۰۰



وزارت اطلاعات و روابط عمومی
دفتر

شعبه مطبوعات

تاریخ: ۵۳/۱۰/۹

شماره: ۱۳/۸۷۸۰-۲/۴۰۰۸

جناب آقای هادی هدایتی
وزیر مشاور و معاون اجرائی نخست وزیر

بازگشت بمرقومه شماره ۳۴۷-۲-۳۳۰-م/۲۳۰ مورخ ۵۳/۱۰/۱
متضمن امریه مطاع مبارک ملوکانه در خصوص رسیده گی به عریضه
آقای عبدالله والا مدیر مجله تهران مصور باستحضار میرساند:

بابت بازخرید و جبران زیان ناشی از تعطیل تهران مصور
مبلغ - ۷/۳۹۸/۳۰۰ ریال بشرح زیر پرداخت شده است:

۱- دریافتی خود صاحب امتیاز - ۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۲- دریافتی نویسندگان و کارکنان
و کارکنان طبق ضوابط وزارت کار - ۴/۳۹۸/۳۰۰

جمع - ۷/۳۹۸/۳۰۰ ریال
و مدیر نشریه کتباً تعهد کرده اند که هیچگونه ادعائی در این
مورد نخواهند داشت. (فتوکی یادداشت مذکور پیوست
میباشد.)

وزیر اطلاعات و جهانگردی
معاون وزیر اطلاعات و جهانگردی
غلامرضا کیانیپور

۵۳/۱۰/۹

ریال

۲- دریافتی نویسندگان و کارکنان و کارگران طبق ضوابط وزارت کار - ۳/۳۹۸/۳۰۰

جمع ۷/۳۹۸/۳۰۰ ریال

و مدیر نشریه کتباً تعهد کرده اند که هیچگونه ادعائی در این مورد نخواهند داشت. (فتوکی

یادداشت مذکور پیوست میباشد).

وزیر اطلاعات و جهانگردی

غلامرضا کیانیپور

رونوشت پاسخ نامه ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی ایفاد نمود

مجموعه سند شماره ۷۷

تاریخ: ۵۳/۱۰/۱۱

شماره: ۲-۳۴۷-۲۳۰/م

جناب آقای معینان ریاست دفتر مخصوص

شاهنشاهی

عطف بمرقومه شماره ۴۲۹-۱-۱۰۲/م

مورخ ۱۳۵۳/۹/۱۰ در مورد آقای عبدالله والا

مدیر مجله تهران مصور، رونوشت نامه شماره

۱۳۵۳/۱۰/۹ مورخ ۱۲/۸۷۸۰/م/۵۲/۴۰۰۸

وزارت اطلاعات و جهانگردی و رونوشت

ضمائم آن برای اطلاع به پیوست ایفاد میگردد.

وزیر مشاور و معاون اجرائی نخست وزیر

هادی هدایتی

۲-۳۴۷-۲۳۰/م
الرايه

مستتر مسانله

مستتر

جناب آقای معینان ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

عطف بمرقومه شماره ۴۲۹-۱-۱۰۲/م مورخ
۱۳۵۳/۹/۱۰ در مورد آقای عبدالله والا مدیر مجله تهران
مصور، رونوشت نامه شماره ۴۰۰۸-۵۲/۴۰۰۸/م/۱۲/۸۷۸۰
مورخ ۱۳۵۳/۱۰/۹ وزارت اطلاعات و جهانگردی و
رونوشت ضمیمه آن برای اطلاع به پیوست ایفاد میگردد.

وزیر مشاور و معاون اجرائی نخست وزیر
هادی هدایتی
وزیر مشاور و معاون اجرائی نخست وزیر

مستتر مسانله

۲

با تقدیم احترام هادی هدایتی

مجموعه سند شماره ۷۷

تاریخ: ۱۳۵۳/۱۰/۱۲

شماره: ۴۲۹-۱-۱۰۲/م

حضور محترم جناب آقای امیراسداله علم

وزیر دربار شاهنشاهی

بازگشت به مرقومه شماره ۳۳۷-۱-۲۰۰

مورخ ۱۳۵۳/۸/۲۱ درباره عریضه تقدیمی

آقای عبدالله والا فتوکپی گزارش شماره

۳۴۷-۲-۲۳۰ مورخ ۱۳۵۳/۱۰-۱۱ جناب

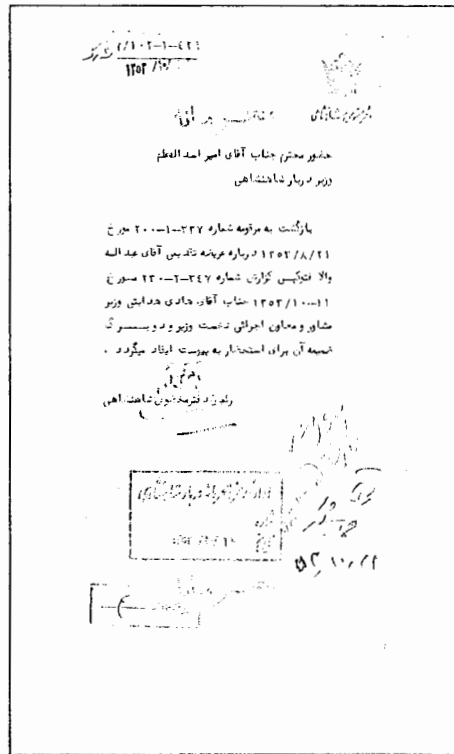
آقای هادی هدایتی وزیر مشاور و معاون

اجرائی نخست وزیر و دو برگ ضمیمه آن برای


استحضار به پیوست ایفاد میگردد.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی با تقدیم

احترام



مجموعه سند شماره ۷۷
 دربار شاهنشاهی
 اداره کل اطلاعات و مطبوعات

 دربار شاهنشاهی اداره کل اطلاعات و مطبوعات		شماره تاریخ محل
نام خانوادگی	ولای	نام خانوادگی
نام	مدیانه	نام
نوع کار	صاحب امتیاز مجله هفتک تهران مصور	نوع کار
محل اقامت	ایران	محل اقامت
نام مؤسسه	مجله تهران مصور	نام مؤسسه
ملاحظات		ملاحظات
		۲۵۷۱۸ - سوم

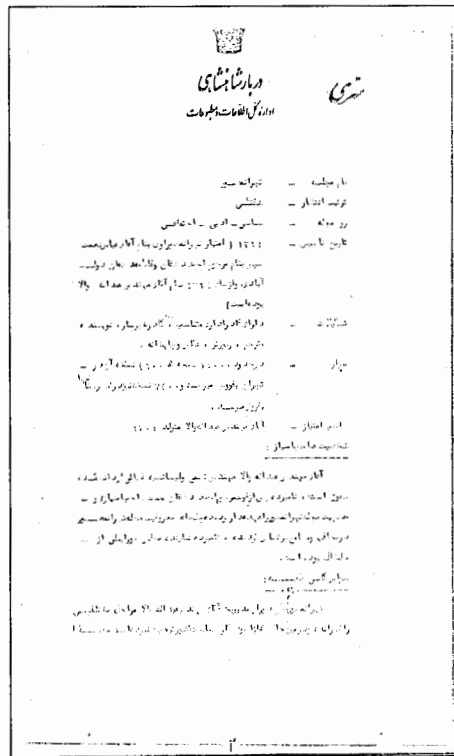
نام خانوادگی - والا
 نام - عبدالله
 نوع کار - صاحب امتیاز مجله هفتگی تهران
 مصور
 ملیت - ایرانی
 محل اقامت
 نام مؤسسه - مجله تهران مصور
 ملاحظات
 ۲۵۷۱۸ - سوم

مجموعه سند شماره ۷۷
 دربار شاهنشاهی
 اداره کل اطلاعات و مطبوعات

نام مجله - تهرانمصور
 ترتیب انتشار - هفتگی

روش مجله - سیاسی - ادبی - اجتماعی
 تاریخ تاسیس - ۱۳۱۱ (امتیاز تهرانمصور اول
 بنام آقای عباس نعمت سپس بنام مرحوم احمد
 دهقان و فاطمه دهقان دولت آبادی و از سال
 ۱۳۲۹ بنام آقای مهندس عبدالله والا بوده
 است)

تشکیلات - دارای کادر اداری متناسب، کادر
 خبرنگار، نویسنده، مترجم، رپورتر، عکاس و
 چاپخانه.



تیراژ - در حدود ۱۵۰۰۰ نسخه که ۴۶۰۰ نسخه آن در تهران بفروش میرسد و ۷۴۰۰ نسخه نیز در
 شهرستانها بفروش میرسد.

صاحب امتیاز - آقای مهندس عبدالله والا متولد ۱۳۰۱
 شخصیت صاحب امتیاز:

آقای مهندس عبدالله والا مهندس شیمی و لیسانسیه قضائی از دانشکده حقوق است، نامبرده
 پس بلحاظ معروفیت مجله تهرانمصور در محافل و مجامع سرشناس گردیده، نامبرده نماینده
 مجلس شورایی ملی از خلخال بوده است.
 سوابق کلی مجله:

تهرانمصور طی دوران مدیریت آقای مهندس عبدالله والا مراحل مختلفی را گذرانده و در عین
 حال که از اصول کلی سیاست کشور تبعیت نموده است معهذرا رویه تنیدی اتخاذ نمود که موجب شد
 مدت نسبتا مدیدی از دریافت آگهی و رپرتاژ از وزارت اطلاعات محروم باشد.

مجموعه سند شماره ۷۷

تاریخ: ۱۳۵۳/۱۰/۲۳

شماره: ۲۰۰-۱-۶۸

جناب آقای معینان

رئیس محترم دفتر مخصوص شاهنشاهی

مرقومه شماره ۴۲۹-۱-۱۰۲/م مورخ

۵۳/۱۰/۱۷ راجع به عریضه تقدیمی آقای

عبداله والا مدیر مجله تهران مصور و پیوست

آن عز وصول بخشید. سپاسگزارم.

وزیر دربار شاهنشاهی

اسداله علم

۲۰۰-۱-۶۸/م

شماره سند: ۲۰۰-۱-۶۸
تاریخ: ۱۳۵۳/۱۰/۲۳
پست: ۱۱۵۳

کرونا
کرونا
کرونا

جناب آقای معینان
رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

مرقومه شماره ۴۲۹-۱-۱۰۲ مورخ ۵۳/۱۰/۱۷
راجع به عریضه تقدیمی آقای عبداله والا مدیر مجله
تهران مصور و پیوست آن عز وصول بخشید. سپاسگزارم.

وزیر دربار شاهنشاهی
اسداله علم

۲۰۰-۱-۶۸

[مهر]

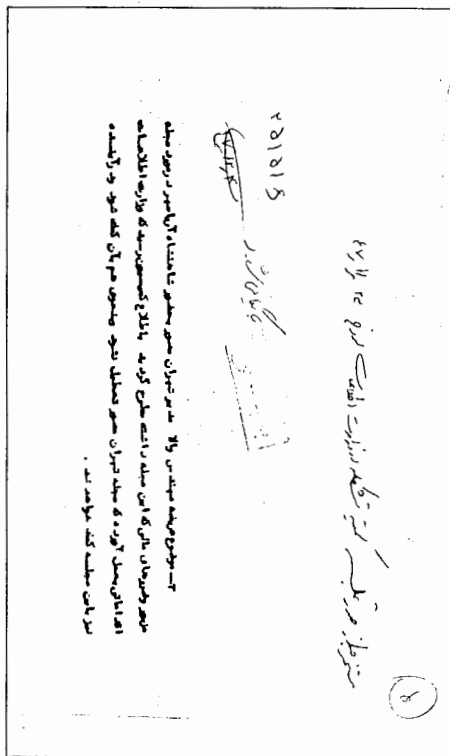
سند شماره ۷۸

تاریخ: ۴۷/۱۱/۲۳

مستخرجه از صور تجلسه کمیته متشکله در
وزارت اطلاعات

۳- موضوع عریضه مهندس والا مدیر
تهران مصور بحضور شاهنشاه آریامهر در مورد
مجله مزبور و ضررهای مالی که این مجله
داشته مطرح گردید باطلاع کمیسیون رسید که
وزارت اطلاعات اقداماتی بعمل آورده که
مجله تهران مصور تعطیل نشود و بنحوی هم
بآن کمک شود و در آینده نیز باین مجله کمک
خواهد شد.

بایگانی شود ۲۵۱۵۱۶ (۴۷/۱۲/۴)



سند شماره ۸۰

تاریخ: ۴۲/۲/۲

موضوع: مجله تهران مصور

گزارش

مجله تهران مصور طبق قرارداد بین آقای مهندس والا و آقای رجا در اختیار آقای رجا قرار گرفته است.

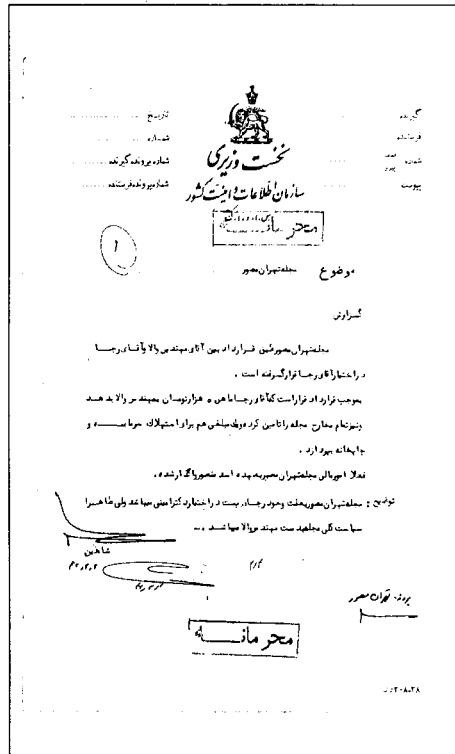
بموجب قرارداد قرار است که آقای رجا ماهی ۵ هزار تومان بمهندس والا بدهد و نیز تمام مخارج مجله را تامین کرده و یک مبلغی هم برای استهلاک سرمایه و چاپخانه بپردازد. فعلا امور مالی مجله تهران مصور بعهده اسد منصور واگذار شده.

توضیح: مجله تهران مصور بعلت وجود رجا دریست در اختیار دکتر امینی میباشد ولی ظاهرا سیاست کلی مجله بدست مهندس والا میباشد.

شاهین

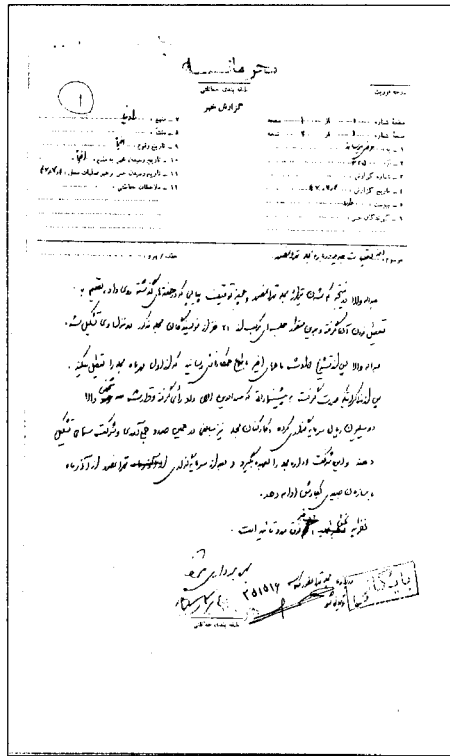
۴۲/۲/۲

پرونده تهران مصور



مجموعه سند شماره ۸۱

از: ۳۲۵
تاریخ: ۴۷/۷/۴
به: عرض میرساند
موضوع: اخذ تصمیمات جدید درباره مجله
تهرانمصور



عبداله والا در نتیجه کم شدن تیراژ مجله تهرانمصور و چند توقیف پیاپی که در هفته‌های گذشته روی داد، تصمیم به تعطیل نمودن آن گرفته و بدین منظور جلسه‌ای مرکب از ۲۱ نفر از نویسندگان مجله مذکور در منزل وی تشکیل شده عبداله والا پس از تشریح حوادث ماههای اخیر با اطلاع همکارانش رسانید که از اول مهرماه مجله را تعطیل میکند. پس از مذاکراتی که صورت گرفت به پیشنهاداتی که

صدرالدین الهی داد رأی گرفته و قرار شد شخص والا دو میلیون ریال سرمایه‌گذاری کرده و کارکنان مجله نیز مبالغی در همین حدود جمع‌آوری و شرکت سهامی تشکیل دهند و این شرکت اداره مجله را بعهده بگیرد و بعد از سرمایه‌گذاری تهرانمصور از آذرماه با سازمان جدیدی بکارش ادامه دهد.

نظریه بخش: خبر فوق مورد تأیید است.

در پرونده مجله تهرانمصور بکلاسه ۲۵۱۵۱۶ بایگانی شود

بهره‌برداری شود ۴۷/۷/۴

مجموعه سند شماره ۸۱

۱- مقدمه‌ای بر جلسه امروز ما

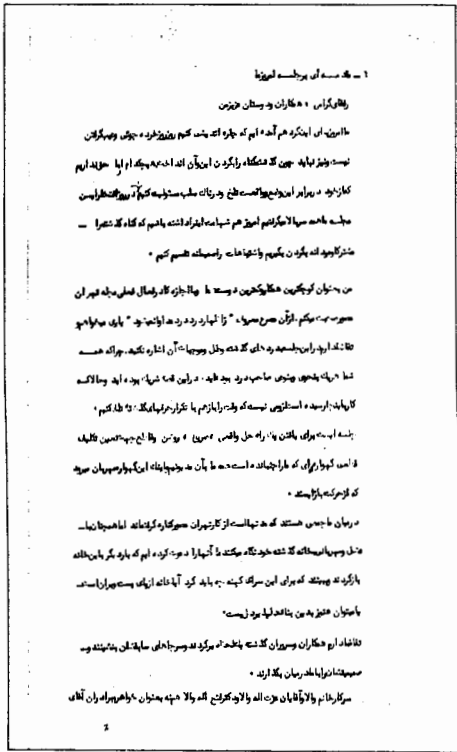
رفقای گرامی، همکاران و دوستان عزیز من
 ما امروز برای این گرد هم آمده‌ایم که
 چاره‌اندیشی کنیم روز روز خرده‌جوئی و عیب
 گرفتن نیست و نیز نباید چون گذشته گناه را
 بگردن این و آن انداخت. هیچکدام از ما حق
 نداریم که از خود در برابر این وضع و واقعیت
 تلخ و دردناک سلب مسئولیت کنیم. در روز
 افتخار این مجله ما همه سربالا می‌گیرفیم
 امروز هم شهادت اینرا داشته باشیم که گناه
 گذشته را مشترکا و مردانه بگردن بگیریم و
 اشتباهات را صمیمانه تقسیم کنیم.

من بعنوان کوچکترین همکار و کمترین دوست

شما و با اجازه کادر فعال فعلی مجله تهران مصور صحبت میکنم. از آن مصرع معروف «زاظهار
 درد درد مداوا نمیشود» یاری می‌خواهم و تقاضا دارم در این جلسه به دردهای گذشته و علل و
 موجبات آن اشاره نکنید. چرا که همه شما هر یک بنحوی و بنوعی صاحب درد بوده‌اید. در این
 قصه شریک بوده‌اید و حالا که کار باینجا رسیده است لزومی نیست که وقت را باز هم با تکرار
 حرفهای گذشته تلف کنیم.

جلسه‌ایست برای یافتن یک راه حل واقعی، صریح، روشن و قاطع جهت تعیین تکلیف قطعی
 گهواره‌ای که ما را جنبانده است همه ما بآن مدیونیم و اینک این گهواره مهربان می‌رود که از حرکت
 باز ایستد.

در میان ما جمعی هستند که مدتهاست از کار تهران مصور کناره گرفته‌اند اما همچنان با عشق
 و مهربانی بخانه گذشته خود نگاه میکنند ما آنها را دعوت کرده‌ایم که بار دیگر باین خانه باز گردند
 و ببینند که برای این سرای کهنه چه باید کرد آیا خانه از پای بست ویران است یا میتوان هنوز بدین



بنای دلپذیر دل بست.

تقاضا دارم همکاران و سروران گذشته یک لحظه برگردند و سرجاهای سابقشان بنشینند و صمیمیتشان را با مادر میان بگذارند.

سرکار خانم والا و آقایان عزت‌اله والا و دکتر فتح‌اله والا هم نه بعنوان خواهر و برادران آقای مهندس والا بلکه بنام همکاران گذشته تهران مصور در این مجلس حاضر هستند آنها هم گوشه‌هائی از این درد را تحمل کرده‌اند و من یقین دارم که در این مجلس بیش از آنکه بفکر چارهٔ مشکل برادر خود باشند در اندیشه درمان درد طهران مصور خواهند بود زیرا ما میدانیم و قبول داریم که تهران مصور خارج از وجود مهندس والا وجود ندارد. من بعنوان یک دوست بدون هیچگونه پیوند دیگری در برابر

۱- کسری

مهندس والا بنام دیگران که در تهران مصور با من جلساتی درمجلس تهران داشته اند که این از این دره راجع کرده اند چون ما این دره داریم که در این مجلس میسر از آنکه باکرار باکرار باکرار برادر خود باشند در اندیشه تهران مصور خواهند بود. من می‌دانم که این دره در تهران مصور از وجود مهندس والا وجود دارد. من می‌دانم که در این مجلس بیش از آنکه بفکر چارهٔ مشکل برادر خود باشند در اندیشه درمان درد طهران مصور خواهند بود زیرا ما میدانیم و قبول داریم که تهران مصور خارج از وجود مهندس والا وجود ندارد. من بعنوان یک دوست بدون هیچگونه پیوند دیگری در برابر

این همه شکیبائی و بردباری مهندس والا و تحمل این همه ضرر و زیان از جانب او واقعا احساس همدردی میکنم همه ما میبینیم این مرد وارسته و دوست‌گرامی ما دیری است که زینتهای فاحشی را تحمل میکند فقط بخاطر اینکه... انسان دلش میخواهد زندگی دوستان وابسته باو ادامه پیدا کند و باصطلاح این آب باریکه قطع نشود.

اما شکیبائی و بردباری هم اندازه‌ای دارد و مهندس والا بااعتراف خودش بنهایت این اندازه رسیده است برای همین است که باینجا آمده‌ایم تا باو بیان‌دیشیم و چاره‌ای بیابیم. مهندس والا قول داده است و این قول را در حضور همه ما بار دیگر تکرار خواهد کرد که تصمیمات متخذه در این جلسه را که در پایان به رأی اکثریت گذاشته خواهد شد هر چه باشد و هر صورتی که داشته باشد بلا قید و شرط بپذیرد. زیرا که یقیناً این عده دوستان و خیرخواهان و یاران نزدیک و صمیمی او هستند. و رأی آنها در حقیقت جدا از رأی و زندگی و سرنوشت خود مهندس والا نیست. پس با توجه بتوضیحات فوق در این جلسه ما بحث میکنیم درباره چگونگی راه حل و طرق مورد نظر

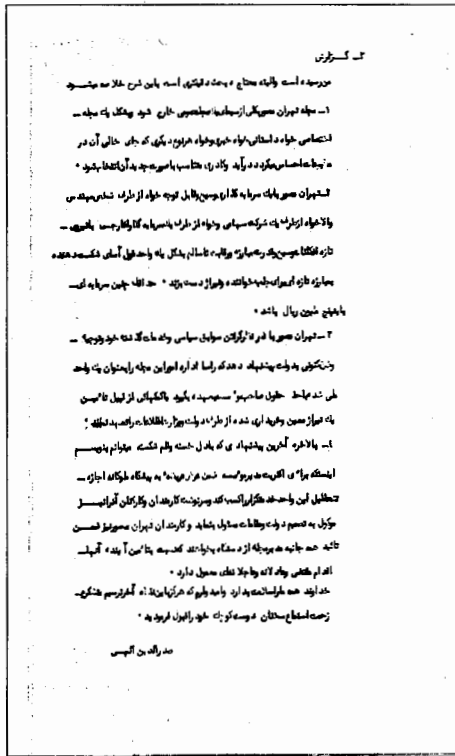
این همه شکیبائی و بردباری مهندس والا و تحمل این همه ضرر و زیان از جانب او واقعا احساس همدردی میکنم همه ما میبینیم این مرد وارسته و دوست‌گرامی ما دیری است که زینتهای فاحشی را تحمل میکند فقط بخاطر اینکه... انسان دلش میخواهد زندگی دوستان وابسته باو ادامه پیدا کند و باصطلاح این آب باریکه قطع نشود.

اما شکیبائی و بردباری هم اندازه‌ای دارد و مهندس والا بااعتراف خودش بنهایت این اندازه رسیده است برای همین است که باینجا آمده‌ایم تا باو بیان‌دیشیم و چاره‌ای بیابیم. مهندس والا قول داده است و این قول را در حضور همه ما بار دیگر تکرار خواهد کرد که تصمیمات متخذه در این جلسه را که در پایان به رأی اکثریت گذاشته خواهد شد هر چه باشد و هر صورتی که داشته باشد بلا قید و شرط بپذیرد. زیرا که یقیناً این عده دوستان و خیرخواهان و یاران نزدیک و صمیمی او هستند. و رأی آنها در حقیقت جدا از رأی و زندگی و سرنوشت خود مهندس والا نیست. پس با توجه بتوضیحات فوق در این جلسه ما بحث میکنیم درباره چگونگی راه حل و طرق مورد نظر

جهت نجات تهران مصور از وضع موجود.

ناظم جلسه اجازه نخواهد داد خارج از این دستور گفتگوئی مطرح شود و هر پیشنهادی میتواند بمدت ۶ دقیقه مورد بحث قرار بگیرد سه دقیقه موافق و سه دقیقه مخالف و آنگاه رأی یا اصلاح پیشنهاد برای رأی نهائی.

باینترتیب تصور میکنم که گفتنی‌ها گفته شده است چون عده‌ای از دوستان مسیوق بسابقه ذهنی نبوده‌اند من ذیلا چهار طریق پیشنهادی را که بنظرم رسیده است بعنوان طرح کلی تقدیم میدارم و جلسه را بعنوان تنفس بمدت ۱۵ دقیقه تعطیل میکنیم تا رفقا بتوانند پیشنهادات فشرده و جالب خود را تنظیم کنند و آنگاه به بحث بپردازیم چهار طریقی که بذهن من رسیده است و البته محتاج بحث دقیقتری



است باین شرح خلاصه میشود.

۱- مجله تهران مصور بکلی از سیمای یک مجله عمومی خارج شود و بشکل یک مجله اختصاصی خواه داستانی خواه خبری و خواه هر نوع دیگری که جای خالی آن در مطبوعات احساس میگردد درآید و کادری متناسب با صورت جدید آن انتخاب شود.

۲- تهران مصور با یک سرمایه‌گذاری وسیع و قابل توجه خواه از طرف شخص مهندس والا خواه از طرف یک شرکت سهامی و خواه از طرف یک سرمایه‌گذار خارجی یا نیروی تازه امکانات وسیع و قدرت مبارزه و رقابت ناسالم بشکل یک واحد غول آسای شکست دهنده مبارزه تازه‌ای برای جلب خواننده و تیراژ دست بزنند. حداقل چنین سرمایه‌ای باید پنج میلیون ریال باشد.

۳- تهران مصور با در نظر گرفتن سوابق سیاسی و خدمات گذشته خود و توجه وضع کنونی بدولت پیشنهاد دهد که راسا اداره امور این مجله را بعنوان یک واحد ملی شده با حفظ حقوق صاحب مؤسسه بهعهده بگیرد یا کمکهای از قبیل تأمین یک تیراژ معین و خریداری شده از طرف

دولت و وزارت اطلاعات را تعهد نماید.

۴- بالاخره آخرین پیشنهادی که با دل خسته و قلم شکسته میتوانم بنویسم اینست که برای اکثریت مدیر مؤسسه ضمن عرض عریضه به پیشگاه ملوکانه اجازه تعطیل این واحد خدمتگزار را کسب کند و سرنوشت کارمندان و کارکنان آنرا نیز موکول به تصمیم دولت و مقامات مسئول بنماید و کارمندان تهران مصور نیز ضمن تأیید همه جانبه مدیر مجله از دستگاه بخواهند که نسبت بتأمین آینده آنها اقدام مقتضی و عادلانه و عاجلانه‌ای معمول دارد.

خداوند همه ما را سلامت بدارد و امیدوارم که هرگز باین نقطه آخر نرسیم متشکرم - زحمت استماع سخنان دوست کوچک خود را قبول فرمودید.

صدرالدین الهی

مجموعه سند شماره ۸۲

تاریخ: ۴۸/۹/۲۹

شماره: ۳۳۳۰ ط م ۷۲۷۳/م د

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

با ارسال یک نسخه از فتوکپی پیش نویس
شرکت سهامی انتشاراتی تهران مصور
خواهشمند است دستور فرمایند از هر نظری
نسبت به صلاحیت آقایان ایرج نبوی - حسین
مهری - حسین سرافراز - اسمعیل یگانگی و
هرمز شیبانی برای مشارکت در شرکت سهامی
مزبور بمنظور انتشار مجله تهران مصور دارند
این وزارت را آگاه سازند.

از طرف وزیر اطلاعات

دائرة اقدام گردد ۱۰/۱

ردیف ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ لیست

۴۸/۱۰/۲ ۳۸۱

وزارت اطلاعات

محرمانه

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

با ارسال یک نسخه از فتوکپی پیش نویس شرکت سهامی
انتشاراتی تهران مصور خواهشمند است دستور فرمایند
از هر نظری نسبت به صلاحیت آقایان ایرج نبوی - حسین
مهری - سرافراز - اسمعیل یگانگی و هرمز شیبانی برای
مشارکت در شرکت سهامی مزبور بمنظور انتشار مجله
تهران مصور دارند این وزارت را آگاه سازند.

۴۸-۹-۲۹
۳۳۳۰ ط م ۷۲۷۳/م د

از طرف وزیر اطلاعات
دائرة اقدام

ردیف ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ لیست
۱۰/۱

مجموعه سند شماره ۸۲
شرکت سهامی انتشاراتی تهرانمصور

نام و نوع شرکت - شرکت سهامی انتشاراتی تهرانمصور.

هدف شرکت - چاپ و انتشار مجله تهرانمصور (نشریه هفتگی) و هر نوع کار انتشاراتی دیگر.

موسسین و صاحبان سهام - آقای مهندس عبدالله والا مدیر، صاحب امتیاز و مسئول تهرانمصور صاحب پنجاه درصد سهام، و آقایان ایرج نبوی - حسین مهری - حسین سرفراز - اسمعیل یگانگی و هرمز شیبانی پنجاه درصد دیگر سهام را دارا خواهند بود.
صاحبان سهام از میان خود یک نفر را بعنوان



مدیر عامل شرکت انتخاب خواهند کرد.

طرز کار شرکت

از تاریخ شروع کار شرکت کلیه درآمدهای مجله (فروش توزیع تهران، بروات شهرستانها و مشترکین)، و هم چنین وجوه دریافتی بابت چاپ آگهیهای تجاری، سهمیه اعلانات دولتی و هر نوع درآمد دیگر در یک حساب بانکی متمرکز میشود.

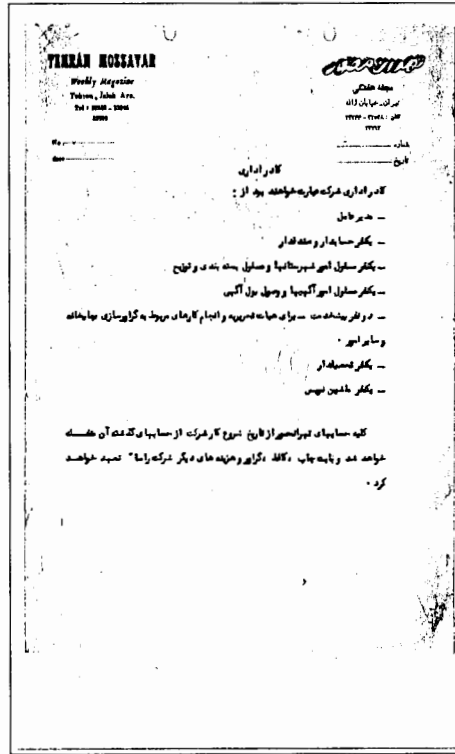
برداشت از این حساب با امضای آقای مهندس عبدالله والا و مدیر عامل شرکت خواهد بود.
کلیه تعهدات اسنادی نیز با امضای دو نفر آقایان مهندس عبدالله والا و مدیر عامل شرکت خواهد بود.
مسئولیت امور تحریری، انتخاب نویسندگان، مترجمان و نوع مطالب بعهده سردبیر مجله که بوسیله سهامداران تعیین میگردد خواهد بود.

مجموعه سند شماره ۸۲

کادر اداری

کادر اداری شرکت عبارت خواهند بود از:

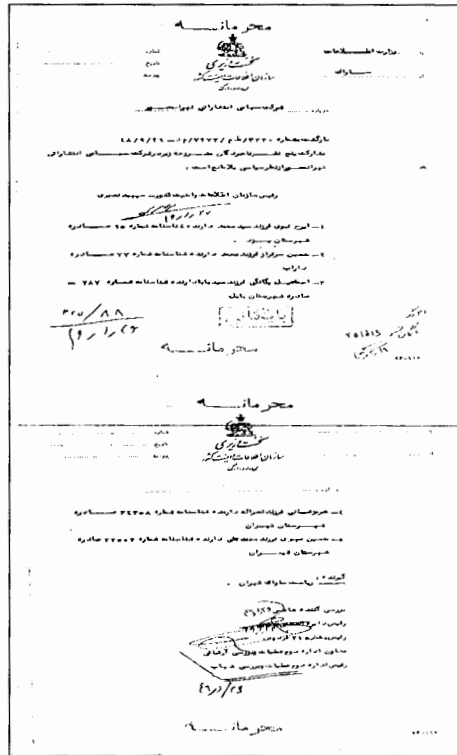
- مدیر عامل
- یکنفر حسابدار و صندوقدار
- یکنفر مسئول امور شهرستانها و مسئول بسته بندی و توزیع
- یکنفر مسئول امور آگهیها و وصول پول آگهی
- دو نفر پیشخدمت - برای هیات تحریریه و انجام کارهای مربوط به گراورسازی، چاپخانه و سایر امور.
- یکنفر تحصیلدار
- یکنفر ماشین نویس
- کلیه حسابهای تهرانمصور از تاریخ شروع کار شرکت از حسابهای گذشته آن منفک خواهد شد و بابت چاپ، کاغذ، گراور و هزینه‌های دیگر شرکت رسماً تعهد خواهد کرد.



مجموعه سند شماره ۸۲

از: ساواک تاریخ: ۴۹/۱/۲۹
 به: وزارت اطلاعات شماره: ۳۲۵/۸۸
 درباره: شرکت سهامی انتشاراتی تهرانمصور
 بازگشت بشماره ۳۳۳۰ ط م / ۷۲۷۳ / م د -
 ۴۸/۹/۲۹

مشارکت پنج نفر نامبردگان مشروحه زیر
 در شرکت سهامی انتشاراتی تهرانمصور از نظر
 سیاسی بلامانع است. رئیس سازمان اطلاعات
 و امنیت کشور - سپهد نصیری ۴۹/۱/۲۷
 ۱- ایرج نبوی فرزند سید محمد دارنده
 شناسنامه شماره ۹۵ صادره شهرستان یزد.
 ۲- حسین سرفراز فرزند محمد دارنده
 شناسنامه شماره ۷۷ صادره داراب
 ۳- اسماعیل یگانگی فرزند سید بابا دارنده



شناسنامه شماره ۷۸۷ صادره شهرستان بابل

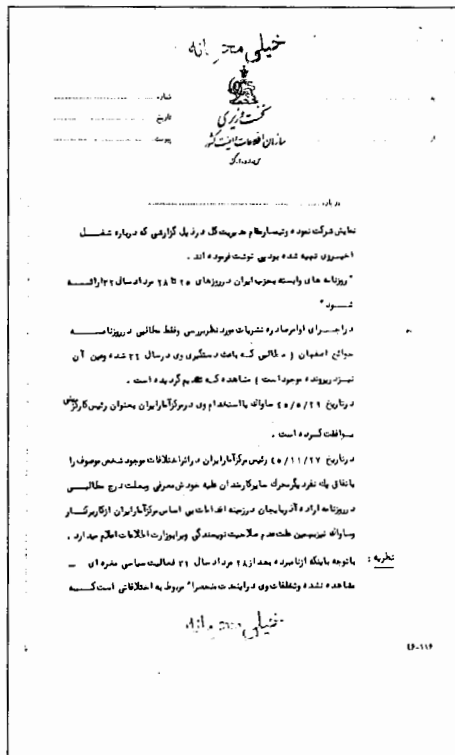
- ۴- هرمز شیبانی فرزند نصراله دارنده شناسنامه شماره ۳۴۳۵۸ صادره شهرستان تهران
 - ۵- حسین مهری فرزند محمد تقی دارنده شناسنامه شماره ۳۳۵۵۳ صادره شهرستان تهران
- گیرنده: ریاست ساواک تهران.
 بررسی کننده هاشمی ۴۹/۱/۲۶
 رئیس دایره احسنی ۴۹/۱/۲۶
 رئیس بخش ۳۲۵ فردوس
 معاون اداره دوم عملیات و بررسی - آریائی
 رئیس اداره دوم عملیات و بررسی - شهاب

۴۹/۱/۲۶ ۲۴ برگ بایگانی شود ۲۵۱۵۱۶ ۴۹/۳/۱۸ ۳۲۵/۸۸
 ۴۹/۱/۲۹

در اجرای اوامر صادره نشریات مورد نظر بررسی و فقط مطالبی در روزنامه حوائج اصفهان (مطالبی که باعث دستگیری وی در سال ۳۲ شده و عین آن نیز در پرونده موجود است) مشاهده که تقدیم گردیده است.

در تاریخ ۴۵/۵/۲۹ ساواک با استخدام وی در مرکز آمار ایران بعنوان رئیس کارگزینی موافقت کرده است.

در تاریخ ۴۵/۱۱/۲۷ رئیس مرکز آمار ایران در اثر اختلافات موجود شخص موصوف را با اتفاق یک نفر دیگر محرک سایر کارمندان علیه خودش معرفی و بعلت درج مطالبی در روزنامه اراده آذربایجان در زمینه اقدامات بی اساس مرکز آمار ایران از کار برکنار و ساواک نیز بهمین علت عدم صلاحیت



نویسنده‌گی ویرا بوزارت اطلاعات اعلام میدارد.

نظریه: با توجه باینکه از نامبرده بعد از ۲۸ مرداد سال ۳۲ فعالیت سیاسی مضرهای مشاهده نشده و تخلفات وی در اینمدت منحصرأ مربوط به اختلافاتی است که با مقامات اداری داشته است و از طرفی سلسله مقالاتی که مدت چند ماه است در روزنامه فرمان تحت عنوان «جامعه نوین ایرانی»: دکترین آریامهر» بقلم وی منتشر و حالیه نیز درصدد تهیه و انتشار کتابی در دوازده جلد بمناسبت جشنهای دو هزار و پانصدمین سال شاهنشاهی که تفاسیری درباره کتاب انقلاب سفید است میباشد. علیهذا در صورت تصویب با عضویت نامبرده در شرکت یاد شده نیز موافقت گردد.

بررسی کننده هاشمی ۴۹/۱/۱۰

رئیس دایره احسنی

رئیس بخش ۳۲۵ فردوس ۴۹/۱/۱۰

معاون اداره دوم عملیات و بررسی آریائی

رئیس اداره دوم عملیات و بررسی شهاب برابر

نظریه اقدام گردد ۱/۱۱ پرنیانفر ۴۹/۱/۱۱

تزیلی مجرایانه	
شماره	
تاریخ	
موضوع	مآزبان آریامهر در شرکت
ی. د. د. ک.	
<p>باشگاه اداری داشته است و از طرفی سلسله مقالاتی که مدت چند ماه است در روزنامه فرمان تحت عنوان «جامعه نوین ایرانی» دکترین آریامهر» بقلم وی منتشر و حالیه نیز درصدد تهیه و انتشار کتابی در دوازده جلد بمناسبت جشنهای دو هزار و پانصدمین سال شاهنشاهی که تفاسیری درباره کتاب انقلاب سفید است میباشد. علیهذا در صورت تصویب با عضویت نامبرده در شرکت یاد شده نیز موافقت گردد.</p> <p>بررسی کننده هاشمی ۴۹/۱/۱۰</p> <p>رئیس دایره احسنی</p> <p>رئیس بخش ۳۲۵ فردوس ۴۹/۱/۱۰</p> <p>معاون اداره دوم عملیات و بررسی آریائی</p> <p>رئیس اداره دوم عملیات و بررسی شهاب</p> <p>۴۹/۱/۱۱</p> <p>۱۹/۱/۱۱</p>	

مجموعه سند شماره ۸۲

از: اداره کل سوم ۳۲۵ تاریخ: ۴۹/۳/۱۲

به: ریاست ساواک تهران ۵۵۲۰ شماره: ۳۲۵/۲۷۹

درباره: شرکت سهامی انتشاراتی

تهرانمصور

شرکت مزبور تاکنون تشکیل نگردیده و

نامبردگان در نامه شماره ۳۲۵/۸۸ مورخ

۴۹/۱/۲۹ در زمینه تهیه مطالب با مجله

تهرانمصور همکاری مینمایند.

ضمناً نشانی محل مجله مذکور بشرح زیر

است: تهران خیابان ژاله جنب بیمارستان شفا

یحيائيان

از طرف مدیر کل اداره سوم - مقدم شهاب

بررسی کننده یارائی ۴۹/۳/۹

رئیس دایره احسنی

رئیس بخش ۳۲۵ فردوس

رئیس اداره دوم عملیات و بررسی شهاب

بیست و شش برگ بایگانی شود

۲۵۱۵۱۶ ۴۹/۳/۲۸

خیلی مجرمانه

اداره کل سوم ۳۲۵
ریاست ساواک تهران ۵۵۲۰

شماره: ۱
تاریخ: ۱۲/۳/۴۹
برجه: ۱

شرکت سهامی انتشاراتی تهرانمصور

شرکت مزبور تاکنون تشکیل نگردیده و نامبردگان در نامه شماره ۳۲۵/۸۸ مورخ ۴۹/۱/۲۹ در زمینه تهیه مطالب با مجله تهرانمصور همکاری مینمایند.

ضمناً نشانی محل مجله مذکور بشرح زیر است:

تهران خیابان ژاله جنب بیمارستان شفا یحيائيان

مدرس کلاس پارسی - تهران
رئیس اداره احسنی
رئیس اداره دوم عملیات و بررسی شهاب

بایگانی شود
خیلی مجرمانه

۲۵۱۵۱۶
۴۹/۳/۲۸

مجموعه سند شماره ۸۳

از: وزارت اطلاعات و جهانگردی تاریخ:

۵۷/۶/۲۳

شماره: ۴۵/ل ۵۱/۲/۲۳/۱۸۰۷

به: سازمان اطلاعات و امنیت کشور

موضوع: استعلام صلاحیت

بازگشت بنامه شماره ۳۲۵/۳۱۲۷۱

مورخ ۱۳۴۴/۷/۶ اشعار میدارد:

آقای عبدالله والا تقاضای صدور امتیاز
مجله‌ای با ترتیب انتشار هفتگی، با روش
سیاسی و اجتماعی بنام «تهران مصور» برای
تهران کرده است.

خواهشمند است دستور فرمایند در مورد
صلاحیت نامبرده بررسی لازم معمول و نظریه
اعلام دارند تا اقدام شود.

نشانی و شماره تلفن آقای عبدالله والا بشرح
زیر اعلام میگردد.

تهران خیابان لالهزار تلفن ۳۱۷۳۵۱-۲۹۵۶۸۵

از طرف وزیر اطلاعات و جهانگردی

عطاءاله تدین

تلفن اطلاعات و امنیت کشور
خیابان فوری
محرمانه

به: سازمان اطلاعات و امنیت کشور
از: وزارت اطلاعات و امنیت کشور
موضوع: استعلام صلاحیت

بازگشت بنامه شماره ۳۲۵/۳۱۲۷۱ مورخ ۱۳۴۴/۷/۶
اشعار میدارد:

آقای عبدالله والا تقاضای صدور امتیاز مجله‌ای با ترتیب
انتشار هفتگی، با روش سیاسی و اجتماعی بنام «تهران مصور»
برای تهران کرده است.

خواهشمند است دستور فرمایند در مورد صلاحیت
نامبرده بررسی لازم معمول و نظریه اعلام دارند تا اقدام شود.
نشانی و شماره تلفن آقای عبدالله والا بشرح زیر اعلام
میکرد.

تهران: خیابان لالهزار تلفن ۳۱۷۳۵۱-۲۹۵۶۸۵

از طرف وزیر اطلاعات و جهانگردی

عطاءاله تدین

مجموعه سند شماره ۸۳

تاریخ: ۵۷/۷/۴

شماره: ۴۵/۵۸۷۲/م/۲۲/۱۹۱۸

از: وزارت اطلاعات و جهانگردی

به: سازمان اطلاعات و جهانگردی

موضوع: صدور امتیاز

پیرو نامه شماره ۴۵/۵۵۱۶/م/۲۲/۱۸۰۷

مورخ ۱۳۵۷/۶/۲۳ باطلاع میرساند:

کمیسیون مطبوعات در جلسه مورخ سه‌شنبه ۱۳۵۷/۶/۲۱ درخواست آقای عبدالله والا را مبنی بر صدور امتیاز مجله تهران مصور با ترتیب انتشار هفتگی و روش سیاسی و اجتماعی برای تهران بنام مشارالیه مورد تصویب قرارداد و مراتب بنامبرده ابلاغ گردید.

از طرف وزیر اطلاعات و جهانگردی

عطاءاله تدین

در پرونده مجله تهران‌نصو ۴۷۱۵۱۶ بایگانی شود

زرگری ۵۷/۷/۸

دائرة یک ۵۷/۷/۸

۴۵/۵۸۷۲/م/۲۲/۱۹۱۸
تاریخ: ۵۷/۷/۴

تست‌شده است

محرمانه

به: سازمان اطلاعات و امنیت کشور
از: وزارت اطلاعات و جهانگردی
موضوع: صدور امتیاز

پرونده شماره ۴۵/۵۵۱۶/م/۲۲/۱۸۰۷
۱۳۵۷/۶/۲۳ باطلاع میرساند:

کمیسیون مطبوعات در جلسه مورخ سه‌شنبه ۱۳۵۷/۶/۲۱
درخواست آقای عبدالله والا را مبنی بر صدور امتیاز
مجله تهران مصور با ترتیب انتشار هفتگی و روش سیاسی
و اجتماعی برای تهران بنام مشارالیه مورد تصویب
قرارداد و مراتب بنامبرده ابلاغ گردید.

از طرف وزیر اطلاعات و جهانگردی

عطاءاله تدین

۴۵۷
بایگانی شد

۴۷۱۵۱۶

مجموعه سند شماره ۸۳

تاریخ: ۵۷/۷/۵

شماره: ۳۴۷/۱۰۱۴

از: ساواک

به: وزارت اطلاعات و جهانگردی

در باره: مجله تهرانمصور

بازگشت بشماره ۴۵/۵۵۱۶/م/۲۲/۱۸۰۷ -
 ۵۷/۶/۲۳ صدور امتیاز مجله مذکور بنام
 آقای عبدالله والا از نظر این سازمان بلامانع
 میباشد.

از طرف رئیس سازمان اطلاعات و امنیت

کشور - سپهبد مقدم

بررسی کننده زرگران

رئیس دایره زرگران

رئیس بخش ۳۴۷ احسنی

رئیس اداره چهارم عملیات و بررسی معینی

۴۷۱۵۱۶ بایگانی شود زرگران ۵۷/۷/۵

وزارت اطلاعات و جهانگردی
 شماره: ۴۵/۵۵۱۶/م/۲۲/۱۸۰۷
 تاریخ: ۵۷/۶/۲۳
 موضوع: بازگشت
 از: ساواک
 دربار: مجله تهرانمصور
 در: تهران

بازگشت بشماره ۴۵/۵۵۱۶/م/۲۲/۱۸۰۷ -
 صدور امتیاز مجله مذکور بنام آقای عبدالله والا از نظر این سازمان
 بلامانع میباشد.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور - سپهبد مقدم
 از طرف

بررسی کننده زرگران
 رئیس دایره زرگران
 رئیس بخش ۳۴۷ احسنی
 رئیس اداره چهارم عملیات و بررسی معینی

۴۷۱۵۱۶

۳۴۵-۱۱۵

سند شماره ۸۴

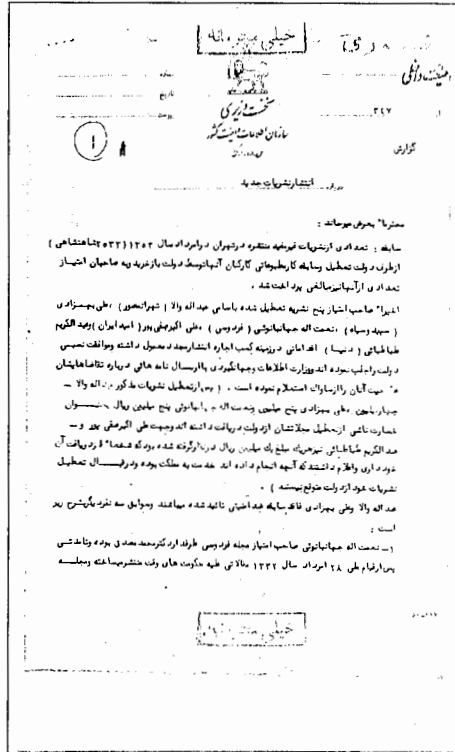
از: ۳۴۷

درباره: انتشار نشریات جدید

محترماً بعرض میرساند:

سابقه: تعدادی از نشریات غیر مفید منتشره در تهران در مرداد سال ۱۳۵۳ (۲۵۳۳) شاهنشاهی، از طرف دولت تعطیل و سابقه کار مطبوعاتی کارکنان آنها توسط دولت باز خرید و به صاحبان امتیاز تعدادی از آنها نیز مبالغی پرداخت شد.

اخیراً صاحب امتیاز پنج نشریه تعطیل شده عباسی عبدالله والا (تهرانمصور)، علی بهزادی (سپید و سیاه)، نعمت‌اله جهانبائوئی (فردوسی)، علی اکبر صفی‌پور (امید ایران) و



عبدالکریم طباطبائی (دنیا) اقداماتی در زمینه کسب اجازه انتشار مجدد معمول داشته و موافقت نسبی دولت را جلب نموده‌اند و وزارت اطلاعات و جهانگردی با ارسال نامه‌هایی درباره تقاضاهایشان صلاحیت آنان را از ساواک استعلام نموده است. (پس از تعطیل نشریات مذکور عبدالله والا چهار میلیون، علی بهزادی پنج میلیون و نعمت‌اله جهانبائوئی پنج میلیون ریال بعنوان خسارت ناشی از تعطیل مجلاتشان از دولت دریافت داشته‌اند و جهت علی اکبر صفی‌پور و عبدالکریم طباطبائی نیز هر یک مبلغ یک میلیون ریال در نظر گرفته شده بود که شخصاً از دریافت آن خودداری و اعلام داشتند که آنچه انجام داده‌اند خدمت به مملکت بوده و در قبال تعطیل نشریات خود از دولت متوقع نیستند).

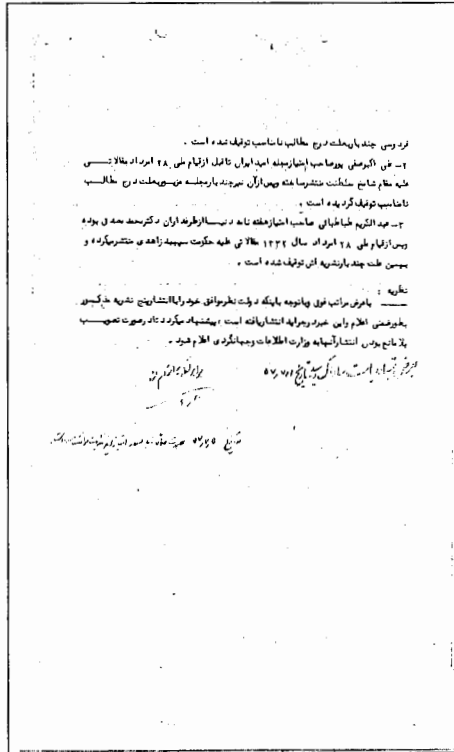
عبداله والا و علی بهزادی فاقد سابقه ضد امنیتی تأیید شده میباشند و سوابق سه نفر دیگر بشرح زیر است:

۱- نعمت‌اله جهانبائوئی صاحب امتیاز مجله فردوسی طرفدار دکتر محمد مصدق بوده و تا

مدتی پس از قیام ملی ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ مقالاتی علیه حکومت‌های وقت منتشر میساخته و مجله فردوسی چند بار بعلت درج مطالب نامناسب توقیف شده است.

۲- علی اکبر صفی پور صاحب امتیاز مجله امید ایران تا قبل از قیام ملی ۲۸ مرداد مقالاتی علیه مقام شامخ سلطنت منتشر ساخته و پس از آن نیز چند بار مجله مزبور بعلت درج مطالب نامناسب توقیف گردیده است.

۳- عبدالکریم طباطبائی صاحب امتیاز هفته‌نامه دنیا از طرفداران دکتر محمد مصدق بوده و پس از قیام ملی ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ مقالاتی علیه حکومت سپهبد زاهدی منتشر میکرده و بهمین علت چند بار نشریه‌اش توقیف شده است.



نظریه :

با عرض مراتب فوق و با توجه باینکه دولت نظر موافق خود را با انتشار پنج نشریه مذکور بطور ضمنی اعلام و این خبر در جراید انتشار یافته است، پیشنهاد میگردد تا در صورت تصویب بلامانع بودن انتشار آنها به وزارت اطلاعات و جهانگردی اعلام شود.

برابر نظریه اقدام شود ۶/۲۰

بعرض تیمسار ریاست ساواک رسید - تاریخ ۵۷/۷/۱

در تاریخ ۵۷/۷/۵ بصورت جداگانه با صدور امتیاز این نشریات موافقت شده است.

سند شماره ۸۴
 بعد از ۵ سال توقیف :
 انتشار ۵ مجله و روزنامه آزاد شد

از ۵ روزنامه و مجله که متجاوز از ۴ سال پیش در محاق توقیف قرار گرفته بود رفع ممنوعیت شد. این ۵ مجله و روزنامه عبارت است از : مجله فردوسی به صاحب امتیازی نعمت‌اله جهانبانوئی، مجله تهران مصور به صاحب امتیازی مهندس عبدالله والا، مجله امید ایران به صاحب امتیازی علی اکبر صفی‌پور، مجله سپید و سیاه به صاحب امتیازی دکتر علی بهزادی و روزنامه دنیا و نیز سالنامه دنیا به صاحب امتیازی و مدیریت و سردبیری عبدالکریم طباطبائی مجله‌ها و



روزنامه آزاد شده در روزهای آینده دوره جدید انتشار خود را از سر خواهند گرفت.

مجلات توقیف شده تا ۳ هفته دیگر منتشر می شوند

وزارت اطلاعات و جهانگردی برای ۵ روزنامه و مجله‌ای که از چهار سال پیش در محاق توقیف افتاده بودند. اجازه انتشار داد، این پنج روزنامه و مجله عبارتند از روزنامه و سالنامه دنیا، مجله فردوسی مجله امید ایران، مجله سپید و سیاه و مجله تهران مصور.

این مجله‌ها و روزنامه‌ها را به ترتیب عبدالکریم طباطبائی، نعمت‌اله جهانبانوئی، علی اکبر صفی‌پور، دکتر علی بهزادی، مهندس عبدالله والا منتشر خواهند کرد.

ناشران این مجلات در گفتگویی با آیندگان گفتند که تا سه یا چهار هفته دیگر برنامه انتشار تدوین و بمورد اجرا گذاشته خواهد شد. نعمت‌اله جهانبانوئی در گفتگویی با آیندگان اعلام کرد که مجله فردوسی همچنان به عنوان نشریه‌ای خاص روشنفکران با برجاست و همه کوشش ما این

خواهد بود که همراه با گستردگی فرهنگی در شرائط جامعه ما مجله‌ای سنگین و وزین بدست خوانندگان بدهیم.

عبدالکریم طباطبائی نیز در این گفتگو گفت که روزنامه دنیا در قالب تازه منتشر خواهد شد و تا سه هفته دیگر نخستین شماره‌های آن را بدست خوانندگان خواهیم رساند.

آیندگان ۵۷/۶/۲۲ مجله تهران مصور بایگانی شود ۴۷۱۵۱۶

زرگران ۵۷/۶/۲۲

سند شماره ۸۵

تاریخ: ۵۸/۵/۲۸

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان
نخست وزیر انقلاب

توقیراً مصوبه شورای انقلاب و اعلام
لایحه مطبوعات از جانب وزارت ارشاد ملی
این مشکل را بوجود می آورد که بموجب
تبصره ماده ۲ این لایحه انتشار مجله کهنسال
«تهران مصور» برای بار دیگر متوقف گردد.
زیرا یک بار در دوره بیست و یکم نماینده مردم
زادگاهم خلخال در مجلس شورایی ملی بوده ام و
باید امروز مانند مجرمین از «حقوق اجتماعی»
محروم شوم.

درباره موقع خود و اینکه واقعاً با آراء حقیقی
مردم خلخال به مجلس راه یافته ام مدارک و شواهد بسیار وجود دارد. مقالات مجله تهران مصور
در جهت تأیید و اشاعه افکار و آرمانهای فقید سعید دکتر مصدق و مبارزه پیگیر با وطن فروشان و
مخالفت من با «دکتر اقبال» و دیگر دست اندرکاران وقت از جمله مقالات شدید انتقادی در
شماره های ۸۸۲ و ۸۸۳ و دیگر صفحات «تهران مصور» موجب جلب آراء همشهریان خلخال
گردید.

عدم تمکین از قدرتهای روز به انحاء مختلف صورت گرفت. از جمله دعوت به همکاری از
سروان بازنشسته آقای ایرج داورپناه افسر محافظ فقید سعید دکتر مصدق، بلافاصله پس از
استخلاص از زندان و تفویض مدیریت داخلی و سرپرستی چاپخانه تهران مصور بنا برده نمونه ای
بازر در اثبات این مدعا است، که موجب مخالفت شدید ساواک و پرونده سازی مأموران رژیم
سفاک گردید. مخالفت با دولت هویدا در یک دوره نمایندگی در صف اقلیت سبب اخراج من از
حزب مردم و فراکسیون پارلمانی شد. درج مقالات انتقادی موجب توقیف های مکرر و در نهایت

شماره: ۵۸/۵/۲۸

شماره:

۱

تهران مصور

مجله هفتگی

جناب آقای محمد مهدی بازرگان نخست وزیر انقلاب

ترتیباً: مدینه شورای انقلاب و امام لایحه مطبوعات از جانب وزارت ارشاد ملی این مشکل
را بوجود می آورد که بموجب تبصره ماده ۲ این لایحه انتشار مجله کهنسال «تهران مصور» برای
بار دیگر متوقف گردد. زیرا یک بار در دوره بیست و یکم نماینده مردم زادگاهم خلخال در مجلس
دولتی بودم و باید امروز مانند مجرمین از «حقوق اجتماعی» محروم شوم.

درباره روح خود و اینکه واقعاً با آراء حقیقی مردم خلخال به مجلس راه یافته ام مدارک و شواهد
بسیار وجود دارد. مقالات مجله تهران مصور در جهت تأیید و اشاعه افکار و آرمانهای فقید سعید
دکتر مصدق و مبارزه پیگیر با وطن فروشان و مخالفت من با «دکتر اقبال» و دیگر دست اندرکاران
وقت از جمله مقالات شدید انتقادی در شماره های ۸۸۲ و ۸۸۳ و دیگر صفحات «تهران مصور» موجب
جلب آراء همشهریان خلخال گردید.

عدم تمکین از قدرتهای روز به انحاء مختلف صورت گرفت. از جمله دعوت به همکاری از سروان بازنشسته
آقای ایرج داورپناه افسر محافظ فقید سعید دکتر مصدق، بلافاصله پس از استخلاص از زندان و تفویض
مدیریت داخلی و سرپرستی چاپخانه تهران مصور بنا برده نمونه ای باز در اثبات این مدعا است، که
موجب مخالفت شدید ساواک و پرونده سازی مأموران رژیم سفاک گردید. مخالفت با دولت هویدا در یک دوره
نمایندگی در صف اقلیت سبب اخراج من از حزب مردم و فراکسیون پارلمانی شد. درج مقالات انتقادی موجب

آدرس: خیابان آریه، تهران - شماره پستی: ۱۳۱۳۱ - شماره تلفن: ۳۱۳۱۱
چاپخانه مطبوعات و نشریات تهران

تعطیل این نشریه مبارز و مصادره محل چاپخانه تهران مصور و محرومیت از نمایندگی مردم خلخال گردید.

آیا مطرود دستگاه ساواک و رستاخیز و ممنوع القلم بودن در دوران گذشته خود دلیل کافی بر مبارزات این جانب با دستگاه حاکمه آنروز بشمار نمی آید؟

در پی نشر سرمقاله پس از وقایع ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ مرابسه شهربانی احضار کردند و پرونده ای علیه من با اتهام همکاری با جمال عبدالناصر تشکیل گردید.

طرفداری از آیات عظام و رهبران مذهبی در آن دوران برای مجله تهران مصور مشکلات فراوانی ایجاد کرد از این بابت سهمی مطالبه نمی کنم. ولی امروز با کشیدن مرز و ایجاد مبدأ

از سال ۱۳۴۲ من نیز مشمول تنبیه و محروم از حقوق اجتماعی همانند مجرمین شده ام آیا این بی عدالتی نیست؟

اگر قرار است حکومت عدل اسلامی مستقر گردد. باید به پرونده یکایک افراد با بی نظری رسیدگی شود و اگر فردی سوء استفاده مالی یا معنوی از مقام و موقع خود کرده است باید مجازات ببیند، نه آنکه درباره مردم گروه گروه، اتخاذ تصمیم گردد، و خادم و خائن را تفاوتی نباشد؟ آیا این اعمال در پیشگاه عدل الهی روش مقبول و پسندیده ایست؟

مطلب دیگر که ذکر آن حائز نهایت اهمیت است و نوعی دیگر از بیعدالتی بشمار می آید این است که چنانچه این جانب از صافی ساواک رد میشدم و بنام نماینده دوران رستاخیزی به مجلس می رفتم و با دولت های آن چنانی همکاری داشتم و سپس با استفاده از فرصت روز به فرمان امام تمکین کرده و استعفا می دادم، اینک مرا و منزله از اعمال گذشته بادم و از حقوق اجتماعی بهره مند می شدم و تشکیلات تهران مصور که مجدداً با خون دل تجدید حیات یافته، متوقف نمی گردید.

تهران مصور

مجله هفتگی

شماره ۳۸/۳۸

تاریخ ...

... ۲

توزیع های غیر در حدیث تعلیل این نشریه مبارز و مصادره محل چاپخانه تهران مصور و محرومیت از نمایندگی مردم خلخال گردید.

آیا مطرود دستگاه ساواک و رستاخیز و ممنوع القلم بودن در دوران گذشته خود دلیل کافی بر مبارزات این جانب با دستگاه حاکمه آنروز بشمار نمی آید؟

در پی نشر سرمقاله پس از وقایع ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ مرابسه شهربانی احضار کردند و پرونده ای علیه من با اتهام همکاری با جمال عبدالناصر تشکیل گردید.

طرفداری از آیات عظام و رهبران مذهبی در آن دوران برای مجله تهران مصور مشکلات فراوانی ایجاد کرد از این بابت سهمی مطالبه نمی کنم. ولی امروز با کشیدن مرز و ایجاد مبدأ از حقوق اجتماعی مشمول تنبیه و محروم از حقوق اجتماعی شده ام آیا این بی عدالتی نیست؟

اگر قرار است حکومت عدل اسلامی مستقر گردد. باید به پرونده یکایک افراد با بی نظری رسیدگی شود و اگر فردی سوء استفاده مالی یا معنوی از مقام و موقع خود کرده است باید مجازات ببیند، نه آنکه درباره مردم گروه گروه، اتخاذ تصمیم گردد، و خادم و خائن را تفاوتی نباشد؟ آیا این اعمال در پیشگاه عدل الهی روش مقبول و پسندیده ایست؟

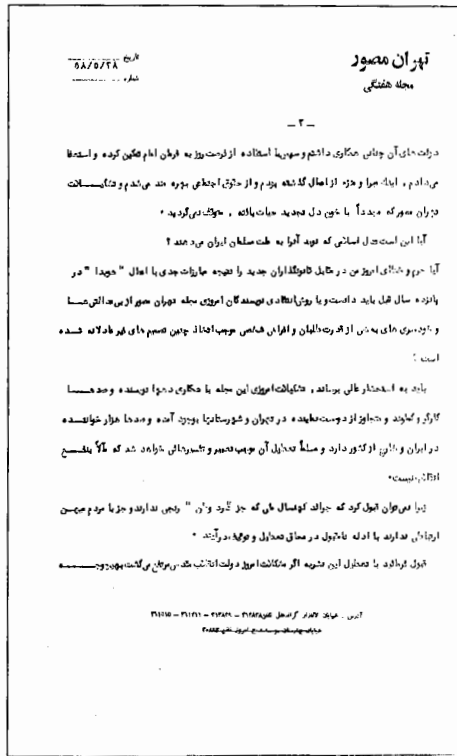
مطلب دیگر که ذکر آن حائز نهایت اهمیت است و نوعی دیگر از بیعدالتی بشمار می آید این است که چنانچه این جانب از صافی ساواک رد میشدم و بنام نماینده دوران رستاخیزی به مجلس می رفتم و با دولت های آن چنانی همکاری داشتم و سپس با استفاده از فرصت روز به فرمان امام تمکین کرده و استعفا می دادم، اینک مرا و منزله از اعمال گذشته بادم و از حقوق اجتماعی بهره مند می شدم و تشکیلات تهران مصور که مجدداً با خون دل تجدید حیات یافته، متوقف نمی گردید.

آدرس: مطبعه روزگار، خیابان گلستان، تهران، شماره ۳۸۸۸ - ۳۸۸۹ - ۳۸۹۰ - ۳۸۹۱ - ۳۸۹۲

مطبعه روزگار، تهران، شماره ۳۸۹۳

آیا این است عدل اسلامی که نوید آنرا به ملت مسلمان ایران می دهند؟
 آیا جرم و خطای امروز من در مقابل قانونگذاران جدید را نتیجه مبارزات جدی با اعمال «هویدا» در پانزده سال قبل باید دانست و یا روش انتقادی نویسندگان امروزی مجله تهران مصور از بی عدالتی‌ها و خودسری‌های بعضی از قدرت طلبان و اغراض شخصی موجب اتخاذ چنین تصمیم‌های غیرعادلانه شده است؟

باید به استحضار عالی برساند. تشکیلات امروزی این مجله با همکاری دهها نویسنده و صدها کارگر و کارمند و متجاوز از دویست نماینده در تهران و شهرستانها بوجود آمده و صدها هزار خواننده در ایران و خارج از کشور



دارد و مسلماً تعطیل آن موجب تعبیر و تفسیرهایی خواهد شد که مآلاً بنفع انقلاب نیست. زیرا نمی توان قبول کرد که جرائد کهنسال ملی که جز «درد وطن» رنجی ندارند و جز با مردم میهن ارتباطی ندارند با ادله نامقبول در محاق تعطیل و توقیف درآیند.

قبول فرمائید با تعطیل این نشریه اگر مشکلات امروز دولت انقلاب مقدس مرتفع می‌گشت بهیچوجه در مقام تصدیق و اعتراض بر نمی آمد ولی درد این است که چنین بی عدالتی‌ها نباید در دوران صدارت جنابعالی صورت گیرد.

شکستن قلم و توقیف اندیشمندان و منتقدین کار رضاخانی و هویدائی است نه روش دولت انقلابی مهندس بازرگان تاسف در این است که شیوه نامرضیه دولت‌های طاغوتی در شکستن قلم و بستن زبان می‌رود که تکرار گردد.

ستم همی کنی از دادگر نیندیشی
 خدا نکرده مگر روز داوری نبود؟

اینک برای استفاده از فرصتی که امام خمینی با سعه صدر به جرائد و ارباب قلم اعطاء فرموده‌اند و در جهت مبارزه با تبلیغات سوء دشمنان انقلاب که روش اخیر حکومت آن جناب را متهم به عناد با آزادی قلم و بیان مینمایند و یا ایمانی که به عدالتخواهی شخصی شما دارم و از لحاظ تطبیق با مواد لایحه جدید مطبوعات امتیاز مجله را به برادرم دکتر فتح‌اله والا که واجد کلیه شرایط است و اگذار نمودم و استدعای بذل توجه به وضع خاص خود و صدور دستور عنایت آمیز آن جناب برای ادامه انتشار تهران مصور دارم.

نظر ارباب قلم در جهان آزاد متوجه اعمال ما است. از صمیم قلب خواهان بسط عدالت اجتماعی و موفقیت و روسفیدی آن جناب در خدمت به ایران و اسلام می‌باشم.

موقع را برای ادای احترام مغتنم می‌شمارد.

مدیر مجله تهران مصور که در شرف تعطیل است
عبداله والا

تهران مصور
مجله هفتگی

- ۱ -

در تمام صبح و احوالی می‌آید ولی درد این است که چندان بی‌دانش ما نباید در دوران سعادت
جامع‌الناس صورت گیرد *

دکتران قلم و عقیدت‌اند به بخندان و عقیدتین کار دشمنانی و مزید دانش است که روش دولت انگلیسی
می‌داند بی‌انگیزان باشد در این است که در همه جا در وقت‌های ناخوش در تکثیر قلم و سخن‌پسندان
می‌داند که کار کرد *

ستم نمی‌کنم از دادگر بندگان
خدا بفرماید که هرگز داری بود *

ایران برای استفاده از روشی که امام شعبان با سعه صدر به جرائد و ارباب قلم اعطاء فرموده و در
جهت مبارزه با تبلیغات سوء دشمنان انقلاب که روش اخیر حکومت آن جناب را متهم به عناد با آزادی قلم
و بیان مینمایند و یا ایمانی که به عدالتخواهی شخصی شما دارم و از لحاظ تطبیق با مواد لایحه جدید
مطبوعات امتیاز مجله را به برادرم دکتر فتح‌اله والا که واجد کلیه شرایط است و اگذار نمودم و استدعای
بذل توجه به وضع خاص خود و صدور دستور عنایت آمیز آن جناب برای ادامه انتشار تهران مصور دارم *

انتشار ارباب قلم در جهان آزاد مجله احوال ما است که از جرم‌خواران بسط عدالت اجتماعی
و موفقیت و روسفیدی آن جناب در خدمت به ایران و اسلام می‌باشم *

موقع را برای ادای احترام مغتنم می‌شمارد *

مدیر مجله تهران مصور که در شرف تعطیل است
عبداله والا

تهران: خیابان عصر کوشش، پلاک ۳۳۳ - ۳۳۴ - ۳۳۵ - ۳۳۶ - ۳۳۷ - ۳۳۸ - ۳۳۹ - ۳۴۰ - ۳۴۱ - ۳۴۲ - ۳۴۳ - ۳۴۴ - ۳۴۵ - ۳۴۶ - ۳۴۷ - ۳۴۸ - ۳۴۹ - ۳۵۰ - ۳۵۱ - ۳۵۲ - ۳۵۳ - ۳۵۴ - ۳۵۵ - ۳۵۶ - ۳۵۷ - ۳۵۸ - ۳۵۹ - ۳۶۰ - ۳۶۱ - ۳۶۲ - ۳۶۳ - ۳۶۴ - ۳۶۵ - ۳۶۶ - ۳۶۷ - ۳۶۸ - ۳۶۹ - ۳۷۰ - ۳۷۱ - ۳۷۲ - ۳۷۳ - ۳۷۴ - ۳۷۵ - ۳۷۶ - ۳۷۷ - ۳۷۸ - ۳۷۹ - ۳۸۰ - ۳۸۱ - ۳۸۲ - ۳۸۳ - ۳۸۴ - ۳۸۵ - ۳۸۶ - ۳۸۷ - ۳۸۸ - ۳۸۹ - ۳۹۰ - ۳۹۱ - ۳۹۲ - ۳۹۳ - ۳۹۴ - ۳۹۵ - ۳۹۶ - ۳۹۷ - ۳۹۸ - ۳۹۹ - ۴۰۰ - ۴۰۱ - ۴۰۲ - ۴۰۳ - ۴۰۴ - ۴۰۵ - ۴۰۶ - ۴۰۷ - ۴۰۸ - ۴۰۹ - ۴۱۰ - ۴۱۱ - ۴۱۲ - ۴۱۳ - ۴۱۴ - ۴۱۵ - ۴۱۶ - ۴۱۷ - ۴۱۸ - ۴۱۹ - ۴۲۰ - ۴۲۱ - ۴۲۲ - ۴۲۳ - ۴۲۴ - ۴۲۵ - ۴۲۶ - ۴۲۷ - ۴۲۸ - ۴۲۹ - ۴۳۰ - ۴۳۱ - ۴۳۲ - ۴۳۳ - ۴۳۴ - ۴۳۵ - ۴۳۶ - ۴۳۷ - ۴۳۸ - ۴۳۹ - ۴۴۰ - ۴۴۱ - ۴۴۲ - ۴۴۳ - ۴۴۴ - ۴۴۵ - ۴۴۶ - ۴۴۷ - ۴۴۸ - ۴۴۹ - ۴۵۰ - ۴۵۱ - ۴۵۲ - ۴۵۳ - ۴۵۴ - ۴۵۵ - ۴۵۶ - ۴۵۷ - ۴۵۸ - ۴۵۹ - ۴۶۰ - ۴۶۱ - ۴۶۲ - ۴۶۳ - ۴۶۴ - ۴۶۵ - ۴۶۶ - ۴۶۷ - ۴۶۸ - ۴۶۹ - ۴۷۰ - ۴۷۱ - ۴۷۲ - ۴۷۳ - ۴۷۴ - ۴۷۵ - ۴۷۶ - ۴۷۷ - ۴۷۸ - ۴۷۹ - ۴۸۰ - ۴۸۱ - ۴۸۲ - ۴۸۳ - ۴۸۴ - ۴۸۵ - ۴۸۶ - ۴۸۷ - ۴۸۸ - ۴۸۹ - ۴۹۰ - ۴۹۱ - ۴۹۲ - ۴۹۳ - ۴۹۴ - ۴۹۵ - ۴۹۶ - ۴۹۷ - ۴۹۸ - ۴۹۹ - ۵۰۰ - ۵۰۱ - ۵۰۲ - ۵۰۳ - ۵۰۴ - ۵۰۵ - ۵۰۶ - ۵۰۷ - ۵۰۸ - ۵۰۹ - ۵۱۰ - ۵۱۱ - ۵۱۲ - ۵۱۳ - ۵۱۴ - ۵۱۵ - ۵۱۶ - ۵۱۷ - ۵۱۸ - ۵۱۹ - ۵۲۰ - ۵۲۱ - ۵۲۲ - ۵۲۳ - ۵۲۴ - ۵۲۵ - ۵۲۶ - ۵۲۷ - ۵۲۸ - ۵۲۹ - ۵۳۰ - ۵۳۱ - ۵۳۲ - ۵۳۳ - ۵۳۴ - ۵۳۵ - ۵۳۶ - ۵۳۷ - ۵۳۸ - ۵۳۹ - ۵۴۰ - ۵۴۱ - ۵۴۲ - ۵۴۳ - ۵۴۴ - ۵۴۵ - ۵۴۶ - ۵۴۷ - ۵۴۸ - ۵۴۹ - ۵۵۰ - ۵۵۱ - ۵۵۲ - ۵۵۳ - ۵۵۴ - ۵۵۵ - ۵۵۶ - ۵۵۷ - ۵۵۸ - ۵۵۹ - ۵۶۰ - ۵۶۱ - ۵۶۲ - ۵۶۳ - ۵۶۴ - ۵۶۵ - ۵۶۶ - ۵۶۷ - ۵۶۸ - ۵۶۹ - ۵۷۰ - ۵۷۱ - ۵۷۲ - ۵۷۳ - ۵۷۴ - ۵۷۵ - ۵۷۶ - ۵۷۷ - ۵۷۸ - ۵۷۹ - ۵۸۰ - ۵۸۱ - ۵۸۲ - ۵۸۳ - ۵۸۴ - ۵۸۵ - ۵۸۶ - ۵۸۷ - ۵۸۸ - ۵۸۹ - ۵۹۰ - ۵۹۱ - ۵۹۲ - ۵۹۳ - ۵۹۴ - ۵۹۵ - ۵۹۶ - ۵۹۷ - ۵۹۸ - ۵۹۹ - ۶۰۰ - ۶۰۱ - ۶۰۲ - ۶۰۳ - ۶۰۴ - ۶۰۵ - ۶۰۶ - ۶۰۷ - ۶۰۸ - ۶۰۹ - ۶۱۰ - ۶۱۱ - ۶۱۲ - ۶۱۳ - ۶۱۴ - ۶۱۵ - ۶۱۶ - ۶۱۷ - ۶۱۸ - ۶۱۹ - ۶۲۰ - ۶۲۱ - ۶۲۲ - ۶۲۳ - ۶۲۴ - ۶۲۵ - ۶۲۶ - ۶۲۷ - ۶۲۸ - ۶۲۹ - ۶۳۰ - ۶۳۱ - ۶۳۲ - ۶۳۳ - ۶۳۴ - ۶۳۵ - ۶۳۶ - ۶۳۷ - ۶۳۸ - ۶۳۹ - ۶۴۰ - ۶۴۱ - ۶۴۲ - ۶۴۳ - ۶۴۴ - ۶۴۵ - ۶۴۶ - ۶۴۷ - ۶۴۸ - ۶۴۹ - ۶۵۰ - ۶۵۱ - ۶۵۲ - ۶۵۳ - ۶۵۴ - ۶۵۵ - ۶۵۶ - ۶۵۷ - ۶۵۸ - ۶۵۹ - ۶۶۰ - ۶۶۱ - ۶۶۲ - ۶۶۳ - ۶۶۴ - ۶۶۵ - ۶۶۶ - ۶۶۷ - ۶۶۸ - ۶۶۹ - ۶۷۰ - ۶۷۱ - ۶۷۲ - ۶۷۳ - ۶۷۴ - ۶۷۵ - ۶۷۶ - ۶۷۷ - ۶۷۸ - ۶۷۹ - ۶۸۰ - ۶۸۱ - ۶۸۲ - ۶۸۳ - ۶۸۴ - ۶۸۵ - ۶۸۶ - ۶۸۷ - ۶۸۸ - ۶۸۹ - ۶۹۰ - ۶۹۱ - ۶۹۲ - ۶۹۳ - ۶۹۴ - ۶۹۵ - ۶۹۶ - ۶۹۷ - ۶۹۸ - ۶۹۹ - ۷۰۰ - ۷۰۱ - ۷۰۲ - ۷۰۳ - ۷۰۴ - ۷۰۵ - ۷۰۶ - ۷۰۷ - ۷۰۸ - ۷۰۹ - ۷۱۰ - ۷۱۱ - ۷۱۲ - ۷۱۳ - ۷۱۴ - ۷۱۵ - ۷۱۶ - ۷۱۷ - ۷۱۸ - ۷۱۹ - ۷۲۰ - ۷۲۱ - ۷۲۲ - ۷۲۳ - ۷۲۴ - ۷۲۵ - ۷۲۶ - ۷۲۷ - ۷۲۸ - ۷۲۹ - ۷۳۰ - ۷۳۱ - ۷۳۲ - ۷۳۳ - ۷۳۴ - ۷۳۵ - ۷۳۶ - ۷۳۷ - ۷۳۸ - ۷۳۹ - ۷۴۰ - ۷۴۱ - ۷۴۲ - ۷۴۳ - ۷۴۴ - ۷۴۵ - ۷۴۶ - ۷۴۷ - ۷۴۸ - ۷۴۹ - ۷۵۰ - ۷۵۱ - ۷۵۲ - ۷۵۳ - ۷۵۴ - ۷۵۵ - ۷۵۶ - ۷۵۷ - ۷۵۸ - ۷۵۹ - ۷۶۰ - ۷۶۱ - ۷۶۲ - ۷۶۳ - ۷۶۴ - ۷۶۵ - ۷۶۶ - ۷۶۷ - ۷۶۸ - ۷۶۹ - ۷۷۰ - ۷۷۱ - ۷۷۲ - ۷۷۳ - ۷۷۴ - ۷۷۵ - ۷۷۶ - ۷۷۷ - ۷۷۸ - ۷۷۹ - ۷۸۰ - ۷۸۱ - ۷۸۲ - ۷۸۳ - ۷۸۴ - ۷۸۵ - ۷۸۶ - ۷۸۷ - ۷۸۸ - ۷۸۹ - ۷۹۰ - ۷۹۱ - ۷۹۲ - ۷۹۳ - ۷۹۴ - ۷۹۵ - ۷۹۶ - ۷۹۷ - ۷۹۸ - ۷۹۹ - ۸۰۰ - ۸۰۱ - ۸۰۲ - ۸۰۳ - ۸۰۴ - ۸۰۵ - ۸۰۶ - ۸۰۷ - ۸۰۸ - ۸۰۹ - ۸۱۰ - ۸۱۱ - ۸۱۲ - ۸۱۳ - ۸۱۴ - ۸۱۵ - ۸۱۶ - ۸۱۷ - ۸۱۸ - ۸۱۹ - ۸۲۰ - ۸۲۱ - ۸۲۲ - ۸۲۳ - ۸۲۴ - ۸۲۵ - ۸۲۶ - ۸۲۷ - ۸۲۸ - ۸۲۹ - ۸۳۰ - ۸۳۱ - ۸۳۲ - ۸۳۳ - ۸۳۴ - ۸۳۵ - ۸۳۶ - ۸۳۷ - ۸۳۸ - ۸۳۹ - ۸۴۰ - ۸۴۱ - ۸۴۲ - ۸۴۳ - ۸۴۴ - ۸۴۵ - ۸۴۶ - ۸۴۷ - ۸۴۸ - ۸۴۹ - ۸۵۰ - ۸۵۱ - ۸۵۲ - ۸۵۳ - ۸۵۴ - ۸۵۵ - ۸۵۶ - ۸۵۷ - ۸۵۸ - ۸۵۹ - ۸۶۰ - ۸۶۱ - ۸۶۲ - ۸۶۳ - ۸۶۴ - ۸۶۵ - ۸۶۶ - ۸۶۷ - ۸۶۸ - ۸۶۹ - ۸۷۰ - ۸۷۱ - ۸۷۲ - ۸۷۳ - ۸۷۴ - ۸۷۵ - ۸۷۶ - ۸۷۷ - ۸۷۸ - ۸۷۹ - ۸۸۰ - ۸۸۱ - ۸۸۲ - ۸۸۳ - ۸۸۴ - ۸۸۵ - ۸۸۶ - ۸۸۷ - ۸۸۸ - ۸۸۹ - ۸۹۰ - ۸۹۱ - ۸۹۲ - ۸۹۳ - ۸۹۴ - ۸۹۵ - ۸۹۶ - ۸۹۷ - ۸۹۸ - ۸۹۹ - ۹۰۰ - ۹۰۱ - ۹۰۲ - ۹۰۳ - ۹۰۴ - ۹۰۵ - ۹۰۶ - ۹۰۷ - ۹۰۸ - ۹۰۹ - ۹۱۰ - ۹۱۱ - ۹۱۲ - ۹۱۳ - ۹۱۴ - ۹۱۵ - ۹۱۶ - ۹۱۷ - ۹۱۸ - ۹۱۹ - ۹۲۰ - ۹۲۱ - ۹۲۲ - ۹۲۳ - ۹۲۴ - ۹۲۵ - ۹۲۶ - ۹۲۷ - ۹۲۸ - ۹۲۹ - ۹۳۰ - ۹۳۱ - ۹۳۲ - ۹۳۳ - ۹۳۴ - ۹۳۵ - ۹۳۶ - ۹۳۷ - ۹۳۸ - ۹۳۹ - ۹۴۰ - ۹۴۱ - ۹۴۲ - ۹۴۳ - ۹۴۴ - ۹۴۵ - ۹۴۶ - ۹۴۷ - ۹۴۸ - ۹۴۹ - ۹۵۰ - ۹۵۱ - ۹۵۲ - ۹۵۳ - ۹۵۴ - ۹۵۵ - ۹۵۶ - ۹۵۷ - ۹۵۸ - ۹۵۹ - ۹۶۰ - ۹۶۱ - ۹۶۲ - ۹۶۳ - ۹۶۴ - ۹۶۵ - ۹۶۶ - ۹۶۷ - ۹۶۸ - ۹۶۹ - ۹۷۰ - ۹۷۱ - ۹۷۲ - ۹۷۳ - ۹۷۴ - ۹۷۵ - ۹۷۶ - ۹۷۷ - ۹۷۸ - ۹۷۹ - ۹۸۰ - ۹۸۱ - ۹۸۲ - ۹۸۳ - ۹۸۴ - ۹۸۵ - ۹۸۶ - ۹۸۷ - ۹۸۸ - ۹۸۹ - ۹۹۰ - ۹۹۱ - ۹۹۲ - ۹۹۳ - ۹۹۴ - ۹۹۵ - ۹۹۶ - ۹۹۷ - ۹۹۸ - ۹۹۹ - ۱۰۰۰

مجموعه سند شماره ۸۶

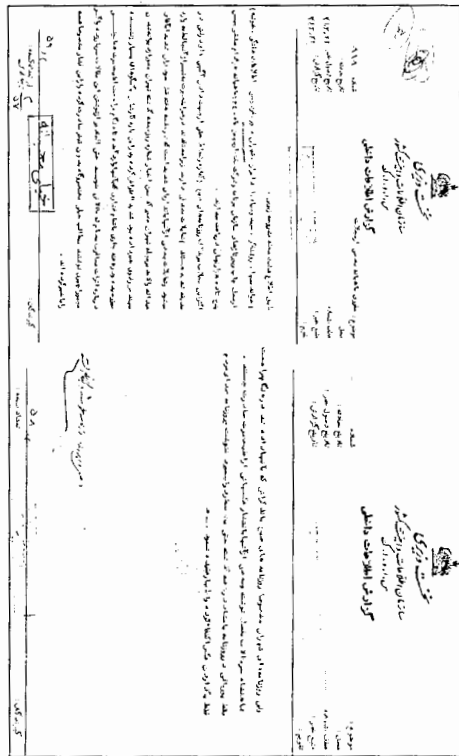
شماره: ۸۱۸ تاریخ: ۴۱/۲/۲۲

موضوع: مقرری ماهیانه بعضی از مجلات
طبق اطلاع هشت مجله مشروحه زیرین.
(خواندنیهها، روشنفکر، سپید و سیاه، امید
ایران، تهران مصور، فردوسی، اطلاعات
هفتگی، خوشه) از محل چاپ رپورتاژهای
سازمان برنامه و شرکت نفت از بهمن ماه ۱۳۴۰
ماهیانه هر کدام مبلغی بین پنج تا ده هزار تومان
دریافت میدارند.

اکثر این مجلات برخلاف روزنامه‌های
صبح (که از هر لحاظ حتی از جهت دادن
آگهی‌های دولتی در مضیقه شدید هستند)
تمایلات مصدقی دارند زیرا معتقدند در غیر
اینصورت به تیراژ آنها لطمه وارد میشود و

تمایلات بعضی از آنها باندازه‌ای شدید است که در جلسه هفته قبل خودشان شدیداً آقای عبدالله
والا مدیر مجله تهران مصور که ضمن اخبار شماره روز جمعه گذشته تهران مصور از دیوانه شدن
مهندس رضوی خبر داده بود شدیداً اعتراض کرده و در این باره کارشان بگفتگوهای بسیار زننده
نیز رسیده و در هفته جاری باتمام فشاری که بآنها وارد آمده تا هنگام مراجعت اعلیحضرت
همایونی درباره اثرات مسافرت معظم له مقالاتی بنویسند حتی المقدور از نوشتن این مقالات
سرباز زده و اگر مجبوراً چیزی نوشتند بمطالب خیلی مختصر و گاه بدون تیتربا مبادرت کرده و از
این فشار مخصوصاً همه را باخبر کرده‌اند. ولی روزنامه‌های تهران مخصوصاً روزنامه‌های صبح با
تذکراتی که بآنها داده شد در هنگام مراجعت شاهنشاه سرمقالات مفصل نوشته و بعضی از آنها
باتنشار عکسهائی از اعلیحضرت مبادرت جستند. فقط پوروالی در روزنامه بامشاد در هفته
گذشته حتی یک سطر در اینمورد نوشت و رونامه صدای مردم فقط بگذاردن عکس اکتفاء کرده و

اظهار عقیده ننمود. اصل در پرونده روزنامه خوشه بایگانی است ۵۸/۲



مجموعه سند شماره ۸۶

از: ۷/۵/۲۰ تا: ۴۶/۱۲/۱۵ تاریخ

به: ۳۲۵ شماره: ۷۵/۲۰/۳۹۴۶۴ شماره

موضوع: کمک شرکت ملی نفت به

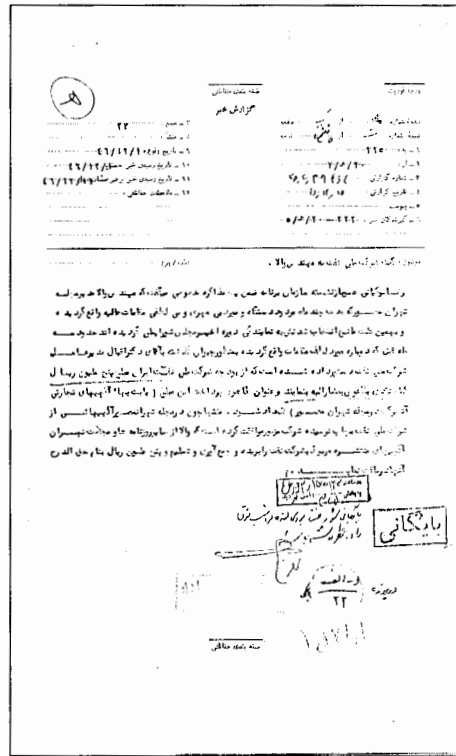
مهندس والا

رضا نوکیانی عضو باز شسته سازمان برنامه
ضمن یک مذاکره خصوصی میگفت که مهندس
والا مدیر مجله تهران مصور که مدت چند ماه
مردود دستگاه و مورد بی مهری و بی لطفی
مقامات عالیه واقع گردیده و بهمین علت مانع
انتخاب شدنش به نمایندگی دوره اخیر مجلس
شواریملی گردیده اند حدود سه ماه قبل که
دوباره مورد لطف مقامات واقع گردیده بمنظور
جبران گذشته آقای دکتر اقبال مدیر عامل

شرکت ملی نفت دستور داده شده است که از بودجه شرکت ملی نفت ایران مبلغ پنج میلیون ریال
کمک نقدی بلاعوض بمشارالیه بنمایند و عنوان ظاهری پرداخت این مبلغ (بابت بهاء آگهیهای
تجارتی آنشرکت در مجله تهران مصور) قلمداد شود. منتها چون در مجله تهران مصور آگهیهای از
شرکت ملی نفت بچاپ نرسیده شرکت مزبور موافقت کرده است که والا از سایر روزنامهها و
مجلات تهران آگهیهای منتشره مربوط بشرکت نفت را بریده و جمع آوری و تسلیم و پنج میلیون
ریال بنام حق الدرج آنها دریافت نماید.

بایگانی شود ضمناً بررسی کننده مراتب فوق را در نظر داشته باشد

در پرونده الف-بایگانی شود.
۲۳



سند شماره ۸۷
نمونه برگ بیوگرافی

- ۱- نام عبدالله
- ۲- شهرت والا
- ۳- نام پدر مرحوم حسین
- ۴- تاریخ تولد ۱۲۹۹
- ۵- شماره شناسنامه و محل صدور ۲۵۲ بخش ۵ تهران
- ۶- محل تولد خلخال
- ۷- شغل مدیر داخلی مجله تهرانمصور.
- ۸- رتبه مهندس شیمی.
- ۹- محل سکونت دائم تهران
- ۱۰- محل سکونت فعلی خیابان تخت جمشید کاشی ۱۲۳ تلفن ۰۴۴۴۵۰

نمونه برگ بیوگرافی

۱- نام: عبدالله
 ۲- شهرت: والا
 ۳- نام پدر: مرحوم حسین
 ۴- تاریخ تولد: ۱۲۹۹
 ۵- شماره شناسنامه و محل صدور: ۲۵۲ بخش ۵ تهران
 ۶- محل تولد: خلخال
 ۷- شغل: مدیر داخلی مجله تهرانمصور.
 ۸- رتبه: مهندس شیمی.
 ۹- محل سکونت دائم: تهران
 ۱۰- محل سکونت فعلی: خیابان تخت جمشید کاشی ۱۲۳ تلفن ۰۴۴۴۵۰
 ۱۱- مذهب: مسلمان
 ۱۲- تابعیت: ایران
 ۱۳- خانوادگی: متاهل
 ۱۴- نام فرزندان: خانم آزاده و ذکور - اناث (در صورتی که خارج از کشور باشد مشخصات کامل او) ثریا شقایق
 ۱۵- تعداد اولاد: ۲ (ذکور - اناث) با پسر بنام کامران ده ساله
 ۱۶- شغل سرپرست خانواده است یا خیر؟ متاهل است
 ۱۷- وضعیت جسمانی: خوب
 ۱۸- اعتیادات: ندارد
 ۱۹- میزان ثروت: در حدود یک میلیون تومان
 ۲۰- معلومات و مدارج تحصیلی (عمومی - تخصصی) لیسانس در رشته شیمی و حقوق قضائی

- ۱۱- مذهب مسلمان
- ۱۲- تابعیت ایران
- ۱۳- متاهل است یا خیر؟ متاهل است
- ۱۴- خانم او از کدام خانواده است (در صورتی که خارجی است مشخصات کامل او) ثریا شقایق از فامیل سرهنگ شقایق.
- ۱۵- تعداد اولاد (ذکور - اناث) با ذکر اسمی یک پسر بنام کامران ده ساله
- ۱۶- شغل هر یک از اولادان: محصل.
- ۱۷- وضعیت جسمانی: سالم
- ۱۸- اعتیادات: مضره. ندارد.
- ۱۹- میزان ثروت: در حدود یک میلیون تومان
- ۲۰- معلومات و مدارج تحصیلی (عمومی - تخصصی) لیسانس در رشته شیمی و حقوق قضائی

فارغ التحصیل مدرسه صنعتی تهران.

۲۱- صفات برجسته مادی

۲۲- روحیه و افکار نسبت به :

الف - شاهنشاه خوب

ب - میهن خوب

پ - مذهب عادی

ت - خانواده خوب

ث - امور اجتماعی و عام المنفعه خوب.

۲۳- میزان علاقمندی نسبت به :

الف - مقام و قدرت فوق العاده

ب - شهرت فوق العاده

پ - پول فوق العاده

ت - زن زیاد

ث - قمار عادی.

۲۴- نقاط ضعف پول دوست - مقام پرست و متملق.

۱	۱۰- اجزا چشمی و علم الفتنه خوب.
۲	۱۱- میزان علاقه ی نسبت به :
۳	الف - مقام و قدرت فوق العاده
۴	ب - شهرت فوق العاده
۵	پ - پول فوق العاده
۶	ت - زن زیاد
۷	ث - قمار عادی
۸	۱۲- نقاط ضعف پول دوست - مقام پرست و متملق.
۹	۱۳- حسن شهرت متوسط.
۱۰	۱۴- محرومیت فوق العاده
۱۱	۱۵- میزان نفوذ و اجتماع «من ارباب» زیاد و بعضی از ارباب نفوذ دارد.
۱۲	۱۶- نظریه مردم نسبت به «باو نامساعد نیست».
۱۳	۱۷- سوابق خدمت وزارت دارائی - بعد کارمند تماشاخانه تهران - مدیر داخلی مجله تهران
۱۴	۱۸- ساحت عمل و درستکاری خود ابرام نیست.
۱۵	۱۹- خصوصیات اداری در صورتی که کارمند اداره باشد - فعال - زرتنگ و باهوش.
۱۶	۲۰- حدود خوشنامی خود و خانواده غادی
۱۷	۲۱- حسن همکاری خوب
۱۸	۲۲- خونسردی و متانت خوب
۱۹	۲۳- احترام بقوانین و مقررات اجتماعی خوب
۲۰	۲۴- احترام بلایان و فقرات اجتماعی
۲۱	۲۵- ثبات عقیده و استقلال فکر
۲۲	۲۶- هرگز بهره و کثرت و حکومت برائی ندارد.
۲۳	۲۷- سوابق و فعالیت های سیاسی و فعالیت عالی که در این زمینه بسیار دارد و اشتغال
۲۴	۲۸- فعالیت های سیاسی در میان حاضر نامزدان نیست.
۲۵	۲۹- متعلقی با عراب و وسیعها جنبه مردم
۲۶	۳۰- خونسردی و متانت و وفاداری بین ارباب براداران - نامور و موز است
۲۷	۳۱- فعالیت های سیاسی در میان حاضر نامزدان نیست.
۲۸	۳۲- فعالیت های اجتماعی و سیاسی و ثبات آن در همه اشکال است.
۲۹	۳۳- ارباب الاذن ندارد

۲۵- حسن شهرت متوسط

۲۶- معروفیت فوق العاده

۲۷- میزان نفوذ در اجتماع بین ارباب جراید و بعضی از طبقات نفوذ دارد.

۲۸- نظریه مردم نسبت باو نامساعد نیست

۲۹- سوابق خدمتی وزارت دارائی - بعد کارمند تماشاخانه تهران - مدیر داخلی مجله تهران مصور.

۳۰- صحت عمل و درستکاری مورد ایراد نیست.

۳۱- خصوصیات اداری در صورتی که کارمند اداره باشد فعال - زرتنگ و باهوش.

۳۲- حدود خوشنامی خود و خانواده غادی

۳۳- حسن همکاری خوب

۳۴- خونسردی و متانت خوب

۳۵- احترام بقوانین و مقررات اجتماعی خوب

- ۳۶- ثبات عقیده و استقلال فکر خوب
- ۳۷- هرگونه پرونده کیفری و محکومیت جزائی ندارد.
- ۳۸- سوابق و تمایلات سیاسی و فعالیت‌هایی که در این زمینه انجام داده است طرفدار سیاست غرب و رژیم مشروطه سلطنتی و در ادوار گذشته وفاداری خود را نسبت بشاهنشاه به ثبوت رسانیده است.
- ۳۹- تمایلات سیاسی در حال حاضر ناسیونالیست است.
- ۴۰- بستگی باحزاب و جمعیتها حزب مردم.
- ۴۱- مخالفین وی با ذکر مشخصات و علل مخالفت بین ارباب جراید انگشت شمار و در حوزه انتخابیه مجلس هم سایر کاندیداها مخالف او میباشند.
- ۴۲- فعالیتهای اجتماعی و عمرانی و اثرات آن در جامعه انتشار مجله تهرانمصور.
- ۴۳- سایر اطلاعات متفرقه

سند شماره ۸۸

تاریخ: ۴۵/۷/۲۷

برگ خلاصه سابقه

مشخصات

نام عبدالله شهرت والا فرزند مرحوم حسین تاریخ تولد ۱۲۹۹ شماره شناسنامه و محل تولد خلخال شغل در بیوشناسی
 امتیازنامه تهرانمعمور و تاشاخانه تهران . تحصیلات مهندسی و باستان‌شناسی حقوق
 قضایی عالی تهران مسلمان متاهل دارای فرزند دارای یک میلیون تومان ثروت و فاقد سوابق مجرمه .

روش نامبرده :

دارای مرام ضد کمونیستی شدید میباشد و

طرفدار مقام شامخ سلطنت است و با توده‌ایها و مصدق مبارزه پی‌گیری نموده و مجله وی با روش اجتماعی . سیاسی . ادبی . فکاهی و هنری منتشر میگردد . اخیراً بعلت انتقاد از برنامه دولت تضییقاتی از نظر مالی برای وی و مجله نامبرده فراهم و اجرا گردید .

۴۵/۷/۲۷

سند علامه سابقه

(۹)

مشخصات

نام عبدالله شهرت والا فرزند مرحوم حسین تاریخ تولد ۱۲۹۹ شماره شناسنامه و محل تولد خلخال شغل در بیوشناسی
 امتیازنامه تهرانمعمور و تاشاخانه تهران . تحصیلات مهندسی و باستان‌شناسی حقوق
 قضایی عالی تهران مسلمان متاهل دارای فرزند دارای یک میلیون تومان ثروت و فاقد سوابق مجرمه .

روش نامبرده :
 دارای مرام ضد کمونیستی شدید و معتقد و طرفدار نظام تاج سلطنت
 است بیانیته امین و مصدق مبارزه پی‌گیری نموده و مجله وی با روش اجتماعی . سیاسی . ادبی . هنری و نشر منتشر گردید . اخیراً بعلت انتقاد از برنامه دولت تضییقاتی از نظر مالی برای وی و مجله نامبرده فراهم و اجرا گردید .

۱۱
۵

سند شماره ۸۹

از: بخش ۳۲۴ تاریخ: ۴۵/۱۲/۷

گزارش

درباره: شرکت مهندس عبدالله والا

صاحب امتیاز مجله تهران مصور در

مراسم شرفیابی

منظور:

بررسی سوابق نامبرده بالا بمنظور تعیین

صلاحیت شرکت در مراسم شرفیابی

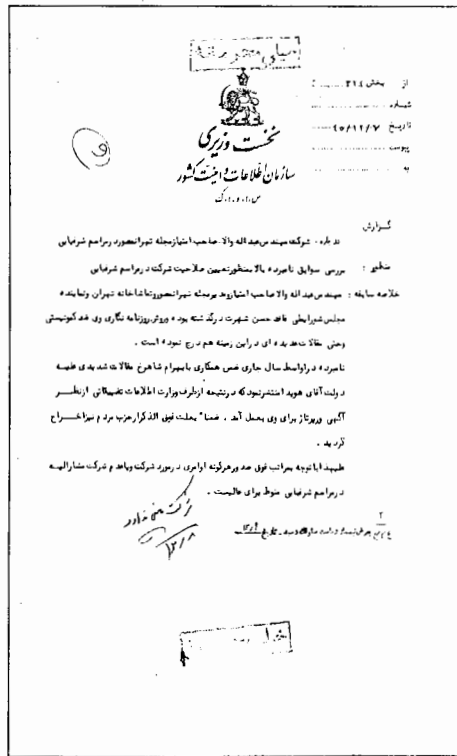
خلاصه سابقه:

مهندس عبدالله والا صاحب امتیاز و مدیر

مجله تهران مصور و تماشاخانه تهران و نماینده

مجلس شورایی فاقده حسن شهرت در گذشته

بوده و روش روزنامه نگاری وی ضد



کمونستی و حتی مقالات عدیده‌ای در این زمینه هم درج نموده است.

نامبرده در اواسط سال جاری ضمن همکاری با بهرام شاهرخ مقالات شدیدی علیه دولت

آقای هویدا منتشر نمود که در نتیجه از طرف وزارت اطلاعات تضيیقاتی از نظر آگهی و پرتاژ

برای وی بعمل آمد. ضمناً بعلت فوق‌الذکر از حزب مردم نیز اخراج گردید.

علیهذا با توجه بمراتب فوق صدور هرگونه اوامری در مورد شرکت و یا عدم شرکت مشارالیه

در مراسم شرفیابی منوط برای عالیست.

بعرض تیمسار ریاست ساواک رسید - تاریخ ۱۲/۹

شرکت مانعی ندارد ۱۲/۸

سند شماره ۹۰

الف - مشخصات :

نام - عبدالله

شهرت - والا

فرزند - حسین

متولد - ۱۲۹۹

شغل فعلی - نماینده مجلس شورایی ملی از

خلخال و مدیر مجله تهرانمصور

مشاغل قبلی - مدیر مجله تهرانمصور و مدیر

تماشاخانه تهران

پایه تحصیلات - مهندس شیمی و لیسانسیه

حقوق

ب - خلاصه پیشینه :

۱- سوابق و فعالیتهای سیاسی :

نامبرده فاقد حسن شهرت در گذشته بوده و

روش روزنامه‌نگاری وی ضد کمونیستی میباشد و تاکنون مقالات عدیده‌ای در این زمینه درج نموده است. مهندس والا در اواسط سال ۱۳۴۵ ضمن همکاری با بهرام شاهرخ مقالات شدیدی علیه دولت هویدا در تهران مصور منتشر نموده و بهمین علت از حزب مردم اخراج ولی از همان زمان امکان بازگشت وی بحزب مردم وجود داشته است.

۲- سوابق و فعالیتهای اجتماعی :

نامبرده چندان حسن شهرتی در جامعه ندارد - خیلی حساس و زود رنج بوده و وضع مادی خوبی ندارد برای عقیده خود ارزش و احترامی بیش از آنچه که هست قائل میباشد و با اکثریت میانه خوبی ندارد و نظقیهایش بیشتر با اعتراض و تشنج همراه است. روبه‌مرفته شخص مغرضی نیست و اگر لغزشی داشته باشد بعلمت زمینه قبلی بوده که برایش فراهم شده بود. برای حوزه انتخابیه خود و تامین حوائج مردم تلاش لازم مینماید و توفیقاتی نیز یافته است. به بحث و انتقاد در لویایح علاقه کافی ابراز میدارد. بررسی شد بایگانی شود ۴۶/۳/۳

الف - مشخصات:

نام - عبدالله
شهرت - والا
فرزند - حسین
متولد - ۱۲۹۹

شغل فعلی - نماینده مجلس شورایی ملی از خخال و مدیر مجله تهرانمصور
مشاغل قبلی - مدیر مجله تهرانمصور و مدیر تماشاخانه تهران
پایه تحصیلات - مهندس شیمی و لیسانسیه
حقوق

ب - خلاصه پیشینه:

۱- سوابق و فعالیتهای سیاسی :

نامبرده فاقد حسن شهرت در گذشته بوده و روزنامه‌نگاری وی ضد کمونیستی میباشد و تاکنون مقالات عدیده‌ای در این زمینه درج نموده است. مهندس والا در اواسط سال ۱۳۴۵ ضمن همکاری با بهرام شاهرخ مقالات شدیدی علیه دولت هویدا در تهران مصور منتشر نموده و بهمین علت از حزب مردم اخراج ولی از همان زمان امکان بازگشت وی بحزب مردم وجود داشته است.

۲- سوابق و فعالیتهای اجتماعی :

نامبرده چندان حسن شهرتی در جامعه ندارد - خیلی حساس و زود رنج بوده و وضع مادی خوبی ندارد برای عقیده خود ارزش و احترامی بیش از آنچه که هست قائل میباشد و با اکثریت میانه خوبی ندارد و نظقیهایش بیشتر با اعتراض و تشنج همراه است. روبه‌مرفته شخص مغرضی نیست و اگر لغزشی داشته باشد بعلمت زمینه قبلی بوده که برایش فراهم شده بود. برای حوزه انتخابیه خود و تامین حوائج مردم تلاش لازم مینماید و توفیقاتی نیز یافته است. به بحث و انتقاد در لویایح علاقه کافی ابراز میدارد.

۲۲۲
بایگانی شود

سند شماره ۹۱

جناب آقای مهندس عبدالله والا صاحب امتیاز
و مدیر محترم مجله تهران مصور

چون مرکز مدارک وزارت اطلاعات اقدام
به تهیه آرشیو کاملی از زندگی رجال و
شخصیت‌های علمی و سیاسی و اجتماعی کشور
کرده است خواهشمند است پرسشنامه زیر را
تکمیل فرمائید و برای نگهداری در آرشیو
مزبور به مرکز مدارک وزارت اطلاعات ارسال
فرمائید موجب نهایت تشکر خواهد بود.

- ۱- نام و نام خانوادگی: عبدالله والا
- ۲- نام پدر: حسین تاریخ و محل تولد: ۱۸ مرداد
۱۳۰۱ قریه شال خلخال
- ۳- تساریخ ازدواج و تعداد فرزندان: ۲۶

ردیف	موضوع	تاریخ
۱	تاریخ تولد	۱۸ مرداد ۱۳۰۱ قریه شال خلخال
۲	تاریخ ازدواج	۲۶ مرداد ۱۳۲۹ قریه شال خلخال
۳	تعداد فرزندان	۲۶ نفر
۴	محل تولد	قریه شال خلخال
۵	محل ازدواج	قریه شال خلخال
۶	محل سکونت	تهران
۷	تحصیل	دانشگاه تهران
۸	شغل	مهندس
۹	عضویت در انجمن‌ها	انجمن مهندسان
۱۰	عضویت در هیئت‌ها	هیئت مدیران
۱۱	عضویت در کانون‌ها	کانون مهندسان
۱۲	عضویت در سایر تشکلات	سازمان مهندسان
۱۳	عضویت در نهادهای دولتی	وزارت مخابرات
۱۴	عضویت در نهادهای غیردولتی	انجمن مهندسان
۱۵	عضویت در نهادهای بین‌المللی	انجمن مهندسان
۱۶	عضویت در نهادهای علمی	انجمن مهندسان
۱۷	عضویت در نهادهای فرهنگی	انجمن مهندسان
۱۸	عضویت در نهادهای اجتماعی	انجمن مهندسان
۱۹	عضویت در نهادهای سیاسی	انجمن مهندسان
۲۰	عضویت در نهادهای اقتصادی	انجمن مهندسان
۲۱	عضویت در نهادهای ورزشی	انجمن مهندسان
۲۲	عضویت در نهادهای هنری	انجمن مهندسان
۲۳	عضویت در نهادهای علمی و فرهنگی	انجمن مهندسان
۲۴	عضویت در نهادهای علمی و اجتماعی	انجمن مهندسان
۲۵	عضویت در نهادهای علمی و اقتصادی	انجمن مهندسان
۲۶	عضویت در نهادهای علمی و سیاسی	انجمن مهندسان
۲۷	عضویت در نهادهای علمی و فرهنگی	انجمن مهندسان
۲۸	عضویت در نهادهای علمی و اجتماعی	انجمن مهندسان
۲۹	عضویت در نهادهای علمی و اقتصادی	انجمن مهندسان
۳۰	عضویت در نهادهای علمی و سیاسی	انجمن مهندسان

اردی بهشت ۱۳۳۱ یک پسر تاریخ تولد ۳۱ فروردین ۱۳۳۳

۴- تاریخچه مختصری از دوران تحصیلی: دبستان علامه - سیکل اول متوسطه (دبیرستان معرفت) دبلم فنی
از هنرستان رنگرزی - دبلم علمی از هنرستان صنعتی

مهندس شیمی از هنر سرا یعالی - لیسانس حقوق از دانشگاه تهران

۵- مشاغل و مأموریتها و مسافرتها: تاکنون داشته‌اید با ذکر شغل فعلی: در سال ۱۳۲۹ در خدمت
وزارت کار و آخرین سمت ریاست اداره محاکمات... ریاست فدراسیون ژیمناستیک
کشورهای اروپایی (یونان - ایتالیا - اسپانیا - فرانسه - اطریش - سوئیس - هلند - دانمارک - نروژ - آلمان - انگلستان و
روسیه شوروی)

آسیا - ترکیه - لبنان - اسرائیل - سوریه - اردن - پاکستان - هندوستان - ژاپن - هنگ‌کنگ

۶- فعالیتهای اجتماعی و علمی و ادبی و موفقیت‌هایی که در این زمینه‌ها کسب فرموده‌اید: از بدو
تأسیس مجله تهران مصور بسمت مدیریت داخلی تا سال ۱۳۲۹ و از آن پس مدیر و صاحب امتیاز مسئول این

مجله مدیر چاپخانه تهران مصور

مدیر تماشاخانه تهران (تئاتر نصر - تئاتر آشیان

نماینده مجلس شورای ملی در دوره بیستم و بیست و یکم

۷- تالیفات و تصنیف‌هایی که تا کنون داشته‌اید:

ترجمه کتب متعددی که بصورت پاورقی در تهران مصور

منتشر گردیده است

ترجمه نمایش نامه‌های زیادی برای اجرای برنامه‌های

تئاتر

۸- سایر مطالبی که بمنظور اطلاع بیشتر از

شرح حال جناب عالی باین پرسشنامه کمک

خواهد کرد

تاریخ تکمیل پرسشنامه ۴۷/۱۲/۳

وزارت اطلاعات - مرکز مدارک

<p>روزنامه‌های چاپ شده در تهران روزنامه‌های چاپ شده در سایر شهرها</p>	<p>شماره تاریخ ناقص داشته‌اند</p>	<p>۷</p>
<p>...</p>	<p>سازمان چاپخانه خطوط اطلاع بیشتر ارتباط حال چاپخانه نام پرسشنامه کورس خودمدار</p>	<p>۸</p>
<p>تاریخ تکمیل پرسشنامه ۴۷/۱۲/۳</p>		<p>وزارت اطلاعات - مرکز مدارک</p>

سند شماره ۹۲

شماره: ۹۲۱/۵۰/۲/۲۸

۱- مشخصات

XXX نام عبدالله XXX نام خانوادگی والا XX
 نام پدر حسین XX تاریخ و محل تولد ۱۳۰۱
 خلخال X شماره شناسنامه ۲۵۲ تهران تابعیت
 ایرانی XXX دین و مذهب اسلام - شیعه XX وضع
 تأهل متأهل است همسر وی ایرانی مسلمان شیعه و
 خانه‌دار است.

X تعداد فرزند با ذکر جنسیت یک پسر ۱۷ ساله
 XXX مدت اقامت دائم و مستمر در محل اکثر آرد
 مرکز و فعلاً ساکن تهران خیابان ویلای شمالی ده متری
 لیلا شماره ۲۰
 XX نام و نام خانوادگی قبلی _____ لقب _____
 ۲- معلومات :

The image shows a scanned document with Persian text, likely a passport or official record. It contains several sections with stamps and handwritten notes. The text is partially obscured by the scanning process and some redactions. There are several official stamps, including one from the Ministry of Foreign Affairs (وزارت امور خارجه) and another from the Ministry of Education (وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه). The document appears to be a record of a person's details, possibly related to the information provided in the text on the left.

XX الف - تحصیلات : فارغ التحصیل هنر سرباغالی رشته شیمی در سال ۱۳۲۲ لیسانس به حقوق رشته قضائی در سال ۱۳۲۴ از دانشکده حقوق تهران

X ب - میزان آشنائی به زبانهای خارجی : بزبان فرانسه نسبتاً مسلط و بزبان انگلیسی نیز آشنائی دارد.

XX پ - میزان آشنائی به لهجه‌های محلی : _____

X ت - تخصص : روزنامه‌نگاری و در رشته تخصصی فعالیت دارد.

۳- سوابق خدمتی در ادارات دولتی و مشاغل آزاد :

XXX الف - شغل فعلی مدیر مجله تهران مصور و رئیس تئاتر نصر و رئیس سندیکای مرکزی صنعت چاپ میباشد.

ب - قبل از انتصاب در شغل فعلی چه مشاغلی در محل داشته است :

کارمند وزارت کار بوده و در سال ۱۳۲۹ منتظر خدمت از سال ۱۳۲۱ در مجله تهران مصور مشغول کار و پس از

درگذشت مرحوم دهقان صاحب امتیاز مجله تهران مصور و مدیر تماشاخانه نصر است - ضمناً نماینده دوره ۲۱

مجلس شورایی از خلخال بوده است.

۴- فعالیتهای اجتماعی و کارهای مفیدی که در

محل انجام داده :

××× الف - در مشاغل فعلی :

فعالیت های وی در زمینه روزنامه نگاری و سندیکای صاحبان چاپخانه ها بوده.

× ب - در مشاغل قبلی :

روزنامه نگاری بوده است و سابقاً رئیس فدراسیون ژیمناستیک و عضو انجمن طرفداران پیش آهنگی بوده است.

۵- میزان ثروت و درآمد:

××× الف - میزان ثروت :

بیش از پنجاه میلیون ریال - دارای زمین و ساختمان تماشاخانه نصر و صاحب سهم از زمین و ساختمان سینما اروپا منزلی در قیطریه شمیران و منزلی در تهران خیابان شاه آباد و پنجاه هزار متر مربع زمین در بندر

پهلوی و صاحب چاپخانه مجله تهران مصور - منزل مسکونی وی اجاره ایست و ماهیانه در حدود بیست و شش هزار ریال اجاره بهاء میپردازد.

××× ب - میزان درآمد ماهانه :

درآمد وی از سینما اروپا و تماشاخانه تهران و چاپخانه و مجله تهران مصور و اجاره منزل در حدود پانصد هزار ریال

×× پ - میزان ثروت و درآمد همسر :

در حدود چهل ملیون ریال - دارای مستغلات و زمین و صاحب سهم از دو باب ساختمان ۵ طبقه در خیابان قدیم شمیران (محل وزارت بهداری) و تخت جمشید و زمین و ساختمان در خیابان شاه آباد و درآمد وی ماهیانه جمعاً در حدود چهارصد هزار ریال است.

۶- سوابق :

××× الف - وابستگی به دستجات سیاسی و غیر سیاسی :

از نظر سیاسی بلامانع است - عضو حزب مردم و جمعیت های غیر سیاسی کلوب روتاری عضویت دارد.

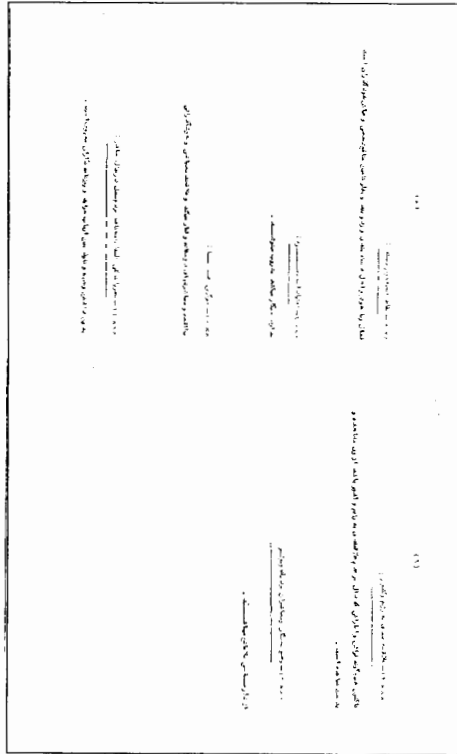
The image shows a scanned document page with a table and handwritten text. The table has columns for 'محل تولد', 'تاریخ تولد', 'محل خدمت', 'تاریخ خدمت', 'محل اقامت', and 'تاریخ اقامت'. The handwritten text is in Persian and appears to be a biographical or administrative record. The page number '۱۸۶' is visible in the top right corner of the scan.

××ب- هرگونه سابقه در دادگستری. شهربانی

و ژاندارمری محل :

در سال ۱۳۴۵ بعلت بدهی در حدود هشتصد هزار ریال به شخصی بنام محمود فرومند برای وی اجرائیه و قرار بازداشت صادر شده لیکن با تادیه بدهی قرار بازداشت اجرا نشده است.

- ۷- **خصائل و صفات:** ۱- صداقت و امانت ندارد ۲- شهامت اخلاقی ندارد ۳- صراحت لهجه ندارد ۴- قدرت بیان دارد ۵- قضاوت ندارد ۶- ثبات عقیده و استقلال فکر دارد ۷- همکاری و روابط انسانی دارد ۸- احترام به قوانین و مقررات اجتماعی ندارد ۸- احترام به قوانین و مقررات اجتماعی ندارد ۹- خویشن داری و مناعت طبع ندارد ۱۰- قدرت کار دارد ۱۱- نظم و انضباط فردی ندارد ۱۲- دیانت ندارد ۱۳- علاقه به مقام دارد ۱۴- علاقه به پول دارد ۱۵- علاقه به زن دارد ۱۶- علاقه به خانواده دارد.



××۸- **نقاط ضعف و برجسته:** فعال و باهوش و اهل دستبندی و زد و بند و بفکر تامین منافع شخصی و عیاش خوشگذران است

××۹- **اعتیادات مضره:** ندارد سیگار میکشد مشروب مینوشد.

××۱۰- **سرگرمی‌ها:** مطالعه و معاشرتهای دوستانه و قمار میکند و علاقمند بعیاشی و خوشگذرانی

××۱۱- **نظریات کلی طبقات مختلف مردم محل در حال حاضر:**

بدون داشتن وجهه و نفوذ بین ارباب جراید و روزنامه‌نگاران معروف است.

××۱۲- **علاقه‌مندی به رژیم و کشور:**

تاکنون هیچگونه قرائن و اماراتی که دال بر عدم علاقمندی به رژیم و کشور باشد از وی مشاهده و بدست نیامده است.

××۱۳- **وضع بستگان و معاشران نزدیک و موثر**

از نظر سیاسی بلامانع میباشد. روی پرونده ۲۵۷۱۸ بایگانی شود

مجموعه سند شماره ۹۳

مجله تهران مصور

تهران مصور - بمديريت آقای عبدالله والا

وابسته به - حزب مردم

محل چاپ - چاپخانه تهران مصور

تلفن - ۳۵۱۸۰

تیراژ تقریبی در سال - ۲۱۶۰۰۰۰

روش سیاسی

دارای مرام ضد کمونیستی شدید میباشد و

طرفدار مقام شامخ سلطنت و با توده‌ایها و

مصدق مبارزه پی‌گیر نموده و از نظر تیراژ در

درجه اول است چند نویسنده ضد کمونیست

معروف ایران در آن کار میکنند و دارای

چاپخانه و دستگاه وسیعی است چون تعداد

زیادی کارگر و کارمند دارد احتیاج بکنترل و تذکر دائم دارد فعلاً عضو حزب مردم ولی با سیاست

داخلی حزب مزبور همگام نیست مجله‌ای مفید است و مندرجات آن اثری نسبت [نسبتاً] مهم در

افکار باقی میگذارد.

سابقه اداره یکم

در سال ۳۵ وابسته نظامی ایران در افغانستان بستاد ارتش گزارش میدهد که فعالیتهای

مشکوک‌ی در مرزهای شرقی کشور شاهنشاهی انجام میشود چندی بعد مجله تهران مصور در

شماره ۶۹۴/ جمعه ۲۳ آذرماه سال ۳۵ مطالبی تحت عنوان خطر (مرزی برای ایران) نوشته و

چنین نظر داده شده انتشار این قبیل مطالب در جراید نتیجه منعکس دارد. طبق اطلاعیه رسیده در

سال ۳۷ مهندس عبدالله والا بمنزل آقای امینی رفته و با چند نفر دیگر از روزنامه‌نگاران تصمیم

گرفته میشود جبهه مطبوعات مستقل تشکیل گردد و بالاخره این شخص سابقه فعالیت مضره

بایگانی شده ندارد.

مجله تهران مصور

تهران مصور	پدیده ۱۳۰۰
دانشگاه	حزب مردم
محل چاپ	چاپخانه تهران مصور
تلفن	۳۵۱۸۰
تیراژ تقریبی در سال	۲۱۶۰۰۰۰
روش سیاسی	

دارای مرام ضد کمونیستی شدید میباشد و طرفدار مقام شامخ سلطنت و با توده‌ایها و مصدق مبارزه پی‌گیر نموده و از نظر تیراژ در درجه اول است چند نویسنده ضد کمونیست معروف ایران در آن کار میکنند و دارای چاپخانه و دستگاه وسیعی است چون تعداد زیادی کارگر و کارمند دارد احتیاج بکنترل و تذکر دائم دارد فعلاً عضو حزب مردم ولی با سیاست داخلی حزب مزبور همگام نیست مجله‌ای مفید است و مندرجات آن اثری نسبت [نسبتاً] مهم در افکار باقی میگذارد.

سابقه اداره یکم

در سال ۳۵ وابسته نظامی ایران در افغانستان بستاد ارتش گزارش میدهد که فعالیتهای مشکوک‌ی در مرزهای شرقی کشور شاهنشاهی انجام میشود چندی بعد مجله تهران مصور در شماره ۶۹۴/ جمعه ۲۳ آذرماه سال ۳۵ مطالبی تحت عنوان خطر (مرزی برای ایران) نوشته و چنین نظر داده شده انتشار این قبیل مطالب در جراید نتیجه منعکس دارد. طبق اطلاعیه رسیده در سال ۳۷ مهندس عبدالله والا بمنزل آقای امینی رفته و با چند نفر دیگر از روزنامه‌نگاران تصمیم گرفته میشود جبهه مطبوعات مستقل تشکیل گردد و بالاخره این شخص سابقه فعالیت مضره بایگانی شده ندارد.

مجموعه سند شماره ۹۳

نام مهندس عبدالله

شهرت والا

فرزند حسین

متولد ۱۲۹۹

شغل فعلی نماینده مجلس شورای ملی از خلخال و مدیر

مجله تهران مصور.

مشاغل قبلی مدیر مجله تهران مصور و مدیر

تماشاخانه تهران

پایه تحصیلات مهندس شیمی و لیسانس حقوق

قضائی.

خلاصه پیشینه :

۱- سوابق و فعالیت‌های سیاسی : نامبرده

فاقد حسن شهرت در گذشته بوده و روش

روزنامه‌نگاری وی ضد کمونیستی می‌باشد و تاکنون مقالات عدیده‌ای در این زمینه درج نموده است. مهندس والا در اواسط سال ۱۳۴۵ ضمن همکاری با بهرام شاهرخ مقالات شدیدی علیه دولت آقای هویدا در تهران مصور منتشر نموده که در نتیجه از طرف وزارت اطلاعات تضيیقاتی از نظر آگهی و رپرتاژ برای وی بعمل آمد و همچنین بعثت فوق الاشعار از حزب مردم نیز اخراج گردیده و در حال حاضر جزو نمایندگان منفرد مجلس شورای ملی می‌باشد.

۲- سوابق و فعالیت‌های اجتماعی : مهندس والا چندان حسن شهرتی در جامعه ندارد.

از طبقه بندی سزی خارج شد مقدم ۴۶/۲/۲۰

مورد تأیید است احسنی

مسری

نام	مهندس عبدالله
شهرت	والا
فرزند	حسین
تولد	۱۲۹۹

تفصیل فعلی : نماینده مجلس شورای ملی از خلخال و مدیر مجله تهران مصور.
 نشان فعلی : مدیر مجله تهران مصور و تماشاخانه تهران
 پایه تحصیلات : مهندس شیمی و لیسانس حقوق قضائی .

علامه پیشینه :

۱- سوابق و فعالیت‌های اجتماعی : نامبرده فاقد حسن شهرت در گذشته بوده و روش روزنامه‌نگاری وی ضد کمونیستی می‌باشد چنان‌که مقالات عدیده‌ای در این زمینه درج نموده است. مهندس والا در اواسط سال ۱۳۴۵ ضمن همکاری با بهرام شاهرخ مقالات شدیدی علیه دولت آقای هویدا در تهران مصور منتشر نموده که در نتیجه از طرف وزارت اطلاعات تضيیقاتی از نظر آگهی و رپرتاژ برای وی بعمل آمد و همچنین بعثت فوق الاشعار از حزب مردم نیز اخراج گردیده و در حال حاضر مجله تهران مصور را مدیریت می‌کند.

۲- سوابق و فعالیت‌های اجتماعی : مهندس والا چندان حسن شهرتی در جامعه ندارد.

فرمانده سزی
 مسری
 ۴۶/۲/۲۰

مجموعه سند شماره ۹۳

مهندس عبدالله والا

(حزب مردم)

خارج شده

نماینده خلخال

مدیر مجله تهرانمصور. از اعضای قدیمی فراکسیون حزب مردم و اغلب در مخالفت با دولت از طرف فراکسیون مردم یا راسا صحبت میکرد. خیلی حساس و سریع التاثر است مجله او پرتیراژ است ولی وضع مادی خوبی ندارد. برای عقیده خودش ارزش و احترامی بیش از آنچه هست قائل است. با اکثریت میانه خوبی ندارد و نطقهایش بیشتر با اعتراض و چند مرتبه تشنج همراه بوده است.

گاهی کنترل خود را از دست میدهد و ممکن

است ضمن مشاجره مسائلی را طرح کند که گفتن آن در جلسه علنی مصلحت نبوده ولی با اینهمه شخص مغرضی نیست و اگر هم لغزشی داشته باشد بعلت زمینه قبلی بوده که برایش فراهم کردند. برای حوزه انتخابیه خود بخصوص وضع راه آنجا و تامین حوائج مردم تلاش لازم مینماید و توفیقاتی هم یافته است. بیحث و انتقاد در لوایح علاقه کافی ابراز میدارد.

در یکی از جلسات عمومی علنی ضمن حمله بدولت در اثر عصبانیت چند جمله انتقادی از طرف وی ایراد شد که بهتر بود نشود و با آنکه این عمل عالما و عامدا صورت نگرفته بود حزب مردم نامبرده را اخراج نموده است ولی اخیرا با اثبات بیگناهی وی امکان بازگشت دارد.



مهندس عبدالله والا

(حزب مردم)

خارج شده

نماینده خلخال

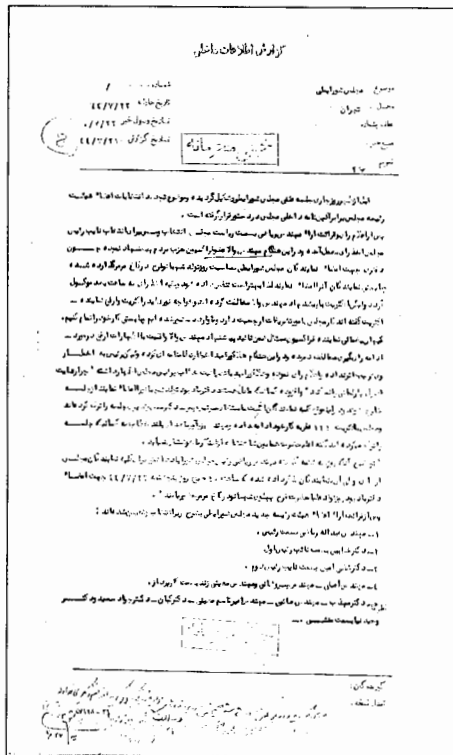
9

مدیر مجله تهرانمصور. از اعضای قدیمی فراکسیون حزب مردم و اغلب در مخالفت با دولت از طرف فراکسیون مردم یا راسا صحبت میکرد. خیلی حساس و سریع التاثر است مجله او پرتیراژ است ولی وضع مادی خوبی ندارد. برای عقیده خودش ارزش و احترامی بیش از آنچه هست قائل است. با اکثریت میانه خوبی ندارد و نطقهایش بیشتر با اعتراض و چند مرتبه تشنج همراه بوده است. گاهی کنترل خود را از دست میدهد و ممکن است ضمن مشاجره مسائلی را طرح کند که گفتن آن در جلسه علنی مصلحت نبوده ولی با اینهمه شخص مغرضی نیست و اگر هم لغزشی داشته باشد بعلت زمینه قبلی بوده که برایش فراهم کردند. برای حوزه انتخابیه خود بخصوص وضع راه آنجا و تامین حوائج مردم تلاش لازم مینماید و توفیقاتی هم یافته است. بیحث و انتقاد در لوایح علاقه کافی ابراز میدارد. در یکی از جلسات عمومی علنی ضمن حمله بدولت در اثر عصبانیت چند جمله انتقادی از طرف وی ایراد شد که بهتر بود نشود و با آنکه این عمل عالما و عامدا صورت نگرفته بود حزب مردم نامبرده را اخراج نموده است ولی اخیرا با اثبات بیگناهی وی امکان بازگشت دارد.

سند شماره ۹۴

تاریخ: ۴۴/۷/۲۲

موضوع: مجلس شورایی



قبل از ظهر روز جاری جلسه علنی مجلس شورایی تشکیل گردیده و موضوع تجدید انتخاباتی اعضا هیئت رئیسه مجلس برابر آئین نامه داخلی مجلس در دستور قرار گرفته است.

پس از اعلام رای و قرائت آراء مهندس ریاضی بسمت ریاست مجلس انتخاب و سپس برای انتخاب نایب رئیس مجلس اخذ رای بعمل آمده و در این هنگام مهندس والا عضو فراکسیون حزب مردم پیشنهاد نموده چون دفتری جهت امضاء نمایندگان مجلس

شورایی بمناسبت روز تولد شهبانو فرح در کاخ مرمر گذارده شده و بایستی نمایندگان آنرا امضاء نمایند لذا بهتر است تنفس داده شود و بقیه اخذ رای به ساعت بعد موکول گردد ولیکن اکثریت با پیشنهاد مهندس والا مخالفت کرده اند و خواهج نوری لیدر اکثریت و ارفع نماینده اکثریت گفته اند کار مجلس بامور تشریفات ارجحیت دارد و ما وارد دستور شده ایم و بایستی کار خود را تمام کنیم. کیهان یغمائی نماینده فراکسیون مستقل ضمن تأیید پیشنهاد مهندس والا و اقلیت با اظهارات ارفع در مورد ادامه رای گیری مخالفت نموده و در این هنگام هلاکو رامبد اخطار نظامنامه ای کرده ولیکن رئیس به اخطار وی ترتیب اثر نداده و اعلام رای نموده و هلاکو رامبد با عصبانیت خطاب بر رئیس مجلس اظهار داشته «چرا رعایت اصول پارلمانی را نمیکنید» و افزوده کسانی که مایل هستند دفتر یادبود تولد شهبانو را امضاء نمایند از جلسه خارج شوند و در اینموقع کلیه نمایندگان اقلیت با استثنای سرتیپ پور - دکتر مبین و نصیری جلسه را ترک کرده اند و مجلس با اکثریت ۱۲۹ نفر به کار خود ادامه داده و مهندس زرآور با صدای بلند خطاب به کسانی که جلسه

را ترک میکرده اند گفته اعلیحضرت همایون شاهنشاه از اینکار ما خوششان نمیآید.
توضیح آنکه روز سه شنبه گذشته مهندس ریاضی رئیس مجلس شورا یادداشتی برای کلیه
نمایندگان مجلس ارسال و طی آن نمایندگان تذکر داده شده که ساعت ۱۰ صبح روز پنجشنبه
۴۴/۷/۲۲ جهت امضاء دفتر یادبود روز تولد علیاحضرت فرح پهلوی شهبانو در کاخ مرمر
حضور یابند. «

پس از قرائت آراء اعضاء هیئت رئیسه جدید مجلس شورایملی بشرح زیر انتخاب و تعیین
شده اند :

- ۱- مهندس عبدالله ریاضی بسمت رئیس.
- ۲- دکتر خطیبی بسمت نائب رئیس اول
- ۳- دکتر شفیق امین بسمت نائب رئیس دوم.
- ۴- مهندس آصفی - مهندس پروشانی و مهندس معینی زند بسمت کارپرداز.
- ۵- دکتر مهذب - مهندس صائبی - مهندس امیر قاسم معینی - دکتر کیان - دکتر جواد سعید و دکتر
وحیدنیا بسمت منشی. -

بررسی گردید و در بولتن درج شد همچنین در پرونده های مربوطه بایگانی گردید اقدام دیگری ندارد

این اطلاعیه در پرونده مهندس عبدالله والا بکلاسه ۲-الف-بایگانی شود رئیس بخش ۳۲۲- رشیدی ۴۴/۷/۲۷

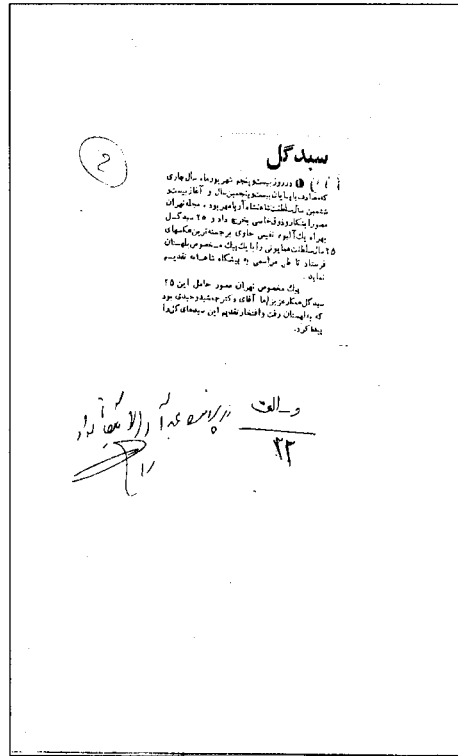
سند شماره ۹۵

سید گل

در روز بیست و پنجم شهریورماه سال جاری که مصادف با پایان بیست و پنجمین سال و آغاز بیست و ششمین سال سلطنت شاهنشاهی ایران بود، ۲۵ سید گل تهران، بان آلبوم نفیس حاوی برجسته‌ترین عکسهای ۲۵ سال سلطنت همایونی را با یک عکس فرستاد تا طی مراسمی در پیشگاه شاهانه تقدیم نماید.

یک مخصوص تهران مصور حامل این ۲۵ سید گل همکار عزیز ما آقای دکتر جمشید وحیدی بود که به لهستان رفت و افتخار تقدیم این سیدهای گل را پیدا کرد.

الف - در پرونده عبدالله والا بایگانی شود



سند شماره ۹۶

تاریخ: ۵۰/۳/۱

شماره: ۱ م/۳۰۵۱

دفتر مخصوص علیاحضرت شهبانوی ایران

ج ۵۷۲ - ت ۵۰/۲/۲۹ - شهری - جناب آقای

امیرحسین نخعی

ج ۲۵۶ - ت ۵۰/۲/۲۷ - شهری - جناب آقای

حسن اکبر

ج ۲۵۵ - ت ۵۰/۲/۲۷ - شهری - خانم

ویکتوریا اکبر

ج ۱۶۲ - ت ۵۰/۲/۲۶ - شهری - آقای ابونصر

عضد

ج ۱۴۸ - ت ۵۰/۲/۲۶ - شاهی - سرکار خانم

مهرانگیز دولتشاهی

شماره	نام	تاریخ	موضوع
۹۷۲	جناب آقای امیرحسین نخعی	۵۰/۲/۲۹	شهری
۲۵۶	جناب آقای حسن اکبر	۵۰/۲/۲۷	شهری
۲۵۵	خانم ویکتوریا اکبر	۵۰/۲/۲۷	شهری
۱۶۲	آقای ابونصر	۵۰/۲/۲۶	شهری
۱۴۸	سرکار خانم مهرانگیز دولتشاهی	۵۰/۲/۲۶	شاهی
۱۲۱	جناب آقای صالح راز	۵۰/۲/۲۶	شهری
۱۲۰	آقای غلامرضا امیرسلیمانی	۵۰/۲/۲۶	شهری
۱۱۹	خانم صفورا امیرسلیمانی	۵۰/۲/۲۶	شهری
۱۱۸	مجلس سنا	۵۰/۲/۲۶	شهری
۱۱۷	جناب آقای پرویز یارافشار	۵۰/۲/۲۶	شهری
۱۱۶	جناب آقای امیرحسین فولادوند و بانو	۵۰/۲/۲۹	شهری
۱۱۵	جناب آقای دکتر حسن علوی	۵۰/۲/۲۷	شهری
۱۱۴	جناب آقای عبداله والا	۵۰/۲/۲۶	شهری

تذکره: این سند در دفتر مخصوص علیاحضرت شهبانوی ایران نگهداری می‌گردد.

مهر و امضاء: [مهر و امضاء]

ج ۲۲۱ - ت ۵۰/۲/۲۶ - شهری - آقای عبداله والا

ج ۲۳۰ - ت ۵۰/۲/۲۶ - شهری - آقای علیرضا امیر سلیمانی

ج ۲۲۸ - ت ۵۰/۲/۲۶ - شهری - خانم صفورا امیر سلیمانی

ج ۱۹۸ - ت ۵۰/۲/۲۶ - شهری - مجلس سنا - جناب آقای پرویز یارافشار

ج ۴۸۹ - ت ۵۰/۲/۲۹ - شهری - جناب آقای امیرحسین فولادوند و بانو

ج ۳۳۱ - ت ۵۰/۲/۲۷ - شهری - جناب آقای دکتر حسن علوی

تلگرام ابراز احساسات صمیمانه که به پیشگاه علیاحضرت شهبانوی ایران مخایره و معروض داشته بودید از لحاظ مبارکشان گذشت.

بدینوسیله خوشوقتی خاطر خطیر علیاحضرت معظم لها ابلاغ می‌گردد.

رئیس دفتر مخصوص علیاحضرت شهبانوی ایران

سند شماره ۹۷

شماره: ۳۲۶/۱۴۷۳ تاریخ: ۴۳/۵/۳۱

موضوع: مهندس والا نماینده مجلس

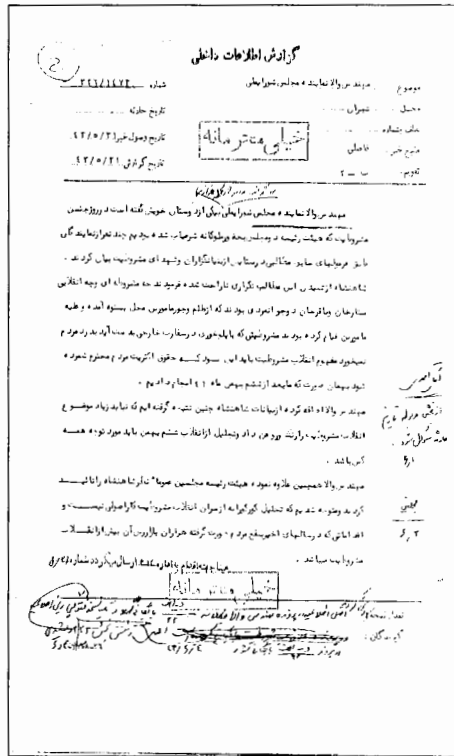
شورایملی

مهندس والا نماینده مجلس شورای ملی روز گذشته در دفتر کار مجله خواندنیها یکی از دوستان خویش گفته است در روز جشن مشروطیت که هیئت رئیسه دو مجلس بحضور ملوکانه شرفیاب شده بودیم چند نفر از نمایندگان طبق فرمولهای سابق مطالبی در ستایش از بنیانگزاران و شهدای مشروطیت بیان کردند. شاهنشاه از شنیدن این مطالب تکراری ناراحت شده فرمودند چه مشروطه‌ای و چه انقلابی ستارخان و باقرخان دو جوانمردی بودند که از ظلم و جور مأمورین محل بستوه آمده و علیه مأمورین قیام کرده بودند مشروطیتی که با پلوخوری در سفارت خارجی بدست آید بدرد مردم نمیخورد مفهوم انقلاب مشروطیت باید این بود که حقوق اکثریت مردم محترم شمرده شود بهمان صورت که ما بعد از ششم بهمن ماه ۴۱ انجام دادیم. مهندس والا اضافه کرده از بیانات شاهنشاه چنین نتیجه گرفته‌ایم که نباید زیاد موضوع انقلاب مشروطیت را رنگ و روغن داد و تجلیل از انقلاب ششم بهمن باید مورد توجه همه کس باشد.

مهندس والا همچنین علاوه نموده هیئت رئیسه مجلسین عموماً نظر شاهنشاه را تأیید کردند و متوجه شدیم که تجلیل کورکورانه از سران انقلاب مشروطیت کار اصولی نیست و اقداماتی که در سالهای اخیر بنفع مردم صورت گرفته هزاران بار ارزش آن بیش از انقلاب مشروطیت میباشد. عیناً جهت اقدام به اداره ۳۲۲ ارسال میگردد شماره ۵/۳۱

آقای احمدی از بخش مربوطه تاریخ حادثه سؤال شود ۶/۱ اصل اطلاعیه در پرونده مهندس والا بکلاسه الف-۲۲

بایگانی گردد یک نسخه فتوکپی این اطلاعیه در پرونده الف-۶۳ بایگانی شود رئیس بخش ۳۲۲ رشیدی ۶/۴



مجموعه سند شماره ۹۸

تاریخ: ۶/۲۵

شماره: ۲۴۲ گ ۴۵

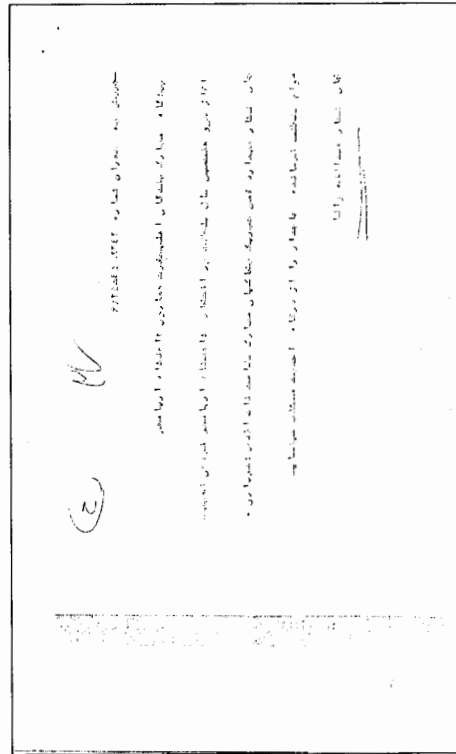
تجریش به تهران

پیشگاه مبارک بندگان اعلیحضرت همایون

شاهنشاه آریامهر

آغاز سی و هفتمین سال سلطنت پرافتخار
شاهنشاه آریامهر فرصتی نصیب جان نثار
میدارد ضمن تبریک بخاک پای مبارک
سلامت ذات اقدس شهرباری و دوام سلطنت
فرمانده تاجدار را از درگاه احدیت مسئلت
مینماید.

جان نثار عبدالله والا



مجموعه سند شماره ۹۸

تاریخ: ۳۶/۵/۲۹

شماره: ۵۶ ک ۳

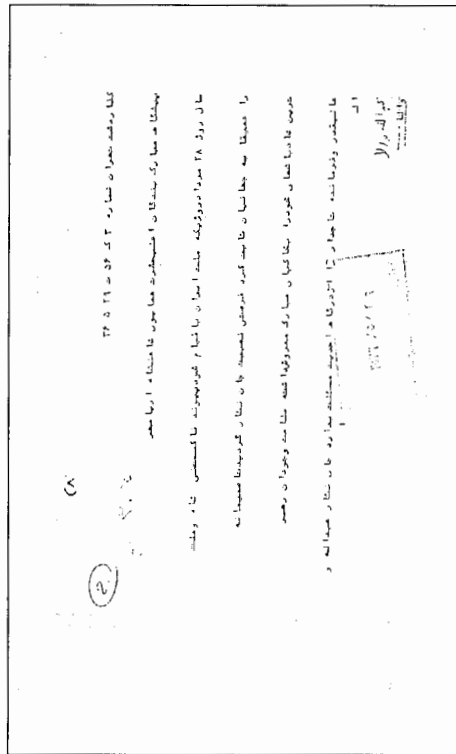
کلاردشت تهران

پیشگاه مبارک بندگان اعلیحضرت همایون

شاهنشاه آریامهر

سال روز ۲۸ مرداد روزیکه ملت ایران با
 قیام خود پیوند ناگسستنی شاه و ملت را عمیقا
 به جهانیان ثابت کرد فرصتی نصیب جان نثار
 گردید تا صمیمانه‌ترین شادباشهای خود را
 بخاکپای مبارک معروض داشته سلامت وجود
 آن رهبر عالیقدر و فرمانده تاجدار را از درگاه
 احدیت مسئلت بدارد

جان نثار عبدالله والا



مجموعه سند شماره ۹۲

تاریخ: ۲۵۳۶/۱۲/۲۵

شماره: ۲۷۴

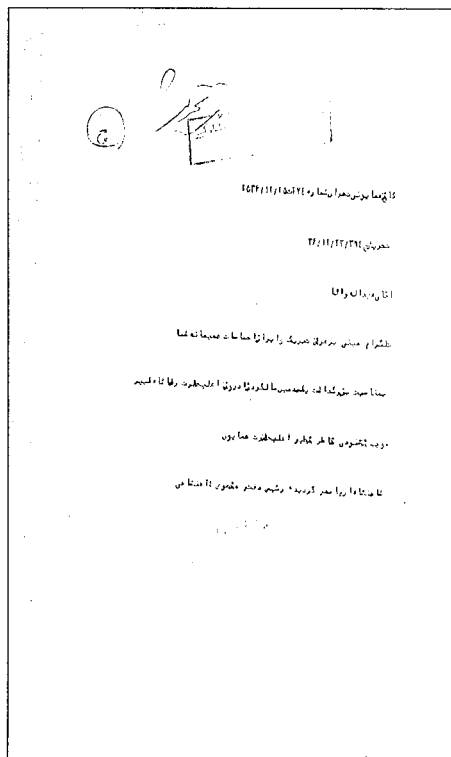
کاخ همایونی تهران

تجریش ج ۳۶/۱۲/۲۳/۳۹۴

آقای عبدالله والا

تلگرام مبنی بر عرض تبریک و ابراز احساسات صمیمانه شما بمناسبت بزرگداشت یکصدمین سالگرد زادروز اعلیحضرت رضاشاه کبیر موجب خشنودی خاطر خطیر اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر گردید. رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

۲۵۳۶/۱۲/۲۰



مجموعه سند شماره ۹۸

تاریخ: ۵۷/۶/۲۵

شماره: ۴۹ ک ۲۹

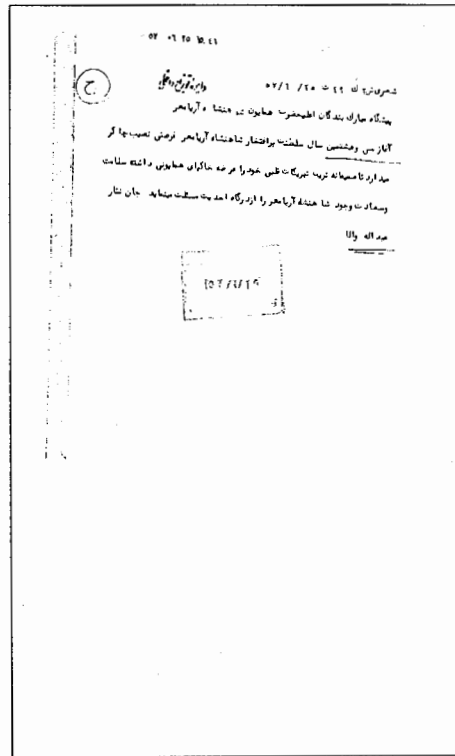
شهری

پیشگاه مبارک بندگان اعلیحضرت همایون

شاهنشاه آریامهر

آغاز سی و هشتمین سال سلطنت پرافتخار
شاهنشاه آریامهر فرصتی نصیب چاکر میدارد
تا صمیمانه‌ترین تبریکات قلبی خود را عرضه
خاکبای همایونی داشته سلامت و سعادت
وجود شاهنشاه آریامهر را از درگاه احدیت
مستلت مینماید

جان نثار عبدالله والا



مجموعه سند شماره ۹۸

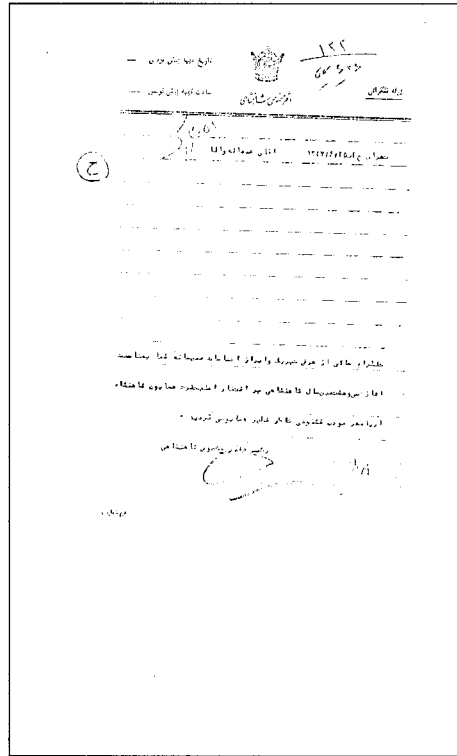
تاریخ: ۵۷/۶/۲۶

شماره: ۱۲۲

دفتر مخصوص شاهنشاهی

تهران ج ۲ ت ۲۵/۶/۱۳۵۷ آقای عبدالله والا

تلگرام حاکی از عرض تبریک و ابراز احساسات صمیمانه شما بمناسبت آغاز سی و هشتمین سال شاهنشاهی پرافتخار اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر موجب خشنودی خاطر خطیر همایونی گردید.
رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی



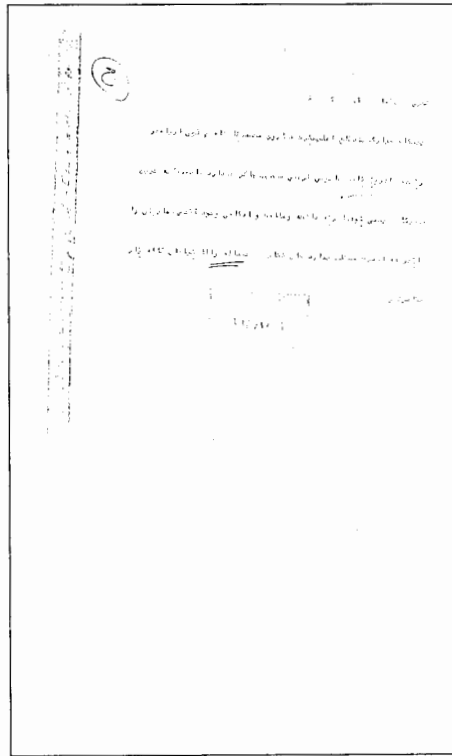
مجموعه سند شماره ۹۸

شهری ۱۳۶۵ ۳۴۲ ۸

پیشگاه مبارک بندگان اعلیحضرت
 همایون محمدرضا شاه پهلوی آریامهر فرخنده
 سالروز ذات همایونی فرصتی نصیب چاکر
 میدارد تا صمیمانه‌ترین تبریکات قلبی خود را
 عرضه داشته و سلامت و شادکامی وجود
 اقدس همایونی را از درگاه احدیت مسئلت
 بدارد

جان نثار عبدالله والا

خیابان لاله‌زار تئاتر نصر



سند شماره ۹۹

تاریخ: ۴۴/۸/۲۴

اسامی حضرت استاد ارجمند و افسران

دوره پنجم لژ کورش

۱- حضرت استاد ارجمند - برادر مهندس جعفر

فزونی

۲- حضرت استاد ارجمند پیشین - برادر دکتر

مهدی ذوالریاستین

۳- قائم مقام استاد - برادر دکتر رحمت

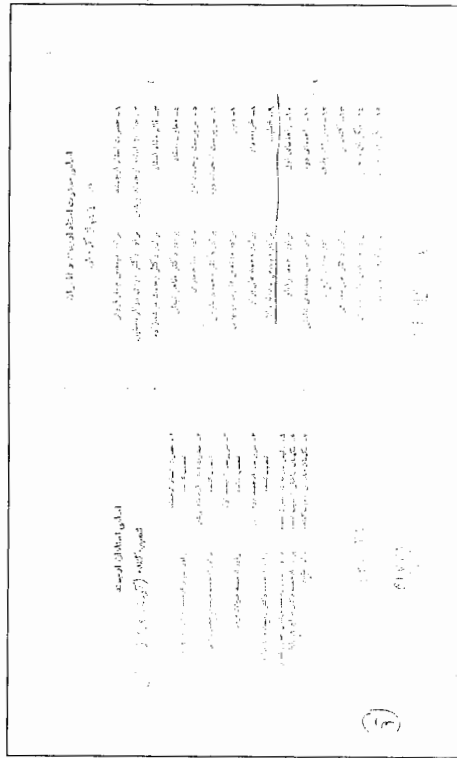
مرشدزاده

۴- معاون استاد - برادر دکتر طاهر ضیائی

۵- سرپرست ارجمند اول - برادر رضا جعفری

۶- سرپرست ارجمند دوم - برادر دکتر محمود

علمی



۷- دبیر - برادر مهندس عنایت بهبهانی

۸- خزانه دار - برادر محمد علی پرتو

۹- خطیب - برادر مهندس عبدالله والا

۱۰- راهنمای اول - برادر احمد براتلو

۱۱- راهنمای دوم - برادر حسن مصطفوی نائینی

۱۲- مدیر تشریفات - برادر صدری کیوان

۱۳- کتاب بر - برادر دکتر علی معارفی

۱۴- نگهبان داخلی - برادر مهندس نظام عامری

۱۵- نگهبان خارجی - برادر شاپور بهبهانی

اسامی استادان ارجمند

تنصیب کننده (آذرماه ۴۴)

- ۱- حضرت استاد ارجمند تنصیب کننده - برادر بسیار ارجمند دکتر علی پرتو
- ۲- حضرت استاد ارجمند پیشین تنصیب کننده - برادر ارجمند مهندس جعفر فزونی
- ۳- سرپرست ارجمند اول تنصیب کننده - برادر ارجمند فتح الله فرود
- ۴- سرپرست ارجمند دوم تنصیب کننده - برادر ارجمند دکتر رحمت مرشدزاده
- ۵- رئیس تشریفات تنصیب کننده - برادر بسیار ارجمند مهندس حسین شقاقی
- ۶- نگهبان داخلی تنصیب کننده - برادر ارجمند دکتر صالح چیتیايات
- ۷- نگهبان خارجی تنصیب کننده - برادر مقدم

مجموعه سند شماره ۱۰۰

تاریخ: ۱۳۴۶/۶/۲۲

جناب آقای مهندس والا

آقای محترم و برادر عزیز:

چون از حق عضویت سالانه هر عضو لژ باید همه ساله مبلغی طبق مقررات اساسنامه به ل.ا. ناحیه‌ای ول.ا. اسکاتلند پرداخت گردد و تا برادران حق عضویت خود را نپردازند لژ کوروش قادر نخواهد بود که مقرری سالانه مورد مطالبه لژهای اعظم را بموقع تأدیه نماید علیهذا خواهشمند است طبق برگ بدهکار تقدیمی^۱ بدهی خودتان را که تا پایان سال ۱۳۴۶ معادل ۷۲۰۰ ریال میشود به صندوق

لژ کوروش پرداخت فرمائید موجب

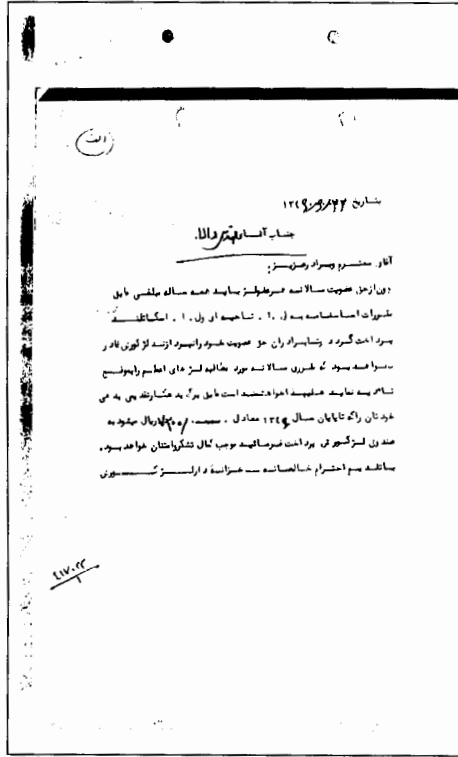
کمال تشکر و امتنان خواهد بود.

با تقدیم احترام خالصانه - خزانه‌دار لژ کوروش

۴۱۷۰۲۲

۱

۱- ضمیمه شماره ۳



سند شماره ۱۰۱

آقای محترم و برادر عزیز

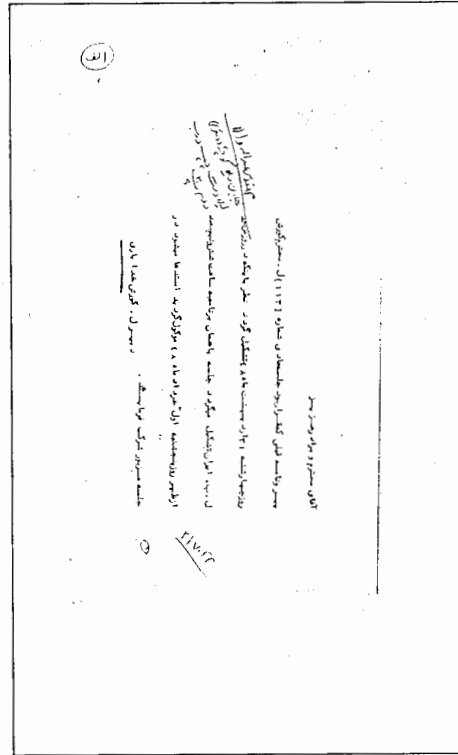
پیرو نامه قبلی که قرار بود جلسه عادی شماره (۱۱۳) ل. محترم کورش روز چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ماه ۴۸ تشکیل گردد نظر باینکه در روز مزبور ل. ب. ایران تشکیل میگردد جلسه با همان برنامه به ساعت شش و نیم بعدازظهر روز پنجشنبه اول خرداد ماه ۴۸ موکول گردید استدعا میشود در جلسه مزبور شرکت فرمایند.

دبیر ل. کورش خدایاری

مهندس عبدالله والا خیابان ویلاکوچه ده متری لیلا دست

چپ درب دوم پ ۲۰

۲۱۷۰۲۲



سند شماره ۱۰۲
 لژ کوروش شماره ۱۵۷۴ ق. اس
 اسکاتلند
 تأسیس دسامبر ۱۹۶۰
 استاد ارجمند لژ کوروش
 برادر دکتر محمود علمی
 س. ارجمند اول
 برادر حسن مصطفوی
 برادر حسن صابرزاده
 برادر گرامی

بنا بامر حضرت استاد ارجمند از آن برادر
 گرامی دعوت میشود که در جلسه عادی شماره
 ۹۷ لژ محترم کوروش که در ساعت ۶
 بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۴ آبانماه ۴۶
 (مطابق با ۱۵ نوامبر ۱۹۶۷) در محل انجمن



رازی واقع در بن بست انوشیروان دادگر شماره ۶۶ تشکیل میگردد حضور بهم رسانند.

لژ در درجه یک کار میکند

لباس اسمو کینگ یا تیره

دبیر لژ کوروش ک. ف طباطبائی

برنامه کارها

۱- افتتاح لژ

۲- قرائت دعوتنامه و صورتجلسه عادی شماره ۹۶ و صورتجلسه کمیته تحقیق و امور عمومی

مورخه ۱۱ آبانماه ۴۶

۳- تشریفات ورود داوطلب دکتر مسیح دانشی

۴- اخذ رای نسبت به ورود هر یک از داوطلبان نامبرده زیر که ورود آنها مورد موافقت کمیته اع. ن.

ای قرار گرفته باشد.

۱- نام - دکتر علی مداوی طبیب مخصوص مجلس سنا ساکن خیابان حقوقی معرف برادر کاظم فشارکی طباطبائی و دکتر محمود علمی

۲- مهندس فیروز عدل رئیس سازمان دامپروری معرف برادر دکتر محمود علمی و برادر مهندس موسوی

۳- عزت‌الله والا مدیرکل سابق آموزش و پرورش معرف برادر مهندس عبدالله والا و برادر دکتر والا

۴- مهندس علیمراد زند کارمند وزارت کشور ساکن وزارت کشور معرف برادر حسن مصطفوی و برادر مهندس کمال‌الدین موسوی.

۵- مهندس ابراهیم همایونفر استاندار اصفهان معرف برادر حسن مصطفوی و برادر حسن صابرزاده

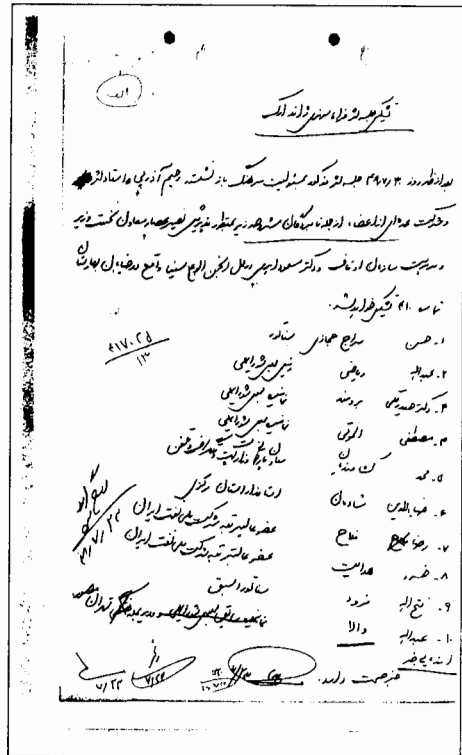
۶- مهندس عزت‌الله مخاطب رفیعی استاد دانشکده فنی دانشگاه تهران معرف برادر دکتر مرشدزاده و برادر حسن صابرزاده.

۷- قرائت گزارش کمیته انتخابات.....

مجموعه سند شماره ۱۰۳
تشکیل جلسه لژ فراماسونری ژاندارک

بعد از ظهر روز ۴۸/۷/۳۰ جلسه لژ مذکور
بمسئولیت سرهنگ بازنشسته رحیم آذری
استاد لژ و شرکت عده‌ای از اعضاء از جمله
نامبردگان مشروحه زیر بمنظور پذیرش نصیر
عصار معاون نخست‌وزیر و سرپرست سازمان
اوقاف و دکتر مسعود اهری در محل انجمن
ابوعلی سینا واقع در خیابان بهارستان شماره
۴۱۰ تشکیل خواهد شد.

- ۱- حسن سراج حجازی - سناتور
- ۲- عبدالله ریاضی - رئیس مجلس شورایملى
- ۳- دکتر حیدرقلی برومند - نماینده مجلس
شورایملى



- ۴- مصطفی الموتی - نماینده مجلس شورایملى
- ۵- محمد کشاورزبان - معاون پارلمانی وزارت پست و تلگراف و تلفن
- ۶- ضیاءالدین شادمان - استاندار استان مرکزی
- ۷- رضا فلاح - عضو عالیرتبه شرکت ملی نفت ایران
- ۸- خسرو هدایت - عضو عالیرتبه شرکت ملی نفت ایران
- ۹- فتح‌اله فرود - سناتور اسبق
- ۱۰- عبدالله والا - نماینده سابق مجلس شورای ملی و مدیر مجله تهران مصور

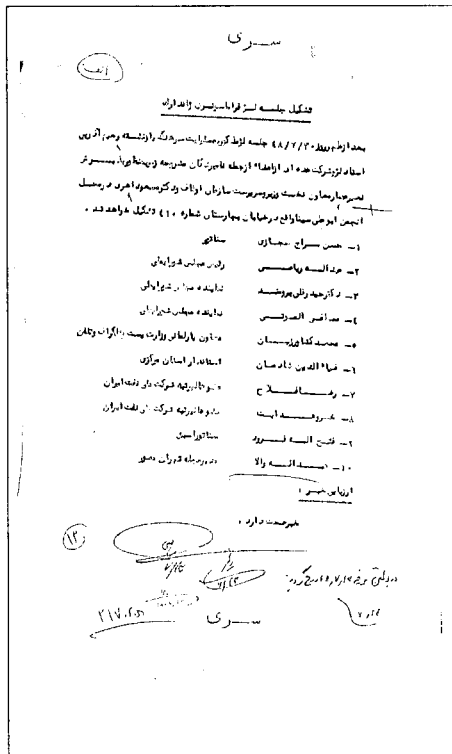
ارزیابی خبر:

خبر صحت دارد.

مجموعه سند شماره ۱۰۳
تشکیل جلسه لژ فراماسونری ژاندارک

بعد از ظهر روز ۴۸/۷/۳۰ جلسه لژ مذکور
بمسئولیت سرهنگ بازنشسته رحیم آذریسی
استاد لژ و شرکت عده‌ای از اعضاء از جمله
نامبردگان مشروحه زیر بمنظور پذیرش نصیر
عصار معاون نخست‌وزیر و سرپرست سازمان
اوقاف و دکتر مسعود اهری در محل انجمن
ابوعلی سینا واقع در خیابان بهارستان شماره
۴۱۰ تشکیل خواهد شد.

- ۱- حسن سراج حجازی - سناتور
- ۲- عبدالله ریاضی - رئیس مجلس شورایملى
- ۳- دکتر حیدرقلی برومند نماینده مجلس شورایملى



- ۴- مصطفی الموتی - نماینده مجلس شورایملى
- ۵- محمد کشاورزیزیان - معاون پارلمانی وزارت پست و تلگراف و تلفن
- ۶- ضیاءالدین شادمان - استاندار استان مرکزی
- ۷- رضا فلاح - عضو عالیرتبه شرکت ملی نفت ایران
- ۸- خسرو هدایت - عضو عالیرتبه شرکت ملی نفت ایران
- ۹- فتح‌اله فرود - سناتور اسبق
- ۱۰- عبدالله والا - مدیر مجله تهران مصور

ارزیابی خیر:

خیر صحت دارد.

در بولتن مورخه ۴۸/۷/۲۳ درج گردید.

سند شماره ۱۰۴

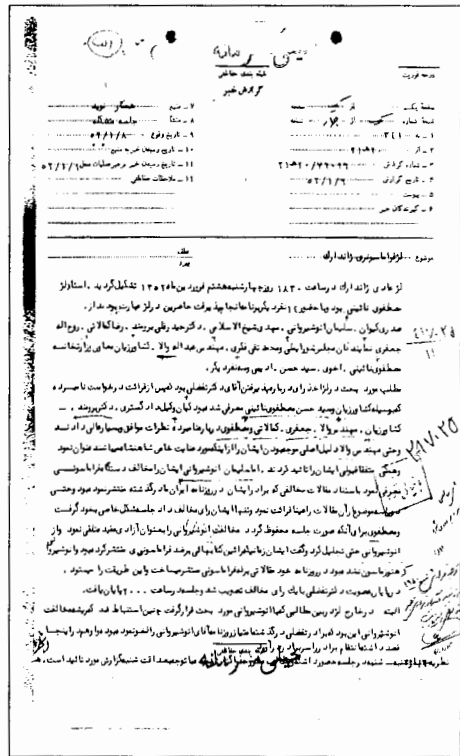
از: ۲۱۵۲۰ تاریخ: ۵۲/۱/۹

به: ۳۴۱ شماره: ۲۱۵۲۰/۷۶۰۱۶

موضوع: لژ فراماسونری ژاندارک

لژ عادی ژاندارک در ساعت ۱۸۳۰ روز چهارشنبه هشتم فروردین ماه ۱۳۵۲ تشکیل گردید. استاد لژ مصطفوی نائینی بود و با حضور ۱۴ نفر دیگر برنامه انجام پذیرفت حاضرین در لژ عبارت بودند از:

صدری کیوان، سلیمان انوشیروانی، مهدی شیخ الاسلامی، دکتر حیدرقلی برومند، رضا کمالاتی، روح‌اله جعفری نمایندگان مجلس شورایملی و محمد تقی فکری، مهندس عبدالله کشاورزبان معاون وزارتخانه مصطفوی



نائینی، اخوی، سید حسن، ادیبی و سه نفر دیگر.

مطلب مورد بحث در لژ اخذ رای درباره پذیرفتن آقای دکتر تفضلی بود که پس از قرائت درخواست نامبرده که بوسیله کشاورزبان و سید حسن مصطفوی نائینی معرفی شده بود کیوان وکیل دادگستری، دکتر برومند، کشاورزبان، مهندس والا، جعفری، کمالاتی و مصطفوی درباره نامبرده نظرات موافق و بسیار عالی دادند و حتی مهندس والا دلیل اصلی موجه بودن ایشان را از اینکه مورد عنایت خاص شاهنشاه میباشند عنوان نمود و همگی متفقا قبولی ایشان را تأیید کردند. اما سلیمان انوشیروانی ایشان را مخالف دستگاه فراماسونی معرفی نمود باستناد مقالات مخالفی که برادر ایشان در روزنامه ایران ما در گذشته منتشر نموده بود و حتی دو یا سه موضوع از آن مقالات را عینا قرائت نمود و تنها ایشان رای مخالف داد جلسه شکل خاصی بخود گرفت و مصطفوی برای آنکه صورت جلسه محفوظ گردد مخالفت انوشیروانی را بعنوان آزادی عقیده تلقی نمود و از انوشیروانی حتی تجلیل کرد و گفت ایشان زمانیکه رائین کتابهایی بر ضد

فراماسونری منتشر کرده بود و انوشیروانی که هنوز ماسون نشده بود در روزنامه خود مقالاتی برله فراماسونی منتشر میساخت و این طریقت را میستود.

در پایان عضویت دکتر تفضلی با یک رای مخالف تصویب شد و جلسه در ساعت ۲۰۰۰ پایان یافت.

البته در خارج لژ در بین مطالبی که با انوشیروانی مورد بحث قرار گرفت چنین استنباط شد که ریشه مخالفت انوشیروانی این بود که برادر تفضلی در گذشته امتیاز روزنامه آقای انوشیروانی را لغو نموده بوده و او هم در اینجا قصد داشته انتقام برادر را سر برادر در آورد.

نظریه چهارشنبه - شنبه در جلسه حضور داشته و مطالب مطروحه را گزارش نموده با توجه بصدقت شنبه گزارش مورد تأیید است.

آقای سالمی بهره برداری شود ۱/۱۱

با توجه بگزارش منبع ۱۹۵۰... تأیید میگردد گزارش خبر قبلاً بعرض رسیده است. ۵۲/۱/۱۲

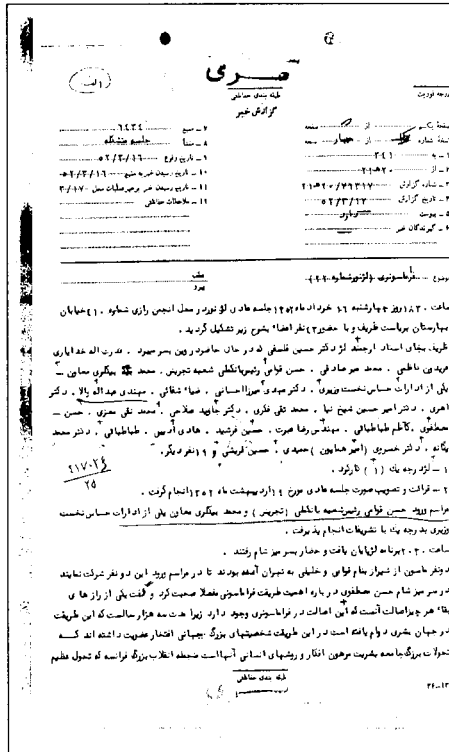
سند شماره ۱۰۶

از: ۲۱۵۲۰ تاریخ: ۵۲/۳/۱۷

به: ۳۴۱ شماره: ۲۱۵۲۰/۷۶۳۱۷

موضوع: فراماسونی

(لژ نور شماره ۲۲)



ساعت ۱۸۳۰ روز چهارشنبه ۱۶ خرداد
 ماه ۱۳۵۲ جلسه عادی لژ نور در محل انجمن
 رازی شماره ۴۱۰ خیابان بهارستان بریاست
 ظریف و با حضور ۴۳ نفر اعضاء بشرح زیر
 تشکیل گردید.

ظریف بجای استاد ارجمند لژ دکتر حسین
 فلسفی که در حال حاضر در وین بسر میبرد.
 قدرت اله خدایاری. فریدون کاظمی. محمد
 میرصادقی. حسن قوامی رئیس بانک ملی

شعبه تجریش. محمد بیگلری معاون یکی از ادارات حساس نخست وزیری. دکتر مهدی میرزا
 احسانی. ضیاء شفائی. مهندس عبدالله والا. دکتر اهری. دکتر امیرحسین شیخ نیا. محمدتقی
 فکری. دکتر جاوید صلاحی. محمدتقی معزی. حسن مصطفوی. کاظم طباطبائی. مهندس رضا
 عبرت. حسین فرشید. هادی ادیبی. طباطبائی. دکتر محمد یگانه. دکتر خسروی (امیرهمایون)
 حمیدی. حسین قریشی و ۱۹ نفر دیگر.

۱- لژ درجه یک (۱) کارکرد.

۲- قرائت و تصویب صورت جلسه عادی مورخ ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵۲ انجام گرفت.

مراسم ورود حسن قوامی رئیس شعبه بانک ملی (تجریش) و محمد بیگلری معاون یکی از
 ادارات حساس نخست وزیری بدرجه یک با تشریفات انجام پذیرفت.

ساعت ۲۰۳۰ برنامه لژ پایان یافت و حضار بسر میز شام رفتند.

دو نفر ماسون از شیراز بنام قوامی و خلیلی به تهران آمده بودند تا در مراسم ورود این دو نفر

شرکت نمایند در سر میز شام حسن مصطفوی درباره اهمیت طریقت فراماسونی مفصلاً صحبت کرد و گفت یکی از رازهای بقاء هر چیز اصالت آنست که این اصالت در فراماسونری وجود دارد زیرا مدت سه هزار سالست که این طریقت در جهان بشری دوام یافته است در این طریقت شخصیت‌های بزرگ جهانی افتخار عضویت داشته‌اند که تحولات بزرگ جامعه بشریت مرهون افکار و روشهای انسانی آنهاست.

سند شماره ۱۰۸

شاپیتر کورش شماره ۷۹۸

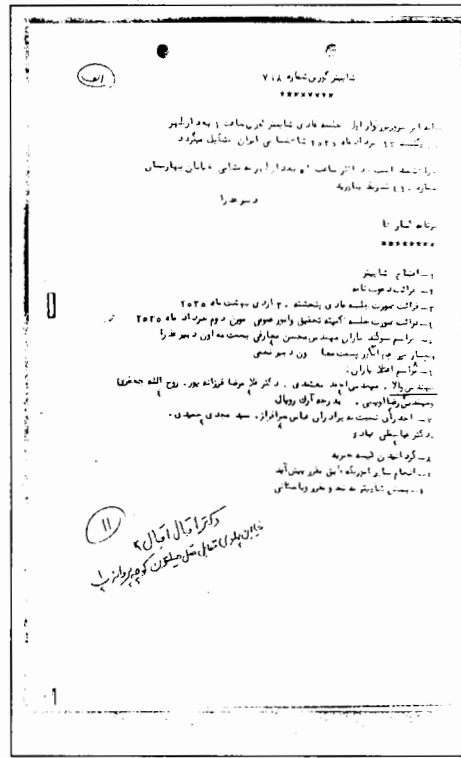
بنا به امر سرور بزرگوار اول جلسه عادی شاپیتر کورش ساعت ۶ بعد از ظهر روز یکشنبه ۱۳ خرداد ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی ایران تشکیل میگردد.

خواهشمند است حداکثر ساعت ۵ $\frac{۱}{۲}$ بعد از ظهر به نشانی خیابان بهارستان شماره ۴۱۰ تشریف بیاورید

دبیر عذرا

برنامه کارها

- ۱- افتتاح شاپیتر
- ۲- قرائت دعوت نامه
- ۳- قرائت صورت جلسه عادی پنجشنبه ۳۰ اردی بهشت ماه ۲۵۳۵



- ۴- قرائت صورت جلسه کمیته تحقیق و امور عمومی مورخ دوم خرداد ماه ۲۵۳۵
- ۵- مراسم سوگند یاران مهندس محسن معارفی بسمت معاون دبیر عذرا و تیمسار میرجهانگیر بسمت معاون دبیر نعمی
- ۶- مراسم اعتلا یاران. مهندس والا. مهندس احمد معتمدی. دکتر غلامرضا فرزانه پور. روح الله جعفری و مهندس رضا اویسی. بدرجه آرک رویال
- ۷- اخذ رای نسبت به برادران عباس سرافراز. سید مجید حمیدی. و دکتر عباسقلی عبادی
- ۸- گردانیدن کیسه خیریه
- ۹- انجام سایر اموریکه طبق مقرر پیش آید
- ۱۰- بستن شاپیتر به نحو مقرر و باستانی

دکتر اقبال خیابان پهلوی مقابل هتل هیلتون کوچه پروانه پ ۱

سند شماره ۱۰۹

افسران تنصیب کننده ژ ژاندارک

استاد ارجمند تنصیب کننده - برادر ارجمند دکتر

مهدی میرزا حسابی

استاد پیشین تنصیب کننده - برادر ارجمند محمد

علی احمدی

رئیس تشریفات تنصیب کننده - برادر ارجمند

مهندس محمد قراگزلو

سرپرست اول تنصیب کننده - برادر ارجمند احمد

ولائی

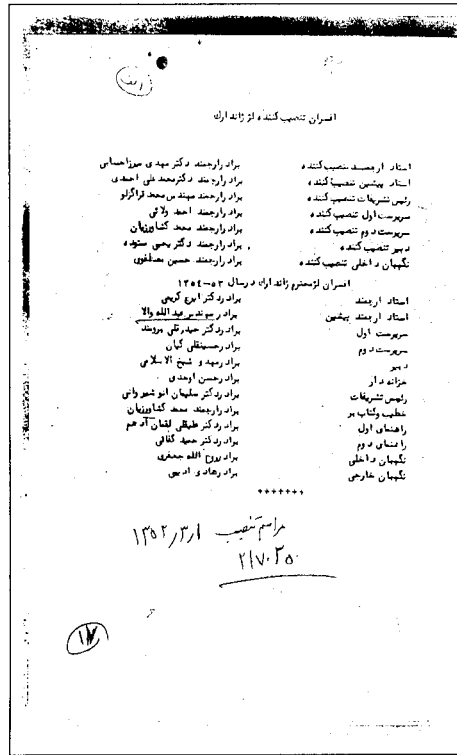
سرپرست دوم تنصیب کننده - برادر ارجمند

محمد کشاورزبان

دبیر تنصیب کننده - برادر ارجمند دکتر یحیی

ستوده

نگهبان داخلی تنصیب کننده - برادر ارجمند



حسین مصطفوی

افسران ژ ژاندارک در سال ۱۳۵۴-۵۳

استاد ارجمند - برادر دکتر ایرج کریمی

استاد ارجمند پیشین - برادر مهندس عبداللہ والا

سرپرست اول - برادر دکتر حیدرقلی برومند

سرپرست دوم - برادر حسینقلی کیان

دبیر - برادر مهدی شیخ الاسلامی

خزانه دار - برادر حسن اوحدی رئیس تشریفات - برادر دکتر سلیمان انوشیروانی

خطیب و کتاب بر - برادر ارجمند محمد کشاورزبان

راهنمای اول - برادر دکتر علیقلی لقمان ادهم راهنمای دوم - برادر دکتر حمید کفائی

نگهبان داخلی - برادر روح الله جعفری نگهبان خارجی - برادر هادی ادیبی

۲۱۷۰۲۵ ۱۳۵۲/۳/۱ مراسم تنصیب

مجموعه سند شماره ۱۱۰

لژ کورش شماره ۴

استاد ارجمند - برادر مهندس ابراهیم همایونفر
سرپرست اول - برادر مهندس هوشنگ
فردوس

سرپرست دوم - برادر دکتر عباس نیکبخت

آقای محترم و برادر عزیز

بنابدستور استاد ارجمند از آن برادر گرامی

دعوت میشود در جلسه عادی شماره ۱۵۷ لژ

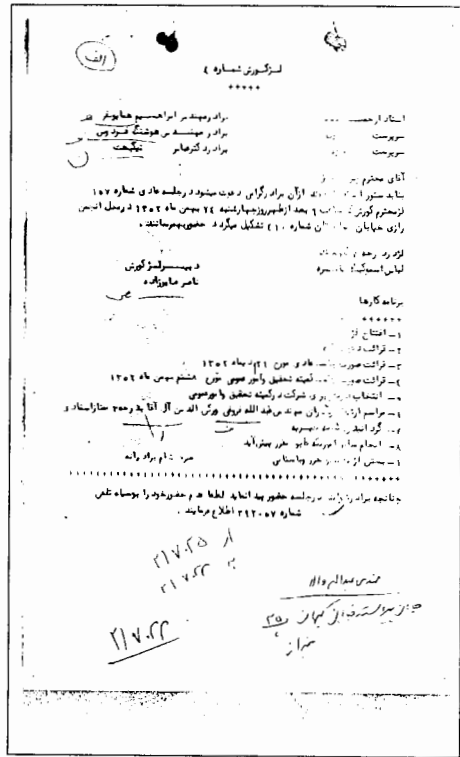
محترم کورش که ساعت ۶ بعدازظهر روز

چهارشنبه ۲۴ بهمن ماه ۱۳۵۲ در محل انجمن

رازی خیابان بهارستان شماره ۴۱۰ تشکیل

میگردد حضور بهمرسانند.

لژ در درجه ۳ کار میکند



لباس اسموکینگ یا تیره

دبیر لژ کورش

ناصر صابریزاده

برنامه کارها

۱- افتتاح لژ

۲- قرائت دعوتنامه

۳- قرائت صورتجلسه عادی مورخ ۲۶ دیماه ۱۳۵۲

۴- قرائت صورتجلسه کمیته تحقیق و امور عمومی مورخ هشتم بهمن ماه ۱۳۵۲

۵- انتخاب دو نفر برای شرکت در کمیته تحقیق و امور عمومی

۶- مراسم ارتقاء برادران مهندس عبدالله فروغی و رکن‌الدین آل آقا بدرجه ۳ ممتاز استادی

۷- گردانیدن کیسه خیریه

۸- انجام سایر اموریکه طبق مقررر پیش آید

۹- بستن لژ به نحو مقرر و باستانی
صرف شام برادرانه

چنانچه برادری نتواند در جلسه حضور پیدا نماید لطفا عدم حضور خود را بوسیله تلفن شماره
۳۹۲۰۵۷ اطلاع فرمایند.

مهندس عبدالله والا خیابان پیراسته خیابان کیهان پ ۲۵

مجموعه سند شماره ۱۱۰

لژ کورش شماره ۴

استاد ارجمند - برادر مهندس هوشنگ فردوس

سرپرست اول - برادر دکتر عباس نیکبخت

سرپرست دوم - برادر معزالدين ذوالفقاری

برادر عزیز و گرامی

بنابستور استاد ارجمند از آن برادر گرامی

دعوت میشود در جلسه عادی شماره ۱۶۸ لژ

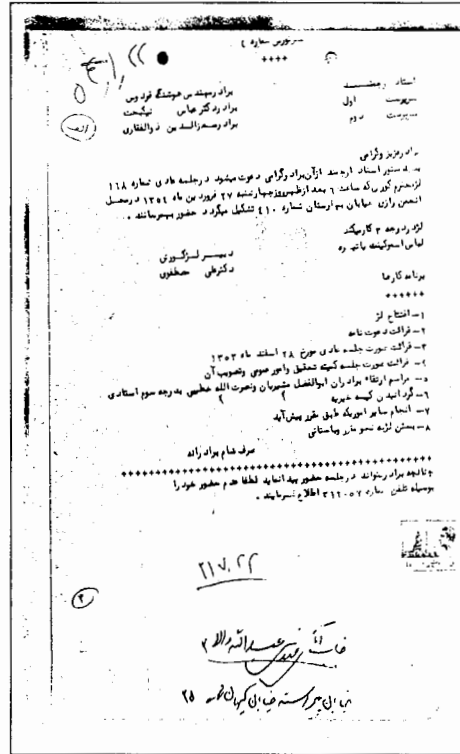
محترم کورش که ساعت ۶ بعد از ظهر روز

چهارشنبه ۲۷ فروردین ماه ۱۳۵۴ در محل

انجمن رازی خیابان بهارستان شماره ۴۱۰

تشکیل میگردد حضور بهم رسانند.

لژ در درجه ۳ کار میکند



لباس اسمو کینگ یا تیره

دبیر لژ کورش

دکتر علی مصطفوی

برنامه کارها

۱- افتتاح لژ

۲- قرائت دعوت نامه

۳- قرائت صورت جلسه عادی مورخ ۲۸ اسفند ماه ۱۳۵۳

۴- قرائت صورت جلسه کمیته تحقیق و امور عمومی و تصویب آن

۵- مراسم ارتقاء برادران ابوالفضل مشیریان و نصرت الله خطیبی بدرجه سوم استادی

۶- گردآیدن کیسه خیریه

۷- انجام سایر اموریکه طبق مقرر پیش آید

۸- بستن لژ به نحو مقرر و باستانی

صرف شام برادرانه

چنانچه برادر نتواند در جلسه حضور پیدا نماید لطفا عدم حضور خود را بوسیله تلفن شماره

۳۹۲۰۵۷ اطلاع فرمایند.

جناب آقای مهندس عبدالله والا

خیابان پیراسته خیابان کیهان شماره ۲۵

۲۱۷۰۲۲

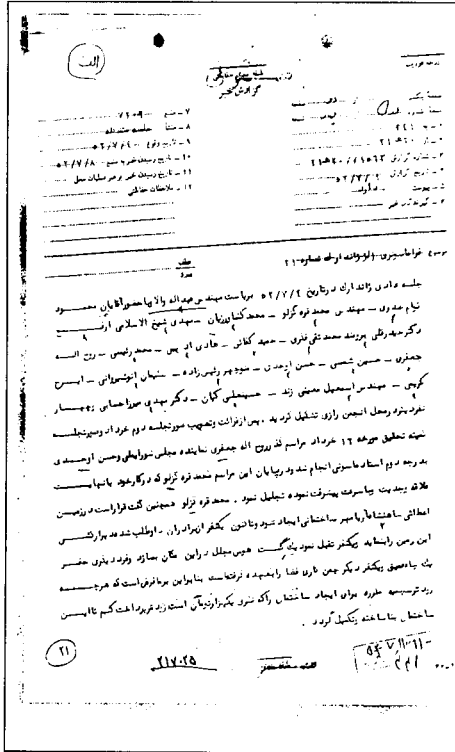
سند شماره ۱۱۱

از: ۲۱۵۲۰ شماره: ۵۲/۷/۹ تاریخ:

به: ۳۴۱ شماره: ۲۱۵۲۰/۷۹۵۶۳

موضوع: فراماسونری

(لژ ژاندارک شماره ۲۱)



جلسه عادی ژاندارک در تاریخ ۵۲/۷/۹
 ریاست مهندس عبدالله والا و با حضور آقایان
 محمود قوام صدیقی - مهندس محمد قره گزلو -
 محمد کشاورزیان - مهدی شیخ الاسلامی -
 ارفع - دکتر حیدرقلی برومند محمد تقی فکری
 - حمید کفائی - هادی ادیبی - محمد رئیسی -
 روح اله جعفری - حسین شمسی - حسن
 اوحدی - منوچهر رئیس زاده - سلیمان
 انوشیروانی - ایرج کریمی - مهندس اسمعیل

معینی زند - حسینعلی کیان - دکتر مهدی میرزا حسابی و چهار نفر دیگر در محل انجمن رازی تشکیل گردید. پس از قرائت و تصویب صورتجلسه دوم خرداد و صورتجلسه کمیته تحقیق مورخه ۱۶ خرداد مراسم گذر روح اله جعفری نماینده مجلس شورایملی و حسن اوحدی بدرجه دوم استاد ماسونی انجام شد و در پایان این مراسم محمد قره گزلو که در کار خود با نهایت علاقه و جدیت و با سرعت پیشرفت نموده تجلیل نمود. محمد قره گزلو همچنین گفت قرار است در زمین اعطائی شاهنشاه آریامهر ساختمانی ایجاد شود و تاکنون یکنفر از برادران داوطلب شده دیوار کشی این زمین را بنماید و یکنفر تقبل نمود یک گست هوس مجلل در این مکان بسازد و فرد دیگری حفر یک چاه عمیق و یکنفر دیگر چمن کاری فضا را بعهده گرفته است بنابراین بر ما فرض است که هر چه زودتر سهمیه مقرر برای ایجاد ساختمان را که نفری یکهزار تومان است زودتر پرداخت کنیم تا این ساختمان بنا ساخته و تکمیل گردد.

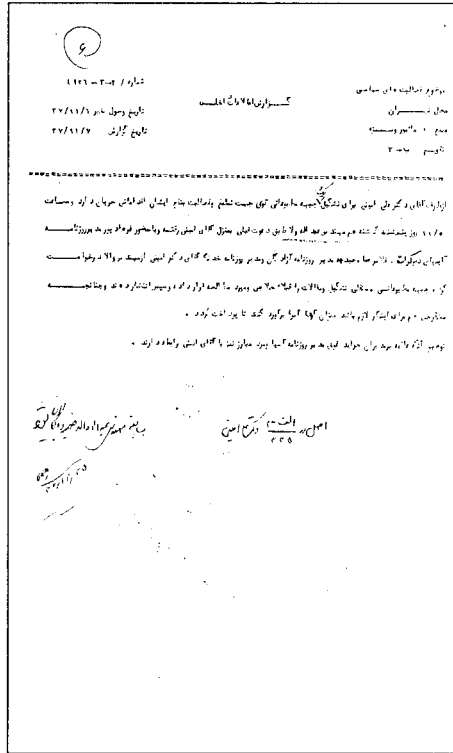
سند شماره ۱۱۲

تاریخ: ۳۷/۱۱/۷

شماره: ۲-۳-۴۹۲۶

موضوع: فعالیت‌های سیاسی

از طرف آقای دکتر علی امینی برای تشکیل یک جبهه مطبوعاتی قوی جهت تبلیغ و فعالیت بنفع ایشان اقداماتی جریان دارد و فعالیت بنفع ایشان اقداماتی جریان دارد و ساعت ۱۸/۵ روز پنجشنبه گذشته هم مهندس عبدالله والا طبق دعوت قبلی بمنزل آقای امینی رفته و با حضور فرهادپور مدیر روزنامه آسیای دموکرات، غلامرضا مجید مدیر روزنامه آزادگان و مدیر روزنامه خدنگ آقای دکتر امینی از مهندس والا درخواست کرده جبهه مطبوعاتی مستقلی تشکیل و مقالات را



قبلا حلاجی و مورد مطالعه قرار داده و سپس انتشار دهند و چنانچه مخارجی هم برای اینکار لازم باشد میزان آنرا برآورد کنند تا پرداخت گردد.

توضیح آنکه علاوه بر مدیران جراید فوق مدیر روزنامه آسیا و مرد مبارز نیز با آقای امینی رابطه دارند.

اصل در الف-۲ دکتر علی امینی ۳۳۵

بسابقه مهندس عبدالله والا ضمیمه و بایگانی شود. رحیمی ۳۷/۱۲/۲۵

سند شماره ۱۱۴

تاریخ: ۲۸ اسفند ۱۳۴۴

مذاکرات تیمسار سپهبد نصیری و آقای

مهندس والا

تیمسار سپهبد نصیری - در نطقی که در مجلس علیه بودجه شد شما ضمن صحبت مطالبی را از روی یادداشت میخواندید. این مطالب را خودتان تهیه کرده بودید یا اینکه حزب تهیه کرده بود؟

آقای مهندس والا - بعد از آنکه اعلام شد که اقلیت صحبت نمیکنند حزب هم در کمیته مرکزی با حضور پروفیسور عدل باین نتیجه رسید که گزارشی تهیه کند و بشرفعرض برساند. در کمیته دو نفر از فراکسیون تعیین شد

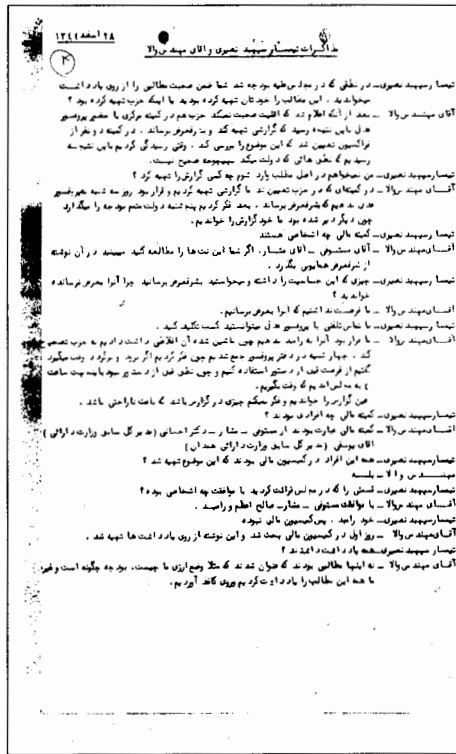
که این موضوع را بررسی کند. وقتی رسیدگی کردیم باین نتیجه رسیدیم که نطق هائی که دولت میکند بهیچوجه صحیح نیست.

تیمسار سپهبد نصیری - من نمیخواهم در اصل مطلب وارد شوم چه کسی گزارش را تهیه کرد؟ آقای مهندس والا - در کمیته ای که در حزب تعیین شد ما گزارشی تهیه کردیم و قرار بود روز سه شنبه به پروفیسور عدل بدهیم که بشرفعرض برساند. بعد فکر کردیم پنجشنبه دولت متمم بودجه را میگذارد چون دیگر دیر شده بود ما خود گزارش را خواندیم.

تیمسار سپهبد نصیری - کمیته مالی چه اشخاصی هستند.

آقای مهندس والا - آقای مستوفی - آقای مشار. اگر شما این نتها را مطالعه کنید میبینید در آن نوشته از شرفرض همایونی بگذرد.

تیمسار سپهبد نصیری - چیزی که این حساسیت را داشته و میخواستید بشرفعرض برسانید چرا آنرا بعرض نرسانده خواندید؟



تیمسار سپهبد نصیری - در نطقی که در مجلس علیه بودجه شد شما ضمن صحبت مطالبی را از روی یادداشت میخواندید. این مطالب را خودتان تهیه کرده بودید یا اینکه حزب تهیه کرده بود؟

آقای مهندس والا - بعد از آنکه اعلام شد که اقلیت صحبت نمیکنند حزب هم در کمیته مرکزی با حضور پروفیسور عدل باین نتیجه رسید که گزارشی تهیه کند و بشرفعرض برساند. در کمیته دو نفر از فراکسیون تعیین شد

که این موضوع را بررسی کند. وقتی رسیدگی کردیم باین نتیجه رسیدیم که نطق هائی که دولت میکند بهیچوجه صحیح نیست.

تیمسار سپهبد نصیری - من نمیخواهم در اصل مطلب وارد شوم چه کسی گزارش را تهیه کرد؟ آقای مهندس والا - در کمیته ای که در حزب تعیین شد ما گزارشی تهیه کردیم و قرار بود روز سه شنبه به پروفیسور عدل بدهیم که بشرفعرض برساند. بعد فکر کردیم پنجشنبه دولت متمم بودجه را میگذارد چون دیگر دیر شده بود ما خود گزارش را خواندیم.

تیمسار سپهبد نصیری - کمیته مالی چه اشخاصی هستند. آقای مهندس والا - آقای مستوفی - آقای مشار. اگر شما این نتها را مطالعه کنید میبینید در آن نوشته از شرفرض همایونی بگذرد.

تیمسار سپهبد نصیری - چیزی که این حساسیت را داشته و میخواستید بشرفعرض برسانید چرا آنرا بعرض نرسانده خواندید؟

آقای مهندس والا - ما فرصت نداشتیم که آنرا
بعرض برسانیم.

تیمسار سپهبد نصیری - با تماس تلفنی با
پروفسور عدل میتوانستید کسب تکلیف کنید.

آقای مهندس والا - ما قرار بود آنرا به رامبد
بدهیم چون ماشین شده آن اغلاطی داشت

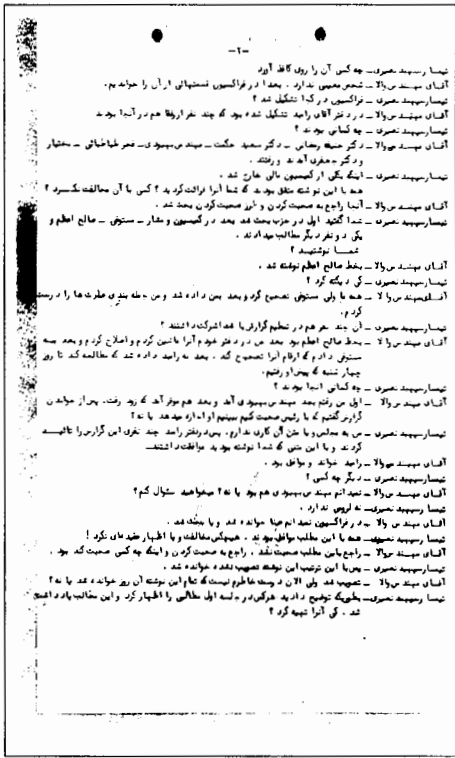
دادیم به حزب تصحیح کند. چهارشنبه در دفتر
پروفسور جمع شدیم چون فکر کردیم اگر برود

و برگردد وقت میگیرد گفتیم از فرصت قبل از
دستور استفاده کنیم و چون نطق قبل از دستور

نبود باینجهت ساعت ۴ به مجلس آمدیم که
وقت بگیریم.

عین گزارش را خواندیم و فکر نمیکنم چیزی
در گزارش باشد که باعث ناراحتی باشد.

تیمسار سپهبد نصیری - کمیته مالی چه افرادی



بودند؟

آقای مهندس والا - کمیته مالی عبارت بودند از مستوفی - مشار - دکتر احسانی (مدیر کل سابق
وزارت دارائی) آقای یوسفی (مدیر کل سابق وزارت دارائی همدان)

تیمسار سپهبد نصیری - همه این افراد در کمیسیون مالی بودند که این موضوع تهیه شد؟

مهندس والا - بله

تیمسار سپهبد نصیری - قسمتی را که در مجلس قرائت کردید با موافقت چه اشخاصی بوده؟

آقای مهندس والا - با موافقت مستوفی - مشار - صالح اعظم و رامبد.

تیمسار سپهبد نصیری - خود رامبد. پس کمیسیون مالی نبوده

آقای مهندس والا - روز اول در کمیسیون مالی بحث شد و این نوشته از روی یادداشت ها تهیه شد.

تیمسار سپهبد نصیری - همه یادداشت داشتند؟

آقای مهندس والا - نه اینها مطالبی بودند که عنوان شدند که مثلا وضع ارزی ما چیست. بودجه

چگونه است و غیره ما همه این مطالب را یادداشت کردیم و روی کاغذ آوردیم.

تیمسار سپهبد نصیری - چه کسی آن را روی کاغذ آورد

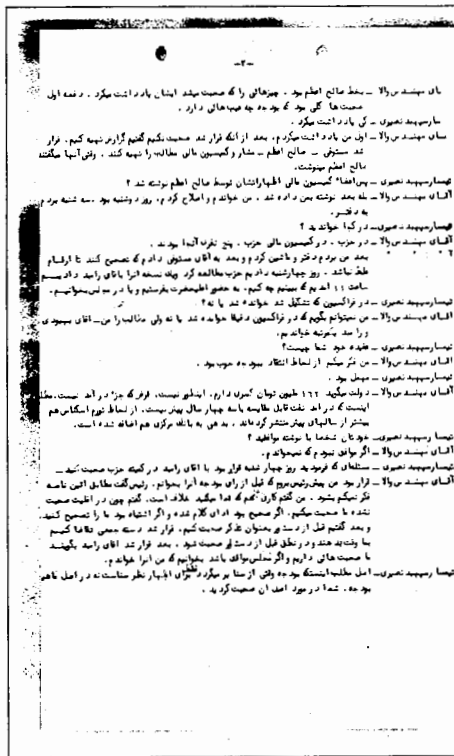
آقای مهندس والا - شخص معینی ندارد. بعداً در فراکسیون قسمتهائی از آن را خواندیم.

تیمسار سپهبد نصیری - فراکسیون در کجا تشکیل شد؟

آقای مهندس والا - در دفتر آقای رامبد تشکیل شده بود که چند نفر از رفقا هم در آنجا بودند

تیمسار سپهبد نصیری - چه کسانی بودند؟

آقای مهندس والا - دکتر حنیفه رضائی - دکتر سعید حکمت - مهندس بهبودی - فخر طباطبائی - بختیار و دکتر جعفری آمدند و



رفتند.

تیمسار سپهبد نصیری - اینکه بکلی از کمیسیون مالی خارج شد. همه با این نوشته متفق بودند که شما آثار قرائت کردید؟ کسی با آن مخالفت نکرد؟ آقای مهندس والا - آنجا راجع به صحبت کردن و طرز صحبت کردن بحث شد.

تیمسار سپهبد نصیری - شما گفتید اول در حزب بحث شد بعد در کمیسیون و مشار - مستوفی - صالح اعظم و یکی دو نفر دیگر مطالب میدادند.

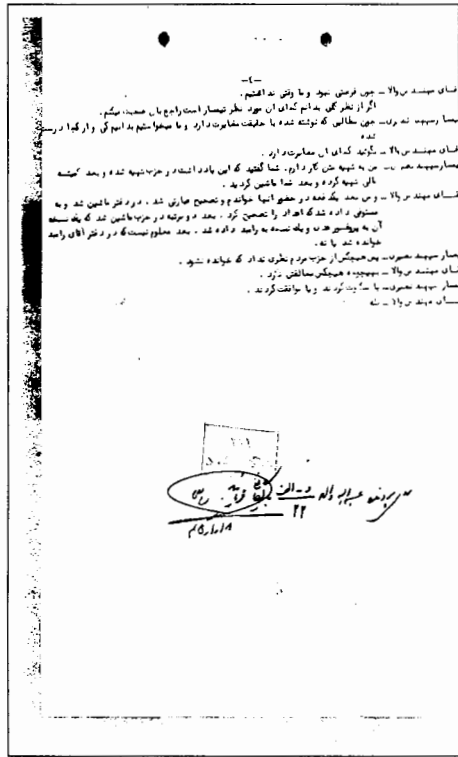
شما نوشتید؟

آقای مهندس والا - بخط صالح اعظم نوشته شد.

تیمسار سپهبد نصیری - کی دیکته کرد؟

آقای مهندس والا - همه ما ولی مستوفی تصحیح کرد و بعد بمن داده شد و من جمله بندی عبارت‌ها را درست کردم.

تیمسار سپهبد نصیری - آن چند نفر هم در تنظیم گزارش با شما شرکت داشتند؟
 آقای مهندس والا - بخط صالح اعظم بود بعد من در دفتر خودم آنرا ماشین کردم و اصلاح کردم و بعد به مستوفی دادم که ارقام آنرا تصحیح کند بعد به رامبد داده شد که مطالعه کند تا روز چهارشنبه که پیش او رفتیم.
 تیمسار سپهبد نصیری - چه کسانی آنجا بودند؟
 آقای مهندس والا - اول من رفتم بعد مهندس بهبودی آمد و بعد هم موقر آمد که زود رفت. پس از خواندن گزارش گفتیم که با رئیس صحبت کنیم ببینیم او اجازه میدهد یا نه؟
 تیمسار سپهبد نصیری - من به مجلس و یا متن آن کاری ندارم. پس در دفتر رامبد چند نفری این گزارش را تأیید کردند و با این متنی که شما



نوشتنه بودید موافقت داشتند.

آقای مهندس والا - رامبد خواند و موافق بود.

تیمسار سپهبد نصیری - دیگر چه کسی؟

آقای مهندس والا - نمیدانم مهندس بهبودی هم بود یا نه؟ میخواهید سؤال کنم؟

تیمسار سپهبد نصیری - نه لزومی ندارد.

آقای مهندس والا - در فراکسیون نمیدانم عینا خواند شد و یا بحث شد.

تیمسار سپهبد نصیری - همه با این مطلب موافق بودند. هیچکس مخالفت و یا اظهار عقیده‌ای نکرد؟

آقای مهندس والا - راجع باین مطلب صحبت نشد. راجع به صحبت کردن و اینکه چه کسی صحبت کند بود.

تیمسار سپهبد نصیری - پس با این ترتیب این نوشته تصویب نشده خوانده شد. آقای مهندس والا -

تصویب شد ولی الان درست خاطر من نیست که تمام این نوشته آن روز خوانده شد یا نه؟ تیمسار سیهید نصیری - بطوریکه توضیح دادید هر کس در جلسه اول مطالبی را اظهار کرد و این مطالب یادداشت شد. کی آنرا تهیه کرد؟

آقای مهندس والا - بخط صالح اعظم بود. چیزهایی را که صحبت میشد ایشان یادداشت میکرد. دفعه اول صحبت‌ها کلی بود که بودجه چه عیب‌هایی دارد.

سیهید نصیری - کی یادداشت میکرد.

آقای مهندس والا - اول من یادداشت میکردم. بعد از آنکه قرار شد صحبت نکنیم گفتیم گزارش تهیه کنیم. قرار شد مستوفی - صالح اعظم - مشار و کمیسیون مالی مطالب را تهیه کنند. وقتی آنها میگفتند صالح اعظم مینوشت.

تیمسار سیهید نصیری - پس اعضاء کمیسیون مالی اظهاراتشان توسط صالح اعظم نوشته شد؟ آقای مهندس والا - بله بعد نوشته بمن داده شد. من خواندم و اصلاح کردم. روز دوشنبه بود. سه شنبه بردم به دفتر.

تیمسار سیهید نصیری - در کجا خواندید؟

آقای مهندس والا - در حزب. در کمیسیون مالی حزب. پنج نفری آنجا بودند.

بعد من بردم دفتر و ماشین کردم و بعد به آقای مستوفی دادم که تصحیح کنند تا ارقام غلط نباشد. روز چهارشنبه دادیم حزب مطالعه کرد و یک نسخه آنرا به آقای رامبد دادیم ساعت ۱۱ آمدیم که ببینیم چه کنیم. به حضور اعلیحضرت بفرستیم و یا در مجلس بخوانیم.

تیمسار سیهید نصیری - در فراکسیون که تشکیل شد خوانده شد یا نه؟ آقای مهندس والا - من نمیتوانم بگویم که در فراکسیون دقیقا خوانده شد یا نه ولی مطالب را من - آقای بهبودی و رامبد یکمرتبه خواندیم.

تیمسار سیهید نصیری - عقیده خود شما چیست؟

آقای مهندس والا - من فکر میکنم از لحاظ انتقاد بودجه خوب بود.

تیمسار سیهید نصیری - مهمل بود.

آقای مهندس والا - دولت میگوید ۱۶۲ میلیون تومان کسری دارم. اینطور نیست. قرض که جزء درآمد نیست. مطلب اینست که درآمد نفت قابل مقایسه با سه چهار سال پیش نیست. از لحاظ تورم اسکناس هم بیشتر از سالهای پیش منتشر کرده‌اند. بدهی به بانک مرکزی هم اضافه شده است

تیمسار سیهید نصیری - خودتان شخصا با نوشته موافقید؟

آقای مهندس والا - اگر موافق نبودم که نمیخواندم.

تیمسار سیهید نصیری - مسئله‌ای که فرمودید روز چهارشنبه قرار بود با آقای رامبد در کمیته

حزب صحبت کنید

آقای مهندس والا - قرار بود من پیش رئیس بروم که قبل از رای بودجه آنرا بخوانم. رئیس گفت

مطابق آئین نامه فکر نمیکنم بشود. من گفتم کاری هم که شما میکنید خلاف است. گفتم چون در

اقلیت صحبت نشده ما صحبت میکنیم. اگر صحیح بود ادای کلام شده و اگر اشتباه بود ما را

تصحیح کنید و بعد گفتیم قبل از دستور بعنوان تذکر صحبت کنیم. قرار شد دسته جمعی تقاضا کنیم

بما وقت بدهند و در نطق قبل از دستور صحبت شود. بعد قرار شد آقای رامبد بگویند ما

صحبت‌هایی داریم و اگر مجلس موافق باشد بخوانیم که من آنرا خواندم.

تیمسار سیهید نصیری - اصل مطلب اینستکه بودجه وقتی از سنا برمیگردد فقط برای اظهار نظر

سناست نه در اصل ماهیت بودجه. شما در مورد اصل آن صحبت کردید.

آقای مهندس والا - چون فرصتی نبود و ما وقتی نداشتیم.

اگر از نظر کلی بدانم کجای آن مورد نظر تیمسار است راجع بآن صحبت میکنم.

تیمسار سیهید نصیری - چون مطالبی که نوشته شده با حقیقت مغایرت دارد و ما میخواستیم بدانیم

کی و از کجا درست شده

آقای مهندس والا - بگوئید کجای آن مغایرت دارد.

تیمسار سیهید نصیری - من به تهیه متن کار دارم. شما گفتید که این یادداشت در حزب تهیه شده و

بعد کمیته مالی تهیه کرده و بعد شما ماشین کردید. آقای مهندس والا - و من بعد یکدفعه در حضور

آنها خواندم و تصحیح عبارتی شد. در دفتر ماشین شد و به مستوفی داده شد که اعداد را تصحیح

کرد. بعد دو مرتبه در حزب ماشین شد که یک نسخه آن به پرفسور عدل و یک نسخه به رامبد داده

شد. بعد معلوم نیست که در دفتر آقای رامبد خوانده شد یا نه.

تیمسار سیهید نصیری - پس هیچکس از حزب مردم نظری نداد که خوانده نشود.

آقای مهندس والا - بهیچوجه هیچکس مخالفتی نکرد.

تیمسار سیهید نصیری - یا سکوت کردند و یا موافقت کردند.

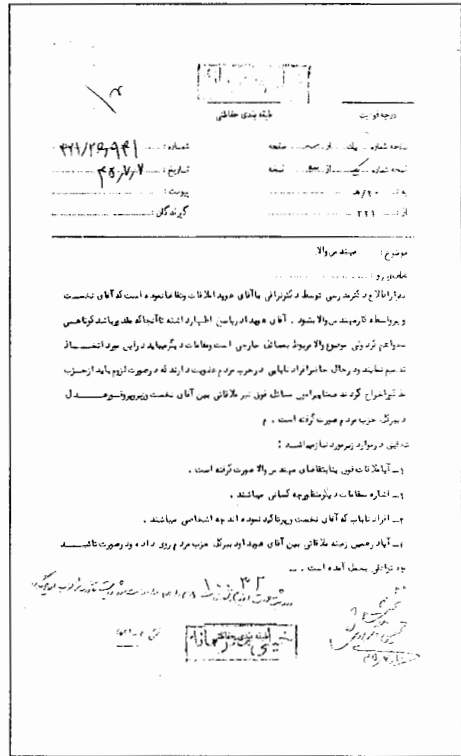
آقای مهندس والا - بله روی پرونده عبدالله والا ^{۳۳} الف با یگانی فرمائید. سالمی ۴۵/۱/۱۸

مجموعه سند شماره ۱۱۶

از: ۳۲۱ به: ۲۰/هـ تاریخ: ۴۵/۷/۷

شماره: ۳۲۱/۲۶۹۴۱

موضوع: مهندس والا



بقرار اطلاع دکتر مدرسی توسط دکتر نراقی با آقای هویدا ملاقات و تقاضا نموده است که آقای نخست‌وزیر واسطه کار مهندس والا بشود. آقای هویدا در پاسخ اظهار داشته تا آنجا که مقدور باشد کوتاهی نخواهم کرد ولی موضوع والا مربوط بمسائل خارجی است و مقامات دیگر میباید در این مورد اتخاذ تصمیم نمایند و در حال حاضر افراد نابابی در حزب مردم عضویت دارند که در صورت لزوم باید از حزب مذکور اخراج گردند ضمناً پیرامون

مسائل فوق نیز ملاقاتی بین آقای نخست‌وزیر و پروفیسور عدل دبیر کل حزب مردم صورت گرفته است.

تحقیق در موارد زیر مورد نیاز میباشد:

- ۱- آیا ملاقات فوق بنا بتقاضای مهندس والا صورت گرفته است.
- ۲- اشاره بمقامات دیگر منظور چه کسانی میباشد.
- ۳- افراد ناباب که آقای نخست‌وزیر تاکید نموده‌اند چه اشخاصی میباشد.
- ۴- آیا در همین زمینه ملاقاتی بین آقای هویدا و دبیر کل حزب مردم روی داده و در صورت تأیید چه توافقی بعمل آمده است.

بخش ۴ تحقیق و گزارش شود ۴۵/۷/۱۰

رونوشت جهت اطلاع و تحقیقات لازم و اعلام موارد خواسته شده بریاست ساواک شمالغرب ایفاد میگردد.

مجموعه سند شماره ۱۱۶

تاریخ: ۲۷ شهریور ماه ۱۳۴۵

مسافرت شاهنشاه محبوب و معظم کشورهاى ايراني شرق و غرب ازمين همزيرويه
 كرده كه حالات " تهران محو و آذوقه هويدا " در تهران همواره آه نايه زير ابيحوسيه
 سخن نيود كه در شب معظم له نايه در زمينه تهران حوسمگير كرده كه خدای ناکرده
 در سايبري براي بخت و بدل بده و نسا به اخلاف و رطبات سانس گنويانده و جويسات
 آتريگ خاطر خطير بولگا نه شود . بارها باين نكته اشاره نيود و ايم گنسه خشي در وني كه
 محوث شا هنشاه آريامه صا نه در مجلس اكثريت داره احترام هگ اريم معتقد يم گنسه
 نارسا كات هاشاه وراي مبارك اشان كه بر همه امور احاطه كامل در ايد و سايل گنويان از
 سطح بالا ترون ملاحظه مفر يانده و صلحت گنويان ازمير ازمير خشي در بگري شخصي يه خند
 بر تار زمه صا نه و بالطبع كسان كه در اين راه خود را نادم و شاهنشاه سپرد م خدا نسنده
 باه سعي گنند كه در راه پيشرفت گنويان هما نكي كافي ايجاد كرده و ما خنويار معتقد يم كه
 انتقادات مطبوعاتي نايه مشكلي در راه دولت وجود آيد و سايبري وراي بد خواهان
 بشود چي من ليا ط ملاحظه مفر يانده اري و ما سايبري در راه شاه معظم و سپرد همسر
 نسنده آتريه كه در مكي حالات گذشته تهران حوسمگير سوا نظام با خات لاي هويدا
 نسنده و بر زمينه است تمام و اكثريت بمطالب بعضي از نويسندگان نسنده قبول
 مسؤليت نيود و بنا به مناسبات اخلاقي بدهد كه بالطبع چنين امري را ايجاب نيود است
 والا هاشاهي كه ثابت كرده ايم فعاليت و دني نسنده گان نسنده سوسر حيزه در راه اخلاق
 كشر ضروري كرده است و اكثريت حالات گذشته نسبت به وني و نسا كان هويدا اطلس
 خلاي امور نسنده است نسنده " سواين نسبت اخلاقي راد اريم كه در مطالب هيد
 و نسا سوسر و خطه ابرود اريم و باه و اريم اين سخن صا نه هرگز نه سوا نسا راسبر
 طرف سواي .



۲۷ شهریور ۱۳۴۵

مسئله سندی است
 روزیست برای ابراهیم است
 کوه
 ۲۷ شهریور ۱۳۴۵

ميگذاريم و معتقديم كه نظر صائب شاهنشاه وراي مبارك ايشان كه بر همه امور احاطه كامل دارند
 و مسائل كشور را از سطح بالاتري ملاحظه ميفرمايند و مصلحت كشور را بيش از هر شخص
 ديگري تشخيص ميدهند برتر از همه ميباشند و بالطبع كساني كه در اين راه خود را خادم
 بشاهنشاه و مردم ميدانند بايد سعي كنند كه در راه پيشرفت كشور هماهنگي كامل ايجاد گردد ما
 همواره معتقديم كه انتقادات مطبوعاتي نبايد مشكلي در راه دولت بوجود آورد و دستاويزي براي
 بدخواهان بشود و بهمين لحاظ بسائقه خدمتگذاري و جانبازي در راه شاهنشاه معظم و ميهن
 عزيز نسبت بآنچه كه در طی مقالات گذشته تهران مصور ايجاد سوء تفاهم با جناب آقای هويدا
 نخست وزير نموده است متاسفيم و اگر نسبت بمطالب بعضي از نويسندگان نيز شخصاً قبول
 مسؤليت نموده بنا به شهامت اخلاقي بوده كه بالطبع چنين امري را ايجاب نموده است والا
 همانطور كه ثابت كرده ايم فعاليت و هدف نويسندگان تهران مصور همواره در راه اعتلای كشور
 مصروف گرديده است و اگر در مقالات گذشته نسبت بدولت و شخص آقای هويدا مطلبی خلاف

اصول منعکس شده است شخصاً نیز این شهادت اخلاقی را داریم که در مقابل خبط و خطا بیوزش و اعتذار پیردازیم و امیدواریم این سخن صادقانه هرگونه سوء تفاهمی را بر طرف سازد.
رونوشت برابر اصل است
مهندس عبدالله والا

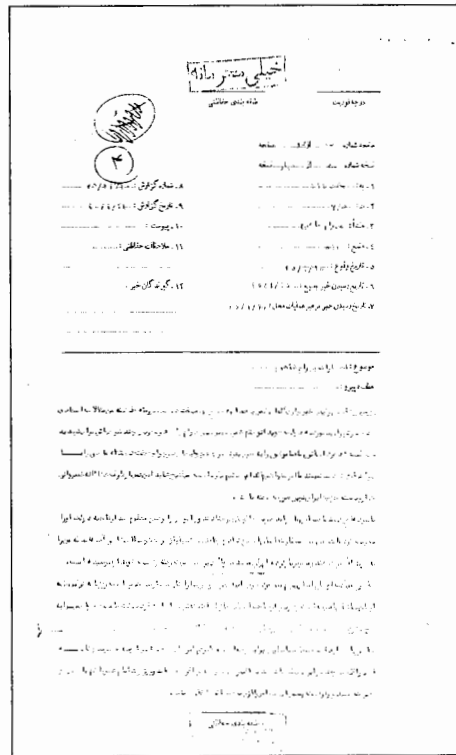
۴۵/۱۰/۱۲

تهران مصور

سند شماره ۱۱۷

از: ه/ ۷ تاریخ: ۴۵/۹/۲۴
 به: بخش ۳۲۴ شماره: ۷۵/۲۲۷۲۰
 موضوع: اظهارات بهرام شاهرخ

روز مزبور شاهرخ رئیس خبرگزاری آلمان ضمن یک مذاکره خصوصی میگفت در شهریور ماه گذشته من مقالات انتقادی تندی در تهران مصور علیه دولت هویدا نوشتم شبی در نزدیکی منزلم واقع در تجریش چند تیرهوائی برای تهدید من شلیک شد فردای آنروز تلفناً موضوع را به سپهد نصیری گفتم و ایشان در جواب گفت دستگاه ما کسی را با تیراندازی تهدید نمیکند ما اگر بخواهیم اقدامی بکنیم بازداشت میکنیم و شاید این عمل از



طرف عطاءاله خسروانی و دارودسته حزب ایران نوین صورت گرفته باشد.

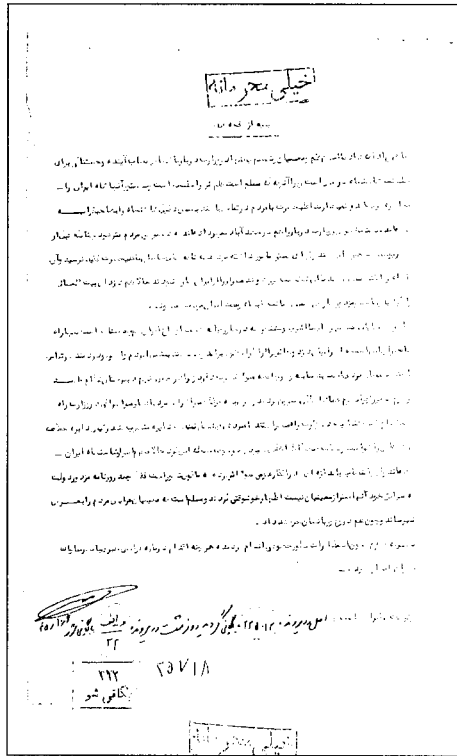
نامبرده افزود متعاقب این ماجرا بدفتر من چاقوکش فرستادند و چاقوکش را گرفتیم معلوم شد از ناحیه دولت او را تحریک کرده‌اند و من فقط بسفارت آلمان اطلاع دادم و تاکنون چند بار از طرف هویدا اشخاصی آمده‌اند که من را با هویدا آشتی دهند و من زیر بار نرفته‌ام ولی مهندس والای بی شخصیت رفته و دست هویدا را بوسیده است.

شاهرخ میگفت اوضاع ایران بهم میخورد حزب ایران نوین و هویدا را کنار میگذارند و مدتی است روزنامه توفیق که ارگان سازمان امنیت است و در یکی از ساختمانهای سازمان امنیت توفیق اطاق دارد سخت با مسخره و استهزا به هویدا و زنش حمله میکند و این دستور سازمان است که هویدا را تضعیف کنند.

شاهرخ اظهار داشت سیاست انگلیس بر این رویه است، علیرغم آمریکائی‌ها بهائیها کوبیده شوند چنانکه اخیراً فلسفی و اعظ را برای تبلیغات ضد بهائیگری بشهرستانها فرستاده‌اند و روز

تولد امام عصر را هم با جلال و جبروت گفتند و قرار است پستهای حساس را از چنگ بهائیهها خارج کنند.

شاهرخ ادامه داد با آمدن علم و معینیان و تقسیم پستها در وزارت دربار باشخاص ناباب آینده وحشتناکی برای سلطنت شاهنشاه در پیش است زیرا آنچه که مسلم است علم نوکر انگلیسهاست و بدستور آنها شاه ایران را محاصره کرده‌اند و نمیگذارند اعلیحضرت با مردم در تماس باشند بهمین دلیل شاهنشاه را بصاحبقرانیه برده‌اند و دفتر مخصوص و وزارت دربار را هم در سعدآباد تمرکز داده‌اند که دسترسی مردم کمتر شود چنانکه قبل از شهریور بیست حتی پای صندوقهای پستی مامور گذاشته بودند که نامه‌های شاکیان



بااعلیحضرت فقید نرسید و آن فاصله را آنقدر عمیق کردند تا آن شخصیت بزرگ و خدمتگزار را از ایران خارج نمودند حالا هم دزدان بیت‌المال و اطرافیان فاسد و مزدور خارجی همین خیانت را بشاه و ملت ایران مرتکب میشوند.

شاهرخ در پایان گفت بهرحال با آشوب و تشنجی که در خاورمیانه هست اوضاع ایران هم وحشتناک است تنها راه شاه ایران این است که اطرافیان دزد و خائن را از اطراف خود براند و سعی کند بیشتر با مردم واقعی و دردمند در تماس باشد و معینیان مردی است بدسابقه و در جامعه سوء شهرت دارد زیرا در کلاس نهم دبیرستان نظام مانند مرحوم منصور او را بجرم فساد اخلاق بیرون کردند و چون بچه مزلف میراشرفی بود با فشار میراشرفی در وزارت راه استخدام شد و هنگامیکه در وزارت راه میخواستند نامبرده را به معاونت یک دایره منصوب کنند رئیس دایره خلاصه پرونده‌اش را خواست و بعلت انحطاط اخلاقی قبولش نکرد و متاسفانه این فرد حالا محرم اسرار شاهنشاه ایران شده‌اند و این انتصاب باندازه‌ای در افکار عمومی سوء اثر کرده که

ما فوق تصور است فقط چند روزنامه مزدور دولت که سوابق خود آنها کمتر از معینان نیست اظهار خوشوقتی کردند و مسلم است که معینان عرایض مردم را بعرض نمیرسانند و چون علم دروغ و ریا نشان خواهد داد.

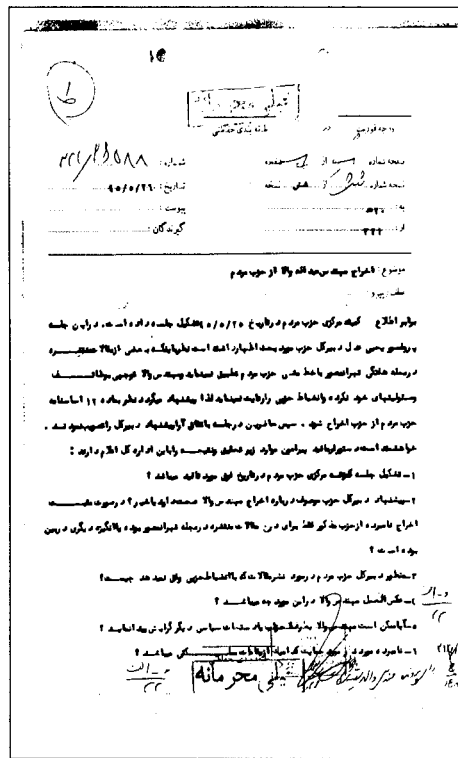
نظریه ۷/۵ چون اینمذاکرات بطور خصوصی انجام گردیده هرگونه اقدام درباره گزارش خبری با نظر ساواک تهران انجام شود. رونوشت برابر اصل است.

اصل در پرونده ۲۲۵۰۱۲ بایگانی گردید و رونوشت در پرونده ۳۳ الف بایگانی شود ۴۵/۱۰/۲

مجموعه سند شماره ۱۱۸

از: ۳۲۱
تاریخ: ۴۵/۵/۲۶
به: ۲۰
شماره: ۳۲۱/۲۶۵۸۸
موضوع: اخراج مهندس عبدالله والا از حزب مردم

برابر اطلاع کمیته مرکزی حزب مردم در تاریخ ۴۵/۵/۲۵ تشکیل جلسه داده است. در این جلسه پروفیسور یحیی عدل دبیر کل حزب مورد بحث اظهار داشته است نظر باینکه بعضی از مقالات منتشره در مجله هفتگی تهرانمصور با خط مشی حزب مردم تطبیق ننمینماید و مهندس والا توجهی بوظائف و مسئولیتهای خود نکرده و انضباط حزبی را رعایت ننمینماید لذا پیشنهاد میگردد نظر بماده ۱۲ اساسنامه حزب مردم از حزب اخراج شود. سپس حاضرین در جلسه



باتفاق آرا پیشنهاد دبیر کل را تصویب نمودند.

خواهشمند است دستور فرمائید پیرامون موارد زیر تحقیق و نتیجه را باین اداره کل اعلام دارند :

- ۱- تشکیل جلسه کمیته مرکزی حزب مردم در تاریخ فوق مورد تأیید میباشد؟
 - ۲- پیشنهاد دبیر کل حزب موصوف درباره اخراج مهندس والا صحت دارد یا خیر؟ در صورت مثبت اخراج نامبرده از حزب مذکور فقط برای درج مقالات منتشره در مجله تهرانمصور بوده یا انگیزه دیگری در بین بوده است؟
 - ۳- منظور دبیر کل حزب مردم در مورد نشر مقالات که با انضباط حزبی وفق نمیدهد چیست؟
 - ۴- عکس العمل مهندس والا در این مورد چه میباشد؟
 - ۵- آیا ممکن است مهندس والا بطرف احزاب یا دستجات سیاسی دیگر گرایش پیدا نماید؟
 - ۶- نامبرده مورد حمایت کدامیک از مقامات مملکتی میباشد؟
- الف- برای پرونده مهندس والا تهیه شده است
۲۳

مجموعه سند شماره ۱۱۸

از: ۳۲۱
تاریخ: ۴۵/۶/۵
به: ۵/۲۰
شماره: ۳۲۱/۲۶۶۳۴

بدنبال اخراج مهندس والا از حزب مردم
اساس حزب مذکور متزلزل و اعضاء کمتر در
مراسم حزبی شرکت مینمایند بطوریکه در
جریان برگزاری جشن ۲۸ مرداد ماه افراد
قلیلی در این مراسم شرکت داشته و از جانب
حزب ایران نوین نیز عکسهائی برداشته شده که
بموقع از آنها بهره برداری شود.

خواهشمند است دستور فرمائید در موارد
زیر تحقیق و نتیجه را اعلام دارند.
۱- آیا اخراج مهندس والا موقعیت حزب مردم
را متزلزل نموده است.

سند شماره ۱۱۸	
درجه فوریت	شماره بای حقیقی
شماره: ۳۲۱/۲۶۶۳۴	تاریخ: ۴۵/۶/۵
پرونده: ۲۵/۶/۸	گیرندگان:
موضوع: ...	
مطلب: ...	
<p>بدنبال اخراج مهندس والا از حزب مردم اساس حزب مذکور متزلزل و اعضاء کمتر در مراسم شرکت مینمایند بطوریکه در جریان برگزاری جشن ۲۸ مرداد ماه افراد قلیلی در این مراسم شرکت داشته و از جانب حزب ایران نوین عکسهائی برداشته شده که بموقع از آنها بهره برداری شود.</p> <p>خواهشمند است دستور فرمائید در موارد زیر تحقیق و نتیجه را اعلام دارند.</p> <p>۱- آیا اخراج مهندس والا موقعیت حزب مردم را متزلزل نموده است.</p> <p>۲- در جشن مذکور چه تعداد از اعضاء حزبی شرکت داشته اند.</p> <p>۳- آیا در مراسم برگزاری جشن عکسهائی توسط اعضاء حزب ایران نوین برداشته شده است.</p> <p>بفرموده رونوشت جهت اطلاع و تحقیق و اعلام چگونگی بریاست ساواک شمالغرب ایفاد میگردد.</p>	
رئیس بخش امور اجتماعی - افغانی	۱۹/۶/۵
۴۵/۶/۶	۱۸۳۲
۴۵/۶/۶	۱۸۳۲

۲- در جشن مذکور چه تعداد از اعضاء حزبی شرکت داشته اند.

۳- آیا در مراسم برگزاری جشن عکسهائی توسط اعضاء حزب ایران نوین برداشته شده است.

بفرموده رونوشت جهت اطلاع و تحقیق و اعلام چگونگی بریاست ساواک شمالغرب ایفاد میگردد.

رئیس بخش امور اجتماعی افغانی ۴۵/۶/۸

امور اجتماعی ۴۵/۶/۶
۲۰/۱۲۹۳۰
۴۵/۶/۱۲

رونوشت به ساواک شمالغرب داده شود.

مجموعه سند شماره ۱۱۸

تاریخ: ۴۵/۶/۲۹

شماره: ۴۵۲۰/۱۴۱۳۷

از: ساواک تهران

به: تیمسار ریاست ساواک مدیریت کل اداره سوم

حزب مردم

عطف به ۴۵/۶/۵-۳۲۱/۲۶۶۳۴

با تحقیقاتیکه بعمل آمده است

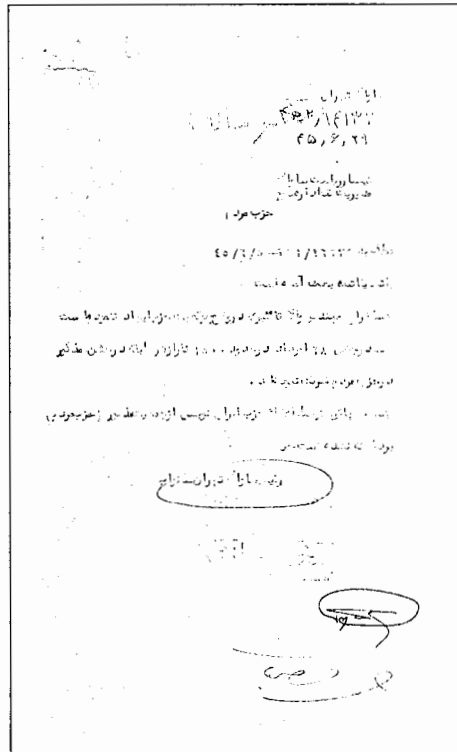
۱- اخراج مهندس والا تأثیری در وضع و

موقعیت حزب ایجاد نموده است.

۲- در جشن ۲۸ مرداد در حدود ۱۵۰۰ نفر از

هر طبقه در جشن مذکور در حزب مردم شرکت

نموده‌اند.



۳- عکسهائی توسط اعضاء حزب ایران نوین از

جمعیت مذکور (حزب مردم) برداشته نشده

است.

رئیس ساواک تهران - نواب

سند شماره ۱۱۹
وزارت اطلاعات

اداره اطلاعات و مطبوعات

مجله اللواء خیر دیدار شش روزنامه نگار
ایرانی را از اسرائیل درج کرده است و از
دولتهای عربی خواسته است که این اسامی را
حفظ نموده و با آنها دست ندهند.

اسامی روزنامه نگاران بقرار ذیل است.

اسعد رزم آرا - از روزنامه مرد مبارز

دکتر بهزادی - از مجله سپید و سیاه

اسماعیل رائین - از مجله تهرانمصور

کاظم زرنگار - از کیهان اترناشنال

علی اصغر امیرانی - از مجله خواندنیها

اسماعیل پوروالی - از روزنامه بامشاد

رونوشت برابر اصل است.

اداره اطلاعات و مطبوعات

وزارت اطلاعات

مجله اللواء خیر دیدار شش روزنامه نگاران را از اسرائیل درج کرده است و از دولتهای عربی خواسته است که این اسامی را حفظ نموده و با آنها دست ندهند.

اسامی روزنامه نگاران بقرار ذیل است.

اسعد رزم آرا	از روزنامه مرد مبارز
دکتر بهزادی	از مجله سپید و سیاه
اسماعیل رائین	از مجله تهرانمصور
کاظم زرنگار	از کیهان اترناشنال
علی اصغر امیرانی	از مجله خواندنیها
اسماعیل پوروالی	از روزنامه بامشاد

رونوشت برابر اصل است.

۱۳۴۲

سند شماره ۱۲۰

تاریخ: ۲۷/۸/۲۹

شماره: ۲-۲-۳۷۳۰

موضوع: مطبوعات

جعفرزاده کارمند مجله تهران مصور میگفت طبق توافق که بین مهندس عبدالله والا، اسمعیل پوروالی و صفی پور مدیران جراید تهران مصور - بامشاد و امید ایران بعمل آمده قرار است در جلسه مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه که روز شنبه آینده خواهد بود در مورد شط العرب و شناسائی دولت اسرائیل از طرف دولت ایران از شاهنشاه سئوالاتی بعمل آید.

توضیح آنکه سه نفر مزبور مرتباً با مقامات دولت اسرائیل در تهران ارتباط دارند و منظور اصلی آنها ابراز نظر صریح شاهنشاه در مورد شناسائی اسرائیل میباشد و موضوع شط العرب هم حاشیه و باصطلاح برای ردگم کردن میباشد.

رونوشت ریاست بخش و جراید

همین سوال شده و جواب هم شنیده اند

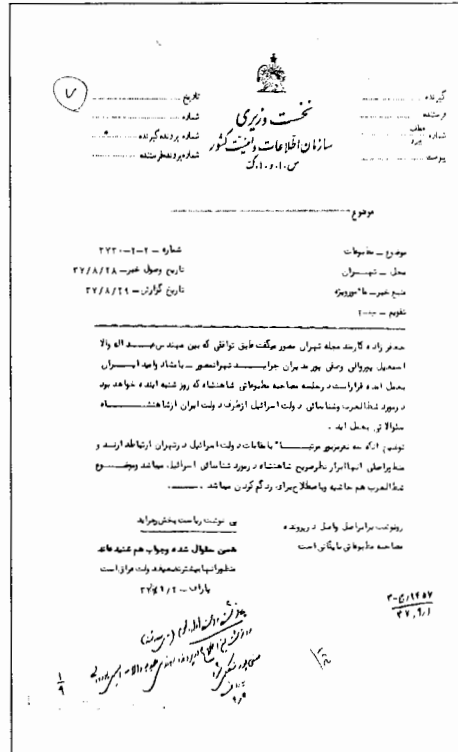
منظور آنها بیشتر تضعیف دولت عراق است

پاراف - ۳۷/۹/۲

پی نوشت ریاست اداره سوم (آقای سعادت مند) رونوشت این اطلاع در پرونده مهندس عبدالله والا - اسمعیل پوروالی

صفی پور منعکس شود

پاراف ۹/۵



مجموعه سند شماره ۱۲۱

تاریخ: ۳/۶/۴۲

شماره: ۲۳۲/۱۴۰۶۷

به: اداره کل سوم. اداره کل یکم. اداره کل هشتم

موضوع: ستاره شش پر روی جلد مجله

تهرانمصور

روی جلد مجله تهرانمصور ستاره شش پر چاپ میشود این ستاره آرم مخصوص صهیونیسم است و توجه محافل ضد یهود را جلب کرده در صورت تصویب قبل از آنکه تبلیغاتی علیه ایران و این مجله شود امر باصلاح شود.

در صورت تصویب ثبوت و حقیقت این مطلب که ستاره مزبور شبیه آرم صهیونیسم است اقدام گردد ۶/۱۳ شاهین ۴۲/۶/۱۴ فردا صبح یادآوری شود تا با آقای رجا مذاکره

کنم

جراید - به آقای منصور مدیر داخلی تهران مصور دستور داده شد که علامت مزبور را حذف نمایند و قرار شد از تهران مصور مجله ۴۲/۶/۲۹ عملی شود به اداره دوم

جواب داده شود ۱۴/۱۴

سند شماره ۱۲۱ (۲۳۲)

مابین بان اطلاعات و امنیت کشور
س. و. ا. و. ک.

گزارش اطلاعات خارجی

شماره	۲۳۲/۱۴۰۶۷ (دوم)
تاریخ وقوع	۳/۶/۴۲
تاریخ وصول خبر	۳/۶/۴۲
تاریخ گزارش	۳/۶/۴۲
موضوع	ستاره شش پر روی جلد مجله تهرانمصور
محل (اطلاعات)	تهران
موضوع	تهرانمصور

رونی داده شده تهرانمصور شماره ۱۲۱، شماره ۱۲۱، شماره ۱۲۱
آرم صهیونیسم است و توجه محافل ضد یهود را جلب کرده
توجه محافل ضد یهود را جلب کرده در صورت تصویب قبل از آنکه
تبلیغاتی علیه ایران و این مجله شود امر باصلاح شود.

۳/۶/۴۲

اداره اطلاعات خارجی

۳

مجموعه سند شماره ۱۲۱

تاریخ: ۴۲/۶/۱۷

شماره: ۳۳۵/۲۳۳۴۴

فرستنده: اداره کل سوم

گیرنده: مدیریت کل اداره دوم

موضوع: مجله تهران مصور

عطف به ۴۲/۶/۳ - ۲۳۲/۱۴۰۶۷

بمدیر داخلی مجله مزبور تذکر داده شد که ستاره ششپیر (آرم مخصوص صیهونیسیم) را از روی جلد مجله تهران مصور حذف نماید و قرار شد از شماره جمعه ۴۲/۶/۲۹ عملی شود.

از طرف مدیر کل اداره سوم - مقدم ...

تهیه کننده داوری

رئیس بخش حسینی

۴۲/۶/۱۷ شاهین

آقای حسینی این ستاره ارائه شود

بایگانی شود داوری ۴۲/۶/۲۴

گیرنده: مدیریت کل اداره دوم	تاریخ: ۴۲/۶/۱۷
فرستنده: اداره کل سوم	شماره: ۳۳۵/۲۳۳۴۴
شماره پرونده: ۲۳۲/۱۴۰۶۷	شماره پرونده: ۴۲/۶/۳
شماره پرونده: ۴۲/۶/۳	شماره پرونده: ۴۲/۶/۳

موضوع: حذف ستاره ششپیر

بد برد اعلی مدله مزبور تذکر داده شد که ستاره ششپیر (آرم مخصوص صیهونیسیم) را از روی جلد مجله تهران مصور حذف نماید و قرار شد از شماره جمعه ۴۲/۶/۲۹ عملی شود.

از طرف مدیر کل اداره سوم - مقدم

تهیه کننده داوری

رئیس بخش حسینی

۴۲/۶/۱۷ شاهین

آقای حسینی این ستاره ارائه شود

بایگانی شود داوری ۴۲/۶/۲۴

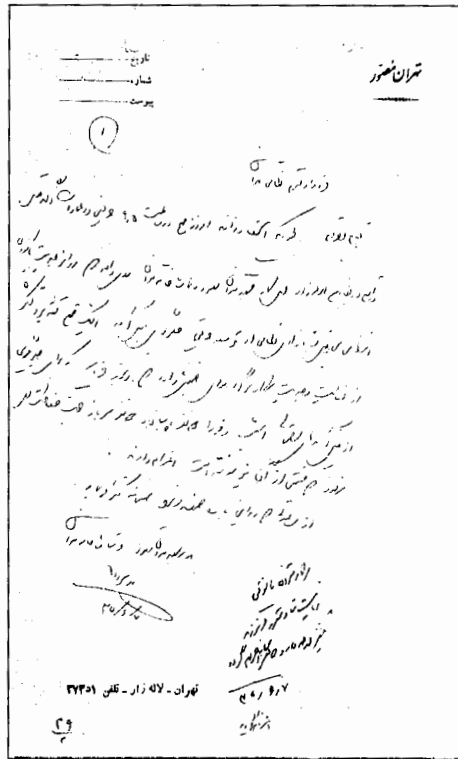
۵۱۳-۷-۳۸

اسناد ساواک بر حسب تاریخ

تاریخ: ۳۵/۶/۷

فرماندار محترم نظامی تهران

با تقدیم احترام بطوریکه استحضار دارند امروز صبح ساعت ۹/۵ حریق در عمارات گراند هتل شد واقع در خیابان لاله زار محل کار مجله تهران مصور و تماشاخانه تهران روی داد که در اثر جدیت مأمورین انتظامی بخصوص فرمانداری نظامی از توسعه حریق جلوگیری بعمل آمد اینک ضمن تقدیر و تشکر از فعالیت و جدیت سرکار سرگرد مولوی خواهش دارد که دستور فرمایند که برای جلوگیری از پیش آمدهای احتمالی امشب و فردا دو نفر پاسبان و دو نفر سرباز جهت حفاظت محل مزبور که قسمتی از آن نیز سوخته است اعزام



دارند.

از مساعدتی که در این دربارہ ... می شود صمیمانه تشکر می نماید.

مدیر مجله تهران مصور و تماشاخانه تهران

مهندس والا ۳۵/۶/۷

سرکار ستوان ماسوکی

ریاست ستاد دستور فرمودند یک نفر درجه دار و دو نفر سرباز اعزام گردد ۳۵/۶/۷

اعزام گردید.

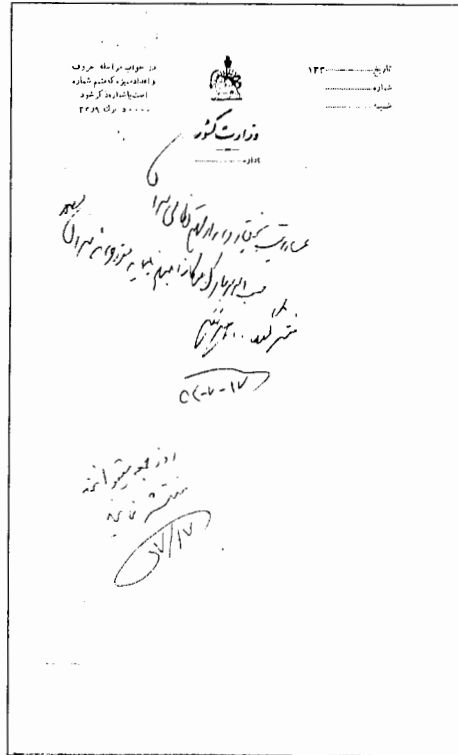
تاریخ: ۳۴/۷/۱۷

تیمسار سرتیپ بختیار فرماندار محترم
نظامی تهران

حسب الامر مبارک ملوکانه ابلاغ مینماید
مقرر فرمایند تهران مصور منتشر گردد.....

۵۴/۷/۱۷

روز جمعه میتوانند منتشر نمایند ۷/۱۷



کلوب روتاری تهران

محل تشکیل جلسات پارک هتل خیابان حافظ

تاریخ تشکیل جلسات ساعت ۱۳-۰۰
روزهای دوشنبه

۱- کلوب روتاری تهران اولین کلوب روتاری است که در ایران تشکیل گردید و هیئت موسس آن بشرح زیر بوده است
۱- ژرژ آوانسف

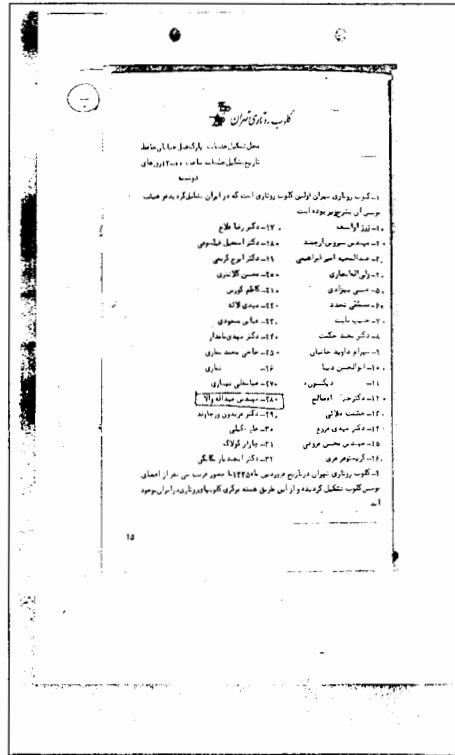
۲- مهندس سیروس ارجمند

۳- عبدالمجید امیر ابراهیمی

۴- ولی الله انصاری

۵- عیسی بهزادی

۶- مصطفی تجدد



۷- حبیب ثابت

۸- دکتر سعید حکمت

۹- بهرام داوید خانیان

۱۰- ابوالحسن دیبا

۱۱- دیکنسون

۱۲- دکتر جهانشاه صالح

۱۳- حشمت علائی

۱۴- دکتر مهدی فروغ

۱۵- مهندس محسن فروغی

۱۶- کریستوفر فری

۱۷- دکتر رضا فلاح

- ۱۸- دکتر اسمعیل فیلسوفی
- ۱۹- دکتر ایرج کریمی
- ۲۰- محسن کلانتری
- ۲۱- کاظم کورس
- ۲۲- مهدی لاله
- ۲۳- عباس مسعودی
- ۲۴- دکتر مهدی نامدار
- ۲۵- حاجی محمد نمازی
- ۲۶- نمازی
- ۲۷- عباسقلی نیساری
- ۲۸- مهندس عبدالله والا
- ۲۹- دکتر فریدون ورجاوند
- ۳۰- علی وکیلی
- ۳۱- چارلز کولاک
- ۳۲- دکتر اسفندیار یگانگی

۲- کلوب روتاری تهران در تاریخ فروردین ماه ۱۳۳۵ با حضور قریب سی نفر از اعضای موسس کلوب تشکیل گردیده و از این طریق هسته مرکزی کلوبهای روتاری در ایران بوجود آمد.

کلوب روتاری تهران

والا - مهندس عبدالله

طبع و نشر - ناشر مجله

نشانی محل کار: مجله تهران مصور خیابان

ژاله شماره ۳۶۴

تلفن: ۳۳۲۵۲۸

نشانی منزل: خیابان ویلا کوچه لیلا شماره ۲۰

تلفن: ۶۲۱۵۵۹

کلوب روتاری تهران
TEHRAN ROTARY CLUBچاپخانه عبدالله والا تهران
مطبوعات - نشر و طبع

نشانی محل کار: مجله تهران مصور خیابان ژاله، شماره ۳۶۴

تلفن: ۳۳۲۵۲۸

نشانی منزل: خیابان ویلا کوچه لیلا شماره ۲۰


تلفن: ۶۲۱۵۵۹

VALA, Eng. ABDOLLAH
PRINTING AND PUBLISHING, PERIODICAL PUBLICATION
OFFICE ADDRESS: AVE JALEH
TEL. 332528 No. 364HOME ADDRESS: VILLA AVE.
TEL. 621559 LILLA ST.
No. 20

محل کار: تهران، خیابان ژاله، شماره ۳۶۴، تلفن: ۳۳۲۵۲۸

کلوب روتاری تهران

نام و نام خانوادگی: عبدالله والا
 تاریخ تولد: ۱۳۰۱
 تحصیلات: لیسانس حقوق - مهندس شیمی از
 هنرسرای عالی
 مشاغل: مدیر مجله تهران مصور - نماینده مجلس
 شورایملى
 تأهل: بلی
 تعداد اولاد: پسر یک پسر دختر —
 آدرس محل کار: خیابان ژاله ۳۶۴ تلفن ۳۳۲۵۲۸
 آدرس منزل: خیابان ویلاکوجه لیلا شماره ۲۰ تلفن
 ۶۲۱۵۵۹
 غلامرضا نجفی - خرمشهر تلفن ۲۹۰۶
 دکتر پزشک

 کلوب روتاری تهران TEHRAN ROTARY CLUB	
نام و نام خانوادگی:	عبدالله والا
تاریخ تولد:	۱۳۰۱
تحصیلات:	لیسانس حقوق - مهندس شیمی از هنرسرای عالی
مشاغل:	مدیر مجله تهران مصور - نماینده مجلس شورایملى
تأهل:	بلی
تعداد اولاد:	پسر یک پسر دختر
آدرس محل کار:	خیابان ژاله ۳۶۴ تلفن ۳۳۲۵۲۸
آدرس منزل:	خیابان ویلاکوجه لیلا شماره ۲۰ تلفن ۶۲۱۵۵۹

محمد علی مرتضوی - پاساژ صدقی نژاد

نماینده مجلس - تلفن ۳۰۴۳۷۷

کمال موسوی - بلوار کرج خیابان میکده کوی دیبا ۴۲

مشاور کشاورزی - تلفن ۶۲۶۳۴۵

حسن مصطفوی - خیابان شاه کوچه حجم تلفن ۴۵۵۶۳

نماینده مجلس

هرمز دیار ورهرامیان - ویلا ۳۴ - کوچه سوسن تلفن ۷۱۴۹۳

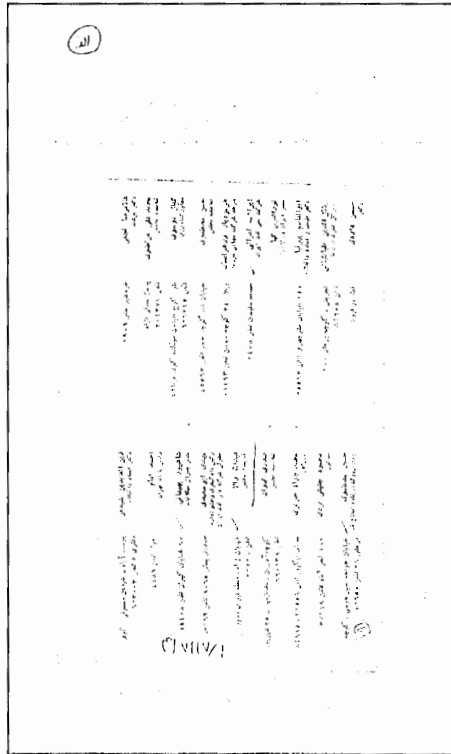
شریک شرکت سهامی مزرعه

ابراهیم امرائی - مسجد سلیمان تلفن ۲۴۷۸

شرکت ملی نفت ایران

نورالدین کیا - سفیر ایران در کانادا

ابوالقاسم پیرنیا - ۱۵۰ خیابان متوجهری تلفن ۳۵۵۲۳
 دکتر طبیب و استاد دانشگاه
 جلال‌الدین طباطبائی - تجریش - کوچه برهان ۱۰۰
 مدیر کل هنرهای زیبا - تلفن ۸۴۲۰۵
 حسین داودی - فعلا در اروپا
 دکتر
 زین‌العابدین شیدفر - یوسف‌آباد - خیابان مستوفی.
 کوی دفتری ۵ تلفن ۶۲۳۰۰۳
 دکتر استاد دانشگاه
 احمد امام - اهواز تلفن ۴۴۸۶
 رئیس بانک تهران
 شاهپور بهبهانی - ۶۷ خیابان کیوان تلفن ۴۵۴۰۸ -
 مدیر جنرال مکانیک
 مهدی ابوسعیدی - صندوق پستی ۱۰۶۵ تلفن ۸۳۱۹۲
 وکیل دادگستری و عضو اداره



حقوقی شرکت ملی نفت ایران

عبدالله والا - خیابان زاله - مجله تهران مصور

نماینده مجلس - تلفن ۳۲۵۲۸

صدری کیوان - کوچه آذریان - مقابل میدان ۲۵ شهريور

نماینده مجلس - تلفن ۶۲۰۱۳۸

محمد جواد حریری - سرای نیکپور تلفن ۲۲۵۵۱-۸۴۹۲۵

بازرگان

محمود جلیلی یزدی - ۱۸۲ فخرآباد تلفن ۳۷۱۴۹ سناتور

حسین مصطفوی خیابان خواجه نصیر طوسی. کوچه مرعشی ۳۶ تلفن ۷۲۶۵۰ بازرسی دولت در بنگاه اصلاح بذر

تاریخ: ۱۸ شهریور ماه ۳۶
 شماره: ۲۲۱۳ / الف
 گزارش

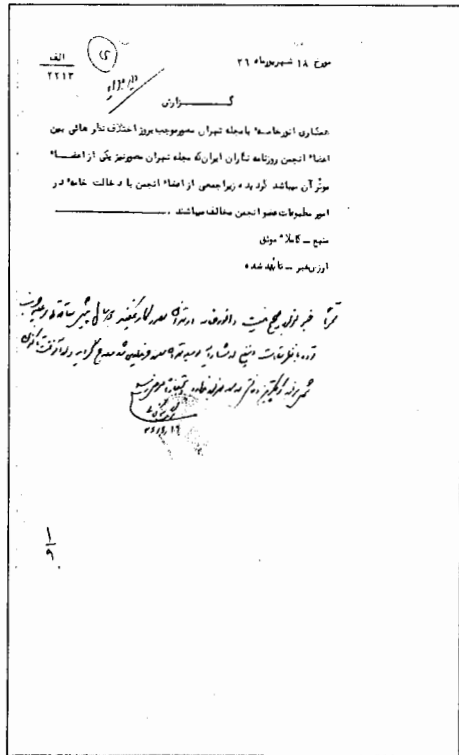
همکاری انور خامه با مجله تهران مصور موجب بروز اختلاف نظرهای بین اعضا انجمن روزنامه نگاران ایران که مجله تهران مصور نیز یکی از اعضا مؤثر آن میباشد، گردید. زیرا جمعی از اعضا انجمن با دخالت خامه در امور مطبوعات عضو انجمن مخالف میباشند.

منبع - کاملاً موثق

ارزش خبر - تأیید شده

محترماً خبر مزبور صحیح نیست و انور خامه در تهران مصور کار نمیکند دو سال پیش مقالاتی بر علیه حزب توده با نظر مقامات ذینفع از مشارالیه بوسیله تهران مصور خریداری شد و درج گردید و از آنوقت تا کنون شخص مزبور کوچکترین دخالتی در مجله مزبور ندارد استحضاراً بعرض رسید.

سرهنگ کیانی ۳۶/۶/۱۹

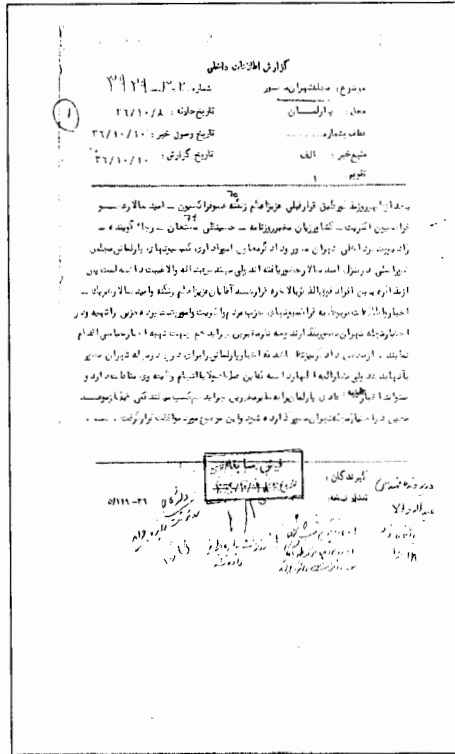


تاریخ: ۳۶/۱۰/۱۰

شماره: ۳-۲-۳۹۲۹

موضوع: مجله تهران مصور

بعد از ظهر روز مذکور طبق قرار قبلی عزیز اعظم زنگنه عضو فراکسیون - امید سالار عضو فراکسیون اکثریت - کشاورزیان مخبر روزنامه - حسینقلی مستعان - رجاء گوینده رادیو و مدیر داخلی تهران مصور و دادگر معاون امور اداری کمیسیونهای پارلمانی مجلس شورایی ملی در منزل امید سالار حضور یافته‌اند ولی مهندس عبدالله والا غیبت داشته است پس از مذاکره بین افراد فوق‌الذکر بالاخره قرار شد آقایان عزیز اعظم زنگنه و امید سالار هر یک اخبار و اطلاعات مربوط به فراکسیونهای



حزب مردم و اکثریت و امور پشت پرده حزبی را تهیه و در اختیار مجله تهران مصور بگذارند و سه نفر مخبرین جراید هم جهت تهیه اخبار سیاسی اقدام نمایند. از محسن دادگر نیز تقاضا شد که اخبار پارلمانی را برای درج در مجله تهران مصور بآنها بدهد ولی مشارالیه اظهار داشته که این عمل اصولاً با انجام وظیفه وی منافات دارد و میتواند اخبار عادی پارلمان را که سایر مخبرین جراید هم کسب میکنند کمی قبل از موعد معین در اختیار مجله تهران مصور گذارده شود و این موضوع مورد موافقت قرار گرفت.

در پرونده مهندس عبدالله والا بایگانی شود ۱۰/۱۸

۱- در دفتر هم ثبت شود

۲- در سوابق مربوطه بایگانی

۳- رونوشت دایره جرائد

رونوشت بدایره جراید داده شد ۱۰/۱۶

تاریخ: ۳۶/۱۱/۱۵

شماره: ۲-۳-۴۴۴۰

موضوع: مجله تهران مصور

امید سالار عضو فراکسیون اکثریت که با همکاری مهندس زنگنه عضو فراکسیون مردم اخبار پشت پرده پارلمانی مندرجه در مجله تهران مصور را تهیه میکنند اظهار داشته که در هفته اخیر موفق گردیده که نظر یکنفر از سناتورها را نیز به همکاری با خود جلب نماید. نظریه: چون اخبار پارلمانی مندرجه در مجله تهران مصور دارای منابع موثق و مطلق است لذا محافل سیاسی تهران برای اخبار مذکور اهمیت زیادی قائل شد و مفاد آنرا مورد مطالعه و بحث قرار میدهند.

دائرة جراید ۱۱/۲۳

فرمودند بایگانی شود ۱۱/۲۷

گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: اخبار و اطلاعات تهران مصور
 شماره: ۳۳۳۳-۳۳۳۳-۳۳۳۳
 محل: مطبعه تهران مصور
 تاریخ: ۲۶/۱۱/۱۳
 تاریخ وصول: ۲۶/۱۱/۱۳
 تاریخ گزارش: ۲۶/۱۱/۱۳
 منبع خبر: ...
 تهیه: ...

این گزارش در تاریخ ... در ...
 ...
 ...
 ...
 ...

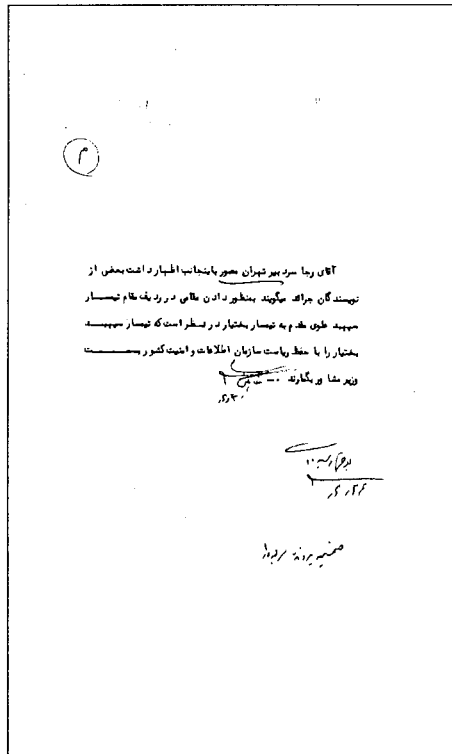
تاریخ: ...
 کتبی: ...
 شفاهی: ...
 ...

آقای رجا سردبیر تهران مصور باینجانبا اظهار داشت بعضی از
 اظهار داشت بعضی از نویسندگان جرائد
 میگویند بمنظور دادن مقامی در ردیف مقام
 تیمسار سپهد علوی مقدم به تیمسار بختیار در
 نظر است که تیمسار سپهد بختیار را با حفظ
 ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور
 بسمت وزیر مشاور بگمارند.

شاهین ۶/۲۳

بعرض رسیده است ۶/۲۴

ضمیمه پرونده مربوطه



تاریخ: ۳۷/۵/۱۱

شماره: ۷/۱۸۷۵

سازمان امنیت
ریاست محترم اداره مطبوعات سرکار
سرهننگ کیانی

بطوریکه استحضار دارند چندی قبل از انتشار مطبوعات ایران در ترتیب کار انجام شده و در نتیجه مؤسسات حمل و نقل از قبول و ارسال بسته‌های مطبوعات ایران خودداری نمودند. ولی اکنون که بین شیخ نشین کویت و کشور شاهنشاهی روابط دوستانه برقرار گردیده است استدعا دارد دستور فرمایند ترتیبی اتخاذ شود که بتوان مانند گذشته نشریات ایرانی به منطقه مزبور ارسال گردد.

با تقدیم احترام - مجله تهران مصور

۴۳۳ ج - ۳۰

۳۷/۵/۱۵

در تاریخ ۳۷/۵/۲۷ این پرونده به بخش جرایم

تحويل شد. ۵/۲۷

پس از مذاکره با آقای مهندس والا اقدام خواهم نمود

۳۷/۶/۳

TEHRAN MOSSAVAR

weekly
monthly
children

تهران - ماهنامه - کوجو نوها

تهران
تلف: ۳۷۵۰۰۰۰
شماره: ۷/۱۸۷۵
تاریخ: ۳۷/۵/۱۱

سازمان امنیت
ریاست محترم اداره مطبوعات سرکار سرهننگ کیانی

بازرینه انتشار دارد. چنانچه امکان از انتشار مطبوعات ایران در ترتیب کار انجام شده و در نتیجه مؤسسات حمل و نقل از قبول و ارسال بسته‌های مطبوعات ایران خودداری نمودند. ولی اکنون که بین شیخ نشین کویت و کشور شاهنشاهی روابط دوستانه برقرار گردیده است استدعا می‌گردد که ترتیبی اتخاذ شود که بتوان مانند گذشته نشریات ایرانی به منطقه مزبور ارسال گردد.

با تقدیم احترام - مجله تهران مصور

۳۷/۵/۱۵

بازرینه کار انجام شده و در نتیجه مؤسسات حمل و نقل از قبول و ارسال بسته‌های مطبوعات ایران خودداری نمودند. ولی اکنون که بین شیخ نشین کویت و کشور شاهنشاهی روابط دوستانه برقرار گردیده است استدعا می‌گردد که ترتیبی اتخاذ شود که بتوان مانند گذشته نشریات ایرانی به منطقه مزبور ارسال گردد.

گزارش

تیمسار سرلشگر آزموده ضمن تشکر از
مراحم تیمسار تقاضا داشتند اکنون که نزدیک
۲۸ مرداد است در صورت تصویب اجازه
فرمائید مجله تهران مصور منتشر شود.

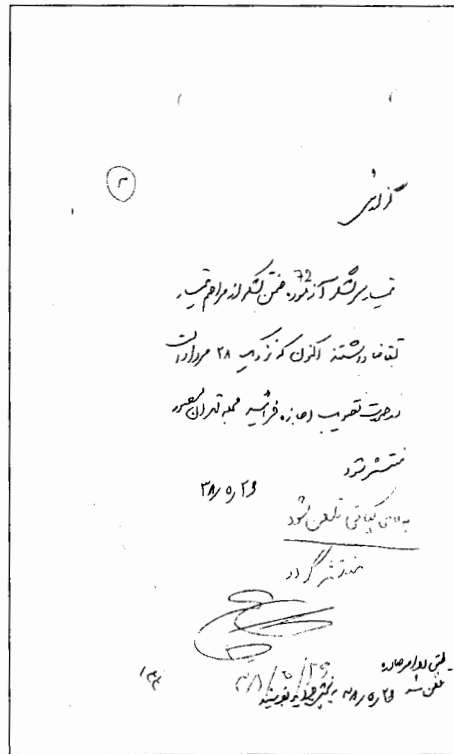
۳۸/۵/۲۶

به آقای کیانی تلفن شود.

منتشر گردد

طبق اوامر صادره تلفن شد ۳۸/۵/۲۶ به بخش جراید

بفرستید



تاریخ: ۱۳۳۹/۷/۱۴

شماره: ۱/۹۴۲۲ الف ۲

مدیریت کل اداره سوم (بخش جراید)

حاج شیخ محسن منجمزاده هراتی نماینده فروش مجله تهران مصور و سایر جراید ایران در هرات تقاضا نموده که به آقای والا مدیر مجله تهران مصور اطلاع داده شود که کما فی السابق از هر شماره مجله تهران مصور یکصد و پنجاه نسخه برای مشارالیه بهرات فرستاده شود تا بین اهالی و مشترکین توزیع شود.

علیهذا خواهشمند است قدغن فرمائید مراتب با اطلاع مسئولین مجله تهران مصور رسیده و نتیجه را باین اداره کل اعلام فرمایند.

مدیر کل اداره دوم - انصاری

تاریخ: ۱۳۳۹/۷/۱۴
شماره: ۱/۹۴۲۲
شماره پرونده: ...
شماره ثبت: ...

مجله تهران مصور
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
کس.ا.و.ا.ک

تاریخ: ۱۳۳۹/۷/۱۴
شماره: ۱/۹۴۲۲

در صورت کل اداره سوم (بخش جراید)

حاج شیخ محسن منجم زاده هراتی نماینده فروش مجله تهران مصور سایر جراید ایران در هرات تقاضا نموده که آقای والا مدیر مجله تهران مصور یکصد و پنجاه نسخه برای مشارالیه بهرات فرستاده شود تا بین اهالی و مشترکین توزیع شود.

مطلب در خواسته است که من فرماینده مراتب با اطلاع مسئولین مجله تهران مصور رسیده و نتیجه را باین اداره کل اعلام فرمایند.

مدیر کل اداره دوم - انصاری

گیرنده:

سازمان اطلاعات و امنیت خراسان بازگشت بشماره ۱۱/۴۲۰۱/م ک ۱۱ جهت اطلاع

خبرنامه: ۱۳۳۹/۷/۱۴
تاریخ: ۱۳۳۹/۷/۱۴
شماره: ۱/۹۴۲۲

تاریخ: ۱۳۳۹/۷/۱۴
شماره: ۱/۹۴۲۲

گیرنده:

سازمان اطلاعات و امنیت خراسان بازگشت بشماره ۱۱/۴۲۰۱/م ک ۱۱ جهت اطلاع
۳۹/۷/۹

عیناً جهت اطلاع و اقدام لازم به بخش جراید ارسال میگردد خواهشمند است نتیجه را جهت اعلام اداره کل دوم تعیین و

ارسال دارند. ۳۹/۷/۱۶

باقای مهندس والا اطلاع داده شد و تقبل نمود که ارسال نماید جواب اداره کل دوم داده شود ۷/۱۸

تاریخ: ۳۹/۷/۲۳

شماره: ۲۵۳۴/ج-۳

فرستنده: اداره کل سوم

گیرنده: اداره کل دوم

به آقای مهندس والا مدیر مجله تهران
مصور ابلاغ گردید که از هر شماره مجله پنجاه نسخه
و پنجاه نسخه بهرات بعنوان آقای شیخ محسن
منجمزاده هراتی ارسال نماید.

مدیر کل اداره سوم، مصطفی امجدی

۳۹/۷/۲۱

بایگانی شود ۷/۲۳ داوری

کرنده اداره کل دوم
فرستنده اداره کل سوم
شماره سند ۱/۱۹۲۲ الف ۳ ثبت روزی
تاریخ ۳۹/۷/۲۳
موضوع: ارسال نامه شماره ۲۵۳۴/ج-۳
تاریخ: ۳۹/۷/۲۳

موضوع: ارسال نامه شماره ۲۵۳۴/ج-۳

به آقای مهندس والا مدیر مجله تهران مصور ابلاغ
گردید که از هر شماره مجله پنجاه نسخه
و پنجاه نسخه بهرات بعنوان آقای شیخ محسن منجمزاده هراتی
ارسال نماید.

مدیر کل اداره سوم، مصطفی امجدی
۳۹/۷/۲۱

بایگانی شود ۷/۲۳ داوری


۳۹/۷/۲۳

تاریخ: ۳۹/۸/۲۴

شماره: ۲۹/۷۳۴۰

اطلاعیه

عصر روز دوشنبه روزنامه‌نگاران حزب مردم در محل حزب با حضور مهندس سعید هدایت جلسه‌ای تشکیل داده بودند در این جلسه روزنامه‌نگاران مزبور یکدیگر را به بیسوادی، سوءاستفاده، شارلاتانی، زدوبندچی ووو..... متهم کرده و در نتیجه جلسه در میان تشنج شدید بدون اخذ نتیجه ختم شده است.



کمیته مرکزی
مبارزان انقلاب اسلامی

تاریخ	گروه
شماره	گروه
عنوان پرونده	شماره پرونده
شماره پرونده	شماره پرونده

موضوع

ارزانی - ب - ۲

۳۹/۸/۲۴

۲۹/۷۳۴۰

عصر روز دوشنبه روزنامه‌نگاران حزب مردم در محل حزب با حضور مهندس سعید هدایت جلسه‌ای تشکیل داده بودند در این جلسه روزنامه‌نگاران مزبور یکدیگر را به بیسوادی، سوءاستفاده، شارلاتانی، زدوبندچی ووو..... متهم کرده و در نتیجه جلسه در میان تشنج شدید ختم شده است.

لژ کوروش شماره ۴. ل. ب. ایران
 تأسیس آذرماه ۱۳۳۹
 استاد ارجمند لژ کورش
 برادر حسین مصطفوی

سرپرست اول سرپرست دوم
 برادر دکتر شیدفر برادر مهندس کمال‌الدین
 موسوی
 آقای محترم و برادر عزیز

بنا بدستور استاد ارجمند از آن برادر گرامی
 دعوت میشود که در جلسه عادی شماره ۱۳۰
 ل. محترم کورش در ساعت ۶ بعدازظهر روز
 چهارشنبه ۲۶ اسفند ماه ۴۹ در محل انجمن
 رازی خیابان بهارستان شماره ۴۱۰ تشکیل

میگردد حضور بهم رسانند و جلسه در راس ساعت ۶^۱ بعدازظهر تشکیل میگردد.

دبیر لژ کورش

قدرت‌الله خدایاری

لژ در درجه ۳ کار میکند

لباس اسموکنگ با تیره

برنامه کارها

۱- افتتاح ل.

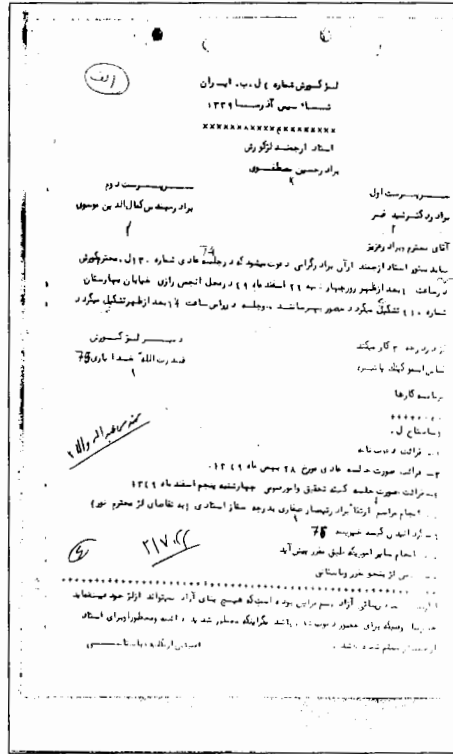
۲- قرائت دعوت نامه

۳- قرائت صورت جلسه عادی مورخ ۲۸ بهمن ماه ۱۳۴۹

۴- قرائت صورت جلسه کمیته تحقیق و امور عمومی چهارشنبه پنجم اسفند ماه ۱۳۴۹

۵- انجام مراسم ارتقاء برادر تیمسار صفاری بدرجه ممتاز استادی به تقاضای لژ محترم نور)

۶- گردانیدن کیسه خیریه



۷- انجام سایر اموری که طبق مقرر پیش آید

۸- بستن لژ بنحو مقرر و باستانی

از ازمه قدیمه در بنائی آزاد رسم بر این بوده است که هیچ بنای آزاد نمیتواند از لژ خود غیبت نماید خصوصاً وقتیکه برای حضور دعوت شده باشد مگر اینکه محظور شدید داشته و محظور او برای استاد ارجمند لژ مسلم شده باشد.

اقتباس از تکلیف باستانی

مهندس عبدالله والا

فرستنده: ۵/ج/۳

اطلاعیه

ساعت ۱۸۰۰ روز پنجشنبه ۳۹/۱۲/۱۱
 از طرف سندیکای چاپخانه داران بافتخار
 مهندس والا مدیر مجله تهران مصور که رئیس
 سندیکای آنهاست ضیافتی در انجمن
 مطبوعات برقرار است. ۳۹/۱۲/۶
 بعرض میرسد ۳۹/۱۲/۷

تاریخ	۳۹/۱۲/۱۱	کپی شده	
شماره	۳/۵/۵	فرستنده	مجله تهران مصور
شماره پرونده گذشته		شماره پرونده	
شماره پرونده آینده		پیوست	

موضوع: اطلاعیه

ساعت ۱۸۰۰ روز پنجشنبه ۳۹/۱۲/۱۱ از طرف سندیکای چاپخانه داران بافتخار م. والا مدیر مطبوعات تهران مصور رئیس سندیکای آنهاست ضیافتی در انجمن مطبوعات برقرار است. ۳۹/۱۲/۶

بعرض میرسد ۳۹/۱۲/۷

مهر و امضاء: [مهر]

محل مهر: [محل مهر]

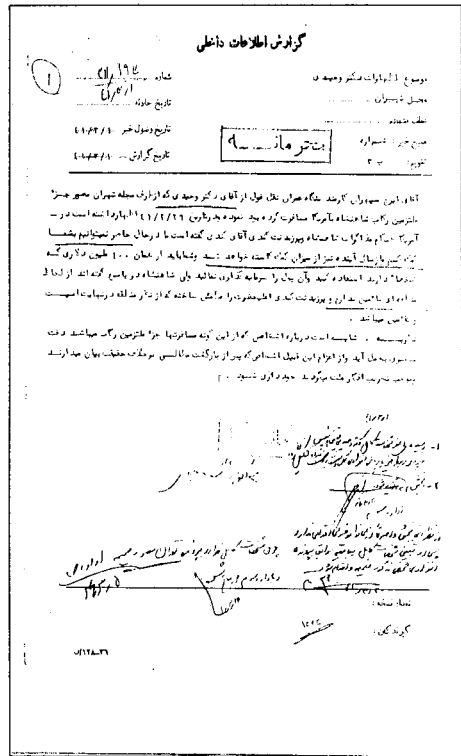
۱۳۳۸-۱۲-۳۹

تاریخ: ۴۱/۳/۱

شماره: ۳۱۱/۲۹۳

موضوع: اظهارات دکتر وحیدی

آقای ایرج سپهران کارمند بنگاه عمران نقل قول از آقای دکتر وحیدی که از طرف مجله تهران مصور جزء ملتزمین رکاب شاهنشاه آمریکا مسافرت کرده بود نموده و در تاریخ ۴۱/۲/۲۹ اظهار داشته است در آمریکا هنگام مذاکرات شاهنشاه و پرزیدنت کندی آقای کندی گفته است ما در حال حاضر نمیتوانیم بشما کمک کنیم و از سال آینده نیز از میزان کمک کاسته خواهد شد و شما باید از همان ۹۰۰ میلیون دلاری که شخصاً دارید استفاده کنید و آن پول را سرمایه‌گذاری نمائید ولی



شاهنشاه در پاسخ گفته‌اند از لحاظ منطقه‌ای تأمین ندارم و پرزیدنت کندی اعلیحضرت را مطمئن ساخته که از نظر منطقه در نهایت امنیت و تأمین میباشد.

نظریه. شایسته است درباره اشخاصی که از این گونه مسافرتها جزء ملتزمین رکاب میباشند دقت بیشتری بعمل آید و از اعزام این قبیل اشخاص که پس از بازگشت مطالبی برخلاف حقیقت بیان میدارند و موجب تخریب افکار ملت میگردد خودداری شود.

۱- بوسیله آقای راغفر مشخصات کامل دکتر وحیدی تعیین و سپس به پرونده مربوطه ضمیمه یا پرونده انفرادی ممکن است برای نامبرده تشکیل گردد

۲- به بخش ۳۳۲ تقدیم شود ۴۱/۳/۲۰ از نظر این بخش و اصولاً از لحاظ موضوعی اقدامی ندارد

پس از تعیین مشخصات کامل میبایستی سوابق پرونده انفرادی شخص مذکور ضمیمه و اقدام شود ثابتی ۴۱/۳/۲۰

چون مشخصات کامل ندارد پرونده تهران مصور ضمیمه و بداره سوم ارجاع شود ۴/۳/۱۶

دکتر هوشنگ وحیدی

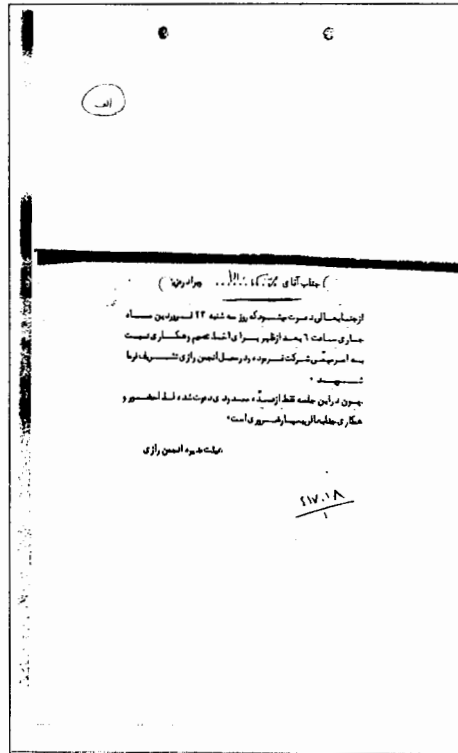
جناب آقای مهندس والا و برادر عزیز

از جنابعالی دعوت میشود که روز سه شنبه
۲۳ فروردین ماه جاری ساعت ۶ بعد از ظهر
برای اخذ تصمیم و همکاری نسبت به امر مهمی
شرکت فرموده و در محل انجمن رازی تشریف
فرما شوید.

چون در این جلسه فقط از عده محدودی
دعوت شده لذا حضور و همکاری جنابعالی
بسیار ضروری است.

هیئت مدیره انجمن رازی

۴۱۷۰۱۸
۱



تاریخ: ۴۳/۷/۱۹

شماره: ۸۲۱/۱۰۸۲۳

گیرنده: مدیریت کل اداره سوم

موضوع: درج خبر در مجله تهران مصور

عطف به ۴۳/۷/۶-۳۲۵/۱۶۸۸۷

طبق دستور تیمسار قائم مقام ریاست ساواک هیچگونه اقدامی در اینمورد بعمل نیامده و قرار شد از طرف تیمسار اقدام گردد.

مدیر کل اداره هشتم. هاشمی ۴۳/۷/۱۸

بسابقه ضمیمه و ارائه شود

اقدامی ندارد بایگانی شود ۷/۲۳

گیرنده: مدیرکل اداره سوم
فرستنده:
شماره پرونده: ۴۳/۱۶۸۸۷
شماره پرونده: ۴۳/۷/۶
تاریخ: ۴۳/۷/۱۹
موضوع: درج خبر در مجله تهران مصور

این دستور به ادارات مستقر در ریاست ساواک جهت اطلاع در اینمورد
بجای نیامده و قرار شد از طرف تیمسار اقدام گردد.

از طرف: [Signature] ۴۳/۷/۱۸

مدیر کل اداره هشتم

بسابقه ضمیمه و ارائه شود

اقدامی ندارد بایگانی شود ۷/۲۳

۵۱۲-۷-۳۸

تاریخ: ۴۶/۱۲/۱

شماره: ۳۱۲۸/ط م

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

بازگشت بنامه شماره ۳۲۴/۵۴۴۰۳
 مورخ ۴۴/۱۲/۱۸ باستحضار میرساند کارت
 صلاحیت آقای مهندس عبدالله - والا مدیر
 چاپخانه تهرانمصور واقع در تهران خیابان ژاله
 بشماره ۷۴۲۳/ط م مورخ ۴۶/۱۱/۲۴ صادر
 و بنامبرده تحویل گردیده است. مراتب برای
 اطلاع اعلام میگردد.

مدیر کل مطبوعات. دکتر زرنگار

چاپخانه تهرانمصور بایگانی شود ۴۶/۱۲/۳ ۲۴۳۹۲۳

محرمانه

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

بارگشتنامه شماره ۳۲۴/۵۴۴۰۳ مورخ ۴۴/۱۲/۱۸
 باستحضار میرساند که در پی اعلام جناب آقای مهندس عبدالله - والا
 مدیر چاپخانه تهرانمصور واقع در تهران خیابان ژاله بنامبرده
 شماره ۷۴۲۳/ط م مورخ ۴۶/۱۱/۲۴ صادر و بنامبرده تحویل
 گردیده است. مراتب برای اطلاع اعلام میگردد.
 مدیر کل مطبوعات و نشریات

محرمانه

بایگانی

۲۴۳۹۲۳

از: ساواک
تاریخ ۴۴/۱۲/۱۸
به: وزارت اطلاعات شماره: ۳۲۴/۵۴۴۰۳
در باره: چاپخانه تهرانمصور

بازگشت بشماره ۲۷۵۹ ط م / ۸۱۱۴ / م ر
- ۴۴/۱۱/۱۶ صدور پروانه چاپخانه
تهرانمصور واقع در تهران بنام آقای مهندس
عبدالله والا فرزند حسین از نظر سیاسی
بلامانع میباشد.

از طرف رئیس سازمان اطلاعات و امنیت
کشور - سپهبد نصیری

گیرندگان

ریاست ساواک استان مرکزی جهت استحضار

تهیه کننده پروند ۴۴/۱۲/۱۷

رئیس بخش ۳۲۴ فردوس

رئیس اداره دوم عملیات

۴۴/۱۲/۱۷

از: ساواک
شماره:
تاریخ:
پوست:
وزارت اطلاعات:
در باره: چاپخانه تهرانمصور

بازگشت بشماره ۲۷۵۹ ط م / ۸۱۱۴ / م ر - ۴۴/۱۱/۱۶
مد هیروانه چاپخانه تهرانمصور واقع در تهران بنام آقای -
مهندس سید محمد الله والا فرزند حسین از نظر سیاسی بلا مانع میباشد .

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور - سپهبد نصیری
از طرف
گیرندگان
ریاست ساواک استان مرکزی جهت استحضار .

تجدید کننده پروند
۴۴/۱۲/۱۷
رئیس بخش ۳۲۴ فردوس
رئیس اداره دوم عملیات

۴۴/۱۲/۱۸
۴۴/۵۴۴۰۳
۱۲/۱۷
۱۲/۱۷
مستور

نمونه شماره ۱ (برگ مشخصات)

۱- مشخصات

نام عبدالله نام خانوادگی والا نام پدر حسین محل

الصاق عکس

نام مادر شماره شناسنامه و محل صدور

تاریخ و محل تولد خلیل ۱۳۰۱ تابعیت ایرانی

مذهب مسلمان (در صورتیکه نام خانوادگی و

یا لقب دیگری داشته و دارید ذکر فرمائید)

۲- مشاغلی که در ده سال قبل تاکنون داشته‌اید

با ذکر آدرس محل کار بطور مشروح و روشن

ذکر کنید (شهر، خیابان، کوچه، پلاک)

الف - رئیس اداره محاکمات وزارت کار

ب - مدیر مجله تهران مصور

ج - رئیس فدراسیون ژیمناستیک

د - نماینده دوره بیستم و بیست و یکم مجلس شورایی

نمونه شماره ۱ (برگ مشخصات)

۱- مشخصات

نام مد: نام خانوادگی رده نام پدر: محل احوال
نام مادر: شماره شناسنامه محل صدور
تاریخ و محل تولد: محل: تاریخ: تابعیت: ایرانی
مذهب: سنی (در صورتیکه نام خانوادگی یا لقب دیگری داشته
و دارید ذکر فرمائید)

۱- شایقی که در ده سال قبل تاکنون داشته‌اید با ذکر آدرس محل کار بطور
مشروح روشن ذکر کنید (شهر، خیابان، کوچه، پلاک)
الف - رئیس اداره محاکمات وزارت کار
ب - مدیر مجله تهران مصور
ج - رئیس فدراسیون ژیمناستیک
د - نماینده دوره بیستم و بیست و یکم مجلس شورایی

۲- آدرس مطهران سکونت خود را از ده سال قبل تاکنون بطور مشروح روشن ذکر
فرمائید

الف - از تاریخ تا شهر بخش خیابان کوچه پلاک
ب -
ج -
د -
ه -

این نسخه با خطی در دسته با خط شمس نظای تمامه و از تاریخ و نام و
نام خانوادگی و نام اصلی تمامه و از تاریخ و نام و

..... هـ -

۳- آدرس محل‌های سکونت خود را از ده سال قبل تاکنون بطور مشروح و روشن ذکر فرمائید.

الف - از تاریخ تا شهر بخش خیابان کوچه و پلاک

ب - از تاریخ تا شهر بخش خیابان کوچه و پلاک

ج - از تاریخ تا ۳۴ شهر بخش فخرآباد خیابان کوچه ۳/۱ و پلاک

د - از تاریخ ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۰ شهر بخش خیابان تخت جمشید خیابان کوچه و پلاک

ه - از تاریخ ۱۳۴۱ تا شهر بخش خیابان پهلوی خیابان کوچه رومی و پلاک ۳۴

۴- میزان تحصیلات با ذکر نام و آدرس و مدارک و دانشکده‌ها.

الف - مهندسی شیمی از هنرسرای عالی

ب - لیسانس حقوق دانشگاه تهران

..... ج -

د -

ه -

۵- اگر برای تحصیلات و مطالعه و یا امور دیگری بکشورهای خارج مسافرت کرده‌اید رشته تحصیلی کشور - مقصد و مدت اقامت را ذکر فرمائید.

۶- چنانچه در حزب، جمعیت، اتحادیه، سندیکا، کانون، کلوپ، باشگاه، بطور کلی هر جمعیتی اعم از سیاسی غیر سیاسی عضویت داشته یا دارید موضوع را با ذکر سمت و مسئولیت بطور وضوح ذکر فرمائید.

حزب مردم - رئیس سندیکای چاپخانه‌ها - کلوپ ایران - ... کلوپ - ایران جوان

۷- آیا تاکنون تحت تعقیب سیاسی و جزائی واقع شده و محکومیتی یافته‌اید در هر صورت

-۱-

۱- میزان تحصیلات با ذکر نام و مدرسه و دراز و و انگیزه ها .

الف - هرگز در مسافرت
ب - هرگز در مسافرت
ج - هرگز در مسافرت
د - هرگز در مسافرت
ه - هرگز در مسافرت

۲- اقربای تحصیلات و حائمه یا مورد باری بکشورهای خارج مسافرت کرده اید رشته تحصیلی کشور - مقصد و مدت اقامت را ذکر فرمائید .

۳- چنانچه در حزب - جمعیت - اتحادیه - سندیکا - کانون - کلوپ یا باشگاه یا باوقالی در جمعیت اعم از سیاسی غیر سیاسی عضویت داشته‌باشید در این موضوع را با ذکر سمت و مسئولیت با وضوح ذکر فرمائید .

۴- آیا تاکنون در هر یک از کانونها - سندیکاها - کانونها - کلوپها - باشگاهها عضویت داشته‌باشید یا دارید موضوع را با ذکر سمت و مسئولیت با وضوح ذکر فرمائید .

۵- آیا تاکنون تحت تعقیب سیاسی و جزائی واقع شده و محکومیتی یافته‌اید در هر صورت با وضوح ذکر فرمائید .

نام و نام خانوادگی : امضاء
تاریخ : امضاء

موضوع را بطور وضوح شرح فرمائید.

خبر

۸- اگر تاکنون از طرف مراجع انتظامی و قضائی کشوری و لشکری بهر عنوان احضار و توضیحاتی از شما اخذ و یا با شما مصاحبه بعمل آمده است مراتب را بطور وضوح شرح فرمائید. این نمونه بایستی در دو نسخه با خط شخص متقاضی تنظیم و با ذکر تاریخ و نام و نام خانوادگی و امضاء اصلی تنظیم و ارائه شود.

تاریخ نام و نام خانوادگی

امضاء

مهندس عبدالله والا

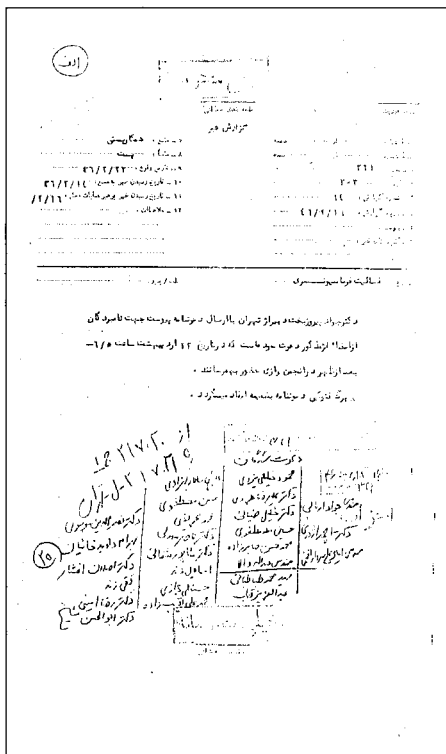
از: ۳۰۳
تاریخ: ۴۶/۲/۱۶
به: ۳۲۱
شماره: ۹۴
موضوع: فعالیت فراماسونری

دکتر جواد پیروزیخت دبیر لژ تهران با ارسال دعوتنامه پیوست جهت نامبر دگان از اعضاء لژ مذکور دعوت نموده است که در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ساعت ۶/۵ بعد از ظهر در انجمن رازی حضور بهم رسانند.

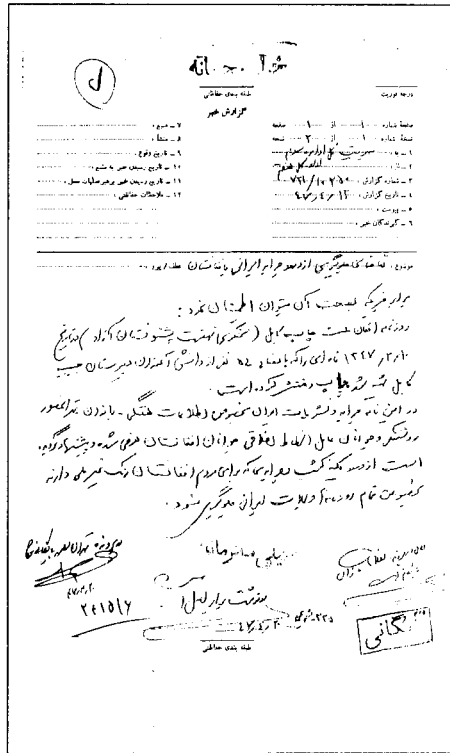
۸ برگ فتوکپی دعوتنامه بضمیمه ایفاد میگردد.
دعوت شدگان

محمود خلیلی یزدی - دکتر علیرضا هروی - دکتر خلیل ضیائی - حسین مصطفوی - محمد حسن صابرزاده - مهندس عبدالله والا - سید محمد طباطبائی - عبدالعزیز قطب - عیسی سالار بهزادی - حسن مصطفوی - محمد

عریضی - دکتر ناصر معدلی - دکتر شاپور شفقانی
اسماعیل زند - حسنعلی حجازی - محمد علی نقیبزاده
دکتر نصرالدین موسوی - بهرام داویدخانیان - دکتر اصلان
افشار - تقی زند - دکتر رضا امینی - دکتر ابوالحسن شیخ -
مهندس جواد اریبایی - دکتر احمد ازدری - مهندس
امیرعلی سردار افخمی



از : اداره کل هفتم
 تاریخ : ۴۷/۴/۱۳
 به : مدیریت کل اداره سوم شماره : ۷۲۱/۱۰۲۵۰
 موضوع : تقاضای جلوگیری از ورود جراید
 ایرانی بافغانستان



برابر خریکه بصحت آن میتوان اطمینان
 نمود:
 روزنامه افغان ملت چاپ کابل (سخنگوی
 نهضت پشتونستان آزاد) در تاریخ ۱۳۴۷/۲/۱۰
 نامه‌ای را که بامضاء ۵۴ نفر از دانش‌آموزان
 دبیرستان حبیبیه کابل تهیه شده چاپ و منتشر
 کرده است.

در این نامه جراید و نشریات ایران بخصوص
 اطلاعات هفتگی - بانوان - تهرانمصور -
 روشنفکر و جوانان عامل انحطاط اخلاقی
 جوانان افغانستان معرفی شده و پیشنهاد گردیده
 است از ورود کلیه کتب و جرایدی که برای مردم
 افغانستان رنگ غیر ملی دارند بخصوص تمام
 روزنامه‌ها و مجلات ایرانی جلوگیری شود.

اصل در پرونده اطلاعات بانوان بایگانی است

رونوشت برابر اصل است ۴۷/۴/۲۰

در پرونده تهران مصور بایگانی شود ۴۷/۴/۲۰ ۲۴۱۵۱۶

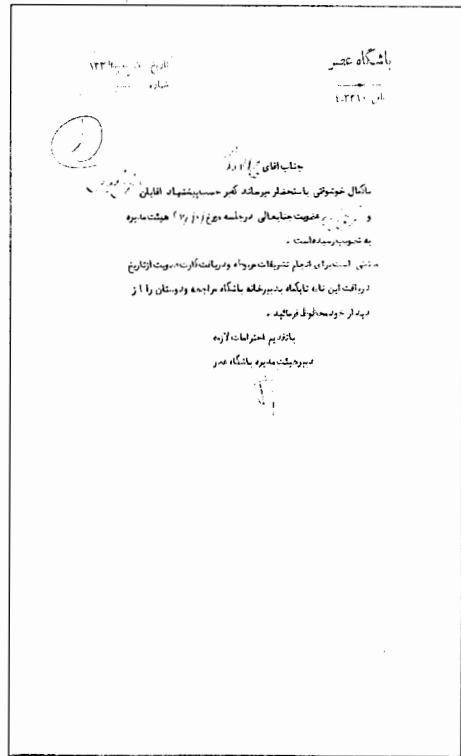
تاریخ: ۱۳۴۷/۱۰/۵

شماره: ۵

جناب آقای عبدالله والا

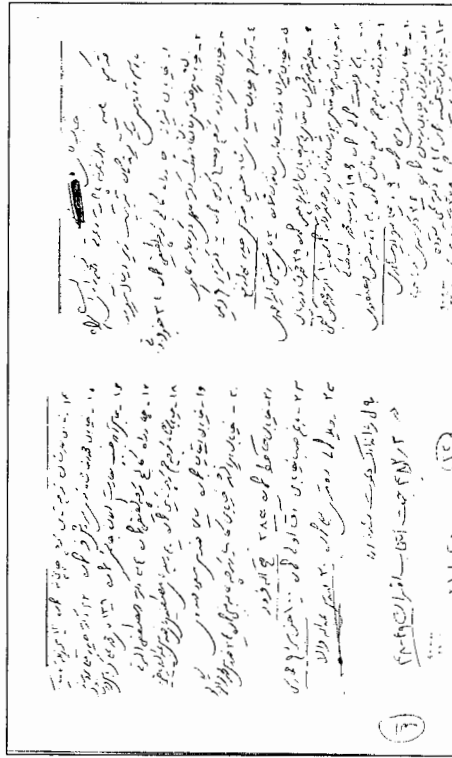
با کمال خوشوقتی باستحضار میرساند که بر حسب پیشنهاد آقایان حسن خدیری و حسن چایچی عضویت جنابعالی در جلسه مورخ ۴۷/۱۰/۱ هیئت مدیره به تصویب رسیده است.

متمنی است برای انجام تشریفات مربوطه و دریافت کارت عضویت از تاریخ دریافت این نامه تا یکماه بدبیرخانه باشگاه مراجعه و دوستان را از دیدار خود محظوظ فرمائید. با تقدیم احترامات لازمه دبیر هیئت مدیره باشگاه عصر



جناب آقای.....

- فتوکپی ضمیمه که از نمونه پاکات دعوتی انجمن رازی است همراه با اسم و آدرس سایر گیرندگان بترتیب زیر ارسال میگردد.
- ۱- خیابان شیراز چهار راه کالج کوچه لطیفی شماره ۳۴ جعفر فزونی
 - ۲- خیابان شاهرضا مقابل دانشگاه مطب دکتر عامری دکتر بهادر عامری
 - ۳- خیابان لاله زار نو کوچه مصباح کریمی شماره ۷ دکتر ایرج کریمی
 - ۴- آب کرج خیابان میکده کوی شاه حسینی مهندس حیدر علی ارفع
 - ۵- خیابان شمیران وزارت بهداری ساختمان شماره ۲ آقای علینقی امیراحمدی



- ۶- جاده قدیم شمیران مقابل بی سیم خیابان امیر ابراهیمی شماره ۲۹ محمد کشاورزیان
- ۷- خیابان شاهرضا مقابل بیمارستان زنان کوچه شهردار شماره ۱۰ دکتر محمد حسن گنجی
- ۸- خیابان فرصت شمالی شماره ۱۹۶ دکتر سید محمد طباطبائی
- ۹- خیابان شاه کوچه جم کوچه نائین شماره ۴۰ آقا سید حسن مصطفوی
- ۱۰- خیابان خردمند کوی شماره ۹ علی اصغر ادیب محمدی
- ۱۱- خیابان شمیران بوستان شماره ۲۶ دکتر مهدی میرزا حسابی
- ۱۲- خیابان تخت جمشید شماره ۴۱۶ دکتر یحیی ستوده
- ۱۳- خیابان کاخ کوچه نویدی شماره ۲۷۸ محمود قوام صدری
- ۱۴- خیابان بهارستان کوچه قائن کوچه چاپخانه شماره ۱۲ عزیزاله کامیاب
- ۱۵- خیابان محمد رضا شاه کوی سروش فر شماره ۲۲ دکتر حیدرقلی برومند
- ۱۶- عباس آباد جنب سفارت اردن هاشمی شماره ۱۳۹ آقای محمد علی کرباس فروشان

- ۱۷- چهارراه کالج کوچه لطیفی شماره ۳۴ دکتر مصطفی الموتی
- ۱۸- خیابان شاه کوچه جم کوچه نائین شماره ۴۰ وسیله آقای مصطفوی آقای مهندس عبدالله ریاضی
- ۱۹- خیابان ایتالیا شماره ۷۷ مهندس مسعود مهدوی
- ۲۰- خیابان ایرانشهر خیابان کامیار کوچه عابدینی شماره ۲۴ مهندس محمد قراگوزلو
- ۲۱- خیابان حافظ شماره ۲۸۳ فتح‌اله فرود
- ۲۲- باغ صبا خیابان آق‌اولی شماره ۱۰۰ حسن سراج حجازی
- ۲۳- ویلا شمالی ده متری لیلی شماره ۲۰ مهندس عبدالله والا
به ل ژاندارک دعوت شده‌اند
در ۴۸/۲/۳ جهت انتخاب افسران ۴۸-۴۹

ل. ژاندارک شماره ۲۱ ل. ب. ایران

تأسیس تیرماه ۴۵

استاد ارجمند ل. ژاندارک

برادر دکتر یحیی ستوده

سرپرست اول سرپرست دوم

برادر دکتر حسین نجفی برادر مهندس عبدالله

والا

آقای محترم و برادر عزیز

بناباستور استاد ارجمند از آن برادر گرامی

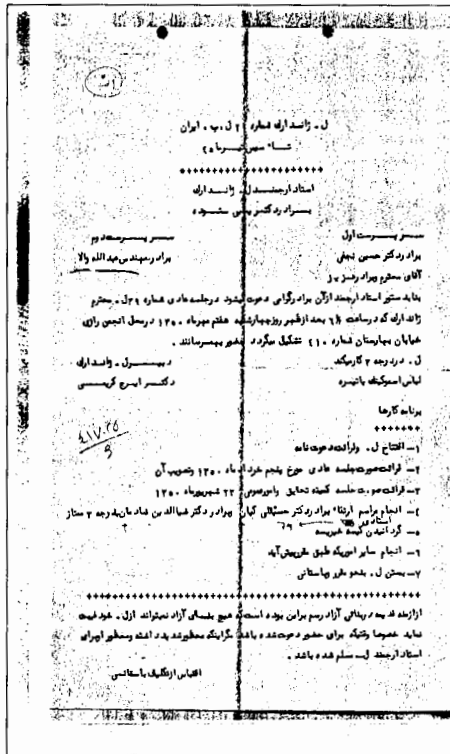
دعوت میشود در جلسه عادی شماره ۳۹ ل.

محترم ژاندارک که در ساعت ۶^۱ بعد از ظهر

روز چهارشنبه هفتم مهرماه ۱۳۵۰^۲ در محل

انجمن رازی خیابان بهارستان شماره ۴۱۰

تشکیل میگردد حضور بهم رسانند.



ل. در درجه ۳ کار میکند

لیاس اسموکنگ یا تیره

دبیر ل. ژاندارک دکتر ایرج کریمی

برنامه کارها

۱- افتتاح ل. و قرائت دعوت نامه

۲- قرائت صورت جلسه عادی مورخ پنجم خرداد ماه ۱۳۵۰ و تصویب آن

۳- قرائت صورت جلسه کمیته تحقیق و امور عمومی ۲۳ شهریورماه ۱۳۵۰

۴- انجام مراسم ارتقاء برادر دکتر حسینقلی کیان و برادر دکتر ضیاءالدین شادمان بدرجه ۳ ممتاز

استادی

۵-گردانیدن کیسه خیریه

۶-انجام سایر اموری که طبق مقرر پیش آید

۷-بستن ل. بنحو مقرر و باستانی

از ازمه قدیمه در بنائی آزاد رسم بر این بوده است که هیچ بنای آزاد نمیتواند از ل. خود غیبت نماید خصوصا وقتیکه برای حضور دعوت شده باشد مگر اینکه محظور شدید داشته و محظور او برای استاد ارجمند ل. - مسلم شده باشد.

اقتباس از تکلیف باستانی

تاریخ: ۵۱/۱/۱۹

شماره: ۲۹

جناب آقای پزشکپور - رهبر محترم حزب
پان ایرانیست

محترماً بطوریکه آقای سیف‌الله غلامی سرپرست مجله تهران‌مصور در استان گیلان گزارش میدهد افراد حزب پان ایرانیست برای دیدار نوروزی در رودسر گرد آمده و ضمن کارهای خود مجله تهران‌مصور و کارکنان آنرا مورد مهر و محبت قرار داده و هر یک بنوعی ابراز لطف و مرحمت نموده‌اند.

لازم بیادآوری است که مجله تهران‌مصور همیشه و در همه حال در خدمت مردم شهرستانها خصوصاً افراد میهن پرست بوده و

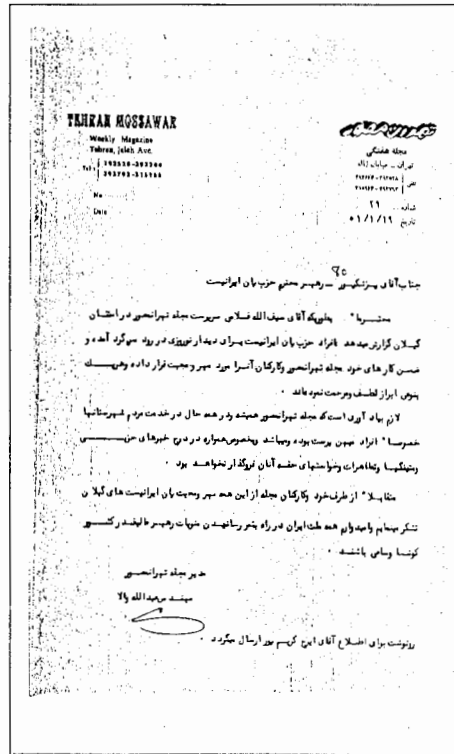
میباشد و بخصوص همواره در درج خبرهای حزبی و متینگها و تظاهرات و خواستهای حقه آنان فروگذار نخواهد بود.

متقابلاً از طرف خود و کارکنان مجله از این همه مهر و محبت پان ایرانیست‌های گیلان تشکر مینمایم و امیدوارم همه ملت ایران در راه بثمر رسانیدن منویات رهبر عالیقدر کشور کوشا و ساعی باشند.

مدیر مجله تهران‌مصور

مهندس عبدالله والا

رونوشت برای اطلاع آقای ایرج کریم‌پور ارسال میگردد.



تاریخ: ۵۱/۱/۱۹

شماره: ۳۰

جناب آقای ایرج کریم پور - مسئول محترم
تشکیلات حزب پان ایرانیست استان گیلان

محترماً بطوریکه آقای سیف‌الله غلامی سرپرست مجله تهران‌مصور در استان گیلان خبر مسیهد جنابعالی و همچنین دیگر رزمندگان حزب پیشرو پان ایرانیست در اجتماع نوروزی خود تهران‌مصور و کارکنان آنرا مورد مهر و محبت قرار داده و از اینکه مرتباً خبرهای حزب پان ایرانیست گیلان را چاپ و در معرض دید همگان قرار میدهد ابراز لطف و محبت فرموده‌اید.

مستقبلاً از توجهات جنابعالی و دیگر هم

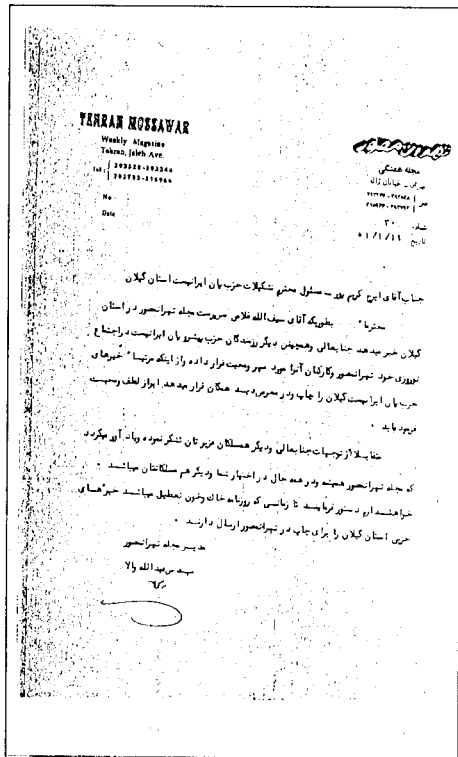
مسلکان عزیزتان تشکر نموده و یادآور میگردد که مجله تهران‌مصور همیشه و در همه حال در اختیار شما و دیگر هم مسلکانتان میباشد.

خواهشمندم دستور فرمایند تا زمانی که روزنامه خاک و خون تعطیل میباشد خبرهای حزبی

استان گیلان را برای چاپ در تهران‌مصور ارسال دارند.

مدیر مجله تهران‌مصور

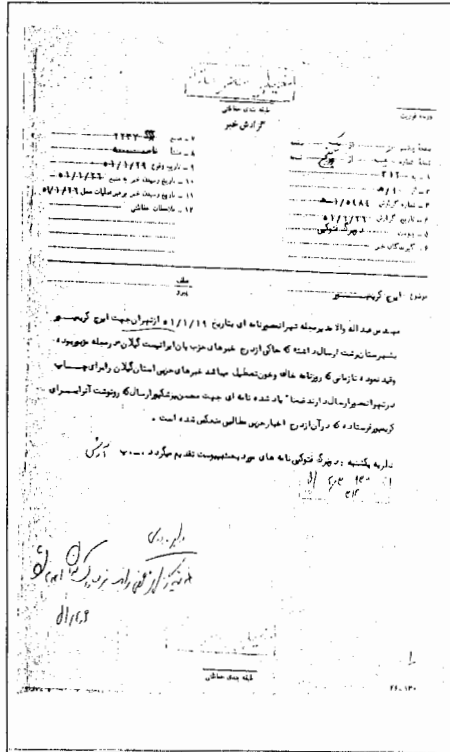
مهندس عبدالله والا



از: ۵/۱ هـ
 به: ۳۱۲ هـ
 تاریخ: ۵۱/۱/۲۶
 شماره: ۱/۵۴۸۴-۱ هـ
 موضوع: ایرج کریمپور

مهندس عبدالله والا مدیر مجله تهرانمصور نامه‌ای بتاريخ ۵۱/۱/۱۹ از تهران جهت ایرج کریمپور بشهرستان رشت ارسال داشته که حاکی از درج خبرهای حزب پان ایرانیست گیلان در مجله مزبور بوده و قید نموده تا زمانی که روزنامه خاک و خون تعطیل میباشد خبرهای حزبی استان گیلان را برای چاپ در تهرانمصور ارسال دارند ضمناً یاد شده نامه‌ای جهت محسن پزشکیور ارسال که رونوشت آنرا برای کریمپور فرستاده که در آن از درج اخبار حزبی مطالبی منعکس شده است.

نظریه یکشنبه: دو برگ فتوکپی نامه‌های مورد بحث پیوست تقدیم میگردد. آرش
 دایره بررسی ضمن تهیه گزارش عرضی مراتب نیز به ساواک تهران اعلام شود ۵۱/۲/۶



از: ۳۱۲

گزارش
درباره: حزب پان ایرانیست

محترماً باستحضار میرساند.

گزارش واصله از ساواک استان گیلان

حاکمیت:

اخیر مهندس عبدالله والا مدیر مجله تهران مصور نامه‌هایی از تهران جهت محسن پزشکیور و ایرج کریم پور مسئول حزب پان ایرانیست استان گیلان ارسال و ضمن آن قید نموده تا زمانی که روزنامه خاک و خون توقیف مییاشد خبرهای حزبی را برای چاپ و درج در مجله مزبور ارسال دارند. مراتب استحضاراً معروض گردید.

اقدام کننده. باقری

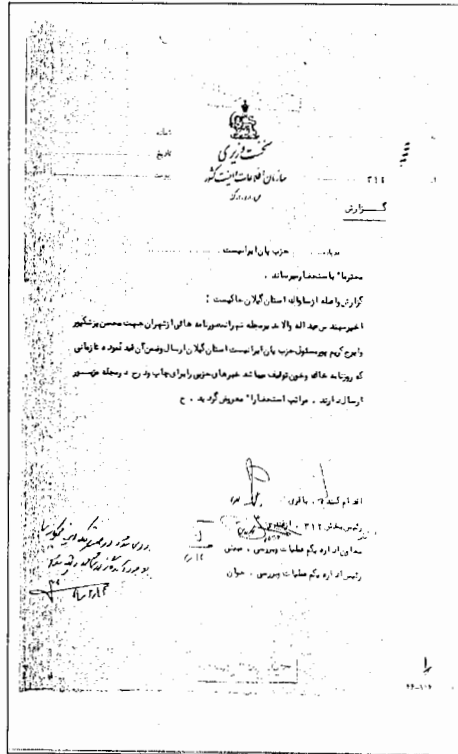
رئیس بخش ۳۱۲. ازغندی

معاون اداره یکم عملیات و بررسی. مبینی

رئیس اداره یکم عملیات و بررسی. جوان

بررسی شود در صورتیکه این همکاری بوجود آمده

گزارش مجدد تهیه شود ثابتی ۵۱/۲/۱۴



تاریخ: ۵۱/۲/۲۶

شماره: ۳۱۲/۱۷۵۳

از: اداره یکم عملیات و بررسی ۳۱۲

به: ریاست اداره دوم عملیات و بررسی ۳۲۵

در باره: مجله تهرانمصور

با ارسال ۴ برگ فتوکپی مربوطه خواهشمند است دستور فرمائید در صورتیکه مقالاتی درباره حزب پان ایرانیست در مجله فوق درج گردید چگونگی را با ذکر مورد باین اداره کل منعکس نمایند.

رئیس اداره یکم عملیات و بررسی - جوان

از طرف ...

مراتب به مسئول بررسی مجله مزبور ابلاغ تا چنانچه در

این زمینه مطلبی درج گردید چگونگی را اعلام دارد

در پرونده مجله تهرانمصور بایگانی شود ۲۵۱۵۱۶

ایستاد محترم

شماره: ۳۲۵
تاریخ: ۵۱/۲/۲۶
پست: ۵۱۷۱۱۶

اداره یکم عملیات و بررسی ۳۱۲
تاسیس ۱۳۰۴
تهران

دوره: یکم تهرانمصور

با ارسال ۴ برگ فتوکپی مربوطه خواهشمند است دستور فرمائید در صورتیکه مقالاتی درباره حزب پان ایرانیست در مجله فوق درج گردید چگونگی را با ذکر مورد باین اداره کل منعکس نمایند.

رئیس اداره یکم عملیات و بررسی - جوان

از طرف ...

مراتب به مسئول بررسی مجله مزبور ابلاغ تا چنانچه در این زمینه مطلبی درج گردید چگونگی را اعلام دارد در پرونده مجله تهرانمصور بایگانی شود ۲۵۱۵۱۶

۲۵۱۵۱۶

لژ ژاندارک شماره ۲۱

استاد ارجمند برادر دکتر حسین نجفی
 سرپرست اول برادر مهندس عبدالله والا
 سرپرست دوم برادر دکتر کریمی

آقای محترم و برادر عزیز

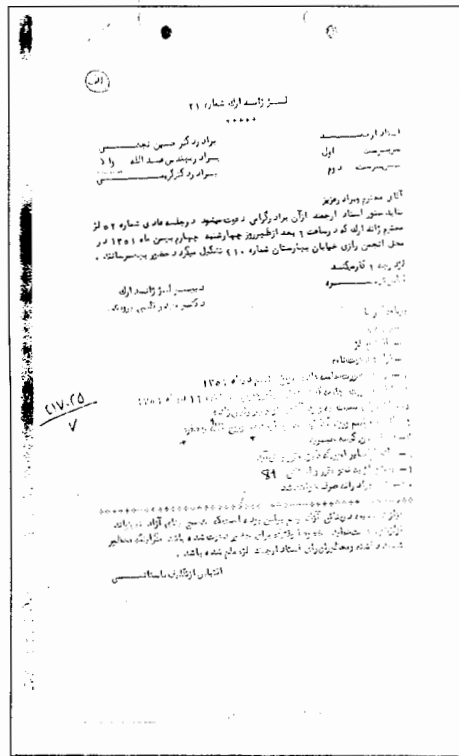
بنا بدستور استاد ارجمند از آن برادر گرامی دعوت میشود در جلسه عادی شماره ۵۲ لژ محترم ژاندارک که در ساعت ۶ بعد از ظهر روز چهارشنبه چهارم بهمن ماه ۱۳۵۱ در محل انجمن رازی خیابان بهارستان شماره ۴۱۰ تشکیل میگردد حضور بهم رسانند.

لژ درجه ۱ کار میکند

لباس تیره

دبیر لژ ژاندارک

دکتر حیدرقلی برومند



برنامه کارها

- ۱- افتتاح لژ
- ۲- قرائت دعوت نامه
- ۳- قرائت صورت جلسه عادی مورخ ششم دیماه ۱۳۵۱
- ۴- قرائت صورت جلسه کمیته تحقیق و امور عمومی سه شنبه ۱۹ در ماه ۱۳۵۱
- ۵- اخذ رأی نسبت به ورود آقای منوچهر رئیس زاده
- ۶- انجام مراسم ورود آقایان حسن اوحدی و روح الله جعفری
- ۷- گردانیدن کیسه خیریه

۸- انجام سایر اموریکه طبق مقرر پیش آید

۹- بستن لژ به نحو مقرر و باستانی

۱۰- شام برادرانه صرف خواهد شد

از ازمه قدیمه در بنائی آزاد رسم بر این بوده است که هیچ بنای آزاد نمیتواند از لژ خود غیبت نماید
خصوصاً وقتیکه برای حضور دعوت شده باشد مگر اینکه محظور شدید داشته و محظور او برای
استاد از جمند لژ مسلم شده باشد.

اقتباس از تکلیف باستانی

لژ بزرگ ایران

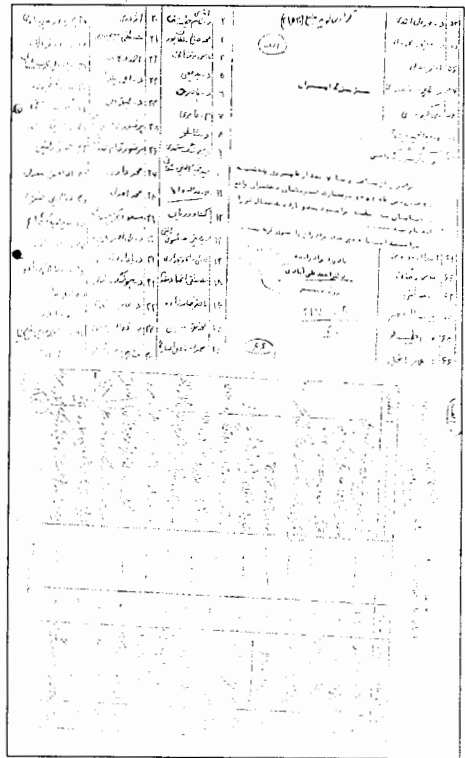
برادر عزیز و گرامی

برادران از ساعت ۵ تا ۷ بعد از ظهر روز پنجشنبه ۳۰ فروردین ماه ۱۳۵۲ در عمارت هنرستان دختران واقع در خیابان سوم اسفند مراسم دید و بازدید سال نو را انجام میدهند. خواهشمند است با حضور خود برادران را مسرور فرمائید.

با درود برادرانه

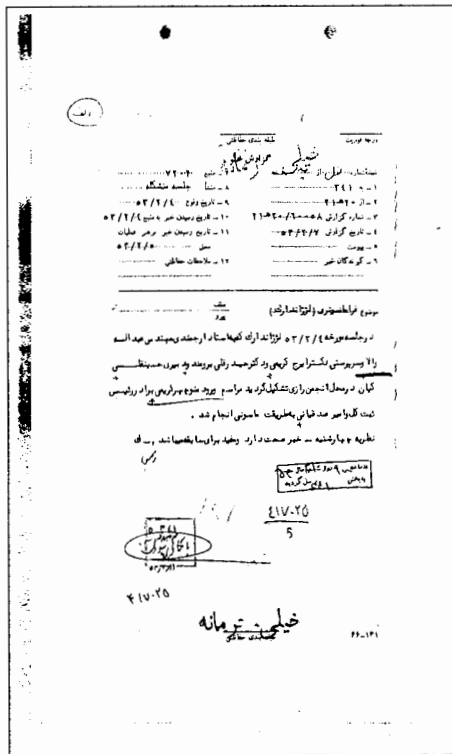
دکتر احمد علی آبادی

بزرگ دبیر



از: ۲۱۵۲۰ شماره: ۳۴۱
 تاریخ: ۵۳/۲/۷ شماره: ۲۱۵۲۰/۶۰۰۵۸
 موضوع: فراماسونری (لژ ژاندارک)

در جلسه مورخه ۵۳/۲/۴ لژ ژاندارک که به استاد ارجمندی مهندس عبدالله والا و سرپرستی دکتر ایرج کریمی و دکتر حیدرقلی برومند و دبیری حسینقلی کیان در محل انجمن رازی تشکیل گردید مراسم ورود منوچهر کریمی برادر رئیس ثبت کل و امیر صدقیانی به طریقت ماسونی انجام شد.
 نظریه چهارشنبه - خبر صحت دارد و مفید برای سابقه میباشد.
 بهره‌برداری شد ۴۱۷۰۲۵۵۳/۲/۱۱



لژ ژاندارک

شماره ۲۱

آقای محترم و برادر عزیز

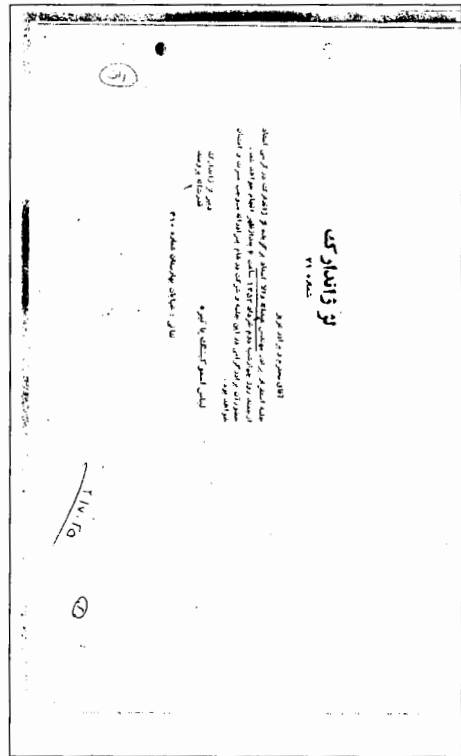
جلسه استقرار برادر مهندس عبدالله والا
استاد برگزیده لژ ژاندارک در کرسی استاد
ارجمند روز چهارشنبه دوم خرداد ۱۳۵۲
ساعت ۶ بعد از ظهر انجام خواهد شد.
حضور آن برادر گرامی در این جلسه و
شرکت در شام برادرانه موجب مسرت و امتنان
خواهد بود.

لباس اسموکینگ یا تیره

دبیر لژ ژاندارک

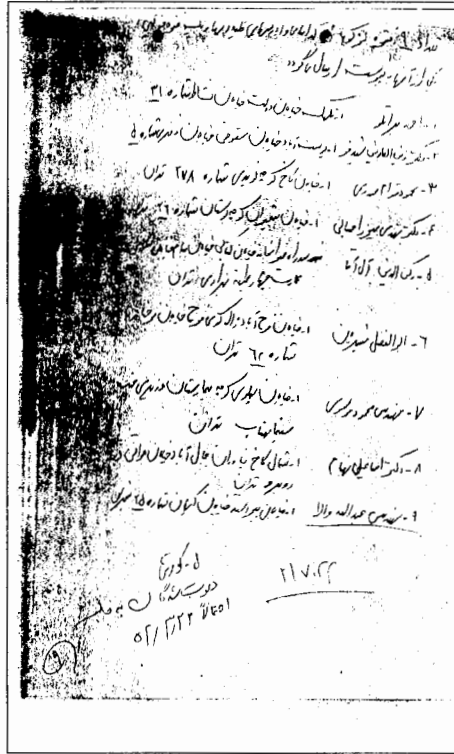
قدرت‌اله برومند

نشانی: خیابان بهارستان شماره ۴۱۰



تعداد ۹ فقره لژ کورش که اسامی و آدرسهای کلیه آنها و یک فقره فتوکپی یکی از آنها به پیوست ارسال می‌گردد.

- ۱- احمد براتلو - قلهک خیابان دولت خیابان نشاط شماره ۳۱
- ۲- دکتر زین العابدین - شیدفر یوسف آباد خیابان مستوفی خیابان دفتری شماره ۵
- ۳- محمود قوام صدری - خیابان کاخ کوچه نویدی شماره ۲۷۸ تهران
- ۴- دکتر مهدی میرزا حسابی - خیابان شمیران کوچه بوستان شماره ۲۶ تهران
- ۵- رکن‌الدین آل‌آقا - سه راه ضرابخانه خیابان کتابی خیابان سام خیابان سلامی عمارت چهار طبقه بهزادی تهران



- ۶- ابوالفضل مشیریان - خیابان فرح آباد زاله کوی فرح خیابان فرحناز شماره ۶۲ تهران
- ۷- مهندس محمود موسوی - خیابان پهلوی کوچه بیمارستان وزیری جنب سینما مهتاب تهران
- ۸- دکتر اسماعیل بهنام - شمال کاخ نیاوران جمال آباد خیابان هراتی در روبرو تهران
- ۹- مهندس عبدالله والا - خیابان پیراسته خیابان کیهان شماره ۲۵ شمیران

ل- کورش دعوت شدگان به جلسه احتمالاً ۵۲/۳/۲۳

از: ۲۱۵۲۰ تاریخ: ۵۲/۱۰/۱۰
 به: ۳۴۱ شماره: ۲۱۵۲۰/۱۱۱۵۷۷
 موضوع: فراماسونری (لژ ژاندارک)

جلسه عادی لژ ژاندارک در ساعت ۱۸۰۰
 روز ۵/۱۰/۵۲ بریاست مهندس عبدالله والا
 استاد ارجمند آن لژ تشکیل گردید که در آن
 نسبت به ورود آقایان محمد اسدی - مهندس
 عزت‌اله تیرانداز - اسمعیل هنرمندی و منوچهر
 کریمی برای بار اول قرائت و تصویب شد و
 برای تحقیق به کمیته مربوطه فرستاده شد.
 مراسم ارتقاء دکتر ضیاء‌الدین شادمان و
 روح‌اله جعفری بدرجه سه ممتاز استادی انجام
 و لژ تعطیل گردید.

نظریه چهارشنبه خبر صحت دارد و مفید

برای سابقه میباشد

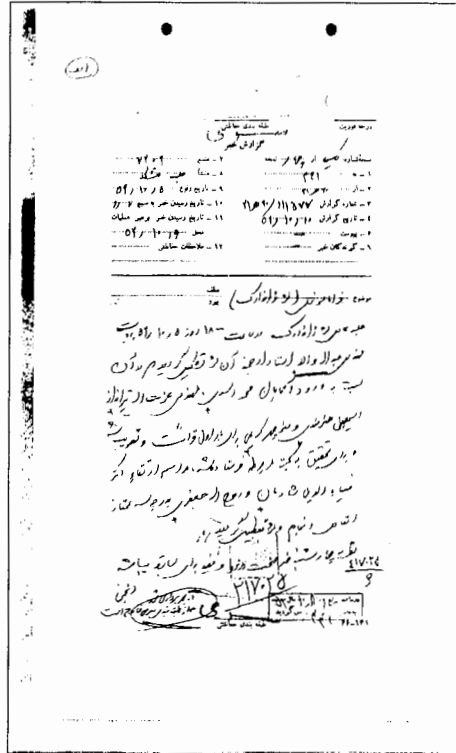
انجمن

۴۱۷۰۲۵

۶

۱- بهره‌برداری شد

۲- از طبقه‌بندی سری خارج است



از: ۲۱۵۲۰
 شماره: ۲۱۵۲۰/۷۹۶۴۱
 تاریخ: ۵/۸/۵۲
 به: ۳۴۱
 موضوع: فراماسونری

سری

کتابخانه ماسون
 گروه غیر

۱- جلسه دادی لژ غورفید در تاریخ ۵/۸/۵۲ بریاست سناتور ابراهیم پارسا با حضور ۲۸ نفر از استادان ماسون و اعضا لژ در محل انجمن رازی تشکیل گردید. بر اساس تصمیم مورجلسه سوم مهرماه ۱۳۵۲ درباره وضعیت آقایان مهندس ایرج پارسا، عزت‌اله خبیری و قدرت‌اله واحدی نوائی اخذ رای بعمل و تصمیم رسید علی آبتین و محمد علی نقیب‌زاده به درجه سوم لژدار ماسونی ارتقا یافتند پس از آن حاضران سرسوقا رفتند و سرسوقا هم نیز مجلسی نوبت‌المداء تشکیل دادند.

۲- لژ ژاندارک جلسه دادی خود را در روز ۲/۸/۵۲ در محل انجمن رازی بریاست عبدالله والا و شرکت ۲۷ نفر تشکیل داد در این جلسه مهندس حسین شمس و مهندس کریم معتمدی به درجه سوم استاد ماسونی ارتقا دادند و مهندس قره‌گزلو در مورد پرداخت سهمیه ساختمان ساختان لژ بزرگ در میدان شهیاد تذاکرات اکیدی داد و از اعضا لژ خواست هر چه زودتر سهمیه خود را سهمیه بخورایند.

نظریه چهارشنبه - خبر صحت دارد و مفید برای سابقه میباشد. انجمن

۲۱۷۰۷۱
 ۱۰ برگ

۱- جلسه عادی لژ خورشید در تاریخ ۵۲/۸/۱ بریاست سناتور ابراهیم پارسا و با حضور ۲۸ نفر از استادان ماسون و اعضا لژ در محل انجمن رازی تشکیل گردید. پس از تصویب صورت‌جلسه سوم مهرماه ۱۳۵۲ درباره عضویت آقایان مهندس ایرج پارسا، عزت‌اله خبیری و قدرت‌اله واحدی نوائی اخذ رای بعمل و به تصویب رسید علی آبتین و محمد علی نقیب‌زاده به درجه سوم استاد ماسونی ارتقاء یافتند و پس از آن حاضران بسر میز شام رفتند و در سر میز شام نیز مطلب

فوق العاده گفته نشد.

۲- لژ ژاندارک جلسه عادی خود را در روز ۲/۸/۵۲ در محل انجمن رازی بریاست عبدالله والا و شرکت ۲۷ نفر تشکیل داد در این جلسه مهندس حسین شمس و مهندس کریم معتمدی به درجه سوم استاد ماسونی ارتقاء داده شدند و مهندس قره‌گزلو در مورد پرداخت سهمیه ساختمان لژ بزرگ در میدان شهیاد تذاکرات اکیدی داد و از اعضا لژ خواست هر چه زودتر سهمیه خود را بپردازند.

نظریه چهارشنبه - خبر صحت دارد و مفید برای سابقه میباشد. انجمن

۱- بهره‌برداری شد

۲- از طبقه‌بندی سری خارج است ۵۱/۸/۲۷

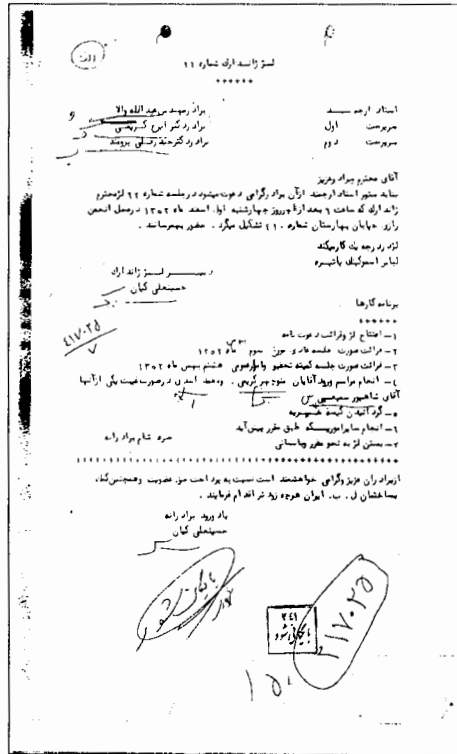
۴۱۷۰۷۱
۱۰ برگ

لژ ژاندارک شماره ۲۱

استاد ارجمند برادر مهندس عبدالله والا
 سرپرست اول برادر دکتر ایرج کریمی
 سرپرست دوم برادر دکتر حیدرقلی برومند

آقای محترم و برادر عزیز
 بنابدستور استاد ارجمند از آن برادر گرامی
 دعوت میشود در جلسه شماره ۶۲ لژ محترم
 ژاندارک که ساعت ۶ بعد از ظهر روز چهارشنبه
 اول اسفند ماه ۱۳۵۲ در محل انجمن رازی
 خیابان بهارستان شماره ۴۱۰ تشکیل میگردد
 حضور بهم رسانند
 لژ در درجه یک کار میکند
 لباس اسمو کینک یا تیره

دبیر لژ ژاندارک
 حسینعلی کیان



برنامه کارها

- ۱- افتتاح لژ و قرائت دعوت نامه
- ۲- قرائت صورت جلسه عادی مورخ سوم بهمن ماه ۱۳۵۲
- ۳- قرائت صورت جلسه کمیته تحقیق و امور عمومی هشتم بهمن ماه ۱۳۵۲
- ۴- انجام مراسم ورود آقایان منوچهر کریمی. و محمد اسدی در صورت غیبت یکی از آنها آقای شاهپور سمیعی
- ۵- گردانیدن کیسه خیریه
- ۶- انجام سایر اموری که طبق مقرر پیش آید

صرف شام برادرانه

۷- بستن لژ به نحو مقرر و باستانی

از برادران عزیز و گرامی خواهشمند است نسبت به پرداخت حق عضویت و همچنین کمک
بساختمان ل. ب. ایران هر چه زودتر اقدام فرمایند.

با درود برادرانه

حسینعلی کیان

بایگانی شود....

از: ۲۱۵۲۰ تاریخ: ۵۲/۱۱/۶
 به: ۳۴۱ شماره: ۲۱۵۲۰/۱۱۱۵۸۹
 موضوع: فراماسونری (لژ ژاندارک)

جلسه عادی لژ ژاندارک در ساعت ۱۸۰۰
 روز ۵۲/۱۱/۳ در محل انجمن رازی با حضور
 ۲۱ نفر تشکیل گردید و افسران لژ بشرح زیر
 بودند.

- ۱- استاد ارجمند لژ مهندس عبدالله والا
- ۲- سرپرست اول دکتر کریمی که بعلت بیماری
 حضور نداشت و بجای وی مصطفی عامری کار
 کرد.
- ۳- سرپرست دوم دکتر حیدرقلی برومند
 نماینده مجلس شورایملی
- ۴- دبیر لژ حسینعلی کیان

در این جلسه ضمن انجام امور عادی لژ
 مراسم ورود مهندس عزت‌اله تیرانداز
 استاندار کرمان و اسمعیل هنرمندی معاون
 وزارت دادگستری به طریقت ماسونی انجام
 شد.

نظریه چهارشنبه - خبر صحت دارد و مفید
 برای سابقه میباشد. انجمن

۴۱۷۰۲۵
 ۲۱۷۰۲۵
 ۷

فراماسونری لژ ژاندارک

جلسه عادی لژ ژاندارک ساعت ۱۸۰۰ روز ۵۲/۱۱/۳ در محل انجمن رازی با حضور ۲۱ نفر تشکیل
 گردید و افسران لژ بشرح زیر بودند.

۱- استاد ارجمند لژ مهندس عبدالله والا
 ۲- سرپرست اول دکتر کریمی که بعلت بیماری حضور نداشت و بجای وی مصطفی عامری کار کرد
 ۳- سرپرست دوم دکتر حیدرقلی برومند نماینده مجلس شورایملی
 ۴- دبیر لژ حسینعلی کیان

در این جلسه ضمن انجام امور عادی لژ مراسم عزت‌اله تیرانداز استاندار کرمان و اسمعیل
 هنرمندی معاون وزارت دادگستری بطریقت ماسونی انجام شد.

نظریه چهارشنبه - خبر صحت دارد و مفید برای سابقه میباشد. انجمن

۴۱۷۰۲۵
 ۲۱۷۰۲۵
 ۷

از: ۲۱۵۲۰ تاریخ: ۵۲/۱۱/۱۶

به: ۳۴۱ شماره: ۲۱۵۲۰/۱۱۱۵۹۷

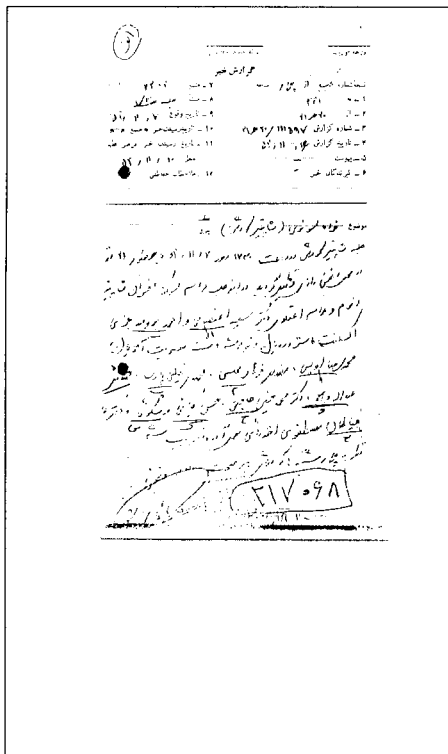
موضوع: فراماسونری (شاپیتر کورش)

جلسه شاپیتر کوروش در ساعت ۱۷۳۰ روز ۵۲/۱۱/۷ با حضور ۲۱ نفر در محل انجمن رازی تشکیل گردید در این جلسه مراسم سوگند افسران شاپیتر انجام و مراسم اعتلای دکتر سعید اعتصابی و احمد برومند جزئی اکسلنت ماستر و رویال انجام شد و نسبت بعضویت آقایان محمد رضا اویسی، مهندس فرهاد مجلسی، مهندس خلیل پارسا، مهندس عبدالله والا، دکتر محمد حسین حاجتی، حسن کیائی و شکوئی و دکتر علی خیاطان مصطفوی اخذ رأی بعمل آمده و

تصویب شد

نظریه چهارشنبه: گزارش خبر صحت دارد.

بایگانی شود



جستاری به سایر منابع

بخش اول : اشخاص

- در این بخش سعی گردید، پیرامون برخی از اشخاص، احزاب، انجمن‌ها، اماکن که در متن بدان اشاره شده است، از منابع ذیل استفاده شود:
- ادبیات نوین ایران: (از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی) - یعقوب آژند - تهران - ۱۳۶۳ - امیرکبیر.
- اسناد احزاب سیاسی ایران (۱۳۲۰ - ۱۳۳۰) - تهران - ۱۳۷۶ - سازمان اسناد ملی ایران.
- اسناد احزاب سیاسی ایران: (فعالیت‌های کمونیستی) - به کوشش کاوه بیات - تهران - ۱۳۷۰ - سازمان اسناد ملی ایران.
- انقلاب ایران به روایت رادیو بی بی سی - زیر نظر عبدالرضا هوشنگ مهدوی؛ - ۱۳۷۲ - طرح نو.
- بازیگران روی صحنه - مؤلفین کریم رشتی زاده، احمد رشتی زاده - ۱۳۷۳ - .
- بازیگران سیاسی عصر رضاشاهی و محمد رضاشاهی - تألیف ناصر نجمی - تهران - ۱۳۷۳ - انیشتین .
- بازیگران عصر انقلاب - مؤلفین: کریم رشتی زاده، علی بدیع - ایران آرشیو.
- پارلمان - نگارش حبیب دادفر - ۱۳۴۳ - ایران آرشیو.
- پارلمان ایران: شرح زندگانی شخصی و اجتماعی نمایندگان دوره نوزدهم - بقلم بهرام دهناد - تهران - ۱۳۴۳.
- پژوهشی در تاریخ معاصر ایران: برخورد شرق و غرب در ایران (۱۹۵۰) - تألیف مریم میراحمدی - مشهد - ۱۳۶۶ - ۱۳۶۸ - آستان قدس رضوی .

- تاریخ بیست ساله ایران - نگارش و تألیف حسین مکی - تهران - ۱۳۵۸ - امیر کبیر.
- تاریخ سیاسی معاصر ایران - جلال الدین مدنی - تهران - ۱۳۶۹ - اسلامی.
- جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ - غلامرضا نجاتی - تهران - ۱۳۶۴ - انتشار.
- چهره مطبوعات معاصر - غلامحسین صالحیار... - تهران - ۱۳۵۱ - اجنت.
- خاطرات و اسناد: مجموعه‌ای از خاطرات خاطره نویسان نخبه - به کوشش سیف الله وحید نیا - تهران - ۱۳۶۷ - وحید.
- خدمتگزاران ملک و ملت: خصوصیات روحی و اخلاقی چهره‌های برجسته - نوشته سیاکزار فیروزان - ۱۳۴۳ - سازمان آتوسا.
- خدمتگزاران خراسان - تنظیم و نگارش ع. رضائی (عبید) - ۱۳۵۰ - سازمان تعاونی همگانی.
- دایرة المعارف یا فرهنگ دانش و هنر - تألیف پرویز اسدی زاده - تهران - ۱۳۴۹ - اشرفی.
- در راه انقلاب و دشواریهای مأموریت من در فرانسه - تألیف شمس الدین امیر اعلائی - تهران - ۱۳۶۲ - دهخدا!
- دکتر محمد مصدق در دادگاه تجدید نظر نظامی - به کوشش جلیل بزرگمهر - تهران - ۱۳۶۵ - انتشار.
- زندگی سیاسی عبدالحسین هژیر - تألیف جعفر مهدی نیا - تهران - ۱۳۷۳ - پانوس.
- زندگی و خاطرات امیر عباس هویدا - اسکندر دلد - تهران - ۱۳۷۲ - نشر گلفام.
- سندیکاهای صنفی در ایران - تألیف اکبری؛ استاد راهنما داریوش - تهران - ۱۳۴۸ - تلویزیون ملی ایران.
- شناسنامه مطبوعات ایران از ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷ شمسی - گردآورنده مسعود برزین - تهران - ۱۳۷۱ - بهجت.
- ظهور و سقوط سلطنت پهلوی - حسین فردوست - تهران - ۱۳۶۹ - اطلاعات.
- فراموشخانه و فراماسونری در ایران - نوشته اسماعیل رائین - تهران - ۱۳۵۷، ۱۳۴۷ - امیرکبیر.
- فهرست اسامی و مشخصات نمایندگان ۲۴ دوره مجلس شورای ملی - تهران - ۱۳۶۸ - وزارت کشور.
- کتاب سال شیدا: مجموع مقالات موسیقی ویژه پژوهش در فرهنگ ایران - گردآورنده محمد رضا لطفی - تهران - ۱۳۷۲ - مؤسسه فرهنگی هنری شیدا.

- مطالعات سیاسی - مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی - تهران - ۱۳۷۰ - مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
- مطبوعات ایران از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶ بانضمام احزاب سیاسی - گردآورنده حسین ابوترابیان - تهران - ۱۳۶۶ - اطلاعات.
- مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تاکنون - تألیف خانبابا مشار - ۱۳۴۰.
- نام آوران معاصر ایران: خصوصیات روحی و اخلاقی چهره‌های برجسته سال - نوشته: سیاکزار فیروزان - تهران - ۱۳۴۴ - سازمان آتوسا.
- نخست وزیران ایران - تألیف: احمد عبدالله پور - تهران - ۱۳۶۹ - علمی.
- نمایندگان ملت: بیوگرافی ۸۱ نفر از نمایندگان دوره پانزدهم - نصرالله شیفته - ۱۳۲۷.
- وزارت کشور از دیروز تا امروز - نویسندگان ناصر نجمی، حسین عمادزاده - تهران - ۱۳۴۶ - وزارت کشور.
- وزرای معارف ایران: وزیران آموزش و پرورش - تألیف احمد عبدالله پور - ۱۳۶۹ - احمد عبدالله پور.

احمد آرامش

در سال ۱۲۸۷ در یزد متولد شد، قسمتی از تحصیلات خود را در یزد و بقیه آن را در کالج آمریکائی تهران پایان رسانید. از سال ۱۳۲۵ مدیر و صاحب امتیاز روزنامه یومیه دیپلمات شد، مدتی نیز دبیر کل حزب دمکرات ایران بود که برهبری قوام السلطنه تشکیل شد. رئیس انجمن روزنامه‌نگاران و رهبر جوانان حزب دمکرات ایران، بانی و تشکیل دهنده گروه ترقی خواهان ایران بشمار میرود. وی از سال ۱۳۱۰ در پستهای مختلف سازمان راه آهن، وزارت راه، وزارت دارائی، وزارت بازرگانی و بعد معاون و کفیل وزارت بازرگانی و در سال ۱۳۲۵ به وزارت کار اشتغال داشت و در سال ۱۳۳۳ ناظر سازمان برنامه بود و در سال ۱۳۳۹ بسمت وزیر مشاور و قائم مقام نخست وزیر در سازمان برنامه منصوب گردید.

وی چندین بار به زندان افتاد و آخرین بار بمدت ۷ سال در زندان قصر بسر برد. احمد آرامش پس از آزادی از زندان در ۲۴ مهر ۱۳۵۲ در پارک لاله بدست افرادی ناشناس بقتل رسید.

نامبرده خاطرات خود را تحت عنوان یادداشتهای زندان به رشته تحریر درآورده و در آن به بیان مقاطعی از تاریخ معاصر کشور پرداخته است. در سطورى از این کتاب میخوانیم :

صبح روز دهم فروردین ماه ۱۳۴۴ من بنمایندگی از جانب کمیته جمهوریخواهان ایران عدم صلاحیت شاه برای ادامه سلطنت و لزوم واژگونی رژیم مبتدل وی را کتباً اعلام داشتم و چون یکی از نسخه‌های اعلامیه مرا نماینده

خبرگزاری یونایتدپرس بلافاصله پس از دریافت به سازمان امنیت ایران تسلیم کرد من در ساعت شش بعدازظهر همانروز بازداشت شده و در یکی از دخمه‌های زندان قزل قلعه در چنگال دژخیمان اوئیفورم پوش آریامهر گرفتار آمدم. با آنکه اکنون متجاوز از پنج سال از آن تاریخ میگذرد و همچنان در بدترین وضع و جانگدازترین شرایط گرفتارم محل زندان من پس از دو ماه به زندان قصر منتقل گردید و در تمام این مدت من در یک قفس دو متر در سه متر یعنی در دخمه‌ای که نه نور دارد و نه حرارت، بدون داشتن حق ملاقات، یکه و تنها در سخت‌ترین شرایط ممکن محبوسم. رنجی را که من در این مدت طولانی در این مکان مخوف تحمل کردم نه قابل توصیف است و نه در قدرت تحمل بشرهای عادی. فقط خدا، خدائی که همه «اوست» و «هر چه هست از اوست» میداند که من در این سالیان دراز از دست دژخیمان آریامهر چه کشیده‌ام و هنوز هم چه نمی‌کشم. زنده ماندن من در این ماتمکده با اینهمه زجر و درد و عذاب روحی و جسمی از معجزات بزرگ خداوندی است. برای نمونه می‌گویم که از آبان ماه سال ۱۳۴۵ تا فروردین ۱۳۴۶ پس از اینکه من نامه تاریخی و اعتراض‌آمیز خود را از داخل زندان برای سناتور کندی فقید فرستادم و عین آن را سفیر کبیر وقت دولت آمریکا در تهران در کمال ناجوانمردی و رذالت به شخص شاه فروخت مدت ۶ ماه تمام اجازه ندادند که من از سلول دو متر در سه متر تاریک و سرد خود خارج شوم. من مدت ششماه تمام چهره خورشید را ندیدم. بلکه فقط اشعه کم‌رنگ آفتاب را غروبهای زمستان در حالیکه از شدت سرما برخود میلرزیدم از پشت پنجره کوچک و میله‌دار سلول زندان خود بر لبه بام حیاط محقر مشرف بر دخمه خویش با حسرت نظاره میکردم و چون بر اثر عدم حرکت و محروم بودن از حرارت و نور مبتلا به درد مفاصل شده و زمینگیر گردیدم، پس از شش ماه دستور دادند که دو پاسبان مرابدوش کشیده و برای استفاده از حرارت آفتاب بهاری به حیاط غم‌انگیز مجاور سلول ببرند. پیش از آغاز این دوره و حشمت‌زای ششماهه چون دژخیمان آریامهری از جانب من از افشای نام اعضای کمیته جمهوریخواهان و دیگر همگام نامید شدند مدت دوازده روز تمام به من غذا ندادند (البته من غذای خودم را بخرج خودم تهیه میکردم و حتی یک دفعه هم از غذای زندان استفاده نکردم) بدین ترتیب که یک روز جمعه قبل از ظهر از اداره اطلاعات شهربانی یک افسر دژخیم صفت با چند پاسبان به سلول من هجوم آوردند و پس از اینکه همه چمدانها و اسبابهای مرا با یک یورش وحشیانه در کریدور داخل سلول من پراکنده ساختند، همه جا را برای جستجوی مینوت نامه عنوان سناتور رابرت کندی بازرسی کردند هر چه خوراکی بود همه را بردند (حتی یک جعبه کوچک که فقط چند آب نبات در آن باقی بود) و سپس در سلول را قفل کرده و دو پاسبان میرغضب شمایل بر من گماردند و رفتند بدون اینکه اجازه دهند غذائی را که دخترم از منزل برای من فرستاده بود بداخل بیاورند یا من بتوانم خود کسی را برای خرید مواد خوراکی بخارج بفرستم. به خدای بزرگ، به خدائی که سرنوشت همه کاینات وابسته به مشیت اوست قسم که من مدت دوازده شبانه روز تمام جز آب چیزی نخوردم و نیاشامیدم. آب و فقط آب. از روز هفتم من به حال ضعف افتادم و از روز نهم قدرت حرکت از من سلب شد. بقیه مدت دوازده روز را دو پاسبان که بر من گمارده بودند تا ناظر جان‌کندن من باشند در حالیکه دور از

چشم افسر نگهبان اشک میریختند آب به حلق من سرازیر میکردند. در روزهای یازدهم و دوازدهم من از فرط ضعف در حال اغما بودم و دیگر چیزی حس نمی‌کردم و چشمم هم جانی را نمیدید. در آن زمان نمیدانم چه شد با تزریق سرم گلوکز در رگهای بی حرکت مرا بهوش آوردند و تا مدت ۱۷ روز بعد از آن تاریخ نیز فقط روزی دو فنجان چای و یک بطری آب میوه بمن خوراندند زیرا روده‌ها بکلی خشک شده و صرف غذا مقدور نبود و سپس دوره ششماهه نگهداری من در داخل آن سلول تاریک و سرد آغاز شد و تمام دوره زمستان آن سال ادامه یافت تا منتهی به درد مفاصل بسیار شدید گردید و من بکلی زمینگیر گردیدم. برای درمان مفاصل خود من تا مدت یکسال حداقل چهارصد آمپول مختلف تزریق کردم و تعداد آمپولهایی که من در این مدت پنجسال برای زنده ماندن در این دخمه وحشتناک مصرف کرده‌ام از دو هزار عدد متجاوز است و هم اکنون نیز گرفتار رماتیسم سختی هستم که در همین جا یعنی در زندان آریامهر بدان مبتلا گردیده‌ام...

حسین آزموده (سپهبد)

وی در دانشگاه تهران و دانشگاه جنگ به تحصیل در امر حقوق و نظامی گری مشغول بوده است. در محاکمه دکتر مصدق دادستانی ارتش را به عهده داشت و مدتی را نیز به ریاست دادرسی ارتش مشغول بوده است.

جعفر اخوان

اخوان از اهالی تهران بود که پس از تحصیلات ابتدایی به کسب و پیشه و تجارت روی آورد و توانست با کمک استعداد خود در مدت کوتاهی شعبات تجاری در لندن، بمبئی و توکیو دایر کند. پس از پایان جنگ جهانی دوم جعفر اخوان به دنبال ایجاد صنعت خودروسازی در ایران بود که ثمره تلاشهای وی ایجاد کارخانه مونتاز جیب، آریا و شاهین در سال ۱۳۳۸ در ایران بوده است. جعفر اخوان در کنار فعالیتهای صنعتی، بانک داریوش را بنیان گذارد و توانست بخش عمده‌ای از محصولات کارخانه‌های خود را به ارتش بفروشد.

جعفر اخوان نایب رئیس اتاق بازرگانی و عضو هیئت امنای دانشسرای عالی و جمعیت فراماسونری (لژ آریا) بود.

عزیز اعظم زنگنه

درباره وی که از نمایندگان مجلس شورای ملی در دوره پانزدهم از کرمانشاه است در کتاب

نمایندگان ملت آمده است :

دلی احساساتی که گوش او را گرفته و تا پاریس برده است.

بقول شاعر می‌کشد آنجا که خاطر خواه اوست! جمعی دلیل علاقمندی زنگنه را به جنس زن از روی نامش که با

کلمه (زن) آغاز می‌شود می‌دانند! بی‌علت هم نیست که ۵ زن عوض نموده است.

اشخاصی که با وی معاشرت مینمایند در جلسه اول نمی‌توانند باور کنند این جوان موبور چشم زاغ که بسادگی

یک کودک با آنها حرف می‌زند فرزند امیر کل کرمانشاهی است!

این کار خوشمزه و کیل کرمانشاه هنوز در خاطره بعضی‌ها هست که در هنگام اشغال ایران شبی با هندل اتومبیل

مرسدس خودش علامت ویکتوری که بر بالای سردرخانه پیروزی نصب بود خورد و خمیر کرد و انتقام این دل

احساساتی را از پیروزی گرفت، بدبختانه این قلدری ملی آنقدرها هم برای وی ارزان تمام نشد، زیرا اعظم زنگنه ۹ ماه

بجرم ستون پنجم به زندان رفت.

زنگنه پاریس و کرمانشاه را می‌تواند چشم بسته گردش کند، در بیروت که درس میخواند از شیطنت او معلمین

امان نداشتند،

میگویند مدتی است که ترک این شیطنت‌ها کرده و کسی او را ندیده است که پونز روی صندلی آقای رئیس مجلس

بگذارد...؟!

عزیز فرانسه و انگلیسی خوب می‌داند ولی بسبب دلتنگی و کدورتی که از انگلیس‌ها دارد کمتر میل می‌کند با

انگلیسی حرف بزند، طبع عاشق و ساده وی فرانسویها بهتر از انگلیس‌ها هستند.

زنگنه به منیژه دختر کوچک ۱۱ ساله خود بسیار علاقمند است....

عزیز در جلسه علنی مجلس بسیار کم صحبت مینماید و به رفیق، شکار و اتومبیل علاقه زیاد دارد.

زنگنه صاحب زیباترین اتومبیل (یعنی کلادیلاک) و دارای بهترین تفنگ (از نوع ریشارد) است.

وقتی شما را در اتومبیل آسمانی رنگ خود می‌نشانند، چنان بسرعت شما را باینور و آنور می‌اندازد که شما مصمم

خواهید شد این وکیل مجلس را که اینگونه از مصونیت خود سوء استفاده می‌نماید بدست پلیس بسپارید...!!!

منشی مجلس در یکی از خانواده اعیان منش و ملاکی در کرمانشاه متولد گردیده است.

چون خوش خورده و خوش خوابیده برای مال دنیا قیمتی قائل نیست، همیشه میگوید مال از بهر آسایش عمر

است نه عمر بهر گرد آوردن مال. با آنکه در برابر دوربین عکاس اخمش را بهم می‌کشد اما در محضر رفقا لبانش از خنده

جمع نمی‌شود.

عزیز انواع سگ در خانه دارد، سیاه، سفید، ریز و درشت، ویژه سالن، پر خنده؟! همگان..!؟

عزیز دیر جوش و سخت غسل است.

عزیز راجع بحکومت قوام معتقد بود :

او برای کسانی بود که یا صد درصد مخالف بودند، یا صد درصد موافق...؟!

به ذوالفقاری‌ها، امیر حسین بختیار و دکتر طباطبائی، ارادت می‌ورزد همچنین با جهانگیر تفضلی و خسرو اقبال سابقه دوستی دارد، همکاری زنگنه در نوشتن روزنامه نبرد با آنها هنوز در خاطره‌ها باقی است.

در مورد سیاست خارجی می‌گوید موازنه باز هم موازنه و هکذا موازنه...؟!

زیرا با این همسایگان پر مدعا بهتر است که بگوئیم نه شیر شتر، نه دیدار عرب!

حسین افشار

افشار در سال ۱۲۷۳ هجری قمری در رضائیه بدنیا آمد و پس از فراگیری تعلیمات ابتدائی نزد معلم خانوادگی و آموختن مقدمات زبان فارسی و فرانسوی در چهارده سالگی عازم کشور فرانسه شد... وی پس از اتمام تحصیلات متوسطه در پاریس وارد مدرسه عالی کشاورزی آنجا شد و پس از پایان تحصیلات در اثنای جنگ بین‌الملل اول به ایران مراجعت کرد چون در آن موقع آذربایجان تحت اشغال قوای روس بود او در معیت عده‌ای از مردان سپاهی بر ضد اشغالگران اقدام نمود و بالاخره درست در آن موقع که رضائیه گرفتار جنگ و کشتار بیرحمانه و مهیب بود جزو افراد لشکر ۶ عثمانی وارد رضائیه شد و این لشکر پس از شرکت در جنگهای خونین موفق باستخلاص مردم شهر گردید و حسین افشار از طرف ارتش عثمانی موفق بدریافت مدال جنگی شد.

او پس از خاتمه جنگ به تهران رفت و با استخدام وزارت دارائی درآمد و در اندک مدتی بریاست اداره ممیزی، سپس ریاست اداره مالیات مستقیم و ریاست اداره کل خالصجات مملکتی نائل آمد و در آن موقع که مخبرالسلطنه هدایت نخست وزیر بود و وزارت دارائی را نیز زیر نظر داشت بمعاونت آن وزارت خانه منصوب شده، امور وزارت خانه را زیر نظر گرفت.

در سال ۱۲۰۹ شمسی حسین افشار به مجلس شورای ملی راه یافت و تا سال ۱۳۲۲، شش دوره تمام نمایندگی رضائیه را در مجلس شورای ملی بعهده داشت....

حسین افشار معلومات و مطالعاتی در زمینه ریاضیات عالی، مکانیک، فیزیک و فلسفه داشت و برای فهم تئوریهای جدید فیزیک و نظریه نسبی انیشتین فعالیت نمود و فورمول ریاضی مخصوصی برای «ماکسیموم و مینیموم انتگرالها» در فضای بیش از سه بعدی و اقلیدس و غیر اقلیدس بدست آورد که در مطبوعات انتشار داد.

حسین افشار در اکثر جریانات ربع قرن اخیر رضائیه مؤثر بود بطوریکه تلاش برای جلوگیری از جنگ در جریانات سال ۲۴ و ۲۵ مورد توجه پاپ اعظم قرار گرفت و او را به اخذ یک قطعه نشان طلا مفتخر ساخت...

حسین افشار مدتی نیز ریاست انجمن شهر را به عهده داشت.

منوچهر اقبال (دکتر)

دکتر منوچهر اقبال در هفتم مهرماه سال ۱۲۸۸ شمسی برابر با سال ۱۳۲۷ هجری قمری در خراسان متولد گردید و در ۴ آذرماه سال ۱۳۵۶ درگذشت. او بهنگام مرگ ۶۸ سال داشت و آخرین سمت او رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران بود.

منوچهر اقبال شهرت و پیشرفت را مدیون «قوه ابتکار» خود و پدرش است. در جوانی آن اندازه خوش سیما بود که در شمار دوستان نزدیک اشرف پهلوی درآمد و بقدری مطیع و وفادار که در زمره محرمان شاه قرار گرفت. برخورداری از عناوین دانشگاهی و ارتباطات گسترده خارجی، او را به بهترین نامزد برای اجرای سیاست‌های مورد نظر شاه در آورده و به همین دلیل، دولت منوچهر اقبال قریب چهار سال دوام آورد ولی شاه برای مهار بحران سال ۱۳۳۹ او را قربانی می‌کند. شاه موفق می‌شود در دوران صدارت او ساواک را بنیانگذاری نماید.

پدر منوچهر اقبال، حاج مقبل السلطنه خراسانی، معروف به «اقبال التولیه» در آذرماه ۱۳۰۴ نماینده مجلس موسسانی شد که انتقال سلطنت از قاجار به رضاخان را تسجیل نمود. هر چند مقبل السلطنه چهره درجه اولی نبود که به حسب رعایت ظواهر، حضور او در مجلس ضروری باشد ولی انتخاب او شاهی بر پیوندهایش با دستگاه رضاخان بود و بدین ترتیب خانواده اقبال در ردیف ۴۰ خاندان برجسته ایران قرار گرفته بود. فرزندان حاج مقبل السلطنه شامل علی (نماینده مجلس)، عبدالوهاب (سناتور)، خسرو (سرمایه دار)، محمد (وکیل دادگستری)، احمد (سفیر) و منوچهر می‌شوند.

منوچهر در سال ۱۳۰۵ با هزینه شخصی عازم اروپا شد و در سال ۱۳۱۲ به عنوان متخصص امراض عفونی از دانشکده پزشکی پاریس فارغ‌التحصیل گردید. و در همین سال با یک دختر فرانسوی ازدواج کرد. منوچهر اقبال پس از بازگشت به ایران در مهرماه ۱۳۱۲ به خدمت سربازی رفت و در بیمارستان لشکر ۸ شرق (خراسان) به کار پرداخت. در سال ۱۳۱۳، رضاشاه در سفری به خراسان دچار زنبور گزیدگی شد و منوچهر اقبال درد او را التیام بخشید و مورد محبت شاه قرار

گرفت. پس از پایان سربازی، در سال ۱۳۱۴ رئیس بهداری شهرداری مشهد شد و مدتی بعد به تهران آمد و در شهریور ۱۳۱۵ ریاست بخش بیماری‌های عفونی بیمارستان رازی را به دست گرفت و در سال ۱۳۱۸ دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه تهران و سپس استاد کرسی بیماری‌های عفونی در این دانشکده شد. ورود اقبال به صحنه سیاست با شهریور ۱۳۲۰ و سقوط دیکتاتوری رضاخان مقارن است.

اقبال در آغاز در زمره اطرافیان احمد قوام قرار گرفت. در دولت اول قوام (مرداد - بهمن ۱۳۲۱) به معاونت وزارت بهداری رسید و این سرآغاز مشاغل دور و دراز دولتی او بود. در شهریور ۱۳۲۳ در کابینه محمد ساعد کفیل وزارت بهداری شد و در دولت قوام (بهمن ۱۳۲۴ - آذر ۱۳۲۶) به وزارت بهداری و وزارت پست و تلگراف رسید. در زمان ورود وزرای «توده‌ای» به کابینه قوام (ایرج اسکندری، دکتر فریدون کشاورز و دکتر مرتضی یزدی)، به منظور ایجاد توازن در قبال آنان، اقبال در نقش «جناح راست» کابینه ظاهر شد و به همراه سپهبد احمد امیراحمدی (وزیر جنگ) و ذکاءالدوله (سهام‌الدین) غفاری (وزیر پست و تلگراف) به اتخاذ مواضع تند علیه حزب توده و دولت خود مختار پیشه‌وری در آذربایجان دست زد. در این سناریو، قوام می‌بایست نقش «میان‌رو» ایفاء می‌نمود. منوچهر اقبال در دولت عبدالحسین هژیر (تیر - آبان ۱۳۲۷)، علیرغم رقابت‌هایی که با وی برای تصاحب پست نخست‌وزیری داشت، وزیر فرهنگ شد و به عنوان رئیس «سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی» نفوذ خود را گسترده ساخت. اقبال در سمت وزیر فرهنگ دولت هژیر به اقداماتی دست زد که برای وی شهرت گسترده‌ای به عنوان یک «چهره مرتجع» به ارمغان آورد.

مهم‌ترین این اقدامات، پیگیری تز «سیاست را از فرهنگ جدا کنید»، بمنظور سیاست زدائی مدارس و دانشگاه‌ها و مصوبه ضد مطبوعات شهریور ۱۳۲۷ بود. طبق این مصوبه دولت هژیر با اعتراض شدید مطبوعات مواجه شد که به توقیف تعدادی از آنها انجامید. منوچهر اقبال در دولت دوم محمد ساعد (آبان ۱۳۲۷ - فروردین ۱۳۲۹) ابتدا وزیر راه شد و مدت کوتاهی بعد (۲۱ آذر ۱۳۲۷) وزیر بهداری و سرپرست وزارت کشور گردید و در ۲۱ اسفند به وزارت کشور رسید. دکتر اقبال در جریان انتخابات این زمان با وساطت دکتر هادی طاهری (وزیر مشاور) مبلغ ۵۰۰ هزار تومان رشوه دریافت داشت. در این دوران اقبال به عنوان یک چهره وابسته به استعمار بریتانیا و دربار شهرت یافت و اوج آن زمانی بود که وی به بهانه ترور نافرجام شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷، اجرای یک سلسله اقدامات سرکوبگرانه، از جمله توقیف و تبعید آیت‌الله کاشانی و انحلال برخی

احزاب و توقیف جرائد، را به مجلس پانزدهم اعلام داشت. منوچهر اقبال در دولت رجبعلی منصور (فروردین - تیر ۱۳۲۹) نیز به عنوان وزیر راه حضور داشت.

با صعود رزم‌آرا به صدارت، اقبال به علت شهرت سوئی که اندوخته بود به کابینه راه نیافت و توسط شاه به عنوان استاندار آذربایجان راهی این خطه شد. در مرداد ۱۳۲۹ با اعلام لیست کارمندان مشمول «بندج» توسط دکتر محمد سجادی، رئیس هیئت تصفیه، نام اقبال در این لیست به چشم می‌خورد. مشمولین این لیست صلاحیت خدمت در دستگاه دولتی را نداشته و باید اخراج می‌شدند. اقبال در آذربایجان ریاست دانشگاه تبریز را نیز به عهده داشت.

در دوران دولت مصدق، اقبال متصدی شغلی نبود و تنها در دانشگاه تدریس می‌کرد. او مدتی بعد، در سال ۱۳۳۱، عازم اروپا شد.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، منوچهر اقبال به تهران بازگشت و به دستور شاه سناتور شد و در ۱۸ دیماه ۱۳۳۳ ریاست دانشگاه تهران و ریاست دانشکده پزشکی را به دست گرفت و در ۱۲ خرداد ۱۳۳۵ وزیر دربار شد. اوج موفقیت اقبال از این زمان آغاز گردید و از همین زمان است که رقابت شدید و کینه‌توزانه‌ای میان او و اسدالله علم آشکار شد. اقبال در این دوران عالیترین روابط را با محمد رضا و اشرف پهلوی داشت و می‌کوشید تا از خود یک چهره کاملاً خاضع و تابع نشان دهد. دختر بزرگ اقبال، مریم اقبال، پس از جدائی از محمود رضا پهلوی، عروس اشرف (همسر شهریار شفیق) شد. در نتیجه این روابط بود که دکتر منوچهر اقبال در ۱۵ فروردین ۱۳۳۶ به نخست‌وزیری رسید.

دولت اقبال به سرعت به عنوان یک دولت مطیع شاه و وابسته به بریتانیا شهرت یافت و بتدریج نارضائی مقامات آمریکائی از آن مشاهده شد و این عدم رضایت در نیمه دوم سال ۱۳۳۶ به اوج خود رسید.

دولت اقبال پس از ۳ سال و ۴ ماه مقابله با دشوارترین تنش‌های سیاسی در شهریور ۱۳۳۹ سقوط کرد و مدت کوتاهی بعد، در ۶ اسفند ۱۳۳۹، دکتر منوچهر اقبال - رئیس دانشگاه تهران، رهبر حزب ملیون و نماینده مجلس بیستم - در ساختمان دانشکده پزشکی دانشگاه تهران مورد حمله و توهین «دانشجویان» قرار گرفت و اتومبیل وی به آتش کشیده شد.

منوچهر اقبال در آبان ۱۳۴۲ توسط شاه به عنوان مدیر عامل «شرکت ملی نفت ایران» منصوب شد و در این پست مهار شده تا آخر عمر باقی ماند.

در واپسین دوران زندگی اقبال، تحقیر مدام و توطئه‌های آشکار و نهان علم علیه او تداوم

یافت و مقابله‌ها و ابراز حسادت‌های اقبال وی را در موضعی مطرود و حقیر در نزد شاه قرار داد. دکتر منوچهر اقبال در سفر سال ۱۳۳۱ به فرانسه به عضویت فراماسونری درآمد. در سالهای بعد، در راس لژهای تابع تشکیلات فراماسونری فرانسه قرار داشت. نام اقبال در زمره مؤسسين لژ «خورشید تابان» در خرداد ماه ۱۳۴۳ و رئیس هیئت مدیره این لژ قرار داشته است.

مصطفی الموتی

الموتی در سال ۱۳۰۶ در تهران بدنیا آمد و از دانشگاه تهران در زمینه حقوق لیسانس و در زمینه اقتصاد دکتری اخذ نمود. وی فعالیت مطبوعاتی خود را از سال ۱۳۲۱ با خبرنگاری آغاز نموده و عناوینی چون سردبیر روزنامه داد و مدیر صبح امروز را کسب کرد. نامبرده بدلیل خدماتش به رژیم پهلوی نشان درجه سوم همایون را بدست آورد. وی امتیاز روزنامه صبح امروز را پس از وقایع سال ۱۳۳۲ اخذ نموده و به انتشار آن پرداخت و از سال ۱۳۴۱ به بعد آنرا بصورت مجله منتشر کرد. الموتی دارای مشاغلی چون عضو هیئت مدیره بنگاه عمران، عضو هیئت مدیره شرکت معاملات خارجی، معاونت نخست‌وزیر و سرپرست بازرسی کل (در کابینه دکتر اقبال)، نمایندگی مجلس شورای ملی در دوره بیست و بیست و یکم از شهر رودبار الموت و... بود. الموتی از اعضای حزب ملیون و حزب ایران نوین بود و در مجلس شورای ملی ریاست فراکسیون حزب ایران نوین را بعهده داشت. نامبرده داماد عمیدی نوری (مدیر مجله داد) و معاون سیاسی سرلشگر زاهدی در دوره نخست‌وزیری بعد از سال ۱۳۳۲ بود.

صدرالدین الهی

الهی متولد ۱۳۱۳ است و در رشته‌های جامعه‌شناسی ورزشی و تاریخ مطبوعات از دانشگاههای تور و تولوز فرانسه مدارک دکتری اخذ نموده است. وی موفق به اخذ دیپلم روزنامه‌نگاری از انستیتوی مطبوعات فرانسه و نیز دکتری تخصصی از دانشسرای عالی این کشور است.

نامبرده فعالیت مطبوعاتی را از سال ۱۳۳۱ آغاز کرده و در نشریات مختلف به نوشتن مقاله و

داستان پرداخت. وی مدتی را بعنوان خبرنگار شهری کیهان، معاون سردبیر و سردبیر کیهان ورزشی گذراند و چندی نیز معاونت دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی را بعهده داشت. به زبانهای عربی، انگلیسی و فرانسه تسلط داشت.

علی اصغر امیرانی

امیرانی در سال ۱۲۹۴ در گروس متولد شد و در رشته حقوق لیسانس اخذ نمود. نامبرده فعالیت مطبوعاتی خود را از سال ۱۳۱۹ شروع نمود و در نشریاتی چون نسیم صبا، اطلاعات و ایران باستان قلم زد.

وی صاحب امتیاز و مدیر مجله خواندنیها بود که تا ایام بعد از انقلاب نیز منتشر میشد. امیرانی از رژیم پهلوی نشانهای همایون، تاجگذاری و اصلاحات ارضی را دریافت کرده است.

علی امینی

نواده امین‌الدوله قاجار و از رجال سیاسی دوران پهلوی که از او به عنوان یک عنصر کلیدی و اساسی در دوران پهلوی یاد می‌شود. بسیاری او را عامل سیاستهای امریکایی در ایران قلمداد می‌کنند که می‌خواسته با کمک امریکا رژیم پهلوی را ساقط کرده و خود بر مسند کشور تکیه زند. وی طی سالیانی در مشاغلی از قبیل سفارت ایران در واشنگتن، وزارت دارایی در کابینه‌های مختلف و معاون نخست‌وزیر، نمایندگی مجلس در دوره پانزدهم و پست نخست‌وزیری مشغول بوده است و پس از آنکه شاه از ناحیه او احساس نگرانی و خطر می‌کرده از مصادیر دولتی کنار گذارده شد.

آنگونه که از اسناد و مدارک موجود راجع به علی امینی بر می‌آید او مرجع تماس بسیاری از مخالفین و روشنفکران مخالف در دوران پهلوی بوده است. علی امینی همچنین کوشیده بود که روابط خود را با محافل دینی و مراجع مذهبی کشور برقرار و آن را حفظ کند.

علی امینی عضو لژ فراماسونری تهران بوده و پسرش بهمن امینی نیز که بعدها به ریاست دانشکده حقوق دانشگاه تهران برگزیده شده بود در این لژ عضویت داشت.

عبدالرضا انصاری

عبدالرضا انصاری در سال ۱۳۰۴ شمسی متولد شد، او تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان‌های فیروز بهرام و البرز انجام داد و در سال ۱۳۲۵ به دانشکده کشاورزی کرج وارد گردیده و پس از گذراندن دوره مهندسی زراعی این مرکز علمی، عنوان مهندسی کشاورزی را بدست آورد.

وی خدمات دولتی خود را در سال ۱۳۲۵ (پائیز آن سال) در اداره کل تبلیغات و رادیو آغاز نموده و در اداره اخبار رادیو (خبرنگار ورزشی) شد.

نامبرده پس از دو سال خدمت در اداره کل تبلیغات و وزارت کار برای ادامه تحصیلات در رشته اقتصاد عازم آمریکا شد و پس از اخذ درجه فوق لیسانس از دانشگاه یوتای آمریکا و گذراندن دوره اقتصاد در سال ۱۳۳۰ به ایران مراجعت کرده، از طرف وزارت اقتصاد ملی، مامور خدمت در هیئت عملیات اقتصادی آمریکا در ایران شد.

انصاری که جزء به اصطلاح جوجه مردان اصل چهار (وارن) و از جمله جمشید آموزگار و گودرزی به شمار می‌آمد در سال ۱۳۳۳ به سمت معاون رئیس اصل چهار در ایران مشغول کار گردید و سپس قائم مقام رئیس ایرانی صندوق مشترک ایران و آمریکا شد.

انصاری در سال ۱۳۳۶ به سمت وزیر کار وارد کابینه دکتر اقبال گردید و در شهریور ۱۳۳۹ با عنوان مدیر عامل سازمان آب و برق خوزستان به کار اشتغال ورزید و سپس در تیرماه سال ۱۳۴۳ استاندار خوزستان گردید.

عبدالرضا انصاری در کابینه دوم هویدا که از ۲۷ مهرماه سال ۱۳۴۶ تا شهریور سال ۱۳۵۰ دوام یافت وزیر کشور شد.

وی چند سالی را در مسند وزارت کشور گذراند و در عهد این وزارت بود که داستان تاجگذاری محمدرضا جریان پیدا کرد و شخص انصاری نیز به موازات فعالیت وزارتخانه‌های دیگر، گوشه‌ای از این کار را گرفت و خاصه در قضیه شرکت دادن بعضی ایلات و عشایر در روز تاجگذاری که در کاخ گلستان برقرار گردید، نقش مؤثری داشت.

وقتی عمر وزارت مهندس عبدالرضا انصاری در وزارت کشور بسر آمد، وی با اشرف روابطی برقرار کرد و مدیر عامل سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی شد که مدت‌ها در این سمت انجام وظیفه نمود.

وی نشانهای مختلفی چون جاوید، تاج و همایون از رژیم پهلوی دریافت داشته است.

سلیمان انوشیروانی

انوشیروانی در سال ۱۲۹۲ بدینا آمد و در رشته علوم سیاسی از دانشگاه تهران دکتری اخذ نمود. وی فعالیت مطبوعاتی خود را از سال ۱۳۲۳ آغاز نمود. نامبرده مدیریت نشریاتی چون سحر، باستان، کوه نور و مطبوعات سحر را بعهده داشت و نماینده مجلس شورای ملی نیز بود.

تیمور بختیار (سپهبد)

بختیار در سال ۱۲۹۳ در اصفهان متولد شده و در سال ۱۳۱۲ بدانشکده سن سیر فرانسه وارد شده دوره آنرا طی نمود و در سال ۱۳۲۶ به دانشگاه جنگ تهران وارد گردید. وی سمتهایی چون رئیس ستاد لشکر گارد شاه، فرمانده تیپ کرمانشاه، فرمانده لشکر ۲ زرهی مرکز، فرماندار نظامی تهران در دولت کودتا و بعد از سقوط دولت مصدق، معاون نخست‌وزیر و رئیس ساواک از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۹ را بعهده داشته است. نامبرده پس از برکناری از ریاست ساواک به بغداد رفت و مورد بهره‌برداری رژیم عراق بر علیه رژیم پهلوی قرار گرفت. وی در سال ۱۳۴۹ در عراق کشته شد.

فراهرز برزگر

برزگر متولد ۱۳۰۹ بوده و با نامهای عباس بهرام، فرخ بهروز و شاهرخ ارشاد مقاله مینوشت. دارای لیسانس فارسی و علوم تربیتی بود و خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۲۴ آغاز کرد و طی این مدت با سمت سردبیر، رئیس هیات تحریریه و نویسنده با نشریات روز ایران - امید ایران - تهران مصور - فردوسی - سپید و سیاه - مجله آموزش و پرورش - آتش - روشنفکر - و خوشه همکاری میکرد. فرانسه و انگلیسی میدانست و به عربی آشنائی داشت. از رژیم پهلوی نشان اصلاحات ارضی را اخذ نمود و بیش از ۶۰ جلد تالیف و ترجمه دارد.

سلیمان بهبودی

سلیمان بهبودی فرزند سلمان، در سال ۱۲۷۸ خورشیدی متولد شد. وی تحصیلات خود را در مدرسه اقدسیه به پایان رساند و از مدرسه آلیانس فرانسه دیپلم خود را دریافت کرد. بهبودی در آغاز جوانی، وارد خدمت وزارت دارایی شد، سپس در زمان سوئدیها به

ژاندارمری منتقل گردید. از سال ۱۲۹۶ خورشیدی به خدمت نظام رفت و در یکی از جنگهای داخلی، واقع در شمال کشور، شرکت کرد.

پس از کودتای ۱۲۹۹ رضاخان، مورد توجه رضاخان قرار می‌گیرد و از سال ۱۳۰۱ خورشیدی، برای انجام امور داخلی رضاخان، انتخاب می‌شود. پس از تغییر سلطنت، از قاجاریه به پهلوی در سال ۱۳۰۴ خورشیدی، از کسوت نظامی گری به بیرون رفت و به وزارت دربار منتقل و به عنوان رئیس سرایدار خانه کاخهای سلطنتی مشغول به کار شد. ضمناً ادارات نظارتخانه صندوقخانه، ساختمان، باغات و مباشرت خرید را نیز اداره می‌کرد.

سلیمان بهبودی در سال ۱۳۱۹ خورشیدی با داشتن پایه ۹ اداری، به سمت آجودانی محمدرضا پهلوی انتخاب شده و در سال ۱۳۲۸ خورشیدی، رئیس تشریفات دربار شد و در همین سال طبق دستور محمدرضا پهلوی، شورای عشایر را تشکیل داد و به سمت نیابت ریاست منصوب گردید.

در مورد شخصیت سلیمان بهبودی، فردوست در کتاب ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، چنین می‌نویسد: «یکی از مهره‌های مهمی که واسطه رضاخان با انگلیس‌ها بود و از محرمانه‌ترین اسرار رضا اطلاع داشت و هیچکس دیگر را سراغ ندارم که به اندازه او، درباره وقایع پشت پرده حکومت رضاخان مطلع باشد، ... سلیمان بهبودی فرزند سلمان از استادان فراماسونری بود و در لژهای تهران و همایون و روشنایی عضویت داشت...»

علی بهزادی

بهزادی متولد ۱۳۰۴ و در رشته حقوق سیاسی از دانشگاه پاریس دکتری گرفته است. خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۳۲ آغاز کرد و در تمام این مدت صاحب امتیاز و مدیر مجله «سپید و سیاه» بود. فرانسه و انگلیسی می‌دانست و علاوه بر انتشار مجله سپید و سیاه استاد دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی بود.

حسن پاکروان (سرلشگر)

حسن فرزند فتح‌اله پاکروان از رجال دوران قاجار و پهلوی که ایامی را نیز سفیر ایران در روسیه بوده، است، در سال ۱۳۱۰ به ارتش پیوسته و برای ادامه تحصیل در علوم نظامی به فرانسه اعزام می‌گردد. وی پس از بازگشت، در مشاغل بازرسی و اطلاعاتی ارتش فعال بوده و سالها

ریاست رکن دوم ارتش و وابستگی نظامی در پاکستان، فرانسه و هندوستان را برعهده داشته است. محمد رضا پهلوی بدلیل اعتماد به پاکروان او را به سمت آجودان مخصوص خود گمارده و سپس او را رییس ساواک می‌نماید. مشاغل بعدی پاکروان وزارت اطلاعات، سفارت در پاکستان و فرانسه، مشاور دربار و معاون دربار بوده است.

محسن پزشکپور

پزشکپور متولد ۱۳۰۶ و دارای لیسانس در رشته قضایی و وکیل و عضو هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری بود.

نامبرده رهبر حزب پان ایرانیست و نماینده مجلس شورای ملی در دوره بیست و دوم و بیست و چهارم و مدیر و سردبیر مجله خاک و خون ارگان حزب خود بود. در امر مطبوعات، فعالیت خود را از سال ۱۳۲۹ آغاز نمود و با نشریاتی چون ندای پان ایرانیسم همکاری داشته است. وی از رژیم پهلوی، نشان اصلاحات ارضی را اخذ نمود.

اسماعیل پوروالی

پوروالی متولد ۱۳۰۱ و لیسانسیه تاریخ و جغرافیا است. خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۱۹ آغاز کرد و با بسیاری از نشریات کشور همکاری داشت. وی در سال ۱۳۴۵ مجله «بامشاد» را که مدت‌ها بصورت روزنامه روزانه منتشر میشد انتشار داد. پوروالی اینک در فرانسه بسر می‌برد. وی تا اواخر عمر رژیم پهلوی نماینده و خبرنگار سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران در پاریس بود.

جهانگیر تفضلی

تفضلی در سال ۱۲۹۳ بدنیآ آمد و پدرش غلامرضا مصدق‌السلطان از اهالی خراسان بود. وی تحصیلات خود را در تهران به پایان رسانید و از دانشکده ادبیات لیسانس اخذ نمود.

نامبرده مدیریت روزنامه ایران ما را به عهده داشت. وی در دوره هیجدهم مجلس شورای ملی نماینده شهرستان زابل گشت.

اگر چه روزنامه ایران ما در ابتدا از جمله نشریات آزادیخواه بود ولی بعدها از ارکان دربار و ارتش بشمار میرفت.

تفضلی در دوران نخست وزیری هژیر به معاونت وی نائل شد.

در ایام سالهای ۱۳۳۰ با تمامی سیاسیون همکاری داشت و نهایتاً در ایام بعد از کودتا نیز مورد توجه فضل‌اله زاهدی قرار گرفت.

نعمت‌اله جهانبنوئی

جهانبنوئی متولد ۱۳۰۱ است. خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۲۳ آغاز کرد و پس از آنکه مدت ۵ سال مدیر داخلی و سردبیر روزنامه «اقدام» بود، در سال ۱۳۲۸ امتیاز مجله «فردوسی» را بدست آورد.

علی قلی حسین ادهم

ادهم، مدیر عامل سازمان حمایت از کودکان بود که در خلال بازرسی عملکردش از سوی سازمان بازرسی شاهنشاهی سکتته کرد. نامبرده سمتهایی چون نمایندگی مجلس شورای ملی، سفارت ایران در سوئیس و ریاست تشریفات دربار را بعهدہ داشت.

ناصر خدایار

خدایار متولد ۱۲۹۹ و لیسانسه دانشسرایعالی و رشته زبان فرانسه از دانشگاه ادبیات است. خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۲۱ آغاز کرد و علاوه بر نویسندگی برای نشریات مختلف مدت‌ها سردبیر مجلات اطلاعات هفتگی و روشنفکر بود. در سال ۱۳۴۰ روزنامه ستاره تهران را به مدیریت خویش انتشار داد و علاوه بر آن مدتی نیز معاون اداره کل انتشارات رادیو و مدیر کل نخست‌وزیری بود. به غالب کشورهای اروپائی و اسرائیل سفر کرده است. از تالیفات متعدد وی که قسمتی ترجمه و قسمت دیگر تالیف است. «امپریالیسم عوامل سیاسی» «تازیانه‌های بهشت» «نخستین برگ» «دختر و عروسک» و «انقلاب در سرزمین خدا» را میتوان نام برد. فرانسه - ایتالیائی - انگلیسی و آلمانی میدانست و به اسپانیولی نیز آشنا بود.

قدرت خدایاری

وی در نوزدهم آذرماه ۱۳۵۷ هنگامی که استاندار همدان بود توسط یک سرباز وظیفه کشته شد.

عطاء‌اله خسروانی

خسروانی متولد ۱۲۹۹ بود که پس از اتمام تحصیلات و اخذ دیپلم متوسطه از کالج البرز تهران در رشته‌های زبان و حقوق در دانشسرای عالی و دانشکده حقوق بتحصیل پرداخت و سپس برای ادامه تحصیلات عازم فرانسه شد و در آنجا موفق باخذ دانشنامه در رشته علوم اجتماعی گردید. وی پس از اتمام مطالعات و بازگشت بایران، بااستخدام وزارت کار و تبلیغات درآمد و مدتی در آن وزارتخانه به طی مدارج ترقی مشغول بود تا اینکه پس از مدتی بعنوان وابسته وزارت کار عازم فرانسه شد. عطاءاله خسروانی در سال ۱۳۳۲ از طرف دفتر بین‌المللی کار برای مطالعه در امر بیمه‌های اجتماعی بسوئیس و فرانسه دعوت شد و در شهریور ماه ۱۳۲۳ بمعاونت مدیر عامل سازمان بیمه‌های اجتماعی منصوب گردید ولی پس از مدتی که در این سمت مشغول بانجام وظیفه بود بسمت ناظر دولت در هیئت اداری سازمان بیمه‌های اجتماعی ارتقاء یافت و در سال ۱۳۳۷ بمعاونت ثابت اداری وزارت کار منصوب گردید و پس از اصلاح قوانین مربوط به بیمه‌های اجتماعی در حالیکه سمت معاونت پارلمانی وزارت کار را عهده‌دار بود بمدیریت عامل سازمان بیمه‌های اجتماعی منصوب گردید. خسروانی در سال ۱۳۴۰ برای اولین بار در کابینه دکتر امینی بسمت وزارت کار انتخاب شد و در کابینه بعدی اسداله علم نیز در همان پست وزارت کار باقی ماند. و برای سومین و چهارمین بار در کابینه منصور و امیرعباس هویدا سمت خود را حفظ کرد. وی در زمان منصور قائم مقام دبیر کل حزب ایران نوین بود و پس از کشته شدن منصور بسمت دبیر کل حزب ایران نوین انتخاب گردید. ولی پس از آن از صحنه سیاست کنار گذارده می‌شود. خسروانی از نویسندگان قدیمی بود و مدتی هم با روزنامه ستاره همکاری نزدیک داشته است.

ابراهیم خواجه نوری

ابراهیم خواجه نوری در سال ۱۲۹۷ شمسی متولد گردید و پس از اتمام تحصیلات در مدرسه سن لوئی تهران در سال ۱۹۲۳ میلادی برای تکمیل تحصیلات بفرانسه عزیمت نمود و در مدت سه سال مدرسه عالی پست و تلگراف فرانسه را تمام کرده و سپس در سال ۱۹۲۷ به بلژیک رفت و مدت پنج سال هم در آنجا مشغول تحصیل و مطالعات بوده و لیسانس اقتصاد و حقوق اداری را دریافت نمود و در سال ۱۹۳۲ مراجعت کرد.

خواجه نوری پس از ورود بتهران بمدیریت مدرسه عالی پست و تلگراف منصوب و در حدود یکسال و نیم در این پست انجام وظیفه مینمود و بعد از خدمت دولت کناره‌گیری کرده و بوکالت

دادگستری پرداخت پس از چندی ریاست اداره بازرسی شرکت پشم و پنبه و پوست را عهده‌دار و بعد بریاست انحصار اتومبیل منصوب و مشغول بود تا مرگ داور که خواجه نوری از کار کناره‌گیری نموده و بکار اصلی خود وکالت دادگستری پرداخت.

در سال ۱۳۲۱ شمسی در کابینه علی سهیلی بریاست اداره کل تبلیغات و معاونت نخست وزیر منصوب و در حدود یکسال و نیم در این مقام انجام وظیفه نموده و بعد مستعفی گردید. در زمان کابینه دوم قوام‌السلطنه مجدداً بریاست اداره کل تبلیغات و معاونت نخست وزیر تعیین و مشغول شد ولی پس از چندی استعفا داد.

خواجه نوری مدتی سمت مستشار اطاق بازرگانی و مشاور هیئت عالی برنامه هفت ساله را عهده‌دار بود.

در سال ۱۳۰۰ شمسی جمعیت جوانان را بمنظور مبارزه با حجاب زنان تشکیل داد و نامه جوانان را که ناشر افکار این جمعیت بوده است دایر نمود.

خواجه نوری در تشکیل حزب عدالت با علی دشتی و جمال امامی و دیگران همکار و همقدم بود و سمت منشی حزب مزبور را داشته و مدیریت روزنامه هدایت را که ارگان حزب عدالت بود نیز عهده‌دار و از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۴ این روزنامه تحت مدیریت وی اداره میشد ولی از سال مزبور چون خواجه نوری بطور غیر رسمی از حزب کناره‌گیری نمود این روزنامه نیز متوقف گردید.

احمد دهقان

احمد دهقان از سال ۱۳۲۱ با انتشار مجله تهران مصور فعالیت مطبوعاتی خود را آغاز نمود. وی که دوره هنرپیشگی را در هنرستان طی نموده بود مدیریت تئاتر تهران را بر عهده داشت و در آن ایام هر شب با قریب یکصد هنرپیشه برای مردم تهران محفل فسق و فجور برپا میکرد.

احمد دهقان در دوره‌های پانزدهم و شانزدهم به مجلس راه یافت و نمایندگی دوم خلخال را با عنایت و نظر دربار بر عهده گرفت. چون با دربار و شخص محمد رضا پهلوی در ارتباط مداوم بود به کمونیستها و ملی‌گرایان اعلان جنگ داد و در مجلس و نشریه‌اش بشدت به آنان حمله ور میگشت و با ارتش نیز روابط نزدیک و صمیمانه‌ای داشت و روابطش با رزم‌آرا به حداعلی رسیده بود.

اولین شماره نشریه هفتگی تهران مصور را در تاریخ ۲۷ مرداد ۱۳۲۱ منتشر نمود (تهران

مصور قبلاً توسط فردی به نام ع. نعمت در سال ۱۳۰۸ منتشر می‌شد که عمرش دوام چندانی نداشت).

در کتاب بازیگران سیاسی میخوانیم :

گویا از هنرپیشگی تا نمایندگی مجلس چندان راهی نباشد! و داستان احمد دهقان این قضیه را به اثبات رسانده است. احمد دهقان اصلاً اهل اصفهان بود ولی وقتی دید آنجا، جانمی‌افتد و شهرتی دلخواه بدست نمی‌آورد شال و کلاه کرد و آمد به طهران. در مرکز، تماشاخانه طهران را به کمک کارگردانان بسیار ورزیده و قدیمی تئاتر از قبیل معز دیوان فکری، علی اصغر گرمسیری، بایگان دایر نمود و نمایشنامه‌ها و کنسرت‌هایی ترتیب داد که در آن اکثر رجال و شخصیت‌های سیاسی و دولتی بدعوت وی شرکت می‌کردند.

دهقان سپس مجله‌ای به نام طهران مصور را انتشار داد که در این مجله تقریباً کثیرالانتشار، نویسندگانی از قبیل مرحوم حسینقلی مستعان، شجاع‌الدین ملایری، محمود رجا، اسمعیل رائین مقاله و داستان می‌نگاشتند. احمد دهقان که از دو جهت با مقامات مملکتی و خاصه در این اواخر با سپهبد رزم‌آرا ارتباط نزدیک پیدا کرده بود در انتخابات مجلس شورایملی دوره پانزدهم شرکت نمود و بحکم دولت از صندوق سر بدر آورده روانه مجلس شورایملی گردید. در مجلس این دوره، وی به نمایندگان اکثریت ملحق شد و چون با دربار و شخص شاه (محمد رضا پهلوی) در ارتباط مداوم بود به چپ‌گراها اعلان جنگ داد و علیه آنان نطق کرد. مقاله نوشت...

وقتی دوستی دهقان و رزم‌آرا به آخرین حد خود رسید و آنها شدند رفیق گرمابه و گلستان، حریفان، نقشه قتل او را طرح‌ریزی نمودند و جعفری نامی که جوانی بسیار تند و ناآرام و چپ‌گرا بود مامور قتل او شد تا بالاخره یک روز با اسلحه کمری از پله‌های تماشاخانه بالا رفت و با شلیک چند گلوله به حیات وی پایان داد.

البته تا امروز علت اصلی این ترور علیرغم پرونده قطوری که تشکیل شد، روشن نگردیده است ولی عده‌ای از آگاهان - نزدیکی دهقان و سپهبد رزم‌آرا را انگیزه اصلی این قتل می‌دانند.

در کتاب نمایندگان ملت آمده است :

وقتی «نصر» برای کمک خود دست این مرد ۳۶ ساله را که در آنموقع خیلی جوانتر بود گرفت و وارد تماشاخانه تهران کرد، هیچوقت نمی‌توانست باور کند این جوانک خوش آب و رنگ و نایب مناب وی بکمک تقدیر یک وقتی مدیر تماشاخانه خواهد شد و او را کنار خواهد گذاشت.

مدیر تهران مصور مردی است، رفیق دوست، خوش قلب با آنکه نسبت بهمه ایلات اطراف خلخال صمیمانه علاقمند و خدمتگزار است نسبت به ایل همچنان دشمنی میورزد، آن ایل (اسکناس لو)! میباشد مانند پیشه‌وری همکار

سابق که هر چه مرتجع! بود بدون گفتگو بسپاه چال می افکند و بحرفشان گوش نمی داد، احمد خان اسکنااس ها را دستگیر نموده و بحبس تاریک میفرستد، او یک دشمنی عجیبی باین خانواده دارد.

او تنها دهقانی است که نه گاو آهن دارد و نه زمین! با اینوصف شما دیدید، خوب کاشت و نیکو درو کرد، زیر تا به عالیتین مسندهای ملی ما بالا رفت.

دهقان به تابلوهای قیمتی، فرش کرمان مجسمه های زن علاقه عجیبی ابراز میدارد.
دهقان اولین هنرپیشه ایست که به بهارستان راهش داده اند. میگویند سایرین درس نخوانده هنرپیشه اند، سواد و ثروت دهقان بهم نسبت معکوس دارد،

دهقان بدربار ارادت و به ارتش علاقه خاصی دارد.
دهقان به رضا شاه عقیده و به سهیلی ارادت و با دکتر مصدق حساب خورده ای دارد که از هیچکدام دست بردار نیست. این ثبات عقیده او باعث گردید که هم دشمنان و هم دوستان برای وی قیمتی قائل شوند.

احمد خان روی هوش و مدیریت خاصی که دارد توانسته است ۷۰-۸۰ هنرپیشه خوب و مختلف العقیده تهران را بدور خود جمع کرده، و شبها مردم تهران را مسرور نگاه دارد.

همه تعجب میکنند که چرا بهرامی - گرمسیری - بهشتی - جعفری - قریب و امثال اینها که همگی از توده های بی وفا می باشند در دستگاه این دهقان مرتجع کار می کنند،

احمد دهقان اصلا اهل اصفهان و پدرش مرد متمولی بوده و چون در جوانی پدر را از دست داد متعاقب آن ثروت پدر بریاد رفت، تازه فهمید آنکس که بی زر است چون مرغ بی بال پر است!

اولین باری که دهقان پای بمجلس گذاشت آنوقتی بود که برای مطالبه مختصر طلب دانی خود «میرزا محمد متفقه» که از نمایندگان بنام دوره اول و دوم مجلس بود رفت آنروز تا چشمش بدین سر سرای قشنگ و آینه کاری و چمن و صحرا افتاد چون هنرپیشه بود دل هوسبازش یکدل، نه صد دل عاشق این تالار آینه و این سرسرای قشنگ گردید. آرزو نمود یکروز آنجا را بگیرد و تماشاخانه ای حسابی در آنجا دائر نماید!

بعد از سالها آرزو بالاخره بمقصود رسید. در ۱۷ آذر ۱۳۲۲، ۲۷ هشت روز بحبس قوام افتاد.
تازه آنوقت دانست که در این مملکت: با زر، یا زور یا زاری...؟! یک گوشش مرید ساز خالدی و ضرب زاهدی است. چرا یک گوش؟ زیرا گوش راستش کر است و نمی شنود، میگویند حرف شنوی وی هم ناشی از اینست که مانند سایرین از این گوش نمی گیرد و از آن گوش خارج نمی کند.

همچنین در کتاب گفت و شنفت آمده است:

امروزه با اعترافات دکتر نورالدین کیانوری و اطلاعاتی که منتشر شده است تردیدی نیست که در اکثر ترورهای سیاسی که در سالهای ۲۶ تا ۱۳۳۳ به نفع سیاست شوروی انجام گرفته فقط گروه کیانوری عامل مؤثر یا معاون جرم

بوده‌اند و در قضایائی همانند ترور محمد مسعود، احمد دهقان، قتل حسام لنگرانی و محسن صالحی و داریوش غفاری و پرویز نوائی و خاوری و افراد نظایر آنها که خود را در جریان مبارزه سیاسی در اختیار مقامات انتظامی می‌گذاشته‌اند دکتر نورالدین کیانوری و عبدالصمد کامبخش فعال مایشاء بوده‌اند.

در مورد ترور محمد مسعود مدیر روزنامه مرد امروز هم جای تردید نیست که رزم‌آرا و کیانوری عامل مؤثر بودند و اتهام آن متوجه خسرو روزبه شد. همانطور که قتل احمد دهقان نیز بگردن دیگری افتاد و به شهادت مادر احمد دهقان، کار مهندس والا و دستیاران او بود و بدستور رزم‌آرا انجام گرفته بود.

و در کتاب دیگر آمده است :

در باره ضارب احمد دهقان به شخصی «بلبلی» نام از کارکنان تهران مصور و تماشاخانه تهران مظنون بود و عقیده داشت که «عبداله والا» معاون احمد دهقان که فعلاً با جعل وصیت نامه خود را وارث احمد دهقان کرده است و مورد نظر و مرحمت (!) والا حضرت اشرف پهلوی نیز هست به کمک سپهبد رزم‌آرا در قتل احمد دهقان اقدام کرده است. البته بطوریکه امروزه محقق شده است ضارب احمد دهقان ستوان قبادی همان افسری بود که باتفاق ستوان محمدزاده ده نفر سران حزب توده ایران را از زندان قصر با نقشه‌های کمیته مرکزی حزب توده ایران و ساخت و ساخت با رزم‌آرا فراری داده بود. اما ممکن است «بلبلی» کارمند تهران مصور هم در همکاری با ستوان قبادی دارای نقشی بوده باشد زیرا این فرد تنها کسی است که در بازجویی ادعا میکند که اسلحه ترور احمد دهقان را به عبدالله والا تحویل داده است. لیکن او بجای ذکر نام و مشخصات ستوان قبادی (جاوید) حسن جعفری را ضارب معرفی میکند. زیرا عبدالله والا و ایادی رکن دوم از او چنین خواسته بودند.

اسماعیل رائین

رائین متولد ۱۲۹۸ بود و با نام مستعار بهمن مقالات خود را امضاء مینمود. وی لیسانس روزنامه‌نگاری خود را از دانشگاه تهران اخذ نموده و فعالیت مطبوعاتی خود را از سال ۱۳۱۸ آغاز کرد و با نشریات مختلفی چون خلیج ایران، کیهان، اطلاعات، آتش، ایران، خراسان، تهران مصور، روشنفکر و فردوسی بعنوان نویسنده و خبرنگار همکاری می‌کرد.

نامبرده از اعضای پایه‌گذار سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات بود و چندین دوره ریاست هیئت مدیره و عضویت هیئت اجرایی آنرا به عهده داشت.

وی دارای تالیفات مختلفی چون فراموش خانه و فراماسونری در ایران میباشد که با همکاری ساواک، آنرا تدوین می‌نمود.

رائین با شاپورجی ریپورتر، برادران آدمیت و... رابطه حسنه داشت.

در سال ۱۳۴۴ به همراه ۵ روزنامه‌نگار دیگر ایرانی به اسرائیل مسافرت نمود و طی آن ملاقاتهایی با سران آن رژیم بعمل آورد و پس از این سفر نامش در لیست سیاه مطبوعات ضد صهیونیستی عرب قرار گرفت.

هلاکو رامبد

رامبد متولد ۱۲۹۸ در طوالش و از خاندان عمیدالسلطنه سردار اسعد طالش بوده که پس از طی دوران تحصیل به فعالیت‌های کشاورزی و ملاکی روی آورد. هلاکو رامبد پس از فراگیری زبانهای انگلیسی و آلمانی و فرانسه، رییس شرکت هواپیمایی ایتالیا در تهران شد. او چند دوره نماینده هشتر طوالش در مجلس شورای ملی بود و در مجلس از نمایندگان جنجالی و رهبر اقلیت بشمار می‌رفت و در مطبوعات تهران نیز گاهی قلم می‌زد. رامبد به علاوه رییس سندیکای هواپیمایی کشور بوده است.

محمد جواد رجاء

در سال ۱۳۰۰ دنیا آمد و پس از طی تحصیلات مقدماتی در دبیرستانهای ایرانشهر و دارالفنون در خارج از کشور به تحصیل فلسفه و ادبیات پرداخت. وی به نقاشی و موسیقی نیز مشغول بود. در زمینه مطبوعات با نشریات صبا و تهران مصور همکاری می‌کرده. وی معاونت نخست‌وزیری دکتر امینی در امور مطبوعات، رئیس خبرگزاری پارس و مسئولیت امور فرستنده‌های رادیویی کشور را بر عهده داشته و بدلیل خدماتش در رژیم پهلوی، نشان فرهنگ را دریافت نمود. وی همچنین صاحب چند کتاب میباشد و در رادیو نیز بعنوان مفسر سیاسی اشتغال داشته است.

کریم روشنیان

روشنیان متولد ۱۳۰۴ بود و در رشته روزنامه‌نگاری به تحصیل پرداخت. وی خدمت مطبوعاتی خود را از سال ۱۳۲۴ آغاز نمود و بطور آزاد برای نشریات مختلف قلم زد. نامبرده سردبیری روزنامه ایران ما، خواندنیها، تهران مصور و شکار و طبیعت را بر عهده داشت و مدتی نیز بعنوان مستشار مطبوعاتی سفارت ایران در ترکیه و نیز مدیر امور بازرسان سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران مشغول فعالیت بوده است. به زبانهای انگلیسی، فرانسه، روسی و ترکی مسلط

و کتب مختلفی چون آمار و اطلاعاتی از مطبوعات، رادیو و تلویزیون و کتاب - اعدام در شوروی - سرود و تالیف نموده است.

عبداله ریاضی

مهندس «عبدالله ریاضی» فرزند هاشم در چهارم خرداد ماه ۱۲۸۵ شمسی در اصفهان متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خویش و تحصیلات متوسطه را در تهران به پایان رسانید. در سال ۱۳۰۷ شمسی برای تکمیل تحصیلات عازم فرانسه گردید و پس از اتمام تحصیلات مهندسی برق و مهندسی هیدرولیک، در سال ۱۳۱۴ به ایران مراجعت نمود. از سال ۱۳۱۴ به سمت دانشیاری دانشکده فنی دانشگاه تهران مشغول کار شد و بعدها در این دانشکده به مقام استادی رسید.

از سال ۱۳۱۶ تا سال ۱۳۲۵ معاونت و از سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۲ ریاست دانشکده فنی را عهده دار شد.

سال ۱۳۴۲ در انتخابات دوره ۲۱ مجلس شورای ملی نماینده مردم تهران شد و از همین سال تا پایان حکومت هویدا برای ۳ دوره متوالی رئیس مجلس شورای ملی بود.

اردشیر زاهدی

اردشیر زاهدی، پسر فضل الله زاهدی، در مهرماه ۱۳۰۷ در تهران بدنیا آمد. او پس از تحصیلات ابتدایی در تهران و اصفهان، تحصیلات متوسطه را در سال ۱۳۲۵ در دبیرستان اسلامی بیروت به پایان برد و راهی آمریکا شد. وی در سال ۱۳۲۸ گواهینامه کشاورزی را از کالج کشاورزی ایالت «یوتا» آمریکا دریافت داشت. مدرک تحصیلی اردشیر توسط وزارت فرهنگ وقت به عنوان «معادل لیسانس» ارزیابی شد. اردشیر که احتمالاً در سال‌های تحصیل در بیروت با کرمیت روزولت آشنایی یافت و با سرویس اطلاعاتی نوپای آمریکا در ارتباط قرار گرفت، در بازگشت به ایران دارای روابط دوستانه با آمریکائیان مقیم تهران بود. او در اردیبهشت ۱۳۳۱ به همراه مرتضی امیرارجمند (کارشناس ساختمان‌های روستایی) به استخدام وزارت کشاورزی درآمد و در پست معاونت و خزانه‌داری «کمیسیون مشترک ایران و آمریکا برای بهبود امور روستایی» (اصل ۴ ترومن) قرار گرفت. اسناد موجود از روابط بسیار نزدیک اردشیر زاهدی با ویلیام وزن، رئیس «اصل ۴ ترومن» خبر می‌دهد. طبق این اسناد، اردشیر زاهدی ظاهراً در اسفند

۱۳۳۱ از طرف وزارت کشاورزی به مدت یکسال برای آموزش به آمریکا اعزام میشود. خاطرات کریمت روزولت حضور فعال اردشیر زاهدی را، با نام مستعار «مصطفی» و «ویسی» در جریان عملیات کودتا در تهران نشان می‌دهد و مشخص می‌سازد که مأموریت آمریکایی زاهدی پوششی برای استتار حضور وی در تهران و مشارکت در عملیات «سیا» بوده است. اردشیر زاهدی به خاطر نقش فعال در کودتا به دریافت نشان درجه یک رستاخیز نائل شد و در ۳ آبان ۱۳۳۲ آجودان کشوری شاه گردید.

اردشیر زاهدی در سال‌های صدارت پدرش در کنار او بود، معه‌ذا با برکناری فضل‌الله زاهدی، اردشیر با حمایت سرویس اطلاعاتی آمریکا در تهران ماند و شاه در سال ۱۳۳۵ دخترش، شهناز، را به نامزدی او در آورد. اردشیر در آبان ۱۳۳۶ با شهناز پهلوی ازدواج کرد. این ازدواج در سال ۱۳۴۳ به متارکه انجامید و حاصل آن یک دختر بنام مهناز بود.

محمد رضا پهلوی در سال ۱۳۳۸ اردشیر زاهدی را به عنوان نماینده خود برای تماس با دانشجویان ایرانی در اروپا اعزام داشت.

وی مدت کوتاهی بعد، در اسفند ۱۳۳۸ سفیر شاه در واشنگتن شد. در این زمان اردشیر می‌کوشید تا با دانشجویان ناراضی ایرانی در آمریکا ارتباط برقرار کند. این تلاش عواقب خفت‌باری در پی داشت و به مضروب شدن وی انجامید.

ظاهراً در این زمان محمد رضا پهلوی، با هدایت شاپورجی - علم، قصد داشت که از ارتباطات زاهدی با سازمان «سیا» در جهت تحکیم موقعیت خود سود جوید. اردشیر در دوران دولت امینی نیز سفیر ایران در آمریکا بود و از طریق «دوستان آمریکائی» خود در جهت حذف امینی تلاش می‌کرد. نامه ارسالی زاهدی به حسین قدس نخعی وزیر خارجه وقت، مورخ ۱۳۴۰/۹/۳۰، بیانگر این تلاش‌های زاهدی می‌باشد. بهر روی، سفارت زاهدی دیری نپائید و در اسفند ۱۳۴۰ به تهران فراخوانده شد. برکناری اردشیر را باید به ۲ عامل منتسب ساخت: اول، حساسیت شدید دانشجویان ایرانی و واکنش آنها علیه حرکات زنده زاهدی؛ دوم، نارضایتی امینی نخست‌وزیر از توطئه‌های زاهدی در واشنگتن.

در دولت اسدالله علم، اردشیر زاهدی در شهریور ۱۳۴۱ به عنوان سفیر کبیر ایران عازم لندن شد و تا آذر ۱۳۴۵ در این سمت بود. وی در بهمن ماه ۱۳۴۵ در دولت امیرعباس هویدا وزیر امور خارجه گردید. اسناد ساواک نشان می‌دهد که در سال‌های ۱۳۴۶-۱۳۴۸ اردشیر زاهدی به شدت در تلاش برای احراز پست نخست‌وزیری بوده است.

معهدا، این آرزوی زاهدی هیچگاه تحقق نیافت، زیرا به گفته فردوست اردشیر در میان مقامات انگلیسی و آمریکائی دوستان زیادی پیدا کرد و با بالاترین مقامات رفت و آمد داشت، ولی در سیاست موفقیتی کسب نکرد.... زیرا شیوه رفتار و نحوه عمل او را خارجی‌های مهم نمی‌پسندیدند و به او می‌گفتند: پسر خوب

اردشیر زاهدی نه تنها به صدارت نرسید، بلکه تحرکات جاه‌طلبانه او به برکناری وی از وزارت خارجه در شهریور ۱۳۵۰ انجامید. در اسفند ماه ۱۳۵۱، محمد رضا پهلوی داماد سابق خود را به سفارت در واشنگتن اعزام داشت تا به عیاشی‌هایش ادامه دهد و جو داخلی دربار را آشفته نسازد. همانگونه که ارتشبد فردوست اشاره کرده یکی از اقدامات زاهدی در آمریکا تحریک محمد رضا پهلوی به سرمایه‌گذاری ریاست جمهوری آمریکا بود که منشاء حیف و میل‌های کلان او را تشکیل می‌داد و بالاخره به افتضاح کشیده شد.

اردشیر زاهدی تا زمان دولت شاپور بختیار سفیر ایران در آمریکا بود و دی ماه ۱۳۵۷ از این سمت برکنار شد.

کاظم زرنگار

زرنگار در سال ۱۳۳۲ نماینده نیویورک تایمز در ایران بود.

حسن سراج حجازی

او که تحصیلات خود را در رشته حقوق قضایی تهران به پایان رسانده بود به استخدام وزارت کشور درآمد و عهده‌دار مشاغلی چون فرمانداری اراک، گرگان، دبیر مخصوص نخست‌وزیر، رئیس بازرسی نخست‌وزیر، استانداری اصفهان، معاونت بنیاد پهلوی، استانداری خراسان و مدیر کل کارگزینی کشور و مدیریت فروشگاه فردوسی و معاونت پارلمانی وزارت کشور گشته و در دوره ۱۹ از طرف مردم اراک به مجلس شورای ملی راه یافته و سپس به سلک سناتورها درآمده که از استان همدان برگزیده شده بود. سراج از اعضای فعال حزب مردم، حزب ایران نوین، حزب اتحاد ملی، جمعیت عامیون ایران و در آخر حزب رستاخیز بوده است. او همچنین در جمعیت فراماسونری فعال بوده و در لژهای کورش، خورشید، تهران و حافظ عضویت داشته است. حسن سراج حجازی از اعضای انجمن ایران و آمریکا بود و با سفارت انگلیس ارتباط نزدیکی داشت. نام همسر سراج، گوهر تاج دارا بوده که در جمعیت خیریه پهلوی عضویت داشته است.

فضل‌اله سلجوقی

نامبرده صاحب امتیاز روزنامه صدای ملیون بود. وی کارمند وزارت راه و در جریان مخالفت با مصدق در سال ۱۳۳۲ توسط وزیر راه (مهندس حق شناس) منتظرالخدمت گشته و از تهران به استان منتقل می‌شود.

تراب سلطانیپور

سلطانیپور در دهه ۱۳۴۰ مدتی بازرس دولت در شرکت سهامی بیمه ایران بود و علاوه بر آن سردبیری نشریه اختر را از دیماه ۱۳۲۵ برعهده داشته است. در مدت سردبیری وی، نشریه اختر بعنوان ارگان بختیارها درآمد. وی در هنگام دستگیری سرلشگر قره‌نی (ماجرای کودتا...) بمدت چند روز بدلیل آشنائیش با نامبرده دستگیر گردیده است.

بهرام شاهرخ

وی فرزند کیخسرو شاهرخ (زرتشتی و نماینده مجلس در دوره رضاشاه و مشهور بوده به عمال و طرفدار سیاست انگلیس که به دلیل مخالفت با رضاشاه دستگیر و سپس به قتل رسید)، است. بهرام شاهرخ برای تحصیلات روانه آلمان شد و در آن دیار همسری آلمانی برای خود برگزید و چندین سال در برنامه فارسی زبان رادیو برلن، برای ایرانیان برنامه اجرا کرد. برنامه‌های رادیویی او در دوران پیش از جنگ جهانی دوم علیه رضاشاه و پس از جنگ علیه سیاست‌های انگلیس بسیار معروف بوده. او پس از پایان جنگ به ایران بازگشت و مدتی را نیز در زندان سپری کرد. ولی پس از آن به عنوان یک خبرنگار و روزنامه‌نویس مشغول فعالیت بود. در زمان دولت منصور، او به سمت مدیر کل تبلیغات دولت برگزیده می‌شود. ارتباطات او در این هنگام با دربار زبازد عام و خاص بوده است و همچنین به موازات آن می‌کوشید با دیگر جناح‌ها و جریانهای سیاسی مانند فدائیان اسلام، جبهه ملی و دیگر احزاب ملی‌گرا ارتباط برقرار کند.

بهرام شاهرخ به مرد هزار چهره شهرت دارد و گروهی او را از جاسوس‌های آلمان می‌خوانند و گروهی نیز او را جاسوس نفوذی انگلیس در دستگاه تبلیغاتی حکومت نازی آلمان می‌دانند، با این همه هیچگاه چهره واقعی این شخصیت مرموز روشن نشد. با فاش شدن اسرار خانه سدان و جاسوسی‌های انگلیس، گوشه‌ای از ارتباط بهرام شاهرخ با انگلیس روشن شد.

گفته می‌شود او در جریان قتل رزم‌آرا و احمد دهقان روزنامه‌نگار ایرانی بوده است. بهرام شاهرخ به هنگام اقامت در برلین با یک آلمانی تبار ازدواج کرد که ثمره آن هفت فرزند بود و وی بعدها این همسر آلمانی را طلاق داده و با یک مسلمان ایرانی ازدواج می‌کند و در سالهای پس از برکناری از سمت مدیریت تبلیغات کشور، نمایندگی خبرگزاری آلمان را در ایران به عهده می‌گیرد.

علی اکبر صفی‌پور

صفی‌پور در سال ۱۲۹۹ بدینیا آمد و علاوه بر طی دوره دانشگاه افسری، در رشته روزنامه‌نگاری تحصیل نمود. فعالیت مطبوعاتی خود را از سال ۱۳۲۱ آغاز کرد. وی مدیر و صاحب امتیاز نشریه امید ایران بود و در دوره ۲۱ مجلس شورای ملی بعنوان نماینده شهرستان نهاوند در مجلس حضور داشت.

نامبرده مدتی سردبیر نشریه بدیع و نویسنده مقالات نشریات خواندنیها و کاوه بوده است. وی نشانهای مختلفی را از رژیم پهلوی دریافت داشته و تالیفاتی را نیز انجام داده است.

سید عبدالکریم طباطبایی

در یکی از کتابهای مربوط به زندگینامه افراد مطبوعاتی کشور میخوانیم :

فرزند حضرت آیت‌الله حاجی سید حسن طباطبائی، پانزده ساله بود که وارد خدمت روزنامه‌نگاری گردید. وی متولد ۱۳۰۶ می‌باشد، وقتی در پشت میز سال سوم متوسطه درس می‌خواند کارت خبرنگاری چند روزنامه یومیه و مجله را در بغل داشت. آنروز تازه حکومت فروغی، دموکراسی ظاهری را به ملت ایران نوید میداد و روزهای بود که متفقین ایران را تحت اشغال قرار داده بودند و اوضاع بین‌المللی ایجاب میکرد که آزادی نطق، بیان، قلم اگر چه ظاهری بوده باشد بملت ایران داده شود. سید عبدالکریم هر روز پس از فراغت از درس بدنبال کسب خبر میرفت و برای روزنامه‌های تهران مجاناً اخبار و مطالب جالب تهیه می‌نمود. مرحوم آیت‌الله کاشانی از جمله کسانی بود که از مرحوم آیت‌الله طباطبائی تلمذ میکرد و از همین نظر با وجودیکه سید عبدالکریم در مسائل سیاسی با مرحوم آیت‌الله کاشانی اختلاف عقیده داشت مرحوم آیت‌الله کاشانی همیشه او را (برادر) خطاب میکرد. سید عبدالکریم باین ترتیب روزیروز در رشته روزنامه‌نگاری پیش رفت. چند ماه بعد از شهریور ۱۳۲۰ در بعضی از جراید مقاله نویسی را شروع کرد تا اینکه در ۱۸ سالگی در سال آخر دوره متوسطه برای اولین بار سالنامه دنیا را منتشر ساخت. نخستین سالنامه دنیا در ۳۰۰ صفحه و قطع بزرگ و برای اولین بار بیوگرافی بیش از پنجاه نفر از رجال ایران و خارج را در آن زمان بچاپ رسانید که تا

آنوقت بی سابقه بود. بسیاری از نویسندگان مانند دکتر شفق، اللهیار صالح، رهنما، منصورالملک عدل، سعیدی، حکمت، دکتر میرسپاسی برای سالنامه دنیا مقالاتی تحریر نموده‌اند.

وی علاوه بر سالنامه دنیا از فروردین ۱۳۲۶ (نامه هفتگی دنیا) را که بصورت مجله و قطع رقعی بوده است مدتی منتشر کرد و پس از آن روزنامه (دنیا) را انتشار داد. نامبرده دارای لیسانس روزنامه‌نگاری بود و کتاب تاریخ ادبیات معاصر را تالیف نموده است. وی همچنین بدلیل خدماتش به رژیم پهلوی به اخذ نشان جشن شاهنشاهی فائق آمد.

یحیی عدل

عدل در سال ۱۲۸۷ در تهران متولد شد و پس از پایان تحصیلات ابتدائی بکشور فرانسه مسافرت کرد و در سال ۱۳۰۶ موفق بگذرانیدن دوره دوم متوسطه در دو رشته فلسفه و ریاضی شد سپس بدانشکده پزشکی پاریس وارد گردید و در سال ۱۹۳۸ پایان نامه خود را در باب درمان ادنوپاتی سلی از تصویب گذراند و بدریافت دانشنامه دکترا (بارجه لوآ) و مدال نقره از دانشکده پزشکی پاریس نائل آمد و در سال ۱۹۳۹ در مسابقه دانشیاری شرکت جست و باخذ دیپلم (اگرکاسیون) در جراحی عمومی توفیق یافت و بعضویت مجمع کالبدشناسی پاریس پذیرفته شد. در سال ۱۲۱۸ بایران مراجعت کرده و خدمت و وظیفه را در بیمارستان پهلوی بمدت ۲ سال انجام داد. پس از خاتمه خدمت در سازمان نوین دانشکده پزشکی استادی کرسی جراحی عمومی و ریاست بخش جراحی بیمارستان ابن سینا را بعهده گرفت و علاوه بر مشاغل متعدد و ریاست چندین بیمارستان و استادی دانشگاه پست دبیر کلی حزب مردم را نیز بعهده داشت.

حسن عرب

حسن عرب در ۱۳۲۴ در حزب اراده ملی مسئول گارد سید ضیاءالدین طباطبایی بود. در سال ۱۳۲۷ یک سازمان برای پخش و فروش مجله‌های خارجی در خیابان حافظ تهران گشود و چون مدیر خوبی بود کارش رونق یافت، در ۱۳۴۲ به آبادان رفت و یک سازمان مطبوعاتی بنیاد نهاد، سپس هفته نامه پرچم خاورمیانه را در تهران چاپ کرد و در آبادان و تهران پخش نمود، او بجز تاسیس بنگاه مطبوعاتی و پخش پرچم خاورمیانه یک کاباره یا عشرتکده پر رونق در آبادان برپا کرد و مدیریت این کاباره شغل اصلی او بود.

نامبرده از جمله افرادی است که به رهبری خسرو هدایت در قالب تشکیلات اسکی (اتحادیه

سندیکا‌های کارگری) و حزب دمکرات قوام‌السلطنه به چماقداری پرداخت و در ایام سالهای ۱۳۳۰ در جهت تحکیم رژیم پهلوی فعالیت نمود.

وی که متولد ۱۲۹۹ است با حمایت حزب ایران نوین توانست در دومین دوره انجمنهای شهر طی سالهای ۱۳۵۱ الی ۱۳۵۵ به عضویت شورای شهر بازرگان درآید.

همچنین نامبرده در انتخابات مختلف منجمله انتخابات مجلس سنا در سال ۱۳۳۲ با اجیر نمودن افراد مختلف به تقلب در آرا میپرداخت و از افراد مورد نظر رژیم حمایت میکرد.

امیر هوشنگ عسگری

عسگری در سال ۱۳۰۸ متولد و در رشته‌های علوم اجتماعی و روزنامه نگاری از دانشگاههای پاریس و در رشته دندانپزشکی از دانشگاههای تهران دکتری اخذ نمود.

او فعالیت مطبوعاتی خود را از ۱۳۲۰ آغاز نمود. در طی اینمدت مدیر روزنامه پیام کاوه، مدیر داخلی روزنامه عالم، خبرنگار روزنامه داد، سردبیر روزنامه مرد ایران، نویسنده و دبیر روزنامه آتش سردبیر روزنامه اندیشه مردم، سردبیر مجله خواندنیا، و مدیر مجله خوشه بوده است.

به زبانهای فرانسه، انگلیسی، ترکی و عربی تسلط داشته و دو مدال ۱۷ شهریور و ۲۵ شهریور را از رژیم پهلوی اخذ نموده است.

وی عضو انجمن بین‌المللی روزنامه‌نگاران (بلژیک) و نویسنده دو مجله فرانسوی رأیته و نوار بلان نیز بوده است.

حسین علاء

علاء در سال ۱۲۶۱ متولد و تحصیلات خود را در انگلستان گذرانید. طی دو دوره (سال ۱۳۲۰ و سالهای ۱۳۳۴ تا ۱۳۲۶) نخست وزیر بود و مشاغلی چون وزیر امور خارجه، وزیر دربار، نمایندگی مجلس شورا از شهرستان تهران (دوره پنجم)، نمایندگی مجلس سنا، سفیر ایران در کشورهای اروپایی و آمریکا، نماینده ایران در شورای امنیت ملی و مدیر کل بانک ملی را به اشغال درآورده است.

اسدالله علم

اسدالله علم فرزند شوکت‌الملک علم از جمله افراد بسیار نزدیک به محمد رضا بشمار می‌رود.

امیراسدالله علم پس از برکناری دکتر علی امینی لباس صدارت را پوشید و به امور مملکت پرداخت.

علم قبل از نخست‌وزیری یک بار به وزارت کشور منصوب شد. او که در ۳۰ تیر ۱۳۴۱ به نخست‌وزیری برگزیده شد اول کاری که کرد این بود که یاران خود مانند: «دکتر باهری»، «دکتر ناتل خانلری»، «امیر متقی» و رسول پرویزی را به حزب «مردم» وارد کرد. یکی از عمده کارهای اسدالله علم تشکیل انجمن‌های ولایتی و ایالتی بود. وقتی این انجمن‌ها به قصد شرکت دادن مردم در امور اجتماعی خود تشکیل گردید، علم به موازات آن انجمن روستاها را نیز بوجود آورد.

دادن حق رأی به بانوان از جمله کارهای پر سر و صدا و جنجالی کابینه علم بود. پدیده مهمی که در زمان دولت اسدالله علم روی داد، برگزاری «کنگره آزاد زنان و آزاد مردان» بود. حسنعلی منصور ریاست این کنگره را به عهده داشت و قرار بر این بود که از همین کنگره، افرادی به عنوان نماینده مجلس دوره بیست و یکم راه یابند.

علم پس از برکناری از پست نخست‌وزیری، عهده‌دار وزارت دربار شد و به این ترتیب نقش یکی از مهمترین مشاورین شاه را ایفا می‌کرد. یادداشت‌های علم که ده سال پس از مرگ او منتشر شد، پرده از راز بسیاری از تصمیم‌گیری‌های درون مردم و نقش دولت‌های غربی در هدایت کشور برداشته است.

احمد علی آبادی

علی آبادی از جمله فراماسونهای عضو لژهای خیام و کورش بود. وی همچنین در لژهای وابسته به آمریکا عضویت داشت.

او همچنین در سال ۱۳۱۲ با عنایت ویژه عیسی صدیق به‌مراه ۳ نفر دیگر از فارغ‌التحصیلان دارالمعلمین عالی بعنوان اولین دانشجوی ایرانی به آمریکا اعزام شد.

سید حسین فاطمی

سید حسین فاطمی در دهم محرم سال ۱۲۹۶ شمسی در شهر نائین چشم به جهان گشود، پدرش «سید علی محمد» از روحانیون معروف و مادرش «سیده طوبی» بوده که هر دو نفر از خانواده سادات طباطبائی نائینی به شمار می‌رفتند.

حسین تحصیلات ابتدائیش را در نائین گذراند و بعد به اصفهان رفت و همراه برادرش سیف پور در کالج انگلیسی آن شهر به تحصیل پرداخت. او ضمن تحصیل در دوره متوسطه قدم به عرصه مطبوعات نهاد و نزد برادرش که صاحب امتیاز روزنامه باختر بود به تهیه و تنظیم مطالب روزنامه کمک کرده و تجربیات لازم را در رشته روزنامه نگاری بدست آورد.

فاطمی آنگاه در سال ۱۳۱۶ عازم تهران شد تا کار روزنامه نگاری را در عرصه و میدان وسیع تری آغاز نماید و در حالی که بیش از بیست سال از عمرش نگذشته بود، به مدیریت و سردبیری روزنامه «ستاره» که در تهران انتشار می یافت منصوب گردید. اما، او بعد از مدتی که روزنامه ستاره را انتشار داد به خواهش برادرش روزنامه باختر را که مدیریت آن در اصفهان با برادرش سیف پور بود در تهران منتشر ساخت. وی در خیابان لاله زار دفتری را برای این کار اجاره کرد و با یک کادر تحریریه منظم به کار اداره روزنامه مزبور ادامه داد.

فعالیت و تلاش مداوم حسین فاطمی در نوشتن مقالات تند انقلابی بعد از شهریور ۱۳۲۰ در روزنامه باختر سبب توسعه معروفیت و محبوبیت روزنامه باختر می شود، سر مقالات تند و آتشین او در جامعه جایگاه و مقام خاصی را بدست آورد و همین امر زمینه مساعدی برای انتشار افراطی ترین روزنامه کشور یعنی روزنامه باختر امروز گردید.

فاطمی از سال ۱۳۲۲ به بعد که رسماً وارد مبارزه علیه حکومت‌های وقت و از جمله علی سهیلی شده بود بدون بیم و هراس طی مقالات بسیار تند ماهیت حکومت سهیلی را که وابستگی نزدیک با اربابان انگلیسی خود و از جمله آتونی ایدن وزیر خارجه بریتانیا داشت به مردم ایران معرفی کرد.

حسین فاطمی آنگاه برای ادامه تحصیلات به اروپا رفت و مدت سه سال از سال ۱۳۲۳ تا اواسط سال ۱۳۲۷ در پاریس به تحصیل پرداخت و دکترای حقوق اخذ نمود.

وی از شهر پاریس ضمن تحصیل، مقالات تند و آتشینی که بعضاً افشاگرانه بود برای روزنامه «مرد امروز» فرستاد که خوانندگان و علاقمندانی بسیار داشت.

وی پس از بازگشت به کشور به نهضت ملی پیوست و به مصدق و یارانش کمک نمود. دکتر فاطمی نخستین کسی بود که پیشنهاد ملی شدن نفت ایران را در خانه محمود نریمان ارائه کرد و دکتر مصدق بارها یادآور این قضیه بود و از او در این امر به نیکی یاد می کرد، اگر چه می گفت که سرمقالات فاطمی حتی از یک ارتش نیرومند بیشتر به پیشرفت مقاصد ما کمک می کند.

دکتر حسین فاطمی در راه مبارزات شجاعانه خود صدمات و ضربات هولناکی را متحمل

گردید، یک بار به هنگام تشییع جنازه و به خاک سپاری محمد مسعود مدیر مرد امروز مورد سوء قصد قرار گرفت که گلوله او را از پای در نیاورد و مدتی او را در بیمارستان بستری گردانید. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ وی مدتی مخفی بود ولی بر اثر خیانت ولو رفتن مخفی گاهش دستگیر و در شهربانی از طرف حکومت کودتا مورد تعرض قرار گرفت و پس از آن، در حال بیماری در دادگاه نظامی محاکمه و در برابر جوخه اعدام قرار گرفت.

ناصر قلی فرهادپور

فرهادپور در سال ۱۳۰۰ بدنیا آمد و در رشته روزنامه نگاری لیسانس اخذ نمود. وی فعالیت مطبوعاتی خود را از سال ۱۳۱۱ آغاز کرد. نامبرده صاحب امتیاز و مدیر روزنامه آسیای دمکرات بود.

وی در مجلس شورای ملی نماینده بود و بدلیل خدماتش از رژیم پهلوی نشانهای مختلفی چون تاجگذاری دریافت داشته است.

محمود قوام صدری

نامبرده از جمله افراد ماسونی است که بعنوان معاون و مشاور نخست وزیر در دولت نقش داشته است. در دوران نخست وزیری هویدا وی مدتی وزیر مشاور در امور پارلمانی نیز بوده است.

منوچهر کریمی (سرهنگ)

وی در سال ۵۷ معاون وابستگی نظامی ایران در سوئد بود.

سجاد کریمیان

کریمیان متولد ۱۳۰۷ است. خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۲۴ آغاز کرد. وی در سال ۱۳۵۰ مشاور هیأت تحریریه مجله تهران مصور و نیز علاوه بر تاسیس آژانس «پ.ان.پ» با بسیاری از روزنامه ها و مجلات کشور همکاری داشت.

احمد کسروی

احمد کسروی فرزند حاج میر قاسم در هشتم مهر ماه سال ۱۲۶۹ شمسی در تبریز چشم به دنیا گشود. او تحصیلات خود را در تبریز ادامه داد و چون پدران او از سه پشت روحانی بودند، وی مدتی پیش نماز مسجد شد ولی بزودی از این کار دست کشید و در مدرسه امریکائی تبریز به تدریس عربی پرداخت در سال ۱۲۹۵ به قفقاز رفته و مدتی در تفلیس می ماند. در بازگشت به تبریز به مشروطه خواهان پیوسته و وارد حزب دموکرات که رهبری آن را شیخ محمد خیابانی به عهده داشت می شود.

کسروی که در سال ۱۲۹۸ به کار در دادگستری پرداخته بود به دلیل مخالفت با اقدامات دولت از شغل خود استعفا داد و به وکالت دادگستری پرداخت. او در همین حال از سال ۱۳۱۲ به چاپ ماهنامه پیمان پرداخت و از سال ۱۳۲۰ روزنامه پرچم را منتشر کرد. آثار کسروی که قسمت اعظم آنها در فاصله سالهای ۱۳۱۲ تا ۱۳۲۴ نوشته شده در زمینه های مختلف به ۷۰ جلد می رسد و مهمترین آنها عبارت است از تاریخ مشروطه ایران، تاریخ هجده ساله آذربایجان، تاریخ پانصد ساله خوزستان، زبان پاک، ترجمه پلوتارخ، زبان آذری، شیعیگری، صوفیگری، بهائیگری، ترجمه کارنامک اردشیر بابکان، شهر یاران گمنام، حافظ چه می گوید.

کسروی علاقه زیادی به پاکسازی از خود نشان می داد، که پاک سازی در لغت، پاک سازی در شعر، پاک سازی در تاریخ... از جمله این موارد بشمار می رفت. کسروی با فیلسوفان، شعرا، هواداران اروپا، بهایی ها، صوفیها، و روحانیون مخالف بوده، سعدی، حافظ، مولوی و خیام را بدآموز و منحرف و آنتول فرانس را آنتول نادانک می نماید و سالی یک روز در اول دی ماه جشن کتاب سوزان ترتیب داده و دیوان شعرا و فیلسوفان و روحانیون را می سوزانید.

کسروی عقیده داشت با پیراستن زبان پارسی از لغت های بیگانه و تغییر الفباء می توان زبان پارسی را زبان همگان ساخت زبانی آسان که همه دنیا با آن سخن گویند. اولین زبان را از پاک می نامید و از سال ۱۳۱۲ که به انتشار ماهنامه «پیمان» دست زد و تا آخر عمر به تبلیغ این زبان پرداخت.

کسروی درباره مذهب، آرائی شبیه آراء وهابیت اظهار داشت و بر تفسیر و تاویل آیات قرآن حمله کرد و احادیث را غیر معتبر خواند. او با برپایی تشکیلات «پاک دینان» به علما که دولت ها را جائز می دانند و با بدآموزی مردم را به زیارت قبور هدایت می کنند، تاخت. به تدریج در بیان عقاید خود بی پروا تر گردید، قرآن و برخی از کتب ادعیه را سوزاند و ادعای انشراح صدر و نبوت

کرد. در اوائل دهه ۱۳۲۰ شمسی، حضرت امام خمینی (ره) افکار ضد مذهبی کسروی را بشدت مورد انتقاد قرار داد و او را دروغگو، خائن و افيونی بی خرد نامید. فتنه و فساد کسروی به جایی رسید که آیه الله العظمی خوانساری، وی را مهدورالدم دانسته و حکم قتل او را صادر نمود. در سال ۱۳۲۴، کسروی به اتهام قرآن سوزی و مخالفت با دین به پای میز محاکمه کشیده شد و در آخرین جلسه بازپرسی در سن ۵۷ سالگی به ضرب گلوله فدائیان اسلام به هلاکت رسید.

حمید کفایی

دکتر حمید کفایی در دوره بیست و دوم و بیست و سوم نماینده مجلس شورای ملی از شهرستان مشهد بود.

وی فرزند حاج میرزا احمد خراسانی است و در سال ۱۳۱۴ در مشهد متولد شده و پس از گذراندن مراحل تحصیلی ابتدائی و متوسطه بمنظور ادامه تحصیل ایران را بمقصد بیروت ترک کرد و در رشته دندانپزشکی دکتری گرفته و تخصص خود را از دانشگاههای پاریس اخذ نمود.

غلامرضا کیانپور

غلامرضا کیانپور شصت و سومین وزیر دادگستری، در سال ۱۳۰۸ در شهر تهران بدنیا آمد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در ایران به پایان رساند و از دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران دکتری اخذ نمود.

مشاغل وی عبارت بودند از: قاضی دادگستری، مدیر مالی سازمان برنامه، رئیس کارگزینی اصل چهار، معاون گمرکی و اداری وزارت اقتصاد، رئیس شورای سازمان امور اداری و استخدامی کشور، استاندار آذربایجان غربی، استاندار اصفهان، وزیر اطلاعات و جهانگردی و وزیر دادگستری.

حسینقلی مستعان

حسینقلی مستعان، فرزند مرحوم غلامحسین مستعان در سال ۱۲۸۳ خورشیدی متولد شد و تحصیلات عالی وی در ادبیات ایران و عرب است. زبانهای عربی، فرانسه و انگلیسی را بخوبی میداند و با زبانهای: آلمانی، روسی، ایتالیائی و ترکی نیز آشنائی کافی داشت.

داستانهای خود را در مجلات و روزنامهها با امضاهاى مستعار: ح-م حمید، حمید، حبیب،

انوشه و یکی از نویسندگان، انتشار داده است. رمانها و کتب اخلاقی و اجتماعی او به دو بیست جلد میرسد و متجاوز از یک هزار داستان کوتاه نوشته است. او مترجم بینوایان و بکتور هوگو است. وی در سالهای ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰ خورشیدی مجله‌ای بنام راهنمای زندگی انتشار میداد که خود، صاحب امتیاز و مدیر آن بود. شماره ی اول این مجله، در تاریخ ۲۴ آبانماه ۱۳۱۹ خورشیدی و شماره ی بیست و هشتم آن، که آخرین شماره‌ی این مجله بود، در تاریخ ۲۵ آذر ماه ۱۳۲۰ خورشیدی انتشار یافت. از جمله داستانهای او «قصه انسانیت، آفت، پله اول، عشق مقدس، شوریده، شهرزاد و قصه رسوایی» است.

عباس مسعودی

یکی از قدیمی ترین روزنامه نویس های ایران که یکی از روزنامه های پرتیراژ را اداره می کرد، عباس مسعودی بود.

عباس مسعودی شیوه روزنامه نگاری را در روزنامه کوشش که مدیر آن شکرالله صفوی بود فراگرفت و وقتی به این حرفه آشنا شد به اتفاق جعفر صاعدی که بعدها سردبیر اطلاعات گردید اقدام به تأسیس چاپخانه کوچکی نمودند.

مسعودی بعداً یک نشریه مخصوص که حاوی خبرهای کشور بود منتشر ساخت و بدنبال آن اقدام به تأسیس روزنامه اطلاعات نمود.

روزنامه اطلاعات که بعداً یکی از پرفروش ترین روزنامه های عصر طهران گردید دارای یک هیئت تحریریه ای شد که کسانی چون: علی جلالی، جعفر صاعدی، احمد شهیدی، اسدالله اشتری، و چند نفر دیگر در آن عضویت داشتند.

عباس مسعودی که با انتشار روزنامه اطلاعات با مقامات مهم مملکت ارتباط پیدا کرده بود بعد از شهریور سال ۱۳۲۰ به مجلس راه یافت و قدرت و نفوذ فوق العاده ای بدست آورد. هر چند که روزنامه اطلاعات از روش بی طرفی نسبت به مسائل و قضایای اتفاقیه کشور پیروی می نمود ولی باید بصراحت یادآوری کرد که این روزنامه همواره گرایش مستقیمی نسبت به قدرت های حاکم از خود نشان می داد و بهمین جهت علیرغم فروش فوق العاده که داشت مردم به آن چندان خوش بین نبودند. چنانچه یک بار هم اداره و چاپخانه آن را که در خیابان خیام واقع بود دستخوش حریق نمودند.

عباس مسعودی کم‌کم با دربار و شخص شاه ارتباط نزدیک پیدا کرد و در قضیه ۱۷ آذر ۱۳۲۱ که قوام‌السلطنه نخست‌وزیر بود، وقتی به عنوان نماینده مجلس شورای ملی از دربار باز می‌گشت تا به مردم و خاصه جوانان محصل که مجلس را به اشغال خود درآورده بودند مژده‌ای از سوی محمد رضا پهلوی بدهد مورد حمله و هجوم سخت جمعی از افراد قرار گرفت تا جایی که بحال اغما درآمده و با مرگ دست بگریبان شد.

عباس مسعودی بعد از قضیه شهریور ۲۰، مجله اطلاعات هفتگی و سپس مجله اطلاعات بانوان و ملل (الاءاء) را به زبان عربی و اطلاعات ماهانه را منتشر کرد که اکثراً دارای تیراژ قابل توجهی بودند.

عباس مسعودی در مجلس شورای ملی و سنا سمت نمایندگی و سناتوری داشت.

فرهاد مسعودی

مسعودی متولد ۱۳۰۸ و در رشته‌های روزنامه‌نگاری و اقتصاد از امریکا لیسانس گرفته است. وی خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۲۸ آغاز کرده و مدتها سردبیر تهران ژورنال بود و در سال ۱۳۵۰ مدیر موسسه اطلاعات و مدیر عامل شرکت ایران چاپ بود و به زبان‌های فرانسه و انگلیسی آشنایی داشت.

پدر وی در سال ۱۳۵۰ کلیه اختیارات خویش در موسسه اطلاعات را به فرهاد مسعودی واگذار نمود.

سید حسن مصطفوی نائینی

نامبرده صاحب امتیاز نشریه سرگذشت میباید که اولین شماره آن در ۲۱ خرداد ۱۳۲۳ انتشار یافت. این نشریه ابتدا روزانه و پس از اندی در تیرماه ۱۳۲۶ بصورت هفتگی منتشر شد. از جمله نشریات طرفدار جبهه استقلال و حکومت مرکزی بود و از امضاءکنندگان اعلامیه طرفدار ساعد بود.

نصرت‌اله معینیان

معینیان فارغ‌التحصیل رشته حقوق سیاسی در دانشگاه تهران و کارمند راه‌آهن، پس از شرکت در جریان کودتای ۲۸ مرداد و به عهده گرفتن امور تبلیغاتی این کودتا راه ترقی در دستگاه

دیوانسالاری پهلوی برایش هموار می‌شود. نخست در سال ۱۳۳۲ معاون اداره تبلیغات نخست‌وزیری شده و سپس در سال ۱۳۳۸ به سمت معاون نخست‌وزیر و سرپرست انتشارات و رادیو منصوب می‌گردد. معینان که به حزب ایران نوین پیوسته بود در کابینه‌های منوچهر اقبال، شریف امامی، علی امینی، اسداله علم همچنان سمت معاون نخست‌وزیر را به عهده داشته و در کابینه دوم اسداله علم وزیر راه می‌شود. در سال ۱۳۴۳ اولین وزیر اطلاعات ایران گشته و بعدها به سمت ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی گمارده می‌شود.

کمال‌الدین موسوی

نامبرده از فراماسونهای عضو لژ تهران و خوزستان بود. فرمان تاسیس لژ خوزستان توسط استاد اعظم لژ اسکاتلند صادر شده و اعضای آن از جمله فراماسون‌های انگلیسی مطرح میباشند.

محسن موقر

وی متولد ۱۳۰۳ و با نام مستعار م. م قسمتی از مقالات خود را امضا میکرد. تحصیلات خود را در رشته اقتصاد و روزنامه‌نگاری در دانشگاه‌های سویس و آلمان انجام داد و در رشته روزنامه‌نگاری فوق لیسانس گرفت. خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۲۶ با نویسندگی در روزنامه «مهر ایران» آغاز کرده و در سال ۱۳۳۳ مدیر مسئول و سردبیر این روزنامه شد. ۴ دوره به نمایندگی مجلس انتخاب شد و نشان‌های همایون، اصلاحات ارضی، تربیت بدنی، تاجگذاری و جشن شاهنشاهی را از رژیم پهلوی دریافت داشته است.

حسین مهری

مهری متولد ۱۳۱۵ بوده و در رشته زبان انگلیسی لیسانس گرفته است. خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۳۸ آغاز کرده و مترجم و نویسنده چندین نشریه بود. طی خدمت مطبوعاتی خود سردبیر آیندگان و روشنفکر بود و با بسیاری از روزنامه‌ها و مجلات همکاری داشت. انگلیسی و فرانسه میداند و در سال ۱۳۵۰ رئیس هیات مدیره سندیکا خبرنگاران مطبوعات بود.

مهدی میراشرفی

مهدی میراشرفی جزء بازیگران نظامی سیاسی اواخر دوره رضاشاهی و عصر محمد

رضاشاهی است.

میراشرافی در اواخر رضاشاه افسر ارتش بود و همینکه حمله نیروهای روسیه و انگلستان در شهریور ۱۳۲۰ آغاز گردید مسئول قسمتی از انبارهای لجستیکی ارتش ایران گردید. نامبرده در آشفته بازار استقرار نیروهای سه گانه روس و انگلیس و آمریکا در ایران، روزنامه آتش را به راه انداخته و در آن روزنامه که امور آن راعده‌ای از روزنامه نگاران می‌گردانیدند، مقاله می‌نوشت. مهدی میراشرافی بدنبال فعالیت‌ها و تلاش‌های مداوم به وکالت مجلس دست یافت. او مدتی بعد روزنامه آتش را رها کرده و در اصفهان ظاهر شد و کارخانه ریسندگی مهم تاج را مالک گردید.

میراشرافی پس از مراجعت از اصفهان بار دیگر روزنامه آتش را به راه انداخته و این بار شمس قنات‌آبادی را مسئول روزنامه کرد و خود دیگر بکارهای آن دخالتی ننمود. در قضیه کودتای ۲۸ مرداد که میراشرافی جزء کودتاجیان بود و جماعتی از او باش و اراذل را به راه انداخته بود، فرستنده رادیوی طهران را به تصرف درآورد. او بعد از کودتا، با دولت سرلشکر زاهدی همکاری داشت تا اینکه بعد از انقلاب اسلامی در اصفهان بوسیله دادگاه انقلاب محاکمه و اعدام گردید.

ایرج نبوی

نبوی متولد ۱۳۱۲ و متأهل و دارای سه فرزند است. خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۲۷ با انتشار روزنامه «خروش جوانان» برای دانش‌آموزان دبیرستان‌های تهران آغاز کرده و طی این مدت بجز نشریات اطلاعات و کیهان با غالب نشریاتی که در تهران منتشر شده همکاری داشته و تعداد زیادی از آنها را شخصاً اداره و یا سردبیری می‌کرده است. از آخرین کارهای نبوی در زمینه روزنامه نویسی از اداره و تنظیم روزنامه «تاریخ شاهنشاهی ایران» که ۲۴۰ شماره همراه با روزنامه ندای ایران نوین انتشار یافت و همچنین روزنامه «جشن شاهنشاهی» که در یکصد شماره و با تیراژی برابر با تیراژ همه نشریات کشور منتشر شده میتوان نام برد. نشان‌های همایون و نشان جشن شاهنشاهی گرفته است. او به کشورهای انگلیس - فرانسه - هند - اسرائیل و آمریکا سفر کرده است.

در کتاب ۲۵ سال مانور در ایران آمده است که ایرج نبوی در توزیع «تغذیه رایگان» در مدارس مشارکت داشته و از این راه سرمایه هنگفتی به جیب زده است.

حسین نجفی

نامبرده که فراماسون بود در کابینه ازهارای و شریف امامی به عنوان وزیر دادگستری معرفی و مشغول بکار شد.

سید علی نصر

سید علی نصر، فرزند مرحوم نصرالاطباء بسال ۱۲۷۰ خورشیدی در کاشان متولد شده است. وی بدون تردید پدر تآثر ایران است و زحمات بسیاری در این راه متقبل شده است. نصر تحصیلات خود را در مدارس شرف، علمیه و آلیانس فرانسه انجام داد و در چهارده سالگی به معلمی زبان فرانسه و ریاضیات در مدرسه ی آلیانس فرانسه رسید و همچنین در مدارس نظامی، علوم سیاسی، اسلام، اقدسیه و قاجاریه تدریس کرده است.

وی در دوره ی حیات خود ۱۲۰ نمایشنامه و تعدادی کتاب نوشته که اغلب نمایشنامه های او بروی صحنه آمده است.

کمدی ایران نیز از تاسیسات نصر بود که با همکاری عده ای از دوستانش آنرا تشکیل داده بود، نصر، هنرستان هنرپیشگی را که وابسته به انجمن هدایت افکار بود در سالهای پیش از شهر یور ۱۳۲۰ تاسیس کرد، هنرمندان و هنرپیشگان مشهور کنونی اغلب از شاگردان و فارغ التحصیلان آن هنرستان هستند.

عمده مشاغل سید علی نصر ریاست کل خالصجات مملکت، رییس کل ممیزی، اداره کل عایدات داخلی، ریاست کابینه وزارت دارایی، رئیس انحصار تریاک، رییس انحصار دخانیات، پیشکار مالیه اصفهان، پیشکار مالیه خراسان، رییس موسسه برق تهران، حاکم مازندران، معاون وزارت پیشه و هنر و بازرگانی، معاون وزارت کشور، وزیر مختار در چین و در کابینه قوام السلطنه وزیر پست و تلگراف بود. او سپس به سفارت ایران به پاکستان رفت و بالاخره به سفارت کبرای ایران در چین منصوب گردید. سید علی نصر فراماسونر بود و عضو موسس لژ سعدی بشمار می رفت.

سید علی نصر در شب چهارشنبه ی ۲۵ بهمن ماه ۱۳۴۰ خورشیدی بعلت سگته ی قلبی درگذشت و در شهری مدفون شد.

خسرو هدایت

وی نخستین بار با اشغال پست ریاست بنگاه راه آهن دولتی ایران اشتهاار پیدا کرد که البته سالها این مقام تقریباً با اهمیت را در دست داشت.

فعالیت و تکاپوهای زیرکانه او بهنگام زمامداری احمد قوام که کابینه سوم و چهارم خود را در سال ۱۳۲۴ تشکیل داد آغاز گردید. برای قوام السلطنه که بخاطر استحکام کار دولت خویش حزبی بنام (دموکرات ایران) را تشکیل داد و اکثر دولتمردان دولت دار، منتظر الوزاره‌ها، ورشکستگان سیاسی، این‌الوقت‌ها، تشنگان جاه و منصب بدان روی آورده بودند، خسرو هدایت که در راه آهن ایران هزاران کارمند و کارگر در اختیار داشت وجود مغتنمی محسوب می‌شد. خسرو هدایت که ضمناً تحت حمایت و مورد محبت و الطاف خاصی از اشرف پهلوی بود ابتدا به ریاست کنفرانس آسیای کارگران آزاد و عضو هیئت اجرائیه کنفدراسیون جهانی کارگران برگزیده شد.

قوام السلطنه که اعوان و انصارش در برابر حزب توده ایران که با شرکت تعدادی کارگر کارخانجات طهران و شهرهای صنعتی مازندران بر خیابانها تسلط یافته بود تصمیم داشتند از وجود برخی از کارگران راه آهن که زمام آنان در دست هدایت بود بهره برگیرند، بهمین جهت خسرو هدایت که به حزب قوام جلب شده بود اتحادیه‌ای به نام (اسکی) یا (اتحادیه سازمان‌های کارگری) ایران تشکیل داد که علی‌الظاهر کلیه کارگران بنگاه راه آهن دولتی ایران در آن حزب عضو شده بودند. خسرو هدایت که این اتحادیه را رهبری می‌کرد به کمک و همداستانی عباس شاهنده (فرمانده چماق داران حزب دموکرات ایران) گاه و بی‌گاه به اجتماعات حزب توده، مراکز و کانون‌های اتحادیه‌ای آن حزب حمله می‌کردند و در پیکارهای سخت، جمعی از توده‌ای‌ها را مصدوم می‌ساختند. خسرو هدایت برای تقویت اتحادیه‌های قبلی خود تعداد زیادی آدم بیکاره را با استخدام درآورد که فقط هنرشان، بهم ریختن اتحادیه‌های حزب توده و عربده کشی و شعار دادن بود و بس! خسرو هدایت در انتخابات تقلبی و مخدوش حزب قوام فعالیت و تلاش فوق‌العاده بکار بست و صندوق‌ها را از آراء تقلبی پر ساخت که البته می‌دانیم جریان این کار رسوا و اقتضاحات آن نزد مصدق با عکس‌العمل تند و شدیدی روبرو گردید و علیه این انتخابات بشدت اعتراض کرده و به دربار روی آوردند تا جائیکه دولت احمد قوام ناگزیر تسلیم و حزب و انتخاباتش هر دو از میان رفتند! اما خسرو هدایت که تازه در ابتدای کار و تلاش خود بود بعد از کنار رفتن قوام السلطنه به دکتر منوچهر اقبال روی آورد و اقبال نیز در کابینه خود خسرو هدایت را

به عنوان معاون پارلمانی و سپس قائم مقام خود در سازمان برنامه و سپس وزیر مشاور معرفی کرد.

وقتی کابینه دکتر اقبال برافتاد و وی به عنوان مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران برگزیده شد، خسرو هدایت را به نام قائم مقام و سپس معاون مدیر عامل انتخاب کرد که هدایت اغلب در شرایط بسیار مساعد و با امکانات وسیع و گسترده در آبادان به تمشیت امور مشغول گردید و تا آخر عمرش سال‌هایی سرو صدا در آبادان در فضای مناسبی زندگی کرد.

مهندس سعید هدایت

مهندس سعید هدایت نوه مخبرالدوله و برادرزاده سپهد هدایت می‌باشد و تحصیلات خود را در رشته راه و ساختمان با درجه مهندسی پایان رسانید و شغل دولتی نداشت و در مجلس شورای ملی نماینده بود.

هادی هدایتی

هادی هدایتی فرزند ابوالحسن در سال ۱۳۰۲ شمسی در تهران متولد گردید و تحصیلات مقدماتی را در تهران گذراند. وی دوره متوسطه را در دارالفنون پایان رسانید و جهت ادامه تحصیل به خارج رفت و در رشته حقوق به تحصیل پرداخت. هدایتی دکترای خود را در رشته حقوق از کشور فرانسه دریافت نمود و پس از آن به ایران آمد و در وزارت فرهنگ به فعالیت پرداخت. وی در دانشگاه تهران بعنوان استاد حقوق به تدریس مشغول شد.

هادی هدایتی در اسفند ماه سال ۱۳۴۲ که حسنعلی منصور کابینه خود را تشکیل داد بعنوان وزیر مشاور وارد کابینه او شد، حسنعلی در تاریخ ۱۸ آذرماه سال ۱۳۴۳ کابینه خود را ترمیم نمود و هادی هدایتی بعنوان وزیر آموزش و پرورش به مجلس معرفی گردید. هدایتی پس از ترور منصور و تشکیل کابینه هویدا در هفتم بهمن ماه سال ۱۳۴۳ به عنوان وزیر آموزش و پرورش در کابینه ابقا گردید. این سمت در ترمیم کابینه دوم عباس هویدا نیز برای هدایتی منظور شد. وی تا سوم آذر ماه سال ۱۳۴۷ وزیر آموزش و پرورش بود.

بهنگام وزارت هادی هدایتی قانون تفکیک وزارت فرهنگ بدو وزارت فرهنگ و هنر و وزارت آموزش و پرورش به مجلس برده شد و به تصویب رسید. هادی هدایتی در دوره ۲۱ مجلس شورای ملی از سوی به اصطلاح مردم شهر ری به مجلس راه یافت. هدایتی از بنیانگذاران

حزب ایران نوین بود و برای افزایش حوزه قدرت آن از هیچ فعالیتی فروگذار نمی‌کرد.

ابراهیم همایونفر

وی عضو لژهای کورش و ژاندارک فراماسونری بود که مدتی به عنوان ریاست مناطق نفت خیز در دهه ۱۳۳۰ و ایام ملی شدن صنعت نفت مشغول بکار بود.

اسماعیل یگانگی

یگانگی فعالیت مطبوعاتی خود را از سال ۱۳۳۳ آغاز نموده و با نشریات مختلف بعنوان خبرنگار و نویسنده همکاری میکرد. وی با نام مستعار «الف یکتا» مطالب خود را چاپ مینمود و سالیان زیادی برای کیهان و اطلاعات کار مطبوعاتی انجام داد. نامبرده از اعضای پایه‌گذار سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات بود و چندین دوره عضویت هیئت مدیره آن را برعهده داشت.

بخش دوم

اماکن، انجمنها و نشریات سایر منابع

انجمن بوعلی سینا

نخستین انجمن فراماسونی که بعد از انحلال باشگاه همایون در ایران تشکیل شد «انجمن طرفداران بوعلی سینا» بود، که طبق تصمیم کارگردانان لژ مولوی در تهران تأسیس شد. این انجمن در هفته اول سال ۱۳۳۸ رسمیت خود را اعلام کرد و اعضای مؤسس آن عبارت بودند از:

دکتر سعید مالک.

عباسعلی گلشائیان.

دکتر احمد هومن.

دکتر محمود هومن.

عباس خلعتبری.

خان بابا بیاتی.

عماد تربتی.

عیسی بهزادی.

سرلشکر بقائی.

سید محمدعلی امام شوشتری.

عبداله سعیدی.

عبداله ظلی.

معتمدی.

غلامحسین صارمی.

این‌عهده که همگی عضو لژ مولوی بودند، یک‌ماه بعد شعبه انجمن را در شیراز افتتاح کردند. مؤسسين انجمن دو سال بفعاليت خود ادامه دادند. اينان هر کسي را که قصد داشت وارد لژ‌هاي تابعه «گراند ناسيونال دفرانس» شود، ابتدا بنام عضويت در انجمن طرفداران بوعلی سینا، وارد جرگه خود ساخته و سپس پيشنهاده ورود او را به لژ مطرح می‌کردند. همينکه عضويت آن شخص با اکثريت آراء تصويب می‌شد، به وی پيشنهاده می‌کردند که وارد لژ بشود. اگر فرد مورد نظر، با عضويت در لژ موافقت می‌کرد، با تشریفات خاص وارد محفل ماسونیک می‌شد.

باشگاه خورشید تابان

دومین سازمان نیمه مخفی فراماسونهای فرانسوی در ایران، باشگاه خورشید است که اسم آن ابتدا نور بود.

فراماسونها همواره محفل خود را منبع «نور» و «روشنائی» و دنیای غیر فراماسون را جهان ظلمات و تیرگی و تاریکی می‌دانند. آنان مدعی هستند که هر کس فراماسون می‌شود، وارد دنیای «روشنائی» شده و از زندان جهل و تاریکی نجات یافته است. آنان می‌گویند غیر فراماسونها نادان هستند و در بی‌خبری و جهل مرکب و تاریکی بسر می‌برند. نکته جالب اینکه فراماسونها، «یهود» و «خدای اسرائیل» را پرستش می‌کنند و به آیات مزامیر داود سوگند می‌خورند و در عین حال فریاد «برادری و برابری» در می‌دهند، خود را برتر از سایر جهانیان می‌دانند.

باشگاه رازی

تا پایان سال ۱۳۳۹ جلسات لژهای تهران و کورش در محل لژ (لایت) واقع در کلیسای انجیلی تهران در خیابان قوام السلطنه تشکیل می‌شد. در این سال محمد جواد مستوفی‌زاده مقاطعه کار نفت و کنسرسيوم که سرمایه هنگفتش را از راه انجام مقاطعه کاری و خدمت به شرکت نفت ایران و انگلیس بدست آورده بود، محلی در خیابان انقلاب برای شعبات لژ «روشنائی در ایران» خریداری کرد که سپس بمحل جدید منتقل شد.

محمد جواد مستوفی‌زاده همواره به برادران ماسون خود می‌گفته «من بودم که شما را از آن محل کتیف نجات دادم». محل جدید که بنام باشگاه رازی نامیده می‌شود، خانه بزرگی است که

طبقه فوقانی آرا با علائم و اشکال ماسونی تزئین کرده و در این محل لژهای تهران، کورش، خیام، نور، ژاندارک، و آریا با تمام تشریفات تشکیل می‌شد. هنگام تشکیل جلسات لژها، هیچیک از افراد غیر ماسون حق رفتن به طبقه فوقانی را نداشتند. باشگاه رازی سومین سازمان نیمه مخفی لژهای ماسونی انگلیسی و فرانسوی است که در سال ۱۳۴۰ تقاضای تشکیل و ثبت آن از وزارت کشور، ثبت اسناد و شهربانی شده و موافقت این سازمان‌های دولتی در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ اعلام شده است.

فراماسونهای عضو لژهای انگلیسی برای اینکه محل تشکیل لژهای خود را از نظر مردم و سازمانهای دولتی مخفی کنند، با استفاده از مقررات تاسیس باشگاه‌ها و مجامع متشابه مصوب سال ۱۳۰۴ هیئت دولت، تقاضای ثبت موسسه مذکور را نموده‌اند. تقاضای تاسیس لژ از شهربانی بوسیله دکتر علی شین پرتو تسلیم شده است.

او در تقاضا نامه‌اش نام: محمد جواد مستوفی زاده - دکتر رحمت مرشدزاده - سرهنگ فضل‌اله مقدم و حسین رامتین را بعنوان عضو هیئت مدیره ذکر کرده و دکتر ذوالریاستین و دکتر جعفر جهان را بنام بازرسین باشگاه معرفی نموده است.

بموجب ماده هشتم مقررات سال ۱۳۰۴ که در سال ۱۳۰۹ تکمیل و تأیید شده است «اعمال مقاصد و مذاکرات سیاسی و ایراد خطابه و متینگ‌ها و نطق‌هاییکه جنبه سیاسی داشته باشد در کلوبها، قرائتخانه و مجامع ممنوع است و حال آنکه باشگاه رازی برای تشکیل جلسات مجمع سیاسی فراماسونی بوجود آمده و در همه جلسات نطق و گفتگو و مذاکرات سیاسی می‌شود. مقررات خاص و استثنائی باشگاه رازی نموداری از طرز تفکر و چگونگی پنهان کردن مقاصد اصلی کارگردانان فراماسونی از نظر مردم و اجتماع است. در ماده دوم اساسنامه باشگاه رازی نوشته شده:

«... منظور از تشکیل باشگاه رازی عبارتست از: ایجاد روابط دوستی بین اعضای باشگاه بمنظور تعاون و معاضدت و راهنمایی یکدیگر و همفکری و تشریک مساعی آنها در امور خیریه و خدمات نوعی و علمی و فرهنگی و نیکوکاری نسبت ب مردم ایران»

فراماسونها برای اینکه هیچیک از غیر ماسون‌ها را به باشگاه راه ندهند. تبصره‌ای در ماده ۱۵ اساسنامه گنجانیده‌اند که ارتباط اعضای باشگاه را با مردم قطع می‌کند: «اشخاصی که دوستی آنها با اکثریت میسر نبوده و یا دارای اخلاق و ایمان و تربیت و سواد و معلومات کافی نباشد، نمی‌توان ب عضویت پذیرفت.»

فراماسون‌های انگلیسی برای اینکه سرپوشی بر روی اعمال خود در درون لژها بکشند و درهای باشگاه را بروی بیگانگان (ماسون‌ها به کسانی که فراماسون نیستند بیگانه می‌گویند) ببندند در اساسنامه ۲۸ ماده‌ای باشگاه رازی مقررات خاصی برای عضویت ورود به باشگاه در بسته و حتی حضور در اطاقهای باشگاه قائل شده‌اند. هیچکس حق ندارد، حتی به بار، رستوران و سالن باشگاه «بدون اجازه» و یا عضویت در لژ فراماسونی وارد شود.

فراماسون‌ها برای اینکه اداره و درآمد باشگاه رازی را که جنبه غیر بازرگانی دارد موجه و قانونی جلوه دهند، محل درآمد مؤسسه مذکور را به موجب بند ۲ ماده ۲۱ از: «کمک‌های نقدی اشخاص - امور خیریه - انجام خدمات ملی و نوعی - علمی و ادبی یا فرهنگی انجمنها و موسسات مربوط به این امور دانسته‌اند.»

نکته جالب و قابل تعمق و تأمل در تدوین اساسنامه باشگاه رازی این است که کلیه مواد مندرجه در آن، عیناً و تنها با تغییر کلمه (حافظ) به (رازی) از اساسنامه باشگاه حافظ لژ همایون که محمد خلیل جواهری آنرا تاسیس و محل تشکیل اجتماعات اعضای لژ مذکور قرار داده بود، اقتباس شده است.

فراماسونهای لژهای انگلیسی برای اینکه محل استیجاری را خریداری کنند و آنرا به صورت محفل و معبد فراماسونری درآورند، تصمیم گرفتند از اعضای خود مبلغ یک میلیون تومان جمع‌آوری کنند. بدین منظور اعضای هیئت مدیره انتخاب شده توسط هیئت موسس مستعفی شدند و روز ۲۸ اسفند ۱۳۴۴ - هیئت مدیره جدیدی بدین شرح انتخاب شدند:

۱- مهندس حسین شقاقی - رئیس هیئت مدیره

۲- محمد مجلسی - دبیر انجمن

۳- مصطفی عامری - خزانه دار

۴- فتح‌الله فرود - عضو هیئت مدیره

۵- مهندس جمال گنجی - عضو هیئت مدیره

نخستین تصمیم هیئت مدیره جدید تصویب ماده‌ای برای جمع‌آوری پول و الحاق آن به اساسنامه انجمن زکریای رازی بدین شرح بود:

«هیئت مدیره تصمیم گرفت به شورای انجمن پیشنهاد نماید، اشخاص صلاحیتداری که با

تصویب رئیس هیئت مدیره برای پرداخت بهای ساختمان محل انجمن واقع در خیابان اتوشیروان

دادگر یا اهداء مبلغی شرکت کنند، عضو انجمن رازی شناخته می‌شوند.»

وقتی کار الحاق ماده فوق‌الذکر به اساسنامه انجمن فراماسونری مذکور پایان یافت، مهندس حسین شقاقی استاد اعظم لژهای انگلیسی بخشنامه‌ای را برای همه فراماسونهای انگلیسی فرستاد و از آنها خواست تا هر یک از آنها دو هزار تومان برای ساختمان محفل فراماسونری پرداخت نمایند.

«تماشاخانه تهران»

اگر جنبه‌های گوناگون هنری و فنی تماشاخانه تهران نخستین تئاتر دائمی را مورد بررسی قرار دهیم، خواهیم دید، به جز جنبه نمایشنامه نویسی، بقیه را باید آغازی از صفر دانست. در تشریح این «صفر» باید گفت که «هنرستان هنرپیشگی تهران» نخستین حرکت، پس از سالیانی خلاء بود، در این مدرسه به زحمت تالاری به ابعاد ۱۲×۵ به اضافه صحنه‌ای ۵×۳ پیدا می‌شد تاسیس به وسیله هنرجویان افرادی چون نظیر فکری، بایگان، حالتی، گرمسیری، دفتری، صبری، دست ورز، صادق بهرامی، احمد دهقان، نقشینه، احمد منزوی و مصیری بودند، تمرین نمایش‌های تک پرده‌ای را هفته‌ای یکی - دو شب (پنجشنبه و جمعه) با بهایی ارزان برای خویشان و دوستان آغاز کردند. اعمال قراردادی، پشت نکردن به تماشاگران و بیان طوطی‌وار، نمایانگر ابتدایی بودن مهارت بازیگری و کارگردانی، در دوره‌های گذشته بود.

کمک‌های مادی و معنوی شهرداری و دولت، نصر را به اندیشه گسترش کار، تشکیل شرکت و تحویل گرفتن «گراند هتل» به کمک دولتمردان از مستاجر آن، و تبدیل محل سینما به «تماشاخانه تهران»، رهنمون کرد.

تماشاخانه تهران رهبری تئاترهای مختص به طرفداران شاه و دربار را بعهده داشت. این تقسیم بندی تنها ناشی از روش، وابستگی و پیوستگی صاحبکاران هر یک از تئاترها بود. پایه تعصبات سیاسی تا بدان حد می‌رسید، که هیچ یک از مثلاً مخالفان شاه و دربار، در طول عمر خود، حتی حاضر نشدند پا در محل «تماشاخانه تهران» بگذارند.

با بررسی کار دوازده سال نخست «تماشاخانه تهران» می‌توان عملکرد آن را به سه دسته تقسیم کرد:

۱- نمایشنامه‌های اخلاقی و معیشتی که عمدتاً به وسیله نصر نوشته یا از زبان‌های دیگر «آداپته» شده بود. مانند: «تا این جوریم همین جوریم»، «امان از دست شوهرم»، «عروس زورکی»، «پیراهن مراد»، «موفق»، «هردمبیل»، «اصفهان‌ی چلمن» و «محمود آقا را وکیل کنید».

۲- نمایشنامه‌های تاریخی و افسانه‌ای مانند: «نادرشاه»، «محمد علی بیگ»، «شاه عباس»، «سیروس»، «قسمت»، «حاجی گدا»، «جن در قصر خلیفه»، «امیرارسلان» و «آغا محمدخان».

۳- ترجمه‌های نسبتاً خوب: «در حالیکه سایه حرم»، اثر اسکار وایلد، و «ارنائی»، اثر ویکتور هوگو.

مدت اجرای هر نمایش تنها یک هفته بود و در روزهای پنجشنبه هر هفته برنامه‌ها عوض می‌شد.

«تماشاخانه تهران» در سال‌های نخست فعالیت، زیر رهبری علی نصر، راه خود را می‌پیمود. با خروج نصر از ایران و تسلط کامل دهقان، تماشاخانه در جهت تامین نظریات دربار و مالکان وابسته و مقابله با احزاب مترقی، گام بر می‌داشت. انتصاب دهقان و عبدالله والا به عنوان وکلای مجلس شورای ملی نیز، پاداش خدمات به شاه محسوب می‌شد.

کودتای سال ۱۳۳۲ سبب افشای کامل وابستگی تماشاخانه تهران، روگردانی نیروهای ملی، بی‌طرف و در نهایت دریده شدن ماسک هنری آن شد.

حزب مردم

پس از شهریور ۱۳۲۰، سید محمد صادق طباطبایی از سیاسیون صدر مشروطه که در زمره نمایندگان مجلس شورای ملی به شمار می‌رفت، حزب اتحاد ملی را بنیان نهاد که در حقیقت شعبه‌ای از فراکسیون اتحاد ملی در مجلس شورای ملی بود. پس از آن در دهم مرداد ۱۳۲۳ با صدور اطلاعیه‌ای که تعداد زیادی از رجل سیاسی آن را امضا کرده بودند تشکیل حزب مردم اعلام گردید. در اعلامیه تاسیس این حزب آمده بود: «... اکنون امضاکنندگان با ایمان کامل و عقیده راسخ برای انجام این منظور مقدس به نام آزادی یعنی عدم تحمیل بیداد و عدم تحمل بیدادگری به نام ایجاد نصفت و عدالت عمومی و سعادت کشور هم میهنان را برای تشکیل یک حزب قوی ملی که ایران و آزادی آن هدف غایی آمال و آرزویش باشد به نام حزب مردم دعوت می‌نماید. که از جمله افرادی که این اعلامیه را امضا کرده بودند می‌توان از امان‌الله اردلان، عباسقلی اردلان، دکتر آقاییان، ذبیح‌الله صفا، ابراهیم زند، دکتر اسماعیل سنگ، مظفر بقایی، مهدی ملکزاده، حسام‌الدین دولت‌آبادی، عزیزالله بیات و... نام برد. درباره تغییر نام حزب اتحاد ملی به حزب مردم و هدف از این تغییر نام آبراهامیان در کتاب جامعه‌شناسی ایران صفحه ۲۱۴ می‌گوید در تلاش بعدی برای به دست آوردن حمایت گسترده‌تر، نام سازمانشان را به حزب مردم تغییر

دادند که به طور سر بسته از سوسیالیسم دفاع می‌کرد و روزنامه رادیکالی به نام صدای مردم نیز منتشر می‌کردند.

در دوران نخست‌وزیری قوام، حزب مردم یکی از مخالفین سرسخت آن به شمار می‌رفت. «صدای مردم» ارگان حزب مردم که صاحب امتیاز آن «محمد حسین فری‌پور» بود در ۱۶ دی ماه ۱۳۲۵ به دلیل مخالفت با دولت قوام توقیف شد. پس از سه ماه تعطیلی، در نخستین شماره پس از توقیف در ۱۱ فروردین ۱۳۲۶ خطاب به نخست‌وزیر نوشت: «در آخرین شماره صدای مردم که توقیف شد، نوشته بودیم چرا عده‌ای از اوباش که به باشگاه ما و دانشگاه ریخته و شکسته و زده و غارت کرده‌اند.... را مورد تعقیب قرار نمی‌دهید.... امروز دیگر همه کس می‌داند که اقدامات شما فقط برای حفظ مقام و موقعیتی است که به دست آورده‌اید.... استقلال و آزادی ایران از دست رفته است....»

در جریان انتخابات دوره پانزدهم مجلس، کاندیداهای حزب مردم نیز چون سایر احزاب از راه‌یابی به مجلس بازماندند. صدای مردم طی مقاله‌ای ضمن حمله به اقدامات دولت و حزب دموکرات ایران نوشت: «این را تاریخ ایران نمی‌تواند تحمل کند که کههد و ارسنجانی و هراتی و شهاب خسروانی و این نوع اشخاص که به زور زر و سیم و سرنیزه سراز صندوق انتخابات درآورده‌اند به جای مدرس و موتمن الملک و غیره و غیره بنشینند و برای بنده و شما قانون بنویسند و بر پانزده میلیون نفر حکومت کنند.... اینها اگر به مجلس رفتند و اعتبارنامه شان تصویب شد دیگر باید فاتحه مشروطیت و قانون اساسی را خواند.»

مرامنامه و مواضع و تفکر حاکم بر حزب مردم همچون سایر احزاب خالی از اصول و نقطه نظرات مترقی نبود و حتی از سوسیالیسم نیز حمایت می‌کرد. با این حال مواضع دست راستی آن نیز از خلال بیانیه‌ها، مقالات روزنامه صدای مردم و عملکرد آنها مشخص می‌شد. در کتاب جامعه‌شناسی ایران آمده است صدای مردم.... درباره مزایای سوسیالیسم سخن می‌گفت. گرچه فعالیت‌های آنان بازتاب مشی و پیشینه محافظه کار درباری آنها، بود حزب مردم علاوه بر تهران، در اصفهان، کرمان، کرمانشاهان، لرستان و همدان نیز فعالیت داشت.

سرانجام همان طور که درباره نحوه تاسیس حزب اتحاد آمده است، حزب مردم با ائتلاف با دو حزب دیگر حزب اتحاد را تاسیس نمود.

سندیکای چاپخانه داران

با پیشرفت صنعت چاپ در ایران و روزافزون شدن مشکلات و مسائلی که برای این صنف جدید و پر مسئله پدید آمد، سندیکای صنعت چاپ برای پیشرفت این صنعت و هماهنگ کردن کار چاپخانه و رسیدگی به مشکلات و مسائل آنها در سال ۱۳۲۵ پا به عرصه نهاد و در سال ۱۳۴۳ به ثبت رسیده و رسمیت یافت.

وظایف سندیکای چاپخانه داران به شرح زیر بود:

- الف - حفظ حقوق صنفی و تامین منافع اعضا
- ب - اقدام در تحکیم و استحکام دوستی و صمیمیت بین چاپخانه‌ها
- ج - اقدام لازم بمنظور تثبیت دستمزد عادلانه چاپ، صحافی، جعبه‌سازی و گراورسازی برای مطبوعات دولتی و غیر دولتی.
- د - اجرای کامل قوانین و مقررات کار و بیمه‌های اجتماعی
- ه - پشتیبانی و حمایت از شرکتهای تعاونی صنف چاپ
- و - اقدام در تاسیس شرکت تعاونی مصرف برای کارکنان و کارگران صنعت چاپ
- ز - انتشار مرتب بولتن صنعت چاپ

سندیکا در نقش حکم، به اختلاف میان اعضا رسیدگی کرده و پیشنهاد ارائه می‌دهد. در سال ۱۳۴۳ در حدود ۳۶۰ چاپخانه در تهران و ۴۵۰ چاپخانه در ایران وجود داشت که از این تعداد حدود ۸۰ چاپخانه بزرگ و ۲۸۰ چاپخانه متوسط و کوچک در تهران بودند و به جز معدودی از چاپخانه‌های کوچک تهران و شهرستانها بقیه چاپخانه داران کشور عضو سندیکا بودند و هر کدام از آنها برای عضویت در سندیکا مبالغی را ماهیانه پرداخت می‌نمودند.

فراماسونری - انجمنهای جانبی لژها

اخوان الصفا: گفته میشود که جمعیت فوق بطور غیر مستقیم یعنی دور از چشم و استنباط افراد عادی آن به لژ ماسونیک ایران وابستگی دارد.

انجمن فارابی: پوششی برای لژهای فراماسونری در درجات بالا است که اساسنامه آن توسط پنج نفر از ماسونهای مشروحه زیر که ضمناً عضو اصلی نیز میباشند تدوین گردیده است:

- سناتور مصطفی تجدد (رئیس هیئت مدیره بانک بازرگانی و عضو لژهای مولوی و کسری)

- محسن فروغی سناتور (عضو لژ تهران)

- سناتور مهندس جمال گنجی نیشابوری (استاد لژ تهران)
 - سناتور فتح‌الله فرود (دبیر لژ اعظم ناحیه ایران)
 - محمد مجلسی (رئیس عالی انتظامات قضات و دادگاه تجدید نظر انتظامی وکلای دادگستری و استاد لژ آریا)

باشگاه «لاینز» و «دائیر»: این دو باشگاه وابسته به جمعیت فراماسونری بودند. جمعیت ایرانی طرفدار حکومت جهانی: اصولاً و از لحاظ جهانی، از متفرعات لژ فراماسونری پاریس میباشد و در تمام کشورها کلیه فراماسونرهای وابسته به لژ مذکور عضویت این جمعیت نامبرده را پذیرفته و اعضای رئیسه و فعال آنرا تشکیل میدهند. انجمن طرفداران خواجه نصیر طوسی، غزالی، ابوریحان و سنائی: پوششی جهت لژهای فراماسونری درجه بالا می‌باشد و هیات مدیره آن را افراد زیر تشکیل میدادند:

- محمود میرجانی - سناتور - رئیس انجمن

- دکتر محمود عیانی - نماینده مجلس شورا - خزانه دار

- دکتر محمود هومن - استاد دانشسرا - دبیر

- دکتر ناصر یگانه - وزیر مشاور - عضو

- دکتر منوچهر تسلیمی - معاون وزیر اطلاعات - عضو

گسترده‌گی اعضای فراماسونری در ایران بر اساس آمار و اسناد موجود در ساواک موجود اعضاء لژهای مختلف تشکیلات فراماسونری در ایران تا تاریخ ۳۰/۴/۴۷ جمعاً حدود ۱۲۰۰ نفر ذکر گردیده که از این عده، ۲۲ نفر نماینده مجلس شورای ملی، ۱۷ نفر سناتور، ۷ نفر وزیر در هیات دولت و بقیه از شخصیت‌های موثر و متنفذ مملکتی از قبیل سفیر، استاندار، فرماندار... بوده‌اند، که برخی از آنها بدرجه استاد اعظمی که از سمتهای ممتاز ماسونی میباشد، ارتقاء یافته و سایرین در درجات یک کارآموزی تا درجه سه استادی انجام وظیفه نموده‌اند که هر استاد بمدت یکسال استاد اکتیو (فعال) و پس از یکسال، بنا بر فعالیتی که از خود نشان می‌دهد بسمت استاد پیشین که دارای درجه ممتازی است، برگزیده می‌شده‌اند.

فراماسونری - انواع لژها

* شایتر: در تشکیلات ماسونی، شایتر عنوانی بالاتر از لژ دارد و تعداد شایترها در ایران محدود و کسانی میتوانند در این جلسات شرکت کنند که در تشکیلات مذکور مقام بالاتر از استاد

ارجمندی داشته باشند.

* لژهای بسته : لژهای وابسته به گراند لژ آلمان هستند که بعلت حداکثر احتیاطات حفاظتی به لژهای بسته معروف می‌باشند که عبارتند از :

لژ ستاره سحر که مسئول آن مهندس جعفر شریف امامی بود.

لژ ناهید که مسئول آن دکتر علی امیر حکمت بود.

لژ تابنده که مسئول آن دکتر علی امیر حکمت بود.

* لژ دموله : لژی است که جهت فعالیت پسران ۱۴ تا ۱۸ ساله آمریکائی در تهران تاسیس شد و صالح چیتایات (بازرگان) بسمت مشاور این لژ انتخاب شد.

* لژ رین بو : لژی که زنان در آن حق عضویت داشتند و تنها لژی بوده که زنان با حداقل سن ۲۰ سال میتوانند در آن عضو شوند، این لژ جهت عضویت زنان آمریکائی مقیم ایران تشکیل گردید.

فراماسونری - چگونگی پذیرش عضویت در فراماسونری

نحوه پذیرش فراماسونری در ایران از ابتدا و تا دهه ۱۳۵۰ شمسی بدین نحو عمل میشد که شخص داوطلب بایستی درخواستی به امضای یکی از ماسونهای قدیمی و امضای یک نفر که کاملاً شناخته شده باشد و ضمناً اظهارات داوطلب را تأیید نماید، عرضه را به دبیرخانه لژ تسلیم نموده و سپس به سئوالات ذیل پاسخ کتبی بدهد :

- نام کامل شما چیست؟

- سن شما چقدر است؟

- محل تولدتان کجا است؟

- محل اقامت کجا است؟

- از دهسال قبل به چه کاری اشتغال داشته‌اید؟

- آیا در شهر نیویورک سکونت داشته‌اید؟

- محل سکونت خود را از دهسال باین طرف تعیین نمائید؟

- آیا در گذشته از محافل دیگر تقاضای داوطلبی کرده و درخواست شما رد شده است؟

- آیا عقیده به وجود یک خدا دارید؟

- آیا عقیده به اتکاء بنفس دارید؟

- آیا از سلامتی کامل برخوردار هستید؟

- آیا هیچگونه مانع ادبی و شرعی و یا جسدی برای احراز عضویت محفل در شما هست یا خیر؟
 - آیا سوالات را بدقت خوانده و پاسخ به خط خودتان است و به شرافت سوگند یاد میکنید؟
 داوطلب پس از پاسخ کتبی به سوالات فوق، برگه را توسط معرف به دبیرخانه لژ تسلیم مینمود و لژ نیز برگ درخواست را به کمیته بازرسی ارسال و پس از موافقت در داخل لژ، برای بار اول این پیشنهاد قرائت میگردد. پس از یکماه مجدداً در جلسه بعدی همان لژ برای بار دوم قرائت و رایگیری بعمل میآید، چنانچه مخالفی نداشت، عضویت داوطلب مورد تصویب قرار میگرفت و برای جلسه ماه بعد در دعوتنامه عمومی لژ، ورود داوطلب جدید نیز قید میگردد، در صورت حضور، وی را به اتاقی راهنمایی میکردند تا تمام ابزارهای بنائی را ببیند. پس از آن چشمان داوطلب را با پارچه‌ای بسته و به کتاب آسمانی خودش سوگند میدادند و بعد از انجام این مراحل داوطلب را به اتاق دیگری هدایت نموده و به او میگفتند از تاریکی به روشنائی منتقل گردیده‌اید و درجه یکم که همان درجه شاگردی باشد به شما اعطا میگردد و طبق جدول مربوطه مبلغی بعنوان ورودیه، اساسنامه و آئین نامه از داوطلب گرفته میشود. پس از یکی دو هفته رموز متناسب با درجه، به او یاد داده میشود و یکسال پس از عضویت از «پایه یک شاگردی» به «پایه دوم» که «پایه یاری» است ارتقاء درجه مییافت.

مجدداً پس از یکسال از «پایه دوم» به «پایه سوم» که «پایه عالی استاد ماسونی» است ارتقاء یافت و «دبلم درجه سه» به شخص اعطا میگشت.

در دهه ۱۳۵۰ لژ بزرگ ایران طی بخشنامه‌ای در نحوه عمل عضوگیری اعضای فراماسونری تجدید نظر نموده و به لژهای تابعه ابلاغ کرد که به روش زیر اقدام کنند.

"نامزدانی که برای ورود به طریقت ماسونی معرفی میشوند بدون اینکه ذکری از نامزدی آن در لژ ذکر گردد توسط کمیته تحقیق هر لژ رسیدگی شده و پس از تشخیص صلاحیت نامزد، استاد ارجمند هر لژ در روزهایی که کمیته تحقیق جلسه داشت شخصاً حضور بهم رسانیده و صورت نامزدان را با اسامی معرفین همراه داشته، در کمیته تحقیق مطرح گشته و آن کمیته به وضعیت نامزدان رسیدگی و نظریه خود را نفیاً یا اثباتاً به لژ ابلاغ نماید.

... پس از ابقاء نظریه کمیته تحقیق با داوطلب وارد مذاکره شده و در صورتیکه حاضر برای ورود به طریقت ماسونی باشد در لژ رسماً مطرح و طبق رسوم و آداب طریقت اقدام میگردد."

نحوه دیگر عضوگیری در مورد افرادی بود که از شهرستانها تقاضای ورود به جرگه ماسونی داشتند. در خصوص این افراد بدین ترتیب اقدام میگشت که مراتب طی بخشنامه‌ای که در تابلو و

لژ بزرگ ایران نصب میگردید، داوطلب به کلیه اعضا معرفی و از آنان خواسته میشد بر روی سوابق فرد مورد نظر بررسی و چنانچه کوچکترین سوابقی از هر جهت داشته با عضویت وی مخالفت نمایند و در صورتیکه در مورد این شخص نظریه مخالفی واصل نمی شد یک نفر مامور بود تا در مورد این شخص رسماً تحقیق و پس از اعلام نظر مراسم عضویت فرد اجرا می گشت.

فراماسونری - نحوه رای گیری در تشکیلات

نحوه رای گیری در تشکیلات فراماسونری بدو نوع تقسیم میگردد:

الف - نحوه رای گیری در داخل هر لژ بمنظور تأیید شخص نشان شده جهت ورود به جرگه ماسونها بدین ترتیب است که ابتدا فرد را یکی از اعضا نشان کرده و سپس برگ نشان را دو نفر دیگر از ماسونها تأیید و به دبیرخانه لژ تحویل میدهند، پس از آن مشخصات فرد نشان شده را در تابلو اعلانات بمدت معین نصب می کنند تا اعضای لژ در خصوص ابعاد مختلف شخصیتی مشارالیه تحقیق کرده و در جلسه ای که بمنظور رای گیری و انتخاب وی تشکیل می گردد نظرات خود را اعلام کنند و پس از اعلام نظر اعضا، رای گیری بعمل آمده و در صورتی که به کاندید عضویت بیش از دو مهره سیاه تعلق نمی گرفت عضویت فرد مورد نظر پذیرفته میشد.

ب - نحوه رای گیری جهت انتخاب استاد اعظم و خزانه دار گراند لژ که خود بدو شکل نکاتبه ای و اعزام نماینده صورت میگرفت.

گراند لژ ناسیونال فرانسه در حدود سال ۴۷ طی نامه ای به آدرس محمود هومن جزئیات رای گیری مکاتبه ای را برای لژهای خارج از پایتخت (پاریس) که قادر به اعزام نماینده جهت انتخاب استاد اعظم و خزانه دار کل گراند ناسیونال نیستند بشرح ذیل ارسال نمود:

پاکت دارای علامت A (از مجموعه سه پاکت A, B, C) محتوای دو ورقه رای گیری است که روی آنها اسامی کاندیدای استادی لژ بزرگ قید گردیده است. پاکت دارای علامت B محتوی دو ورقه رای گیری حاوی اسامی کاندیدای خزانه دار کل می باشد که تنها بایستی با کلمه آری یا نه فرد مورد نظر انتخاب گردد پاکت دارای علامت C که محتوی پاکتهای A, B بوده و نام رای دهندگان روی آن نوشته شده تا قبل از باز نمودن پاکتهای A, B نمایندگان هر لژ شناسائی شوند.

و اما نحوه رای گیری از طریق اعزام نماینده عبارت بود از:

- نماینده اعزامی باید مورد تأیید لژ هر منطقه باشد.

هر لژ حق دو رای دارد پس بایستی هر لژ دو نماینده اعزام کند تا هر یک از این نمایندگان یک رای جهت انتخاب استاد اعظم و یک رای جهت انتخاب خزانه‌دار کل در صندوق رای بیاندازند، نمایندگان اعزامی میبایستی جهت انتخابات آموزشهای لازم را فراگیرند.

فراماسونری - علائم و رموز فراماسونها

فراماسونها جهت شناسائی دو جانبه خود در مجامع عمومی و یا خصوصی علائم و رموز قرار دادی دارند که برخی از آنها را در اینجا ذکر میشود.

۱- طرز دست دادن بدین ترتیب است که انگشت شست دست راست را بر روی استخوان انگشت سبابه دست راست طرف مقابل گذارده و فشار میدهند اگر طرف مقابل نیز همین عمل را انجام داد، متوجه میشوند که هر دو ماسون هستند.

۲- گذاردن دست راست با کف باز بطرف قلب.

۳- تکان دادن سریع دست راست بطرف گردن و اشاره به قسمت جلو گردن با همان دست راست.

۴- لمس: طرز مخصوص دست دادن را گویند.

۵- طرز ایستادن جهت احترام به بزرگتران که با تشکیل زاویه قائمه توسط پاشنه پاها این احساس را انتقال میدهند.

۶- طرز ایستادن جهت ادای سوگند، در این هنگام پاشنه پای راست در محل کف پای چپ بشکل گونیا قرار میگیرد.

۷- روبوسی سه بار.

لازم بذکر است که علائم ۳ تا ۱ زمانی بکار میرود که یک نفر ماسون به یک مجمع از قبیل دادگاه، مهمانی و... وارد شود، جهت معرفی خود به دیگر ماسونها این علائم را بکار میرد.

فراماسونری - مراسم تنصیب استاد لژ

تشکیلات فراماسونری برای انتخاب استاد لژها مراسم و تشریفات خاصی را دارد که طی یک دعوتنامه با شرکت تمام اعضاء به اجراء گذاشته میشود، مراحل اجراء این مراسم بشرح ذیل میباشد.

۱- لژ بوسیله حضرت استاد اعظم تنصیب کننده در درجه اول افتتاح میشود.

۲- رئیس تشریفات استاد تعیین شده را معرفی مینماید.

- ۳- استاد اعظم تنصیب کننده خطابه‌ای برای استاد تعیین شده ایراد مینماید.
- ۴- مدیر تشریفات خلاصه‌ای از تکالیف باستانی را قرائت مینماید.
- ۵- استاد اعظم تنصیب کننده مراسم یاد کردن سوگند وفاداری را انجام میدهد.
- ۶- مراسم سرود انجام میشود.
- ۷- کارآموزان از لژ خارج میشوند. لژ بدرجه دوم برده میشود.
- ۸- کار یاران از لژ خارج میشوند (دومین درجه از درجات ماسونی) لژ بدرجه سوم ارتقاء مینماید.
- ۹- استاد بنایان از لژ خارج میشوند و هیئت استادان تنصیب شده تشکیل میگردد.
- ۱۰- استاد ارجمند لژ تنصیب میشود.
- ۱۱- لژ در درجه سوم ادامه داده میشود. استاد بنایان بداخل لژ پذیرفته میشوند.
- ۱۲- به استادان ارجمند از شرق جایگاه سلام داده میشود و ابزار استادی به او ارائه میشود.
- ۱۳- لژ بدرجه دوم تنزل داده میشود، کار یاران بداخل لژ پذیرفته میشوند.
- ۱۴- به استاد ارجمند از غرب سلام داده میشود و ابزار کاریاری به او ارائه میشود.
- ۱۵- لژ بدرجه اول تنزل داده میشود، کارآموزان بداخل لژ پذیرفته میشوند.
- ۱۶- به حضرت استاد اعظم از جنوب سلام داده میشود و ابزار کارآموزی به او داده میشود.
- ۱۷- فرمان و قانون اساسی لژ بزرگ و آئین نامه داخلی به استاد ارائه میشود.
- ۱۸- سایر افسران لژ سوگند یاد مینمایند و در سمتهای خود تنصیب میشوند.
- ۱۹- جهت استاد ارجمند تنصیب شده خطابه ایراد میشود.
- ۲۰- جهت سرپرستها خطابه ایراد میشود.
- ۲۱- جهت برادران خطابه ایراد میشود.
- ۲۲- خطیب دعا میخواند.
- ۲۳- کویه که علامت قدرت است به استاد ارجمند تنصیب شده اعطاء میگردد.
- ۲۴- هیئت لژ بزرگ ایران با تشریفات از لژ خارج میشود.
- ۲۵- لژ بنحو مقرر و باستانی بسته میشود.
- ۲۶- استاد ارجمند تنصیب شده دیپلمهای موسسین را اعطاء مینماید.

فراماسونری - مراحل سیر در لژها

چنانچه از شواهد و قرائن بر می آید، هر لژ جهت برگزاری جلسات، تشریفات خاصی داشته که

تحت عناوین مختلفی به فعالیت می‌پرداخته‌اند. گردانندگان هر لژ برای یکسال ماسونی انتخاب می‌شده‌اند.

در تشکیلات فراماسونری محکمترین مقام، و اولین مقام رسمی یک فرد «دربان لژ» میباشد که طی تشریفات خاصی این مقام به شخص ماسون تفویض میگردد. این مقام در لژهای وابسته به اسکاتلند «نگهبان خارجی» اطلاق میگردد و این در صورتی است که یک دربان لژ میتواند بر اساس شایستگی به مقام «استاد ارجمندی» ارتقاء یابد.

معمولا رئیس لژ را «اونزابل» مینامند که او نیز دارای چهار معاون میباشد که به اتفاق یکدیگر «پنج شغل کارگاه» لژ را تشکیل میدهند، در لژ، بطور معمول یک نفر خزانه‌دار یا مهماندار یا مهرداد یا کتابدار یا بایگان و دو نفر کارشناس امور اجتماعی و حقوقی حضور دارند که به اتفاق رئیس و معاونین لژ هیئت رئیسه لژ را تشکیل داده و امور مربوط به آنرا اداره مینمایند.

تشکیلات ماسونی در آئین اسکاتی دارای درجاتی از یک تا سی و چهار میباشد که افراد بر اساس لیاقت و شایستگی میتوانند در طول دوران عضویت با گذراندن مراحل سیر، طی تشریفات خاص که همراه با سئوالات خاص هر درجه میباشد به این درجات نائل شوند که اعضاء شورای عالی ماسونی نیز از میان درجات سی و یک تا سی و چهار انتخاب میشوند. در ذیل به چند نمونه از این سئوالات در درجات مختلف اشاره می‌شود.

نمونه سئوالیکه شاگرد قبل از ارتقاء به پایه یاری باید پاسخ دهد.

س: نخستین بار کجا برای ماسون شدن مهیا شدید؟

ج: در قلبم.

س: و بعد؟

ج: در یک اطاق مناسبی متصل به کارگاه.

س: شرح دهید چگونه شما را آماده کردند؟

ج: فلزهای مرا گرفتند، چشم مرا بستند، بازوی راست، سینه چپ و زانوی چپ مرا برهنه کردند، به پای راست من کفش... پوشاندند و طناب به گردن من انداختند.

س: در چه محلی شما بعنوان ماسون پذیرفته شدید؟

ج: در داخل یک لژ صحیح و کامل و منظم.

س: در چه ساعت؟

ج: در ساعتی که خورشید در نصف النهار است.

س: در این کشور جلسات کارهای ماسونی اغلب هنگام شب صورت می‌گیرد چگونه این جواب را که صورت تناقض دارد توضیح می‌دهید؟

ج: از آنجا که زمین پیوسته به روی محور خود و مدارش بدور خورشید می‌گردد و از آنجا که فراماسونی روی زمین منتشر است، نتیجه لازم این است که خورشید نسبت به فراماسونی همیشه در نصف‌النهار است. س: فراماسونری چیست؟

ج: دستگاه مخصوص اخلاقی است که در برده مجاز بوسیله رموز تعلیم داده میشود.

س: سه اصل بزرگ را که اساس طریقت را تشکیل میدهد نام ببرید؟

ج: برادری، احسان، حقیقت.

س: چگونه باید بود تا لیاقت پذیرفته شدن در فراماسونی را داشت.

ج: درست، راست، آزاده، سن رشد رسیده، دارای قضاوت سالم و اخلاق نیک.

س: چگونه میدانید که شما ماسون هستید؟

ج: مرا بطور منظم سیر داده‌اند و اغلب از عهده آزمایش برآمده‌ام و من همیشه مهیا هستم که آزمایش دیگری طبق قواعد از من بعمل آید.

همچنین نمونه سوالاتی که باید یک ماسون قبل از ارتقاء بدرجه سوم پاسخ دهد بشرح زیر است:

استاد: ابتدا به چه طریق برای وصول بدرجه دوم آماده شدید؟

داوطلب: بطریقه‌ای تا حدی شبیه بدرجه قبلی با این تفاوت که در این درجه چشمهای مرا نبستند، طناب بدور گردن من نهادند، بازوی چپ و سینه راست مرا برهنه گذاشتند، و پاشنه چپ مرا نمایان کرده بودند.

استاد: روی چه چیز شما را پذیرفته‌اند؟

داوطلب: روی گونیا.

استاد: گونیا چیست؟

داوطلب: یک زاویه نود درجه یا یک چهارم دایره.

استاد: موضوعات مخصوصی که باید در این درجه مورد تحقیق واقع شود چیست؟

داوطلب: اسرار پنهانی و حقیقت مکتب ما.

استاد: چون امید پاداش در همه وقت، کار را در نظر انسان مطبوع جلوه میدهد برادران باستانی ما

برای دریافت مزد خود بکجا مراجعه می‌کردند؟

داوطلب: به اطاق وسیعی در معبد حضرت سلیمان.

استاد: چگونه این دستمزدها را دریافت می‌کردند؟

داوطلب: بدون تردید و حجب.

استاد: چرا با این موضوع مخصوص؟

داوطلب: بدون تردید از این جهت که خود را کاملاً محق بدریافت آن می‌دانستند و بدون حجب

بعلت اعتماد مطلق که بدرستی کارفرمایان خود داشتند.

استاد: اسامی دو ستون مدخل معبد حضرت سلیمان را ذکر نمائید.

داوطلب: ستون سمت چپ بولز و ستون سمت راست ژاکین.

استاد: معانی آنها جداجدا و توأماً چیست؟

داوطلب: اولی یعنی استقامت و وقتی که با یکدیگر توأم شوند معنی پایداری را می‌دهد زیرا

خداوند درباره حضرت سلیمان چنین گفته است که او برای من خانه‌ای خواهد ساخت و من تخت

و تاج او را برای ابد پایدار خواهم داشت.

فراماسونری - منابع مالی و نحوه تأمین آن

منابع مالی سازمان فراماسونری از طرق مختلف تهیه و هزینه میشود بدین ترتیب که هر عضو

بعد از پذیرش در این تشکیلات مبلغی بعنوان حق‌الورود پرداخت می‌نماید و پس از آن نیز مبلغی

بعضویت ثابت میبایست پرداخت نماید، در این رابطه لژ بزرگ استقلال ایران مبالغی را

بشرح ذیل بعنوان حق‌عضویت ثابت از افراد می‌گرفته است.

۱- دریافت مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال از هیات موسس لژ جهت تشکیل لژ.

۲- دریافت مبلغ ۵۰۰۰ ریال جهت صدور فرمان از طرف لژ بزرگ.

۳- دریافت مبلغ ۲۰۰۰ ریال جهت صدور اجازه کار برای هر جلسه.

۴- دریافت مبلغ ۱۰۰۰ ریال تحت عنوان ورودیه به هر نفر به لژ.

۵- دریافت مبلغ ۲۵۰ ریال جهت اعطاء اساسنامه و آئیننامه.

لازم بذکر است که در اکثر جلسات منعقدہ بمنظور رفع احتیاجات لژ، کیسه‌ای را با نام کیسه

خیریه به گردش در می‌آورند. بطور مثال در یکی از جلسات بمنظور دعوت از عده‌ای ماسونهای

جهانی، مبلغی در حدود ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال جمع‌آوری میگردد و یا در جای دیگر لژ بزرگ ایران

جهت احداث ساختمان فراماسونری در ایران طی بخشنامه‌ای اعضا را مکلف برداخت هر نفر ده

ریال مینماید.

این تشکیلات همچنین از طریق افتتاح حساب در بانکها مایحتاج لژ را تامین مینمود. البته هر لژ نیز می‌بایست مبلغی را به گراند لژهای مافوق خود که در خارج از کشور مستقر هستند، پرداخت نماید. (این ارقام مربوط به سال‌های قبل از انقلاب و دهه ۱۳۴۰ است)

فراماسونری - نحوه تشکیل جلسات

جمعیت فراماسونری در هر نقطه‌ای از کشوری که لژی داشته باشند محلی را بنام معبد تاسیس مینمایند تا ماسونها هر پانزده روز یکمرتبه بطور سری در محل مزبور گرد هم آیند، این جلسات به دو بخش عمومی برای خانواده‌های فراماسونها و اختصاصی جهت اعضای رسمی تقسیم میشوند. در جلسات اختصاصی که معمولاً یک یا دو بار در ماه برگزار میگردد، اعضاء طبق دعوت نامه جداگانه‌ای دستور کار در آن قید شده است بامضاء دبیر لژ جهت شرکت در جلسات لژ دعوت میگردد. در جلسات عمومی که در سال معمولاً یک یا دو بار با شرکت اعضای لژها در کلوب مخفی فراماسونها واقع در شمیران خیابان جعفرآباد موسوم به ماسونیک هال برگزار میگردد اعضاء عموماً با لباس اسموکینگ (تیره) همراه با خانمهای خود شرکت مینمودند.

کلوب روتاری

یکی دیگر از جمعیت‌های امریکائی که زیر نفوذ فراوان فراماسونهای آن کشور قرار دارد، روتاروی کلوب است. موسسین این جمعیت که اکثراً از فراماسونهای شیکاگو (شیکاگو مرکز بزرگ فراماسونی امریکا است) بودند، روز سوم فوریه ۱۹۰۵-م (۱۴ بهمن ۱۲۸۳-ش) این انجمن را در شهر شیکاگوی امریکا تشکیل دادند. مبتکر فکر تشکیل این انجمن یک وکیل دعاوی امریکائی بنام «پل هادیس» بود. او هنگامیکه کلوب روتاری را تشکیل داد، شعار آنرا (خدمت بخلق و جامعه، قبل از خدمت به خود) قرار داد و به اعضای موسسه کلوب گفت: دومین شعار ما باید این باشد که کسی بهترین استفاده را از کلوب ما می‌کند، که بهتر و بیشتر از همه به مردم کمک و خدمت کند. کلوب روتاری در سالهای اول تشکیل، بزرگترین عده اعضایش به هفتاد نفر از صاحبان حرف و صنایع و اصناف مختلف می‌رسید، و بعدها در ۱۲۳ کشور جهان شعبه و ۵۰۵ هزار نفر عضو از هشتاد صنف مختلف دارد، که البته امروزه جمعیت این کلوب بیشتر از این اعداد است.

در کشورهای که تعداد اصناف و صاحبان حرف آن زیادتز شده، نسبت به اهمیت وجود اصناف در آنکشورها اعضای روتاری کلوپ آن هم افزایش یافته است و چنانکه در ایران اصناف قالیباف، کاشی کار، منبت کار و خاتمکار بر ۸۰ صنف دیگر جهان اضافه شده است.

در ایران نیز در دهه ۱۳۳۰ مقدمات تشکیل جمعیت مزبور فراهم شد. در ابتدا فقط اعضای موسس مشغول فعالیت شدند و اعضای هیات مدیره را از بین خود انتخاب کردند. تعداد اعضای هیات مدیره جمعیت طبق اساسنامه بیست نفر است، که در سال ۱۳۳۵ از بین خود دکتر جهانشاه صالح را بریاست کلوپ انتخاب کردند. روتاری کلوپ یک رئیس، دو نایب رئیس، یک خزانه دار، یک منشی و یک عضو علی البدل دارد. علاوه بر این هر شش نفر عضو یک کمیته دارند، که کمیته ها کلیه کارهای انجام شده را بدبیر کل جمعیت گزارش می دهند.

در تهران کلوپ اول روتاری، هفتاد عضو داشت ولی چون تعداد زیادی در کلوپ نامنویسی کردند، کلوپ دوم و سوم نیز تشکیل شد.

روتاری کلوپ ایران در آبادان، خرمشهر، تبریز، اصفهان و شیراز نیز شعباتی داشت. جمعیت مرکزی روتاری کلوپ هر سال یکبار کنگره ای تشکیل می دهد که ۳۳۰۰ نفر از اکناف جهان در آن شرکت می کنند. فعالیت فراماسونهای امریکا در این جمعیت فقط در چهارچوب (امور خیریه) است. در حالیکه در سایر کشورها فراماسونها از آن برای پیش بردن مقاصد بین المللی و شخصی خود استفاده سیاسی می کنند. روتاری کلوپ مثل سایر جمعیتهای امریکائی فقط در شوروی و دیگر کشورهای کمونیستی شعبه ندارد.

لژ آریا

تأسیس لژ آریا که از سالها قبل مورد نظر فراماسونری اسکاتلند در ایران بود برای نخستین بار در روز چهاردهم اردیبهشت ۱۳۳۹ دعوتی از طرف «جمال کاشانی» عضو کنسرسیوم نفت و باجنایق دو استاد فراماسونری «فری - مازندی» از عده ای از فراماسونها بعمل آمد. او در آن روز تصمیم گراند لژ محلی «اسکاتلند در ایران» را برای تشکیل لژی بنام «آریا» به برادران فراماسونش ابلاغ کرد. ولی بعللی، فرمان تأسیس لژ مذکور سالها بعد در روز ۵ می ۱۹۶۶ از مرکز گراند لژ صادر شد.

این لژ روزهای دومین سه شنبه هر ماه مسیحی در باشگاه رازی تشکیل جلسه می داد و دبیر و نماینده لژ در ایران دکتر پرویز علا، فرزند حسین علا بود.

لژ اصفهان

نخستین لژ فارسی زبان فراماسونری اسکاتلند که بعد از لژهای پایتخت در شهرستانها، تشکیل شد لژ اصفهان است. فرمان تاسیس این لژ که با شماره ۱۶۱۰ به ثبت رسیده است روز چهارم فوریه سال ۱۹۶۵ صادر شد و در شهر اصفهان گشایش یافت. اهمیت تاسیس این لژ برای فراماسونری انگلیسی آنقدر زیاد بود که «لرد بروس» استاد اعظم گراند لژ اسکاتلند را برای مراسم تاسیس آن به ایران فرستادند. ولی او به علت ابتلا به بیماری نتوانست به اصفهان برود و نماینده‌ای از جانب خود به این شهر فرستاد.

مؤسسين این لژ در شهر اصفهان افراد زیر بودند:

دکتر کاظم امین

عبدالباقی نواب

علی اصغر بختیار

قدرت‌اله برومند

عبدالغفار برومند

علی محمد آزما

سید کاظم صدویه

دکتر اصغر محی

سه ماه بعد از صدور منشور تاسیس لژ مذکور، لرد بروس استاد اعظم و دکتر الکساندر فرلی بوخان دبیر اعظم لژ اسکاتلند، به تهران آمدند تا لژ مذکور را تنصیب و مقام «استاد اعظم ناحیه ایران» را به کریستوفر فری بدهند. برای برگزاری مراسم تنصیب مقام مذکور این دعوتنامه برای همه استادان فراماسونری انگلیسی و فرانسوی و اعضای که حق شرکت در جلسه تنصیب را داشتند فرستاده شد:

«برای دیدار لرد بروس ا. اعظم ل. اعظم اسکاتلند و برادر دکتر الکساندر فرلی باخن دبیر اعظم اسکاتلند و هم چنین برای شرکت در شامی که بعد از انجام تشریفات تنصیب برادر کریستوفر آ. فری به سمت ا. اعظم ل. ن. ایران داده می‌شود خواهشمند است ساعت ۸ بعد از ظهر روز پنجشنبه دوم اردیبهشت ماه ۱۳۴۴ در محل انجمن واقع در خیابان انوشیروان دادگر شماره ۶۶ تشریف فرما شوید.»

روز بعد نیز ضیافت باشکوه و مجللی که در آن شخصیتهای بزرگ فراماسونری شرکت

داشتند، از طرف لژ تهران بافتخار وی داده شد. در این سفر «بوخان» دبیر اعظم لژ ناحیه ایران، چون اشتیاق طبقه مخصوصی از دستگاه حاکمه را برای ورود به لژهای فراماسونی انگلیسی مشاهده کرده بود، به کارگردانان این لژ اطمینان داد که اجازه تاسیس چند لژ را در ایران برای آنها بگیرد.

سازمان فراماسونری انگلیسی سعی فراوانی در حفظ تشریفات و عرف و عادات قدیمه خود داشت. بدین سبب با نظم مخصوص و طبق یک برنامه تنظیمی چندین ساله، اجازه تاسیس لژهای ماسونی در انگلستان و یا کشورهای دیگر جهان را می‌داد. حتی در قبول عضویت نیز از نظر تعداد نفرات سهمیه معینی برای هر یک از لژهای ماسونی جهان قائل شده بود، که تخطی از آنها آسان نیست. موقعیکه دبیر اعظم لژ اسکاتلند در ایران، زمینه را برای پیشرفت اندیشه و آئین فراماسونی آماده دید، با تاسیس چهار لژ دیگر نیز موافقت کرد. گزارشی که او در این زمینه به استاد اعظم فراماسونری اسکاتلند درباره سفرش بایران داده است بدین شرح آغاز می‌گردد:

قسمت عمده و معکوس مسافرت ما این بود که در مدت کوتاه ممکنه خود را از ماری تیوس به تهران برسانیم. برای انجام این کار در مدت ۳۳ ساعت بایستی با چهار هواپیمای مختلف به ماداگاسکار، قاهره و بیروت نقل و مکان کنیم. گر چه در ساعت ۱۱ بعدازظهر از «نایروبی» عبور کردیم، اما با کمال خوشحالی با برادران خود «هارولد ویلکنسون»، «پسر سام ول قیشی‌الدین» و «بوی یانگ» برای یک ساعتی در فرودگاه ملاقات حاصل کردیم. ساعت ۳ صبح در فرودگاه قاهره چندان کاری نتوانستیم انجام بدهیم و شاید هم تا اندازه‌ای احمقانه، بایستی برای ریش تراشی یک دلار به یک سلمانی مصری که لبه تیغ آن فرسوده شده بود بدهیم. چون باید در بیروت ۹ ساعت بانتظار می‌ماندیم، من ترتیبی دادم که در سه لژ با برادران خود در لبنان ملاقات کنم و برای مسائل ماسونی در این کشور با آنها مذاکره نمایم. در این مرحله مسافرت خانم بروس به من پیوسته و باتفاق مشارالیها به ترکیه و ایران مسافرت کردیم.

گرچه ساعت ده بعدازظهر بود که وارد فرودگاه تهران شدیم با اینحال عده کثیری باستقبال ما آمده بودند. برادر سی ای فایری - استاد اعظم گراند لژ محلی با برادر شقایق، برادر دورابچی، برادر دکتر سعید مالک استاد اعظم ناحیه که منسوب به گراند لژ ملی فرانسه می‌باشد، و بسیاری اشخاص دیگر حضور داشتند. آن روز مصادف با آخرین روز فستیوال مسلمانان بود. شهر تهران از روشنائی کامل می‌درخشید در مدت اقامت خود در ایران مهمان منزل جدید برادر خود و خانم فری بودیم. از طرف روتاری کلوب تهران هم ناهار دعوت شدیم و در آنجا موفق شدم که بمنزله سخنگوی مهمانان چند کلمه‌ای ایراد نمایم.

منظور عمده از مسافرت ما به ایران این بود که لژ ناحیه ایران را تقدیس و دایر کنیم و برادر فری را بسمت اولین استاد اعظم ناحیه‌ای معرفی نمایم.

برای این مسئله بایستی لژ بزرگ را افتتاح نموده و مایل هستم که مساعدت برادر وابسته به لژ فرانسه در ایران که دارای مقام «حضرت استاد ارجمند» می‌باشد و همچنین برادر شریف امامی وابسته به لژهای آلمان «که ضمناً هم ریاست سنای ایران را دارا می‌باشد» و مقام استاد ارجمند را دارد بستایم. برادر فری را به سمت رئیس تشریفات برادر ج. د. پایین (سابقاً منشی لژ روشنائی در ایران بود) و برای شرکت از کالیفرنیا مسافرت کرده بود، به سمت گراند چاپلین و برادر علی مرندی بعنوان نگهبان بزرگ داخلی تعیین گردیدند. این لژ در محافل بسیار خوبی که بوسیله برادر شقاقی طرح‌ریزی شده بود تشکیل شد.

محل لژ با قالیهای متعدد و کریستالهای قابل توجه تزئین شده بود و من بخوبی پیشرفت و نفوذ ایرانی را در مورد بنیاد همبستگی ماسونی ما در تشکیل لژ ماسونی احساس کردم. یک نقاشی روی دیوار بشکل برودری شده نفیس با علامت گراند لژ و نقشه دو طرف لژ جلب توجه می‌کرد. دبیر کل شروع به اعلام رسمیت محفل کرد و موزیک مخصوص محفل را به ترنم درآورد.

برادران ایرانی ما آشنائی چندانی با موزیک اسکاتلندی ما نداشتند معذک تشریفات بخوبی انجام گردید و بطور کلی این انجمن خیلی جالب بود. من تصور می‌کنم که پیدایش این (گراند لژ محلی) باعث پیشرفت و کسب احترام و پرستش فراماسونری اسکاتلند در ایران خواهد کرد.

متأسفانه من نتوانستم در تشریفات دیگری که برای تشکیل لژ اصفهان شماره ۱۶۱۰ برپا شده بود، شرکت کنم. مخصوصاً در این مورد متأسف شدم. چون اتحادیه لژ شماره ۱۶۱۱ - در نایروبی و لژ «رم کروئلادیس» سودان شماره ۱۶۱۳ در «وینداک» را تاسیس نموده بودم و بایستی برای تکمیل آنها مراجعت کنم، آماده حرکت شدم. اما حمله سخت انفلورنزا با تب ۱۰۳ درجه که ۳ روز طول کشید و باعث ناراحتی زیادی برای من شد مسافرتم را متوقف کرد. من به برادر سی. ای. فری استاد اعظم ناحیه‌ای ماموریت دادم که لژ اصفهان را تشکیل دهد و با دبیر کل لژ که برادر علی اصغر بختیار باشد همکاری نماید.

برادر فری باتفاق منشی کل و مساعدت برادر مرندی و عنایت رؤسای شرکت ملی نفت ایران با یک هواپیمای خصوصی به اصفهان و شیراز مسافرت کردند. بطوریکه شنیده‌ام تشکیل لژ اصفهان بخوبی انجام گرفته است. دوستان ما در ایران ترتیب گردش و تماشای اصفهان و شیراز را برای ما تهیه دیده بودند. ولی در این موقع من مبتلا به انفلورنزا بودم. برادر فری و منشی کل به شیراز رفتند که ملاقاتی از برادر عرب شیبانی نمایند و معذرت مرا بایشان ابلاغ دارند که نتوانستم از مهمان نوازی ایشان بهره‌مند شوم. همچنین در مورد ضیافت مجللی که برادر شقاقی در منزلشان ترتیب داده بود من نتوانستم شرکت کنم. ولی خانم بروس که بنمابندگی من شرکت کرده بود، شرح مفصلی از آن شب برای من تشریح کرده است.

سایر برادرانی که در منزلشان ما را بشام یا ناهار دعوت و پذیرائی کرده‌اند عبارتند از: برادر امیر سلیمانی، برادر

علی مرندی، برادر جورج اوانس اف، برادر دکتر نخستین وابسته میسیون امریکا و آخرین ضیافت را برادر دکتر سعید مالک در هتل دربند دادند.

در تمام این اوقات افتخار آشنائی غیر رسمی با برادران لژهای ایران را داشتیم. هنگامی که با برادر امیر سلیمانی ناهار صرف می‌کردیم ایشان محفل دراویش و مریدان مسلکاتی را که پیرو ایشان و پدر و جدشان بوده و هستند نشان دادند. یک بعدازظهر هم برادر شریف امامی رئیس مجلس سنا ما را به ساختمان جدید مجلس سنا که دارای سنگهای مرمر بود راهنمایی و پذیرائی نمودند. افتخار صرف چای با نخست‌وزیر و سناتورها که بسیاری از آنها فراماسون بودند حاصل نمودیم.

در خاتمه ملاقات‌ها و پذیرائی‌ها، در تهران بیک فستیوال خانم‌ها در رستوران بزرگ فرودگاه رفتیم که بوسیله برادران لژ لایت ایران ترتیب داده شده بود، و تقریباً بیش از دویست نفر حضور داشتند.

لژ لایت ایران بشماره ۱۹۱۱ قدیم‌ترین لژ ایران و یکی از ارگان‌هایی که اقدامات برجسته‌ای بعمل آورده است. باز هم تکرار می‌کنم از برادر فری و خانم فری که ما را بعنوان مهمان پذیرفته‌اند، تشکر می‌نمایم و از اینکه در موقع بیماری من نهایت پرستاری را انجام داده‌اند، سپاسگذارم.

لژ اصفهان، شعبه اسکاتلند اکنون عده‌ای از انگلیس مآب‌های این منطقه را بدور خود جمع کرده و بیشتر سعی دارد، در بین دانشگاهیان و طبقه روشنفکر نفوذ کند.

لژ اهواز

دهمین لژ فراماسونری اسکاتلند در ایران بنام اهواز می‌باشد که در روز چهارم آگوست ۱۹۶۶ تأسیس شد. این لژ که در سومین دوشنبه هر ماه مسیحی و در ماه‌های جون تا نوامبر تشکیل می‌شد، جلسات خود را در باشگاه رازی تهران برگزار می‌نمود. گذراندن نام «اهواز» بر روز این لژ، بدان جهت بود که پنج نفر از خوزستانیهای عضو لژهای انگلیسی، لژ مزبور را تأسیس کردند. اینان عبارت بودند از:

علی اصغر ادیب محمدی

سید اسداله موسوی

مهندس سلطان محمد سلطانی

دکتر حسن شهمیرزادی

بختیاری بختیارها

لژ تهران ۱۵۴۱

نخستین لژ رسمی که با اجازه فراماسونری انگلیس در ایران به زبان فارسی کار می‌کرد لژ تهران (شماره ۱۵۴۱) بود. این لژ که با صدور منشوری از طرف استاد اعظم گراندلژ اسکاتلند، در ایران رسمیت یافت، پایه اولیه‌ای برای تربیت و تعلیم فراماسونهای ایرانی، در تشکیل لژهای فارسی زبان شد. تأسیس لژ فارسی زبان فراماسونری در ایران بعد از انحلال لژ همایون صورت گرفت. اگر چه انگلیس‌ها اساساً چندان رغبتی نسبت به تشکیل لژ رسمی و با اجازه فراماسونری در ایران که همه تشریفات و اعمال را بزبان فارسی انجام بدهد نداشتند. ولی هجوم و استقبال بعضی از اعضای هیئت حاکمه ایران و برخی افراد سودپرست و مقام دوست از لژ همایون تغییراتی در تصمیمات فراماسونهای انگلیسی بوجود آورد. بخصوص که سیاست شکست خورده انگلیس در ایران بعد از جنگ جهانی دوم و حوادثی که منجر به ملی شدن صنعت نفت شد، نه تنها عوامل و طرفداران آنها را بدامن امریکائی‌ها انداخته بود، بلکه سختگیریهائی که از جانب دستگاه‌های دولتی علیه عمال و عوامل همه خارجیان در ایران بعمل می‌آمد، لزوم توسعه شبکه‌های مخفی فراماسونری انگلیسی را در کشور ایجاب می‌کرد.

این بار انگلیس‌ها به جانب سازمانی روی آوردند که در قرون گذشته همواره مورد توجه ایرانیان بود. تاروپود این تشکیلات مخوف، و شبکه‌های مخفی آن با اسرار و سکوت محض و اطاعت بدون چون و چرا، اوامر آن از طرف مرکز «گراندلژ در انگلستان» صادر می‌شود، تشکیل یافته و با این مرکز پیوند و پیوستگی دارد. اگر در قرون گذشته گاه‌گاهی عمال انگلیس در ایران از دستورات اربابان انگلیسی سرپیچی می‌کردند و حاضر به ادامه خدمتگزاری نمی‌شدند، حداقل منشور و فرمان تأسیس این لژ در روز ۱۶ آبان ۱۳۳۶ بنام چهارده عضو لژ روشنائی و سایر لژها صادر گردید.

انگلیسی‌های فرصت طلب برای اینکه پایه‌های محکمی را برای فراماسونری در ایران بنیان نهند، چند تن از عوامل و اتباع طرف اعتماد و شایسته خود را که در لژ روشنائی در ایران فعالیت داشتند، مأمور لژهای فارسی زبانان کردند. که از جمله کتلل استراکر - کریستوفراسحق فری - اوانس اوانسف - چتایات - الیاس دبی و غیره را می‌توان نام برد.

در سال ۱۳۳۳ لژ روشنائی در ایران هفت نفر از فراماسونهای عضو لژ همایون را بشرح زیر انتخاب و به لژ فیحای بصره معرفی کرد:

مهندس حسین شقاقی - سلیمان بهبودی - مهندس فروغی - دکتر کیان - دکتر خشایار -

مهندس ناصر بهبودی - نصرالله آذری

این هفت نفر با معرفی و ضمانت شیخ احمد خزعلی که از خاندان شیخ خزعل است و با مهندس حسین شقاقی خویشاوندی سببی دارد، به عضویت لژ فیحا در آمدند. اینان پس از گرفتن مقام‌هایی که بوسیله آن بتوانند در ایران لژ تشکیل دهند، به تهران بازگشتند. منتهی سازمان فراماسونری اسکاتلند که مقید به اجرای همه اصول و آداب و رسوم و تشریفات ماسونی است، برای اینکه تعلیم یافتگان در کارها و عملیات آینده دچار اشتباه نشوند، سه سال آنها را در لژ روشنائی پذیرفته و تحت تعلیم قرار داد. در این مدت اینان، هم درجات بالاتری را احراز کردند و هم به رموز و تعالیم و دستورات سری و علنی آگاه شدند.

پس از اینکه این هفت نفر مورد اعتماد و اطمینان کامل انگلیسها و مرکز لژ در ادنبروک واقع شدند، تقاضای تشکیل لژ فارسی زبان را بنام «تهران» و به شماره «۱۵۴۱» کردند. این لژ تابعیت انگلیسی دارد، ابتدا عبودیت و برتری و سروری لژهای انگلیسی را قبول کرد، سپس فرمان تشکیل لژ بنام آنها صادر گردید.

مؤسسین لژ مذکور، پس از انجام تشریفات عادی «لژ تهران» را در روز ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۷ در تهران تأسیس و رسمیت آنرا به همه سازمان‌های فراماسونری جهان اعلام داشتند. هنگام افتتاح «لژ تهران» دو نماینده عالیقدر از طرف «فراماسون اعظم اسکاتلند» بتهران آمدند. اعزام این دو نماینده، درجه اهمیت افتتاح لژ فارسی زبان را در ایران ثابت می‌کند. پس از خاتمه تشریفات افتتاح لژ و انتخاب اولین دوره کارگردانان لژ تهران در نماینده مذکور به انگلستان برگشتند، تا گزارش کارهای انجام شده را به استاد اعظم بدهند.

چندی بعد یکی از آنها گزارش عادی و غیر محرمانه افتتاح لژ را در سالنامه گرانند لژ اسکاتلند، منتشر کرد. در این گزارش آمده بود:

وقتی که فراماسون اعظم بمن افتخار داد، به همراه دبیر کل برای تأسیس و تقدیس لژ تهران شماره ۱۵۴۱ به دعوت برداران فراماسون و بعنوان میهمان اداره کنندگان لژ به ایران سفر کنم، احساس کردم که این مسافرت بسیار جالب توجه خواهد بود.

در آنوقت من اطلاعاتی از اوضاع ایران و عراق نداشتم لذا این سفر را با چشم و گوش باز آغاز نمودم. در اندک مدتی دریافتم که لژ بزرگ اسکاتلند در ایران دارای یک لژ بسیار فعال و قدیمی است که تحت عنوان و نام (روشنائی در ایران شماره ۱۱۹۱) خوانده می‌شود. و در عرض سال گذشته برای اولین بار این لژ به عنوان سرپرست ناحیه‌ای این قسمت از خاورمیانه تعیین شده است که لژهای ما را در ایران، عراق و بحرین سرپرستی می‌کند. اعضای لژ روشنائی در ایران را

بیشتر اتباع انگلیسی، تشکیل می‌دهند و چند نفر امریکائی و ایرانی و ملیت‌های دیگر نیز در آن عضویت دارند. سه و یا چهار سال پیش عده‌ای ایرانی تصمیم گرفتند که به عضویت فراماسونری درآیند، و بالاخره موفق شدند، اجازه تأسیس لژی را در تهران بگیرند. این‌ها از آن دسته برادران ماسونی هستند که توانستند با قبول طریقت اسکاتلندی و تبعیت از اساسنامه گراند لژ اسکاتلندی، لژ جدیدی برای خود تأسیس کنند. این برادران فراماسون از ما [گراند لژ اسکاتلند] خواستند تا اقدام به افتتاح و تقدیس لژ آنها کنیم. ما آنها را فراماسونهای بسیار علاقمند دریافتیم که به خوبی متوجه اهمیت کاری که می‌خواهند بکنند، هستند. ولی با اینکه سه سال است آنها تقاضای منشور تأسیس لژ کرده‌اند، معذک مادام که همه نکات را نیاموخته‌اند، نمی‌توانند به افتخار دریافت منشور (تأسیس لژ) نائل آیند. آنها در طی مدتی که انتظار دریافت منشور را می‌کشیدند، بطور دائم معلومات فراماسونری خود را توسعه داده و شاعر ماسونیک (فراماسون بودن) و همچنین اداره لژ را بخوبی فرا گرفته‌اند. برادران ما در اینمدت شاعر ما را به زبان فارسی، یعنی زبانی که لژ با آن فعالیت خواهد کرد، ترجمه کرده‌اند.

هنگام ورود به تهران ما با استقبال شایانی روبرو شدیم و خود را در یک محیط سرمست کننده یافتیم که آکنده از برادری و دوستی و محبت بود.

ما را به محفل و معبد جدید لژ طهران راهنمایی کردند و این لژ را بسیار عالی یافتیم. این لژ در محلی که سابقاً خانه مسکونی بود، تأسیس شده و حقیقتاً لژی امیدوار کننده بود.

ما این لژ جدید را تحت ریاست برادر مهندس حسین شقاقی و کمک برادران لژ روشنائی در ایران و کمکهای بی‌شایبه برادر شیخ احمد خزعلی استاد اعظم لژ فیحا که در بصره واقع در عراق تشکیل می‌شود، افتتاح و تقدیس نمودیم.

برادر خزعلی به عنوان ستون قدرتی برای برادران لژ تهران در کمک به فعالیت آنها بوده است. لژ جدید خوشبختانه دارای دبیری فعال و پرکار چون برادر مهندس میرعبدالباقی نیز می‌باشد که در ایران بهر کجا که رفتیم ما را راهنمایی و همراهی کرد.

شب بعد، ما دیدار کوتاه یکساعت و نیمی از لژ مولوی نمودیم که نسبتاً لژ جدیدی است تحت نظر لژ بزرگ ناسیونال ملی فرانسه تأسیس شده است. در اینجا ما با استقبال بسیار دوستانه و برادرانه‌ای روبرو شدیم و بقیه این شب را در لژ روشنائی ایران گذراندیم.

در اینجا ما گزارش دست اولی را از طرف استاد اعظم لژ استماع نمودیم و دریافتیم که نحوه کار حقیقتاً عالی است. روز بعد ما با پرواز به شیراز رفتیم. در اینجا یکدسته فراماسونر از ما پذیرائی کردند در حالیکه تا بحال در شیراز لژ تأسیس نشده است. در طی اقامت خود از آثار کاخ تخت جمشید بازدید کردیم و شب هنگام افتخار صرف شام را بطور غیر رسمی در حضور یکی از نخست‌وزیران و دو تن از وزرای وی که یکی از آنها خدمتگزار اداری لژ تهران می‌باشد

کسب کردیم.

در خاتمه نیز بار دیگر با احساساتی مسرور کننده و صمیمی و علاقه واقعی به این حرفه مخصوص «طریقه اسکاتلندی» در ایران روبرو و مواجه شدیم.

روز بعد ما با اتومبیل به اصفهان سفر کردیم. در اصفهان نیز ما دسته‌ای از فراماسون‌ها را ملاقات کردیم و از آنجا با پرواز عازم آبادان شدیم. در آبادان یکی از رؤسای شرکت نفت ضیافت ناهاری بافتخار ما ترتیب داد، سپس از مرز گذشته به بصره واقع در خاک عراق وارد شدیم.

در بصره عده زیادی از افراد لژ (فیجا) در سرحد از ما استقبال کردند.

شامگاهان ما در جلسه لژ شرکت کردیم، در حالیکه برادر شیخ خزعلی روی صندلی مخصوص قرار داشت، مراسمی بسیار عالی به زبان عربی انجام پذیرفت.

روز بعد ما از بغداد به سوی اسکاتلند پرواز کردیم.

در خاتمه و بطور خلاصه من عقیده دارم که فراماسونری هم اکنون در ایران بر پایه‌های مستحکم استوار است. این پایه می‌تواند توسعه خوبی گردد.

لژ ژاندارک

هشتمین لژ فارسی که تابعیت اسکاتلند را دارد، لژ «ژاندارک» است. این لژ که در ردیف شماره ۱۶۰۸، لژهای اسکاتلندی در جهان ثبت شده است، فرمان تاسیس آن در روز هفتم می ۱۹۶۶ صادر شده است. لژ مذکور در چهارمین چهارشنبه هر ماه مسیحی تشکیل می‌شود و اعضای آن از منتخبین لژهای تهران و کوروش می‌باشند. نخستین استاد اعظم این لژ دکتر مهدی میرزا حسابی عضو بازنشسته وزارت کشور است که باتفاق افسران لژ در اولین سال تاسیس انتخاب شده است.

لژ خیام

دومین لژ فارسی زبان که گراند لژ اسکاتلند در ایران تشکیل داد، لژ خیام است. این لژ در سال ۱۳۴۱ (۲ نوامبر ۱۹۶۱) در تهران تشکیل شد و تقدیس یافت و اعضای مؤثری که در مراسم افتتاح تاسیس آن دخالت داشتند، عبارتند از:

دکتر احمد علی آبادی

دکتر مرتضی رسا

دکتر هوشنگ رام

دکتر باقر عاملی
 دکتر فرزین
 دکتر کرباسفروشان
 دکتر ناصر یگانه
 دکتر ایرج وحیدی
 دکتر حسین اسفندیاری
 دکتر ناصر حداد
 دکتر محمد طاهری
 مهندس شیلاتی فرد
 رحیم متقی ایروانی
 عباس اسفندیاری
 هاشم حکیمی
 دکتر احمد توکلی
 دکتر مصطفی نامدار
 دکتر هوشنگ عامری
 مهندس طاهر محمدی

در تاسیس این لژ، نکته بسیار جالبی که به چشم می‌خورد، انتخاب اعضای آن است که از طبقه روشنفکران و تحصیل کرده می‌باشند. شاید در روزهایی که این لژ تشکیل می‌شده، نظر بر این بوده است که با انتخاب روشنفکران و افراد خوشنام، جبران انتخاب پیشین بعضی از افرادی را که سابقه روشنی نداشتند، و در لژ تهران وارد شده بودند، بنمایند.

تظاهرات آزادیخواهانه و مخالفت‌های پنهانی و آشکار بعضی از اعضای لژ با پاره‌ای تصمیمات و اقدامات قوه مقننه، حتی در یک مورد سبب شد که یک استاد لژ مقام مهم دولتی خود را از دست بدهد. زیرا در حالیکه، همین مقام دولتی، خود نویسنده و تهیه کننده یکی از لوایح دولت بود، به یکی دیگر از اعضای لژ دستور داده شده بود که در مجلس با آن مخالفت کند.

جریان واقعه از این قرار است: در سال ۱۳۴۴ شمسی هیئت دولت ایران، تصمیم گرفت، تغییراتی در کار دادگاه‌های کشور و انحلال و یا ابقاء پاره‌ای از دادگاه‌ها و قضات آن بدهد. دکتر باقر عاملی استاد لژ انگلیسی خیام که در آن ایام وزیر دادگستری بود، لایحه‌ای در این زمینه به

مجلس شورایی تقدیم کرد. ولی خود او در یکی از جلسات بسیار محرمانه، استادان لژهای انگلیسی می‌گوید که با تنظیم و تصویب لایحه مزبور موافق نیست. در نتیجه تصمیم به مخالفت با این لایحه گرفته می‌شود و برای اینکه لژهای فراماسونری انگلیسی، بخصوص لژ خیام که اغلب از افراد طبقه روشنفکر تشکیل شده است، نظر اصلی لژ را که مخالفت لایحه پیشنهادی از طرف استاد ماسونی دکتر باقر عاملی بوده است، ابراز کنند. به سه نفر از اعضای لژ (رامبد، بهبودی، والا) ماموریت میدهند که در جلسه علنی مجلس با لایحه مخالفت کنند. این سه نماینده که عضو فراکسیون حزب مخالف دولت بودند، از بین خود مهندس والا نماینده خلخال را انتخاب می‌کنند و او در روز بیست و هشتم آذرماه ۱۳۴۴ نطقی در مخالفت با لایحه در جلسه علنی مجلس شورایی ایراد می‌کند، که خلاصه آن ذیلاً نقل می‌شود:

مجلس شورای ملی برای این بوجود آمد و مشروطیت در این مملکت از این جهت پی‌ریزی شد که فلسفه عدالت و بسط داد و دادگستری جزو احتیاجات زمان شده بود. اگر تاریخ مشروطیت ایران را ملاحظه کنیم خواهیم دید که ملت ایران و روشنفکران ایران اول بفکر تاسیس عدالت خانه افتادند و تقاضایشان از حکومت مستبد وقت این بود که ابتدا عدالت خانه تاسیس شود. بنابراین اگر ما ادعا کنیم که وجود پارلمان و اساس مشروطیت ما باید بر پایه عدل و داد استوار بشود مطلبی را گزاره گوئی نکرده‌ایم بنابراین وقتی مساله دادگستری مطرح می‌شود و ما درباره لوایح آن موافقت یا مخالفت می‌کنیم و حتی این صحبت بدر ازا می‌کشد، بنظر من بهیچوجه من‌الوجه جنبه شخصی ندارد (صحیح است) مساله مساله مملکتی است مساله مساله خواست مردم است. والا از نظر شخصی بنده یکی از مریدان شخص دکتر عاملی هستم و برای ایشان احترام خاصی هم قائل هستم اما جزء آرزوهای من یکی این بود که وزارت دادگستری یا هر وزارتخانه دیگری بدست اشخاص صلاحیتدار و وارد بیفتد و وقتی مرحوم منصور دکتر عاملی راز مجلس از دست می‌دهیم ولی خدا کند این مرد بتواند در دادگستری منشا اثر باشد.

مهندس والا اضافه می‌کند:

«اساس فکر تقدیم این لایحه برای گرفتن اختیارات است، بنده روی کلمه اختیارات برعکس فرمایش جناب آقای دکتر عاملی اصرار دارم آقای دکتر عاملی می‌فرماید من اختیارات نمی‌خواهم به بینم آیا اختیار این است که فقط سر ببرند؟»

اختیار دیگر برای چه می‌خواهید؟ شما می‌آئید با تصویب یک لایحه اساس دادگستری را بهم می‌زنید، شعب را منحل می‌کنید دادگاه بخش را دادگاه شهرستان و دادگاه شهرستان را دادگاه استان می‌کنید و دادگاه استان را دو درجه‌ای دادگاه جنائی را یک و دو مرحله‌ای می‌نمایند.

بنابراین بمحض اینکه این قانون تصویب شد، آن قاضی که پشت آن میز نشسته دیگر در آن مقام قرار نمی‌گیرد و

باید حکم جدید برایش درست کرد این چی است؟

... ببخشید جناب آقای وزیر دادگستری، می‌فرمایند دلیل وجودی و دلیل انشاء این قانون آنست که ما می‌خواهیم دادگستری را در مسیر انقلاب شاه و ملت قرار بدهیم، همه باین گفته تمکین می‌کنیم اما جناب آقای دکتر عاملی وزارت دادگستری که ۱۲۰۰ نفر قاضی بیشتر ندارد چند مرتبه باید در طول مدت کوتاهی دستخوش نظرات صحیح یا ناصحیح و نظرات بجا و یا نابجای وزارت وقت بشود! وزرای دادگستری، آمدند در طول مدتی که مصدر کار بودند آن اصلی را که بنا به تجویز قانون اساسی، اصل تفکیک قواست لگدکوب کردند. من اگر ثابت کنم وزیر دادگستری قیام بر علیه قانون اساسی کرده، آنوقت است که وقتی لایحه‌ای می‌آمد که در آن وزیر می‌تواند هر قاضی را از جایش عوض کند اسباب نگرانی‌ام می‌شود. شما وزیر دادگستری داشتید که آمده یک دادگاهی را منحل کرده بعد آمده آن دادگاه را دو ماه بعد تاسیس کرده.

مهندس عبدالله والا سپس اشاره به دادگستری انگلستان نموده گفت :

«آقای دکتر عاملی شاهکار شما، تحول اساسی شما این بود که می‌آمدید می‌گفتید وزارت دادگستری را از نظر وزارت منحل می‌کنیم ولی مقام قضا و استقلال قوای قضائی و مصونیت قضائی را آنچنان مستحکم می‌کنیم که هیچ عامل دیگر نمی‌تواند آنرا بهم بزند ما انتظارمان این است که اگر ایشان تحصیل کرده اروپا هستند، اگر نسبت به قوانین اساسی دنیا مطلع هستند به بیند دنیا چکار کرده است آیا وزارت دادگستری در انگلستان وجود دارد؟ در صورتیکه مقام قضا در انگلستان در تمام دنیا حتی برای تمام دشمنان و مخالفان سیاست‌های استعماری دولت آن کشور مورد احترام است چرا؟»

چندی پس از ایراد این نطق، وقتی که یکی از اعضاء مؤثر لژهای انگلیسی ماجرا را افشاء کرد، دکتر باقر عاملی از پست وزارت دادگستری برکنار شد، و مهندس عبدالله والا هم بعلت اینکه دستورات لژ را بدون چون و چرا اجراء کرده بود نتوانست در انتخاب دوره بیست و دوم پشتیبانی رای دهندگان خلخال را بیاورد و شخص دیگری بجای او انتخاب شد. بدین ترتیب یکی از بازیهای سیاسی پشت پرده فراماسونهای انگلیسی با شکست خاتمه یافت. یکسال بعد از این ماجرا، گراند لژ اسکاتلند اجازه داده که باقر عاملی به مقام استادی ارتقاء یابد.

لژ کورش

سومین لژ فارسی زبان وابسته به گراند لژ اسکاتلند، لژ کورش شماره ردیف ۱۵۷۴ می‌باشد. این لژ انگلیسی را می‌توان کانونی برای پذیرش اعضای جدید سایر تشکیلات فراماسونری انگلیسی دانست. زیرا برخلاف لژ خیام که در آن تحصیل کرده‌ها و روشنفکران عضویت دارند، در این لژ اشخاصی رنگارنگ با افکار و عقاید و مشاغل گوناگون و حرف مختلف گرد هم آمده‌اند.

فرمان تاسیس لژ کورش در ۱۴ آگوست ۱۹۶۰ از طرف استاد اعظم گراند لژ اسکاتلند صادر شده و در ۹ آذر ۱۳۳۹ در تهران در کاخ بنیان آزاد (کلیسای انجیلی) زیر نظر استادان انگلیسی لژ روشنائی در ایران گشایش یافت. در سالنامه سال ۱۹۶۱ نام این لژ در ردیف سایر لژهای جهانی اسکاتلند ثبت گردیده است.

بنیان‌گزاران لژ کورش که در نشریه‌های رسمی این لژ معرفی شده‌اند به شرح زیر می‌باشند:

- ۱- برادر دکتر علی پرتو
- ۲- برادر دکتر جعفر جهان
- ۳- برادر دکتر رحمت مرشدزاده
- ۴- برادر حسین رامتین
- ۵- برادر دکتر مهدی ذوالریاستین
- ۶- برادر احمد افخمی
- ۷- برادر علیرضا هروی
- ۸- برادر دکتر احمد توکلی
- ۹- برادر مهندس علی اصغر بختیار
- ۱۰- برادر یوسف مازندی
- ۱۱- برادر فتح‌الله فرود
- ۱۲- برادر کیقباد ظفر
- ۱۳- برادر مهندس حسین شقاقی
- ۱۴- برادر دکتر عبدالحسین راجی
- ۱۵- برادر دکتر ارفع السلطنه فرخ
- ۱۶- برادر هرن
- ۱۷- برادر دکتر گزنی
- ۱۸- برادر صالح چتایات
- ۱۹- برادر ادوارد چتایات

لژ کورش در سومین چهارشنبه هر ماه مسیحی در باشگاه رازی، تشکیل جلسه می‌داد و همانطور که گفته شد، لژهایی که در تهران یا یکی از شهرهای ایران تشکیل می‌شد، ابتدا اعضای آن در این لژ پذیرفته شده، سپس به سایر لژها منتقل می‌شوند.

صرفاً در یک دوران فعالیت هشت ساله لژ مذکور، چندین «استاد ارجمند» که یکی از مقامات عالی فراماسونی است، در این لژ پذیرفته شده‌اند.

لژ نور

نهمین لژ فارسی زبان فراماسونری انگلیسی در ایران، لژ «نور» به شماره ۱۶۳۱ می‌باشد این لژ در دومین چهارشنبه ماه مسیحی در محل باشگاه رازی تشکیل می‌شد و ریاست اعظم آن با دکتر سید حسن امامی، امام جمعه تهران بود دکتر امامی سال‌ها قبل در لژهای فراماسونری فرانسه عضو شد. ولی فراماسونهای انگلیسی برای اینکه شخصیت برجسته‌ای را در رأس تشکیلات خود بگمارند، از وی تقاضا کردند که عضویت لژ آنها را قبول کند. طبق مقررات و قوانین فراماسونری، هر یک از اعضای یک لژ فراماسونری می‌توانند در یکی دو لژ دیگر نیز عضویت پیدا کنند، به شرطی که آن لژها، عبودیت و برتری و سروری لژهای انگلیسی را قبول داشته باشند.

بدین لحاظ سازمان فراماسونری انگلیسی مقیم ایران دکتر سید حسن امامی، امام جمعه را به خاطر شخصیت مذهبی و اجتماعی و نفوذی که در سازمان‌ها و مقامات دولتی داشت، وارد تشکیلات خود کرد و او را در رأس لژ نور قرار داد.

این لژ بموجب دعوتنامه‌ای، در روز ۱۳ خرداد ۱۳۴۶ در تهران «تأسیس و تقدیس» شد و همه تشریفات رسمی تشکیل لژ و حتی خواندن آیات تورا و ادعیه انجیل توأم با موزیک که در این گونه مواقع اجراء می‌گردد، عیناً و با حضور کریستوفر اسحق فری یهودی‌الاصل (ناظر اعظم لژ ناحیه ایران) انجام پذیرفت.

نشریه آتش

تحت این عنوان یک روزنامه سیاسی - خبری و یک هفته نامه هنری - اجتماعی توسط سید مهدی میراشرفی انتشار یافت که مدیریت آن‌ها بر عهده سید مصطفی شمس قنات‌آبادی بود. روزنامه آتش در سال ۱۳۲۵ انتشار یافت و تا سال ۱۳۴۱ به فعالیت خود ادامه داد و سردبیر آن انوشیروان معالی بود.

هفته نامه آتش در سال ۱۳۳۷ انتشار یافت و سردبیران آن به ترتیب سیامک پورزند و احمد سروش بوده‌اند.

نشریه بامشاد

این نام متعلق به یک روزنامه و هفته نامه بود که توسط اسماعیل پوروالی ایروانی انتشار می‌یافت. روزنامه بامشاد طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۷ و هفته‌نامه بامشاد نیز طی سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۷ به حیات خود ادامه دادند.

نشریه ترقی

در قالب این نام دو روزنامه انتشار یافته‌اند.

اولین روزنامه طی سال ۱۳۰۳ و به مسئولیت میرزا لطف‌اله دانشمند و در قالب انتقادی - خبری انتشار یافت و دومین آن توسط لطف‌اله ترقی و در دو دوره انتشار طی سالهای ۱۳۰۸ الی ۱۳۴۴ انتشار یافت در این نشریه افرادی چون علی زرین قلم، ابراهیم مدرسی، علی حافظی، منوچهر مطیعی و خسرو معتضد به سردبیری مشغول بوده‌اند.

نشریه خواندنیها

این نشریه بصورت دو شماره در هفته از سوی علی اصغر امیرانی (و مدتی ابراهیم خواجه نوری) در قالب سیاسی - خبری و با استفاده از مندرجات سایر مطبوعات از سال ۱۳۱۹ انتشار یافت و تا ایام انقلاب به حیات خود ادامه داد.

نشریه سپید و سیاه

این نشریه بصورت هفتگی و در قالب سیاسی - اجتماعی از سوی دکتر علی بهزادی طی سالهای ۱۳۳۲ لغایت ۱۳۵۳ انتشار یافت و در آن اکبر معاونی، حسین مه‌ری و حسین الهامی به سردبیری مشغول بوده‌اند.

نشریه سحر

این نشریه بصورت هفتگی و در قالب سیاسی - خبری از سوی سلیمان انوشیروانی در سال ۱۳۲۹ انتشار یافت و تا سال ۱۳۵۳ به حیات خود ادامه داد.

لازم بذکر است که روزنامه دیگری بهمین اسم در تهران از سوی دکتر علی فرهمندی و به سردبیری علی اصغر مضر در قالب فرهنگی - اجتماعی طی سالهای ۱۳۲۴ لغایت ۱۳۵۳ منتشر

می شد.

نشریه صبح امروز

این نشریه بصورت روزنامه و هفتگی در قالب اجتماعی توسط خانم عفت عمیدی نوری (الموتی) و مصطفی الموتی و به سردبیری نجفقلی پسیان و ناصر ملک محمدی طی سالهای ۱۳۳۳ لغایت ۱۳۵۳ انتشار یافت.

نشریه صدای ملیون

این نشریه ارگان حزب ملیون بود که در سال ۱۳۴۰ توسط فضل اله سلجوقی انتشار یافت و تا ۱۳۴۵ به حیات خود ادامه داد. مطالب این نشریه عمدتاً سیاسی بود.

● فهرست اعلام

آبادان / سی و هفت، ۶۵، ۷۹، ۲۷۲، ۲۸۰	آ
آتش، (روزنامه) ۹۳	آ
آذربایجان / ۱۶۰، ۳۴۲	آ
آذربایجان غربی / سی، ۴۰، ۳۴۳	آ
آذری، رحیم / شصت، ۲۰۹	آ
آذری / چهار	آ
آذری، نصرالله / ۳۷۸	آ
آرام / بیست و نه	آ
آرامش، احمد / بیست، سی و سه، ۴، ۴۱، ۴۴، ۲۶۸	آ
۳۱۱	آ
آرام، عباس / بیست و هفت، ۳۰، ۳۷	آ
آریایی (مأمور ساواک) / ۱۵۹، ۱۶۲	آ
آزما، علیمحمد / ۳۷۳	آ
آزموده (سرلشگر) / ۴، ۲۶۰، ۳۱۳	آ
آژند، یعقوب / ۳۰۸	آ
آستان قدس رضوی / ۳۰۸	آ
آسیا / ۱۸۳	آ
آشوری / چهار	آ
آصفی / ۱۹۲	آ
آقایی / ۲	آ
آل آقا، رکن‌الدین / ۲۹۸	آ
آلمان / چهل و دو، شصت و چهار، ۳۵، ۸۶، ۱۸۳	آ
۳۷۵، ۳۴۳، ۳۴۶، ۳۳۵، ۲۳۶	آ
آمریکا / سه، بیست، بیست و نه، سی و یک، سی و دو، سی و سه، سی و نه، ۳۲، ۳۸، ۴۱، ۴۴، ۷۵، ۲۶۹	آ
۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۴۵، ۳۴۷، ۳۷۲	آ
۳۷۶	آ
آموزگار، جمشید / ۳۲۱	آ
آنکارا / ۴	آ
آوانس اف، جورج / ۳۷۶	آ
آوانسف، ژرژ / ۲۵۰	آ
الف	آ
ابوترایان، حسین / ۳۱۰	آ
ابوریحان بیرونی / ۳۶۱	آ
ابوسعید، مهدی / ۲۵۴، ۲۷۲	آ
اتحاد ملی (روزنامه) / چهل و چهار	آ
احدیپور، نصرت‌الله / ۱۲۰، ۱۲۱	آ
احسانی، میرزا مهدی / ۲۱۴، ۲۲۷	آ
احسنی (مأمور ساواک) / ۴۹، ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۳	آ
۱۶۴، ۱۶۶	آ
احمدشاه / پنجاه و پنج	آ
احمدی (دکتر)، ۱۲۷	آ
احمدی (سپهبد) / دوازده، ۱۲۳، ۱۹۵	آ
احمدی، محمدعلی / ۲۱۷	آ
اخبار وقایع دارالخلافة تهران (روزنامه) / یک	آ
اخروی / ۹۶	آ
اخوان الصفاء / ۳۶۱	آ
اخوان، جعفر / سی و هشت، ۷۱، ۷۲، ۳۱۳	آ
ادنبورگ / ۳۷۸	آ
ادیب محمدی، علی اصغر / ۲۸۴، ۳۷۶	آ
ادیبی، سید حسن / ۳۱۱	آ
ادیبی، هادی / ۲۱۴، ۲۱۸، ۲۲۳	آ
ارامنه ایران / بیست و شش، ۲۷	آ

- اسکاتلند / پنجاه و نه، ۲۰۵، ۲۰۷، ۳۴۶، ۳۷۲ / ارباب زاده / ۲۶
- ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۳ / اربابی، جواد / ۲۸۰
- ۳۸۴ / ارجمند، سیروس (مهندس) / ۲۵۰
- اسکندری، ایرج / ۳۱۷ / اردلان، امان‌الله / ۳۵۹
- اشتری، اسدالله / ۳۴۴ / اردلان، عباسقلی / ۳۵۹
- اصفهان / ۱۶۰، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۴۰ / اردن / ۱۸۳
- ۳۴۲، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۸، ۳۶۰، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۵ / اردوبادی (سرهنک) / ۵
- ۳۸۰ / ارسنجانی / ۳۶۰
- اصفیا (مهندس) / ۶۲ / ارغنون / ۲۴، ۲۲
- اطریش / ۱۸۳ / ارفع، حیدرعلی / ۱۹۱، ۲۲۳، ۲۸۴
- اطلاعات هفتگی (روزنامه) / پنجاه و دو / ارمنی / چهار
- اعتصابی، سعید / ۳۰۴ / اروپا (سینما) پنجاه و هفت، سی و نه، ۷۶، ۱۸۶
- اعتمادی / ۱۴ / اروپا / سی و دو، ۱۸۳، ۲۵۴، ۳۱۸، ۳۴۰، ۳۸۳
- افخمی، احمد / ۳۸۴ / اروپای شرقی / ۲۳۴
- افشار، اصلان / ۲۸۰ / ازغندی (مأمور ساواک) / ۲۹۱
- افشار، حسین / ۵۳، ۳۱۵، ۳۱۶ / ازهارى / ۳۴۸
- افغانستان / بیست و یک، بیست و دو، ۷، ۸، ۹، ۱۸۸ / ازدری، احمد / ۲۸۰
- ۲۸۲ / اسپانیا / ۱۸۳
- اقبال / بیست و سه، بیست و چهار، سی و هشت، / استانداری خوزستان / سی و هفت، ۶۳
- پنجاه و یک، ۱۴، ۱۸، ۷۳، ۱۷۱، ۱۷۶، ۳۱۵، ۳۱۶ / استراکر، کلنل / ۳۷۷
- ۳۲۱، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۴۶، ۳۴۹، ۳۵۰ / اسحق فری، کریستوفر / ۳۷۷، ۳۸۵
- اکبر، حسن / ۱۹۴ / اسدی زاده، پرویز / ۳۰۹
- اکبر، ویکتوریا / ۱۹۴ / اسدی، محمد / ۲۹۹
- اکتاو آجوری / سی و شش، ۵۴ / اسرائیل / پنجاه و یک، پنجاه و پنج، شصت و شش،
- الموتی، مصطفی (دکتر) / سی و هشت، شصت، ۷۳، / ۱۸۳، ۲۴۳، ۳۲۵، ۳۳۱، ۳۴۷، ۳۵۵
- ۲۰۹، ۲۸۵، ۳۱۹، ۳۸۷ / اسفندیاری، حسین / ۳۸۱
- الهامی، حسین / ۳۸۶ / اسفندیاری، عباس / ۳۸۱

- الهی، صدرالدین / بیست و پنج، چهل و نه، پنجاه،
 ۲۴، ۲۵، ۱۵۰، ۱۵۴، ۱۵۵، ۳۱۹
- انصاری، عبدالرضا / ۳۲۱
- انصاری، احمد / ۲۵۴
- انصاری، عبدالله / سی و هفت، ۶۷، ۶۸، ۲۶۱
- انصاری، ولی‌اله / ۲۵۰
- انگلسان / ۱۸۳، ۳۳۷، ۳۷۴، ۳۷۸، ۳۸۳
- انگلیس / سه، چهار، سی و دو، پنجاه و پنج، شصت و
 چهار، ۲۳۶، ۳۳۵، ۳۴۷، ۳۷۷
- انوشیروانی، سلیمان / سی و هشت، شصت، ۳۱، ۷۳،
 ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۲۱۲، ۲۱۸، ۲۲۳،
 ۳۲۲، ۳۸۶
- اوانسف، اوانس / ۳۷۷
- اوحدی، حسن / شصت و یک، ۲۱۸، ۲۲۳، ۲۹۳
- اونزابل / ۳۶۵
- اویسی، محمدرضا / شصت و یک، ۲۱۷، ۳۰۴
- اهری، مسعود / شصت، ۲۰۹، ۲۱۴
- اهواز / ۶۵، ۷۲، ۲۵۴، ۳۷۶
- ایانی، محمود / ۳۶۱
- ایتالیا / ۱۸۳
- آیدن، آنتونی / ۳۴۰
- ایران / شش، یازده، بیست و یک، بیست و دو، بیست
 و سه، بیست و چهار، سی و سه، چهل، ۷، ۹، ۱۹، ۲۰،
 ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۶، ۴۰، ۴۵، ۲۵۲، ۲۵۳، ۳۰۹، ۳۲۰،
 ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۶، ۳۴۴، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰،
 ۳۷۴، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۶۱،
 ۳۷۴، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲،
 ۳۸۴، ۳۸۵
- ایران‌شهر / ۵۳
- ایران‌نویین (حزب) / ۲۳۶، ۲۴۰
- امیرابراهیمی / ۸۶
- امیر ابراهیمی، عبدالمجید / ۲۵۰
- امیراحمدی، احمد / ۳۱۷
- امیراحمدی، علینقی / ۲۸۴
- امیرارجمند، مرتضی / ۳۳۲
- امیراعلایی، شمس‌الدین / ۳۰۹
- امیرانی، علی‌اصغر / ۶۱، ۲۴۲، ۳۲۰، ۳۸۶
- امیرحکمت، علی / ۳۶۳
- امیر سلیمانی، صفورا / ۱۹۴
- امیر سلیمانی، علیرضا / ۱۹۴، ۳۷۶
- امیرکبیر / ۳۰۹
- امین، کاظم / ۳۷۳
- امینی، رضا / ۲۸۰
- امینی، علی / سیزده، سی و یک، چهل و نه، شصت و
 دو، ۴۱، ۶۰، ۱۴۹، ۱۸۸، ۲۲۴، ۲۲۵، ۳۲۰، ۳۳۱،
 ۳۳۹، ۳۴۶
- انجمن ابوعلی سینا / شصت، ۳۵۵
- انجمن مطبوعات / پنج، شش، هفت، پنجاه و نه

- ایزدی / ۸۶
 ایزی پاری (روزنامه) / سی و چهار، ۴۸
- ب
 باتمانقلیچ / ۳
 باختر (روزنامه) / سیزده
 بارزانی / بیست و یک، بیست و هفت، بیست و هشت، ۸، ۷، ۳۰
 بازرگان، مهدی / پنجاه و یک، ۷۱، ۱۷۳
 باشگاه رازی / پنجاه و نه، ۲۲۳، ۲۶۹، ۲۹۶، ۳۰۰
 ۳۸۴، ۳۷۶
 باشگاه عصر / پنجاه و نه
 باشیان (تیمسار) / بیست، ۵
 باشیان (تیمسار) بیست
 باغشاه / بیست، ۳
 باقرخان / پنجاه و هشت، ۱۹۵
 باقری / ۲۹۱
 بامشاد (روزنامه) / شصت و شش
 باهری / ۶۱، ۳۹۳
 بایگان / ۳۲۸، ۳۵۸
 بختیار، امیرحسین / ۳۱۵
 بختیار (سپهبد) / بیست و سه و بیست و چهار، چهل و سه، ۱۳، ۱۷، ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۲۲۸، ۲۴۹، ۲۵۷، ۲۵۸، ۳۲۲
 بختیار، شاهپور / ۳۳۴، ۳۳۴
 بختیار، علی اصغر / ۳۷۳، ۳۷۵، ۳۸۴
 بختیارها، بختیار / ۳۷۶
 براتلو، احمد / ۲۰۲، ۲۹۸
- برزگر، فرامرز / پنجاه، ۳۲۲، ۱۵۵، ۲۸۱
 برزین، مسعود / چهارده، ۳۰۹
 برلین / ۳۳۶
 بروجردی (آیت‌الله) / بیست و پنج، ۲۱
 بروس / ۳۷۵
 بروس، لرد / ۳۷۳
 برومند، احمد / ۳۰۴
 برومند، حیدرقلی / ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۸، ۲۲۳، ۲۸۴
 ۲۹۳، ۲۹۶، ۳۰۳
 برومند (دکتر) / ۲۱۱
 برومند، عبدالقفار / ۳۷۳
 برومند، قدرت‌الله / شصت و یک، ۳۷۳
 بریتانیا / ۳۱۸
 بزرگمهر / ۱۲۱
 بصره / ۳۸۰
 بغداد / بیست و هفت، ۳۰، ۳۲۲، ۳۸۰
 بقائی، مظفر / ۳۵۹
 بلژیک / ۳۲۶
 بلوار (سینما) / سی و نه، ۷۶
 بندر پهلوی (انزلی) / پنجاه و هفت
 بوخان / ۳۷۴
 بهبودی، سلیمان / ۵۳، ۲۲۸، ۲۲۹، ۳۷۷، ۳۸۲
 بهبودی، ناصر / ۳۷۸
 بهبهانی، شاهپور / ۲۵۴
 بهبهانی، عنایت / ۲۰۲
 بهرامی، صادق / ۳۲۹، ۳۵۸
 بهزادی، علی / پنجاه، ۲۴۲، ۳۲۳، ۱۶۷، ۱۶۹، ۳۸۶

- جهانبانویی، نعمت‌الله / پنجاه، ۱۶۷، ۱۶۹، ۳۲۵
 بهزادی، عیسی / ۲۵۰، ۲۸۰
 بهشتی / ۳۲۹
 بهمن / ۱۲۵
 بهمن، سیروس / ۹۴، ۹۶، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۱
 بهنام، اسماعیل / ۲۹۸
 بهنود، مسعود / نوزده
 بیات، عزیزالله / ۳۵۹
 بیات، کاوه / ۳۰۸
 بیروت / ۳۱۴، ۳۲۲، ۳۴۳، ۳۷۴
 بیگلری، محمد / شصت و یک، ۲۱۴
- پ
- پارسا، ابراهیم / ۳۰۰
 پارسا، خلیل / ۳۰۴
 پارک لاله / ۳۱۱
 پاریس / سی و چهار، ۴۸، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۲۳، ۳۳۷، ۳۴۰، ۳۶۳
 پاکروان، حسن / چهل، ۱۰، ۱۰۲، ۲۲۳، ۲۲۴
 پاکستان / ۱۹، ۱۸۳، ۳۲۴، ۳۴۸
 پالایشگاه آبادان / چهل
 پرتو، محمدعلی / ۲۰۴، ۲۱۶، ۳۸۴
 پرنیان فر (مأمور ساواک) / ۴۹، ۵۰
 پرنیان، هرمز / ۲۷۲
 پروشانی / ۱۹۲
 پروند / ۲۷۷
 پرویزی، رسول / ۳۳۹
- پزشکیپور / ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۱، ۳۲۴
 پسبان، نجفعلی / ۳۸۷
 پنکوفسکی / سی و سه، ۴۵
 پورزند، سیامک / ۳۸۶
 پوروالی، اسماعیل / شصت و شش، ۱۷۵، ۲۴۲، ۲۴۳، ۳۲۴، ۳۸۶
 پولادوند، حسین / ۱۹۴
 پهلوی / اکثر صفحات
 پیرنیا، ابوالقاسم / ۲۵۴
 پیروز / ۱۲۶
 پیروزبخت، جواد / ۲۸۰
 پیشوایی / ۹۵
- ت
- تاجبخش، نورالدین / ۱۲
 تاج، نورالدین / بیست و سه
 تباہ (دکتر) / ۳۱۵
 تبریز / ۲۸، ۳۴۲، ۳۷۲
 تجدد، مصطفی / ۲۵۰، ۳۶۱
 تجریش / ۱۹۹، ۲۱۴، ۲۳۶
 تخت جمشید / ۱۸۷، ۳۷۹
 تدین، عطاءالله / ۱۶۴، ۱۶۵
 ترقی / (روزنامه) ۹۳
 ترکیه / بیست و سه، سی، ۱۱، ۴۰، ۱۸۳، ۳۳۱، ۳۷۴
 ترومن / ۳۳۲
 تسلیمی، منوچهر / ۳۶۱
 تفرش / ۲۱
 تفضلی، جهانگیر / چهارده، شصت، ۲۱۱، ۲۱۲

- ۳۲۴، ۳۱۵
تفلیس / ۳۴۲
تماشاخانه تهران / ۱۱۳
توکلی، احمد / ۳۸۴، ۳۸۱
تهران / اکثر صفحات
تهران (تماشاخانه) / چهل و شش، ۱۲۳، ۱۸۱
تهران ژورنال / سی
تیرانداز، عزت‌الله / شصت و یک، ۲۹۹، ۳۰۳
تیوس، ماری / ۳۷۴
- ث
ثابت، حبیب / ۲۵۰
ثابتی، پرویز / ۸۲، ۲۹۱
ثریا / ۴۸، ۴۹
- ج
جزی اکسلنت ماسترو رویال / ۳۰۴
جعفرزاده / ۲۴۳
جعفری، رضا / ۲۰۲
جعفری، روح‌الله / شصت و یک، ۲۱۱، ۲۱۷، ۲۱۸
۲۲۳، ۲۲۸، ۲۹۳، ۲۹۹، ۳۲۹
جعفری نامی / ۳۲۸
جمعیت فراماسونری / پنجاه و نه
جنگ جهانی دوم / دو، پنج
جوان (مأمور ساواک) / ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۱۴
جوانمردان (مجله) / نوزده
جوهری / ۳۵۷
جهان، جعفر (دکتر) / ۲۷۲، ۳۵۵، ۳۸۴
- چ
چاپاک / ۲۶
چاپچی، حسن / ۲۸۳
چاپلین، چارلی / ۹۹
چاپلین، گراند / ۳۷۵
چتایات، ادوارد / ۳۸۴
چیتایات، صالح / ۲۰۴، ۳۷۷، ۳۸۴
چین / ۳۴۸
چینگو، سائول / بیست و نه، سی، ۳۸
- ح
حاجتی، محمدحسین / ۳۰۴
حافظ / ۳۴۲
حافظی، علی / ۳۸۶
حالتی / ۳۵۸
حجازی، حسنعلی / ۲۸۰
حداد، ناصر / ۳۸۱
حریری، محمدجواد / ۲۵۴، ۲۷۲
حزب پان ایرانیست / پنجاه و نه
حزب توده / هجده، بیست و شش، چهل و یک،
چهل و هفت، پنجاه و شش، ۲۶، ۲۵۵، ۳۳۰، ۳۴۹
حزب تهران / هجده
حزب جمهوریخواه / بیست و هشت
حزب مردم / بیست و چهار، پنجاه و هفت، ۱۸، ۷۲،
۱۷۱
حزب ملیون / بیست و چهار، ۱۸
حسابی، میرزا مهدی (دکتر) / ۲۱۸، ۲۲۳، ۲۸۴،
۳۸۰، ۲۹۸

- حسن جعفری / ۳۳۰
 حسینی / ۲۴۵، ۵۲، ۵۱
 حضرت مریم / بیست و پنج
 حکمت، سعید (دکتر) / ۳۳۷، ۲۲۸، ۲۵۰
 حکیم‌الملک / بیست، ۳
 حکیم شوشتری / ۷۲، ۷۳
 حکیمی، هاشم / ۳۸۱
 حمیدی / ۲۱۴
 حمیدی، مجید / ۲۱۷
- خ**
 خادم / چهل
 خامه‌ای، انور / ۲۵۵
 خاورمیانه / سی و یک، چهل
 خاوری / ۳۳۰
 خبیری، عزت‌اله / ۳۰۰
 خداپار، ناصر / ۲۲۵، ۲۸۱، ۴۸
 خداپاری، قدرت / ۲۱۲، ۲۰۶، ۳۲۵، ۲۶۴
 خداپاری، کورش / ۲۰۶
 خدیری، حسن / ۲۸۳
 خراسان / ۳۱۶
 خراسانی، احمد / ۳۴۳
 خراسانی، مقبل السلطنه / ۳۱۶
 خرداد / ۱۳۴۲ / سی و یک، ۱۷۲
 خر مشهر / ۳۷۲
 خروشچف / بیست و نه، سی و سه، ۴۴
 خزر علی، احمد / ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰
 خسرو / ۳۱۶
- خسروانی، شهاب / ۳۶۰
 خسروانی، عطاء‌الله / شصت و چهار، ۲۲۶، ۲۳۶
 خسروی، امیر همایون / ۲۱۴
 خشایار / ۳۷۷
 خطیبی، نصرت‌الله (دکتر) / ۱۹۲، ۲۲۱
 خلخال / بیست و چهار، سی و شش، پنجاه و یک، /
 پنجاه و پنج، ۱۸، ۲۴، ۵۷، ۱۴۴، ۱۷۱، ۱۷۷، ۱۸۲،
 ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۹۰، ۲۷۷، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۸۲، ۳۸۳
 خلخالی، بسیج / سی و شش، ۵۷
 خلیج فارس / بیست و هفت، ۳۰، ۴۱
 خلیلی، رضا / ۵۳، ۲۱۴
 خلیل‌یزدی، محمد / ۲۷۲
 خلیلی عراقی / ۵۳
 خلیلی‌یزدی، محمود / ۲۵۴، ۲۸۰
 خواجه نصیر توسی / ۳۶۱
 خواجه نوری / ۷۴، ۱۹۱
 خواجه نوری، ابراهیم / ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۸۶
 خواندنی‌ها (مجله) / پنجاه و دو
 خوانساری / ۳۴۲
 خوزستان / سی و هفت، ۶۴، ۶۶، ۶۸، ۳۴۲، ۳۴۴
 خوش‌کیش / ۱۲۳
 خوشه (مجله) / پنجاه و دو
 خیابانی، محمد / ۳۴۲
 خیاطان مصطفوی، علی / ۳۰۴
 خیام / ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۵۵، ۳۸۰، ۳۸۱
- د**
 دادفر، حبیب / ۳۰۸

- دادگر / ۲۰۷، ۲۵۶
 دادگر، انوشیروان / ۳۷۳
 دادمرز، مسعود / ۲۷۲
 دادور / ۸۴
 دارنده، محمد / ۱۵۹
 دالس / ۴
 دانشگاه تهران / چهل و هفت، ۲۰۸
 دانشمند، لطف‌الله / ۲۸۶
 دانشی، مسیح / ۲۰۷
 دانمارک / ۱۸۳
 داودی، حسین / ۲۵۴
 داودیه / ۱۱۱
 داورپناه، ایرج / ۱۷۱
 داوری / ۱۰۲، ۲۴۵، ۲۴۲، ۲۷۵
 داوید خانیان، بهرام / ۲۵۰، ۲۸۰
 دبی، الیاس / ۳۷۷
 دبی / بیست و هشت، ۳۴
 دزفول / ۶۵
 دست‌ورز / ۳۵۸
 دشتگرد / ۱۲۱
 دشتی، علی / ۳۲۷
 دفتری / ۳۵۸
 دلدن، اسکندر / ۳۰۹
 دورابچی / ۳۷۴
 دولت‌آبادی، حسام‌الدین / ۳۵۹
 دولت‌شاهی، مهرانگیز / ۱۹۴، ۳۷۵
 دهخدا / ۳۰۹
- دهقان، احمد / شش، هجده، چهل و هشت، پنجاه و پنج، ۴۷، ۱۲۶، ۱۴۴، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۶
 ۳۵۸، ۳۵۹
 دهقان (تئاتر) سی و نه
 دهقان دولت‌آبادی، فاطمه / ۱۴۴
 دهناد، بهرام / ۳۰۸
 دیبا، ابوالحسن / ۲۵۰
 دیبا، فرح / پنجاه و هشت
 دیکنسون / ۲۵۰
 دیوان فکری، معز / ۳۲۸
 ذ
 ذکاءالدوله / ۳۱۷
 ذوالریاستین (دکتر) / ۳۵۵
 ذوالریاستین، مهدی / ۲۰۲، ۳۸۴
 ذوالفقاری، عزالدین / ۱۶۰، ۲۲۱، ۳۱۵
 ر
 رئیس‌زاده، منوچهر / ۲۲۳، ۲۹۳
 رئیسی، محمد / ۲۲۳
 رائین، اسماعیل / بیست و پنج، سی و چهار، پنجاه، شصت و شش، ۱۹، ۲۰، ۴۶، ۸۲، ۳۰۹، ۱۵۵، ۲۴۲
 ۲۸۱، ۳۲۸، ۳۳۰
 راجی، عبدالحسین / ۳۸۴
 راغ‌فر / ۲۶۹
 رامبد، هلاکو / شصت و سه، ۶۲، ۱۹۱، ۲۲۷، ۲۲۸
 ۲۲۹، ۳۳۱، ۳۸۲
 رامتین، حسین / ۳۵۵، ۳۸۴
 رامسر / بیست و نه، ۳۷

۳۴۷، ۳۲۳	رام، هوشنگ / ۳۸۰
روشنفکر (روزنامه) / پنجاه و دو	رجاء (سردبیر مجله) / بیست و دو، بیست و چهار،
روشنیان، کریم / چهل، ۲۸، ۱۵۵، ۷۷، ۳۳۱	بیست و پنج، بیست و هشت، سی و پنج، چهل، چهل
رهنما، حمید / پانزده، ۳۳۷	و نه، ۵، ۹، ۱۸، ۲۰، ۳۵، ۵۲، ۷۸، ۲۵۶، ۱۴۹، ۲۴۵،
ریاضی، عبدالله / شصت، ۷۴، ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۰۹	۳۳۱، ۳۲۸، ۲۵۷
۳۳۲، ۲۸۵	رجب، محمود / ۲۸۱
ریپورتر، شاپور جی / ۳۳۰	رحیمی (مأمور ساواک) / ۲۲۴
ز	رزم آرا، اسعد / ۲۴۲
زاهدی، اردشیر / ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۴۷	رزم آرا / پنجاه و پنج، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۳۰، ۳۳۶
زاهدی، حاج میرزا ابوالفضل / بیست و پنج / چهل و	رسا، مرتضی / ۳۸۰
یک، ۲۱، ۱۶۸، ۳۱۹، ۳۲۵، ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۳۳	رشتی زاده، احمد / ۳۰۸
زرآور (مهندس) / ۱۹۱	رضائیه / ۳۱۵، ۳۱۶
زرگران / ۱۶۶، ۱۹۶	رضاخان / یک، سه، پنج، ده، یازده، دوازده، بیست و
زرگری / ۱۶۵	پنج، پنجاه و هشت، ۲۲، ۲۵، ۱۷۳، ۳۰۸، ۳۲۳،
زرنگار، کاظم / ۲۴۲، ۲۷۶، ۳۳۴	۳۳۵، ۳۲۹، ۳۲۳
زرین قلم، احمد / ۳۸۶	رضایی، ع / ۳۰۹
زند، ابراهیم / ۳۵۹	رضوی (مهندس) / ۱۷۵
زند، تقی / ۲۸۰	رفیعی، علی اصغر / ۲۷۲
زند، علیمراد / ۲۰۸	رم / بیست و پنج، ۲۱
زنگنه، اعظم / ۲۵۶، ۳۱۳، ۳۱۴	رمضانی، خنیفه / ۲۲۸
زنگنه (مهندس) / ۲۵۷	روزبه، خسرو / ۳۳۰
زورآباد ابوانکی (قصبه) / بیست و سه، ۱۲	روزنامه اتحاد ملی / بیست و نه
زیبایی، طاهر / ۲۰۲	روزنامه اطلاعات / بیست و نه، سی
ژ	روزنامه پیغام امروز / بیست و نه
ژاپن / ۱۸۳	روزنامه سحر / ۷۳
ژاله / ۱۱۱	روزولت، کرومیت / ۳۳۳
س	روسیه / بیست و سه، سی، ۱۱، ۴۰، ۱۸۳، ۳۱۵،

- سازمان آب و برق خوزستان / ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸
 سازمان برنامه، پنجاه و دو
 سازمان برنامه و بودجه / چهل و هفت
 سازمان هنرهای زیبا / چهل و شش
 ساعد، محمد / ۳۱۷
 ساعدی، جعفر / ۱۹۲، ۳۴۴
 سالار، امید / ۲۵۶
 سالار، لیلا / ۲۵۷
 ساوه / ۲۱
 سپهران، ایرج / ۲۶۹
 سپید و سیاه (مجله) / چهل و هشت، پنجاه و دو
 ستارخان / پنجاه و هشت، ۱۹۵
 ستوده، یحیی / ۱۱۸، ۲۱۸، ۲۸۴، ۲۸۶
 سجادی، محمد / ۳۱۸
 سد لتیان / سی و هشت، ۷۴
 سراج حجازی، حسن / شصت، ۲۰۹، ۲۸۵، ۳۳۴
 سرافراز، عباس / ۲۱۷
 سرتیپ پور / ۱۹۱
 سردار اسعد / ۳۳۱
 سردار افخمی، امیر علی / ۲۸۰
 سرفراز، حسین / پنجاه، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹
 سروش، احمد / ۳۸۶
 سعادت‌مند (سرهنگ) بیست و سه، ۱۰، ۱۱، ۱۶، ۷۹،
 ۲۴۴
 سعدآباد (کاخ) / شصت و چهار، ۲۳۷
 سعدی / ۳۴۲
 سعید، جواد / ۱۹۲
 سعیدی / ۳۳۷
 سفارت شوروی / بیست و نه، سی، سی و سه
 سفارت عراق / بیست و پنج، ۱۹
 سلجوقی، فضل‌الله / سی و شش، ۵۷، ۳۳۴
 سلطانپور، تراب / سی و هشت، ۷۳، ۳۳۵
 سلطانی، سلطان محمد / ۳۷۶
 سنائی / ۳۶۱
 سندیکای کارگران / هشت
 سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات ایران /
 هشت
 سنگ، اسماعیل / ۳۵۹
 سوئیس / ۱۸۳، ۳۲۶، ۳۴۴
 سودان / ۳۷۵
 سوریه / ۴۰، ۱۸۳
 سویس / ۵
 سهیلی، علی / ۳۲۷
 سیامک (سرهنگ) / ۲
 ش
 شادمان، ضیاء‌الدین / ۲۰۹، ۲۸۶، ۲۹۹
 شارجه / بیست و هشت، ۳۴
 شال خلخال (قریه) / پنجاه و پنج
 شامل علی، مقبل السلطنه / ۳۱۶
 شاهرخ، بهرام / پنجاه و شش، شصت و چهار، شصت
 و پنج، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۸، ۲۳۶، ۲۳۷،
 ۳۳۵
 شاهرخ، سحر / ۱۲۴
 شاهرخ، کیخسرو / ۳۳۵

- شاهنده، عباس / ۳۴۹
- شاهین (مأمور ساواک) / ۱۹، ۱۸، ۲۰، ۲۵، ۹۴، ۹۵، ۱۵۶، ۱۲۷، ۵۷، پنجاه، شش و شش، پنجاه، ۱۵۶، ۱۲۷، ۵۷
- شیبانی، هرمز / ۱۵۹
- شیراز / ۱۷۹، ۳۷۵، ۳۷۲، ۳۵۵
- شیفته، نصرالله / ۳۱۰
- شیکاگو / ۳۷۱
- شیلانی فرد (مهندس) / ۳۸۱
- شیوایی، هرمز، ۱۵۷، ۱۵۹
- ص
- صابرزاده، حسن / ۲۸۰، ۲۰۸، ۲۰۷
- صابرزاده، ناصر / ۲۲۱، ۲۱۹
- صاحبقرانیه (کاخ) / شصت و چهار
- صارمی، غلامحسین / ۳۵۵
- صالح اعظم / شصت و سه، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹
- صالح، الهیار / ۳۳۷
- صالح، جهانشاه (دکتر) / ۲۵۰
- صالح شیرازی، میرزا / یک
- صالحیار، غلامحسین / ۳۰۹
- صبری / ۳۵۸
- صدریه، کاظم / ۳۷۳
- صدقیانی / ۲۹۶
- صدیق، عیسی / ۳۳۹
- صفا، ذبیح‌الله / ۳۵۹
- شرکت بیمه ایران / چهل و هفت، ۱۲۵
- شرکت سهامی جیب / سی و هشت
- شرکت نفت، پنجاه و یک، پنجاه و دو
- شریف امامی، جعفر / ۳۴۶، ۳۴۸، ۳۶۳، ۳۷۵، ۳۷۶
- شط‌العرب / بیست و هفت، شصت و شش، ۳۰، ۲۴۳
- شفایی، ضیاء / ۲۱۴، ۲۸۰
- شفق (دکتر) / ۳۳۷
- شفیع، امین / ۱۹۲
- شفیق، شهریار / ۳۱۸
- شقاقی، ثریا / سی و نه، پنجاه و پنج، ۷۶، ۱۷۷
- شقاقی، حسین / ۲۰۴، ۱۷۷، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۷۷
- شکویی / ۳۰۴، ۳۷۸، ۳۸۴
- شمس، حسین / ۲۲۳، ۳۰۰
- شمیران / پنجاه و هفت، ۱۸۶
- شوروی / سه، هجده، بیست و یک، بیست و چهار، بیست و هشت، بیست و نه، سی و سه، سی و چهار، پنجاه و پنج، ۱، ۷، ۱۹، ۲۰، ۲۷، ۲۸، ۳۳، ۳۸، ۴۵
- شهاب (مأمور ساواک) / ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۳
- شهمیرزادی، حسین / ۳۷۶
- شهناز پهلوی / ۳۳۳
- شهیدی، احمد / ۳۴۴

ع	صفاری (تیمسار) / ۲۶۴
عالیخانی / ۱۳۲	صفری / ۵۱
عامری، بهادر / ۲۸۴	صفوی، شکرالله / ۳۴۴
عامری، مصطفی / ۳۵۷، ۳۰۳	صفوی، مسعود / ۵۶، ۳۳، ۱۲
عامری، هوشنگ / ۳۸۱	صفی پور، علی اکبر / پنجاه، شصت و شش، ۶۱، ۷۲،
عاملی، باقر / ۳۸۲، ۳۸۱	۳۳۶، ۲۴۳، ۱۶۹، ۱۶۸، ۱۶۷، ۷۴
عباسقلی، عبادی / ۲۱۷	صلاحی، جاوید / ۲۱۴
عبدالله پور، احمد / ۳۱۰	صوفی، یوسف / ۵۳
عبدالناصر، جمال / بیست و یک، بیست و هفت، سی	صیادیان / ۴۰
و یک، سی و سه، ۷، ۳۰، ۳۲، ۴۰، ۴۱، ۱۷۲	ض
عبدالوهاب / ۳۱۶	ضیایی، خلیل / ۲۸۰
عبرت، رضا / ۲۱۴	ط
عدل، (پروفیسور) / سی و هفت، شصت و سه، شصت	طالبانی (سرهنک) / سی، ۴۰
و چهار، شصت و شش، ۶۲، ۷۳، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸،	طالبش / ۳۳۱، ۳۳۱
۳۳۷، ۲۳۳	طاهر محمدی / ۳۸۱
عدل، فیروز (مهندس) / ۲۰۸	طاهری، محمد / ۳۱۷، ۳۸۱
عدل، یحیی / ۲۳۹، ۳۳۷	طباطبایی / ۲۱۴
عذرا / شصت و یک، ۲۱۷	طباطبایی، جلال الدین / ۲۵۴
عراق / بیست و یک، بیست و هفت، سی، سی و	طباطبایی، سیدحسن / ۳۳۶
یک، ۷، ۸، ۱۹، ۲۰، ۳۰، ۳۱، ۴۰، ۲۴۴، ۳۲۲، ۳۷۸،	طباطبایی، سیدمحمد / ۲۲۸، ۲۸۰، ۲۸۴،
۳۸۰	طباطبایی، ضیاءالدین / ۳۳۷
عرب، حسن / سی و شش، ۵۴، ۳۳۷	طباطبایی، عبدالکریم / پنجاه، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹،
عریضی، محمد / ۲۸۰	۲۰۷، ۱۷۰، ۳۳۶
عزیزالله کامیاب / ۵۳، ۷۳	طباطبایی، کاظم / ۲۱۴
عسگری / ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۹،	ظ
۱۳۱	ظفر، کیقباد / ۳۸۴
عسگری، هوشنگ / ۳۳۷	ظهیرالسلطان (روزنامه) / پنجاه و پنج

- عصار، نصیر / شصت، ۲۰۹
 عضده، ابونصر / ۱۹۴
 عظیمی، عبدالرسول / سی، ۳۹
 عکاس، خادم / ۷۷
 علانی (حشمت) / ۲۵۰
 علا، پرویز / ۲۷۲
 علاء، حسین / چهل و سه، ۹۰، ۹۱، ۳۳۷، ۳۷۲
 علم، اسدالله / سیزده، چهارده، سی و چهار، شصت و چهار، ۴۸، ۴۹، ۶۰، ۶۲، ۶۳، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۳۱۸، ۳۳۳، ۳۳۷، ۳۳۹، ۳۴۶
 علمی / ۹۴، ۹۵، ۹۶
 علومی، محمود / ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۰۸
 علومی، محمود / ۲۰۷
 علوی، حسن / ۱۹۴
 علوی کیا / ۹، ۱۰، ۱۵، ۱۶
 علوی، محمود / ۲۷۲
 علوی مقدم (تیمسار) / سی و شش، ۵۷، ۲۵۸
 علی آبادی، احمد / ۹۵، ۹۶، ۹۶، ۲۹۵، ۳۳۹، ۳۸۰
 عمادزاده، حسین / ۳۱۰
 عمیدالسلطان / ۳۳۱
 عمیدی نوری، عفت / ۳۸۷، ۳۱۹
 غ
 غزالی / ۳۶۱
 غفاری / ۳۱۷
 غلامی، سیف‌الله / ۲۸۸، ۲۸۹
 ف
 فارابی / ۳۶۱
 فارسی (زیان) / بیست و دو
 فاطمی، حسین / شش، سیزده / چهل و دو، ۸۶، ۳۳۹
 فرانس، آنا تول / ۳۴۲
 فرانسه / چهار، پنجاه و پنج، ۴۸، ۱۸۳، ۱۸۴، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۳۱
 ۳۳۷، ۳۴۲، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۶۵، ۳۷۴، ۳۷۵
 ۳۸۵، ۳۷۹
 فرح پهلوی / سی و هشت، ۷۵
 فرخ، ارفع السلطنه / ۳۸۴
 فردوست، حسین / ۳۰۹، ۳۲۳، ۳۳۴
 فردوس (مأمور ساواک) / ۴۷، ۴۹، ۱۵۹، ۱۶۲، ۲۷۷، ۲۷۵، ۱۶۳
 فردوس، هوشنگ / ۲۱۹، ۲۲۱
 فرزانه پور، غلامرضا / ۲۱۷
 فرزین / ۳۸۱
 فرشید، حسین، ۲۱۴
 فرمانداری نظامی تهران / اکثر صفحات
 فرودسی (مجله) / پنجاه و دو
 فرود، فتح‌الله / شصت، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۸۵، ۳۵۷، ۳۸۴، ۳۶۱
 فروزین / ۵۶
 فروغ، مهدی (دکتر) / ۲۵۰
 فروغی / بیست و سه، ۱۳، ۳۷۷
 فروغی، عبدالله / ۲۲۰
 فروغی، محسن (مهندس) / ۲۵۰
 فرهادپور، ناصرقلی / ۲۲۴، ۳۴۱

فرهمندی، علی / ۸۶۳	۳۶۰، ۳۴۹، ۳۲۷
فرومند / ۱۸۷	قوام صدری، محمود / ۲۸۴، ۲۲۳، ۲۹۸، ۳۴۱
فری پور، محمد حسین / ۳۶۰	قوامی، حسن / ۲۱۴
فری کریستوفر / ۳۷۳	قیائی / ۵۳، ۱
فزونى، جعفر / ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۷۲، ۲۸۴	قیائی، امیر صد / شصت و یک
فشارکی طباطبایی، کاظم / ۲۰۸	قیص الدین، سامول / ۳۷۴
فکری، محمد تقی / ۲۱۴، ۲۲۳، ۳۵۸	قیطریه / ۱۱۱
فلاح، رضا (دکتر) / شصت، ۲۰۹، ۲۵۰	ک
فلسفی، حسین / ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۵	کابل / ۲۸۲
فوزیه / چهل و دو، ۸۶	کاخ سفید / سیزده
فیروزان، سیاگزار / ۳۱۰	کاخ مرمر / ۱۹۱
فیلسوفی، دکتر اسمعیل / ۲۵۱	کازرونی / ۲۷۲
ق	کاسمی / ۵۳
قاجار / بیست و سه	کاشان / ۲۱، ۳۴۸
قاسم، عبدالکریم / بیست و چهار، ۱۹، ۲۰	کاشانی، جمال / ۳۷۲
قاهره / ۳۷۴	کاشانی، سید ابوالقاسم (آیت الله) / ۳۱۷، ۳۳۶
قبادی / ۳۳۰	کاظمی، فریدون / ۲۱۴
قره گوزلو، محمد / شصت و یک، ۲۱۸، ۲۲۳، ۲۸۵	کالیفرنیا / ۳۷۵
۳۰۰	کامیاب، عزیزاله / ۲۸۴
قریشی، حسین / ۲۱۴	کریاسفروشان / ۳۸۱
قزوین / ۱۰۶	کریاسفروشان، محمدعلی / ۲۸۴
قصبه فیروزه / بیست و نه	کرج / ۳۲۱
قطب، عبدالعزیز / ۲۸۰	کرمان / ۳۶۰
قلقسه (مأمور ساواک) / ۲۱	کرمانشاه / ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۶۰
قم قلعه مهاباد / ۴۰	کریم پور، ایرج / ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱
قنات آبادی، شمس / ۳۸۶	کریم پور شیرازی، امیر مختار / شش، سیزده
قوام، احمد (قوام السلطنه) / دوازده، ۳۱۱، ۳۱۷	کریمیان، سید سجاد / پنجاه، ۱۵۵، ۳۴۱

- کریمی، ایرج (دکتر) / ۲۱۸، ۲۲۳، ۲۵۱، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۹۶
- کریبی، حسین / ۲۹۳
- کریبی، منوچهر / شصت و یک، ۲۹۶، ۲۹۹، ۳۴۱
- کسروی، احمد / ۲۸، ۳۴۲، ۳۴۳
- کسری (تماشاخانه) / چهل و شش
- کسری (سینما) / سی و نه، ۲۶، ۷۶، ۱۰۹، ۱۱۵
- ۱۲۳
- کشاوری، فریدون / ۳۱۷
- کشاوریان، محمد / ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۸، ۲۲۳، ۲۵۶
- ۲۸۴
- کشفیان / ۶۰
- کفائی، حمید / ۲۱۸، ۲۲۳، ۳۴۳
- کلاردشت / ۱۹۸
- کلانتری، محسن / ۲۵۱
- کلنل مککلاند / ۲
- کلوپ ایران جوان / پنجاه و نه
- کلوپ روتاری / پنجاه و نه
- کمالاتی، رضا / ۲۱۱
- کندی، رابرت / ۲۶۹، ۳۰۰
- کنفسیوس / ۷۰
- کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ / دو، سه، هفت، هشت، نه،
- چهل و یک، پنجاه و هشت، ۱۶۸، ۲۴۰، ۲۴۱، ۳۱۸
- ۳۴۷
- کورس، کاظم / ۲۵۱
- کولاک، چارلز / ۲۵۱
- کویت / ۲۵۲
- کهید / ۳۶۰
- کیانپور / ۱۳۹، ۱۴۰، ۳۴۳
- کیان، حسینعلی / ۱۹۲، ۲۱۱، ۲۲۳
- کیان، حسینقلی (سرهننگ) / چهل، ۴۴، ۷۷، ۷۸
- ۹۱، ۲۱۸، ۲۵۲، ۲۵۵، ۲۶۰، ۲۸۶، ۲۹۶، ۳۰۳
- ۳۷۷
- کیا، نورالدین / ۲۵۳
- کیانوری، نورالدین / ۳۳۰ کامبخش، عبدالصمد /
- ۳۳۰
- کیایی، حسن / ۳۰۴
- کیوان، صدری / ۲۰۲، ۲۱۰، ۲۵۴
- کیوان (مهندس) / ۵
- گ
- گراند هتل (تهران) / ۳۵۸
- گرگی / ۲
- گرگی، پرویز / سی و یک، پنجاه، شصت و سه
- گرگی، محمد عبدالله / سی و هفت، ۴۰، ۴۱، ۶۰
- ۶۲، ۱۵۵، ۲۳۲
- گرگان / ۳۳۴
- گرمسیری، علی اصغر / ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۵۸
- گروس / ۳۲۰
- گزنی (دکتر) / ۳۸۴
- گلد واتر / بیست و هشت، بیست و نه، ۳۶
- گنجی، جمال / ۳۵۷
- گنجی، محمدحسن / ۲۸۴
- گنجی نیشابوری، جمال / ۳۶۱
- گودرزی (دکتر) / سی و دو، ۴۱، ۵۸، ۳۲۱

- گودرزی (مأمور ساواک) / سی و شش
گیلان / ۲۹۰
- ل
لاله، مهدی / ۲۵۱
لاینز / ۳۶۱
لبنان / ۱۸۳، ۳۷۴
لرستان / ۳۶۰
لژ اعظم / پنجاه و نه
لژ تهران آریا / پنجاه و نه
لژ ژاندارک / پنجاه و نه
لژ کوروش / پنجاه و نه، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۱۷، ۲۷۲، ۳۵۵، ۳۸۰، ۳۸۳، ۳۸۴
لطفی، محمدرضا / ۳۰۹
لقمان ادهم، علی قلی / ۲۱۸، ۳۲۵
لندن / سی و یک، ۱۰۲، ۳۳۳
لهستان / پنجاه و هشت، ۱۹۳
- م
ماداگاسکار / ۳۷۴
مازندران / ۳۴۸، ۳۴۹
مازندری، علی / ۳۸۴
ماساچوست / سی و یک، سی و دو
ماسوکی / ۲۴۷
مالک، سعید / ۳۷، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۳۲، ۳۷۴، ۳۷۶
مبصر، محمد / ۲۷۲
مبین (دکتر) / ۱۹۱
مبینی (مأمور ساواک) / ۲۹۱
متفقه، میرزا محمد / ۳۲۹
متقی / ۳۳۹
متقی ایروانی، رحیم / ۳۸۱
مجلس سنا / پنجاه و هشت، ۲۰۸، ۲۳۱، ۳۴۵، ۳۷۶
مجلس شورای ملی / اکثر صفحات
مجلسی، فرهاد / ۳۰۴
مجلسی، محمد / ۳۵۷، ۳۶۱
مجید، غلامرضا / ۲۲۴
محر معلی خان / ۸۹
مجلات / ۲۱
محمدزاده / ۳۳۰
محمود فرهمند / ۱۱۷
محمی، اصغر / ۳۷۳
مخاطب رفیعی، عزت‌الله / ۲۰۸
مخیر / سی و هفت، ۶۱
مدادی، علی / ۲۰۸
مدرس / ۳۶۰
مدرسی، ابراهیم (دکتر) / شصت و سه، ۲۳۳، ۳۸۶
مدرسی چهاردهی / ۹۴، ۹۵، ۹۶
مدنی، جلال‌الدین / ۳۰۹، ۱۱۸، ۱۲۱
مرادپور، حبیب‌الله / ۲۷۲
مرتضوی / ۷۲، ۱۲۳
مرتضوی، محمدعلی / ۲۵۳
مرشدزاده، رحمت / ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۸، ۳۵۵، ۳۸۴
مردی، علی / ۳۷۵، ۳۷۶
مستعان، حسینقلی / ۲۵۶، ۳۲۸، ۳۴۳
مستعان، غلامحسین / ۳۴۳
مستوفی‌زاده، محمدجواد / ۳۵۵

۲۳۰	مستوفی / شصت و سه، ۱۹، ۲۰، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸.
مصنع / ۵۳	
۳۵۸ / مصیری	مسجد اعظم / بیست و پنج، ۲۱
۳۸۶ / مضر، علی اصغر	مسجد سلیمان / ۲۵۳
۳۸۶ / مطیعی، منوچهر	مسعود، محمد / شش، ۳۰، ۳۴۱، ۳۴۵
۲۱۷ / معارفی، محسن	مسعودی، عباس / شش، ۳۸، ۲۵۱، ۳۴۴
۳۸۶ / معاونی، اکبر	مسعودی، فرهاد / سی، ۳۴۵
۳۸۶ / معتضد، خسرو	مسکو / سی، ۳۹
۲۱۷ / معتمدی، احمد	مشار، خانابا / ۳۱۰
۳۰۰ / معتمدی، کریم	مشار / شصت و سه، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۰
۲۸۰ / معدلی، ناصر	مشایخی / ۱۱۳
۲۱۴ / معزی، محمدتقی	مشروطیت / یک، پنجاه و هشت
۱۶۶ / معینی	مشهد / بیست و دو، ۹، ۳۱۷، ۳۴۳
۱۹۲ / معینی، امیرقاسم	مشیریان، ابوالفضل / ۲۲۱، ۲۹۸
معینیان / سی و پنج، شصت و چهار، شصت و پنج،	مصدق السطنه، غلامرضا / ۳۲۴
۳۴۵، ۲۳۷، ۱۴۶، ۱۳۷، ۵۲	مصدق / شش، دوازده، سی و دو، چهل و هفت،
معینی زند / ۱۹۲	پنجاه و پنج، پنجاه شش، ۴۱، ۱۶۰، ۱۶۷، ۱۶۸،
معینی زند، اسمعیل / ۲۳۲، ۲۸۰	۱۷۱، ۱۸۰، ۳۰۹، ۳۱۳، ۳۱۸، ۳۲۲، ۳۲۹، ۳۳۵،
مقدم، رحمت‌الله / ۱۲۰، ۱۲۱	۳۴۰، ۳۴۹
مقدم، فضل‌الله / ۳۵۵	مصدقی، هدایت‌الله / ۲۷۲
مقدم، ناصر (سرتیپ) / چهل، ۳۶، ۴۷، ۸۰، ۲۰۴،	مصر / سی و یک، سی و سه، ۴۰، ۴۱، ۴۴
۲۷۵، ۲۴۵، ۱۶۶، ۱۶۳	مصطفوی، حسین / ۲۱۸، ۲۵۴، ۲۶۴، ۲۸۰
مکی، حسین / ۳۰۹	مصطفوی، سید حسن / ۲۸۴
ملایری، شجاع‌الدین / ۳۲۸	مصطفوی، علی / ۲۲۱
ملک‌زاده، ابراهیم / ۳۵۹	مصطفوی، کمال / ۲۵۳
ملک محمدی، ناصر / ۳۸۷ ملی شدن صنعت نفت /	مصطفوی نائینی، حسن / شصت، شصت و یک،
سه، ۱۴	۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۸۰، ۲۸۵،

- منجم‌زاده هراتی / ۲۶۱-۲۶۲
منزوی، احمد / ۳۵۸
منصور، حسنعلی / سی و هفت، ۶، ۶۰، ۶۳، ۳۲۶، ۳۵۰، ۳۳۹
منصور، رجبعلی / ۳۱۷
موسوی، اسدالله / ۳۷۶
موسوی، کمال / ۲۵۳
موسوی، کمال‌الدین / ۶۱، ۲۰۸، ۲۶۴، ۳۴۶
موسوی، محمود / ۲۹۸
موسوی، نصرالدین / ۲۸۰
موقر، محسن / ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۳۴۶
مولوی / ۳۴۲، ۳۷۹
مهاجر / ۵۳
مهبد، احمد / بیست و سه، ۱۴، ۱۵، ۱۸
مهدوی، مسعود / ۲۸۵
مهدوی، هوشنگ / ۳۰۴
مهدی‌نیا / ۳۰۹
مهذب (دکتر) / ۱۹۲
مهری، حسین / پنجاه، ۱۵۶، ۱۵۷، ۳۴۶، ۳۸۶
مهری (مأمور ساواک) / ۱۵۹
میخ‌چی، باخته / سی و نه، ۷۵
میراحمدی، مریم / ۳۰۸
میراشرافی / ۲۳۷، ۳۴۶، ۳۴۷
میرجانی، محمود / ۳۶۲
میرجهانگرد / ۲۱۷
میرسپاسی / ۳۳۷
میرصادقی، محمد / ۲۱۴
میرعبدالباقی / ۳۷۹
مؤتمن‌الملک / ۳۶۰
مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی / ۳۱۰
ن
ناتل خانلری، پرویز / ۳۳۹
نادر / ۳۵۸
ناصرخسرو / ۱۱۷
نامدار، مصطفی / ۳۸۱
نامدار، مهدی (دکتر) / ۲۵۱
نایروبی / ۳۷۴، ۳۷۵
نابین / ۳۳۹، ۳۴۰
نبوی، ایرج / پنجاه، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۳۴۷
نجاتی، غلامرضا / ۳۰۹
نجفی، حسین / ۲۸۶، ۲۹۳، ۳۴۸
نجفی، غلامرضا / ۲۵۳
نجمی، ناصر / ۳۰۸، ۳۱۰
نخعی، امیرحسین / ۱۹۴، ۲۸۶
نروژ / ۱۸۳
نریمان، محمود / ۳۴۰
نصرالاطباء / ۳۴۸
نصر (تئاتر) / پنجاه و هفت، ۱۱۴، ۲۰۲
نصر، علی / ۳۴۸، ۳۵۹
نصیری، نعمت‌الله / شصت و چهار، ۶۹، ۷۳، ۸۱، ۱۰۷، ۱۵۹، ۱۹۱، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰
نصیر / ۲۷۵، ۲۷۷
نعمت، عباس / هجده، چهل و هفت، ۱۴۴
نعمی / ۲۱۷

- نقیسی / سی و شش، سی و هفت، ۵۹، ۶۱
 نقشینہ / ۳۵۸
 نقیب زاده، محمد علی / ۲۸۰، ۳۰۰
 نمازی / ۲۵۱
 نمازی، محمد / ۲۵۱
 نواب، عبدالباقی / ۳۷۳
 نواب (مأمور ساواک) / ۲۴۱
 نوزده، چهل و هشت
 نوکیانی، رضا / ۱۷۶
 نهاوند / ۳۳۶
 نیساری، عباسقلی / ۲۵۱
 نیک بخت، عباس / ۲۲۱، ۲۲۱
 نیک پی، اعزاز / ۱۱۳
 نیویورک / ۳۶۳
 و
 واترگت / بیست و هشت
 واحدی نوایی / قدرت الله / ۳۰۰
 وازن، ویلیام / ۳۳۲
 واشنگتن / ۳۲۰، ۳۳۳، ۳۳۴
 والا، عزت الله / پنجاه و نه، ۲۰۸
 والا، فتح الله / پنجاه، ۷۶
 وایلد، اسکار / ۳۵۹
 وثوقی، ناصر (دکتر) / بیست و شش، ۲۶
 وحیدنیا / ۱۹۲
 وحیدنیا، سیف الله / ۳۰۹
 وحیدی، ایرج / ۳۸۱
 وحیدی، جمشید / پنجاه و هشت، ۱۹۳، ۲۶۹
 ورجاوند، فریدون (دکتر) / ۲۵۱
 ورهرامیان، هرمزدیار / ۲۵۳
 وکیلی، علی / ۲۵۱
 ولائی، احمد / ۲۱۸
 وینلکسون، هارولد / ۳۷۴
 وهاب زاده / سی و پنج، ۵۴
 وین / ۲۱۲
 ه
 هادیس، پل / ۳۷۱
 هاشمی، حمید / چهل و چهار، ۹۳
 هاشمی (سرهنگ) / بیست و نه، ۳۷، ۱۶۲، ۲۷۳
 هتل لوزان / ۵۳
 هدایت، خسرو / شصت، ۲۰۹، ۲۶۴، ۳۳۷، ۳۴۹
 ۳۵۰
 هدایت، سعید / ۱۰۷، ۲۶۳، ۳۵۰
 هدایت، مخبر السلطنه / ۳۱۵
 هدایتی، هادی / ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۳۵۰
 هراتی / ۳۶۰
 هرن / ۳۸۴
 هروی، علیرضا / ۲۸۰، ۳۸۴
 هزیر، غلامحسین / ۳۰۹، ۳۱۷
 هفت تپه / ۶۵
 هلند / ۱۸۳
 همایونفر، ابراهیم / ۵۰، ۲۱۹، ۳۵۱
 همدان / ۲۲۷، ۳۲۵، ۳۶۰
 هندوستان / ۱۸۳، ۳۲۴، ۳۴۷
 هنرمندی، اسماعیل / شصت و یک، ۲۹۹، ۳۰۳

هنگ کنگ / ۱۸۳

هوگو، ویکتور / ۳۵۹

هومن، محمود / ۳۶۱

هویدا، امیرعباس / چهل و هشت، پنجاه و یک،

پنجاه و شش، شصت و دو، شصت و سه، شصت و

چهار، ۱۳۸، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۹، ۲۳۳،

۲۳۴، ۲۳۶، ۳۰۹، ۳۲۱، ۳۲۶، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۴۱،

۳۵۰

ی

یارافشار، پرویز / ۱۹۴

یارایی / ۱۶۳

یاسایی / ۵۳

یانگ، بوی / ۳۷۴

یزدی، مرتضی / ۳۱۷

یغمایی، کیهان / ۱۹۱

یگانگی، اسفندیار / ۲۵۱

یگانگی، اسماعیل / پنجاه، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹، ۲۵۱

یگانه، محمد / ۲۱۴

یگانه، ناصر / ۳۸۱، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۳۲، ۳۶۱

یوسف زاده، ابراهیم / چهل و دو، ۸۵

یوسفی / ۲۲۷

یونان / ۱۸۳

● ضمیمہ ہا

MAHABAT MOJAZZABAR

Weekly Magazine
Tehran, Joloh Ave.

Tel : { 392528-393244
393793-315966

No

Date



مجله هفتگی
تهران - خیابان ژاله
۲۳۲۳۴ - ۲۳۲۳۳ | تلفن
۳۱۵۹۶۶ - ۳۹۳۷۹۳

شماره

تاریخ

شماره	شرح	ریال
۱	تیراژ مجله تبیان در سال ۵۲ بالغ ۲۶۱۰۹۰ نسخه که بازر مشرفان شهر شماره تیراژ بالغ بر ۲۰۰ نسخه برده است .	
۲	و ترویج از محل تکثیرش مجله در سال ۵۲ بالغ بر	۵۶۱۱۶۲
۳	و ترویج از محل تکثیرش ۱۲۷ نایند و شهرستانها در سال ۵۲ بالغ	۱۹۵۰۰۵۷۴
۴	و ترویج بابت آبرونان اشخاص	۹۸۵۲۰۰
۵	و ترویج از محل آگهی مؤسسات دولتی	۲۲۲۲۳۰۸
۶	ملی و خصوصی	۱۶۵۱۳۱۹
۷	مالیات مجله از نمایندگان و مؤسسات جمعا *	۱۳۴۷۲۹۴
۸	بدیعی ترانه در باشخاص و مؤسسات	۱۱۵۸۴۲۲۱

۱۳۵۲/۱۲/۲۵

(۵)

شماره ۱۱۱ تاریخ ۱۰ شهریور ماه ۱۳۴۷

مبلغ همکاران محترمین در باب خرید مسکن ۱۲۰۰ ریال

توسط جناب آقای مهدی عبدالم و دلاله

از طرف خزانة دار که در لیس

۵۱۷.۰۰۰

باشگاه زاری

شماره ۱۱۷ تاریخ ۱۰ شهریور ماه ۱۳۴۷

مبلغ همکاران محترمین در باب خرید مسکن ۱۲۰۰ ریال

توسط جناب آقای سید علی عبدالرزاق

۵۱۷.۰۰۰

شماره ۱۱۶ تاریخ ۲۴ شهریور ماه ۱۳۴۷

مبلغ همکاران محترمین در باب خرید مسکن ۱۸۰۰ ریال

توسط جناب آقای مهدی عبدالم و دلاله

از طرف خزانة دار

۵۱۷.۰۰۰

شماره ۱۱۶ تاریخ ۲۴ شهریور ماه ۱۳۴۷

مبلغ همکاران محترمین (۲۲۰۰) ریال

توسط جناب آقای مهدی عبدالم و دلاله

از طرف خزانة دار

۵۱۷.۰۰۰

